

میزان الحکمت

جلد اول

تحریر میثمی شہری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی



مجلس شورای اسلامی

میزان الحکمة

(با ترجمہ فارسی)



مرکز تحقیقات و ترویج علوم و معارف
محمدی ای سہری

جلد اول

ترجمہ : حمید رضا شیخی

پژوهشکده علوم و معارف حدیث: ۵



مرکز تحقیقات علوم و معارف اسلامی

محمّدی ری شهری، محمّد، ۱۳۲۵ -
میزان الحکمة با ترجمه فارسی / محمّد محمّدی ری شهری - [ویرایش دوم] - قم: دار
الحديث، ۱۴۲۷ ق = ۱۳۸۵.
۱۴ ج — ص. — (پژوهشکده علوم و معارف حدیث: ۵)

ISBN(set) : 978 - 964 - 493 - 350 - 9

ISBN : 978 - 964 - 493 - 351 - 6

عنوان اصلی: میزان الحکمة.

عربی - فارسی

کتاب نامه: ج ۱۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

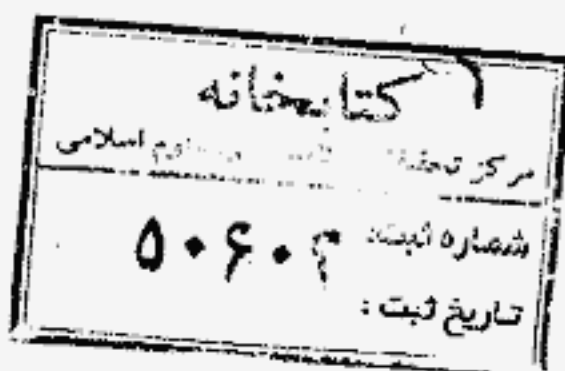
۱. احادیث شیعه. ۲. احادیث اهل سنت. الف. عنوان ب. شبخی، حمید رضا، ۱۳۴۱ -

مؤلف

۲۹۷/۲۱۲

BP۱۲۶/۹۹م۹

فهرست نویسی پیش از انتشار، در کتابخانه تخصصی حدیث / قم.



میزان الحکمة با ترجمه فارسی (فهرست‌ها) / ج ۱

محمد محمدری شهری

ترجمه: حمیدرضا شبخی

تحقیق و آماده‌سازی: پژوهشکده علوم و معارف حدیث

مدیریت تحقیق و آماده‌سازی: غلامحسین مجیدی

بازبینی علمی و نهایی: عبد‌الهادی مسعودی، حیدر مسجدی، مجتبی غیوری

مقابله و تصحیح: علی حقیقی، سید مرتضی طبایی، سید حمید حسینی، عباس پستدیده، صادق حائری، مجتبی قرچی

ویراستار فارسی: سعید رضا علی‌عسکری، محمد باقری زاده اشعری، قاسم شیر جعفری

ویراستار عربی: حاج کمال کاتب، عبد‌الکریم مسجدی، حسنین دهاغ، علی دهاغ‌پور

نمونه‌خوانی فارسی و عربی: تقی ربانی، سید حسین محدث، محمود کریمیان، امیر حسین ملک‌پور، رعد بهبهانی، حیدر وائلی

کنترل نهایی اصلاحات: محمود سپاسی، مصطفی اوجی، مهدی جوهرچی، محمد محمودی، علینقی نگران، سید هاشم شهرستانی

اعراب‌گذاری: علی یصری

بازخوانی و کنترل اعراب: ناصر حکمت

مجری آماده‌سازی پیش از نشر: محمد باقر نجفی

فهرست‌ها: رعد بهبهانی، محمد حسین مظفر

کتاب‌شناسی: مهدی هوشمند

صفحه‌آرایی: محمد ضیاء سلطانی

خوش‌نویسی: حسن فرزانه‌گان

ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث

چاپ: یازدهم / ۱۳۸۹

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت دوره: ۱۲۰۰۰۰ تومان



مرکز تحقیقات علوم اسلامی



دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، پلاک ۱۲۵ تلفن: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۲۳ / فاکس: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۷۱ / ص.پ ۴۴۶۸ / ۳۷۱۸۵

نمایشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم): ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۲۵ / فروشگاه شماره «۲» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی ع): ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۲۵ / کاشانی: ۵۵۹۵۲۸۶۲

فروشگاه شماره «۳» (مشهد مقدس، چهارراه شهدا، ضلع شمالی باغ نادری، مجتمع فرهنگی تجاری گنجینه کتاب، طبقه هم‌کف: ۰۵۱۱ ۲۲۴۰۰۶۲ - ۳

فروشگاه شماره «۴» (مشهد مقدس، میدان تختی، خیابان شهید اسدالله زاده، نرسیده به چهار راه پل خاکی، سمت چپ، ساختمان کوثر، تلفن: ۲۲۲۱۴۲۴

<http://darolhadith.ir>

darolhadith.20@gmail.com

ISBN(set): 978 - 964 - 493 - 350 - 9

ISBN: 978 - 964 - 493 - 351

❖ کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است ❖

پیش‌گفتار ترجمه

حدیث، مادر علوم اسلامی است و پس از قرآن، مهمترین منبع فرهنگی مسلمانان است. معارف دینی و علوم گوناگون اسلامی، از تفسیر و فقه تا اخلاق و کلام و عرفان، سر در آبشخور زلال حدیث دارند و همه آنها میوه‌های شیرین این شجره طیبیه هستند. حدیث، تراویده اندیشه پاکترین انسان‌هاست و میراث ماندگار ثقل کبیر (عترت) است که در کنار ثقل اکبر (قرآن)، بهروزی و رستگاری را برای انسان به ارمغان می‌آورد. دلبستگان راه سعادت، در طول تاریخ، این میراث جاودانی را پاس داشته و به پیروی از فرمان پیشوایان پاک خود، در فراگیری، گردآوری، حفظ، نقل، فهم و نشر آن، بسی کوشیده و مجموعه‌هایی کوچک و بزرگ را برای تعلیم و مذاکره و یا عمل و مراقبه سامان داده‌اند.

عالمان و محدثان بزرگ می‌دانستند که آگاهی مردم از «محاسن» کلام ائمه علیهم‌السلام برای گام نهادن بر جای پای ایشان «کافی» است و در طریقه «تهذیب» نفس و «استبصار» و نیل به «مکارم اخلاق» و «خصال» نیکو، تنها «مشکاتی از انوار» ائمه علیهم‌السلام و «دستاوردهای خرد» رهیافته به دین، کار است و این «ستاره‌های فروزان» امامت اند که از عهده هدایت بشر به «دریاهای نور» بر می‌آیند. «میزان الحکمه» امتداد این کوشش موزون و حکیمانه است و «مجمع البحرین» پیام‌های ثقل اکبر و کبیر که در پی پاسخگویی به پرسش‌های کهن و نو اندیشمندان از نگاه اسلام است. این اثر - که حاصل بیش از بیست سال کوشش شبانه روزی جناب آقای ری‌شهری است -، با بهره‌گیری از صدها کتاب حدیث و تفسیر و لغت و تاریخ، بیست و سه هزار حدیث را در کنار آیات متناسب با آنها در قالب ۵۶۰ عنوان اصلی و ۴۱۹۷ عنوان فرعی، دسته‌بندی موضوعی نموده است. ترتیب و نظم الفبایی موضوعات اصلی کتاب در کنار استفاده روشمند از نظام ارجاع‌دهی، پژوهشگر

را از مراجعه به بسیاری از منابع حدیثی شیعه و اهل سنت، مُستغنی می‌کند و استقبال چشمگیر از کتاب و چاپ‌های مکرر آن، نشان دهنده موفقیت این کتاب در پرکردن خلأ نسبی در زمینه معارف دینی بوده است. از این رو مؤلف محترم برای گسترانیدن دامنه بهره‌گیری از آن، ترجمه فارسی آن را به بنیاد پژوهش‌های اسلامی پیشنهاد کردند و توفیق این کار مبارک، هر چند دشوار و نفس‌گیر، نصیب مترجم توانمند آن بنیاد، جناب آقای حمید رضا شیخی شد و بدینسان برگه زرین بر افتخارات ایشان و نیز پیشینه شکوهمند ایرانیان در عرصه ترجمه متون دینی افزوده شد. ویرایش نهایی این ترجمه روان و شیوا نیز به عهده مسئول محترم بنیاد پژوهش‌های اسلامی، جناب حجة الاسلام والمسلمین علی اکبر الهی خراسانی، از عالمان و اساتید مبرز حوزه علمیه مشهد، بود و جناب حجة الاسلام سید حسن اسلامی بازبینی نهایی آن را به انجام رساندند و حاصل کار، ویرایش نخست این کتاب بود که با استقبال کم‌نظیر کتاب‌خوانان روبرو گشت و بارها به چاپ رسید.

شایان ذکر است که در کنار ترجمه، به تصحیح و اعراب‌گذاری متن عربی نیز همت گماشته شد و آقایان بصری، هوشیاری و احسانی فر در اعراب‌گذاری و آقایان خوش نصیب، دباغ، افقی، مسجدی، وائلی و بهبهانی در نمونه خوانی متن عربی کتاب، از کوشش‌های بی‌شائبه خود، دریغ نورزیدند. پس از آن و با گذشت پنج سال و آشکار شدن پاره‌ای اشکال‌ها در متن عربی و فارسی، ویرایش مجدد متن عربی و فارسی آغاز شد و اصلاحات زیر در متن عربی انجام گرفت:

۱. افزودن و یا جابجایی برخی آیه‌ها.
۲. کامل آوردن آیات.
۳. افزودن برخی «بیان»‌ها در ابوابی که نیاز به توضیح داشتند.
۴. توضیح و تفسیر برخی لغات مشکل.
۵. حذف تعدادی از احادیث تکراری.
۶. اضافه کردن روایات به برخی از موضوعات کم‌روایت.
۷. مرتب کردن دوباره روایات به ترتیب خاندان رسالت ﷺ.

۸. تنظیم مجدد شماری از ابواب.

۹. تبدیل منابع ضعیف به قوی‌تر.

۱۰. تصحیح برخی اغلاط در اعراب کلمات.

متن ترجمه فارسی نیز به وسیله آقای علی‌عسگری با متن عربی مقابله شد و تغییرات و اصلاحات ضروری در آن انجام گرفت. ایشان به ویرایش متن نیز پرداختند و سپس همه اصلاحات پیشنهادی‌شان در متن و ترجمه به وسیله این جانب بازبینی شد. ویرایش بعدی ترجمه، توسط آقایان باقری‌زاده اشعری و شیرجعفری انجام گرفت و سپس کل کتاب، توسط آقایان علینقی نگران و سید هاشم شهرستانی و محمود سپاسی و مصطفی اوجی، نمونه خوانی و به وسیله آقای سلطانی، صفحه آرایی گردید. خوشنویس عنوان‌ها را هم آقای فرزانه‌گان، به انجام رساند.

گفتنی است در ترجمه آیات، از ترجمه آقای محمد مهدی فولادوند با اندک اصلاحاتی استفاده کرده و برای برخی واژه‌ها، مکان‌ها و یا نام اشخاص - که مبهم می‌نمود - توضیح آورده و برای پرهیز از تطویل، متن عربی بیان‌ها و مقدمه‌ها را حذف و به ترجمه فارسی آنها بسنده نموده‌ایم.

در پایان و ضمن ابراز سپاس از همه کسانی که در سیر چند ساله بهسازی متن و ترجمه میزان الحکمه با دار الحدیث همکاری داشته‌اند، به ویژه جناب آقای مجیدی - که سرپرستی کار را در مراحل نهایی آن به عهده گرفتند - و با امید پاداش مضاعف از خداوند منان کریم، از همه خوانندگان گرامی خواستاریم تا یادآوری‌های ما را از ما دریغ نورزند و اشتباهات را بر ما ببخشند.

وله الحمد

پژوهشکده علوم و معارف حدیث

عبد الهادی مسعودی

خرداد ۱۳۸۵

یادآوری و سپاس

خدای متعال را سپاس می‌گزاریم که بازنگری متن و ترجمه فارسی میزان الحکمه به پایان رسید و کوشش‌های دراز دامن پیشین و کنونی به ثمر نشست.

این جانب از مترجم فاضل کتاب، جناب آقای حمیدرضا شیخی و همچنین مدیریت محترم بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، برادر گران قدر، جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای الهی خراسانی، و نیز جناب حجة الاسلام سید حسن اسلامی، جناب حجة الاسلام عبد الهادی مسعودی، جناب حجة الاسلام غلامحسین مجیدی - که نظارت و مدیریت کار را در مرحله قبل و یا مرحله فعلی به عهده داشته‌اند - و جناب آقای محمد باقر نجفی و همه برادران دیگری که در تصحیح، تقویت منابع، اعراب‌گذاری و مراحل مختلف آماده سازی و نشر این کتاب، تلاش نمودند، کمال تشکر را دارم و برای همه این عزیزان، توفیق خدمت و نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام را از خداوند، خواستارم.

تذکر مهم

یکی از آداب مهم نقل حدیث، چگونگی نسبت دادن آن به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام است. کلینی رحمته‌الله از امام علی علیه‌السلام روایت کرده است که:

إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ؛ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَقَلْبِي^۱.

هنگامی که حدیثی را نقل می‌کنید، آن را به کسی که آن را روایت نموده، نسبت دهید، که اگر درست باشد، به سود شماست و اگر دروغ باشد، به زیان راوی است.

بنا بر این، برای رعایت احتیاط، توصیه اکید داریم که کسانی که می‌خواهند از این کتاب یا سایر کتب روایی، حدیثی نقل کنند، آن را مستقیماً به پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ نسبت ندهند؛ بلکه حدیث را از طریق منبعی که آن را روایت کرده است، به آنان منسوب نمایند. برای نمونه، نگویند: «پیامبر ﷺ چنین فرمود» یا: «امام ﷺ چنین فرمود»؛ بلکه بگویند: «فلان کتاب، از پیامبر ﷺ چنین روایت کرده است» و یا بگویند: «از پیامبر ﷺ چنین روایت شده است».

محمد محمدی ری شهری

سوم مهرماه ۱۳۸۵

یکم رمضان ۱۴۲۷



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

پیش‌گفتار نخستین چاپ

به نام خدای بخشاینده مهربان

سپاس و ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است، و درود خدا بر سرور ما محمد و بر خاندان پاک و پاکیزه او، و نفرین خدا بر همه دشمنان ایشان تا روز رستخیز.

از همان نخستین سالهای زندگی علمی خود که فراگرفتن علوم دینی را آغاز کردم، شوق فراوان و عشق شدیدی به مطالعه مسائل عقیدتی و اخلاقی در خود حس می‌کردم و برای درمان درد خود و فرونشاندن عطش خویش، گفته‌ای برتر از گفته خداوند بزرگ و سخنی بهتر از سخن پیامبر عظیم الشان و امامان پاک سرشت - که درود خدا بر همه آنان باد - نمی‌یافتم. این بود که در کنار تحقیقات و مطالعات دیگر خود در حوزه علمیه، بخش زیادی از اوقات خویش را به مطالعه قرآن و کتب حدیث اختصاص دادم.

در گرماگرم این کار توجه خود را روی دو نکته متمرکز ساختم که بعدها آن دو را شالوده تحقیقات و مطالعات علمی و نوشته‌های خویش قرار دادم. این دو نکته عبارتند از:

۱- ضمن جستجو و کاوش در متون اسلامی، این اعتقاد راسخ در من پدید آمد که نیرومندترین، ژرفترین، زیباترین و ساده‌ترین برهانهای علمی و فلسفی در زمینه آفرینش و رستخیز و موضوعات فکری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در لابلای این متون نهفته است. از این رو، دریغ می‌خوردم و از خود می‌پرسیدم: برآستی چرا دانشمندان و نویسندگان و اندیشمندان مسلمان تاکنون اهتمام و توجه در خور به این واقعیت نشان نداده‌اند؟ این بود که با دانش ناچیز خود به تعمق و تأمل بیشتر در موضوعات عقیدتی که بر ادله برگرفته از قرآن کریم و متون و روایات اسلامی استوار است، پرداختم؛ چرا که دیدم هم خود و هم جامعه‌ام به این امر سخت نیازمندیم.

این مطالعات و بررسیها فرصت خوبی برای من فراهم آورد تا برای شماری از طلاب علوم دینی حوزه علمیه شهر مقدس قم سلسله درسهایی در زمینه مبانی اندیشه اسلامی ایراد کنم. لذا از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۰ هـ. ش برابر با ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ هـ. ق برای طلاب پسر و دختر درسهایی مطرح کردم که بعضی از آنها چاپ و منتشر شده است.

البته قصد به خود بالیدن ندارم و نمی‌توانم ادعا کنم که هدف دلخواه خود، یعنی تدوین شالوده‌های اندیشه اسلامی بر طبق دلایل برگرفته از قرآن کریم و سنت شریف، را تحقق بخشیده‌ام، اما توانسته‌ام راه را فرا روی آنان که می‌خواهند در این میدان گام نهند بگشایم و امیدوارم که علما و دانشمندان مسلمان این تلاش را ادامه دهند.

۲- نکته دومی که در خلال مطالعات و تحقیقاتم، توجه مرا به خود جلب کرد این است که احادیث اهل بیت علیهم‌السلام نیز مانند آیات قرآن کریم مفسر برخی دیگر است؛ از این رو، کسی که به احادیث اسلامی احاطه کامل داشته باشد می‌تواند آنها را به وسیله یکدیگر تفسیر کند.

به نظر می‌رسید که کار گردآوری و باب‌بندی روایات و احادیث مربوط به قضایای فقهی، اعم از عبادات و معاملات، به گونه‌ای تقریباً کامل انجام گرفته است؛ اما در خصوص مسائل فکری و اخلاقی و اجتماعی سوگمندها چنین چیزی یافت نمی‌شود و اگر هم کوششهایی صورت پذیرفته باشد، تقریباً قابل ملاحظه نیست. از این رو، چنانچه پژوهشگری بخواهد درباره مسائل پیشگفته اظهار نظر کند، لازم است به چندین کتاب و چندین مجلد مراجعه نماید که این خود وقت زیادی را می‌طلبد؛ و گاه دست یافتن به همه روایاتی که به او کمک می‌کند تا تحقیق خود را کامل گرداند و نظر درست و دقیقی ارائه دهد، میسر نمی‌گردد.

بدین سان دریافتم که جامعه اسلامی به ویژه حوزه‌های علمیه به شدت نیازمند کتابی است که احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خاندان او را به گونه‌ای تنظیم کند و ارائه نماید که پژوهشگر به آسانی بتواند حدیث مورد نیاز خود را در زمینه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی و عملی دست یابد.

گرچه قدم گذاشتن به این میدان کار ساده‌ای نبود. و پژوهشگران از میزان دشواری آن آگاهند. لیک عشق من به حدیث محمد و خاندان او - صلوات الله علیهم اجمعین - مرا به پیمودن این راه تشویق کرد و بر آنم داشت تا برای تحقق بخشیدن به این آرمان آن چه می‌توانم انجام دهم.

تألیف این کتاب را به سال ۱۳۴۷ هـ. ش برابر با ۱۳۸۸ هـ. ق در زندان شهر مشهد آغاز کردم. از آن زمان هر

گاه فرصتی دست می‌داد، در کنار تدریس و مطالعه و تحقیق، کار فراهم آوردن این کتاب را پی می‌گرفتم و تقریباً تمامی ایام تعطیلات تابستانی را به انجام این کار اختصاص داده بودم.

در آغاز کار تقریباً به تمامی روایاتی که در مجلدات «بحار الأنوار» آمده است مراجعه و همه نکات مورد نظر را یادداشت کردم. این کار دو تا سه سال ادامه یافت. بعد از آن که نکات یادداشت شده را به صورت الفبایی مرتب نمودم بار دیگر به متون و منابع مراجعه و شروع به دسته‌بندی احادیث بر اساس موضوع و محتوا کردم. نمی‌دانم این تلاش چقدر طول کشید، اما سختی و مشقتی را که متحمل شدم تا این کار با موفقیت پایان پذیرفت، از یاد نمی‌برم.

ضمن کار در این کتاب به نکاتی چند برخورددم که در خور درنگ و تأمل است:

الف - فراوانی روایات تکراری در بحار الأنوار

در آن زمان به نظر می‌رسید که چنانچه روایات تکراری از بحار حذف شود ممکن است، از مجموع یکصد و ده جلد چاپ جدید، بیست جلد آن کم شود؛ زیرا افزون بر وجود احادیث فراوانی که به لحاظ متن همگون و تکراری هستند، به احادیث متعددی برخورددم که هم متن و هم سند آنها تکراری بود.

ب - کاستی چشمگیر در موضوعات کتاب بحار الأنوار

با آن که هدف مؤلف کتاب بحار - رضوان الله تعالی علیه - این بوده است که همه احادیث را - از صحیح و ضعیف - گردآورد؛ و به رغم تکرار بسیاری از احادیث، با این حال کاستی موجود در ابواب کتاب به گونه‌ای است که بسیاری از احادیث مربوط به یک باب را در ابواب دیگر می‌یابیم. برای نمونه، شمار احادیثی که در فصل «ادب» آمده هشت تا است اما احادیثی که از همین موضوع ادب، در دیگر ابواب و مجلدات بحار و غیر بحار آمده یکصد و بیست و پنج حدیث است، چنان که در مجموعه میزان الحکمة ملاحظه می‌فرمایید.

زمانی که سرگرم بازبینی و پرداخت نهایی کتاب بودم این اندیشه در ذهنم گذشت که به منابعی که مؤلف کتاب بحار به آنها اعتماد کرده و در اختیار ماست، مراجعه کنم. با مطالعه برخی از این منابع متوجه شدم نویسنده بحار بسیاری از احادیثی را که با فصلهای گوناگون این کتاب همخوانی دارد و به بررسی مسائل

اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند استخراج نکرده است. از این رو، در حد توان با مراجعه به منابع موجود، زمانی را به جبران این کاستی اختصاص دادم.

ج - استفاده از کتابهای حدیث اهل سنت

در ادامه تلاش برای به انجام رساندن کتاب حاضر، سودمند دیدم که به کتابهای اهل سنت نیز مراجعه کنم و احادیثی را که آنان نقل کرده‌اند و به مسائل مطرح شده در این کتاب مربوط می‌شود بر آن بیفزایم تا بدین ترتیب کتاب حاضر برای علاقمندان چنین مباحث و مطالعاتی از جهات گوناگون مفیدتر باشد. در اثنای این کوشش شماری از کتابهای اهل سنت، از جمله کتاب «کنز العمال» تألیف حسام الدین هندی (متوفای ۹۷۵ ه. ق)، را خواندم. این کتاب، که به لحاظ گستردگی و شمول، همانند «بحار الأنوار» است، شانزده مجلد و دوازده هزار و دویست و پانزده صفحه دارد. این شانزده جلد، چهل و شش هزار و ششصد و بیست و چهار سخن منقول را در خود گنجانده و چون بخشی از آنها ویژگی «حدیث» را ندارند شاید مجموع احادیث نقل شده در «کنز العمال» به حدود چهل هزار برسند.

با بررسی و پیگیری فصلهای کتاب نامبرده احساس کردم که به دیگر کتابهای اهل سنت تقریباً نیازی نیست؛ بنابراین احادیثی را که به نوع کار من در کتاب «میزان الحکمة» مربوط شد، تنها از آن نقل کردم.

در ضمن مطالعه «کنز العمال» ملاحظه کردم که شمار زیادی از روایات غیر مسند موجود در کتابهای ما از کتب اهل سنت نقل شده است.

همچنین به تعدادی از کتابهای شیعه و اهل سنت که بعداً نامشان خواهد آمد، مراجعه کردم و به هر بابی آیات قرآنی متناسب با آن باب را افزودم.

با همه سختیها و دشواریهایی که در راه فراهم آوردن این کتاب متحمل شدم هنوز در نیمه راه هستم و هنوز به هدف نهایی خود نرسیده‌ام؛ اما فضای عمومی و شرایطی که در آن به سر می‌برم و مسؤولیتهای بزرگی که به دوشم نهاده شده است، به من اجازه نداده که به امید تکمیل نهایی کتاب حاضر، چاپ و نشر آن را به تأخیر اندازم. البته اگر زنده ماندم به یاری خدا در آینده نهایت کوشش خود را به کار خواهم برد تا آنچه را آغاز کرده‌ام به کمال رسانم.

خاطره‌ای با استاد شهید مرتضی مطهری

فراموش نمی‌کنم آن روز از تابستان سال ۱۳۵۷ ه. ش (۱۳۹۸ ه. ق) - پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران - را که شهید مطهری - رحمه الله علیه - در منزل مادر شهر مقدس قم ظهر میهمان ما بودند. در آن هنگام استاد در پایان هر هفته برای جمعی از طلاب علوم دینی حوزه قم در سهایی پیرامون «شناخت در منطق قرآن» ایراد می‌کردند. به علت وجود پیوند و ارتباط میان این درسها و فصلی که در کتاب حاضر به «شناخت» اختصاص داده‌ام، فهرستی از عناوین این فصل کتاب را به ایشان نشان دادم. ایشان فرمود: «این آماده چاپ است» و تأکید کردند به همان شکلی که به ایشان عرضه کردم چاپ شود. سپس ادامه دادند: «شیوه دانشمندان غربی در تألیف این است که اگر کتاب تا حد معقولی سودمند باشد آن را چاپ می‌کنند و سپس در چاپهای بعد مطالب تازه‌ای به آن می‌افزایند». استاد شهید مطهری - رحمه الله - این شیوه را می‌ستودند. اما با این حال، من ترجیح دادم زمانی کتاب را چاپ و منتشر کنم که از کار تألیف آن کاملاً فراغت حاصل کنم؛ لیکن سرانجام به این باور و اعتقاد رسیدم که شرایط خاصی که اکنون من در آن به سر می‌برم اقتضا می‌کند هر چه زودتر آن را برای چاپ آماده سازم؛ چرا که مشکل است کس دیگری جز خود من کار فصل بندی و آماده‌سازی این کتاب را به گونه‌ای کسه مطلوب و آرزوی من است، انجام دهد. سرانجام با وجود گرفتاریهایم، تصمیم گرفتم برای به پایان بردن کار این کتاب از ایام تعطیلی و اوقات فراغت شبانه بیشترین بهره‌برداری را بکنم. که بحمد الله، پس از گذشت چهارده سال از آغاز تألیف کتاب حاضر، این اثر به گونه‌ای شایسته و در خور به سرانجام رسید و به یاری خداوند بزرگ در فرصت مناسب کاستیهای آن را نیز جبران خواهم کرد.

در پایان بر خود لازم می‌دانم سپاس فراوانم را تقدیم همسرم کنم که فضای مناسب را در محیط خانه برای انجام کارهای فکری من فراهم آورد و در راه آفریدن جو سازگار با پژوهش و نگارش، رنج دشواریها و بارهای گران زندگی را به جان خرید.

اینک شما و «میزان الحکمة»؛ کتابی که آغازش «ایثار» است و فرجامش «یقین».

رجب المکرم ۱۴۰۳ ه. ق

برابر با ۱۳۶۲/۲/۱ ه. ش

حرف الف



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران

۱۷	الإيثار (إيثار)
۳۵	الأجر (هأااا)
۳۱	الإجارة (أجاره)
۳۹	الأجل (أجل)
۵۵	الآخرة (أخرت)
۶۷	الأخ (أرااا)
۹۷	الأدب (أاا)
۱۱۷	الأذان (أاان)
۱۲۳	الإيذاء (أزراا)
۱۲۹	التاريخ (أاربا)
۱۳۷	الأرض (أزما)
۱۵۳	الأسير (أسا)
۱۵۷	الأسوة (أرماا)
۱۶۳	المواساة (مواااا)
۱۷۱	الأصول (أصول)
۱۷۷	الأكل (أوررا)
۱۹۱	الألفة (أاا)

١٩٥	الله (الله).....
١٩٩	الإمارة (فرمانروایی).....
٢٠٣	الأمل (آرزو).....
٢١٣	الأمة (امت).....
٢٢٥	الإمامة العامة (امامت عامه).....
٢٢٥	الإمامة الخاصة / الإمام علي بن أبي طالب (امامت خاصه / امام علي).....
٣٠٧	أُمُّ الْأَثَمَةِ فَاطِمَةُ (مادر امامان فاطمه).....
٣١٣	الحسنان (حسنين).....
٣١٩	الإمام الحسن بن علي (امام حسن مجتبی).....
٣٢٥	الإمام الحسين بن علي (امام حسين).....
٣٣٣	الإمام علي بن الحسين (امام سجاد).....
٣٣٧	الإمام محمد بن علي الباقر (امام محمد باقر).....
٣٤١	الإمام جعفر بن محمد الصادق (امام جعفر صادق).....
٣٤٧	الإمام موسى بن جعفر الكاظم (امام موسى كاظم).....
٣٥١	الإمام علي بن موسى الرضا (امام رضا).....
٣٥٧	الإمام محمد بن علي الجواد (امام جواد).....
٣٦٣	الإمام علي بن محمد الهادي (امام هادي).....
٣٦٩	الإمام الحسن بن علي العسكري (امام حسن عسكري).....
٣٧٥	الإمام القائم (امام مهدي).....
٤٠٣	الإيمان (ایمان).....
٤٦٥	الأمانة (امانتداری).....
٤٧٥	الأمان (زنتهار دادن).....
٤٧٩	الأنس (همدمی).....
٤٨٣	الإنسان (انسان).....
٤٩٣	الإناء (ظرف).....
٤٩٥	الآفات (آفتها).....

الإِثَارُ

إِثَارُ



ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧٤/ ٣٩٠ باب ٢٨، التراحم... والصلة والإِثَارُ والمواثبة وإحياء المومن.

وسائل الشيعة: ٦/ ٢٩٩ باب ٢٨، استحباب الإِثَارِ على النفس.

وسائل الشيعة: ١١/ ٢٢٠ باب ٣٢، وجوب إِثَارِ رضى الله على هوى النفس.

بحار الأنوار: ٧٠/ ١٠٦ باب ٤٨، إِثَارِ الحق على الباطل.

وانظر:

التجارة: باب ٤٥٣.

الدنيا: باب ١٢٤٣-١٢٤٤.

الهوى: باب ٣٩٩٢.

۱

الْحَثُّ عَلَى الْإِثَارِ

الکتاب:

﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۱

﴿وَيُطْعَمُونَ الْطَّعَامَ عَلَىٰ حَبِّهِ مِشْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَنُرِيدَ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا﴾^۲

الحديث:

۱. الکافی عن أبان بن تغلب: قُلْتُ [لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام]: أَخْبِرْنِي عَنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ. فَقَالَ: يَا أَبَانُ، دَعَهُ لَا تَرِدُهُ. قُلْتُ: بَلَى - جُعِلَتْ فِدَاكَ! - فَلَمْ أَزَلْ أُرَدُّ عَلَيْهِ. فَقَالَ: يَا أَبَانُ، تُقَاسِمُهُ شَطْرَ مَالِكَ، ثُمَّ نَظَرَ إِلَيَّ فَرَأَى مَا دَخَلَنِي، فَقَالَ: يَا أَبَانُ، أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ تعالى قَدْ ذَكَرَ الْمُؤَثِّرِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ؟^۳ قُلْتُ: بَلَى جُعِلَتْ فِدَاكَ! فَقَالَ: أَمَا إِذَا أَنْتَ قَاسَمْتَهُ فَلَمْ تُؤَثِّرْهُ بَعْدُ، إِنَّمَا أَنْتَ وَهُوَ سَوَاءٌ؛ إِنَّمَا تُؤَثِّرُهُ

۱. الحشر: ۹. ۲. الإنسان: ۸ و ۹.

۳. إشارة إلى قوله تعالى: ﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾.

۱

تشویق به ایثار

قرآن:

«و [دیگران را] بر خویشتن مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند. و آنها که از خست نفس خویش، مصون بمانند، آنان، همان رستگاران‌اند.»
«و خوردنی را، با وجود دوست داشتن آن، به یتیم و اسیر می‌خورانند. ما شما را فقط برای خدا اطعام می‌کنیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی نمی‌خواهیم.»

حدیث:

۱. الکافی - به نقل از أبان بن تغلب -: [به امام صادق علیه السلام] گفتم: مرا از حق مؤمن بر مؤمن، آگاه فرما. فرمود: «ابان! این موضوع را بگذار و از آن، بگذر». گفتم: نه، فدایت شوم. و به ایشان، اصرار ورزیدم. پس، فرمود: «ای ابان! [از حقوق مؤمن بر مؤمن، این است که] دارایی‌ات را با او به دو نیم، قسمت کنی». سپس به من نگریست و چون حالت [اعجاب] دست داده به مرا دید، فرمود: «ای ابان! مگر نمی‌دانی که خداوند عز و جل از ایثارگران، یاد کرده است؟». گفتم: چرا، فدایت شوم. فرمود: «هرگاه دارایی‌ات را با او قسمت کنی، هنوز ایثار نکرده‌ای؛ بلکه تو و او یکسانید. وقتی

۱. اشاره است به آیه شریف: «و [دیگران را] بر خویشتن مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند».

إِذَا أَنْتَ أُعْطِيتَهُ مِنَ النُّصْفِ الْآخَرِ.^۱

۲. الکافی عن أبي بصير عن الإمام الباقر أو الإمام الصادق علیه السلام، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: جُهِدُ الْمُقِلِّ، أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ تعالى: ﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾ تَرَى هَاهُنَا فَضْلًا؟^۲

۳. الکافی عن جميل بن درّاج عن الإمام الصادق علیه السلام: خِيَارُكُمْ سَمَحَاؤُكُمْ، وَشِرَارُكُمْ بُخْلَاؤُكُمْ، وَمِنْ خَالِصِ الْإِيمَانِ الْبِرُّ بِالْإِخْوَانِ وَالسَّعْيُ فِي حَوَائِجِهِمْ، وَإِنَّ الْبَارَّ بِالْإِخْوَانِ لَيُحِبُّهُ الرَّحْمَنُ، وَفِي ذَلِكَ مَرْغَمَةٌ لِلشَّيْطَانِ وَتَرْحُزُ عَنِ النَّيِّرَانِ وَدُخُولِ الْجَنَانِ. يَا جَمِيلُ، أَخْبِرْ بِهَذَا غُرَرَ أَصْحَابِكَ. قُلْتُ: - جُعِلَتْ فِدَاكَ! - مَنْ غُرَّرَ أَصْحَابِي؟ قَالَ: هُمْ الْبَارُونَ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ، ثُمَّ قَالَ: يَا جَمِيلُ، أَمَا إِنَّ صَاحِبَ الْكَثِيرِ يَهُونُ عَلَيْهِ ذَلِكَ، وَقَدْ مَدَحَ اللَّهُ تعالى فِي ذَلِكَ صَاحِبَ الْقَلِيلِ، فَقَالَ فِي كِتَابِهِ: ﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.^۳

۴. الإمام الصادق علیه السلام: لَيْسَ الْبِرُّ بِالْكَثَرَةِ؛ وَذَلِكَ أَنَّ

ایثار می‌کنی که از نیم دیگر هم به او بدهی».

۲. الکافی - به نقل از ابو بصیر -: به امام [باقر یا صادق علیه السلام] گفتم: کدام صدقه برتر است؟ فرمود: «دِهش بینوا. این سخن خدای عز و جل را نشنیده‌ای که: «و [دیگران را] بر خویشان، مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند». آیا در این جا مازادی می‌بینی؟».

۳. الکافی - به نقل از جميل بن درّاج -: امام صادق علیه السلام فرمود: «بهترین شما سخاوتمندان شمايند و بدترينتان، بخيلانتان. از خلوص ايمان است: نيکي کردن به برادران و کوشش برای رفع حوايج آنان. خداوند مهربان، نيکي کننده به برادران را دوست می‌دارد و این کار، مایه طرد و خوارى شیطان، دوری از آتش و ورود به بهشت است. ای جميل! این را به آگاهی یاران برجسته‌ات نیز برسان». گفتم: فدایت شوم! بزرگان از یارانم کیان‌اند؟ فرمود: «آنان‌اند که در سختی و آسایش، به برادران، نيکي و کمک می‌کنند». سپس فرمود: «ای جميل! بدان که این کار، برای افراد توانگر، آسان است؛ اما خداوند عز و جل در این زمینه، آن را که مال اندک دارد [و در عین حال، همان را ایثار می‌کند]، ستوده و در کتاب خود، فرموده است: «و [دیگران را] بر خویشان، مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند، و آنها که از خست نفس خویش مصون بمانند، آنان، همان رستگاران‌اند».

۴. امام صادق علیه السلام: نيکي کردن، به دِهش بسيار

۱. یعنی آیا در آیه، قیدی در خصوص این که مازاد نیاز خود را عطا می‌کنند، می‌بینی؟ - م.

۱. الکافی: ۲/ ۱۷۲/ ۸.

۲. الکافی: ۳/ ۱۸/ ۴. ۳. الکافی: ۴/ ۴۱/ ۱۵.

اللَّهُ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: ﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾، ثُمَّ قَالَ: ﴿وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾، وَمَنْ عَرَفَهُ اللَّهُ بِذَلِكَ أَحَبَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - وَفَّاهُ أَجْرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ.^۱

۵. الإمام علي عليه السلام: مَنْ آثَرَ عَلَىٰ نَفْسِهِ اسْتَحَقَّ اسْمَ الْفَضِيلَةِ.^۲

۶. عنه عليه السلام: الْإِثَارُ فَضِيلَةٌ، الْإِحْتِكَارُ رَذِيلَةٌ.^۳

۷. عنه عليه السلام: كُنْ عَفْوَاً فِي قُدْرَتِكَ، جَوَاداً فِي عُسْرَتِكَ، مُؤَثِراً مَعَ فَاقَتِكَ؛ يَكْمُلُ لَكَ الْفَضْلُ.^۴

۸. عنه عليه السلام: خَيْرُ النَّاسِ مَنْ كَانَ فِي عُسْرِهِ مُؤَثِراً صَبِوراً.^۵

۹. عنه عليه السلام: مَنْ آثَرَ عَلَىٰ نَفْسِهِ بِالْغَى فِي الْمُرُوءَةِ.^۶

نیست؛ چه آن که خداوند عز و جل در کتاب خویش می فرماید: «و [دیگران را] بر خویشتن، مقدم می دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند». سپس می فرماید: «و آنها که از خست نفس خویش، مصون بمانند، آنان، همان رستگاران اند». کسی که خداوند عز و جل این نکته را به او بشناساند، محبوب اوست و هر کس که خداوند تبارک و تعالی دوستش بدارد، در روز قیامت، مزد و پاداش او را بی حساب و کامل می دهد.

۵. امام علی علیه السلام: کسی که ایثار کند، سزایند نام برداری به فضیلت است.
۶. امام علی علیه السلام: ایثار کردن، یک فضیلت است و انحصار طلبی، یک رذیلت.

۷. امام علی علیه السلام: در هنگامی که قدرت داری، باگذشت باش، و در گاه تنگ دستی ات بخشنده، و در وقت نیازمندی ات، ایثارگر باش تا فضل تو کامل گردد.

۸. امام علی علیه السلام: بهترین مردم، کسی است که در تنگ دستی اش ایثارگر و شکیبیا باشد.
۹. امام علی علیه السلام: کسی که ایثار کند، در مرورت به اوج رسیده است.

۱. الکافی: ۲/ ۲۰۶/ ۶.

۲. غرر الحکم: ۸۸۴۵، عیون الحکم والمواعظ: ۲۳۵/ ۷۵۲۲.

۳. غرر الحکم: ۱۱۲، عیون الحکم والمواعظ: ۳۷/ ۷۸۷ و ۷۸۸.

۴. غرر الحکم: ۷۱۷۹، عیون الحکم والمواعظ: ۳۹۳/ ۶۶۶۷.

۵. غرر الحکم: ۵۰۲۸، عیون الحکم والمواعظ: ۲۳۸/ ۴۵۳۷.

۶. غرر الحکم: ۸۲۲۵.

۱۰. عنه علیه السلام: ذَلَّلُوا أَخْلَاقَكُمْ بِالْمَحَاسِنِ، وَقَوَّدُوا إِلَى الْمَكَارِمِ، وَعَوَّدُوا أَنْفُسَكُمْ الْجِلْمَ، وَاصْبِرُوا عَلَى الْإِثَارِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ فِيمَا تَجْمُدُونَ عَنْهُ.^۱

۱۱. مستدرک الوسائل عن أمير المؤمنين علیه السلام أَنَّهُ رَأَى يَوْمًا جَمَاعَةً، فَقَالَ: مَنْ أَنْتُمْ؟ قَالُوا: نَحْنُ قَوْمٌ مُتَوَكِّلُونَ. فَقَالَ: مَا بَلَغَ بِكُمْ تَوَكُّلُكُمْ؟ قَالُوا: إِذَا وَجَدْنَا أَكْلَنَا، وَإِذَا فَقَدْنَا صَبَرْنَا. فَقَالَ علیه السلام: هَكَذَا يَفْعَلُ الْكِلَابُ عِنْدَنَا! فَقَالُوا: كَيْفَ نَفْعَلُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ: كَمَا نَفْعَلُهُ؛ إِذَا فَقَدْنَا شَكْرَنَا، وَإِذَا وَجَدْنَا آثَرَنَا.^۲

۱۲. الرسالة القشيرية: سَأَلَ شَقِيقُ الْبَلْخِيِّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ علیه السلام عَنِ الْفُتُوَّةِ، فَقَالَ: مَا تَقُولُ أَنْتَ؟ فَقَالَ شَقِيقٌ: إِنْ أُعْطِينَا شَكْرَنَا، وَإِنْ مُنِعْنَا صَبَرْنَا. فَقَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ علیه السلام: الْكِلَابُ عِنْدَنَا بِالْمَدِينَةِ تَفْعَلُ كَذَلِكَ! فَقَالَ شَقِيقٌ: يَا بَنَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ، مَا الْفُتُوَّةُ عِنْدَكُمْ؟ فَقَالَ: إِنْ أُعْطِينَا آثَرَنَا، وَإِنْ مُنِعْنَا شَكْرَنَا.^۳

۱۳. الكافي عن علي بن سويد عن الإمام

۱۰. امام علی علیه السلام: اخلاق خود را رام خوبی ها و کمالات کنید و آنها را به سوی خصلت های والا بکشانید. خویشتن را به بردباری عادت دهید و در آنچه بخل می ورزید، با شکیبایی ایثار کنید.

۱۱. مستدرک الوسائل: روایت شده است که روزی امیر مؤمنان، گروهی را دید. پرسید: «شما کیستید؟». گفتند: ما جماعتی اهل توکل هستیم. فرمود: «توکلثان، شما را به چه رسانیده است؟». گفتند: هرگاه چیزی بیابیم، می خوریم، و اگر نیابیم، صبر می کنیم. فرمود: «سگ های ما هم همین کار را می کنند!». گفتند: پس چه کنیم، ای امیر مؤمنان؟ فرمود: «کاری که ما می کنیم: هرگاه نداشته باشیم، شکر می کنیم و هرگاه به دست آوریم، ایثار می کنیم».

۱۲. الرسالة القشيرية: شقيق بلخي از امام صادق علیه السلام از فتوت پرسید. فرمود: «تو [خود]، چه می گویی؟». شقيق گفت: اگر به ما عطا شود، شکر می گزاریم و اگر از ما دریغ گردد، شکیبایی می ورزیم. امام صادق علیه السلام فرمود: «سگ های مدینه نیز چنین می کنند!». شقيق گفت: ای پسر دختر پیامبر خدا! به نظر شما فتوت چیست؟ فرمود: «اگر به ما عطا شود، ایثار می کنیم و اگر از ما دریغ گردد، شکر می گزاریم».

۱۳. الكافي - به نقل از علی بن سويد - به امام

۱. تحف العقول: ۲۲۴.

۲. مستدرک الوسائل: ۲۱۷/۷، ۸۰۷۶.

۳. الرسالة القشيرية: ۲۳۰، شرح نهج البلاغة: ۲۱۷/۱۱.

الکاظم علیه السلام قال: قُلْتُ لَهُ: أَوْصِنِي. فَقَالَ: أَمْرُكَ بِتَقْوَى اللَّهِ، ثُمَّ سَكَتَ. فَشَكَّوْتُ إِلَيْهِ قَلَّةَ ذَاتِ يَدَيَّ، وَقُلْتُ: وَاللَّهِ، لَقَدْ عَرِيتُ حَتَّى بَلَغَ مِنْ عُرْيَتِي أَنَّ أَبَا فَلَانٍ نَزَعَ ثَوْبَيْنِ كَانَا عَلَيْهِ وَكَسَانِيهِمَا! فَقَالَ: صُمِّمْ وَتَصَدَّقْ. قُلْتُ: أَتَصَدَّقُ مِمَّا وَصَلَنِي بِهِ إِخْوَانِي وَإِنْ كَانَ قَلِيلًا؟ قَالَ: تَصَدَّقْ بِمَا رَزَقَكَ اللَّهُ وَلَوْ آثَرَتْ عَلَى نَفْسِكَ.^۱

۱۴. الإمام العسكري علیه السلام - فِي التَّفْسِيرِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ -: شِيعَةُ عَلِيِّ علیه السلام هُمُ الَّذِينَ يُؤَثِّرُونَ إِخْوَانَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ.^۲

۲

قِيَمَةُ الْإِثَارِ

أ - أَعْلَى مَرَاتِبِ الْإِيمَانِ

۱۵. الإمام علي علیه السلام: الْإِثَارُ أَحْسَنُ الْإِحْسَانِ، وَأَعْلَى مَرَاتِبِ الْإِيمَانِ.^۳

۱۶. الْأَصُولُ السَّتَّةُ عَشَرَ عَنْ زَيْدِ الزَّرَّادِ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: نَخْشَى أَلَّا نَكُونَ مُؤْمِنِينَ! قَالَ: وَلَمْ ذَاكَ؟

کاظم علیه السلام گفتیم: به من سفارشی کن. فرمود: «تو را به تقوای الهی سفارش می‌کنم». آن گاه سکوت کرد. من از تنگ‌دستی خود، نزد او شکوه کردم و گفتم: به خدا سوگند، برهنه‌ام و برهنگی‌ام به جایی رسیده که فلانی، دو جامهٔ خویشت را از تنش درآورد و به من پوشاند! فرمود: «روزه بگیر و صدقه بده». گفتم: از آنچه برادرانم به من عطا می‌کنند، هرچند اندک، صدقه بدهم؟ فرمود: «آنچه را که خداوند، روزی تو می‌کند، صدقه بده، هرچند ایثار کنی [و خودت به آن، محتاج باشی]».

۱۴. امام عسکری علیه السلام - چنان که در تفسیر منسوب به ایشان آمده است - فرمود: شیعیان علی علیه السلام، آن کسانی‌اند که برادرانشان را بر خودشان مقدم می‌دارند، هرچند در خود آنها نیازی ضروری باشد.

۲

ارزش ایثار

الف. بالاترین مراتب ایمان

۱۵. امام علی علیه السلام: ایثار، بهترین احسان و بالاترین مرتبهٔ ایمان است.

۱۶. الْأَصُولُ السَّتَّةُ عَشَرَ - به نقل از زید زرّاد -: به امام صادق علیه السلام گفتم: بیم آن داریم که مؤمن نباشیم! فرمود: «چرا؟». گفتم: چون در میان

۱. الکافی: ۲/ ۱۸/ ۴.

۲. التفسیر المنسوب إلى الإمام العسكري علیه السلام: ۱۶۱/ ۳۱۹.

۳. غرر الحکم: ۱۷۰۵.

فَقُلْتُ: وَذَلِكَ أَنَا لَا نَجِدُ فِينَا مَنْ يَكُونُ
أَخُوهُ عِنْدَهُ آثَرٌ مِنْ دِرْهَمِهِ وَدِينَارِهِ، وَنَجِدُ
الدِّينَارَ وَالدَّرْهَمَ آثَرٌ عِنْدَنَا مِنْ أَخٍ قَدْ جَمَعَ
بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ مَوَالَاةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام!

فَقَالَ: كَلَّا، إِنَّكُمْ مُؤْمِنُونَ، وَلَكِنْ لَا
تُكْمِلُونَ إِيْمَانَكُمْ حَتَّى يَخْرُجَ قَائِمُنَا، فَعِنْدَهَا
يَجْمَعُ اللَّهُ أَحْسِلَامَكُمْ فَتَكُونُونَ مُؤْمِنِينَ
كَامِلِينَ، وَلَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الْأَرْضِ مُؤْمِنُونَ
كَامِلُونَ إِذَا لَرَفَعَنَا اللَّهُ إِلَيْهِ وَأَنْكَرْتُمُ الْأَرْضَ
وَأَنْكَرْتُمُ السَّمَاءَ ^۱.

ب- اَعْلَى الْمَكَارِمِ

۱۷. الإمام علي عليه السلام: الْإِيْثَارُ أَعْلَى الْمَكَارِمِ ^۲.

۱۸. عنه عليه السلام: خَيْرُ الْمَكَارِمِ الْإِيْثَارُ ^۳.

۱۹. عنه عليه السلام: غَايَةُ الْمَكَارِمِ الْإِيْثَارُ ^۴.

۲۰. عنه عليه السلام: لَا تَكْمُلُ الْمَكَارِمُ إِلَّا بِالْعَفَافِ
وَالْإِيْثَارِ ^۵.

خود، کسی را نمی‌یابیم که برادرش را بر
درهم و دینارش ترجیح دهد، بلکه دینار و
درهم در نزد ما مقدم بر برادری است که
ولایت امیر مؤمنان، ما و او را گرد هم آورده
است! فرمود: «نه! شما مؤمن هستید؛ لیکن
ایمانتان کامل نمی‌گردد، مگر آن گاه که قائم ما
ظهور کند. در آن هنگام است که خداوند،
خیزدهای شما را به کمال می‌رساند و مؤمن
کامل می‌شوید. اگر در روی زمین، مؤمنانی
کامل وجود نداشت، در آن صورت،
خداوند، ما را به پیشگاه خود، بالا می‌برد [و
از میان شما رخت بر می‌بستیم] و شما، زمین
و آسمان را نمی‌شناختید (نظام آفرینش به هم
می‌ریخت)».

ب. عالی‌ترین خصلت اخلاقی

۱۷. امام علی عليه السلام: ایثار، عالی‌ترین خصلت اخلاقی
است.

۱۸. امام علی عليه السلام: بهترین خصلت‌های اخلاقی،
ایثار است.

۱۹. امام علی عليه السلام: نقطه اوج خصلت‌های اخلاقی،
ایثار است.

۲۰. امام علی عليه السلام: خصلت‌های والای انسانی، جز با
عفت و ایثار، کامل نمی‌گردد.

۱. الأصول الستة عشر: ۶.

۲. غرر الحکم: ۹۸۶، عیون الحکم والمواعظ: ۹۱/۱۹.

۳. غرر الحکم: ۴۹۵۳، عیون الحکم والمواعظ: ۲۳۷/۴۵۱۰.

۴. غرر الحکم: ۶۳۶۱.

۵. غرر الحکم: ۱۰۷۴۵، عیون الحکم والمواعظ: ۱۰۰۰۵/۵۴۰.

ج - اَعْلَى الْإِحْسَانِ

۲۱. الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِثَارُ أَعْلَى الْإِحْسَانِ.^۱۲۲. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِثَارُ أَشْرَفُ الْإِحْسَانِ.^۲۲۳. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِثَارُ غَايَةُ الْإِحْسَانِ.^۳۲۴. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنْ أَحْسَنِ الْإِحْسَانِ الْإِثَارُ.^۴

د - اَعْلَى الْكَرَمِ

۲۵. الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَحْسَنُ الْكَرَمِ الْإِثَارُ.^۵

۲۶. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِثَارُ أَعْلَى مَرَاتِبِ الْكَرَمِ، وَأَفْضَلُ

الشَّيْمِ.^۶۲۷. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِثَارُ أَشْرَفُ الْكَرَمِ.^۷۲۸. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَفَى بِالْإِثَارِ مَكْرُمَةً.^۸

۲۹. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَسْبُ الْمَرْءِ... مِنْ كَرَمِهِ إِثَارُهُ عَلَى

نَفْسِهِ.^۹

۳۰. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عِنْدَ الْإِثَارِ عَلَى النَّفْسِ تَتَبَيَّنُ

ج. بالاترین نیکوکاری

۲۱. امام علی علیه السلام: ایثار، بالاترین نیکوکاری

است.

۲۲. امام علی علیه السلام: ایثار، برجسته‌ترین نیکوکاری

است.

۲۳. امام علی علیه السلام: ایثار، اوج نیکوکاری است.

۲۴. امام علی علیه السلام: از بهترین نیکوکاری‌ها، ایثار

است.

د. بالاترین بزرگواری

۲۵. امام علی علیه السلام: بهترین بزرگواری، ایثار است.

۲۶. امام علی علیه السلام: ایثارگری، عالی‌ترین مرتبه

بزرگواری و برترین خوی و خصلت است.

۲۷. امام علی علیه السلام: ایثار، شریف‌ترین بزرگواری

است.

۲۸. امام علی علیه السلام: در بزرگواری آدمی، همین بس

که ایثارگر باشد.

۲۹. امام علی علیه السلام: از بزرگواری مرد، همین بس که

دیگران را بر خود، مقدّم بدارد (ترجیح

دهد).

۳۰. امام علی علیه السلام: در هنگام ایثار است که گوهر

۱. غرر الحکم: ۹۵۱.

۲. غرر الحکم: ۳۹۹، عیون الحکم والمواعظ: ۵۹۳/۳۳.

۳. غرر الحکم: ۸۶۱، عیون الحکم والمواعظ: ۱۳۱۸/۵۱.

۴. غرر الحکم: ۹۳۸۶.

۵. غرر الحکم: ۲۹۱۴، عیون الحکم والمواعظ: ۲۶۲/۱۱۸.

۶. غرر الحکم: ۱۴۱۹.

۷. غرر الحکم: ۹۱۶، عیون الحکم والمواعظ: ۱۸۶/۲۳.

۸. غرر الحکم: ۷۰۴۷، عیون الحکم والمواعظ: ۶۵۰۹/۳۸۵.

۹. کشف الغمّة: ۱۳۷/۳.

جَوَاهِرُ الْكَرَمَاءِ^۱

کریمان، نمایان می‌شود.

۳۱. الإمامُ الصادقُ: الجودُ زكاةُ السَّعادةِ،

۳۱. امام صادق: گشاده‌دستی، زکات

وَالْإِثَارُ عَلَى النَّفْسِ مُوجِبٌ لِاسْمِ الْكَرَمِ^۲.

نیک‌بختی است، و مقدم داشتن [دیگران]

هـ- شِیمَةُ الْأَبْرَارِ

بر خود، فراهم آوردن عنوان بزرگواری

۳۲. الإمامُ عليُّ: الْإِثَارُ شِیمَةُ الْأَبْرَارِ^۳.

است.

۳۳. عنه: الْإِثَارُ سَجِيَّةُ الْأَبْرَارِ، وَشِیمَةُ

ه. خوی نیکان

الْأَخْيَارِ^۴.

۳۴. عنه: مِنْ شِیمِ الْأَبْرَارِ حَمْلُ النَّفْسِ عَلَى

۳۲. امام علی: ایتار، خوی نیکان است.

الْإِثَارِ^۵.

۳۳. امام علی: ایتار، خصلت نیکان و خوی

خوبان است.

و- زینَةُ الزُّهْدِ

۳۵. رَسُولُ اللَّهِ: الْإِثَارُ زِينَةُ الزُّهْدِ، وَيَذُلُّ

۳۴. امام علی: وا داشتن نفس به ایتار، از

الْمَوْجُودِ زِينَةُ الْيَقِينِ^۶.

خصلت‌های نیکان است.

و. زیور زهد

ز- أَفْضَلُ الْإِخْتِيَارِ

۳۶. الإمامُ عليُّ: مِنْ أَفْضَلِ الْإِخْتِيَارِ التَّحَلِّي

۳۵. پیامبر خدا: ایتار، زیور زهد است و

بخشیدن داشته‌ها، زیور یقین.

ز. بهترین انتخاب

۳۶. امام علی: یکی از بهترین انتخاب‌ها،

۱. غرر الحکم: ۶۲۲۶، عیون الحکم والمواعظ: ۵۷۶۹ / ۳۳۸.

۲. نهاية الإرب: ۲۰۴ / ۳.

۳. غرر الحکم: ۶۰۶ و ۸۱۲، عیون الحکم والمواعظ: ۱۹۷ / ۲۳.

۴. غرر الحکم: ۲۲۰۸.

۵. غرر الحکم: ۹۳۵۰، عیون الحکم والمواعظ: ۸۵۵۳ / ۴۶۹.

۶. جامع الأخبار: ۹۴۷ / ۳۳۷.

بِالْإِثَارِ^۱

آراسته شدن به زیور ایثارگری است.

ح - أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ

ح. برترین عبادت

۳۷. الإمامُ عَلِيُّ ع: الْإِثَارُ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ، وَأَجَلُّ سِيَادَةٍ^۲

۳۷. امام علی ع: ایثار، برترین عبادت و شکوهمندترین آقای است.

ط - أَفْضَلُ السَّخَاءِ

ط. برترین سخاوت

۳۸. الإمامُ عَلِيُّ ع: أَفْضَلُ السَّخَاءِ الْإِثَارُ^۳

۳۸. امام علی ع: برترین سخاوت، ایثار است.

ی - عَلَامَةُ صِدْقِ الصَّدِيقِ

ی. نشانه صداقت دوست

۳۹. الإمامُ عَلِيُّ ع: الصَّدِيقُ الصَّدُوقُ مَنْ نَصَحَكَ فِي غَيْبِكَ، وَحَفِظَكَ فِي غَيْبِكَ، وَآثَرَكَ عَلَى نَفْسِهِ^۴

۳۹. امام علی ع: دوست راستین، کسی است که از سرِ صدق، غیبت را به تو گوشزد کند و در نبودت، تو را پاس بدارد، و تو را بر خویشتن، برگزیند.

۴۰. عنه ع: أَخُوكَ الصَّدِيقُ مَنْ وَقَاكَ بِنَفْسِهِ، وَآثَرَكَ عَلَى مَالِهِ وَوَلَدِهِ وَعِزِّهِ^۵

۴۰. امام علی ع: برادر راستین تو، کسی است که با جانش تو را پاس بدارد، و تو را بر مال و زن و فرزندان خویش، مقدّم بدارد.

۳

بَرَكَاتُ الْإِثَارِ

۳

برکات ایثار

أ - الْفَلَاحُ

الكتاب:

الف. رستگاری

﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا﴾

قرآن:

«و [نیز] کسانی که قبل از [مهاجران] در [مدینه] جای گرفته و ایمان آورده‌اند؛ هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند؛ و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است در دل‌هایشان حسدی نمی‌یابند؛ و هر چند در خودشان احتیاجی [میرم] باشد، آنها را

۱. غرر الحکم: ۹۴۳۶، عیون الحکم والمواعظ: ۴۷۱/ ۸۶۰۷
۲. غرر الحکم: ۱۱۴۸، عیون الحکم والمواعظ: ۲۹/ ۴۳۹
۳. غرر الحکم: ۲۸۸۸، عیون الحکم والمواعظ: ۱۱۱/ ۲۴۰۵
۴. غرر الحکم: ۱۹۰۴
۵. غرر الحکم: ۲۰۱۴، عیون الحکم والمواعظ: ۷۱/ ۱۷۹۷

و يُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^۱.

حدیث:

۲. الإمام الصادق علیه السلام - فِي صِفَةِ الْكَامِلِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ -: هُمْ الْبِرَّةُ بِالْإِخْوَانِ فِي حَالِ الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ، الْمُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ فِي حَالِ الْعُسْرِ، كَذَلِكَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فَقَالَ: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»، فَازُوا وَاللَّهِ وَأَفْلَحُوا.^۲

- انقیاد الأحرار

۳. الإمام علي علیه السلام: بِالْإِثَارِ يُسْتَرَقُّ الْأَحْرَارُ.^۳

۴. عنه علیه السلام: بِالْإِثَارِ عَلَىٰ نَفْسِكَ تَمْلِكُ الرِّقَابَ.^۴

- إيثار المؤثر عليه

۵. الإمام علي علیه السلام: تَحَبَّبَ إِلَىٰ خَلِيلِكَ يُحِبِّبَكَ، وَأَكْرَمَهُ يُكْرِمَكَ، وَآثَرُهُ عَلَىٰ نَفْسِكَ يُؤْثِرُكَ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ.^۵

بر خودشان مقدم می‌دارند و آنها که از آزمندی نفس^۱ خویش، مصون بمانند، آنان، همان رستگارانند.
حدیث:

۳۱. امام صادق علیه السلام - در توصیف مؤمنان کامل - فرمود: آنان، کسانی‌اند که در آسایش و سختی به برادران نیکی می‌کنند، و در هنگام تنگ‌دستی، ایثار می‌کنند. ایسن گونه، خداوند، ایشان را توصیف کرده و فرموده است: «و [دیگران را] بر خویشان، مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند. و آنها که از آزمندی نفس خویش، مصون بمانند، آنان، همان رستگارانند». به خدا سوگند که اینان، کامیاب و رستگار شدند.

ب. بندگی آزادگان

۳۲. امام علی علیه السلام: با ایثار، آزادگان به بندگی کشیده می‌شوند.

۳۳. امام علی علیه السلام: با ایثار، اختیاردار دیگران می‌شوی.

ج. ایثار متقابل

۳۴. امام علی علیه السلام: به دوستت مهر بپورز تا به تو مهر ورزد، و او را گرامی بدار تا تو را گرامی بدارد، و او را بر خویشان، مقدم بدار تا او نیز تو را بر خویش و خانواده‌اش مقدم بدارد.

۲. الأصول الستة عشر: ۶.

الحشر: ۹.

غرر الحکم: ۴۱۸۷.

غرر الحکم: ۴۲۹۳، عیون الحکم والمواعظ: ۱۸۶ / ۳۷۸۸.

غرر الحکم: ۴۵۳۰، عیون الحکم والمواعظ: ۲۰۳ / ۴۱۱۷.

۱. کلمه «شح» در متن عربی، چنان که راغب در المفردات آورده، به معنای «بخل توأم با حرص» است که به «عادت» تبدیل شده باشد.

د- المَغْفِرَةُ

د- آمزش

۳۵. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَيُّمَا امْرِئٍ إِشْتَهَى شَهْوَةً فَرَدَّ شَهْوَتَهُ وَآثَرَ عَلَى نَفْسِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ.^۱

۳۵. پیامبر خدا ﷺ: هر کس هوس کند و دست رد به سینه هوس خویش بزند و [دیگری را] بر خود مقدم بدارد، خداوند، او را می آمرزد.

هـ- الشُّفَاعَةُ

هـ- شفاعت

۳۶. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سَلَكَ رَجُلَانِ مَفَازَةً: عَابِدٌ وَالْآخَرُ بِهِ رَهَقٌ، فَعَطَشَ الْعَابِدُ حَتَّى سَقَطَ، فَجَعَلَ صَاحِبُهُ يَنْظُرُ إِلَيْهِ، وَمَعَهُ مِضْأَةٌ فِيهَا شَيْءٌ مِنْ مَاءٍ، فَجَعَلَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ وَهُوَ صَرِيحٌ، فَقَالَ: وَاللَّهِ لَئِنْ مَاتَ هَذَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ عَطَشًا وَمَعِيَ مَاءٌ لَا أَصِيبُ مِنَ اللَّهِ خَيْرًا أَبَدًا، وَلَئِنْ سَقَيْتُهُ مَائِي لَا مَوْتَنِي! فَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَعَزَمَ، فَرَشَّ عَلَيْهِ مِنْ مَائِهِ وَسَقَاهُ فَضْلَهُ، فَقَامَ حَتَّى قَطَعَا الْمَفَازَةَ. فَيُوقَفُ الَّذِي بِهِ رَهَقٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِلْحِسَابِ فَيُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ، فَتَسْوَفُهُ الْمَلَائِكَةُ، فَيَرَى الْعَابِدَ، فَيَقُولُ: يَا فُلَانُ أَمَا تَعْرِفُنِي؟ فَيَقُولُ: وَمَنْ أَنْتَ؟ فَيَقُولُ: أَنَا فُلَانُ الَّذِي آثَرْتُكَ عَلَى نَفْسِي يَوْمَ الْمَفَازَةِ. فَيَقُولُ: بَلَى أَعْرِفُكَ. فَيَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ: قِفُوا! فَيَقِفُونَ، وَيَجِيءُ حَتَّى يَقِفَ فَيَدْعُو رَبَّهُ ﷻ، فَيَقُولُ:

۳۶. پیامبر خدا ﷺ: دو مرد از بیابانی می گذشتند: یکی عابد و دیگری نافرمان. عابد، تشنه شد، چندان که از پا افتاد. همسفرش که تشنگی داشت و کمی آب در آن بود، به آن عابد که به زمین افتاده بود، می نگریست. با خود گفت: به خدا سوگند، اگر این بنده نیک از تشنگی بمیرد در حالی که این آب با من است، هرگز به خیری از خدا نخواهم رسید، و اگر این آب را به او بنوشانم، خودم خواهم مُرد. اما او به خدا توکل کرد و تصمیمش را گرفت و از آن آب به صورت عابد پاشید و باقی مانده اش را به او نوشاند. عابد، از جابرخواست و هر دو، بیابان را پیمودند.

در روز قیامت، آن نافرمان را برای حسابرسی نگه می دارند و فرمان می رسد که او را به آتش ببرند. فرشتگان، او را [به سوی دوزخ] می رانند. [در راه،] آن عابد را می بیند می گوید: فلانی! مرا نمی شناسی؟ عابد می گوید: تو کیستی؟ مرد می گوید: من فلانی هستم که در آن روز گذشتن از بیابان، تو را بر خوشتن، ترجیح دادم. عابد می گوید: آری می شناسمت. پس، به فرشتگان می گوید: بایستید! فرشتگان می ایستند و عابد می آید تا آن که [در توقفگاه حساب] می ایستد و پروردگارش عز و جل را می خواند و می گوید: ای پروردگار

يَا رَبِّ، قَدْ تَعْرِفُ يَدَهُ عِنْدِي وَكَيْفَ آثَرَنِي
عَلَى نَفْسِهِ، يَا رَبِّ هَبْهُ لِي. فَيَقُولُ لَهُ:
هُوَ لَكَ. فَيَجِيءُ فَيَأْخُذُ بِسَيْدِ أَخِيهِ فَيُدْخِلُهُ
الْجَنَّةَ.^۱

و- الوُصُولُ إِلَى دَرَجَةِ رِجَالِ الْأَعْرَافِ

۲۷. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - لِعَلِيِّ ﷺ -: يَا عَلِيُّ، إِنَّهُ إِذَا كَانَ
يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ: أَيْنَ
مُحِبُّو عَلِيٍّ وَمَنْ يُحِبُّهُ؟ أَيْنَ الْمُتَحَابُّونَ فِي
اللَّهِ؟ أَيْنَ الْمُتَبَاذِلُونَ فِي اللَّهِ؟ أَيْنَ الْمُؤَثِّرُونَ
عَلَى أَنْفُسِهِمْ؟ أَيْنَ الَّذِينَ جَفَّتْ أَلْسِنَتُهُمْ مِنَ
الْعَطَشِ؟ أَيْنَ الَّذِينَ يُصَلُّونَ بِاللَّيَالِي وَالنَّاسِ
نِيَامًا؟ أَيْنَ الَّذِينَ يَبْكُونَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ؟
«لَا خَوْفَ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَخْزَنُونَ»^۲ أَيْنَ رُفَقَاءُ
النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ ﷺ؟ أَمِنُوا وَقَرُّوا عَيْنًا «أَدْخُلُوا
الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُخْبَرُونَ»^۳.

۲۸. الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ: الْمُؤَثِّرُونَ وَالْمُخْلِصُونَ
وَالْمُؤَثِّرُونَ مِنْ رِجَالِ الْأَعْرَافِ.^۵

من! تو خود می‌دانی که او به من نیکی کرده و
چگونه در حق من ایثار کرده است. پروردگارا! او
را به من ببخش.

پس، خداوند می‌فرماید: «او از آن توست».
پس، عابد می‌آید و دست برادرش را
می‌گیرد و او را به بهشت می‌برد.

و- رسیدن به مقام اعرافیان

۲۷. پیامبر خدا ﷺ - به علی ﷺ - فرمود: ای علی! چون
روز قیامت شود، منادی ای از میان عرش ندا در
می‌دهد: کجایند دوستانان علی و کسی که
دوستش می‌دارد؟ کجایند آنان که به خاطر خدا با
یکدیگر دوستی می‌ورزیدند؟ کجایند آنان که
برای خدا به یکدیگر بذل و بخشش می‌کردند؟
کجایند ایثارگران؟ کجایند آنان که زبان‌هایشان
از تشنگی خشکید؟ کجایند آنان که در نیمه‌های
شب که مردم، خفته بودند، آنان نماز می‌گزارند؟
کجایند آنان که از بیم خدا می‌گریستند؟ «بیمی بر
شما نیست و اندوهگین نمی‌شوید». کجایند
همرهان پیامبر، محمد؟ آسوده‌خاطر باشید و
شادمان. «شما و همسرانتان، شادمانه به بهشت
درآید».

۲۸. امام علی ﷺ: اهل یقین و مخلصان و ایثارگران،
از اعرافیان‌اند.^۱

۱. اعراف، به جای بلند گفته می‌شود. ریشه این واژه، «عرف»
به معنای یال است (الشیان: ۴/۴۱۰). گفته شده که «اعراف»،
بلندای حایل میان بهشت و دوزخ است (المیزان: ۸/۱۲۱).
درباره این که «اهل اعراف»، چه کسانی هستند، در منابع
حدیثی و تفسیری اقوال گوناگونی آمده و از جمله آنها این
است که آنان، اهل بیت ﷺ هستند (الکافی: ۱/۱۸۴).

۱. المعجم الأوسط: ۳/۱۹۴/۲۹۰۶.

۲. الأعراف: ۴۹.

۳. الزخرف: ۷۰.

۴. تفسیر فوات: ۴۰۸/۵۴۷.

۵. غرر الحکم: ۱۹۷۵، عیون الحکم و المواعظ: ۵۹/۱۵۰۵.

۳۹. الإمام الباقر علیه السلام: إِنَّ لِلَّهِ جَنَّةً لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا ثَلَاثَةٌ: رَجُلٌ حَكَمَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْحَقِّ، وَرَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ، وَرَجُلٌ آتَرَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ.^۱

۵۰. تنبيه الخواطر عن سهل بن عبد الله: قَالَ مُوسَى عليه السلام: يَا رَبِّ، أَرِنِي دَرَجَاتِ مُحَمَّدٍ وَأُمَّتِهِ.

قَالَ: يَا مُوسَى، إِنَّكَ لَنْ تُطِيقَ ذَلِكَ، وَلَكِنْ أُرِيكَ مَنَزِلَةً مِنْ مَنَازِلِهِ جَلِيلَةً عَظِيمَةً فَضَّلْتُهُ بِهَا عَلَيْكَ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِي. قَالَ: فَكَشَفَ لَهُ عَنْ مَلَكَوَتِ السَّمَاءِ فَنَظَرَ إِلَى مَنَزِلَةٍ كَادَتْ تَتَلَفُ نَفْسُهُ مِنْ أَنْوَارِهَا وَقُرْبِهَا مِنَ اللَّهِ عليه السلام. قَالَ: يَا رَبِّ، بِمَاذَا بَلَغْتُهُ إِلَى هَذِهِ الْكَرَامَةِ؟

قَالَ: بِخُلُقِي اخْتَصَصْتُهُ بِهِ مِنْ بَيْنِهِمْ وَهُوَ الْإِثَارُ. يَا مُوسَى، لَا يَأْتِينِي أَحَدٌ مِنْهُمْ قَدْ عَمِلَ بِهِ وَقَتاً مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا اسْتَحْيَيْتُ مِنْ مُحَاسَبَتِهِ، وَبَوَّأْتُهُ مِنْ جَنَّتِي حَيْثُ يَشَاءُ.^۲

۳۹. امام باقر علیه السلام: خداوند را بهشتی است که جز سه کس، وارد آن نمی شود: مردی که علیه خود به حق داوری کند؛ مردی که برای خدا به دیدن برادرش برود، و مردی که به خاطر خدا برادر مؤمنش را بر خویشتن، مقدم بدارد.

۵۰. تنبيه الخواطر - به نقل از سهل بن عبد الله: موسی علیه السلام گفت: ای پروردگار من! درجات محمد و امت او را به من بنمایان. خداوند فرمود: «ای موسی! تو تاب دیدن آنها را نداری؛ اما [فقط] یک منزلت از منزلت های بزرگ و باشکوه او را به تو می نمایانم که به واسطه همان، او را بر تو و بر تمام آفریدگانم برتری دادم».

پس، خداوند از ملکوت آسمان برای او پرده برداشت و موسی علیه السلام، منزلتی را دید که از [شدت] پرتوهای آن و قریش به خداوند نزدیک بود قالب تهی کند. گفت: پروردگارا! به واسطه چه چیز، او را به این کرامت رساندی؟

فرمود: «به واسطه خصلتی که از میان ایشان، آن را به او اختصاص دادم، و آن خصلت، ایثار است. ای موسی! هیچ یک از ایشان نیست که دمی از عمر خویش به این خصلت عمل کرده باشد، مگر آن که از حسابرسی او شرم کنم و در بهشت خود هر جا که او بخواهد، جایش دهم».

۱. الکافی: ۲/ ۱۷۸/ ۱۱.

۲. تنبيه الخواطر: ۱/ ۱۷۳.

۳

فَضْلُ الْمُؤَثِّرِينَ

الکتاب:

﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُجْزَوْنَ مِمَّا هَاجَرُوا إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۱

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾^۲

﴿وَيُطْعَمُونَ اَلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾^۳
 إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا﴾^۴

الحديث:

۵۱. الإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا بَاتَ عَلِيُّ عليه السلام عَلَى الْفِرَاشِ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مَلَكَائِهِ مِنْ مَلَائِكَتِهِ لَمْ يَكُنْ فِي الْمَلَائِكَةِ أَشَدُّ اثْتِلَافًا وَمُؤَاخَاةً مِنْهُمَا، فَقَالَ: إِنِّي مُمِيتٌ أَحَدَكُمَا فَاخْتَارَا. قَالَ: فَتَدَافَعَا الْمَوْتَ بَيْنَهُمَا، وَآثَرَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا الْبَقَاءَ.

فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِمَا: أَيْنَ أَنْتُمَا عَنْ

۱. البقرة: ۲۰۷.

۲. الحشر: ۹.

۳. الإنسان: ۸-۹.

۲

ارزش ایثارگران

قرآن:

«و کسانی که پیش از آمدن مهاجران در دیار خود [مدینه] بوده‌اند و ایمان آورده‌اند، آنهایی را که به سویشان مهاجرت کرده‌اند دوست می‌دارند و از آنچه مهاجران را داده می‌شود در دل احساس نیاز [و حسد] نمی‌کنند و آنان را بر خویش برمی‌گزینند هر چند خود نیازمند باشند. و آنان که از بخل خویش درامانند رستگارانند».

«و از مردم، کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می‌فروشد، و خدا به [این] بندگان، مهربان است».

«و خوردنی را، با وجود دوست داشتن آن، به یتیم و اسیر می‌خورانند. ما شما را فقط برای خدا اطعام می‌کنیم و از شما هیچ پاداش و یا سپاسی نمی‌خواهیم».

حدیث:

۵۱. امام صادق عليه السلام: شبی که علی عليه السلام در بستر [پیامبر خدا به جای وی] خوابید، خدای متعال، به دو فرشته از فرشتگانش که در میان فرشتگان بیش از همه با یکدیگر اُلفت و برادری داشتند، وحی فرمود که: «می‌خواهم یکی از شما دو تا را بمیرانم. پس، انتخاب کنید».

هر یک از آن دو، مُردن را به دیگری حواله داد و هر کدام از آنها، ماندن را برگزید. پس، خداوند متعال، به آن دو وحی فرمود که: «شما کجا و این بنده‌ام که مُردن را برگزید و در بستر

عَبْدِي هَذَا الرَّاضِي بِالْمَوْتِ، الْبَائِتِ عَلَى
فِرَاشِ ابْنِ عَمِّهِ يَقِيهِ الرَّدَى بِنَفْسِهِ؟! أَمَا إِنِّي
قَدْ عَلِمْتُ مِنْ سَرِيرَتِهِ أَنَّ تَلَفَ نَفْسِهِ أَحَبُّ
إِلَيْهِ مِنْ أَنْ تُؤْخَذَ شَعْرَةٌ مِنْ شَعْرِ ابْنِ عَمِّهِ!
إِنْزِلَا إِلَيْهِ فَاحْفَظَاهُ وَاکْلَاهُ إِلَى الصُّبْحِ.

فَلَمْ تَزَلْ عَيْنُ الْمُشْرِكِينَ تَلَحُّظُهُ،
وَالْمَلَائِكَةُ الْكَرَامُ تَحْفَظُهُ إِلَى أَنْ كَانَ وَقْتُ
الصُّبْحِ، وَهَجَمَ الْمُشْرِكُونَ عَلَيْهِ لِلْقَتْلِ، فَأَلْقَى
اللَّهُ تَعَالَى فِي قُلُوبِهِمْ - لِمَا أَرَادَهُ مِنْ حَيَاتِهِ -
أَنْ يَوْقِظُوهُ مِنْ نَوْمِهِ، فَقَالُوا: نُنبِّئُهُ لِيَرَى أَنَا
ظَفِرَنَا بِهِ قَبْلَ قَتْلِهِ، فَلَمَّا فَعَلُوا ذَلِكَ، وَثَبَ
إِلَيْهِمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَفِي يَدِهِ سَيْفُهُ، فَتَوَلَّوْا
عَنْهُ هَارِبِينَ.

فَقَالَ لَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: دَخَلْتُمْ وَأَنَا
نَائِمٌ، فَادْخُلُوا وَأَنَا مُنْتَبِهٌ.

فَقَالُوا: لَا حَاجَةَ لَنَا فَيْكَ يَا ابْنَ أَبِي
طَالِبٍ!

۵۲. الإمام الصادق عليه السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى:
﴿وَيُطْعَمُونَ أَلْطَعَامَ عَلَىٰ حَيْثُ مَسْكِنَتَا وَيَتِيمًا
وَأَسِيرًا﴾ -: كَانَ عِنْدَ فَاطِمَةَ عليها السلام شَعِيرٌ، فَجَعَلُوهُ
عَصِيدَةً، فَلَمَّا أَنْضَجُوهَا وَوَضَعُوهَا بَيْنَ

پسرعمویش خوابید تا با جان خویش، او را
از نابودی نگه دارد، کجا؟! هان! من دانستم که
او از صمیم دل، حاضر است خودش از بین
برود؛ اما مویی از بدن پسرعمویش کم نشود!
فرود آید و تا به صبح، از او پاسداری کنید.

مشرکان، پیوسته او (پیامبر صلی الله علیه و آله) را زیر
نظر داشتند و فرشتگان ارجمند، از او
پاسداری می کردند تا آن که هنگام صبح شد و
مشرکان، برای کشتنش بر وی یورش بردند.
خداوند متعال - که اراده کرده بود او زنده
بماند - در دلِ مشرکان افکند که او را از خراب
بیدار کنند. و گفتند: بیدارش می کنیم تا قبل
از کشته شدنش شاهد پیروز شدن ما بر
خودش باشد. چون چنین کردند، امیر
مؤمنان عليه السلام شمشیر به دست، به طرف آنها
پرید و مشرکان، پا به فرار گذاشتند.

امیر مؤمنان عليه السلام به آنان فرمود: «خواب
بودم که شما در آمدید و اکنون، بیدارم. وارد
شوید».

مشرکان گفتند: ما را با تو کاری نیست،
ای پسر ابوطالب!

۵۲. امام صادق عليه السلام - درباره آیه شریف: «و»
خوردنی را، با وجود دوست داشتن آن، به
بینوا و یتیم و اسیر می خورانند» - فرمود: در
خانه فاطمه عليها السلام، مقداری جو بود. آن را [آرد
کردند و] کاجی ساختند. چون کاجی را در
برابر خود نهادند [تا بخورند]، مستمندی

أَيَدِيهِمْ جَاءَ مِسْكِينٌ، فَقَالَ الْمِسْكِينُ:
رَحِمَكُمُ اللَّهُ! أَطْعِمُونَا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ، فَقَامَ
عَلِيٌّ ؑ فَأَعْطَاهُ ثُلُثَهَا.

آمد و گفت: خدایتان رحمت کنادا! از آنچه
خداوند، روزی تان کرده است، ما را اطعام
کنید. علی ؑ برخاست و یک سوم آن را به او
داد.

فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ يَتِيمٌ، فَقَالَ الْيَتِيمُ:
رَحِمَكُمُ اللَّهُ! أَطْعِمُونَا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ، فَقَامَ
عَلِيٌّ ؑ فَأَعْطَاهُ ثُلُثَهَا الثَّانِي.

چندی نگذشت که یتیمی آمد و گفت:
خدایتان، رحمت کنادا! از آنچه خداوند،
روزی تان کرده است، ما را اطعام کنید.
علی ؑ برخاست و یک سوم دیگر کاجی را به
او داد. لختی بعد، اسیری آمد و گفت:
خدایتان رحمت کنادا! از آنچه خداوند
روزی تان کرده است، ما را اطعام کنید.
علی ؑ برخاست و یک سوم باقی مانده را هم
به او داد و خودشان از آن، چیزی نچشیدند.

فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ أُسِيرٌ، فَقَالَ الْأُسِيرُ:
يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ! أَطْعِمُونَا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ، فَقَامَ
عَلِيٌّ ؑ فَأَعْطَاهُ الثُّلُثَ الْبَاقِي، وَمَا ذَاقُوهَا.

در این هنگام، خداوند، این آیه را در حق
آنان نازل فرمود: «و [این] کار شما، مورد
قدردانی است».

فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِمْ هَذِهِ الْآيَةَ إِلَى قَوْلِهِ:
«وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا».^۱

۵۳. امام صادق ؑ: علی ؑ، نزد فاطمه ؑ بود.
فاطمه ؑ به او گفت: ای علی! نزد پدرم برو و
از او چیزی برای ما درخواست کن. علی ؑ
گفت: باشد. پس نزد پیامبر خدا رفت.
پیامبر ؐ، یک دینار به او داد و فرمود: «ای
علی! برو و با این دینار، غذایی برای
خانواده ات خریداری کن».

۵۳. الإمام الصادق ؑ: بَيْنَمَا عَلِيٌّ ؑ عِنْدَ فَاطِمَةَ ؑ
إِذْ قَالَتْ لَهُ: يَا عَلِيُّ، اذْهَبْ إِلَى أَبِي فَأَبْقِنَا مِنْهُ
شَيْئًا. فَقَالَ: نَعَمْ. فَأَتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، فَأَعْطَاهُ
دِينَارًا، وَقَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ، اذْهَبْ فَابْتَغِ بِهِ
لِأَهْلِكَ طَعَامًا.

علی ؑ از نزد پیامبر ؐ خارج شد. در راه
به مقداد بن اسود برخورد و مدتی با هم [به
سخن] ایستادند. مقداد، حاجتش را به او
گفت. علی ؑ، دینار را به او داد و به مسجد

فَخَرَجَ مِنْ عِنْدِهِ فَلَقِيَهُ الْمَقْدَادُ بْنُ
الْأَسْوَدِ، وَقَامَا مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَقُومَا، وَذَكَرَ لَهُ
حَاجَّتَهُ، فَأَعْطَاهُ الدِّينَارَ وَانْطَلَقَ إِلَى

۱. تفسیر القسمی: ۲/ ۳۹۸، مجمع البیان: ۱۰/ ۶۱۲ نحوه

و کلاهما عن عبدالله بن میمون القداح، بحار الأنوار:

الْمَسْجِدِ، فَوَضَعَ رَأْسَهُ فَنَامَ، فَانْتَظَرَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَلَمْ يَأْتِ، ثُمَّ انْتَظَرَهُ فَلَمْ يَأْتِ، فَخَرَجَ يَدُورٌ فِي الْمَسْجِدِ فَإِذَا هُوَ بِعَلِيِّ ﷺ نَائِمٌ فِي الْمَسْجِدِ، فَحَرَّكَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَعَدَ، فَقَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ مَا صَنَعْتَ؟ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِكَ فَلَقَيْتَنِي الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ، فَذَكَرَ لِي مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَذْكُرَ، فَأَعْطَيْتُهُ الدِّينَارَ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَمَا إِنَّ جَبْرِئِيلَ قَدْ أَنْبَأَنِي بِذَلِكَ، وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ كِتَابًا: ﴿وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾.^۱

رفت و سرش را گذاشت و خوابید. پیامبر خدا، منتظر او ماند؛ اما نیامد. باز انتظار کشید؛ اما از علی ﷺ خبری نشد. لذا بیرون رفت و در مسجد می‌گشت که دید علی ﷺ در آن جا خوابیده است. پیامبر خدا، او را تکان داد. علی ﷺ [بیدار شد و] نشست. پیامبر ﷺ به او فرمود: «چه کردی، ای علی؟». گفت: ای پیامبر خدا! از نزد شما که رفتم، به مقداد بن اسود برخورددم و او به من گفت آنچه را خدا خواست بگوید (اظهار حاجت کرد) و من، آن دینار را به او دادم.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: «همانا جبرئیل ﷺ این مطلب را به من خبر داد، و خداوند، درباره تو این آیه را فرو فرستاد: «و [دیگران را] بر خویشان، مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند. و آنها که از آزمندی نفس خویش، مصون بمانند، آنان، همان رستگاران‌اند».

الْأَجْرُ

پاداش



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

ولمزيد الاطلاع راجع:

شرح نهج البلاغة: ۷۹/۹ والثواب والعقاب عند المسلمين.

انظر:

عنوان ۶۰ والثواب، ۶۸ والجزاء.

۵

الْعَمَلُ لِلْأَجْرِ

۵۴. الإمام علي عليه السلام: عَزَمَ اللَّهُ لَنَا عَلَى الذُّبِّ عَنْ حَوْزَتِهِ وَالرَّمْيِ مِنْ وَرَاءِ حُرْمَتِهِ، مُؤْمِنُنَا يَبْغِي بِذَلِكَ الْأَجْرَ، وَكَافِرُنَا يُحَامِي عَنْ الْأَصْلِ^۱.

۵۵. عنه عليه السلام: - لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ - : قُولَا بِالْحَقِّ، وَاعْمَلَا لِلْأَجْرِ^۲.

۶

لَا يُضَاعُ أَجْرُ الْمُحْسِنِ

الكتاب:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»^۳.

«وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُضْلِحِينَ»^۴.

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا»^۵.

۱. نهج البلاغة: الكتاب ۹.

۲. نهج البلاغة: الكتاب ۴۷.

۳. التوبة: ۱۲۰.

۴. الأعراف: ۱۷۰.

۵. الكهف: ۳۰.

۵

کار برای پاداش

۵۴. امام علی علیه السلام: خداوند خواست تا ما (قریش) پاسدار شریعتش باشیم و نگهدار حرمتش. مؤمن ما از این کار در پی مزد [الهی] بود و کافر ما از تبار خویش حمایت می کرد.

۵۵. امام علی علیه السلام: - به حسن و حسین - : فرمود: حق بگویید و برای مزد [آخرت] کار کنید.

۶

پاداش نیکوکار ضایع نمی شود

قرآن:

«همانا خداوند مزد نیکوکاران را ضایع نمی کند».

«و آنان که به کتاب [خدا] چنگ می آویزند و نماز را بر پا می دارند، [بدانند که] ما مزد درستکاران را تباه نمی سازیم».

«آنان که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند [بدانند که] ما مزد کسی را که نیکوکاری کرده ضایع نمی کنیم».

الحديث:

حديث:

۵۶. الإمام علي عليه السلام: شَتَانُ مَا بَيْنَ عَمَلَيْنِ: عَمَلٌ تَذْهَبُ لَذَّتُهُ وَتَبْقَى تَبِعَتُهُ، وَعَمَلٌ تَذْهَبُ مَوُونَتُهُ وَيَبْقَى أَجْرُهُ.^۱

۵۶. امام علی علیه السلام: چه بسیار است تفاوت میان دو کردار: کرداری که خوشی آن برود و پیامد (کیفر) آن برجای ماند و کرداری که رنج آن برود و مزدش بماند.

۷

خَصَائِصُ أَجْرِ الْآخِرَةِ

۷

ویژگیهای مزد آخرت

الكتاب:

قرآن:

«وَلَا جَزَاءَ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ»^۲.

«همانا مزد آخرت برای کسانی که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده‌اند، بهتر است».

«وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَنبُوَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَآ جَزَاءَ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»^۳.

«به آنان که پس از ستم کشیدن، در راه خدا مهاجرت کردند، در این جهان جایگاهی نیکو می‌دهیم و بی گمان مزد آخرت بزرگتر است، اگر بدانند».

«الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ»^۴.

«از میان آنانی که پس از زخم خوردن باز هم فرمان خدا و پیامبرش را اجابت کردند، و برای آنان که نیکوکارند و از خدا پروا دارند، مزدی عظیم است».

«وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ»^۵.

«به خدا و پیامبرش ایمان آورید و از آنچه شما را در [استفاده از] آن جانشین کرده است انفاق کنید. پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کنند مزدی بزرگ دارند».

«آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ»^۶.

«إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ»^۷.

«آنان که در نهان از پروردگار خویش می‌ترسند آمرزش و مزدی بزرگ دارند».

«الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

۱. نهج البلاغة: الحکمة ۱۲۱.

۲. یوسف: ۵۷.

۳. النحل: ۴۱.

۴. آل عمران: ۱۷۲.

۵. آل عمران: ۱۷۹.

۶. الحديد: ۷.

۷. الملك: ۱۲.

«برای کسانی که کفر ورزیدند عذابی سخت است و کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته

الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ^۱.

﴿إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدَّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ^۲.

﴿تَجِئْتُهُمْ يَوْمَ يُلْقَوْنَ سَلَامًا وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا^۳.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ^۴.

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ^۵.

﴿وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ^۶.

الحديث:

حديث:

کردند آموزش و مزدی بزرگ دارند».

«خداوند به مردان و زنان صدقه‌دهنده‌ای که به خدا قرض الحسنه می‌دهند چندین برابر می‌دهد و [نیز] برای ایشان مزدی آبرومند است».

«روزی که با او دیدار کنند، درودشان "سلام" است، و خداوند برایشان مزدی آبرومند فراهم آورده است».

«آنان که ایمان آوردند و کارهای نیکو کردند مزدی بی‌منت و تمام نشدنی دارند».

«مگر آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند؛ که آنان مزدی بی‌منت و تمام نشدنی دارند».

«و بی‌گمان تو پاداشی بی‌منت و تمام نشدنی داری!».

۵۷. امام علی علیه السلام: چشمان خود را به شب بیدار دارید و شکمهای خود را لاغر سازید و گامهایتان را به کار گیرید و داراییهای خویش را انفاق کنید و از تن‌هایتان بکاهید و آن را نثار جان‌هایتان کنید و از هزینه کردن اموال خود در راه جان‌هایتان بخل نورزید؛ زیرا خداوند سبحان فرموده است: «اگر خدا را یاری کنید شما را یاری می‌کند و گام‌های شما را استوار می‌دارد». و فرموده است: «کیست که به خدا وام نیکو دهد که خدا آن را برایش چندین برابر گرداند و برای او مزدی آبرومند است». پس، او از سر خواری و ناتوانی از شما یاری نخواسته و به علت ناداری از شما

۵۷. الإمام علي عليه السلام: أشهروا عيونكم، وأضمروا بطونكم، واستعملوا أقدامكم، وأنفقوا أموالكم، وخذوا من أجسادكم فجودوا بها على أنفسكم، ولا تبخلوا بها عنها، فقد قال الله سبحانه: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ^۷، وقال تعالى: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يقرض الله قرضاً حسناً فيضاعفه له وله أجر كريم^۸، فلم يستنصركم من ذل، ولم

۱. فاطر: ۷. ۲. الحديد: ۱۸.

۳. الأحزاب: ۴۴. ۴. فصلت: ۸.

۵. الانشقاق: ۲۵، وانظر التين: ۶.

۶. القلم: ۳. ۷. محمد: ۷.

۸. الحديد: ۱۱.

يَسْتَقِرُّ ضَعْفُكُمْ مِنْ قُلٍّ^۱.

وام نطلبیده است.

(انظر) الآخرة: باب ۲۳، ۲۶.

۸

کسی که دوبار مزد داده می‌شود

قرآن:

«آنان دو بار مزد داده شوند؛ زیرا پایداری ورزیدند،
بدی را با نیکی می‌زدایند و از آنچه روزی‌شان
کرده‌ایم انفاق می‌کنند».

«و به هر کس از شما [ای زنان پیامبر] که در برابر خدا
و پیامبرش فرمانبردار و فروتن باشد و کاری نیکو
کند دوبار مزد دهیم و برایش روزی آبرومندانه آماده
کرده‌ایم».

کرده‌ایم.

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر اسلامی

حدیث:

۵۸. پیامبر خدا ﷺ: هر کس از اهل کتاب به پیامبر
خود و من ایمان آورد، دو اجر دارد.

۵۹. امام صادق علیه السلام: مثل ابو طالب مثل اصحاب

کهف است. ایمان را نهان و شرک را آشکار

کردند و خدا هم به آنان دو مزد داد.

۸

مَنْ يُؤْتِي أَجْرَهُ مَرَّتَيْنِ

الكتاب:

«أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَذَرُونَ
بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»^۲.

«وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا
أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا»^۳.

الحديث:

۵۸. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنَ
بِنَبِيِّهِ وَآمَنَ بِي، فَلَهُ أَجْرَانِ^۴.

۵۹. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّ مَثَلَ أَبِي طَالِبٍ مَثَلُ
أَصْحَابِ الْكَهْفِ، أَسْرَوْا الْإِيمَانَ، وَأَظْهَرُوا
الشَّرْكَ، فَأَتَاهُمُ اللَّهُ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ^۵.

(انظر) عنوان ۲۸۷ «الصبر».

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۸۳.

۲. القصص: ۵۴. ۳. الأحزاب: ۳۱.

۴. صحيح البخاري: ۴۷۹۵ / ۱۹۵۵ / ۵.

۵. الكافي: ۲۸ / ۴۲۸ / ۱.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الإِجَارَةُ

اجاره



مركز بحوث الحاسوبية وعلوم إرسودي

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ١٠٣/١٦٦ باب ١٠ والإجارة والقبالة.

وسائل الشيعة: ١٣/٢٤١ وكتاب الإجارة.

كنز العمال: ٣/٩٠٦-٩٠٨، ٩٢٢-٩٢٤ والإجارة.

۹

الإجارة

الكتاب:

﴿أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَةُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾^۱

﴿قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾^۲

الحديث:

۶۰. الإمام علي عليه السلام - في قوله تعالى: ﴿نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ﴾ - : أَخْبَرَنَا سَبْحَانَهُ أَنَّ الْإِجَارَةَ أَحَدُ مَعَايِشِ الْخَلْقِ، إِذْ خَالَفَ بِحِكْمَتِهِ بَيْنَ هِمَمِهِمْ وَإِرَادَتِهِمْ وَسَائِرِ حَالَاتِهِمْ، وَجَعَلَ ذَلِكَ قِيَامًا لِمَعَايِشِ الْخَلْقِ، وَهُوَ الرَّجُلُ يَسْتَأْجِرُ الرَّجُلَ ... وَلَوْ كَانَ الرَّجُلُ مَنَا يُضْطَرُّ إِلَى أَنْ يَكُونَ بَنَاءً لِنَفْسِهِ أَوْ نَجَارًا أَوْ صَانِعًا فِي شَيْءٍ مِنْ جَمِيعِ أَنْوَاعِ الصَّنَائِعِ لِنَفْسِهِ ... مَا اسْتَقَامَتْ أَحْوَالُ الْعَالَمِ بِتِلْكَ، وَلَا اتَّسَعُوا لَهُ، وَلَعَجَزُوا عَنْهُ،

۱. الزخرف: ۳۲. ۲. القصص: ۲۶.

۹

اجیری (پیمان کاری)

قرآن:

«آیا آنان رحمت پروردگارت را قسمت می‌کنند؟ روزی آنان در زندگی دنیا را ما میان ایشان قسمت می‌کنیم. و درجات و مراتب برخی را بر برخی دیگر بالا برده‌ایم تا یکدیگر را به خدمت گیرند. و رحمت پروردگارت از آنچه آنها گرد می‌آورند، بهتر است».

«یکی از آن دو گفت: ای پدر! او را اجیر کن؛ همانا بهترین کسی که می‌توانی اجیر کنی، کسی است که هم نیرومند باشد و هم درستکار».

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر اسلامی

۶۰. امام علی علیه السلام - درباره آیه «ما روزی ایشان را میانشان قسمت می‌کنیم» - فرمود: خداوند سبحان [یا این آیه] به ما خبر داده که اجاره و اجیری یکی از راههای معیشت مردمان است؛ زیرا به حکمت خود، همتها و خواستها و دیگر احوال مردم را متفاوت قرار داد و این امر را مایه قوام معیشت آنها ساخت. از این رو، مردی مرد دیگر را اجیر می‌کند ... اگر هر کس ناچار می‌شد کار بنایی یا نجاری و یا هر کار دیگری را خودش برای خودش انجام دهد، نه کارهای دنیا سامان می‌گرفت و نه مردم فرصت و توانایی انجام همه این کارها را داشتند؛ اما خداوند با متفاوت ساختن

ولكنه أُنقِنَ تدبيره لمخالفته بين هممهم ،
وكل ما يُطلب مما تنصرف إليه همته مما
يقوم به بعضهم لبعض ، وليستغني بعضهم
ببعض في أبواب المعاش التي بها صلاح
أحوالهم^۱.

خواسته‌های مردم، تدبیری استوار کرد تا
انسان هر چه را بخواهد، دیگران برایش
انجام دهند و بدین سان هر کدام با کمک
دیگری آن طور که مصلحت حالش اقتضا
دارد، امور زندگانی‌اش را پیش ببرد.

۱۰

کراهت اجیر شدن

۶۱. امام صادق علیه السلام : کسی که خود را اجیر
[دیگری] کند، مانع روزی خود شده است.

در روایتی دیگر آمده است: چگونه مانع
روزی خود نشده، حال آن که دسترنجش از
آن کار فرمایی است که او را اجیر خود کرده
است؟^۲

۶۲. الکافی - به نقل از عمار سباطی - به ابو عبدالله
(امام صادق علیه السلام) عرض کردم: شخصی می‌تواند
تجارت کند، با این حال اگر خودش را اجیر
[دیگری] سازد، به اندازه‌ای که خودش
تجارت کند، به او داده می‌شود.

فرمود: اجیر نشود؛ بلکه از خداوند بزرگ
روزی طلبد و دست به تجارت زند؛ زیرا اگر
اجیر شود، مانع روزی خود شده است.

۱۱

دلایلی در اجاره

۶۳. امام صادق علیه السلام - وقتی از ایشان پرسیده شد:
مردی خانه‌ای را اجاره می‌کند و سپس

۱۰

کراهة إجارة النفس

۶۱. الإمام الصادق علیه السلام : مَنْ آجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ
عَلَى نَفْسِهِ الرِّزْقَ .

وفي رواية أخرى : وكيف لا يحظره ، وما
أصاب فيه فهو لرَبِّه الَّذِي آجَرَهُ^۲ ؟

۶۲. الكافي عن عمار السباطي : قلت لأبي
عبدالله عليه السلام : الرَّجُلُ يَتَّجِرُ ، فَإِنْ هُوَ آجَرَ نَفْسَهُ
أُعْطِيَ مَا يُصِيبُ فِي تِجَارَتِهِ ، فَقَالَ : لَا يُؤَاجِرُ
نَفْسَهُ ، وَلَكِنْ يَسْتَرْزِقُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَيَسْتَجِرُ ،
فَإِنَّهُ إِذَا آجَرَ نَفْسَهُ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرِّزْقَ^۳ .
(انظر) وسائل الشیعة : ۱۲ / ۱۷۵ باب ۶۶ ، ۱۳ / ۲۱۵ باب ۲۰ .

۱۱

الدَّلَالُ فِي الْإِجَارَةِ

۶۳. الإمام الصادق علیه السلام - وَقَدْ سُئِلَ عَنِ الدَّارِ

۱. وسائل الشیعة : ۱۳ / ۲۴۲ / ۳ .

۲. الکافی : ۱ / ۹۰ / ۵ .

۳. الکافی : ۳ / ۹۰ / ۵ .

يَكْتَرِيهَا الرَّجُلُ ثُمَّ يَسْتَأْجِرُهَا مِنْهُ غَيْرُهُ
بَأَكْثَرٍ - لا، إِلَّا أَنْ يُحْدِثَ فِيهَا شَيْئاً^۱.

۶۲. الكافي عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليه السلام:

أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَتَقَبَّلُ بِالْعَمَلِ فَلَا يَعْمَلُ
فِيهِ وَيَدْفَعُهُ إِلَى آخَرٍ فَيَرْبِحُ فِيهِ، قَالَ: لا، إِلَّا
أَنْ يَكُونَ قَدْ عَمِلَ فِيهِ شَيْئاً^۲.

(انظر) مستدرک الوسائل: ۱۴/۳۵ باب ۱۲، ۱۳.

وسائل الشيعة: ۱۳/۲۶۵ باب ۲۳.

۱۲

ظَلَمُ الْأَجِيرِ

۶۵. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ ظَلَمَ أَجِيراً أَجْرَهُ أَحْبَبَ اللَّهُ

عَمَلَهُ وَحَرَّمَ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ، وَإِنْ رِيحُهَا
لَتَوْجَدَ مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ^۳.

۶۶. عنه صلى الله عليه وآله: إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ غَافِرُ كُلِّ ذَنْبٍ، إِلَّا

مَنْ أَحْدَثَ دِيناً، أَوْ غَضَبَ أَجِيراً أَجْرَهُ، أَوْ
رَجُلٌ بَاعَ حُرّاً^۴.

۶۷. عنه صلى الله عليه وآله: إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ غَافِرُ كُلِّ ذَنْبٍ، إِلَّا

رَجُلٌ اغْتَصَبَ أَجِيراً أَجْرَهُ أَوْ مَهْرَ امْرَأَةٍ^۵.

۶۸. عنه صلى الله عليه وآله: ظَلَمُ الْأَجِيرِ أَجْرَهُ مِنَ الْكِبَائِرِ^۶.

۱. دعائم الإسلام: ۲/۷۶/۲۱۵.

۲. الكافي: ۵/۲۷۳/۱.

۳. الأمالي للصدوق: ۷۰۷/۵۱۳.

۴. عيون أخبار الرضا: ۲/۳۳/۶۰.

۵. مستدرک الوسائل: ۱۴/۳۱/۱۶۰۲۴.

۶. بحار الأنوار: ۱۰۳/۱۷۰/۲۷.

شخص دیگری آن خانه را به قیمتی بالاتر از
او اجاره می‌گیرد - فرمود: درست نیست،
مگر آن که تغییری در آن خانه ایجاد کند.

۶۲. الکافی - به نقل از محمد بن مسلم - از امام

باقر یا صادق علیه السلام، پرسیده شد: فردی کاری را
بر می‌دارد؛ اما خودش آن را انجام نمی‌دهد؛
بلکه به دیگری وا می‌گذارد و در این میان
سود می‌برد. فرمود: نه، مگر آن که خودش نیز
مقداری از آن کار را انجام دهد.

۱۲

ستم کردن در حق اجیر

۶۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: کسی که مزد اجیری را کم

دهد، خداوند عملش را باطل می‌گرداند و
بوی بهشت را که از مسافت پانصد ساله به
مشام می‌رسد، بر وی حرام می‌کند.

۶۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خداوند عز و جل هر گناهی را

می‌آمرزد مگر گناه کسی را که دینی نو آورد،
یا مزد اجیری را نپردازد یا یک فرد آزاد را
بفروشد.

۶۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خداوند عز و جل هر گناهی را

می‌آمرزد مگر مردی را که مزد اجیر (کارگر)
یا کابین زنی را نپردازد.

۶۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: کم دادن مزد اجیر (کارگر)، از

گناهان کبیره است.

۶۹. عنه علیه السلام : قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : ثَلَاثَةٌ أَنَا خَصْمُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ : رَجُلٌ أُعْطِيَ بِي ثُمَّ غَدَرَ ، وَرَجُلٌ بَاعَ حُرًّا فَأَكَلَ ثَمَنَهُ ، وَرَجُلٌ اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا فَاسْتَوْفَى مِنْهُ وَلَمْ يُعْطِهِ أَجْرَهُ^۱ .

۷۰. عنه علیه السلام : أَلَا مَنْ ظَلَمَ أَجِيرًا أَجْرَتَهُ فَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ^۲ .

۷۱. مستدرک الوسائل عن الأصبغ بن نباتة : كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ ، فَأَتَاهُ رَجُلٌ مِنْ بَجِيلَةَ يُكْنَى أَبُو خَدِيجَةَ ، قَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، أَعِنْدَكَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله تُحَدِّثُنَا بِهِ ؟ قَالَ : نَعَمْ ؛ يَا قَنْبِرُ ائْتِنِي بِالْكِتَابَةِ ، فَقَضَّيْهَا فَإِذَا ... مَكْتُوبٌ فِيهَا : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، إِنَّ لَعْنَةَ اللَّهِ وَمَلَأَتْكِهُ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى مَنْ انْتَمَى إِلَى غَيْرِ مَوَالِيهِ . وَلَعْنَةُ اللَّهِ وَمَلَأَتْكِهُ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى مَنْ أَخَذَتْ فِي الْإِسْلَامِ حَدَثًا أَوْ آوَى مُحَدِّثًا . وَلَعْنَةُ اللَّهِ وَمَلَأَتْكِهُ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَجِيرًا أَجْرَهُ^۳ .

(انظر) وسائل الشيعة : ۱۳/۲۴۷ باب ۵.

۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند متعال فرمود: سه نفرند که در روز قیامت من خود مدعی ایشانم: کسی که با من پیمان ببندد سپس پیمان بشکند، کسی که انسان آزاد را بفروشد و بهای فروش او را بخورد، و کسی که کارگری را اجیر کند و از او کامل کار بکشد اما مزدش را نپردازد.

۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هان! لعنت خدا بر کسی که مزد مزدبیری را کامل نپردازد.

۷۱. مستدرک الوسائل - به نقل از اصبع بن نباته :- خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در مسجد کوفه نشسته بودم که مردی از قبیله بجیله - که کنیه اش ابو خدیجه بود - پیش آمد و عرض کرد: ای امیر مؤمنان! آیا رازی از رازهای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله داری که برایمان باز گویی؟ فرمود: آری؛ ای قنبر! آن نوشته را بیاور. پس آن را گشود... در آن نوشته بود: به نام خداوند بخشاینده مهربان، لعنت خدا و فرشتگان او و همه مردمان بر کسی که خود را به غیر بستگان خویش نسبت دهد و لعنت خدا و فرشتگان او و همه مردمان بر کسی که در اسلام بدعتی گذارد یا بدعتگذاری را پناه دهد و لعنت خدا و فرشتگان او و همه مردمان بر کسی که حق کارگر را بخورد.

۱. کتر العمال : ۴۳۸۲۶ .

۲. مستدرک الوسائل : ۱۴ / ۳۰ / ۱۶۰۲۱ .

۳. مستدرک الوسائل : ۱۴ / ۳۰ / ۱۶۰۲۲ .

۱۳

إعلام الأجرة

۷۲. رسول الله ﷺ: إذا استأجر أحدكم أجيراً فليعلمه أجره.^۱

۷۳. الإمام عليّ عليه السلام: نهى [رسول الله ﷺ] أن يستعمل أجيراً حتى يعلم ما أجرته.^۲

۷۴. الإمام الصادق عليه السلام: من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يستعمل أجيراً حتى يعلمه ما أجره.^۳

۷۵. الإمام الرضا عليه السلام: اعلم أنه ما من أحدٍ يعمل لك شيئاً بغير مقاطعة ثم زدته لذلك الشيء ثلاثة أضعاف على أجرته إلا ظن أنك قد نقصته أجرته. وإذا قاطعته ثم أعطيته أجرته حمداً على الوفاء، فإن زدته حبة عرف ذلك لك، ورأى أنك قد زدته.^۴

۱۳

أدب إعطاء الأجرة

۷۶. رسول الله ﷺ: أعطوا الأجير أجره قبل أن يجف عرقه.^۵

۱۳

تعيين کارمزد

۷۲. پیامبر خدا ﷺ: هرگاه فردی از شما کارگری می گیرد، مزدش را برای او مشخص کند.

۷۳. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا ﷺ نهی فرمود از این که کارگری، پیش از تعیین مزدش، به کار گرفته شود.

۷۴. امام صادق علیه السلام: کسی که به خدا و روز واپسین ایمان دارد، نباید کارگری را به کار بگیرد مگر آن که او را از مبلغ مزدش مطلع سازد.

۷۵. امام رضا علیه السلام: بدان که اگر کسی مزدش معین نشود و برای تو کاری انجام دهد و در عین حال، مزد او را سه برابر بپرداز، باز گمان می کند که مزدش را کم داده ای. اما اگر با او قطعی کنی و آن گاه مزدش را بپردازی، از این که اجرتش را کامل داده ای سپاسگزار خواهد بود و اگر ذره ای بیشتر از مزدش بدهی، می فهمد که به او بیشتر داده ای.

۱۴

آداب پرداخت مزد

۷۶. پیامبر خدا ﷺ: مزد کارگر را پیش از آن که عرقش خشک شود بدهید.

۱. كنز العمال: ۹۱۲۴.

۲. كتاب من لا يحضره الفقيه: ۴/۱۰/۴۹۶۸.

۳. الكافي: ۴/۲۸۹/۵. ۴. الكافي: ۱/۲۸۸/۵.

۵. كنز العمال: ۹۱۲۶.

۷۷. عنه عليه السلام: أَعْطُوا الْأَجِيرَ أَجْرَهُ مَا دَامَ فِي رَشِيحِهِ^۱.

۷۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مزد کارگر را هنگامی که هنوز عرق بر تن دارد بپردازید.

۷۸. الكافي عن شُعَيْبٍ: تَكَارَيْنَا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَوْمًا يَعْمَلُونَ فِي بُسْتَانٍ لَهُ، وَكَانَ أَجْلُهُمْ إِلَى الْعَصْرِ، فَلَمَّا فَرَغُوا قَالَ لِمَعْتَبٍ: أَعْطِهِمْ أَجُورَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَجِفَّ عَرَقُهُمْ^۲.

۷۸. الكافي - به نقل از شعيب -: گروهی را اجیر کردیم که تا عصر در باغ ابو عبدالله (امام صادق عليه السلام) کارکنند. همین که کارشان تمام شد، آن حضرت به معتب فرمود: پیش از آن که عرق آنان بخشکد مزدشان را بپرداز.

۱۵

الإمام أجير الأمة

۷۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: أَلَا وَإِنِّي أَنَا أَبُوكُمْ، أَلَا وَإِنِّي أَنَا مَوْلَاكُمْ، أَلَا وَإِنِّي أَنَا أَجِيرُكُمْ^۳.

رهبر، اجیر امت است

۷۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدانید که من پدر شما هستم، آگاه باشید که من [سرپرست و] مولای شما هستم، بدانید که من اجیر شما هستم. بنگرید به آیات ذیل:

«بگو: برای این [رسالت]، مزدی از شما نمی‌خواهم، جز دوست داشتن خویشاوندانم.»
«بگو: هر مزدی که از شما طلبیده‌ام، از آن خودتان باد.»

«بگو: من در برابر این (رسالت)، از شما مزدی نمی‌خواهم مگر کسی که بخواهد به سوی پروردگارش راهی بیابد.»

(انظر) الآيات التالية:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾^۴
﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ﴾^۵
﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾^۶.

(انظر) الإمامة العامة: باب ۱۴۲.

۱. كنز العمال: ۹۱۳۱. ۲. الكافي: ۳/۲۸۹/۵.

۳. الأمالي للمفيد: ۳/۳۵۳. ۴. الشورى: ۲۳.

۵. سبأ: ۴۷. ۶. الفرقان: ۵۷.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الأجل

اجل



مركز تحقيقات كميوتيز علوم دینی

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٥/١٣٦ باب ٤ والآجال.

انظر:

عنوان ٢١ والأمل، ١٠٢ والحرس، ٣٦٨ والعمر،

٣٣١ والقدر، ٣٤٢ والقضاء والقدر، ٣٩٨ والموت.

۱۶

الأجل

۸۰. الإمام علي عليه السلام: خَلَقَ الْآجَالَ فَأَطَالَهَا وَقَصَّرَهَا، وَقَدَّمَهَا وَأَخَّرَهَا، وَوَصَلَ بِالْمَوْتِ أَسْبَابَهَا.^۱
۸۱. عنه عليه السلام: الْأَجَلُ مَسَاقُ النَّفْسِ، وَالْهَرَبُ مِنْهُ مُوَافَاتُهُ.^۲

۸۲. عنه عليه السلام: أَصْدَقُ شَيْءٍ الْأَجَلُ.^۳

۸۳. عنه عليه السلام: لَا شَيْءَ أَصْدَقُ مِنَ الْأَجَلِ.^۴

۸۴. عنه عليه السلام: أَقْرَبُ شَيْءٍ الْأَجَلُ.^۵

۸۵. عنه عليه السلام: نِعَمَ الدَّوَاءِ الْأَجَلُ.^۶

۸۶. عنه عليه السلام: نَفْسُ الْمَرْءِ خُطَاهُ إِلَى أَجَلِهِ.^۷

۸۷. عنه عليه السلام: مَنْ رَاقِبَ أَجَلَهُ اغْتَنَمَ مَهَلَهُ.^۸

۱۷

الأجل حِصْنٌ خَصِينٌ

الكتاب:

«وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا».^۹

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۹۱. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۲۹.

۳. غرر الحکم: ۲۸۲۵. ۴. غرر الحکم: ۱۰۶۴۸.

۵. غرر الحکم: ۲۹۲۰. ۶. غرر الحکم: ۹۹۰۵.

۷. نهج البلاغة: الحکمة ۷۴. ۸. غرر الحکم: ۸۴۴۳.

۹. آل عمران: ۱۴۵.

۱۶

اجل

۸۰. امام علی علیه السلام: [خداوند]، [اجلها] (مدت عمرها) را مشخص ساخته، برخی را کوتاه و برخی را دراز گردانید و پاره‌ای را پس و برخی را پیش انداخت و عوامل آنها را به مرگ، پیوند داد (موجبات به سرآمدن اجل را فراهم آورد).

۸۱. امام علی علیه السلام: اجل، میدان رفتن جان است و گریز از مرگ، رسیدن به آن.

۸۲. امام علی علیه السلام: راست‌ترین چیز، اجل است.

۸۳. امام علی علیه السلام: چیزی راست‌تر از اجل (مرگ) نیست.

۸۴. امام علی علیه السلام: نزدیکترین چیز، اجل است.

۸۵. امام علی علیه السلام: خوب دارویی است اجل.

۸۶. امام علی علیه السلام: نَفْسهای آدمی گامهای او به سوی مرگ است.

۸۷. امام علی علیه السلام: هر که مراقب اجل خود باشد، فرصتهایش را غنیمت می‌شمارد.

۱۷

اجل، دژی استوار

قرآن:

«و هیچ کس جز به فرمان خدا نمی‌میرد، مهلتی است تعیین شده».

«يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ»^۱.

«وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ»^۲.

الحديث:

۸۸. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ مَعَ كُلِّ إِنْسَانٍ مَلَكَ يَحْفَظَانِهِ، فَإِذَا جَاءَ الْقَدَرُ خَلَّيَا بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ، وَإِنَّ الْأَجَلَ جُنَّةٌ حَصِينَةٌ^۳.

۸۹. عنه عليه السلام: لَمَّا خُوفَ مِنَ الْغِيلَةِ -: وَإِنَّ عَلَيَّ مِنْ اللَّهِ جُنَّةً حَصِينَةً، فَإِذَا جَاءَ يَوْمِي انْفَرَجَتْ عَنِّي وَأَسْلَمْتَنِي، فَحِينَئِذٍ لَا يَطِيشُ السَّهْمُ، وَلَا يَبْرَأُ الْكَلَمُ^۴.

۹۰. عنه عليه السلام: كَفَى بِالْأَجَلِ حِزْزًا، إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَمَعَهُ حَفْظَةٌ مِنَ اللَّهِ يَحْفَظُونَهُ أَنْ لَا يَتَرَدَّى فِي بَئْرٍ، وَلَا يَقَعَ عَلَيْهِ حَائِطٌ، وَلَا يُصِيبُهُ سَبْعٌ، فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُ خَلَّوْا بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَجَلِهِ^۵.

«می‌گویند: اگر ما را در این کار اختیاری بود، این جا کشته نمی‌شدیم. بگو: اگر در خانه‌های خود هم بودید، کسانی که کشته شدن بر آنها مقرر شده بود قطعاً [با پای خود] به سوی قتلگاههای خویش می‌رفتند».

«و خدا شما را از خاک و سپس از نطفه آفرید، آن گاه جفت‌های یکدیگر قرارشان داد. هیچ زنی آبستن نمی‌شود و نمی‌زاید مگر به علم او. و عمر هیچ سالخورده‌ای به درازا نمی‌کشد و از عمر کسی کاسته نمی‌گردد جز آن که همه در کتابی نوشته شده است. و این کارها بر خداوند آسان است».

حدیث:

۸۸. امام علی علیه السلام: هر انسانی دو فرشته نگاهبان دارد، لیک هر گاه تقدیر فرارسد، او را با آن تنها می‌گذارند. همانا اجل، حفاظی استوار

۸۹. امام علی علیه السلام: چون او را از کشته شدن ناگهانی (ترور شدن) ترسانند - فرمود: خداوند برای من حفاظی محکم قرار داده است و چون روز [مرگ] من فرارسد، آن حفاظ کنار می‌رود و مرا تسلیم [مرگ] می‌کند. در آن هنگام، نه تیر به خطا می‌رود و نه زخم بهبود می‌یابد.

۹۰. امام علی علیه السلام: نگاهبانی اجل کافی است. هیچ کس نیست مگر آن که نگاهبانانی از سوی خداوند بر او گماشته‌اند که نمی‌گذارند در چاهی بیفتد یا دیواری بر سر او آوار شود یا خوراک درنده‌ای گردد، اما چون اجلش فرا رسد او را با اجلش تنها می‌گذارند.

۱. آل عمران: ۱۵۴. ۲. فاطر: ۱۱.

۳. بحار الأنوار: ۸/۱۴۰/۵. ۴. نهج البلاغة: الخطبة ۶۲.

۵. بحار الأنوار: ۱۵۸/۶۴/۷۸.

۹۱. عنه علیه السلام : كَفَى بِالْأَجَلِ حَارِسًا^۱.

۹۱. امام علی علیه السلام : نگهبانی اجل، کافی است.

۹۲. عنه علیه السلام : الْأَجَلُ حِصْنُ حَصِينٍ^۲.

۹۲. امام علی علیه السلام : اجل، دژی استوار است.

۹۳. التوحيد عن سعيد بن وهب : كُنَّا مَعَ سَعِيدِ بْنِ قَيْسٍ بِصَفِّينَ لَيْلاً، وَالصَّفَّانِ يَنْظُرُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا إِلَى صَاحِبِهِ، حَتَّى جَاءَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام، فَزَلْنَا عَلَى فَنَائِهِ، فَقَالَ لَهُ سَعِيدُ بْنُ قَيْسٍ : أَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! أَمَا خِفْتُ شَيْئاً؟ قَالَ : وَأَيُّ شَيْءٍ أَخَافُ؟ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَمَعَهُ مَلَكَانِ مُوَكَّلَانِ بِهِ أَنْ يَقَعَ فِي بُئْرٍ أَوْ تَضُرَّ بِهِ دَابَّةٌ أَوْ يَتَرَدَّى مِنْ جَبَلٍ، حَتَّى يَأْتِيَهُ الْقَدَرُ ؛ فإِذَا أَتَى الْقَدَرُ خَلُّوا بَيْتَهُ وَبَيِّنَهُ^۳.

۹۳. التوحيد - به نقل از سعید بن وهب - : شبی با سعید بن قیس در صفین بودیم و هر یک از دو سپاه، دیگری را زیر نظر داشت. تا آن که امیرالمؤمنین علیه السلام تشریف آورد و ما به حضور آن حضرت رسیدیم. سعید بن قیس به ایشان گفت: در این ساعت شب، ای امیر مؤمنان؟ از چیزی نهراسیدی؟! فرمود: از چه بهراسم؟! هیچ انسانی نیست مگر آن که دو فرشته بر او گماشته‌اند، تا در چاهی نیفتد یا جانوری به او گزند یا نرساند یا از کوهی سقوط نکند تا آن که تقدیرش فرارسد و چون تقدیرش فرا رسد او را با تقدیرش تنها می‌گذارند.

۱۸

لِكُلِّ شَيْءٍ أَجَلٌ

۹۲. الإمام علي علیه السلام : إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً وَأَجَلاً^۴.

هر پدیده‌ای اجلی دارد

۱۸

۹۲. امام علی علیه السلام : هر چیزی را مدتی است و اجلی.

۹۵. عنه علیه السلام : إِنَّ لِكُلِّ أَجَلاً لَا يَغْدُوهُ^۵.

۹۵. امام علی علیه السلام : برای هر چیزی اجلی است که از آن در نمی‌گذرد.

۹۶. عنه علیه السلام : جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا، وَلِكُلِّ قَدَرٍ أَجَلاً^۶.

۹۶. امام علی علیه السلام : خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای گذاشته است و برای هر اندازه‌ای، اجلی و سرآمدی.

۱. بحار الأنوار: ۱۴/۱۴۲/۵. ۲. غرر الحکم: ۴۹۴.

۳. التوحيد: ۲۶/۳۷۹. ۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۰.

۵. الکافي: ۱/۲۳۰/۲. ۶. غرر الحکم: ۴۷۷۸.

۱۹

لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ

الكتاب:

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾^۱

﴿وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ * مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ﴾^۲

(انظر) النحل: ۶۱، طه: ۱۲۹، العنكبوت: ۵، الشورى: ۱۴، المؤمنون: ۴۳.

قرآن:

«هر امتی را اجل است و چون اجلشان در رسد نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنند و نه پیشی می‌گیرند».

«هیچ قریه‌ای را هلاک نکردیم مگر آن که اجل معینی داشتند. هیچ امتی از اجل خویش نه پیش می‌افتد و نه پس می‌ماند».

۲۰

اجل معلق و اجل قطعی

قرآن:

«اوست که شما را از گِل بیافرید و عمری مقرر کرد و اجل حتمی نزد اوست. با این همه، شما تردید می‌ورزید».

حدیث:

۹۷. امام صادق علیه السلام - در تفسیر این آیه - فرمود: اجل غیر مسمی (غیر قطعی)، موقوف و معلق است و به خواست خدا پس و پیش می‌شود. اما اجل مسمی (قطعی)، آن است که از شب قدر تا شب قدر سال آینده مقدر می‌فرماید و این است سخن خداوند که: «چون اجلشان در رسد ساعتی از آن پس و

۲۰

الْأَجَلُ الْمَعْلُوقُ وَالْأَجَلُ الْمَحْتَمُومُ

الكتاب:

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ﴾^۳

الحديث:

۹۷. الإمام الصادق علیه السلام - في تفسير الآية - :
الأجل الذي غير مسمى موقوف، يُقدَّم منه ما شاء، ويؤخر منه ما شاء، وأما الأجل المسمى فهو الذي ينزل مما يُريد أن يكون من ليلة القدر إلى مثلها من قابل، فذلك قول الله: ﴿إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ

۱. الأعراف: ۳۴. ۲. الحجر: ۴، ۵.

۳. الأنعام: ۲.

لا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ^۱.

پیش نمی‌افتند.^۱

۲۱

مَا يَدْفَعُ الْأَجَلَ الْمُعَلَّقَ

آنچه اجل معلق را دور می‌کند

۹۸. الإمام علي عليه السلام: بِالصَّدَقَةِ تُفْسَحُ الْآجَالُ^۲.

۹۸. امام علی علیه السلام: با صدقه دادن، عمرها طولانی

می‌شود.

۹۹. الإمام الصادق عليه السلام: يَعِيشُ النَّاسُ بِإِحْسَانِهِمْ

۹۹. امام صادق علیه السلام: مردم بیش از آن که با عمر خود

زندگی کنند، با احسان و نیکوکاری خویش

أَكْثَرُ مِمَّا يَعِيشُونَ بِأَعْمَارِهِمْ، وَيَمُوتُونَ

می‌زیند. و بیش از آن که به سبب فرا رسیدن

بِذُنُوبِهِمْ أَكْثَرُ مِمَّا يَمُوتُونَ بِآجَالِهِمْ^۳.

اجل خود بمیرند، بر اثر گناهان خویش

(انظر: العُمر: باب ۲۸۸۶).

می‌میرند.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

۱. الأعراف: ۳۴.

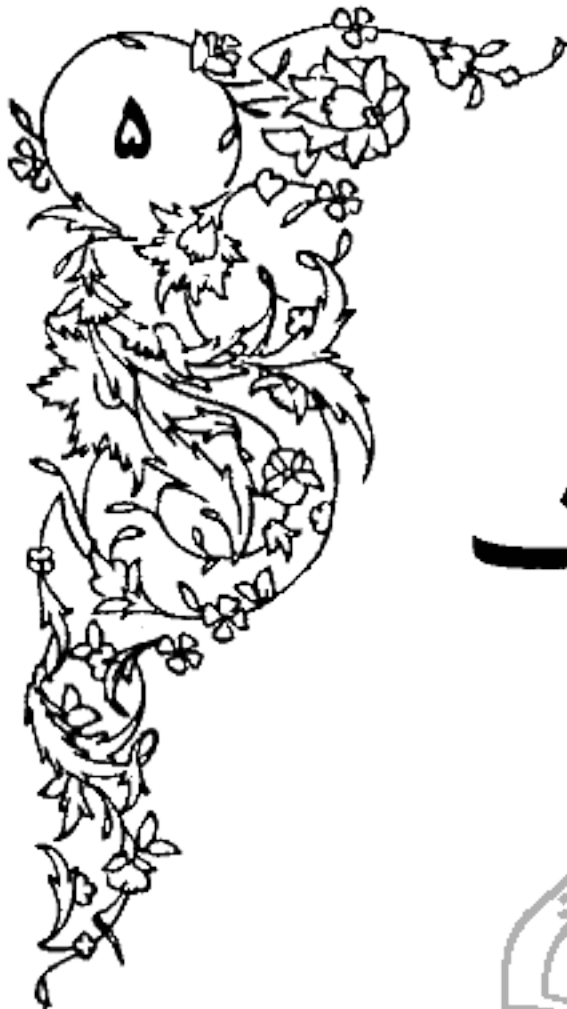
۲. بحار الأنوار: ۳/۱۳۹/۵.

وقد جاءت بهذا المعنى روايات أخرى، ولكن ينافيها نص خبر ابن مسكان الدال على كون الأجل الأول محتوماً والثاني موقوفاً، وجمع العلامة المجلسي بين الطائفتين بوجه. ورد العلامة الطباطبائي خبر ابن مسكان، وفسر الآية طبقاً للرواية التي نقلناها في المتن.

راجع: بحار الأنوار: ۳/۱۳۹/۵ - ۱۴۰، الميزان في تفسير القرآن: ۱۵/۷.

۳. غرر الحكم: ۴۲۳۹. ۴. بحار الأنوار: ۷/۱۴۰/۵.

۱. روایات دیگری نیز به همین معنا و مضمون آمده است اما متن خبر ابن مسکان - که علامه مجلسی در بحار الأنوار آورده است - حاکی از آن است که اجل نخست، محتوم است و اجل دوم معلق و موقوف و از این رو با این روایت منافات دارد. او این دو گروه از روایات را به نحوی با هم جمع و توجیه کرده است؛ اما صاحب تفسیر المیزان خبر ابن مسکان را رد کرده و آیه را مطابق با روایتی که در متن نقل کردیم تفسیر نموده است.



الأخيرة

آفرت



مركز بحوث ودراسات في العلوم الإسلامية

المنظر:

عنوان ٧٩ والجنة، ٣٧٤ والمعاد.

التجارة: باب ٤٥٢، ٤٥٣، الدنيا: باب ١٢٢٣-١٢٢٤، ١٢٥٤-١٢٥٧.

السفر: باب ١٨١٧.

۲۲

الْآخِرَةُ

الکتاب:

«وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ
وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ»^۱

«مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُفْجِنَ فِي الْأَرْضِ
تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ
حَكِيمٌ»^۲

«مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ»^۳

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَزْثَ الْآخِرَةِ نَزِدَ لَهُ فِي حَزْثِهِ وَمَنْ كَانَ
يُرِيدُ حَزْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ
نَصِيبٍ»^۴

الحديث:

۱۰۰. الإمام علي عليه السلام: أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّمَا الدُّنْيَا

عَرَضٌ حَاضِرٌ، يَأْكُلُ مِنْهَا الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ، وَإِنَّ
الْآخِرَةَ وَغَدٌ صَادِقٌ يَحْكُمُ فِيهَا مَلِكٌ قَادِرٌ.^۵

۱۰۱. عنه عليه السلام: أَحْوَالُ الدُّنْيَا تَتَّبِعُ اتِّفَاقَ،

وَأَحْوَالُ الْآخِرَةِ تَتَّبِعُ اسْتِحْقَاقَ.^۶

۲۲

آخِرَت

قرآن:

«وَأَنَّا نَكُفِّرُ بِنَافِثِهِمْ رِيْءَ النَّفْسِ الْكَاذِمَةِ، فَنُخِطُّ لَهُمْ نَافِثَاتٍ ذَاتِ بَخٍ تُرَدُّ رَتَابَها. فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى الدَّافِقِ»^۱

«برای هیچ پیامبری نَسزد که اسیر بگیرد تا آنگاه که
جای پای خود را در زمین محکم کند. شما متاع
ناپایدار دنیا را می‌خواهید و خدا سرای دیگر را
[برای شما] می‌خواهد. و خداوند، پیروزمند حکیم
است»^۲

«کسانی از شما دنیا را می‌خواهند و کسانی خواهان
آخرتند»^۳

«هر کس کشت آخرت را بخواهد به کشته‌اش
می‌افزایم، و هر کس کشت دنیا را بخواهد از همان به
او عطا می‌کنیم و در آخرت نصیبی ندارد»^۴

حدیث:

۱۰۰. امام علی عليه السلام: هَلَايَ مَرْدَمَ! دُنْيَا مَتَاعِي
أَسْتَأْمَدُهُ كَمَا نِيَكُو وَبَدَا مِنْهُ خَوْرُنْدُ، وَ
آخِرَتُ وَعْدَاهِي أَسْتَأْمَدُهُ رَاسِتُ كَمَا فَرْمَانُ رَوَايِي
تَوَانَا فِي رَوْزِ دَاوَرِي مِي‌كَنْدُ.

۱۰۱. امام علی عليه السلام: أَوْضَاعُ وَأَحْوَالُ دُنْيَا تَابِعُ
اتِّفَاقُ أَسْتُ، وَأَوْضَاعُ وَأَحْوَالُ آخِرَتِ تَابِعُ
اسْتِحْقَاقُ.

۲. الأنفال: ۶۷.

۱. البقرة: ۴.

۴. الشورى: ۲۰.

۳. آل عمران: ۱۵۲.

۶. غرر الحکم: ۲۰۳۶.

۵. کنز العمال: ۴۴۲۲۵.

۱۰۲. عنه علیه السلام: إِنْ الدُّنْيَا قَدْ أَدْبَرَتْ وَأَذْنَتْ بِوَدَاعٍ، وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ وَأَشْرَفَتْ بِاطِّلَاعٍ، وَإِنَّ الْمِضْمَارَ الْيَوْمَ وَغَدَا السَّبَاقُ^۱.
۱۰۳. عنه علیه السلام: مَنْ حَرَصَ عَلَى الْآخِرَةِ مَلَكَ، مَنْ حَرَصَ عَلَى الدُّنْيَا هَلَكَ^۲.
۱۰۴. عنه علیه السلام: الدُّنْيَا مَثْنِيَّةُ الْأَشْقِيَاءِ، الْآخِرَةُ فَوزُ السَّعْدَاءِ^۳.
۱۰۵. عنه علیه السلام: اجْعَلْ لآخِرَتِكَ مِنْ دُنْيَاكَ نَصِيباً^۴.
۱۰۶. عنه علیه السلام: اشْغَلُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ أَمْرِ الْآخِرَةِ بِمَا لَا يَبْدُ لَكُمْ مِنْهُ^۵.
۱۰۷. عنه علیه السلام: عَلَيْكَ بِالْآخِرَةِ تَأْتِكَ الدُّنْيَا صَاغِرَةً^۶.
۱۰۸. عنه علیه السلام: إِنْ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابٌ، وَغَدَاً حِسَابٌ وَلَا عَمَلٌ^۷.
۱۰۹. عنه علیه السلام: اسْتَعِدُّوا الْيَوْمَ تَشْخُصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ، وَتَتَدَلَّلُهُ لِهَوْلِهِ الْعُقُولُ، وَتَبْلُذُّ الْبَصَائِرُ^۸.
۱۱۰. عنه علیه السلام: إِنْ الدُّنْيَا مُنْقَطِعَةٌ عَنْكَ، وَالْآخِرَةُ قَرِيبَةٌ مِنْكَ^۹.
۱۱۱. عنه علیه السلام: إِنَّكُمْ إِلَى الْآخِرَةِ صَائِرُونَ، وَعَلَى اللَّهِ
۱۰۲. امام علی علیه السلام: دنیا پشت کرده و بدرودگویان است و آخرت روی آورده و آشکار شده است. امروز، روز آمادگی است و فردا، روز پیشی گرفتن [به بهشت].
۱۰۳. امام علی علیه السلام: هر کس برای آخرت حرص زند آن را به دست می آورد و هر که برای دنیا حرص زند نابود می شود.
۱۰۴. امام علی علیه السلام: دنیا آرزوی شوربختان است، و آخرت پیروزی نیکبختان.
۱۰۵. امام علی علیه السلام: برای آخرت خود از دنیایت بهره ای بگذار.
۱۰۶. امام علی علیه السلام: خود را به کار آخرت، که ناگزیر از آنید مشغول کنید.
۱۰۷. امام علی علیه السلام: به آخرت چنگ درزن، دنیا خود با خواری پیش تو خواهد آمد.
۱۰۸. امام علی علیه السلام: امروز [روز] عمل است و نه حسابرسی و فردا حسابرسی است نه عمل.
۱۰۹. امام علی علیه السلام: برای روزی آماده شوید که چشمها در آن خیره می ماند و خردها از هراس آن از کار می افتد و تیزبینی ها به کودنی می گراید.
۱۱۰. امام علی علیه السلام: همانا دنیا از تو جدا شدنی و آخرت به تو نزدیک است.
۱۱۱. امام علی علیه السلام: همانا شما به سوی آخرت روانید و در پیشگاه خداوند حاضر

۱. كنز العمال: ۴۴۲۲۵. ۲. غرر الحكم: (۸۴۴۱-۸۴۴۲).
 ۳. غرر الحكم: (۶۹۴-۶۹۵).
 ۴. غرر الحكم: ۲۴۲۹. ۵. غرر الحكم: ۲۵۵۸.
 ۶. غرر الحكم: ۶۰۸۰. ۷. غرر الحكم: ۱۱۰۰۰.
 ۸. غرر الحكم: ۲۵۷۳. ۹. نهج البلاغة: الكتاب ۳۲.

معروضون^۱.

خواهید شد.

۲۳

عَظَمَةُ مَا فِي الْآخِرَةِ

الكتاب:

«انْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا»^۲.

«فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۳.

الحديث:

۱۱۲. الإمام علي عليه السلام: كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا سَمَاعُهُ أَعْظَمُ مِنْ عِيَانِهِ، وَكُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْآخِرَةِ عِيَانُهُ أَعْظَمُ مِنْ سَمَاعِهِ، فَلْيَكْفِكُمْ مِنَ الْعِيَانِ السَّمَاعُ، وَمِنَ الْغَيْبِ الْخَبَرُ^۴.

۱۱۳. عنه عليه السلام: مَا الْمَغْرُورُ الَّذِي ظَفِرَ مِنَ الدُّنْيَا بِأَعْلَى هِمَّتِهِ كَالْآخِرِ الَّذِي ظَفِرَ مِنَ الْآخِرَةِ بِأَدْنَى سَهْمَتِهِ^۵.

۱۱۴. الإمام زين العابدين عليه السلام: مَنْ تَعَزَّى عَنِ الدُّنْيَا بِثَوَابِ الْآخِرَةِ فَقَدْ تَعَزَّى عَنْ حَقِيرٍ بِخَطِيرٍ، وَأَعْظَمُ مِنْ ذَلِكَ مَنْ عَدَّ فَائِثَتَهَا سَلَامَةً نَالَهَا.

۱. غرر الحکم: ۳۸۲۱. ۲. الإسراء: ۲۱.

۳. السجدة: ۱۷. ۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۱۴.

۵. نهج البلاغة: الحکمة ۳۷۰.

۲۳

عظمت امور آخرت

قرآن:

«بنگر که چگونه برخی از ایشان را بر برخی دیگر برتری داده‌ایم و درجات و برتری‌های آخرت، برتر و بالاتر است».

«و هیچ کس، از آن چشم‌روشنی‌ای که به پاداش کارهایش برایش اندوخته‌اند، خبر ندارد».

حدیث:

۱۱۲. امام علی علیه السلام: و هر چیز دنیا، شنیدن آن بزرگتر از دیدن آن است؛ و هر چیز آخرت، دیدن آن بزرگتر از شنیدن آن است. پس، به جای دیدن آخرت و مشاهده آنچه از دیدگان شما پنهان و در پس پرده غیب است، به همان شنیدن و خبر یافتن [توسط پیامبران] اکتفا کنید.

۱۱۳. امام علی علیه السلام: فریفته‌ای که به بالاترین مقصود خود از دنیا رسیده است، چونان کسی نیست که به کمترین نصیب خود از آخرت دست یافته باشد.

۱۱۴. امام زین العابدین علیه السلام: هر که به امید پاداش آخرت در برابر دنیا شکیبایی ورزد، برای رسیدن به امری مهم در برابر امری خُرد و ناچیز صبوری کرده است و بالاتر از آن، کسی است که دست نیافتن به دنیا را مایه سلامت خود بداند و آن را غنیمتی شمرد که

وْغْنِيْمَةً أُعِيْنَ عَلَيْهَا^۱.

به چنگ آورده است.

(انظر) الجنة : باب ۵۵۴.

۲۳

آخرت، سرای بقاست

قرآن:

«ای قوم من! این زندگی دنیا کالایی بیش نیست. و این آخرت است که سرای بقاست».

حدیث:

۱۱۵. امام علی علیه السلام: کسی که سرای ماندگاری خود را آباد سازد، خردمند است.

۱۱۶. امام علی علیه السلام: دنیا تمام شدنی است، آخرت همیشگی است.

۱۱۷. امام علی علیه السلام: آخرت جایگاه همیشگی

شماست؛ پس آنچه را برای شما باقی می ماند برای آخرت فراهم آورید.

۱۱۸. امام علی علیه السلام: بندگان خدا! بکوشید تا از چند

روزه دنیا برای آخرت که دوره اش دراز و

طولانی است، توشه برگیرید؛ چه، دنیا

سرای عمل است و آخرت سرای بقا و جزا.

۱۱۹. امام علی علیه السلام: همانا دنیا سرای گذر است و

آخرت سرای ماندن؛ پس، از گذرگاه خود

۲۳

الْآخِرَةُ دَارُ الْقَرَارِ

الكتاب:

«يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ»^۲.

الحديث:

۱۱۵. الإمام علي عليه السلام: مَنْ عَمَّرَ دَارَ إِقَامَتِهِ فَهُوَ الْعَاقِلُ^۳.

۱۱۶. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا أَمَدٌ، الْآخِرَةُ أَبَدٌ^۴.

۱۱۷. عنه عليه السلام: الْآخِرَةُ دَارُ مُسْتَقَرِّكُمْ، فَجَهِّزُوا إِلَيْهَا مَا يَبْقَى لَكُمْ^۵.

۱۱۸. عنه عليه السلام: اجْعَلُوا عِبَادَ اللَّهِ -اجْتِهَادَكُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا التَّزَوُّدَ مِنْ يَوْمِهَا الْقَصِيرِ لِيَوْمِ الْآخِرَةِ الطَّوِيلِ؛ فَإِنَّهَا دَارُ عَمَلٍ، وَالْآخِرَةُ دَارُ الْقَرَارِ وَالْجَزَاءِ^۶.

۱۱۹. عنه عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ مَجَازٍ، وَالْآخِرَةُ دَارُ

۱. الأُمالي للطوسي: ۱۲۶۶/۶۱۳.

۲. غافر: ۳۹. ۳. غرر الحکم: ۸۲۹۸.

۴. غرر الحکم: ۴. ۵. غرر الحکم: ۲۰۵۰.

۶. الکافی: ۱۹۴/۱۷۴/۸.

برای اقامتگاهتان توشه بگیرید.

۱۲۰. امام علی علیه السلام: مبادا از سرای باقی غافل بمانی.

۱۲۱. امام علی علیه السلام: غایت آخرت، بقاست.

۱۲۲. امام علی علیه السلام: همه چیز آخرت، جاوید و ماندگار است.

۱۲۳. امام علی علیه السلام: هر که برای سرای ماندگاری خویش بکوشد، عملش خالص می شود و بیمش [از خدا] بسیار می گردد.

۲۵

آخرت، سرای زندگانی



قرآن:

«این زندگانی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست.

زندگانی واقعی، سرای آخرت است، اگر می دانستند».

حدیث:

۱۲۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: وه چه شگفت است از کسی که سرای زندگانی (آخرت) را باور دارد و با این حال برای سرای فریبنده (دنیا) تکاپو می کند!

۱۲۵. امام زین العابدین علیه السلام: دنیا غنودن است و آخرت بیداری و ما در میان آن دو خوابهایی آشفته ایم.

قَرَارٍ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَقَرِّكُمْ^۱.

۱۲۰. عنه علیه السلام: إِيَّاكَ أَنْ تُخَذَعَ عَنْ دَارِ الْقَرَارِ^۲.

۱۲۱. عنه علیه السلام: غَايَةُ الْآخِرَةِ الْبَقَاءُ^۳.

۱۲۲. عنه علیه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ مِنَ الْآخِرَةِ خُلُودٌ وَبَقَاءُ^۴.

۱۲۳. عنه علیه السلام: مَنْ سَعَى لِدَارِ إِقَامَتِهِ خَلَصَ عَمَلُهُ، وَكَثُرَ وَجَلُّهُ^۵.

۲۵

الْآخِرَةُ دَارُ الْحَيَوَانِ

الکتاب:

«وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»^۶.

الحديث:

۱۲۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: يَا عَجَبًا كُلُّ الْعَجَبِ لِلْمُصَدِّقِ بِدَارِ الْحَيَوَانِ وَهُوَ يَسْعَى لِدَارِ الْغُرُورِ^۷!

۱۲۵. الإمام زين العابدين علیه السلام: الدُّنْيَا سِنَةٌ وَالْآخِرَةُ يَقْظَةٌ، وَنَحْنُ بَيْنَهُمَا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ^۸.

(انظر) الحياة: باب ۹۷۹.

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۲۰۳.

۲. غرر الحكم: ۲۷۳۴. ۳. غرر الحكم: ۶۳۵۳.

۴. غرر الحكم: ۷۲۹۸. ۵. غرر الحكم: ۸۵۹۹.

۶. العنكبوت: ۶۴. ۷. الدر المنثور: ۴۷۶/۶.

۸. تنبيه الخواطر: ۲۴/۲.

۲۶

فَضْلُ الْآخِرَةِ

الكتاب:

﴿قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى﴾^۱.﴿بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾^۲.

الحديث:

۱۲۶. رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِي الدُّنْيَا عَلَى

نَبِيَّةِ الْآخِرَةِ، وَأَبَى أَنْ يُعْطِيَ الْآخِرَةَ عَلَى نَبِيَّةِ

الدُّنْيَا.^۳

۱۲۷. الإمام علي عليه السلام: مَنْ ابْتِغَى آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ رَبِحَهُمَا،

مَنْ بَاغَى آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ خَسِرَهُمَا.^۴

۱۲۸. عنه عليه السلام: لَيْسَ عَنِ الْآخِرَةِ عِوَضٌ، وَلَيْسَتْ

الدُّنْيَا لِلنَّفْسِ بِشَيْءٍ.^۵

۱۲۹. عنه عليه السلام: مَنْ عَمَّرَ دُنْيَاهُ خَرَّبَ مَالَهُ، مَنْ عَمَّرَ

آخِرَتَهُ بَلَغَ آمَالَهُ.^۶

(النظر) الأجر: باب ۷.

۲۷

ذِكْرُ الْآخِرَةِ

۱۳۰. رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُبْغِضُ كُلَّ

۱. النساء: ۷۷. ۲. الأعلى: ۱۶، ۱۷.

۳. الجامع الصغير: ۱/۲۹۲/۱۹۱۷.

۴. غرر الحكم: (۸۲۳۶-۸۲۳۷).

۵. غرر الحكم: ۷۵۰۲. ۶. غرر الحكم: (۸۳۴۷-۸۳۴۸).

۲۶

برتری آخرت

قرآن:

«بگو: کالای دنیا اندک است و آخرت برای کسی که

تقوا داشته باشد بهتر است».

«بلکه زندگی دنیا را بر می‌گزینند، در حالی که آخرت

بهتر و ماندگارتر است».

حدیث:

۱۲۶. پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال دنیا را با نیت

آخرت [به آدمی] می‌دهد اما از دادن آخرت

با نیت دنیا ایبا دارد.

۱۲۷. امام علی علیه السلام: کسی که آخرت خویش را در

قبال دنیای خود بخرد، هر دو را به دست

آورده و هر که آخرت خود را به دنیایش

بفروشد، هر دو را از دست داده است.

۱۲۸. امام علی علیه السلام: آخرت، هیچ جایگزینی ندارد، و

دنیا بهای جان [آدمی] نیست.

۱۲۹. امام علی علیه السلام: هر که دنیای خویش را آباد

سازد، آخرت خود را ویران می‌کند و هر که

آخرت خویش را آباد سازد به آرزوهای

خود می‌رسد.

۲۷

یاد آخرت

۱۳۰. پیامبر خدا ﷺ: خداوند تبارک و تعالی

کسی را که دنیا شناس و آخرت‌شناس

عالم بالدُّنیا جاهل بالآخرة.^۱

باشد، دشمن می دارد.

۱۳۱. الإمام علیؑ: ذِکْرُ الْآخِرَةِ دَوَاءٌ وَشِفَاءٌ.

۱۳۱. امام علیؑ: یاد آخرت دارو و درمان است،

ذِکْرُ الدُّنْيَا أَدْوَاءُ الْأَدْوَاءِ.^۲

یاد دنیا بدترین درد و بیماری.

۱۳۲. عنهؑ: مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِکْرِ الْآخِرَةِ قَلَّتْ

۱۳۲. امام علیؑ: هر کس که زیاد به یاد آخرت

مَعْصِيَتُهُ.^۳

باشد، کمتر گناه می کند.

۱۳۳. عنهؑ: فِي ذِکْرِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ: أَمَّا وَاللَّهِ،

۱۳۳. امام علیؑ: درباره عمرو بن عاص - فرمود:

إِنِّي لَيَمْنَعُنِي مِنَ اللَّعِبِ ذِکْرُ الْمَوْتِ، وَإِنَّهُ

به خدا سوگند، یاد مرگ، مرا از شوخی و

لَيَمْنَعُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ نِسْيَانُ الْآخِرَةِ.^۴

بازی باز می دارد و فراموشی آخرت، او را از

گفتن حق باز می دارد.

۲۸

الْعَمَلُ لِلْآخِرَةِ

۲۸

کار برای آخرت

۱۳۴. رسول الله ﷺ: اَعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ

۱۳۴. پیامبر خدا ﷺ: برای دنیای خود چنان کار کن

أَبَدًا، وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.^۵

که گویی تا ابد زنده ای، و برای آخرت چنان

۱۳۵. الإمام علیؑ: جَاهِدْ نَفْسَكَ، وَاعْمَلْ لِلْآخِرَةِ

کار کن که گویی همین فردا خواهی مُرد.

جُهْدَكَ.^۶

۱۳۶. عنهؑ: اصْرِفْ إِلَى الْآخِرَةِ وَجْهَكَ، وَاجْعَلْ

۱۳۵. امام علیؑ: با نفس خویش بستیز و توان و

لِللَّهِ جِدَّكَ.^۷

۱۳۷. عنهؑ: إِنَّكَ مَخْلُوقٌ لِلْآخِرَةِ فَاعْمَلْ لَهَا،

کوشش خود را برای آخرت به کار گیر.

إِنَّكَ لَمْ تُخْلَقْ لِلدُّنْيَا فَارْزُقْ فِيهَا.^۸

۱۳۶. امام علیؑ: به آخرت روی آر و توان و

کوشش خود را برای خدا قرار ده.

۱۳۷. امام علیؑ: تو برای آخرت آفریده شده ای؛

پس، برای آن کار کن. برای دنیا آفریده

نشده ای؛ پس، از آن روی برتاب.

۱. كنز العمال: ۲۸۹۸۲. ۲. غرر الحکم: (۵۱۷۵-۵۱۷۶).

۳. غرر الحکم: ۸۷۶۹. ۴. نهج البلاغة: الخطبة ۸۴.

۵. تنبيه الخواطر: ۲/۲۳۴. ۶. غرر الحکم: ۲۴۰۶.

۷. غرر الحکم: ۲۴۰۷. ۸. غرر الحکم: (۳۸۱۰-۳۸۱۱).

۱۳۸. عنه علیه السلام: إِنَّكُمْ إِلَى الْاهْتِمَامِ بِمَا يَصْحَبُكُمْ إِلَى الْآخِرَةِ أَخْوَجُ مِنْكُمْ إِلَى كُلِّ مَا يَصْحَبُكُمْ مِنَ الدُّنْيَا.^۱

۱۳۹. عنه علیه السلام: فَلْيَصْذُقْ رَائِدُ أَهْلَهُ، وَلْيُخْضِرْ عَقْلَهُ، وَلْيَكُنْ مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ؛ فَمِنْهَا قَدِيمٌ وَإِلَيْهَا يَنْقَلِبُ.^۲

۱۴۰. عنه علیه السلام: كُنْ فِي الدُّنْيَا يَتَذَكَّرُكَ، وَفِي الْآخِرَةِ بِقَلْبِكَ وَعَمَلِكَ.^۳

۱۴۱. عنه علیه السلام: كَيْفَ يَعْمَلُ لِلْآخِرَةِ الْمَشْغُولُ بِالدُّنْيَا؟^۴

۱۴۲. عنه علیه السلام: لَا يَنْفَعُ الْعَمَلُ لِلْآخِرَةِ مَعَ الرَّغْبَةِ فِي الدُّنْيَا.^۵

۱۴۳. عنه علیه السلام: اجْعَلْ هَمَّكَ لِمَعَادِكَ تُضْلِحْ.^۶

۱۴۴. عنه علیه السلام: اسْتَغْرِغْ جُهْدَكَ لِمَعَادِكَ تُضْلِحْ مَثْوَاكَ.^۷

۱۳۸. امام علی علیه السلام: شما به همت گماردن درباره آنچه تا آخرت همراهی تان می کند، نیازمندترید تا به همه آنچه در دنیا ملازم و همراه شماست.

۱۳۹. امام علی علیه السلام: پیشروا باید به افراد خود راست بگویند، و باید خرد خویش را به کار گیرد، و باید از فرزندان آخرت باشد؛ زیرا از آن جا آمده و بدانجا باز می گردد.

۱۴۰. امام علی علیه السلام: با پیکر خود در دنیا باش و بادل و عَمَلت در آخرت.

۱۴۱. امام علی علیه السلام: کسی که سرگرم دنیا است، چگونه می تواند برای آخرت کار کند؟

۱۴۲. امام علی علیه السلام: با رغبت به دنیا، کار برای آخرت بی فایده است.

۱۴۳. امام علی علیه السلام: کوشش و همت خود را برای آخرت صرف کن، تا سامان یابی.

۱۴۴. امام علی علیه السلام: کوشش خود را برای معادت به کار گیر، تا قرارگاهت را سامان دهی.

اهتمام ورزیدن به آخرت

۱۴۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر آن کس که در شب و روز، بزرگترین همش آخرت باشد، خداوند

۱. در متن حدیث، کلمه «رائد» آمده است. راند، به کسی می گویند که صحرائشینان در هنگام کوچ، او را جلوتر می فرستند تا منزلی پر آب و علف یا جایی امن برایشان بیابد و به آنها خبر دهد. م.

الاهتمام بِالْآخِرَةِ

۱۴۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَصْبَحَ وَأَمْسَى وَالْآخِرَةُ أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ الْغِنَى فِي قَلْبِهِ، وَجَمَعَ لَهُ

۱. غرر الحکم: ۳۸۳۰. ۲. غرر الحکم: ۶۵۵۸.
۳. غرر الحکم: ۷۱۶۴. ۴. غرر الحکم: ۶۹۷۶.
۵. غرر الحکم: ۱۰۸۲۹. ۶. غرر الحکم: ۲۳۰۸.
۷. غرر الحکم: ۲۴۱۱.

بی‌نیازی را در دل او جای می‌دهد و کارش را سامان می‌بخشد و از دنیا نمی‌رود مگر وقتی که روزی‌اش را کامل دریافت کرده باشد. و هر آن کس که شب و روز، بزرگترین همش دنیا باشد، خداوند فقر را در بین دو چشم او قرار می‌دهد (همیشه چشمش گرسنه دنیا است) و کارش را پریشان می‌سازد و از دنیا به چیزی بیش از قسمت خود نمی‌رسد.

۱۳۶. پیامبر خدا ﷺ: هر کس که آخرت هم و غم او باشد خداوند امور او را به سامان می‌آورد و بی‌نیازی را در بین دو چشم او قرار می‌دهد و دنیا علی‌رغم میل خود نزد او می‌رود. و هر کس که دنیا هم و غمش باشد خداوند امورش را از هم می‌پاشد و فقر را در بین دو چشم او قرار می‌دهد و از دنیا جز آنچه خداوند برایش مقدر داشته نصیبش نمی‌شود.

۱۳۷. امام علی علیه السلام: هر که تمام هم و غم خود را آخرتش قرار دهد به آرزویش (آخرت) می‌رسد.

۳۰

خصوصیات اهل آخرت

قرآن:

«آن سرای آخرت را از آن کسانی می‌کنیم که در زمین خواهان برتری جویی و تباهکاری نیستند».

حدیث:

۱۳۸. پیامبر خدا ﷺ: شمارا به پروای الهی سفارش

أمره، وَلَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ رِزْقَهُ. وَمَنْ أَصْبَحَ وَأَمْسَى وَالدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ الْفَقْرَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، وَشَتَّتَ عَلَيْهِ أَمْرَهُ، وَلَمْ يَنْلُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قُسِمَ لَهُ.^۱

۱۳۶. عنه ﷺ: مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هَمَّهُ جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُ، وَجَعَلَ غِنَاهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ رَاغِمَةٌ. وَمَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ فَرَّقَ اللَّهُ شَمْلَهُ وَجَعَلَ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَلَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا كَتَبَ لَهُ.^۲

۱۳۷. الإمام علي عليه السلام: مَنْ جَعَلَ كُلَّ هَمِّهِ لآخِرَتِهِ ظَفِرَ بِالْمَأْمُولِ.^۳

(انظر) الهمة: باب ۳۹۶۳.

۳۰

صِفَةُ أَهْلِ الْآخِرَةِ

الكتاب:

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا».^۴

الحديث:

۱۳۸. رسول الله ﷺ: أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَأَوْصِي اللَّهِ بِكُمْ - إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ - أَنْ لَا تَغْلُوا عَلَى

۱. بحار الأنوار: ۱۵۱/۷۷.

۲. كنز العمال: ۴۴۱۶۰. ۳. غرر الحکم: ۸۵۱۲.

۴. القصص: ۸۳.

الله في عبادِهِ وبلادِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لِي وَلَكُمْ: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا﴾.^۱

۱۳۹. الإمام علي عليه السلام: فَلَمَّا نَهَضْتُ بِالْأَمْرِ نَكَشْتُ طَائِفَةً وَمَرَقْتُ أُخْرَى وَقَسَطَ آخِرُونَ، كَأَنَّهُمْ لَمْ يَسْمَعُوا اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا﴾! بَلَى وَاللَّهِ، لَقَدْ سَمِعُوهَا وَوَعَوْهَا، وَلَكِنَّهُمْ حَلَيْتِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِهِمْ وَرَاقَهُمْ زِبْرَجُهَا.^۲

۱۵۰. عنه عليه السلام: - فَمِنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ...﴾: - نَزَلْتُ هَذِهِ الْآيَةَ فِي أَهْلِ الْقَدَلِ وَالتَّوَاضُّعِ مِنَ الْوَلَاةِ، وَأَهْلِ الْقُدْرَةِ مِنْ سَائِرِ النَّاسِ.^۳

۱۵۱. عنه عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ لَيُعْجِبُهُ شِرَاكُ نَعْلِهِ فَيَدْخُلُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ...﴾.^۴

۱۵۲. عنه عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ لَيُعْجِبُهُ أَنْ يَكُونَ شِرَاكُ نَعْلِهِ أَجْوَدَ مِنْ شِرَاكِ نَعْلٍ صَاحِبِهِ، فَيَدْخُلُ تَحْتَهَا.^۵

می‌کنم و سفارش شما را به خدا می‌کنم - که من برای شما هشدار دهنده‌ای آشکار گویم - که در میان بندگان و سرزمینهای خداوند بر او برتری نجوید؛ زیرا خداوند متعال برای من و شما [چنین] فرموده است: «آن سرای آخرت را آن کسانی می‌کنیم که در زمین، خواهان برتری جویی و تباهکاری نیستند».

۱۳۹. امام علی عليه السلام: چون خلافت را به دست گرفتم، گروهی پیمان شکستند و گروهی از دین خارج شدند و دسته‌ای دیگر ستم پیشه کردند؛ گویی این سخن خداوند سبحان را نشنیدند که «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین، خواهان برتری جویی و تباهکاری نیستند». آری، سوگند که به خدا که آن را شنیدند و فهمیدند، اما دنیا در چشم آنها زیبا شد و زیب و زیورهای آن خوشایندشان گردید.

۱۵۰. امام علی عليه السلام: درباره‌ی آیه «آن سرای آخرت...» فرمود: این آیه درباره‌ی حکمرانان دادگر و فروتن و دیگر صاحبان قدرت نازل شده است.

۱۵۱. امام علی عليه السلام: اگر حتی بند کفش آدمی او را سرخوش کند، مشمول آیه «آن سرای آخرت...» می‌شود.

۱۵۲. امام علی عليه السلام: اگر انسان از این که بند کفش او از بند کفش دوستش بهتر است سرخوش شود، مشمول این آیه می‌شود.

۱. الأُمالي للطوسي: ۳۵۴/۲۰۷.

۲. نهج البلاغة: الخطبة ۳. ۳. تاریخ دمشق: ۴۸۹/۴۲.

۴. مجمع البيان: ۴۲۰/۷.

۵. سعد السعود: ۸۸.

۱۵۳. امام صادق علیه السلام - درباره آیه «عَلَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا» - فرمود: منظور از «عَلَوْا»، بزرگی و فخر فروشی است و منظور از «فساد»، زنان.

۱۵۴. تفسیر القمی - به نقل از حفص بن غیاث - :
 امام صادق علیه السلام فرمود: «ای حفص! دنیا در نظر من چونان مردار است که هرگاه ناچار شدم، از آن می خورم ...». آن گاه آیه «آن سرای آخرت را از آن کسانی می کنیم که در زمین، خواهان برتری جویی و تباہکاری نیستند و فرجام [خوش]، از آن پرهیزگاران است» را تلاوت نمود و شروع به گریستن کرد و فرمود: «سوگند به خدا که با این آیه همه آرزوهای بر باد رفت».

۱۵۳. الإمام الصادق علیه السلام - في قوله تعالى: «عَلَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا» - : «عَلَوْا: الشَّرَفُ، والفساد: النساء»^۱.

۱۵۴. تفسیر القمی عن حفص بن غیاث: قال أبو عبد الله علیه السلام: يا حفص، ما منزلة الدنيا من نفسي إلا بمنزلة الميتة، إذا اضطررت إليها أكلت منها ... ثم تلا قوله: «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علوًا في الأرض ولا فسادًا والعاقبة للمتقين» الآية، وجعل يبكي ويقول: ذهبَت والله الأمانِي عند هذه الآية^۲.



مرکز تحقیقات کتب و تاریخ اسلام

۱. تفسیر القمی: ۲/ ۱۴۷.

۲. تفسیر القمی: ۲/ ۱۴۶.

الأخ

براد



مركز بحوث وتكنولوجيا العلوم الإسلامية

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧٤/٢٢١ أبواب حقوق المؤمنين بعضهم على بعض.

انظر:

عنوان ٢٩٢ «الصدق»، ٣٥٢ «العشرة».

الحقوق: باب ٩٠٩-٩١١، الدعاء: باب ١٢٣١.

المداينة: باب ١٢٨٠، الزيارة: باب ١٦٦٨، الظن: باب ٢٤٣٦.

۳۱

المؤمن أخو المؤمن

الكتاب:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۱.

الحديث:

۱۵۵. رسول الله ﷺ: المؤمنون إخوة، تتكافؤ دماؤهم، وهم يد على من سواهم، يسعى بذمتهم أدناهم^۲.

حديث:

۱۵۵. پیامبر خدا ﷺ: مؤمنان برادرند، خونشان برابر

است، در برابر دیگران یکدمستند و کمترین آنها [می تواند] کسی را به امان و زندها همه شان درآورد.

۱۵۶. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن با مؤمن آرام می گیرد، چنان که جگر تشنه با آب سرد.

۱۵۷. امام علی علیه السلام: بسی برادر که مادرت او را نژاد.

۱۵۸. امام علی علیه السلام: ای کمیل! مؤمنان با هم برادرند و برای برادر چیزی مقدم تر از برادر نیست.

۱۵۹. امام باقر علیه السلام: مؤمن برادر تنی مؤمن است.

۱۶۰. امام صادق علیه السلام: همانا مؤمنان برادران یکدیگر و فرزندان یک پدر و مادرند. و اگر رگی از

۱۵۶. عنه ﷺ: إن المؤمن ليسكن إلى المؤمن كما يسكن قلب الظمان إلى الماء البارد^۳.

۱۵۷. الإمام علي عليه السلام: رب أخ لم تلذه أمك^۴.

۱۵۸. عنه ﷺ: يا كميل، المؤمنون إخوة، ولا شيء أثر عند كل أخ من أخيه^۵.

۱۵۹. الإمام الباقر عليه السلام: المؤمن أخو المؤمن لأبيه وأمه^۶.

۱۶۰. الإمام الصادق عليه السلام: إنما المؤمنون إخوة بنو

۱. الحجرات: ۱۰. ۲. الأمالي للمفيد: ۱۳/۱۸۷.

۳. النوادر للراوندي: ۵۸/۱۰۰.

۴. غرر الحكم: ۵۳۵۱. ۵. بحار الأنوار: ۱/۲۶۹/۷۷.

۶. الكافي: ۲/۱۶۶/۲ و ۷.

۳۱

مؤمن برادر مؤمن است

قرآن:

«همانا مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادراتان آشتی دهید و از خدا پروا کنید، باشد که بر شما رحمت آورد».

أَبِ وَأُمٍّ، وَإِذَا ضَرَبَ عَلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ عِرْقٌ سَهَرَ لَهُ الْآخَرُونَ.^۱

۱۶۱. عنه علیه السلام: الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ، عَيْنُهُ وَدَلِيلُهُ، لَا يَخُونُهُ، وَلَا يَظْلِمُهُ، وَلَا يَغْشَاهُ، وَلَا يَعِدُهُ عِدَّةً فَيُخْلِفُهَا.^۲

۱۶۲. عنه علیه السلام: الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ، إِنْ اشْتَكَى شَيْئاً مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ، وَأَرَوَاهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ.^۳

۱۶۳. عنه علیه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ شَيْءٌ يَسْتَرِيحُ إِلَيْهِ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَسْتَرِيحُ إِلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ كَمَا يَسْتَرِيحُ الطَّيْرُ إِلَى شَكْلِهِ.^۴

(انظر) الإسلام: باب ۱۸۵۴، الإيمان: باب ۲۹۵.

۳۲

الاستِثْكَارُ مِنَ الْإِخْوَانِ

۱۶۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: اسْتَثْكَرُوا مِنَ الْإِخْوَانِ؛ فَإِنَّ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ شَفَاعَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۵

۱۶۵. عنه علیه السلام: مَنْ جَدَّدَ أَخاً فِي الْإِسْلَامِ بَنَى اللَّهُ لَهُ بُرْجاً فِي الْجَنَّةِ.^۶

۱۶۶. الإمام علي علیه السلام: أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ، وَأَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ

یکی از آنان [به ناراحتی] بجنبید دیگران به خاطر او، شب را نمی خوابند.

۱۶۱. امام صادق علیه السلام: مؤمن برادر مؤمن است، چشم او و راهنمای اوست. به او خیانت نمی کند، به او ستم نمی کند، کلاه سرش نمی گذارد، و به او وعده ای نمی دهد که بدان عمل نکند.

۱۶۲. امام صادق علیه السلام: مؤمن برادر مؤمن است، همچون یک پیکر که هرگاه عضوی از آن به درد آید دیگر اندامها آن درد را حس می کنند؛ ارواح آنها از یک روح است.

۱۶۳. امام صادق علیه السلام: هر چیزی با چیزی آرام می گیرد و مؤمن با برادر مؤمن خود آرامش می یابد چنان که پرنده با همجنس خود آرام می گیرد.

۳۲

افزودن بر شمار برادران

۱۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر شمار برادران خود بیفزایید؛ زیرا در روز قیامت هر مؤمنی را شفاعتی است.

۱۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برادر مسلمان جدیدی برگزیند، خداوند در بهشت برای او برجی بنا می نهد.

۱۶۶. امام علی علیه السلام: ناتوانترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوستان و برادران ناتوان باشد و ناتوان تر از او کسی است که برادران به

۱. الکافی: ۱/۱۶۵/۲. ۲. الکافی: ۲/۱۶۶/۲.

۳. الکافی: ۲/۱۶۶/۲. ۴. بحار الأنوار: ۳۰/۲۳۴/۷۴.

۵. کنز العمال: ۲۴۶۴۲. ۶. الاختصاص: ۲۲۸.

مَوْضِعاً وَجَدَ الْآخِرُ أَلَمْ ذَلِكَ الْمَوْضِعُ^۱.
 ۱۷۲. الإمامُ عَلِيُّ عليه السلام: لَا يَكُونُ أَخُوكَ أَقْوَى مِنْكَ
 عَلِيُّ مَوَدَّتِهِ^۲.
 ۱۷۵. عنه عليه السلام: يَا كَمِيلُ، إِنْ لَمْ تُحِبَّ أَخَاكَ فَلَسْتَ
 أَخَاهُ^۳.

۱۷۶. عنه عليه السلام: أَحَبُّ الْإِخْوَانِ عَلِيُّ قَدَرِ التَّقْوَى^۴.
 ۱۷۷. الإمامُ الصَّادِقُ عليه السلام: حُبُّ الْأَبْرَارِ لِلْأَبْرَارِ ثَوَابٌ
 لِلْأَبْرَارِ، وَحُبُّ الْفُجَّارِ لِلْأَبْرَارِ فَضِيلَةٌ
 لِلْأَبْرَارِ، وَبُغْضُ الْفُجَّارِ لِلْأَبْرَارِ زَيْنٌ لِلْأَبْرَارِ،
 وَبُغْضُ الْأَبْرَارِ لِلْفُجَّارِ خِزْيٌ عَلَى الْفُجَّارِ^۵.
 ۱۷۸. عنه عليه السلام: مِنْ حُبِّ الرَّجُلِ دِينَهُ حُبُّهُ أَخَاهُ^۶.

۳۳

مَا يُوَجِبُ بَقَاءَ الْمَوَدَّةِ

۱۷۹. الإمامُ عَلِيُّ عليه السلام: لَا تُضِيعَنَّ حَقَّ أَخِيكَ اتِّكَالاً
 عَلَيَّ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكَ بِأَخٍ مَنْ
 أَضَعْتَ حَقَّهُ^۷.

۱۸۰. عنه عليه السلام: الْعِتَابُ حَيَاةُ الْمَوَدَّةِ^۸.

۱۸۱. الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عليه السلام: احْفَظْ عَلَيْكَ لِسَانَكَ
 تَمْلِكُ بِهِ إِخْوَانَكَ^۹.

۱. بحار الأنوار: ۷/۲۸۱/۷۴. ۲. بحار الأنوار: ۲۹/۱۶۵/۷۴.
 ۳. تحف العقول: ۱۷۳. ۴. الاختصاص: ۲۲۶.
 ۵. الاختصاص: ۲۳۹. ۶. الاختصاص: ۳۱.
 ۷. نهج البلاغة: الكتاب ۳۱. ۸. غرر الحکم: ۳۱۵.
 ۹. بحار الأنوار: ۱/۱۵۶/۷۴.

آید، دیگری در همان جا احساس دردمی کند.
 ۱۷۲. امام علی عليه السلام: برادرت در دوستی اش [نسبت
 به تو] از تو قویتر نباشد.

۱۷۵. امام علی عليه السلام: ای کمیل! اگر برادرت را دوست
 نداشته باشی برادر او نیستی.

۱۷۶. امام علی عليه السلام: برادران را به اندازه پرهیزگاری
 آنان دوست بدار.

۱۷۷. امام صادق عليه السلام: محبت ورزیدن نیکان به
 یکدیگر، پاداشی است برای نیکوکاران و
 مهرورزی بدان به نیکان، فضیلتی است
 برای نیکان و دشمنی بدان با نیکان، زیور
 نیکان است و دشمنی ورزیدن نیکان با بدان،
 مایه خواری و رسوایی بدان است.



۱۷۸. امام صادق عليه السلام: از نشانه های دین دوستی آدمی
 این است که برادرش را دوست داشته باشد.

۳۳

آنچه دوستی را پایدار می کند

۱۷۹. امام علی عليه السلام: هیچ گاه حق برادرت را، به
 اعتماد روابط دوستانه ای که با او داری ضایع
 مگردان؛ چه، آن کس که حق او را ضایع
 می کنی دیگر برادرت نیست.

۱۸۰. امام علی عليه السلام: گلایه کردن مایه حیات دوستی
 است.

۱۸۱. امام زین العابدین عليه السلام: زیانت را نگه دار تا
 برادرانت را نگه داری.

۱۸۲. الإمام الصادق عليه السلام: قال الحارث الأعور لأُمير

المؤمنين عليه السلام: يا أُمير المؤمنين، أنا والله أحبك، فقال له: يا حارث، أما إذا أحببتني فلا تُخاصمني، ولا تُلاعِبني، ولا تُجارِني^۱، ولا تُمازِخني، ولا تُواضِغني، ولا تُرافِغني^۲.

۱۸۳. عنه عليه السلام: لا تُذهب الحِشمةَ بينَكَ وبين أخيك وأُبقِ منها؛ فإنَّ ذهابَ الحِشمةِ ذهابُ الحياءِ، وبَقاءُ الحِشمةِ بقاءُ المودةِ^۳.

۱۸۴. عنه عليه السلام: يابنُ النُّعمان، إن أردت أن يَصْفُوَ لَكَ وُدُّ أخيك فلا تُمازِخَنَّه، ولا تُمارِئَنَّه، ولا تُباهِئَنَّه، ولا تُشارِئَنَّه^۴.

۱۸۵. عنه عليه السلام: تَحْتَاجُ الإِخْوَةَ فِيمَا بَيْنَهُمْ إِلَى ثَلَاثَةِ شَيْءٍ: فإِنْ اسْتَعْمَلُوهَا وَإِلَّا تَبَايَنُوا وَتَبَاغَضُوا، وَهِيَ: التَّنَاصُفُ، وَالتَّرَاحُمُ، وَنَفْيُ الْحَسَدِ^۵.

(انظر) عنوان ۲۰ «البشر».

الصادق: باب ۲۱۸۱، ۲۱۸۲.

المحبة: باب ۶۵۸.

۱. هي أن يجري الإنسان مع غيره في المناظرة ليظهر علمه إلى الناس، رياءً وسمعةً وترفعاً. وفي بعض النسخ «ولا تجارِني» وفي ثالث «ولا تجازِني» وفي رابع «ولا تجارِني» (هامش المصدر).

۲. الخصال: ۳۵/۳۳۴. ۳. تحف العقول: ۳۷۰.

۴. بحار الأنوار: ۲/۲۹۱/۷۸. ۵. تحف العقول: ۳۲۲.

۱۸۲. امام صادق عليه السلام: حارث اعور به امير المؤمنين عرض کرد: ای امیر مؤمنان! به خدا سوگند که دوست می‌دارم. حضرت فرمود: ای حارث! اگر واقعاً مراد دوست داری پس سعی کن با من مشاجره نکنی، مرا به بازی نگیری، برای خودنمایی با من بحث نکنی،^۱ با من شوخی نکنی و مرا از آنچه هستم فروتر و یا فراتر نبری.

۱۸۳. امام صادق عليه السلام: ادب و حرمت میان خود و برادرت را از بین نبر و آن را نگه دار؛ زیرا با از بین رفتن ادب و حرمت، حیا نیز از میان می‌رود و نگه داشتن ادب و حرمت، مایه پایداری دوستی است.

۱۸۴. امام صادق عليه السلام: ای پسر نعمان! اگر می‌خواهی محبت برادرت برای تو خالص باشد، هرگز با او شوخی [بیجا] مکن، از جدال با او پرهیز، بر او فخر مفروش، و با او ستیزه مکن.

۱۸۵. امام صادق عليه السلام: برادران در میان خود به سه چیز نیاز مندند که اگر به کار بندند دوستی می‌پاید و گرنه از یکدیگر جدا و دشمن هم می‌شوند. آن سه چیز اینهاست: انصاف با یکدیگر، مهربانی با یکدیگر، و حسد نبردن به هم.

۱. در یکی از نسخه‌ها «با من مستیزی» آمده و در نسخه‌های دیگر عبارت‌های گوناگونی که همه در حاشیه خصال آمده است.

۳۵

الأخوة في الله

۱۸۶. رسول الله ﷺ: ما استفاد امرؤ مسلم فائدة بعد

فائدة الإسلام مثل أخ يستفيدة في الله.^۱

۱۸۷. عنه ﷺ: النظر إلى الأخ تودّه في الله عز وجل

عبادة.^۲

۱۸۸. الإمام علي عليه السلام: بالتواخي في الله تُثمر

الأخوة.^۳

۱۸۹. عنه ﷺ: من فقد أخاً في الله فكأنما فقد أشرف

أعضائه.^۴

۱۹۰. الإمام الباقر عليه السلام: من استفاد أخاً في الله علي

إيمان بالله ووقاء بإخائه، طلباً لمرضاة الله،

فقد استفاد شعاعاً من نور الله.^۵

۱۹۱. الإمام الرضا عليه السلام: من استفاد أخاً في الله

عز وجل استفاد بيتاً في الجنة.^۶

(انظر عنوان ۹۳ «المحبة (الحب في الله)».)

۳۶

الإخاء للدنيا

۱۹۲. الإمام علي عليه السلام: من لم تكن مودته في الله

۱. تنبيه الخواطر: ۱۷۹/۲. ۲. بحار الأنوار: ۱/۲۷۹/۷۴.

۳. غرر الحكم: ۴۲۲۵. ۴. غرر الحكم: ۹۲۲۷.

۵. تحف العقول: ۲۹۵. ۶. ثواب الأعمال: ۱/۱۸۲.

۳۵

برادری برای خدا

۱۸۶. پیامبر خدا ﷺ: انسان مسلمان، بعد از به

دست آوردن سود اسلام، سودی همچون

برادری که برای خدا به دست می آورد،

کسب نکرده است.

۱۸۷. پیامبر خدا ﷺ: نگاه کردن به برادری که به

خاطر خداوند عز وجل دوستش می داری،

عبادت است.

۱۸۸. امام علی عليه السلام: با برادری در راه خدا، برادری به

بار می نشیند.

۱۸۹. امام علی عليه السلام: هر کس برادری خدایی را از

دست دهد، چنان است که بهترین عضو

پیکرش را از دست داده باشد.

۱۹۰. امام باقر عليه السلام: هر کس تنها برای رضای خدا و

بر پایه ایمان به او و وفاداری به برادری،

برادری به دست آورد، پرتوی از نور خدا را

به دست آورده است.

۱۹۱. امام رضا عليه السلام: هر کس برادری خدایی به دست

آورد، خانه ای در بهشت به دست آورده

است.

۳۶

برادری (دوستی) برای دنیا

۱۹۲. امام علی عليه السلام: از کسی که دوستی اش برای خدا

نیست بپرهیز؛ زیرا دوستی او پستی است و

فَاخْذَرُهُ؛ فَإِنَّ مَوَدَّتَهُ لَشَيْمَةٌ، وَصُحْبَتَهُ
مَشُومَةٌ.^۱

۱۹۳. عنه علیه السلام: كُلُّ مَوَدَّةٍ مَبْنِيَّةٍ عَلَى غَيْرِ ذَاتِ اللَّهِ
ضَلَالٌ، وَالْاعْتِمَادُ عَلَيْهَا مُحَالٌ.^۲

۱۹۴. عنه علیه السلام: مَنْ أَخَى فِي اللَّهِ غَنِمَ، مَنْ أَخَى فِي
الدُّنْيَا حَرِمَ.^۳

۱۹۵. عنه علیه السلام: مَا تَوَاحَى قَوْمٌ عَلَى غَيْرِ ذَاتِ اللَّهِ
سُبْحَانَهُ إِلَّا كَانَتْ أَخُوَّتُهُمْ عَلَيْهِمْ بَرَةً يَوْمَ
الْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ.^۴

۱۹۶. عنه علیه السلام: النَّاسُ إِخْوَانٌ؛ فَمَنْ كَانَتْ أَخُوَّتُهُ فِي
غَيْرِ ذَاتِ اللَّهِ فِيهِ عَدَاوَةٌ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ
وَجَلَّ: ﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا
الْمُتَّقِينَ﴾.^{۵، ۶}

۳۷

آثار الإخاء الديني

۱۹۷. الإمام علي علیه السلام: عَلَى التَّوَاخِي فِي اللَّهِ تَخْلُصُ
الْمَحَبَّةِ.^۷

۱۹۸. عنه علیه السلام: إِخْوَانُ الدِّينِ أَبْقَى مَوَدَّةً.^۸

۳۷

نتایج برادری و دوستی دینی

۱۹۷. امام علی علیه السلام: برادری کردن به خاطر خدا
محبت را خالص می گرداند.

۱۹۸. امام علی علیه السلام: برادران دینی، دوستی شان
پایدارتر است.

همنشینی با او شوم.

۱۹۳. امام علی علیه السلام: هر دوستی ای که مبنای غیر
خدایی داشته باشد، گمراهی است و تکیه
کردن بر آن نشاید.

۱۹۴. امام علی علیه السلام: هر که برای خدا برادری کند
سود می برد و هر که برای دنیا برادری ورزد
محروم می ماند.

۱۹۵. امام علی علیه السلام: هیچ مردمی برای غیر خداوند
سبحان با هم برادری نکنند مگر آن که در
روز حاضر شدن در محضر خداوند
سبحان، آن برادری برایشان مایه نقص و
زیان خواهد بود.

۱۹۶. امام علی علیه السلام: مردم [مسلمان] برادرند. اگر
برادری آنان برای غیر خدا باشد، آن برادری
دشمنی است و این است سخن خداوند
متعال که: «در آن روز، دوستان با هم
دشمنند، مگر پرهیزگاران».

۱. غرر الحکم: ۸۹۷۸. ۲. غرر الحکم: ۶۹۱۵.

۳. غرر الحکم: (۷۷۷۶-۷۷۷۷).

۴. غرر الحکم: ۹۶۷۲. ۵. الزخرف: ۶۷.

۶. بحار الأنوار: ۲۹/۱۶۵/۷۴.

۷. غرر الحکم: ۶۱۹۱.

۸. غرر الحکم: (۱۳۶۰-۱۳۶۱).

۱۹۹. عنه علیه السلام: الإِخْوَانُ فِي اللَّهِ تَعَالَى تَدُومُ مَوَدَّتُهُمْ، لِدَوَامِ سَبَبِهَا.^۱

۲۰۰. عنه علیه السلام: الْأَخُ الْمُكْتَسَبُ فِي اللَّهِ أَقْرَبُ الْأَقْرَبَاءِ، وَأَحَمُّ مِنَ الْأُمَّهَاتِ وَالْآبَاءِ.^۲

۲۰۱. عنه علیه السلام: وَدُّ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ يَدُومُ لِدَوَامِ سَبَبِهِ.^۳

۲۰۲. عنه علیه السلام: لِكُلِّ إِخَاءٍ مُنْقَطِعٍ، إِلَّا إِخَاءٌ كَانَ عَلَى غَيْرِ الطَّمَعِ.^۴

۲۰۳. عنه علیه السلام: كُلُّ مَوَدَّةٍ عَقَدَهَا الطَّمَعُ حَلَّهَا الْيَأْسُ.^۵

۲۰۴. عنه علیه السلام: مَوَدَّةُ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا تَزُولُ لِأَدْنَى عَارِضٍ يَغْرِضُ.^۶

۲۰۵. عنه علیه السلام: مَنْ وَاذَكَ لِأَمْرِ وَلِيٍّ عِنْدَ انْقِضَائِهِ.^۷

۲۰۶. عنه علیه السلام: أَسْرَعُ الْمَوَدَّاتِ انْقِطَاعاً مَوَدَّاتُ الْأَشْرَارِ.^۸

(انظر) عنوان ۹۳ «المحبة (الحب في الله)».

۳۸

ما يُفْسِدُ الْإِخَاءَ

۲۰۷. الإمام علي علیه السلام: الْجَفَاءُ يُفْسِدُ الْإِخَاءَ.^۱

۲۰۸. عنه علیه السلام: إِيَّاكَ وَالْجَفَاءُ؛ فَإِنَّهُ يُفْسِدُ الْإِخَاءَ.

۱۹۹. امام علی علیه السلام: کسانی که برای خدا برادری ورزند دوستی شان می پاید؛ چون سبب آن دوستی پایدار است.

۲۰۰. امام علی علیه السلام: برادری که برای خدا به دست آید، نزدیکترین خویش است و از پدر و مادر به انسان نزدیکتر است.

۲۰۱. امام علی علیه السلام: دوستی اهل آخرت می پاید؛ چون علت آن پایاست.

۲۰۲. امام علی علیه السلام: همه برادرها از هم می گسلد بجز آن برادری که بر پایه طمع استوار نباشد.

۲۰۳. امام علی علیه السلام: هر دوستی ای که رشته آن را طمع ببندد، نومیدی، آن را از هم بگسلد.

۲۰۴. امام علی علیه السلام: دوستی دنیاپرستان با پروزاندک پیشامدی از میان می رود.

۲۰۵. امام علی علیه السلام: کسی که برای کاری با تو دوستی می کند، پس از تمام شدن آن به تو پشت می کند.

۲۰۶. امام علی علیه السلام: ناپایدارترین دوستی ها، دوستی بدکاران است.

۳۸

عوامل برهم زنده برادری

۲۰۷. امام علی علیه السلام: جفاکاری^۱ برادری را از بین می برد.

۲۰۸. امام علی علیه السلام: از رفتار درشت و برخورد سرد

۱. جفا، ترک ارتباط و احسان، درشتخویی، رفتار خشن در معاشرت با مردم، سردی در دوستی و دوری گزینی است.

- | | |
|-------------------------|-----------------------|
| ۱. غرر الحکم: ۱۷۹۵. | ۲. غرر الحکم: ۱۸۴۵. |
| ۳. غرر الحکم: ۱۰۱۱۸. | ۴. کثر العمال: ۴۴۲۱۹. |
| ۵. تنبیه الخواطر: ۷۲/۱. | ۶. غرر الحکم: ۹۸۲۸. |
| ۷. غرر الحکم: ۸۵۵۲. | ۸. غرر الحکم: ۳۱۲۴. |
| ۹. غرر الحکم: ۵۶۲. | |

وَيُمَقِّتُ إِلَى اللَّهِ وَالنَّاسِ^۱.

۲۰۹. عنه علیه السلام: لَا تَطْلُبَنَّ الْإِخَاءَ عِنْدَ أَهْلِ الْجَفَاءِ.

وَاطْلُبْنَاهُ عِنْدَ أَهْلِ الْحِفَاظِ وَالْوَفَاءِ^۲.

۲۱۰. عنه علیه السلام: الْجَفَاءُ شَيْنٌ، الْمَعْصِيَةُ حَيْنٌ^۳.

(انظر) الصديق: باب ۲۱۸۰.

بپرهیز که برادری را از میان می برد و موجب تنفر خدا و مردمان می شود.

۲۰۹. امام علی علیه السلام: برادری را هرگز در میان

جفاپیشگان مجبوی، بلکه آن را در میان

انسان های قدرشناس و باوفا بجوی.

۲۱۰. امام علی علیه السلام: جفا، مایه ننگ است و گناه،

موجب محنت.

۳۹

إِعْلَامُ الْأَخِ بِالْحُبِّ

۲۱۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ صَاحِبَهُ أَوْ

أَخَاهُ فَلْيُعْلِمْنَاهُ^۴.

اظهار محبت نسبت به برادر

۲۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه یکی از شما رفیق یا

برادر خود را دوست دارد، آن را به او اظهار

کند.

۲۱۲. امام صادق علیه السلام: هرگاه کسی را دوست داشتی

آن را به او خبر ده.

۲۱۳. بحار الأنوار: ابو جعفر (امام باقر علیه السلام) و ابو

عبدالله (امام صادق علیه السلام) در مسجد نشسته

بودند، مردی از آن جا گذشت. یکی از

همنشینان ابو جعفر علیه السلام عرض کرد: به خدا،

من این مرد را دوست دارم. ابو جعفر علیه السلام

فرمود: پس، به او اعلام کن؛ چرا که دوستی

را پایدارتر و الفت را بیشتر می کند.

۲۰

دوست داشتن برادر [دینی] نشانه آن

است که او نیز برادرش را دوست دارد

۲۱۲. امام علی علیه السلام: دوستیها و محبتها را از دلها

۲۱۲. الإمام الصادق علیه السلام: إِذَا أَحْبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ^۵.

۲۱۳. بحار الأنوار: مَرَّ رَجُلٌ فِي الْمَسْجِدِ وَأَبُو

جعفر علیه السلام جَالِسٌ وَأَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، فَقَالَ لَهُ

بَعْضُ جُلَسَائِهِ: وَاللَّهِ، إِنِّي لِأَحِبُّ هَذَا الرَّجُلَ.

قَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: أَلَا فَأَعْلِمْنَاهُ؛ فَإِنَّهُ أَبْقَى

لِلْمَوَدَّةِ، وَخَيْرٌ فِي الْأَلْفَةِ^۶.

(انظر) كنز العمال: ۲۵/۹.

۲۰

مَوَدَّةُ الْأَخِ دَلِيلٌ عَلَى مَوَدَّتِهِ لِأَخِيهِ

۲۱۲. الإمام علي علیه السلام: سَلُّوا الْقُلُوبَ عَنِ الْمَوَدَّاتِ؛

۱. غرر الحكم: ۲۶۶۲. ۲. غرر الحكم: ۱۰۴۲۱.

۳. غرر الحكم: ۹۹. ۴. المحاسن: ۹۵۳/۴۱۵/۱.

۵. بحار الأنوار: ۲/۱۸۱/۷۴.

۶. بحار الأنوار: ۱/۱۸۱/۷۴.

فإنها شواهد لا تقبل الرشا.^۱

۲۱۵. الإمام الباقر عليه السلام : اعرف المودة لك في قلب أخيك بما له في قلبك.^۲

۲۱۶. الكافي عن صالح بن الحكم : سمعت رجلاً يسأل أبا عبد الله عليه السلام ، فقال : الرجل يقول : أودك ، فكيف أعلم أنه يودني؟! فقال : امتحن قلبك ؛ فإن كنت توده فإنه يودك.^۳

۲۱۷. الإمام الصادق عليه السلام : أنظر قلبك ؛ فإن أنكر صاحبك فقد أحدث أحدكما.^۴

۲۱۸. بحار الأنوار عن عبيد الله بن إسحاق المدائني : قلت لأبي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام : إن الرجل من عرض الناس يلقاني فيخلف بالله أنه يحبني ، فأخلف بالله أنه لصادق ؟ فقال : امتحن قلبك ؛ فإن كنت تحبه فأخلف وإلا فلا.^۵

۲۱۹. الإمام الهادي عليه السلام : لا تطلب الصفا ممن كدرت عليه ، ولا النصح ممن صرقت سوء ظنك إليه ، فإنما قلب غيرك لك كقلبك له.^۶

(انظر المعية (حب الله) : باب ۶۷۶).

پرسید که دلها گواهانی رشوه ناپذیرند.

۲۱۵. امام باقر عليه السلام : محبت قلبی برادرت را نسبت به خودت، از محبتی که در قلبت نسبت به او داری، بشناس.

۲۱۶. الکافی - به نقل از صالح بن حکم - : شنیدم که مردی از امام صادق عليه السلام می پرسد: کسی می گوید: من تو را دوست دارم؛ چگونه بدانم که [واقعاً] دوستم دارد؟ فرمود: دلت را بکاو، اگر تو او را دوست داشتی او نیز تو را دوست دارد.

۲۱۷. امام صادق عليه السلام : به دلت بنگر، اگر دوست را ناخوش داشت، بدان یکی از شما دو نفر کاری کرده است.

۲۱۸. بحار الأنوار - به نقل از عبيد الله بن اسحاق مدائنی - : به ابوالحسن موسى بن جعفر عليه السلام عرض کردم: مردی از توده مردم مرا می بیند و به خدا قسم یاد می کند که مرا دوست دارد، آیا می توانم به خدا قسم یاد کنم که او راست می گوید؟ فرمود: دلت را بکاو، اگر تو او را دوست داشتی قسم یاد کن، والا نه.

۲۱۹. امام هادی عليه السلام : از کسی که مکدرش کرده ای صفا مجوی و از کسی که تیر بدگمانی ات را به او نشانه رفته ای خیرخواهی و صداقت میخواه؛ زیرا دل دیگری با تو همچون دل دوست با او.

۱. غرر الحکم: ۵۶۴۱. ۲. کشف الغمّة: ۳۳۱/۲.

۳. الکافی: ۲/۶۵۲/۲. ۴. بحار الأنوار: ۶/۱۸۲/۷۴.

۵. بحار الأنوار: ۵/۱۸۲/۷۴.

۶. بحار الأنوار: ۱۸۱/۷۴.

۳۱

قَطِيعَةُ الْإِخْوَانِ

۲۲۰. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: إِنْ أَرَدْتَ قَطِيعَةَ أَخِيكَ فَاسْتَبِقْ لَهُ مِنْ نَفْسِكَ بَقِيَّةً يَرْجِعُ إِلَيْهَا إِنْ بَدَأَ لَهُ ذَلِكَ يَوْمًا مَّا.^۱

۲۲۱. عنه عليه السلام: لَا تَضُرِّمْ أَخَاكَ عَلَى ارْتِيَابٍ، وَلَا تَقْطَعْهُ دُونَ اسْتِغْتَابٍ، وَلَنْ لِمَنْ غَالَطَكَ فَإِنَّهُ يُوشِكُ أَنْ يَلِينَ لَكَ.^۲

۲۲۲. عنه عليه السلام: مَا أَقْبَحَ الْقَطِيعَةَ بَعْدَ الصُّلَّةِ، وَالْجَفَاءِ بَعْدَ الْإِخَاءِ، وَالْعَدَاوَةِ بَعْدَ الْمَوَدَّةِ!^۳

۲۲۳. الإمامُ الصادقُ عليه السلام: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ رَجُلٌ يَبْدُوهُ أَخُوهُ بِالصُّلْحِ فَلَمْ يُصَالِحْهُ.^۴

۲۲۴. عنه عليه السلام: لَا تُتَّبِعْ أَخَاكَ بَعْدَ الْقَطِيعَةِ وَقِيعَةً فِيهِ، فَيَسُدَّ عَلَيْهِ طَرِيقَ الرُّجُوعِ إِلَيْكَ، فَلَعَلَّ التَّجَارِبَ تَرُدُّهُ عَلَيْكَ.^۵

۲۲۵. عنه عليه السلام: مَنْ وَضَعَ حُبَّةً فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْقَطِيعَةِ.^۶

(انظر) العشرة: باب ۲۶۸۸.

عنوان ۵۲۹ «الهجران».

۱. نهج البلاغة: الكتاب ۳۱.
۲. بحار الأنوار: ۱/۲۰۹/۷۷.
۳. بحار الأنوار: ۱/۲۱۰/۷۷.
۴. بحار الأنوار: ۳۵/۲۳۶/۷۴.
۵. بحار الأنوار: ۳۱/۱۶۶/۷۴.
۶. المحاسن: ۹۵۰/۴۱۵/۱.

۳۱

بریدن از برادران

۲۲۰. امام علی علیه السلام: اگر خواستی از برادرت ببری، ته مانده‌ای از دوستی خود برای او باقی گذار که اگر روزی به فکرش رسید که آشتی کند به آن بازگردد.

۲۲۱. امام علی علیه السلام: با کوچکترین سوء ظنی با برادر خود قطع رابطه نکن و بدون رضایت طلبی از او نبُر، با کسی که با تو درشتی کرده نرمی کن؛ باشد که به زودی با تو نرم شود.

۲۲۲. امام علی علیه السلام: چه زشت است بریدن بعد از پیوستن، و بیگانگی پس از برادری، و دشمنی پس از دوستی!

۲۲۳. امام صادق علیه السلام: ملعون است، ملعون، کسی که برادرش دستِ صلح و آشتی به سوی او دراز کند و او آشتی نکند.

۲۲۴. امام صادق علیه السلام: پس از قطع رابطه با برادرت، از او بدگویی مکن؛ که این راه بازگشت او را به سوی تو می‌بندد؛ چون ممکن است تجربه‌ها [روزی] او را به تو بازگرداند.

۲۲۵. امام صادق علیه السلام: هر کس دوستی و محبت خود را در جایگاه مناسبش ننهد، [خود را] در معرض قطع رابطه قرار داده است.

۴۲

وَصَلِّ الْإِخْوَانِ

۲۲۶. الإمامُ عليٌّ ؑ: أَحْمِلْ نَفْسَكَ مِنْ أَخِيكَ عِنْدَ صَرْمِهِ عَلَى الصَّلَةِ ... وَعِنْدَ جُمُودِهِ عَلَى الْبَذْلِ ... وَإِيَّاكَ أَنْ تَضَعَ ذَلِكَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ، أَوْ أَنْ تَفْعَلَهُ بِغَيْرِ أَهْلِهِ^۱.

۲۲۷. عنه ؑ: لَا يَكُونَنَّ أَخُوكَ أَقْوَى عَلَى قَطِيعَتِكَ مِنْكَ عَلَى صَلَّتِهِ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَى الْإِسَاءَةِ أَقْوَى مِنْكَ عَلَى الْإِحْسَانِ^۲.

۲۲۸. عنه ؑ: أَطِيعْ أَخَاكَ وَإِنْ عَصَاكَ، وَصِلْهُ وَإِنْ جَفَاكَ^۳.

۲۲۹. الإمامُ الحسينُ ؑ: إِنْ أَوْصَلَ النَّاسَ مَنْ وَصَلَ مَنْ قَطَعَهُ^۴.

(انظر الغیر: باب ۱۱۸۰).

۴۳

أَقْسَامُ الْإِخْوَانِ

۲۳۰. الإمامُ عليٌّ ؑ: الْإِخْوَانُ صِنْفَانِ: إِخْوَانُ الثَّقَةِ وَإِخْوَانُ الْمُكَاشَرَةِ ... فَإِذَا كُنْتَ مِنْ أَخِيكَ عَلَى حَدِّ الثَّقَةِ فَايْذِلْ لَهُ مَالَكَ وَبَدَنَكَ، وَصَافٍ مِّنْ صَافَاهُ، وَعَادٍ مِّنْ عَادَاهُ، وَاکْتُمْ سِرَّهُ وَغَيْبَهُ، وَأَظْهِرْ مِنْهُ الْحَسَنَ. وَاعْلَمْ أَيُّهَا

۱. نهج البلاغة: الكتاب ۳۱. ۲. نهج البلاغة: الكتاب ۳۱.

۳. بحار الأنوار: ۱/۲۱۳/۷۷. ۴. بحار الأنوار: ۴/۱۲۱/۷۸.

۴۲

پیوند با برادران

۲۲۶. امام علی ؑ: چون برادرت از تو ببرد خود را به پیوند با او وادار ... و چون بخل ورزد از بخشش دریغ مدار ... مبادا این نیکی را در آن جا کنی که نباید، یا درباره آن کس که نشاید.

۲۲۷. امام علی ؑ: نباید توانایی برادرت در قطع رابطه با تو بیشتر از توانایی تو در پیوند با او باشد و نباید توانایی او بر بدی کردن بیشتر از توانایی تو بر نیکی کردن باشد.

۲۲۸. امام علی ؑ: از برادرت فرمان ببر هر چند او تو را نافرمانی می کند، و با او پیوند برقرار کن هر چند او از تو دوری می گزیند.

۲۲۹. امام حسین ؑ: قویترین فرد در ایجاد ارتباط کسی است که با کسی که از او بریده رابطه برقرار کند.

۴۳

اقسام برادران

۲۳۰. امام علی ؑ: برادران دو گروهند: برادران مورد اعتماد، و برادران خنده و شادی ... اگر به برادرت اعتماد داشتی از مال و جان خود نثار او کن، با دوستانش دوست و با دشمنانش دشمن باش، رازدار و عیب پوش وی باش و خوبیهایش را آشکار ساز. ای

السَّائِلُ أَنَّهُمْ أَقْلٌ مِنَ الْكِبَرِيَّةِ الْأَخْتَرِ ۱.

۲۳۱. الإمام الحسين عليه السلام: الإِخْوَانُ أَرْبَعَةٌ: فَأَخُ لَكَ وَلَهُ، وَأَخُ لَكَ، وَأَخُ عَلَيْكَ، وَأَخُ لَا لَكَ وَلَا لَكَ ۲.

۲۳۲. الإمام الصادق عليه السلام: الإِخْوَانُ ثَلَاثَةٌ: فَوَاحِدٌ كَالْغِذَاءِ الَّذِي يُحْتَاجُ إِلَيْهِ كُلُّ وَقْتٍ فَهُوَ الْعَاقِلُ، وَالثَّانِي فِي مَعْنَى الدَّاءِ وَهُوَ الْأَخْمَقُ، وَالثَّلَاثُ فِي مَعْنَى الدَّوَاءِ فَهُوَ اللَّيِّبُ ۳.

۲۳۳. عنه عليه السلام: الإِخْوَانُ ثَلَاثَةٌ: مُوَاسٍ بِنَفْسِهِ، وَآخَرُ مُوَاسٍ بِمَالِهِ؛ وَهُمَا الصَّادِقَانِ فِي الإِخَاءِ، وَآخَرُ يَأْخُذُ مِنْكَ الْبُلْغَةَ، وَيُرِيدُكَ لِبَعْضِ اللَّذَّةِ، فَلَا تَعُدَّهُ مِنْ أَهْلِ الثَّقَةِ ۴.

(انظر بحار الأنوار: ۱۸۹/۶۷ باب ۱۸)

الصادق: باب ۲۱۸۸.

الناس: باب ۳۹۰۹.

۳۳

الأَخُ الْمُوثِقُ بِهِ

۲۳۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَقْلٌ مَا يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَخٌ يُوثِقُ بِهِ أَوْ دِرْهَمٌ مِنْ حَلَالٍ ۵.

۲۳۵. عنه عليه السلام: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَيْسَ فِيهِ

۱. بحار الأنوار: ۲/۲۸۱/۷۴. ۲. تحف العقول: ۲۴۷.

۳. تحف العقول: ۳۲۳. ۴. تحف العقول: ۳۲۴.

۵. تحف العقول: ۵۴.

پرسنده! بدان که این گروه برادران از گوگرد سرخ کمیاب ترند.

۲۳۱. امام حسین عليه السلام: برادران چهار گروهند: برادری که به سود تو و سود خویش است و برادری که به سود دوست و برادری که به زیان دوست و برادری که نه به سود دوست و نه به سود خودش.

۲۳۲. امام صادق عليه السلام: برادران سه دسته‌اند: یکی چون خوراک است که همیشه بدان نیاز است و آن خردمند است، و دومی چون درد است و آن نابخرد است، و سومی چون داروست و آن شخص هوشمند است.

۲۳۳. امام صادق عليه السلام: برادران سه گروهند: آن که با جان همراهی می‌کند، دیگری آن که با مال یاری می‌رساند و این دو گروه در برادری صادقند؛ و سومی آن که از تو وجه معاش می‌گیرد و تو را برای اندکی لذت و خوشی می‌خواهد، او را مورد اعتماد بدان.

۳۴

برادر قابل اعتماد

۲۳۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: کمیاب‌ترین چیز در آخر الزمان برادری قابل اعتماد، یا درهمی حلال است.

۲۳۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: روزگاری فرا می‌رسد که

شيء أعز من أخ أنيس وكسب درهم حلال.^۱

۲۳۶. الإمام الهادي عليه السلام - لمن قال له: رويانا عن آبائك أنه يأتي على الناس زمان لا يكون شيء أعز من أخ أنيس أو كسب درهم من حلال - إن العزيز موجود، ولكنك في زمان ليس شيء أغسر من درهم حلال وأخ في الله عز وجل.^۲

۴۵

النهي عن بعض الإخاء

۲۳۷. الإمام علي عليه السلام: لا ترغبن فيمن زهد فيك، ولا ترهذن فيمن رغب فيك.^۳

۲۳۸. عنه عليه السلام: لا تواخ من يستر مناقبك، ويشتري مثالبك.^۴

۲۳۹. عنه عليه السلام: ليس لك بأخ من اختجبت إلى مداريته.^۵

۲۴۰. عنه عليه السلام: ينبغي للمسلم أن يتجنب مواخاة ثلاثة: الماجن الفاجر، والأحمق، والكذاب.^۶

۱. تحف العقول: ۳۶۸. ۲. بحار الأنوار: ۱۰۳/۱۰/۴۳.

۳. بحار الأنوار: ۷۴/۱۶۶/۲۹.

۴. غرر الحکم: ۱۰۴۲۰. ۵. غرر الحکم: ۷۵۰۳.

۶. الكافي: ۱/۶۳۹/۲.

چیزی کمیاب‌تر از یک برادر همدم و [دشوارتر از] کسب یک درهم حلال نیست.

۲۳۶. امام هادی علیه السلام - به کسی که به ایشان عرض کرد: از پدران شما برایمان روایت شده است که روزگاری بر مردم می‌آید که چیزی کمیاب‌تر از یک برادر همدم یا کسب یک درهم حلال نیست - فرمود: چیز کمیاب [سرانجام] پیدا می‌شود اما تو در زمانی هستی که چیزی دشوارتر از [به دست آوردن] یک درهم حلال و یک برادر خدایی نیست.

۴۵

نهی از برخی دوستیها

۲۳۷. امام علی علیه السلام: هیچ گاه به کسی که از تو

رویگردان است، روی نیاور و هیچ گاه از کسی که به تو علاقه منداست، روی برمتاب.

۲۳۸. امام علی علیه السلام: با کسی که خوبیهای را می‌پوشاند و عیبهای را پخش می‌کند، برادری مکن.

۲۳۹. امام علی علیه السلام: کسی که نیازمند مدارا کردن با او باشی، برادر تو نیست.

۲۴۰. امام علی علیه السلام: مسلمان، باید از برادری کردن با سه گروه دوری ورزد: لوده فاسد، احمق، و دروغگو.

۲۳۱. الإمام الحسن عليه السلام: لا تُواخِ أحداً حتّى تُعرِفَ مَوارِدَهُ ومَصادِرَهُ، فإذا اسْتَنْبَطْتَ الخِبرَةَ ورَضِيتَ العِشرةَ فآخِهِ على إقالة العِشرةِ والمُواساةِ في العِشرةِ.^۱

۲۳۲. الإمام الباقر عليه السلام: لا تُقارِنُ ولا تُواخِ أربعةً: الأحمق، والبخیل، والجبان، والكذاب.^۲

۲۳۳. عنه عليه السلام: یَسَسُ الأخُ أخُ یَرَعاكَ غَیْباً ویَقطَعُكَ فقیراً.^۳

۲۳۴. الإمام الصادق عليه السلام: احذِرْ أن تُواخِیَ مَنْ أرادَكَ لِطَمَعٍ أو خَوْفٍ أو مِثْلِ أو لِلأَکْلِ والشَّرْبِ، واطْلُبْ مُواخاةَ الأتقیاءِ ولو فی ظُلُماتِ الأرضِ، وإن أَفْنِیتَ عُمُرَكَ فی طَلِبِهِمْ.^۴

۲۳۵. عنه عليه السلام: لا خیرَ فی صُحْبَةِ مَنْ لَمْ یَرَ لَكَ مِثْلَ الَّذی یَرى لِنَفْسِهِ.^۵

(انظر) الصدیق: باب ۲۱۷۷.

المحبّة: باب ۶۵۹.

۴۶

المُحافَظَةُ عَلَى الأُخُوَّةِ القَدِیْمَةِ

۲۳۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللهَ تَعَالی یُحِبُّ المُداوِمَةَ عَلَى الإِخاءِ القَدِیْمِ، فَداوِمُوا عَلَیْهِ.^۶

۲۳۱. امام حسن عليه السلام: با هیچ کس برادری مکن تا بدانی کجاها رفت و آمد دارد. چون از حالش به خوبی آگاه شدی و معاشرتش را پسندیدی، بر پایه گذشت از لغزشها و کمک و همیاری در سختیها، با او برادری کن.

۲۳۲. امام باقر عليه السلام: با چهار کس همنشینی و برادری مکن: احمق، بخیل، ترسو و دروغگو.

۲۳۳. امام باقر عليه السلام: چه بد برادری است آن که به هنگام توانگری هوادار توست و در وقت تهیدستی رهایت می کند.

۲۳۴. امام صادق عليه السلام: از برادری کردن با کسی که تو را به طمع چیزی یا از سر ترس یا خواهشی و یا به خاطر خورد و خوراک می خواهد، دوری کن و برادری پرهیزگاران را بجوی، هر چند برای جستن آنها در اعماق زمین فرو روی و هر چند عمر خود را در این راه صرف کنی.

۲۳۵. امام صادق عليه السلام: در دوستی کسی که آنچه برای خود می خواهد برای تو نمی خواهد، خیری نیست.

۴۶

نگه داشتن برادری های دیرین

۲۳۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خداوند متعال مداومت بر برادری دیرینه را دوست می دارد، پس، آن را مداومت دهید.

۱. تحف العقول: ۲۳۳. ۲. الخصال: ۱۰۰/۲۴۴.

۳. الإرشاد: ۱۶۶/۲. ۴. بحار الأنوار: ۳/۲۸۲/۷۴.

۵. تحف العقول: ۳۶۸. ۶. كنز العمال: ۲۴۷۵۹.

۲۲۷. عنه علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ حِفْظَ الْوُدِّ الْقَدِيمِ^۱.

۲۲۸. الإمام علی علیه السلام: اخْتَرْتُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ جَدِيدَهُ،
وَمِنَ الْإِخْوَانِ أَقْدَمَهُمْ^۲.

۲۲۹. عنه علیه السلام: مِنْ كَرَمِ الْمَرْءِ بُكَاءُؤُهُ عَلَى مَا مَضَى مِنْ
زَمَانِهِ، وَخَنِينُهُ إِلَى أَوْطَانِهِ، وَحِفْظُهُ قَدِيمِ
إِخْوَانِهِ^۳.

۲۵۰. داوود علیه السلام - لابنه سليمان علیه السلام - : لَا تَسْتَبْدِلَنَّ
بِأَخٍ قَدِيمٍ أَخًا مُسْتَفَادًا مَا اسْتَقَامَ لَكَ^۴.

۴۷

الْأُخُوَّةُ الْحَقِيقِيَّةُ

۲۵۱. الإمام علی علیه السلام: إِنَّ أَخَاكَ حَقًّا مَنْ غَفَرَ زَلَّتَكَ،
وَسَدَّ خَلَّتَكَ، وَقَبِلَ عُذْرَكَ، وَسَتَرَ عَوْرَتَكَ،
وَتَفَى وَجَلَكَ، وَحَقَّقَ أَمْلَكَ^۵.

۲۵۲. عنه علیه السلام: أَخُوكَ الَّذِي لَا يَخْذُلُكَ عِنْدَ الشَّدَّةِ،
وَلَا يَغْفُلُ عَنْكَ عِنْدَ الْجَرِيرَةِ، وَلَا يَخْذَعُكَ
حِينَ تَسْأَلُهُ^۶.

۲۵۳. عنه علیه السلام: مَا أَكْثَرَ الْإِخْوَانَ عِنْدَ الْجِفَانِ، وَأَقْلَهُهُمْ
عِنْدَ حَادِثَاتِ الزَّمَانِ^۷.

(انظر) الصديق: باب ۲۱۸۵.

۲۲۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال حفظ دوستی
دیرینه را دوست می دارد.

۲۲۸. امام علی علیه السلام: از هر چیزی جدیدش را برگزین
و از برادران، قدیمی ترینشان را.

۲۲۹. امام علی علیه السلام: گریستن آدمی بر زمان از دست
رفته اش و شور و شوق او به میهنش و
نگهداشتن برادران دیرینش، نشانه
بزرگواری اوست.

۲۵۰. داوود علیه السلام - به فرزندش سليمان علیه السلام - فرمود: تا

زمانی که برادر (دوست) قدیمی بر وفق
مراد توست هیچ گاه برادر تازه به دست
آمده ای را جایگزین او مکن.

۴۷

برادری حقیقی

۲۵۱. امام علی علیه السلام: برادر حقیقی تو کسی است که از
لغزشت درگذرد، نیازت را برآورد، پوزش
تو را بپذیرد، عیبت را بپوشاند، ترس را از
تو دور کند و آرزویت را برآورد.

۲۵۲. امام علی علیه السلام: برادر تو آن کس است که گاه
سختی تنهایت نگذارد، و جور تو را بر
دوش کشد و هرگاه از او چیزی بخواهی [یا
پرسی] فریبت ندهد.

۲۵۳. امام علی علیه السلام: چه بسیارند دوستان به هنگام
چیده شدن کاسه ها [بر سر سفره]، و چه
اندکند به گاه گرفتاری های زمانه!

۱. كنز العمال: ۲۴۷۶۰. ۲. غرر الحكم: ۲۴۶۱.

۳. بحار الأنوار: ۳/۲۶۴/۷۴. ۴. بحار الأنوار: ۳/۲۶۴/۷۴.

۵. غرر الحكم: ۳۶۴۵. ۶. بحار الأنوار: ۱/۲۶۹/۷۷.

۷. غرر الحكم: ۹۶۵۷.

۲۸

انتخاب برادر

۲۵۲. پیامبر خدا ﷺ: روزگاری بر مردم می آید که اگر نام کسی را بشنوی بهتر از آن است که او را ببینی و اگر او را ببینی بهتر از آن است که او را بیازمایی، و چون او را بیازمایی حالات مختلفی به تو نشان می دهد.

۲۵۵. امام علی ﷺ: هر کس به خاطر هر خطایی از برادران کناره گیرد، دوستانش کاهش می یابند.

۲۵۶. امام صادق ﷺ: کسی که تنها با آن که هیچ عیبی ندارد برادری کند دوستان اندکی خواهد داشت.
(انظر) الصدیق: باب (۲۱۸۷) - کتب معتبره

۲۵۷. امام صادق ﷺ: از دین و آیین مردم پرس و جو مکن که بی دوست می مانی.

۲۹

تحمل لغزش برادر

۲۵۸. پیامبر خدا ﷺ: در توصیف مؤمن - فرمود: با وجود لغزش برادرش، با او به مهربانی رفتار می کند، و حرمت دوستی دیرینش را نگه می دارد.

۲۵۹. امام علی ﷺ: لغزش دوست خود را برای زمان یورش دشمنت تحمل کن.

۲۸

اختیار الأخ

۲۵۲. رسول الله ﷺ: یأتی علی الناس زمان إذا سمعت باسم رجل خیر من أن تلقاه، فإذا لقیته خیر من أن تجربته، ولو جرّبتة أظهر لك أخوالاً.^۱

۲۵۵. الإمام علی ﷺ: من جانب الإخوان علی کل ذنب قلّ أصدقاؤه.^۲

۲۵۶. الإمام الصادق ﷺ: من لم یواخ إلا من لا عیب فیہ قلّ صدیقه.^۳

۲۵۷. عنه ﷺ: لا تفتش الناس عن أديانهم فتبقى بلا صدیق.^۴

۲۹

تحمل زلة الأخ

۲۵۸. رسول الله ﷺ: فی وصف المؤمن - : لطیف علی أخیه بزلیته، ویرعی ما مضی من قدیم صخبته.^۵

۲۵۹. الإمام علی ﷺ: احتمل زلة ولیک لوقت وثبة عدوک.^۶

۱. بحار الأنوار: ۳۱/۱۶۶/۷۴.

۲. غرر الحکم: ۸۱۶۶. ۳. أعلام الدین: ۳۰۴.

۴. تحف العقول: ۳۶۹. ۵. التمهید: ۱۷۱/۷۵.

۶. بحار الأنوار: ۲۹/۱۶۶/۷۴.

۲۶۰. عنه علیه السلام: احْتِمَلْ أَخَاكَ عَلَى مَا فِيهِ، وَلَا تَكْثِرِ الْعِتَابَ فَإِنَّهُ يُورِثُ الضَّعِيفَةَ، وَاسْتَعْتِبْ مَنْ رَجَوْتَ عُتْبَاهُ.^۱

۲۶۱. عنه علیه السلام: الاحْتِمَالُ زَيْنُ الرَّفَاقِ.^۲

۲۶۲. عنه علیه السلام: الاحْتِمَالُ يُجِلُّ الْقَدْرَ.^۳

۲۶۳. عنه علیه السلام: الْحَلِيمُ مَنْ احْتَمَلَ إِخْوَانَهُ.^۴

۲۶۴. عنه علیه السلام: احْتِمَلْ مَا يَمُرُّ عَلَيْكَ، فَإِنَّ الْاحْتِمَالَ سِتْرُ الْعُيُوبِ، وَإِنَّ الْعَاقِلَ نِصْفُهُ احْتِمَالٌ، وَنِصْفُهُ تَغَافُلٌ.^۵

۲۶۵. عنه علیه السلام: خَيْرُ النَّاسِ مَنْ تَحَمَّلَ مَوَونَةَ النَّاسِ.^۶

۲۶۶. عنه علیه السلام: مَنْ لَمْ يَحْتَمِلْ زَلَلَ الصَّدِيقِ مَاتَ وَحِيداً.^۷

۲۶۷. عنه علیه السلام: لَا يَسُودُ مَنْ لَا يَحْتَمِلُ إِخْوَانَهُ.^۸

۲۶۸. عيون أخبار الرضا: عن أحمد بن الحسين كاتب أبي الفياض عن أبيه: حَضَرْنَا مَجْلِسَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا فَشَكَا رَجُلٌ أَخَاهُ، فَأَنْشَأَ يَقُولُ:

اغْذِرْ أَخَاكَ عَلَى ذُنُوبِهِ

وَاشْتَرِ وَغَطَّ عَلَى عُيُوبِهِ

وَاصْبِرْ عَلَى بَهْتِ السَّفِيهِ

هـ وَلِلزَّمانِ عَلَى خُطُوبِهِ

۲۶۰. امام علی علیه السلام: برادرت را با همه آنچه دارد تحمل کن و زیاد سرزنشش مکن که کینه می آورد و از کسی که امید بخشش داری، طلب بخشش کن.

۲۶۱. امام علی علیه السلام: تحمل [لغزشها] زیور همراهی و رفاقت است.

۲۶۲. امام علی علیه السلام: بردباری و تحمل [لغزشها]، قدر و منزلت را بالا می برد.

۲۶۳. امام علی علیه السلام: بردبار کسی است که برادران خود را تحمل کند.

۲۶۴. امام علی علیه السلام: ناملايمات را تحمل کن که تحمل، پوشش عیبهاست، انسان خردمند نيمش بردباری است و نيم ديگرش چشم پوشی.

۲۶۵. امام علی علیه السلام: بهترین افراد کسانی هستند که زحمت مردم را تحمل کنند.

۲۶۶. امام علی علیه السلام: کسی که لغزشهای دوست را تحمل نکند [به تدریج از آنها می برد و] تنها می میرد.

۲۶۷. امام علی علیه السلام: کسی که برادران خود را تحمل نکند به سروری نمی رسد.

۲۶۸. عيون أخبار الرضا: احمد بن حسين كاتب حسين كاتب ابو فياض از پدرش نقل می کند که در حضور علی بن موسی الرضا بودیم که مردی از برادر خود گله و شکایت کرد، حضرت این ابیات را برخواند:

برادرت را در اشتباهاتش معذور بدار

پرده پوشی کن و عیب هایش را بپوشان

در برابر تهمت زدن آدم نابخرد

و ناملايمات روزگار شکيبا باش

۱. بحار الأنوار: ۱/۲۱۲/۷۷. ۲. غرر الحکم: ۷۵۲.

۳. غرر الحکم: ۸۳۳. ۴. غرر الحکم: ۱۱۱۱.

۵. غرر الحکم: ۲۳۷۸. ۶. غرر الحکم: ۵۰۰۲.

۷. غرر الحکم: ۹۰۷۹. ۸. غرر الحکم: ۱۰۷۵۴.

وَدَعَ الْجَوَابَ تَفَضُّلاً

وَكِلَ الظُّلُومَ إِلَى حَسْبِيهِ^۱.

(انتظر) عنوان ۲۵۲ «السیاسة».

المکافاة: باب ۳۴۴۷.

۵۰

بهترین برادران

۲۶۹. پیامبر خدا ﷺ: بهترین برادر آن است که در کارهای آخرت یاری رساند.

۲۷۰. پیامبر خدا ﷺ: بهترین برادر تو کسی است که در راه اطاعت خدا یاریات رساند و از نافرمانیهای او بازت دارد و به خشنودی او فرمانت دهد.

۲۷۱. پیامبر خدا ﷺ: بهترین برادران شما کسی است که عیبهایتان را به شما اهدا کند.

۲۷۲. امام علی علیه السلام: بهترین برادر آن است که در نصیحت و ارشاد کمتر ملاحظه کند.

۲۷۳. امام علی علیه السلام: بهترین برادر تو آن است که در راه حق، بر تو زیاد خشم گیرد.

۲۷۴. امام علی علیه السلام: بهترین برادر آن است که برادران خویش را نیازمند دیگری نسازد.

۲۷۵. امام علی علیه السلام: بهترین برادران تو کسی است که در [واداشتنت به] فرمانبرداری از خداوند

۵۰

خَيْرُ الْإِخْوَانِ

۲۶۹. رسول الله ﷺ: خَيْرُ الْإِخْوَانِ الْمُسَاعِدُ عَلَى أَعْمَالِ الْآخِرَةِ^۲.

۲۷۰. عنه ﷺ: خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ أَعَانَكَ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ، وَصَدَّكَ عَنْ مَعَاصِيهِ، وَأَمَرَكَ بِرِضَاهُ^۳.

۲۷۱. عنه ﷺ: خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ^۴.

۲۷۲. الإمام علي عليه السلام: خَيْرُ الْإِخْوَانِ أَقْلُهُمْ مُصَانَعَةً فِي النَّصِيحَةِ^۵.

۲۷۳. عنه ﷺ: خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ كَثُرَ إِغْضَابُهُ لَكَ فِي الْحَقِّ^۶.

۲۷۴. عنه ﷺ: خَيْرُ الْإِخْوَانِ مَنْ لَا يُخَوِّجُ إِخْوَانَهُ إِلَى سِوَاهُ^۷.

۲۷۵. عنه ﷺ: خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ عَنَّفَكَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ

۱. عيون أخبار الرضا: ۴/۱۷۶/۲.

۲. تنبيه الخواطر: ۱۲۳/۲. ۳. تنبيه الخواطر: ۱۲۳/۲.

۴. تنبيه الخواطر: ۱۲۳/۲. ۵. غرر الحکم: ۴۹۷۸.

۶. غرر الحکم: ۵۰۰۹. ۷. غرر الحکم: ۴۹۸۵.

سُبْحَانَهُ ۱.

سبحان، بر تو سخت گیرد.

۲۷۶. عَنْهُ علیه : خَيْرُ الْإِخْوَانِ أَنْصَحُهُمْ،
وَشَرُّهُمْ أَغْشُهُمْ ۲.

۲۷۶. امام علی علیه : بهترین برادران، یکرنگ ترین، و بدترین برادران دغل ترین آنان است.

۲۷۷. عَنْهُ علیه : خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ وَاسَاكَ، وَخَيْرُ مِنْهُ مَنْ كَفَاكَ، وَإِنْ احتَاجَ إِلَيْكَ أَغْفَاكَ ۳.

۲۷۷. امام علی علیه : بهترین برادران تو کسی است که به تو یاری دهد و بهتر از او کسی است که تو را بسنده باشد و اگر به تو نیازمند شد از تو بگذرد.

۲۷۸. عَنْهُ علیه : خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ وَاسَاكَ بِخَيْرِهِ، وَخَيْرُ مِنْهُ مَنْ أَغْنَاكَ عَنْ غَيْرِهِ ۴.

۲۷۸. امام علی علیه : بهترین برادران تو آن کسی است که با مال خویش تو را یاری رساند و بهتر از او کسی است که تو را از دیگری بی نیاز سازد.

۲۷۹. عَنْهُ علیه : خَيْرُ الْإِخْوَانِ مَنْ كَانَتْ فِي اللَّهِ مَوَدَّةٌ ۵.

۲۷۹. امام علی علیه : بهترین برادران کسی است که دوستی اش برای خدا باشد.

۲۸۰. عَنْهُ علیه : خَيْرُ الْإِخْوَانِ مَنْ لَمْ تَكُنْ عَلَيَّ الدُّنْيَا أَخَوْتَهُ ۶.

۲۸۰. امام علی علیه : بهترین برادران کسی است که برادریش برای دنیا نباشد.

۲۸۱. عَنْهُ علیه : خَيْرُ الْإِخْوَانِ مَنْ إِذَا فَقَدْتَهُ لَمْ تُحِبَّ الْبَقَاءَ بَعْدَهُ ۷.

۲۸۱. امام علی علیه : بهترین برادران آن کسی است که چون او را از دست دهی، دوست نداشته باشی پس از او زنده بمانی.

۲۸۲. عَنْهُ علیه : خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرِ وَجَذَبَكَ إِلَيْهِ، وَأَمَرَكَ بِالْبِرِّ وَأَعَانَكَ عَلَيْهِ ۸.

۲۸۲. امام علی علیه : بهترین برادران تو کسی است که برای انجام کارهای نیک بشتابد و تو را نیز به نیکوکاری بکشاند و به نیکی فرمانت دهد و در آن یاری ات دهد.

۲۸۳. عَنْهُ علیه : خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَعَاكَ إِلَى صِدْقِ الْمَقَالِ بِصِدْقِ مَقَالِهِ، وَنَدَبَكَ إِلَى أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ بِحُسْنِ أَعْمَالِهِ ۹.

۲۸۳. امام علی علیه : بهترین برادران تو آن کسی است که با راستگویی خود، تو را به راستگویی فراخواند و با نیکوکاری اش تو را به بهترین کارها دعوت کند.

- | | |
|---------------------|---------------------|
| ۱. غرر الحکم: ۴۹۸۶. | ۲. غرر الحکم: ۵۰۱۴. |
| ۳. غرر الحکم: ۴۹۸۸. | ۴. غرر الحکم: ۵۰۱۳. |
| ۵. غرر الحکم: ۵۰۱۷. | ۶. غرر الحکم: ۴۹۷۸. |
| ۷. غرر الحکم: ۵۰۱۸. | ۸. غرر الحکم: ۵۰۲۱. |
| ۹. غرر الحکم: ۵۰۲۲. | |

۲۸۲. امام علی علیه السلام: بهترین برادران تو آن است که تو را به هدایت رهنمون شود و به تقوا و پرهیزگاریات برساند و از پیروی خواهشهای نفسانی بازت دارد.

۲۸۵. امام علی علیه السلام: بهترین برادر آن است که در انجام کارهای نیک بیشتر یاری کند، به خوبیها بیشتر عمل نماید و با دوست و همنشین مهربانتر باشد.

۲۸۶. امام علی علیه السلام: بهترین برادر آن است که بر برادرانش [نسبت به مطالبه حقوق خود] سخت نگیرد.

۲۸۷. امام صادق علیه السلام: دوست داشتنی ترین برادرانم کسی است که عیبهایم را به من هدیه کند.

۲۸۸. امام عسکری علیه السلام: بهترین برادر تو آن کسی است که گناه و خطای تو را به خود، فراموش کند.

۵۱

برادر کامل

۲۸۹. امام حسن علیه السلام: ای مردم! من یکی از برادران خود را به شما معرفی می‌کنم که در نظر من از بزرگترین انسانها بود. مهمترین چیزی که او را در نظرم بزرگ کرده بود خردی و بی‌ارزشی دنیا در نگاه او بود، از سلطه شکم خود آزاد بود، بنا بر این آنچه را نداشت نمی‌خواست و هرگاه به آن دست می‌یافت، زیاده‌روی نمی‌کرد؛ محکوم شهوت خود نبود و لذا خرد و اندیشه‌ای سست نداشت؛ از سلطه نادانی به در بود، از این رو دستش را

۲۸۲. عنه علیه السلام: خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَلَّكَ عَلَى هُدًى، وَ اكْتَسَبَكَ تَقًى، وَ صَدَّكَ عَنِ اتِّبَاعِ هَوًى.^۱

۲۸۵. عنه علیه السلام: خَيْرُ الْإِخْوَانِ أَعُوْنُهُمْ عَلَى الْخَيْرِ، وَ أَعْمَلُهُمْ بِالْبِرِّ، وَ أَرْفَقُهُمْ بِالْمُصَاحِبِ.^۲

۲۸۶. عنه علیه السلام: خَيْرُ الْإِخْوَانِ مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى إِخْوَانِهِ مُسْتَقْصِياً.^۳

۲۸۷. الإمام الصادق علیه السلام: أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى عُيُوبِي إِلَيَّ.^۴

۲۸۸. الإمام العسکری علیه السلام: خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ نَسِيَ ذَنْبَكَ إِلَيْهِ.^۵

(انظر) الصدوق: باب ۲۱۸۶.

۵۱

الأخ الكامل

۲۸۹. الإمام الحسن علیه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ، أَنَا أَخِيرُكُمْ عَنْ أَخٍ لِي، كَانَ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ فِي عَيْنِي، وَ كَانَ رَأْسُ مَا عَظُمَ بِهِ فِي عَيْنِي صِغَرُ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ. كَانَ خَارِجاً مِنْ سُلْطَانِ بَطْنِهِ، فَلَا يَشْتَهِي مَا لَا يَجِدُ، وَلَا يُكْثِرُ إِذَا وَجَدَ. كَانَ خَارِجاً مِنْ سُلْطَانِ فَرْجِهِ، فَلَا يَسْتَخْفُّ لَهُ عَقْلُهُ وَلَا رَأْيُهُ. كَانَ خَارِجاً مِنْ سُلْطَانِ

۱. غرر الحکم: ۵۰۲۹. ۲. غرر الحکم: ۵۰۹۵.
۳. غرر الحکم: ۴۹۹۷. ۴. بحار الأنوار: ۴/۲۸۲/۷۴.
۵. بحار الأنوار: ۳/۳۷۷/۷۸.

الْجَهَالَةِ ، فَلَا يَمُدُّ يَدَهُ إِلَّا عَلَى ثِقَةٍ لِمَنْفَعَةٍ .

كَانَ لَا يَتَشَهَّى وَلَا يَتَسَخَّطُ وَلَا يَتَبَرَّمُ ،
كَانَ أَكْثَرَ دَهْرِهِ صَمَاتًا ، فَإِذَا قَالَ بَذِّ الْقَائِلِينَ .
كَانَ لَا يَدْخُلُ فِي مِرَاءٍ ، وَلَا يُشَارِكُ فِي
دَعْوَى ، وَلَا يُذَلِّي بِحُجَّةٍ حَتَّى يَرَى قَاضِيًا .
وَكَانَ لَا يَغْفُلُ عَنْ إِخْوَانِهِ وَلَا يَخْصُصُ نَفْسَهُ
بَشَيْءٍ دُونَهُمْ . كَانَ ضَعِيفًا مُسْتَضْعَفًا ، فَإِذَا
جَاءَ الْجَدُّ كَانَ لَيْثًا عَادِيًا .

كَانَ لَا يَلُومُ أَحَدًا فِيمَا يَقَعُ الْعُذْرُ فِي
مِثْلِهِ ، حَتَّى يَرَى اعْتِذَارًا . كَانَ يَقَعُلُ مَا يَقُولُ
وَيَفْعَلُ مَا لَا يَقُولُ^۱ . كَانَ إِذَا ابْتَزَّهُ أَمْرَانِ لَا
يَدْرِي أَيُّهُمَا أَفْضَلُ نَظَرَ إِلَى أَقْرَبِهِمَا إِلَى
الْهَوَى فَخَالَفَهُ .

كَانَ لَا يَشْكُو وَجَعًا إِلَّا عِنْدَ مَنْ يَرْجُو
عِنْدَهُ الْبُرْءَ ، وَلَا يَسْتَشِيرُ إِلَّا مَنْ يَرْجُو عِنْدَهُ
النَّصِيحَةَ . كَانَ لَا يَتَبَرَّمُ وَلَا يَتَسَخَّطُ وَلَا
يَتَشَكَّى ، وَلَا يَتَشَهَّى ، وَلَا يَنْتَقِمُ وَلَا يَغْفُلُ
عَنِ الْعَدُوِّ .

فَعَلَيْكُمْ بِمِثْلِ هَذِهِ الْأَخْلَاقِ الْكَرِيمَةِ ، إِنَّ
أَطَقْتُمُوهَا ، فَإِنَّ لَمْ تُطِيقُوهَا كُلَّهَا فَأَخْذُ

به سوی چیزی دراز نمی‌کرد مگر با اطمینان به
این که فایده‌ای در بر دارد.

خواهشی نداشت، نه به خشم می‌آمد و نه
دل‌تنگ و آزرد می‌شد. بیشتر عمرش را
خموش بود، ولی چون لب به سخن می‌گشود
بر گویندگان چیره می‌شد. در هیچ مجادله و
دعوایی وارد نمی‌شد و تادر حضور قاضی نبود
دلیل نمی‌آورد. از برادران خود غافل نبود و
چیزی را به خود اختصاص نمی‌داد و آنها را از
آن محروم نمی‌کرد. ناتوان می‌نمود و دیگران
نیز او را ناتوان می‌دیدند، اما به گاه کار و
کوشش، شیر زیان بود.

هیچ کس را برای کاری که می‌توان برای آن
عذر آورد، سرزنش نمی‌کرد، تا آن که عذر را
می‌دید. به آنچه می‌گفت و نمی‌گفت عمل
می‌کرد.^۱ هر گاه دو کار برایش پیش می‌آمد که
نمی‌دانست کدام یک بهتر است، می‌نگریست
که کدام یک به خواهش نفسانی نزدیکتر است،
پس خلاف آن عمل می‌کرد. از دردی شکایت
نمی‌کرد، مگر نزد کسی که امید داشت او را
بهبود بخشد و جز با کسی که امید ارشاد و
صداقت از او داشت مشورت نمی‌کرد. دل‌تنگ و
آزرد نمی‌شد، به خشم نمی‌آمد، لب به گله و
شکایت نمی‌گشود و به هوس چیزی نمی‌افتاد،
انتقام نمی‌کشید و از دشمن غافل نبود.

پس بر شما باد چنین خویهای پسندیده‌ای؛
اگر توان آنها را دارید. و اگر تاب همه آنها را

۱. در نهج البلاغة (حکمت ۲۸۹) چنین آمده است: آنچه
می‌گفت به جا می‌آورد و آنچه نمی‌کرد نمی‌گفت - م.

۱. وفي نهج البلاغة: الحكمة: ۲۸۹، وكان يفعل ما يقول ولا
يقول ما لا يفعل.

الْقَلِيلُ خَيْرٌ مِنْ تَرْكِ الْكَثِيرِ^۱

(انظر) توضیح ابن ابی الحدید فی شرح نهج البلاغة: ۱۸۴/۱۹.

الإنسان: باب ۳۲۲.

عنوان ۴۶۶ «الكمال».

۵۲

بدترین برادران

۲۹۰. امام علی علیه السلام: بدترین برادر آن است که مایه رنج و زحمت آدمی باشد.

۲۹۱. امام علی علیه السلام: وقتی از وی پرسیده شد: بدترین همنشین کدام است؟ - فرمود: آن که معصیت خدا را در نظرت زیبا جلوه دهد.

۵۳

آزمودن برادران

۲۹۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر سه خصلت در برادر خود دیدی بدو امید ببند: حیا، امانتداری و راستی. اگر این سه را ندیدی به او امید مبیند.

۲۹۳. امام علی علیه السلام: پیش از برگرفتن برادران آنها را بیازمای؛ زیرا آزمایش، محکی است که نیکان را از بدان جدا می سازد.

۲۹۴. امام علی علیه السلام: نخست بیازمای و در گزینش برادران، خوب احتیاط کن و گر نه اضطرار و ناچاری، تو را به دوستی و همنشینی با بدان وامی دارد.

۵۲

شَرُّ الْإِخْوَانِ

۲۹۰. الإمام علي عليه السلام: شَرُّ الْإِخْوَانِ مَنْ تُكَلِّفُ لَهُ^۲.

۲۹۱. عنه عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ: أَيُّ صَاحِبٍ شَرٌّ؟ -:
الْمُزَيِّنُ لَكَ مَعْصِيَةَ اللَّهِ^۳.

۵۳

اِخْتِبَارُ الْإِخْوَانِ

۲۹۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا رَأَيْتَ مِنْ أَخِيكَ ثَلَاثَ خِصَالٍ فَارْجُهُ: الْحَيَاءُ، وَالْأَمَانَةُ، وَالصَّدْقُ. وَإِذَا لَمْ تَرَهَا فَلَا تَرْجُهُ^۴.

۲۹۳. الإمام علي عليه السلام: قَدَّمَ الْاِخْتِبَارَ فِي اتِّخَاذِ الْإِخْوَانِ؛ فَإِنَّ الْاِخْتِبَارَ مِغْيَارٌ يُفَرِّقُ بَيْنَ الْأَخْيَارِ وَالْأَشْرَارِ^۵.

۲۹۴. عنه عليه السلام: قَدَّمَ الْاِخْتِبَارَ، وَأَجَدَّ الْاِسْتِظْهَارَ فِي اخْتِيَارِ الْإِخْوَانِ، وَإِلَّا أَلْجَأَكَ الْاِضْطِرَارُ إِلَى مُقَارَنَةِ الْأَشْرَارِ^۶.

۱. الكافي: ۲/۲۳۷/۲۶. ۲. نهج البلاغة: الحکمة ۴۷۹.

۳. معاني الأخبار: ۴/۱۹۸. ۴. كنز العمال: ۲۴۷۵۵.

۵. غرر الحکم: ۶۸۱۰. ۶. غرر الحکم: ۶۸۱۱.

۲۹۵. امام علی علیه السلام: هر کس پس از آزمایش درست، برادری را انتخاب کند، رفاقتش می‌پاید و دوستی‌اش استوار می‌گردد. هر که بدون آزمایش، برادری را انتخاب کند به ناچار به همنشینی با بدان دچار خواهد شد.

۲۹۶. امام صادق علیه السلام: برادران خود را به دو خصلت بیازمایید. اگر آن دو خصلت را داشتند با آنها دوستی کنید و گرنه از ایشان دوری کن، دوری کن، دوری کن. [آن دو خصلت اینهاست]: پابندی به خواندن نماز در وقت خود، و نیکی کردن به برادران در سختی و آسایش.

۵۴

راهنمایی برادران

۲۹۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن آینه برادر مؤمن خویش است. در غیابش برای او خیرخواهی می‌کند و در حضورش، ناخوشایندی‌ها را از او دور می‌گرداند.

۲۹۸. امام علی علیه السلام: در خیرخواهی برای برادرت خالص باش، خواه خیرخواهی‌ات زیبا [و موافق میل او] باشد یا زشت و تلخ.

۲۹۹. امام علی علیه السلام: آنچه مانع شما می‌شود که عیب برادران را در پیش روی او بگویید جز این نیست که می‌ترسید او نیز عیب شما را روبه

۲۹۵. عنه علیه السلام: مَنْ اتَّخَذَ أَخًا بَعْدَ حُسْنِ الْاِخْتِبَارِ دَامَتْ صُحْبَتُهُ وَتَاكَّدَتْ مَوَدَّتُهُ. مَنْ اتَّخَذَ أَخًا مِنْ غَيْرِ اِخْتِبَارٍ اَلْجَاءُ اِلَاضْطِرَارًا اِلَى مُرَاقَقَةِ اَلْاَشْرَارِ.^۱

۲۹۶. اَلْاِمَامُ الصَّادِقُ علیه السلام: اِخْتَبِرُوا اِخْوَانَكُمْ بِخَصْلَتَيْنِ ؛ فَاِنْ كَانَتَا فِيهِمْ وَاِلَّا فَاَعْزُبْ ثُمَّ اَعْزُبْ ثُمَّ اَعْزُبْ ؛ مَحَافِظَةُ عَلَي الصَّلَاةِ فِي مَوَاقِيتِهَا ، وَالْبِرُّ بِالْاِخْوَانِ فِي الْعُشْرِ وَالْيُسْرِ.^۲

(انظر) الأخ باب ۴۷، عنوان ۴۸۲ «الامتحان».

الصدیق: باب ۲۱۸۴، ۲۱۸۵.

۵۴

ارشاد الإخوان

۲۹۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْمُؤْمِنُ مِرَآةٌ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ، يَنْصَحُهُ إِذَا غَابَ عَنْهُ، وَيُمِيطُ عَنْهُ مَا يَكْرَهُ إِذَا شَهِدَ.^۳

۲۹۸. اَلْاِمَامُ عَلِيُّ علیه السلام: اِمْحَضْ اَخَاكَ النَّصِيحَةَ، حَسَنَةً كَانَتْ اَوْ قَبِيحَةً.^۴

۲۹۹. عنه علیه السلام: مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ أَنْ يَلْقَى أَخَاهُ بِمَا يَكْرَهُ مِنْ عَيْبِهِ إِلَّا مَخَافَةٌ أَنْ يَلْقَاهُ بِمِثْلِهِ. قَدْ

۱. غرر الحکم: ۸۹۲۱، ۸۹۲۳.

۲. الکافی: ۷/۶۷۲/۲. ۳. بحار الأنوار: ۲۹/۲۳۳/۷۴.

۴. نهج البلاغة: الکتاب ۳۱.

تَصَافَيْتُمْ عَلَى حُبِّ الْعَاجِلِ وَرَفُضِ
الْآجِلِ! ۱

۳۰۰. عنه علیه السلام: مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ، وَمَنْ
وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ. ۲

۳۰۱. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ رَأَى أَخَاهُ عَلَى أَمْرٍ
يَكْرَهُهُ فَلَمْ يَرُدَّهُ عَنْهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَقَدْ
خَانَ. ۳

(انظر) عنوان ۵۳۰ «الهداية»، ۵۱۰ «النصح».

رویتان بگوید. [و این از آن روست که] شما
برای واگذاردن آخرت و دوستی دنیا، با هم
یار و رفیق گشته‌اید.

۳۰۰. امام علی علیه السلام: هر که برادر خود را پنهانی اندرز
دهد او را آراسته و هر که آشکارا پندش دهد
او را تباه کرده است.

۳۰۱. امام صادق علیه السلام: هر که در برادر خود امر
ناخوش‌ایندی بیند و بتواند او را از آن باز
دارد و چنین نکند، به او خیانت کرده است.

۵۵

احترام و بزرگداشت برادران

۳۰۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که به برادر مسلمان خود
سخنی مؤذنه و مهرآمیز بگوید و یا او را در
جای محترمانه‌ای از مجلس بنشاند، تا
زمانی که در آن کار باشد پیوسته سایه
رحمت خداوند عز و جل بر سر او گسترده
است.

۳۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده‌ای از امتم نیست که به
برادر دینی خود مهر و محبتی ورزد مگر آن
که خداوند از خدمتکاران بهشتی به خدمت
او درمی‌آورد.

۳۰۴. امام صادق علیه السلام: کسی که برادر مسلمانش بر او
وارد شود و وی گرامی‌اش بدارد، در حقیقت
خداوند عز و جل را گرامی داشته است.

۳۰۵. امام صادق علیه السلام: هر که به برادر مؤمن خود

۵۵

اکرام الإخوان وإعظامهم

۳۰۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ
بِكَلِمَةٍ يُلْطَفُ بِهَا وَمَجْلِسٍ يُكْرَمُ بِهِ لَمْ يَزَلْ
فِي ظِلِّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَقْدُوداً عَلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ
مَا كَانَ فِي ذَلِكَ. ۴

۳۰۳. عنه علیه السلام: مَا فِي أُمَّتِي عَبْدٌ أَلْطَفَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ
بِشَيْءٍ مِنْ لُطْفٍ إِلَّا أَخْدَمَهُ اللَّهُ مِنْ خَدَمِ
الْجَنَّةِ. ۵

۳۰۴. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ أَتَاهُ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ
فَأَكْرَمَهُ فَإِنَّمَا أَكْرَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. ۶

۳۰۵. عنه علیه السلام: مَنْ قَالَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ: «مَرْحَباً».

۱. غرر الحکم: ۹۶۷۵. ۲. بحار الأنوار: ۲۹/۱۶۶/۷۴.

۳. بحار الأنوار: ۲/۶۵/۷۵. ۴. بحار الأنوار: ۷۳/۳۱۶/۷۴.

۵. الکافی: ۴/۲۰۶/۲. ۶. بحار الأنوار: ۳۲/۲۹۸/۷۴.

- كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ «مَرْحَباً» إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.^۱
۳۰۶. عنه عليه السلام: إِنَّهُ مَنْ عَظَّمَ دِينَهُ عَظَّمَ إِخْوَانَهُ، وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِدِينِهِ اسْتَخَفَّ بِإِخْوَانِهِ.^۲
۳۰۷. عنه عليه السلام: لَا يُعَظِّمُ حُرْمَةَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا مَنْ عَظَّمَ اللَّهُ حُرْمَتَهُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ. وَمَنْ كَانَ أَبْلَغَ حُرْمَةَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ كَانَ أَشَدَّ حُرْمَةً لِلْمُسْلِمِينَ.^۳

(انظر) عنوان ۳۵۹ «التعظيم».

۵۶

قضاء حاجة الإخوان

۳۰۸. الإمام علي عليه السلام: لَا يَكْلُفُ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ الطَّلَبَ إِذَا عَرَفَ حَاجَتَهُ.^۴

۳۰۹. عنه عليه السلام: قَضَاءُ حُقُوقِ الْإِخْوَانِ أَشْرَفُ أَعْمَالِ الْمُتَّقِينَ.^۵

۳۱۰. الكافي عن سعيد بن الحسن: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: أَيُّجِيءُ أَحَدُكُمْ إِلَى أَخِيهِ فَيَدْخُلُ يَدُهُ فِي كَيْسِهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَدْفَعُ؟ فَقُلْتُ: مَا أَعْرِفُ ذَلِكَ فِينَا! فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: فَلَا شَيْءَ إِذَا. قُلْتُ: فَالْهَلَاكُ إِذَا! فَقَالَ: إِنَّ

۱. الكافي: ۲/۲۰۶/۲. ۲. بحار الأنوار: ۴۱/۳۰۲/۷۴.

۳. بحار الأنوار: ۲۱/۲۲۷/۷۴.

۴. بحار الأنوار: ۲۹/۱۶۶/۷۴.

۵. جامع الأخبار: ۶۵۰/۲۵۲.

«خوشامد» گوید، خداوند متعال تا روز قیامت برای او «خوشامد» می نویسد.

۳۰۶. امام صادق عليه السلام: کسی که دین خود را ارج گزارد، برادرانش را نیز ارج می نهد و هر که دین خود را خوار شمارد برادران خود را نیز خوار می نماید.

۳۰۷. امام صادق عليه السلام: حرمت مسلمانان را ارج نمی نهد مگر آن کسی که خداوند حرمتش را در میان مسلمانان زیاد کرده است، و کسی که خدا و پیامبرش را بیشتر حرمت نهد به مسلمانان، بیشتر احترام می گذارد.

۵۶

برآوردن نیاز برادران

۳۰۸. امام علی عليه السلام: هرگاه یکی از شما بداند که برادرش نیازمند است، زحمت خواهش را از دوش او بردارد [و در برآوردن آن پیشدستی کند].

۳۰۹. امام علی عليه السلام: ادای حقوق برادران، برترین اعمال پرهیزگاران است.

۳۱۰. الكافي - به نقل از سعید بن حسن: امام باقر عليه السلام فرمود: «آیا چنین هست که فردی از شما نزد برادرش بیاید و دست در جیب او کند و به اندازه‌ای که احتیاج دارد بردارد و او مانع نشود؟». عرض کردم: در میانمان چنین چیزی سراغ ندارم. امام فرمود: «پس، فایده‌ای ندارد». من گفتم: پس هلاک شدیم! حضرت فرمود: «مردم هنوز به کمال عقلی

الْقَوْمَ لَمْ يُغَطُّوا أَحْلَامَهُمْ بَعْدُ.^۱

خود نرسیده اند.

۳۱۱. الإمام الصادق علیه السلام: اللَّهُ فِي عَوْنِ الْمُؤْمِنِ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ.^۲

۳۱۱. امام صادق علیه السلام: خداوند مددکار مؤمن است تا زمانی که مؤمن مددکار برادر خود باشد.

۳۱۲. عنه علیه السلام: مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً قَضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِائَةَ أَلْفِ حَاجَةٍ.^۳

۳۱۲. امام صادق علیه السلام: هر که یک نیاز از برادر مؤمن خود را برآورده سازد، خداوند عز و جل در روز رستاخیز صد هزار نیاز او را برمی آورد.

۳۱۳. عنه علیه السلام: إِذَا ضَاقَ أَحَدُكُمْ فَلْيُعْلِمْ أَخَاهُ وَلَا يُعَيِّنْ عَلَى نَفْسِهِ.^۴

۳۱۳. امام صادق علیه السلام: هرگاه یکی از شما تنگدست و گرفتار شد، [مشکل را] به برادر خود بگویند و خویشتن را آزار ندهد.

۳۱۴. عنه علیه السلام: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَوْصَلَ إِلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ مَعْرُوفًا فَقَدْ أَوْصَلَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله.^۵

۳۱۴. امام صادق علیه السلام: هر مؤمنی که به برادر مؤمن خود خوبی کند، به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خوبی کرده است.

۳۱۵. عنه علیه السلام: كَفَى بِالْمَرْءِ اعْتِمَادًا عَلَى أَخِيهِ أَنْ يُنْزَلَ بِهِ حَاجَتُهُ.^۶

۳۱۵. امام صادق علیه السلام: در اعتماد انسان به برادرش همین بس که نیاز خود را پیش او ببرد.

۳۱۶. الإمام الكاظم علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ حَسَنَةً أَدَّخَرَهَا لثَلَاثَةٍ: لِإِمَامٍ عَادِلٍ، وَمُؤْمِنٍ حَكَمَ أَخَاهُ فِي مَالِهِ، وَمَنْ سَعَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فِي حَاجَتِهِ.^۷

۳۱۶. امام کاظم علیه السلام: همانا خداوند حسنه ای دارد، که برای سه کس اندوخته است: برای پیشوای دادگر، و مؤمنی که دست برادرش را در مال خود باز بگذارد، و کسی که برای برآوردن نیاز برادر مؤمنش بکوشد.

۳۱۷. عنه علیه السلام: مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِهِ مُسْتَجِيرًا بِهِ فِي بَعْضِ أَحْوَالِهِ فَلَمْ يُجِزَّهُ، بَعْدَ أَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ، فَقَدْ قَطَعَ وَلَايَةَ اللَّهِ.

۳۱۷. امام کاظم علیه السلام: کسی که برادرش برای رفع گرفتاری یا حاجتی به او پناه ببرد و او بتواند پناهِش دهد اما ندهد، بی گمان پیوند ولایت

۱. الکافی: ۱۳/۱۷۳/۲. ۲. بحار الأنوار: ۸۹/۳۲۲/۷۴.

۳. بحار الأنوار: ۹۰/۳۲۲/۷۴.

۴. بحار الأنوار: ۱۳/۲۸۷/۷۴.

۵. بحار الأنوار: ۳۸/۳۹۹/۷۴.

۶. الکافی: ۸/۱۹۸/۲. ۷. بحار الأنوار: ۷۰/۳۱۴/۷۴.

تَبَارَكَ وَتَعَالَى^۱.

(انظر) الحاجة: باب ۹۶۴-۹۶۷.

عنوان ۲۱۴ «السؤال (طلب الحاجة)».

عنوان ۲۳۰ «السرور».

۵۷

آداب برادری

۳۱۸. پیامبر خدا ﷺ: هرگاه یکی از شما با کسی

طرح برادری افکند از او نام، نام پدر، طایفه و محل سکونتش را بپرسد، که این کار از حقوق لازم و مایه صفا و خلوص برادری است؛ در غیر این صورت، این دوستی، دوستی ای نابخردانه است.

۳۱۹. پیامبر خدا ﷺ: سه چیز نشانه جفا است

[نخست]: آن که آدمی با کسی همراه شود و از نام و کنیه او نپرسد....

۳۲۰. پیامبر خدا ﷺ: با برادرت با گشاده رویی

برخورد کن.

۳۲۱. بحار الأنوار - به نقل از انس -: پیامبر خدا ﷺ

هرگاه یکی از برادران خود را سه روز نمی دید جوایای حالش می شد. اگر در شهر نبود برایش دعا می کرد و اگر حضور داشت به دیدنش می رفت و اگر بیمار بود عیادتش می کرد.

۳۲۲. امام صادق ؑ: از برادران خود بدگویی

نمی کند مگر حرامزاده.

۵۷

أَدَبُ الْإِخَاءِ

۳۱۸. رسول الله ﷺ: إِذَا أَخَى أَحَدُكُمْ رَجُلًا فَلْيَسْأَلْهُ

عَنْ اسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَقَبِيلَتِهِ وَمَنْزِلِهِ؛ فَإِنَّهُ مِنْ وَاجِبِ الْحَقِّ وَصَافِي الْإِخَاءِ، وَإِلَّا فَهِيَ مَوَدَّةٌ حَقْمَاءُ^۲.

۳۱۹. عنه ؑ: ثَلَاثَةٌ مِنَ الْجَفَاءِ: أَنْ يَضْحَبَ الرَّجُلُ

الرَّجُلَ فَلَا يَسْأَلُهُ عَنْ اسْمِهِ وَكُنْيَتِهِ...^۳۳۲۰. عنه ؑ: أَلْقَ أَخَاكَ بَوَجهٍ مُنْبَسِطٍ^۴.

۳۲۱. بحار الأنوار عَنْ أَنَسٍ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

إِذَا فَقَدَ الرَّجُلَ مِنْ إِخْوَانِهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ سَأَلَ عَنْهُ، فَإِنْ كَانَ غَائِبًا دَعَا لَهُ، وَإِنْ كَانَ شَاهِدًا زَارَهُ، وَإِنْ كَانَ مَرِيضًا عَادَهُ^۵.

۳۲۲. الإمام الصادق ؑ: لَا يُسِيءُ مَخْضَرُ إِخْوَانِهِ

إِلَّا مَنْ وَلَدَ عَلَى غَيْرِ فِرَاشِ أَبِيهِ^۶.

(انظر) الصديق: باب ۲۱۸۷.

۱. الکافی: ۴/۳۶۸/۲. ۲. بحار الأنوار: ۳۰/۱۶۶/۷۴.

۳. قرب الإسناد: ۵۸۳/۱۶۰. ۴. بحار الأنوار: ۳۸/۱۷۱/۷۴.

۵. بحار الأنوار: ۳۵/۲۳۳/۱۶.

۶. بحار الأنوار: ۲۵/۱۹۸/۷۲.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الأدب

ادب



مركز توثيق ودراسات اسلامی

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٦٥/٦٦ باب ٢٢ والأدب.

بحار الأنوار: ٦٦/٦٧-٣٧٦ والأدب والسنن.

بحار الأنوار: ٦٦/٦٦ جوامع آداب النبي ﷺ.

سنن أبي داود: ٢/٢٢٦ كتاب الأدب.

كنز العمال: ١٦/٣٧٧ وتربية أهل البيت ﷺ.

شرح نهج البلاغة: ١٨/١٨٧، ١٨٨.

انظر:

الشتر: باب ١٩٦٠، العقل: باب ٢٧٥١.

۵۸
الأدب

۳۲۳. رسول الله ﷺ - لَمَّا بَعَثَ مُعَاذًا إِلَى الْيَمَنِ -: يَا مُعَاذُ، عَلِمْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ، وَأَحْسِنُ أَدَبَهُمْ عَلَى الْأَخْلَاقِ الصَّالِحَةِ ۱.

۳۲۴. الإمام علي عليه السلام: الأَدَبُ كَمَالُ الرَّجُلِ ۲.

۳۲۵. عنه عليه السلام: عَقْلُ الْمَرْءِ نِظَامُهُ، وَأَدَبُهُ قِوَامُهُ، وَصِدْقُهُ إِمَامُهُ، وَشُكْرُهُ تَعَامُهُ ۳.

۳۲۶. عنه عليه السلام: يَا مُؤْمِنُ، إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ تَمَنُّ نَفْسِكَ، فَاجْتَهِدْ فِي تَعَلُّمِهِمَا، فَمَا يَزِيدُ مِنْ عِلْمِكَ وَأَدَبِكَ يَزِيدُ فِي تَمَنِّكَ وَقَدْرِكَ ۴.

۳۲۷. عنه عليه السلام: إِنَّكَ مُقَوِّمٌ بِأَدَبِكَ، فَزَيِّنْهُ بِالْحِلْمِ ۵.

۳۲۸. عنه عليه السلام: مَنْ لَمْ يَكُنْ أَفْضَلَ خِلَالِهِ أَدَبُهُ كَانَ أَهْوَنَ أَحْوَالِهِ عَطْبُهُ ۶.

۳۲۹. عنه عليه السلام: الأَدَبُ أَحْسَنُ سَجِيَّةٍ ۷.

۳۳۰. عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الشَّرَفِ الأَدَبُ ۸.

۵۸
ادب

۳۲۳. پیامبر خدا ﷺ - هنگامی که معاذ را به یمن فرستاد - فرمود: ای معاذ! کتاب خدا را به آنها بیاموز و ایشان را با اخلاق شایسته، خوب تربیت کن.

۳۲۴. امام علی علیه السلام: ادب، کمال انسان است.

۳۲۵. امام علی علیه السلام: خرد آدمی مایه سامان اوست، و ادبش مایه قوام او، و راستی اش پیشوای اوست، و سپاسگزاری اش کمال او.

۳۲۶. امام علی علیه السلام: ای مؤمن! این دانش و ادب جان بهای توست، پس در فرا گرفتن آن دو کوشا باش که هر چه بر دانش و ادبیت افزوده شود، قدر و ارزشش فزون می گیرد.

۳۲۷. امام علی علیه السلام: تو، به ادب خود، ارزش می یابی. پس، آن را با بردباری زینت بخش.

۳۲۸. امام علی علیه السلام: هر که بهترین خصلت او ادبش نباشد، کمترین حالت او تباهی است.

۳۲۹. امام علی علیه السلام: ادب، بهترین خوی است.

۳۳۰. امام علی علیه السلام: برترین شرافت، ادب است.

۱. تحف العقول: ۲۵. ۲. غرر الحکم: ۹۹۸.

۳. غرر الحکم: ۶۳۳۵. ۴. مشکاة الأنوار: ۶۸۹/۲۳۹.

۵. غرر الحکم: ۳۸۱۳. ۶. غرر الحکم: ۸۹۸۰.

۷. غرر الحکم: ۹۶۷. ۸. غرر الحکم: ۲۹۰۳.

۳۳۱. عنه علیه السلام: خَيْرُ مَا وَرَثَ الْآبَاءُ الْأَبْنَاءُ الْأَدَبُ.^۱

۳۳۲. عنه علیه السلام: حُسْنُ الْأَدَبِ خَيْرُ مُوَازِرٍ، وَأَفْضَلُ قَرِينٍ.^۲

۳۳۳. عنه علیه السلام: طَالِبُ الْأَدَبِ أَخْزَمُ مِنْ طَالِبِ الذَّهَبِ.^۳

۳۳۴. عنه علیه السلام: إِنَّ النَّاسَ إِلَى صَالِحِ الْأَدَبِ أَخْوَجُ مِنْهُمْ إِلَى الْفِضَّةِ وَالذَّهَبِ.^۴

۳۳۵. عنه علیه السلام: ثَلَاثٌ لَيْسَ عَلَيْهِنَّ مُسْتَرَادٌّ: حُسْنُ الْأَدَبِ، وَمُجَانِبَةُ الرَّئِبِ، وَالْكَفُّ عَنِ الْمَحَارِمِ.^۵

۳۳۶. عنه علیه السلام: سَبَبُ تَرْكِیَةِ الْأَخْلَاقِ حُسْنُ الْأَدَبِ.^۶

۳۳۷. عنه علیه السلام: مَنْ كَلِفَ بِالْأَدَبِ قَلَّتْ مَسَاوِيهِ.^۷

۳۳۸. عنه علیه السلام: إِذَا فَاتَكَ الْأَدَبُ فَالْزِمِ الصَّمْتَ.^۸

۳۳۹. عنه علیه السلام: بِالْأَدَبِ تُشْحَذُ الْفِطَنُ.^۹

۵۹

تَفْسِيرُ الْأَدَبِ

۳۴۰. الإمام علی علیه السلام: كَفَاكَ أَدَبًا لِنَفْسِكَ اجْتِنَابُ مَا

تَكْرَهُهُ مِنْ غَيْرِكَ.^{۱۰}

۳۳۱. امام علی علیه السلام: بهترین چیزی که پدران برای

فرزندان به میراث می گذارند، ادب است.

۳۳۲. امام علی علیه السلام: ادب نیکو، بهترین پشتیبان و

برترین همنشین است.

۳۳۳. امام علی علیه السلام: جوینده ادب، دوراندیش تر از

جوینده طلاست.

۳۳۴. امام علی علیه السلام: مردم به تربیت نیک نیازمندترند

تا به زر و سیم.

۳۳۵. امام علی علیه السلام: سه چیز است که بالاتر از آنها

وجود ندارد: تربیت نیکو، دوری از شبهه، و

خویشانداری از حرام ها.

۳۳۶. امام علی علیه السلام: تربیت نیکو، سبب تزکیه اخلاق

است.

۳۳۷. امام علی علیه السلام: هر که دلدادۀ ادب باشد بدیهایش

کاستی می گیرد.

۳۳۸. امام علی علیه السلام: هرگاه ادب را از دست دادی،

خاموشی اختیار کن.

۳۳۹. امام علی علیه السلام: تربیت، سبب تیزهوشی

می شود.

۵۹

تَفْسِيرُ ادب

۳۴۰. امام علی علیه السلام: برای تأدیب خود همین بس که

از آنچه در دیگران نمی پسندی دوری کنی.

۱. غرر الحکم: ۵۰۳۶. ۲. غرر الحکم: ۴۸۱۵.

۳. غرر الحکم: ۶۰۰۶. ۴. غرر الحکم: ۳۵۹۰.

۵. غرر الحکم: ۴۶۵۹. ۶. غرر الحکم: ۵۵۲۰.

۷. غرر الحکم: ۸۲۷۱. ۸. بحار الأنوار: ۶۳/۲۹۳/۷۱.

۹. غرر الحکم: ۴۳۳۳. ۱۰. بحار الأنوار: ۲۷/۷۳/۷۰.

۳۳۱. عنه علیه السلام : ... وَمِنْ أَدَبِهِ أَنْ لَا يَتْرَكَ مَا لَا بُدَّ لَهُ مِنْهُ.^۱

۳۳۲. عنه علیه السلام : كَفَى بِالْعَبْدِ أَدَبًا أَنْ لَا يُشْرِكَ فِي نِعَمِهِ وَأَرْبَهُ غَيْرَ رَبِّهِ.^۲

۳۳۳. بحار الأنوار: تَكَلَّمَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام بِتِسْعِ كَلِمَاتٍ ارْتَجَلَهُنَّ ارْتِجَالًا، فَقَالَ عِيُونَ الْبَلَاغَةِ وَأَيْتَمَنَ جَوَاهِرَ الْحِكْمَةِ، وَقَطَعَنَ جَمِيعَ الْأَنَامِ عَنِ اللَّحَاقِ بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ. ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الْمُنَاجَاةِ، وَثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الْحِكْمَةِ، وَثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الْأَدَبِ.

فَأَمَّا اللَّاتِي فِي الْمُنَاجَاةِ فَقَالَ: إِلَهِي، كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا، وَكَفَى بِي فَسْخَرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا، أَنْتَ كَمَا أُحِبُّ فَاجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ.

وَأَمَّا اللَّاتِي فِي الْحِكْمَةِ فَقَالَ: قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُخْسِنُهُ، وَمَا هَلَكَ امْرُؤٌ عَرَفَ قَدْرَهُ، وَالْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ.

وَاللَّاتِي فِي الْأَدَبِ فَقَالَ: ائْتَنُ عَلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَمِيرَهُ، وَاحْتِجْ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَسِيرَهُ، وَاسْتَغْنِ عَمَّنْ شِئْتَ تَكُنْ نَظِيرَهُ.^۳

۳۳۴. الإمام الصادق علیه السلام : أَدَبُنِي أَبِي علیه السلام بِثَلَاثٍ ... قَالَ لِي: يَا بُنَيَّ مَنْ يَضْحَبُ صَاحِبَ السَّوْءِ لَا يَسْلَمُ، وَمَنْ لَا يُقَيِّدُ الْفَاسِقَ لَا يَنْدَمُ، وَمَنْ

۳۳۱. امام علی علیه السلام : از ادب [آدمی] است که آنچه را از آن چارهای ندارد فرو نگذارد.

۳۳۲. امام علی علیه السلام : در ادب بنده همین بس که در ناز و نیازهایش کسی جز پروردگار خود را شریک نسازد.

۳۳۳. بحار الأنوار: امیر مؤمنان، فی البدهیه نه جمله فرمود که چشمهای بلاغت را درآوردند و گوهرهای حکمت را یک دانه کردند و دست همگان را، از دست یافتن به حتی یکی از آنها کوتاه. سه جمله از آن نه جمله درباره مناجات با خداست، سه جمله درباره حکمت و سه تای دیگر درباره ادب. اما آن جمله ها که در مناجات با خداست: الهی! مرا همین عزت و سرفرازی بس که بنده تو باشم و مرا همین افتخار بس که پروردگار من تو باشی، تو چنانی که من دوست دارم، پس مرا چنان دار که تو دوست داری.

و آن سه جمله که درباره حکمت است: ارزش هر انسان به چیزی است که نیک می داند، هر که قدر خود را شناخت تباه نشد، و آدمی زیر زبان خود پنهان است.

و آن سه جمله که درباره ادب است: هر که را خواهی ممنون خود کن تا بر او فرمانروا شوی، به هر که خواهی نیاز پیدا کن تا اسیرش باشی، از هر که خواهی بی نیازی جو تا همتای او گردی.

۳۳۴. امام صادق علیه السلام : پدرم سه ادب به من آموخت ... به من فرمود: پسر! هر که با دوست بد همنشینی کند سالم نمی ماند، و هر که گفتار

۱. بحار الأنوار: ۶۶/۸۰/۷۸ ۲. بحار الأنوار: ۱۲/۹۴/۹۴.

۳. بحار الأنوار: ۲۳/۴۰۰/۷۷.

يَدْخُلُ مَدَاخِلَ الشُّوْرِ يَتَّهِمُ^۱.
 ۳۳۵. الكافي: عنه عليه السلام: إِنَّ خَيْرَ مَا وَرَثَ الْآبَاءُ
 لِأَبْنَائِهِمُ الْأَدَبُ لَا الْمَالُ، فَإِنَّ الْمَالَ يَذْهَبُ
 وَالْأَدَبُ يَبْقَى.
 قَالَ مَسْعَدَةُ - رَاوِي الْحَدِيثِ -: يَعْنِي
 بِالْأَدَبِ الْعِلْمَ^۲.

۶۰

أَفْضَلُ الْأَدَبِ

۳۳۶. الإمام علي عليه السلام: أَفْضَلُ الْأَدَبِ أَنْ يَقِفَ الْإِنْسَانُ
 عِنْدَ حَدِّهِ وَلَا يَتَعَدَّى قَدْرَهُ^۳.
 ۳۳۷. عنه عليه السلام: أَحْسَنُ الْأَدَابِ مَا كَفَّكَ عَنِ
 الْمَحَارِمِ^۴.
 ۳۳۸. عنه عليه السلام: تَحَرَّى الصَّدْقَ، وَتَجَنَّبْ الْكَذِبَ
 أَجْمَلَ شِيمَةٍ وَأَفْضَلَ أَدَبٍ^۵.
 ۳۳۹. عنه عليه السلام: ضَبْطُ النَّفْسِ عِنْدَ الرَّغْبِ وَالرَّهْبِ مِنْ
 أَفْضَلِ الْأَدَبِ^۶.

۶۱

الْأَدَبُ حَسَبَ

۳۵۰. الإمام علي عليه السلام: الْأَدَبُ أَحَدُ الْحَسْبَيْنِ^۷.

خود را مهار نکند پشیمان می گردد، و هر که
 به جاهای بد در آید آماج تهمت و بدگمانی
 می شود.

۳۳۵. الكافي: امام صادق عليه السلام فرمود: بهترین میراثی
 که پدران برای فرزندان می گذارند ادب
 است، نه ثروت؛ زیرا که ثروت می رود و
 ادب می ماند.

مسعده (راوی حدیث) می گوید:
 مقصود حضرت از ادب، دانش است.

۶۰

بِرْتَرِينِ ادب

۳۳۶. امام علی عليه السلام: بِرْتَرِينِ ادبِ أَنْ اسْتَكْفَرَ الْإِنْسَانُ
 عِنْدَ حَدِّهِ وَلَا يَتَعَدَّى قَدْرَهُ^۳.
 ۳۳۷. عنه عليه السلام: أَحْسَنُ الْأَدَابِ مَا كَفَّكَ عَنِ
 الْمَحَارِمِ^۴.
 ۳۳۸. عنه عليه السلام: تَحَرَّى الصَّدْقَ، وَتَجَنَّبْ الْكَذِبَ
 أَجْمَلَ شِيمَةٍ وَأَفْضَلَ أَدَبٍ^۵.
 ۳۳۹. عنه عليه السلام: ضَبْطُ النَّفْسِ عِنْدَ الرَّغْبِ وَالرَّهْبِ مِنْ
 أَفْضَلِ الْأَدَبِ^۶.

۳۳۶. امام علی عليه السلام: برترین ادب آن است که انسان
 در حد خود بماند و از اندازه خویش تجاوز
 نکند.

۳۳۷. امام علی عليه السلام: نیکوترین ادب آن است که تو را
 از حرام ها باز دارد.

۳۳۸. امام علی عليه السلام: برگزیدن راستی و دوری از
 دروغ، زیباترین خوی و برترین ادب است.

۳۳۹. امام علی عليه السلام: خویشتنداری در بیم و امید، از
 برترین ادبهاست.

۶۱

ادب، شرافت است

۳۵۰. امام علی عليه السلام: ادب یکی از دو شرافت است.

۱. تحف العقول: ۳۷۶. ۲. الكافي: ۱۳۲/۱۵۰/۸.
 ۳. غرر الحكم: ۳۲۴۱. ۴. غرر الحكم: ۳۲۹۸.
 ۵. غرر الحكم: ۲۴۸۸. ۶. غرر الحكم: ۵۹۳۲.
 ۷. غرر الحكم: ۱۶۲۱.

۳۵۱. عنه علیه السلام: أَشْرَفُ حَسَبٍ حُسْنُ أَدَبٍ ۱.
۳۵۲. عنه علیه السلام: أَكْرَمُ حَسَبٍ حُسْنُ الْأَدَبِ ۲.
۳۵۳. عنه علیه السلام: حُسْنُ الْأَدَبِ أَفْضَلُ نَسَبٍ وَأَشْرَفُ سَبَبٍ ۳.
۳۵۴. عنه علیه السلام: طَلَبُ الْأَدَبِ جَمَالُ الْحَسَبِ ۴.
۳۵۵. عنه علیه السلام: عَلَيْكَ بِالْأَدَبِ فَإِنَّهُ زَيْنُ الْحَسَبِ ۵.
۳۵۶. عنه علیه السلام: قَلِيلُ الْأَدَبِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ النَّسَبِ ۶.
۳۵۷. عنه علیه السلام: حُسْنُ الْأَدَبِ يَنْتُوبُ عَنِ الْحَسَبِ ۷.
۳۵۸. عنه علیه السلام: لَا حَسَبَ أَنْفَعُ مِنَ الْأَدَبِ ۸.
۳۵۹. عنه علیه السلام: لَا حَسَبَ أْبْلَغُ مِنَ الْأَدَبِ ۹.
۳۶۰. عنه علیه السلام: كُلُّ الْحَسَبِ مُسْتَنَاهٍ، إِلَّا الْعَقْلُ وَالْأَدَبُ ۱۰.
۳۶۱. عنه علیه السلام: حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتَرْقُبُ نَسَبِ ۱۱.
۳۶۲. عنه علیه السلام: فَسَدَ حَسَبٌ مَنْ لَيْسَ لَهُ أَدَبٌ ۱۲.
۳۵۱. امام علی علیه السلام: بهترین شرافت، ادب نیکوست.
۳۵۲. امام علی علیه السلام: ارجمندترین شرافت، ادب نیکوست.
۳۵۳. امام علی علیه السلام: ادب نیکو، برترین تبار و والاترین خویشاوندی است.
۳۵۴. امام علی علیه السلام: آموختن ادب، [مایه] آراستگی شرافت است.
۳۵۵. امام علی علیه السلام: ادب پیاموز که زیور شرافت است.
۳۵۶. امام علی علیه السلام: اندکی ادب، بهتر است از تبار بسیار.
۳۵۷. امام علی علیه السلام: ادب نیکو، جایگزین شرافت می شود.
۳۵۸. امام علی علیه السلام: شرافتی سودمندتر از ادب نیست.
۳۵۹. امام علی علیه السلام: شرافتی فراتر از ادب نیست.
۳۶۰. امام علی علیه السلام: تمام شرافت‌ها (افتخارات خانوادگی) پایان می پذیرد و فقط عقل و ادب می ماند.
۳۶۱. امام علی علیه السلام: حُسنِ ادب، قُبْحِ نسب را می پوشاند.
۳۶۲. امام علی علیه السلام: کسی که ادب ندارد، شرافت خانوادگی اش تباه است.

۶۲

حَلَّةُ الْأَدَبِ

۳۶۳. الإمامُ عليٌّ علیه السلام: الْأَدَبُ حُلٌّ جَدُّ ۱۳.

جامهٔ ادب

۳۶۳. امام علی علیه السلام: ادب، جامه‌هایی نو است.

۱. غرر الحکم: ۲۹۴۹. ۲. غرر الحکم: ۳۳۱۹.
۳. غرر الحکم: ۴۸۵۳. ۴. غرر الحکم: ۶۰۰۷.
۵. غرر الحکم: ۶۰۹۶. ۶. غرر الحکم: ۶۷۳۴.
۷. بحار الأنوار: ۸/۶۸/۷۵. ۸. بحار الأنوار: ۷۸/۴۲۸/۷۱.
۹. بحار الأنوار: ۳/۶۷/۷۵. ۱۰. غرر الحکم: ۶۹۱۲.
۱۱. غرر الحکم: ۴۸۱۳. ۱۲. تحف العقول: ۹۶.
۱۳. بحار الأنوار: ۱۳/۳۹/۷۸.

۳۶۲. عنه علیه السلام : الْعِلْمُ وَرِثَةُ كَرِيمَةٍ ، وَالْآدَابُ حُلُلٌ مُجَدَّدَةٌ^۱.

۳۶۲. امام علی علیه السلام : دانش، میراثی ارجمند است و آداب، جامه‌هایی نو.

۳۶۵. عنه علیه السلام : زِينَتُكُمْ الْآدَبُ^۲.

۳۶۵. امام علی علیه السلام : زیور شما ادب است.

۳۶۶. عنه علیه السلام : مَنْ اسْتَهْتَرَ بِالْآدَبِ فَقَدْ زَانَ نَفْسَهُ^۳.

۳۶۶. امام علی علیه السلام : هر که شیفته ادب شد، خود را آراست.

۳۶۷. عنه علیه السلام : لَا حُلَلَ كَالْآدَابِ^۴.

۳۶۷. امام علی علیه السلام : [برای آدمی] هیچ جامه‌ای زیبنده‌تر از ادب نیست.

۳۶۸. عنه علیه السلام : لَا زِينَةَ كَالْآدَابِ^۵.

۳۶۸. امام علی علیه السلام : [برای آدمی] هیچ زیوری زیبنده‌تر از ادب نیست.

۶۳

سوءُ الأدبِ

۳۶۹. الإمامُ عَلِيُّ علیه السلام : لَا شَرَفَ مَعَ سُوءِ آدَبٍ^۶.

۶۳

سوء ادب



۳۷۰. عنه علیه السلام : مَنْ قَلَّ آدَبُهُ كَثُرَتْ مَسَاوِيهِ^۷.

۳۶۹. امام علی علیه السلام : بابی ادبی، شرافتی در کار نیست.

۳۷۰. امام علی علیه السلام : کسی که ادبش کم باشد، بدیهایش بسیار می‌شود.

۳۷۱. عنه علیه السلام : مَنْ وَضَعَهُ دَنَاءَةٌ آدَبِهِ لَمْ يَرْفَعُهُ شَرَفُهُ حَسْبِهِ^۸.

۳۷۱. امام علی علیه السلام : هر آن کس که پستی ادبش او را پست گرداند شرافت تبارش او را بلندی نمی‌بخشد.

۳۷۲. عنه علیه السلام : بِئْسَ النَّسَبُ سُوءُ الْآدَبِ^۹.

۳۷۲. امام علی علیه السلام : بد تباری است، سوء ادب.

۳۷۳. عنه علیه السلام : لَا آدَبَ لِسَيِّئِ النَّطْقِ^{۱۰}.

۳۷۳. امام علی علیه السلام : آدم بد زبان، ادب ندارد.

۳۷۴. عنه علیه السلام : النَّفْسُ مَجْبُولَةٌ عَلَى سُوءِ الْآدَبِ ، وَالْعَبْدُ مَأْمُورٌ بِمُلَازِمَةِ حُسْنِ الْآدَبِ ، وَالنَّفْسُ تَجْرِي بِطَبْعِهَا فِي مَيْدَانِ الْمُخَالَفَةِ ،

۳۷۴. امام علی علیه السلام : نفس آدمی بر سوء ادب سرشته شده است و بنده فرمان دارد که به ادب نیکو پایبند باشد، نفس در میدان مخالفت به

۱. بحار الأنوار: ۱۲۰/۴۰۹/۶۹.

۲. نهج السعادة: ۵۰/۲. ۳. غرر الحکم: ۸۲۷۸.

۴. غرر الحکم: ۱۰۴۹۱. ۵. غرر الحکم: ۱۰۴۶۶.

۶. غرر الحکم: ۱۰۵۳۰. ۷. غرر الحکم: ۸۰۸۹.

۸. غرر الحکم: ۸۱۴۲. ۹. غرر الحکم: ۴۴۱۱.

۱۰. غرر الحکم: ۱۰۵۹۶.

وَالْعَبْدُ يَجْهَدُ بِرَدِّهَا عَنْ سُوءِ الْمُطَالَبَةِ ،
فَمَتَى أَطْلَقَ عِنَانَهَا فَهُوَ شَرِيكٌ فِي فُسَادِهَا ،
وَمَنْ أَعَانَ نَفْسَهُ فِي هَوَى نَفْسِهِ فَقَدْ أَشْرَكَ
نَفْسَهُ فِي قَتْلِ نَفْسِهِ .^۱

(انظر الشر: باب ۱۹۶۰ .)

۶۳

الْأَدَبُ وَالْعَقْلُ

۳۷۵ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ .^۲

۳۷۶ . الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ : نِعَمَ قَرِينُ الْعَقْلِ الْأَدَبُ .^۳

۳۷۷ . عَنْهُ ﷺ : إِنْ يَذْوِي الْعُقُولِ مِنَ الْحَاجَةِ إِلَى

الْأَدَبِ كَمَا يَظْمَأُ الزَّرْعُ إِلَى الْمَطَرِ .^۴

۳۷۸ . عَنْهُ ﷺ : صَلَاحُ الْعَقْلِ الْأَدَبُ .^۵

۳۷۹ . عَنْهُ ﷺ : كُلُّ شَيْءٍ يَحْتَاجُ إِلَى الْعَقْلِ ، وَالْعَقْلُ

يَحْتَاجُ إِلَى الْأَدَبِ .^۶

۳۸۰ . عَنْهُ ﷺ : لَنْ يَنْجَعَ الْأَدَبُ حَتَّى يُقَارِنَهُ الْعَقْلُ .^۷

۳۸۱ . عَنْهُ ﷺ : الْآدَابُ تَلْقِيحُ الْأَقْسَامِ وَنَتَائِجُ

الْأَذْهَانِ .^۸

۳۸۲ . عَنْهُ ﷺ : الْأَدَبُ صُورَةُ الْعَقْلِ .^۹

۱ . مشکاة الأنوار : ۱۴۴۸/۴۳۳ .

۲ . بحار الأنوار : ۴۱/۱۳۱/۷۷ .

۳ . غرر الحکم : ۹۸۹۴ . ۴ . غرر الحکم : ۳۴۷۵ .

۵ . غرر الحکم : ۵۷۹۹ . ۶ . غرر الحکم : ۶۹۱۱ .

۷ . غرر الحکم : ۷۴۱۲ . ۸ . بحار الأنوار : ۸۱/۶۸/۷۵ .

۹ . غرر الحکم : ۹۹۶ .

دلخواه خود می تازد و بنده می کوشد آن را از
خواسته ناروایش باز دارد؛ پس، هرگاه عنان
نفس را رها سازد، شریک تبهکاری اوست
و اگر نفس خود را در خواهشهای یاری
رساند، در قتل خود همدست نفس شده
است.

۶۳

ادب و خرد

۳۷۵ . پیامبر خدا ﷺ : ادب نیکو، زیور خرد است.

۳۷۶ . امام علی ﷺ : ادب، چه خوب همدمی برای

خرد است.

۳۷۷ . امام علی ﷺ : صاحبان خرد به ادب نیازمندند،

همچنان که کشت، تشنه باران است .

۳۷۸ . امام علی ﷺ : ادب، سامان دهنده خرد است.

۳۷۹ . امام علی ﷺ : هر چیزی نیازمند خرد است و

خرد نیازمند ادب.

۳۸۰ . امام علی ﷺ : ادب، هرگز سودمند نباشد مگر

آن که خرد قرین آن گردد.

۳۸۱ . امام علی ﷺ : آداب، بارور کننده فهمها و

زاینده ذهنهاست.

۳۸۲ . امام علی ﷺ : ادب، سیمای خرد است.

۳۸۳. عنه علیه السلام: الأدبُ في الإنسان كشجرة أصلها العقل^۱.

۳۸۴. عنه علیه السلام: الدين والأدب نتيجة العقل^۲.

۳۸۵. عنه علیه السلام: أفضل العقل الأدب^۳.

۳۸۶. عنه علیه السلام: من زاد أدبه على عقله كان كالراعي بين غنم كثيرة^۴.

۳۸۷. الإمام الحسن علیه السلام: لا أدب لمن لا عقل له^۵.

۳۸۸. الإمام زين العابدين علیه السلام: آداب العلماء زيادة في العقل^۶.

۳۸۳. امام علی علیه السلام: ریشه درخت ادب در انسان، خرد است.

۳۸۴. امام علی علیه السلام: دین و ادب زاییده خرد هستند.

۳۸۵. امام علی علیه السلام: برترین خرد، ادب است.

۳۸۶. امام علی علیه السلام: هر که ادبش بر خردش افزون باشد، همچون شبانی است در میان گوسفندان بسیار.

۳۸۷. امام حسن علیه السلام: آن را که خرد نیست، ادب نیست.

۳۸۸. امام زین العابدین علیه السلام: آداب دانشمندان، افزون کننده خرد است.

۶۵

تأديب [و تربیت] نفس

۳۸۹. امام علی علیه السلام: به تأديب و تربیت نفسهای خود پردازید و آنها را از شیفتگی به عاداتشان باز دارید.

۳۹۰. امام علی علیه السلام: قلبت را با ادب فروزان کن همچنان که آتش با هیمة برافروخته می شود و همچون گردآورنده هیزم در تاریکی شب^۱ و کف و خاشاک سیلاب مباش.

۳۹۱. امام علی علیه السلام: کسی که مربی خویش است، بیشتر از مربی مردم در خور بزرگداشت است.

۶۵

تأديب النفس

۳۸۹. الإمام علي عليه السلام: تولوا من أنفسكم تأديبها، واعدلوا بها عن ضراوة عاداتها^۲.

۳۹۰. عنه عليه السلام: ذلك قلبك بالأدب كما تذكى النار بالحطب، ولا تكن كحاطب الليل وغشاء السيل^۳.

۳۹۱. عنه عليه السلام: معلم نفسه ومؤدبها أحق بالإجلال من معلم الناس ومؤدبهم^۴.

۱. غرر الحكم: ۲۰۰۴. ۲. غرر الحكم: ۱۶۹۳.

۳. غرر الحكم: ۲۹۴۷. ۴. غرر الحكم: ۸۸۸۶.

۵. بحار الأنوار: ۶/۱۱۱/۷۸. ۶. بحار الأنوار: ۳۵/۱۴۱/۷۸.

۷. غرر الحكم: ۲۵۲۲. ۸. تحف العقول: ۸۰.

۹. بحار الأنوار: ۳۳/۵۶/۲.

۱. حاطب الليل: مثلی است درباره کسی که هر رطب و یابی را به هم می یافد و خوب و بد را از هم جدا نمی سازد و هر چیزی را به زبان می آورد، پرگو و یاوه سرا.

۳۹۲. عنه علیه السلام : أَفْضَلُ الْأَدَبِ مَا بَدَأَتْ بِهِ نَفْسُكَ ¹.

۳۹۲. امام علی علیه السلام : بهترین ادب آن است که از خود آغاز کنی.

۶۶

ما یورث الأدب

۳۹۳. الإمام علی علیه السلام : جَالِسِ الْعُلَمَاءَ يَزِدُّكَ عِلْمُكَ وَيُحَسِّنُ أَدَبُكَ وَتَرْكُ نَفْسِكَ ².

۳۹۳. امام علی علیه السلام : با دانشمندان همنشینی کن تا بر دانشت افزوده، ادبت نیکو و جانبت پاکیزه گردد.

۳۹۴. عنه علیه السلام : إِذَا زَادَ عِلْمُ الرَّجُلِ زَادَ أَدَبُهُ، وَتَضَاعَفَتْ خَشْيَتُهُ لِرَبِّهِ ³.

۳۹۴. امام علی علیه السلام : چون دانش آدمی فزونی گیرد، ادبش افزون می شود و ترسش از پروردگارش دو چندان می گردد.

۳۹۵. عنه علیه السلام : إِذَا رَأَيْتَ فِي غَيْرِكَ خُلُقًا ذَمِيمًا فَتَجَنَّبْ مِنْ نَفْسِكَ أَمْثَالَهُ ⁴.

۳۹۵. امام علی علیه السلام : هرگاه خوی ناپسندی را در کسی دیدی، امثال آن را از خودت دور کن.

۳۹۶. عنه علیه السلام : لَيْسَ شَيْءٌ أَحْمَدَ عَاقِبَةً وَلَا أَلْذَمَّ مَغَبَّةً وَلَا أَدْفَعَ لِسُوءِ أَدَبٍ وَلَا أَعْوَنَ عَلَى ذَرْكِ مَطْلَبٍ مِنَ الصَّبْرِ ⁵.

۳۹۶. امام علی علیه السلام : هیچ چیزی به مانند صبر و شکیبایی، فرجامی نیک و پایانی دلپذیر ندارد و بی ادبی را دفع نمی کند و در رسیدن به مقصود یاری نمی رساند.

۳۹۷. عنه علیه السلام : لَا يُسْتَعَانُ عَلَى الدَّهْرِ إِلَّا بِالْعَقْلِ، وَلَا عَلَى الْأَدَبِ إِلَّا بِالْبَحْثِ ⁶.

۳۹۷. امام علی علیه السلام : در برابر [مشکلات] روزگار تنها باید از خرد کمک گرفت، و برای دستیابی به ادب^۱ از پژوهش.

۳۹۸. الإمام زين العابدين علیه السلام : اللَّهُمَّ... اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَمَسَّكُوا بِعُرْوَةِ الْعِلْمِ وَأَدَّبُوا أَنْفُسَهُمْ بِالْفَهْمِ ⁸.

۳۹۸. امام زین العابدین علیه السلام : بار خدایا! ... ما را از کسانی قرار ده که به حلقه دانش چنگ آویختند و جانهایشان را با فهم، ادب کردند.

۳۹۹. الإمام الرضا علیه السلام : الْعَقْلُ حِبَاءٌ مِنَ اللَّهِ وَالْأَدَبُ

۳۹۹. امام رضا علیه السلام : خرد، هدیه ای الهی است اما

۱. غرر الحکم: ۳۱۱۵. ۲. غرر الحکم: ۴۷۸۶.

۳. غرر الحکم: ۴۱۷۴. ۴. غرر الحکم: ۴۰۹۸.

۵. غرر الحکم: ۷۵۰۸.

۶. الظاهر أن المراد من الأدب هنا هو العلم.

۷. بحار الأنوار: ۵۹/۷/۷۸. ۸. بحار الأنوار: ۱۹/۱۲۷/۹۴.

۱. ظاهراً مراد از ادب در اینجا دانش است.

كُلَّفَهُ ، فَمَنْ تَكَلَّفَ الْأَدَبَ قَدَرَ عَلَيْهِ ، وَمَنْ
تَكَلَّفَ الْعَقْلَ لَمْ يَزِدْ بِذَلِكَ إِلَّا جَهْلًا^۱.

۳۰۰. تنبيه الخواطر - لَمَّا قِيلَ لِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ
أَدَبَكَ ؟ - : مَا أَدَّبَنِي أَحَدٌ ، رَأَيْتُ قُبْحَ الْجَهْلِ
فَجَانَبْتُهُ^۲.

۳۰۱. لقمان عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ عَنِى بِالْأَدَبِ اهْتَمَّ بِهِ ، وَمَنْ اهْتَمَّ
بِهِ تَكَلَّفَ عِلْمَهُ ، وَمَنْ تَكَلَّفَ عِلْمَهُ اشْتَدَّ لَهُ
طَلِبُهُ ، وَمَنْ اشْتَدَّ لَهُ طَلِبُهُ أَدْرَكَ مِنْفَعَتَهُ ؛
فَاتَّخَذَهُ عَادَةً ، فَإِنَّكَ تَخْلُفُ فِي سَلَفِكَ
وَتَنْفَعُ بِهِ مَنْ خَلْفَكَ^۳.

(انظر التجربة : باب ۵۰۳).

۶۷

الْحَثُّ عَلَى تَأْدِيبِ الْأَهْلِ وَالْوَلَدِ

۳۰۲. الإمام علي عليه السلام - للحسن عليه السلام - : إِنَّمَا قَلْبُ
الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ
شَيْءٍ قَبِلَتْهُ ، فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ
قَلْبُكَ وَيَشْتَغِلَ لُبُّكَ^۴.

۳۰۳. الإمام الصادق عليه السلام : لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ : ﴿يَا
أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾^۵
قَالَ النَّاسُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ! كَيْفَ نَقِي أَنْفُسَنَا

ادب با کوشش به دست می آید؛ پس، کسی
که برای کسب ادب بکوشد آن را فراچنگ
می آورد و آن که برای کسب خرد زحمت
کشد، جز بر نادانی خود نمی افزاید.

۳۰۰. تنبيه الخواطر - به عیسی بن مریم علیه السلام عرض
شد: چه کسی تو را ادب آموخت؟ - فرمود:
هیچ کس ادبم نیاموخت، بلکه زشتی نادانی
را دیدم و از آن دوری گزیدم.

۳۰۱. لقمان علیه السلام: هر که خواهان ادب باشد بدان
اهتمام می ورزد و هر که بدان اهتمام ورزد
در شناخت آن رنج می برد و هر که برای
دانستن آن زحمت کشد، سخت جویای آن
می شود و هر که سخت جویا شود سودش
را درمی یابد، پس، ادب را عادت خود
گردان؛ زیرا تو جانشین کسانی هستی که
پیش از تو به این آداب آراسته بوده اند و [یا
داشتن آنها] سود آن را به آیندگان نیز
می رسانی.

۶۷

تشویق به ادب آموزی خانواده و فرزندان

۳۰۲. امام علی علیه السلام - به امام حسن علیه السلام - فرمود: دل
نوجوان همچون زمین خالی است که هر
چه در آن افکنده شود می پذیرد؛ از این رو،
من پیش از آن که دلت سخت و فکرت
مشغول شود به تأدیب و تربیت تو پرداختم.
۳۰۳. امام صادق علیه السلام: چون آیه «ای کسانی که ایمان
آورده اید! خود و خانواده خود را از آتش
نگه دارید» نازل شد، مردم گفتند: یا رسول
الله! چگونه خود و خانواده مان را حفظ

۱. بحار الأنوار: ۴۳/۳۴۲/۷۸.

۲. تنبيه الخواطر: ۹۶/۱. ۳. بحار الأنوار: ۲/۴۱۱/۱۳.

۴. نهج البلاغة: الكتاب ۳۱. ۵. التحريم: ۶.

وَأَهْلِينَا؟ قَالَ: اَعْمَلُوا الْخَيْرَ وَذَكِّرُوا بِهِ أَهْلِيكُمْ فَأَدَّبُوهُمْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ.^۱

۲۰۲. رسول الله ﷺ: أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ.^۲

۲۰۵. عنه ﷺ: مَنْ كَانَتْ لَهُ ابْنَةٌ فَأَدَّبَهَا وَأَحْسَنَ آدِبَهَا، وَعَلَّمَهَا فَأَحْسَنَ تَعْلِيمَهَا؛ فَأَوْسَعَ عَلَيْهَا مِنْ نِعَمِ اللَّهِ الَّتِي أُسْبِغَ عَلَيْهِ، كَانَتْ لَهُ مَنَعَةٌ وَسِتْرٌ مِنَ النَّارِ.^۳

۲۰۶. الإمام عليّ عليه السلام: عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيَكُمْ الْخَيْرَ وَأَدَّبُوهُمْ.^۴

۲۰۷. الإمام الصادق عليه السلام: لَا يَزَالُ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ يُورِثُ أَهْلَ بَيْتِهِ الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ الصَّالِحَ حَتَّى يُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ جَمِيعاً، حَتَّى لَا يَفْقِدَ مِنْهُمْ صَغِيراً وَلَا كَبِيراً وَلَا خَادِماً وَلَا جَاراً. وَلَا يَزَالُ الْعَبْدُ الْعَاصِي يُورِثُ أَهْلَ بَيْتِهِ الْأَدَبَ السَّيِّئَ حَتَّى يُدْخِلَهُمُ النَّارَ جَمِيعاً، حَتَّى لَا يَفْقِدَ فِيهَا مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ صَغِيراً وَلَا كَبِيراً وَلَا خَادِماً وَلَا جَاراً.^۵

۲۰۸. الإمام الرضا عليه السلام: مَرِ الصَّبِيِّ فَلْيَصِدِّقْ بِيَدِهِ

۱. دعائم الإسلام: ۸۲/۱. ۲. بحار الأنوار: ۴۴/۹۵/۱۰۴.

۳. كنز العمال: ۴۵۳۹۱.

۴. كنز العمال: ۴۶۷۶، انظر الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر:

باب ۲۶۴۴.

۵. دعائم الإسلام: ۸۲/۱.

کنیم؟ فرمود: عمل خیر انجام دهید و آن را به خانواده خود نیز یادآوری کنید و بر پایه فرمانبرداری از خدا پرورششان دهید.

۲۰۲. پیامبر خدا ﷺ: به فرزندان خود احترام گذارید و آنان را آداب نیکو بیاموزید تا آمرزیده شوید.

۲۰۵. پیامبر خدا ﷺ: هر که دختری داشته باشد و خوب تربیتش کند و او را به خوبی دانش بیاموزد و از نعمتهایی که خداوند به او عطا کرده به وفور بهره‌مندش سازد، آن دختر، سپر و پوشش پدر در برابر آتش دوزخ خواهد بود.

۲۰۶. امام علی علیه السلام: به خود و خانواده خود خوبی را تعلیم دهید و آنان را ادب آموزید.

۲۰۷. امام صادق علیه السلام: بنده مؤمن هماره برای خانواده خود دانش و تربیت نیکو به ارث می‌نهد، تا همه آنها را وارد بهشت کند به طوری که کوچک و بزرگ و خدمتکار و همسایه را در بهشت می‌یابد. و بنده گناهکار پیوسته برای خانواده خود بد ادبی را به ارث می‌نهد، چندان که همه آنها را وارد دوزخ می‌کند به طوری که کوچک و بزرگ از خانواده‌اش و خدمتکار و همسایه را در آن جا می‌بیند.

۲۰۸. امام رضا علیه السلام: به کودک دستور ده که با دست

بِالْكَسْرِ وَالْقَبْضَةِ وَالشَّيْءِ وَإِنْ قُلَّ، فَإِنْ كُلَّ شَيْءٍ يُرَادُ بِهِ اللَّهُ - وَإِنْ قُلَّ - بَعْدَ أَنْ تَصَدَّقَ النِّيَّةُ فِيهِ عَظِيمٌ.^۱

۳۰۹. لُقْمَانُ ﷺ - لِابْنِهِ -: يَا بُنَيَّ، إِنْ تَادَبْتَ صَغِيرًا انْتَفَعْتَ بِهِ كَبِيرًا.^۲

(انظر) الوالد والولد: باب ۴۱۴۸، ۴۱۴۹.

عنوان ۲۹۵ «الصر».

خودش صدقه بدهد، اگر چه به اندازه تکه نانی یا یک مشت چیز اندک باشد؛ زیرا هر چیزی که در راه خدا داده می شود، هر چند کم، اگر با نیت پاک باشد زیاد است.

۳۰۹. لقمان ﷺ - به فرزندش - فرمود: پسر من! اگر در کودکی ادب آموزی، در بزرگی از آن بهره مند می شوی.

۶۸

چگونگی تأدیب

۳۱۰. پیامبر خدا ﷺ: فرزندان خود را در هفت سالگی نماز بیاموزید، و چون ده ساله شدند آنها را بر ترک نماز تنبیه کنید، و بسترهایشان را از هم جدا سازید.

۳۱۱. پیامبر خدا ﷺ: کودکان خردسال خود را [نخست] با گفتار، نماز و طهارت بیاموز و چون ده ساله شدند [و اطاعت نکردند] آنها را تنبیه کن ولی نه بیش از سه ضربه.

۳۱۲. پیامبر خدا ﷺ: فرزند، هفت سال آقااست، هفت سال بنده و هفت سال وزیر. اگر تا ۲۱ سالگی اخلاق و رفتار را پسندیدی [که خوب] و گرنه به حال خود رهاش کن که تو در پیشگاه خداوند متعال معذوری.

۳۱۳. امام باقر ﷺ یا امام صادق ﷺ: هر گاه بچه

۶۸

کيفية التأديب

۳۱۰. رسول الله ﷺ: عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ الصَّلَاةَ إِذَا بَلَغُوا سَبْعًا، وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا إِذَا بَلَغُوا عَشْرًا، وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ.^۳

۳۱۱. عنه ﷺ: أَدَّبْ صِغَارَ أَهْلِ بَيْتِكَ بِلِسَانِكَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالطَّهَوْرِ، فَإِذَا بَلَغُوا عَشَرَ سِنِينَ فَاضْرِبْ وَلَا تُجَاوِزْ ثَلَاثًا.^۴

۳۱۲. عنه ﷺ: الْوَلَدُ سَيِّدُ سَبْعِ سِنِينَ، وَعَبْدُ سَبْعِ سِنِينَ، وَوَزِيرُ سَبْعِ سِنِينَ، فَإِنْ رَضِيتَ أَخْلَاقَهُ لِأَحَدِي وَعَشْرِينَ، وَإِلَّا فَاضْرِبْ عَلَى جَنْبِهِ، فَقَدْ أَعْذَرْتَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى.^۵

۳۱۳. الإمام الباقر أو الإمام الصادق ﷺ: إِذَا بَلَغَ

۱. الکافی: ۱۰/۴/۴. ۲. بحار الأنوار: ۲/۴۱۱/۱۳.

۳. کنز العمال: ۴۵۳۳۰. ۴. تنبيه الخواطر: ۱۵۵/۲.

۵. مکارم الأخلاق: ۱۶۴۹/۲۷۸/۱.

وارد سه سالگی شد، هفت بار به او بگو: «بگو: لا إله إلا الله». سپس او را به حال خودش واگذار تا سه سال و هفت ماه و بیست روزش تمام شود.

۳۱۴. امام صادق علیه السلام: فرزندت را تا هفت سالگی بگذار بازی کند، بعد از آن، هفت سال او را ادب [و دانش] آموز و هفت سال او را همراه خود کن؛ اگر درست شد که شده، و گر نه خیری در او نیست.

۳۱۵. امام صادق علیه السلام: پسر بچه را باید از پانزده شانزده سالگی بر روزه گرفتن تأدیب کرد.

۳۱۶. امام صادق علیه السلام: فرزند خود را تا شش سالگی (انظر الحدود: باب ۷۵۷).

آزاد بگذار، سپس شش سال او را سواد و ادب آموز. بعد از آن، هفت سال او را با خود داشته باش و آداب خودت را به او بیاموز. اگر تربیت پذیر بود و اصلاح شد که شده، و گر نه او را به حال خودش واگذار.

۶۹

آنچه در تربیت باید رعایت شود

۳۱۷. بحار الأنوار: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از تأدیب [و تنبیه] کردن به هنگام خشم نهی فرمود.
۳۱۸. امام علی علیه السلام: در هنگام خشم تأدیبی نیست.

الغلام ثلاث سنين فقل له سبع مراتب: قل: لا إله إلا الله، ثم يترك حتى تتم له ثلاث سنين وسبعة أشهر وعشرون يوماً.^۱

۳۱۴. الإمام الصادق علیه السلام: دَع ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سنين، وَيُؤَدِّبُ سَبْعاً، وَالزِّمَّةُ نَفْسَكَ سَبْعَ سنين، فَإِنْ أَفْلَحَ، وَإِلَّا فَإِنَّهُ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ.^۲

۳۱۵. عنه علیه السلام: يُؤَدِّبُ الصَّبِيَّ عَلَى الصَّوْمِ مَا بَيْنَ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً إِلَى سِتِّ عَشْرَةَ سَنَةً.^۳

۳۱۶. عنه علیه السلام: احْمِلْ صَبِيَّكَ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى سِتِّ سنين، ثُمَّ أَدِّبْهُ فِي الْكِتَابِ سِتَّ سنين، ثُمَّ ضُمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سنين فَأَدِّبْهُ بِأَدَبِكَ، فَإِنْ قَبِلَ وَصَلَحَ وَإِلَّا فَخَلِّ عَنْهُ.^۴

۶۹

ما يَنْبَغِي رِعَايَتُهُ فِي التَّأْدِيبِ

۳۱۷. بحار الأنوار: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَنِ الْأَدَبِ عِنْدَ الْغَضَبِ.^۵

۳۱۸. الإمام علي علیه السلام: لَا أَدَبَ مَعَ غَضَبٍ.^۶

۱. بحار الأنوار: ۳۶/۹۴/۱۰۴.

۲. بحار الأنوار: ۴۰/۹۵/۱۰۴.

۳. بحار الأنوار: ۶/۱۶۲/۱۰۳.

۴. مكارم الأخلاق: ۱۶۴۸/۴۷۸/۱.

۵. بحار الأنوار: ۲/۱۰۲/۷۹. ۶. غرر الحکم: ۱۰۵۲۹.

۳۱۹. عنه علیه السلام: لَا تُكْثِرَنَّ الْعِتَابَ؛ فَإِنَّهُ يُورِثُ الضَّغِينَةَ وَيَدْعُو إِلَى الْبَغْضَاءِ.^۱

۳۱۹. امام علی علیه السلام: زیاد سرزنش نکن، که سرزنش زیاد کینه می آورد و به دشمنی می انجامد.

۳۲۰. عنه علیه السلام: أَحْسِنُ لِلْمَالِكِ الْأَدَبَ، وَأَقْلِلِ الْغَضَبَ، وَلَا تُكْثِرِ الْعَتَبَ فِي غَيْرِ ذَنْبٍ، فَإِذَا اسْتَحَقَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ ذَنْباً فَأَحْسِنِ الْعَذْلَ فَإِنَّ الْعَذْلَ مَعَ الْعَفْوِ أَشَدُّ مِنَ الضَّرْبِ لِمَنْ كَانَ لَهُ عَقْلٌ.^۲

۳۲۰. امام علی علیه السلام: بردگان را نیکو تربیت کن و کمتر خشم گیر و بی جهت کسی را زیاد سرزنش نکن و اگر یکی از ایشان به خاطر ارتکاب گناهی سزاوار سرزنش شد، پس به نیکی ملامت کن؛ چرا که ملامت همراه با گذشت، برای کسی که عاقل باشد از زدن دردناک تر است.

۳۲۱. عنه علیه السلام - فِي عَهْدِهِ إِلَى الْأَشْتَرِ - لَا يَكُونَنَّ الْمُحْسَنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ تَزْهِيدٌ لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ، وَتَدْرِيبٌ لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ، فَأَلْزِمَ كُلًّا مِنْهُمْ مَا أَلْزَمَ نَفْسَهُ، أَدَباً مِنْكَ.^۳

۳۲۱. امام علی علیه السلام - در فرمانش به مالک اشتر - نوشت: نباید نیکوکار و بدکردار در چشم تو یکسان باشند، که این امر رغبت نیکوکار را در نیکی کم می کند و بدکردار را به بدی وامی دارد، بنا بر این با هر یک چنان باش که شایسته آن است.

۳۲۲. عنه علیه السلام: اسْتِصْلَاحُ الْأَخْيَارِ بِإِكْرَامِهِمْ، وَالْأَشْرَارِ بِتَأْدِيبِهِمْ.^۴

۳۲۲. امام علی علیه السلام: اصلاح کردن نیکان با گرامی داشتن آنهاست، و اصلاح کردن بدکاران با تأدیب (تنبيه) آنان.

۳۲۳. عنه علیه السلام: لَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ لَا تَنْفَعُهُ الْعِظَةُ إِلَّا إِذَا بَالَغْتَ فِي إِيْلَامِهِ؛ فَإِنَّ الْعَاقِلَ يَتَعَطَّ بِالْأَدَبِ، وَالْبَهَائِمُ لَا تَتَعَطَّ إِلَّا بِالضَّرْبِ.^۵

۳۲۳. امام علی علیه السلام: از کسانی مباش که اندرز به حالشان سودی ندارد مگر آن که کاملاً سرزنش شوند. شخص عاقل به ادب پسند می گیرد، و ستوران جز با زدن به راه در نمی آیند.

۳۲۴. عنه علیه السلام: إِذَا لَوَّحْتَ لِلْعَاقِلِ فَقَدْ أَوْجَعْتَهُ عِتَاباً.^۶

۳۲۴. امام علی علیه السلام: کنایه زدن به خردمند، سرزنشی دردآور برای اوست.

۳۲۵. عنه علیه السلام: عُقُوبَةُ الْعُقَلَاءِ التَّلْوِيحُ، عُقُوبَةُ

۳۲۵. امام علی علیه السلام: کیفر خردمندان، کنایه زدن

۱. غرر الحکم: ۱۰۴۱۲. ۲. تحف العقول: ۸۷.

۳. تحف العقول: ۱۳۰. ۴. بحار الأنوار: ۸۱/۸۲/۷۸.

۵. نهج البلاغة: الكتاب ۳۱. ۶. غرر الحکم: ۴۱۰۳.

الْجَهْلَاءِ التَّضَرُّيحُ^۱

است و کیفر نادانان آشکارا گفتن.

۲۲۶. امام علی علیه السلام: کُتایه زدن به خردمند،

سخت ترین سرزنش برای اوست.

۲۲۷. امام علی علیه السلام: با پاداش دادن به نیکوکار، بدکار

را از بدکرداری باز دار.

۲۲۸. امام علی علیه السلام: برادرت را با نیکی کردن به او

سرزنش کن و بدی اش را با بخشش به او

پاسخ ده.

۲۲۹. امام علی علیه السلام: بدکار را [یا کسی را که به تو بدی

کرده است] با کردار نیکت اصلاح کن، و با

گفتار نیکو و زیبایت او را به خیر رهنمون

شو.

۲۳۰. امام کاظم علیه السلام: به شخصی که از فرزندش

شکایت داشت - فرمود: او را نزن، بلکه برای

مدتی کوتاه با او قهر کن.

۷۰

تربیت پیامبر به وسیله خداوند

۳۳۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مرا خداوند تربیت کرد و نیکو

تربیتم کرد.

۳۳۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من تربیت شده خدایم و علی

تربیت شده من.

۳۳۳. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را خداوند تربیت

کرد و او مرا و من مؤمنان را تربیت می کنم و

برای بزرگواران، ادب به ارث می گذارم.

۲۲۶. عنه علیه السلام: التَّضَرُّيْضُ لِلْعَاقِلِ أَشَدُّ عِتَابِهِ^۲.

۲۲۷. عنه علیه السلام: اَزْجُرِ الْمُسِيءَ بِثَوَابِ الْمُحْسِنِ^۳.

۲۲۸. عنه علیه السلام: عَاتِبْ أَخَاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ، وَازْدُدْ

شَرَّهُ بِالْإِنْعَامِ عَلَيْهِ^۴.

۲۲۹. عنه علیه السلام: أَصْلَحِ الْمُسِيءَ بِحُسْنِ فِعَالِكَ، وَدُلَّ

عَلَى الْخَيْرِ بِجَمِيلِ مَقَالِكَ^۵.

۲۳۰. الإمامُ الكاظمُ علیه السلام - عند ما شكى له بعضهم ابناً

له - : لا تُضَرِّبْهُ، وَاهْجُرْهُ وَلَا تُطْلِ^۶.

(انظر) الموعظة: باب ۴۰۸۰

۷۰

تَأْدِيبُ اللَّهِ لِلنَّبِيِّ صلی الله علیه و آله

۳۳۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: أَدَّبَنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي^۷.

۳۳۲. عنه علیه السلام: أَنَا أَدِيبُ اللَّهَ، وَعَلَيَّ أَدِيبِي^۸.

۳۳۳. الإمامُ عليٌّ علیه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَدَّبَهُ اللَّهُ

عَزَّوَجَلَّ، وَهُوَ أَدَّبَنِي، وَأَنَا أُؤَدِّبُ الْمُؤْمِنِينَ،

وَأُورِثُ الْأَدَبَ الْمُكْرَمِينَ^۹.

۱. غرر الحكم: ۶۳۲۸-۶۳۲۹.

۲. غرر الحكم: ۱۱۶۱. ۳. نهج البلاغة: الحکمة ۱۷۷.

۴. بحار الأنوار: ۷۶/۴۲۷/۷۱.

۵. غرر الحكم: ۲۳۰۴. ۶. بحار الأنوار: ۷۴/۹۹/۱۰۴.

۷. مجمع البيان: ۵۰۰/۱۰. ۸. بحار الأنوار: ۳۵/۲۳۱/۱۶.

۹. بحار الأنوار: ۱/۲۶۷/۷۷.

۳۳۲. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَدَبَ نَبِيَّهٖ فَأَحْسَنَ أَدَبُهُ، فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۱، ثُمَّ قَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَالْأَمَّةِ لِيَسُوْسَ عِبَادَهُ^۲.

۳۳۵. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ أَدَبَ نَبِيَّهٖ عليه السلام، حَتَّى إِذَا أَقَامَهُ عَلَى مَا أَرَادَ قَالَ لَهُ: «وَأَمُرُ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضُ عَنِ الْجَاهِلِينَ»^۳، فَلَمَّا فَعَلَ ذَلِكَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله زَكَاهُ اللَّهُ، فَقَالَ: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۴.

۳۳۶. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَدَبَ نَبِيَّهٖ عَلَى مَحَبَّتِهِ، فَقَالَ: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۵.

۳۳۷. بصائر الدرجات: إِنَّ اللَّهَ أَدَبَ نَبِيَّهٖ فَأَحْسَنَ تَأْدِيبَهُ، فَقَالَ: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ...»^۶، فَلَمَّا كَانَ ذَلِكَ أَنْزَلَ اللَّهُ: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۷.

(انظر) الخُلُقُ: باب ۱۱۱۴.

۷۱

التَّأْدِيبُ بِآدَابِ اللَّهِ

۳۳۸. بحار الأنوار: إِنَّ جَبْرَائِيلَ عليه السلام أَهْبِطَ إِلَى

۳۳۲. امام صادق عليه السلام: خداوند عز و جل پیامبر خود را تربیت کرد و نیکو تربیت کرد و چون ادب را در او به کمال رساند فرمود: «براستی که تو دارای خویی بزرگ هستی». آنگاه کار دین و امت را به او سپرد تا بندگان را اداره کند.

۳۳۵. امام صادق عليه السلام: خداوند پیامبر خود را تربیت کرد و چون او را، چنان که می خواست، بار آورد، به وی فرمود: «به خوبی فرمان ده و از نادانان روی گردان». وقتی پیامبر خدا صلى الله عليه وآله این کار را برای او انجام داد، خداوند وی را ستود و فرمود: «راستی که تو دارای خویی بزرگ هستی».

۳۳۶. امام صادق عليه السلام: خداوند عز و جل پیامبرش را بر شالوده محبت به خود تربیت کرد و فرمود: «براستی که تو دارای خویی بزرگ هستی».

۳۳۷. بصائر الدرجات: خداوند پیامبر خود را نیکو تربیت کرد و آن گاه فرمود: «به نیکی فرمان ده و از جاهلان اعراض کن». چون چنین کرد، خداوند آیه «براستی که تو دارای خویی بزرگ هستی» را فرو فرستاد.

۷۱

مؤدب شدن به آداب خدایی

۳۳۸. بحار الأنوار: جبرئیل بر پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرود

۱. القلم: ۴.
۲. الکافی: ۱/۲۶۶.
۳. الأعراف: ۱۹۹.
۴. الفقه المنسوب للإمام الرضا: ۳۶۴.
۵. الکافی: ۱/۲۶۵. ۶. بصائر الدرجات: ۳/۳۷۸.

آمد و گفت: ای پیامبر خدا! خداوند به تو سلام می‌رساند و به تو می‌گوید: بخوان: به نام خداوند بخشنده مهربان، «اگر بعضی از گروه‌هایشان را به چیزی بهره‌ور ساخته‌ایم، تو بدان چشم مدوز» نازل گشت، پیامبر ﷺ جارچی را فرمود که جار زند: هر که متادب به آداب خداوند نشود، جاننش از حسرت‌های دنیا به لب می‌آید.

۳۳۹. امام علی ﷺ: خداوند متعال بندگان مؤمن خود را نیکو ادب کرد و فرمود: «آن چنان خویشندار و با مناعت طبع‌اند که هر کس حال ایشان را نداند، می‌پندارد که از توانگران‌اند».

۳۴۰. امام علی ﷺ: هر که به آداب خداوند عز و جل مؤدب شود، او را به رستگاری جاوید می‌رساند.

۳۴۱. امام علی ﷺ: هر که با ادب [تعالیم] خداوند اصلاح نشود، با ادب خویش [نیز] اصلاح نمی‌گردد.

۷۲

تأدیب خداوند

۳۴۲. امام علی ﷺ: بلا برای ستمگر تأدیب (تنبيه) است و برای مؤمن آزمایش و برای پیامبران [ترفع] درجه و برای اولیا تکریم.

۳۴۳. امام حسین ﷺ: بار خدایا! با احسان خود مرا

رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَيَقُولُ لَكَ: اقْرَأْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿لَا تَمْدَنَّ عَيْنَكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ﴾^۱ الْآيَةَ فَأَمَرَ النَّبِيُّ ﷺ مُنَادِيًا يُنَادِي: مَنْ لَمْ يَتَأَدَّبْ بِأَدَبِ اللَّهِ تَقَطَّعَتْ نَفْسُهُ عَلَى الدُّنْيَا حَسْرَاتٍ^۲.

۳۳۹. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَدَبَ عِبَادَهُ الْمُؤْمِنِينَ أَدَبًا حَسَنًا، فَقَالَ جَلَّ مِنْ قَائِلٍ: ﴿يُخَسِّبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَقُّفِ﴾^۳.

۳۴۰. عنه عليه السلام: مَنْ تَأَدَّبَ بِأَدَبِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَدَاهُ إِلَى الْفَلَاحِ الدَّائِمِ^۴.

۳۴۱. عنه عليه السلام: مَنْ لَمْ يَصْلُحْ عَلَى أَدَبِ اللَّهِ لَمْ يَصْلُحْ عَلَى أَدَبِ نَفْسِهِ^۵.

۷۲

تأدیب الله

۳۴۲. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَدَبٌ، وَلِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ، وَلِلْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ، وَلِلْأَوْلِيَاءِ كَرَامَةٌ^۶.

۳۴۳. الإمام الحسين عليه السلام: اللَّهُمَّ لَا تَسْتَدْرِجْنِي

۱. الحجر: ۸۸. ۲. بحار الأنوار: ۱۷/۳۴۸/۷۱.

۳. البقرة: ۲۷۳. ۴. مطالب السؤول: ۵۵.

۵. بحار الأنوار: ۱۳/۲۱۴/۹۲.

۶. غرر الحکم: ۹۰۰۱. ۷. بحار الأنوار: ۵۵/۱۹۸/۸۱.

بالإحسان، ولا تُؤدِّبني بالبلاء^۱.

۳۳۳. الإمام زين العابدين عليه السلام: إلهي، لا تُؤدِّبني بعقوبتك، ولا تمكِّز بي في حيلتك^۲.

۳۳۵. الإمام الصادق عليه السلام: أيُّما ناشٍ نشأ في قومه ثم لم يُؤدِّب على معصيته كان الله عز وجل أول ما يعاقبهم فيه أن ينقص من أرزاقهم^۳.

۳۳۶. الإمام العسكري عليه السلام: ربُّما كانت الغيرة نوعاً من أدب الله عز وجل^۴.

(انظر) البلاء: باب ۴۱۱.

اندک اندک به سوی دام کيفرت مکشان^۱ و با
بلاها تأديبم مفرما.

۳۳۳. امام زين العابدين عليه السلام: خدای من! با کيفر خود
مرا ادب مفرما و به مکر خودت گرفتارم
مکن.

۳۳۵. امام صادق عليه السلام: هر نوجوانی که در میان
مردمش رشد کند و برای ارتکاب گناهی
تأديب (تنبیه) نشود، نخستین کيفری که
خداوند عز وجل به سبب او به آن مردم
می دهد کاستن از روزیهای ایشان است.

۳۳۶. امام عسکری عليه السلام: چه بسا که دگرگونیهای
زمانه، نوعی از تأديب خداوند عز وجل
باشد.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

۱. امام حسین عليه السلام درباره استدراج خداوندی می فرماید:
استدراج خدا نسبت به بنده خود این است که به او
نسبت فراوان دهد و شکرگزاری را از او بگیرد.
(تحف العقول: ۲۵۰ / ۷) - م.

۱. بحار الأنوار: ۹/۱۲۷/۷۸.

۲. الإقبال: ۱۵۷/۱.

۳. ثواب الأعمال: ۱/۲۶۶.

۴. فزعة الناظر: ۳/۱۴۴.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الأذان

اذان



مركز تحقيقات كميوتير علوم دینی

ولمزيد الاطلاع راجع:

وسائل الشيعة: ٤/١٢٠٦-٦٣٧ وأبواب الأذان والإقامة.

بحار الأنوار: ٨٤/١٠٣ باب ١٣ والأذان والإقامة.

كنز العمال: ٨/٣٢٩-٣٦٣ وفي الأذان.

۷۳

الْأَذَانُ

۳۲۷. رسول الله ﷺ: قُمْ يَا بِلَالُ فَأَرِحْنَا بِالصَّلَاةِ ۱.

۳۲۸. عنه ﷺ: إِنَّ الشَّيْطَانَ إِذَا سَمِعَ النِّدَاءَ بِالصَّلَاةِ هَرَبَ ۲.

۳۲۹. عنه ﷺ: إِنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ لَا يَسْمَعُونَ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ شَيْئاً إِلَّا الْأَذَانَ ۳.

۷۴

الْمُؤَذِّنُ

۳۵۰. رسول الله ﷺ: يُغْفَرُ لِلْمُؤَذِّنِ مَدُّ صَوْتِهِ وَبَصَرُهُ، وَيُصَدِّقُهُ كُلُّ رَطْبٍ وَيَابِسٍ، وَلَهُ مِنْ كُلِّ مَنْ يُصَلِّي بِأَذَانِهِ حَسَنَةٌ ۴.

۳۵۱. كنز العمال: عن رسول الله ﷺ: مَا مِنْ رَجُلٍ يَكُونُ بِأَرْضٍ قِيٍّ فَيُؤَذِّنُ بِحَضْرَةِ الصَّلَاةِ وَيَقِمُ الصَّلَاةَ إِلَّا صَلَّى خَلْفَهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مَا لَا يُرَى طَرَفَاهُ ۵.

وفي خبر: ... فَإِنْ أَقَامَ صَلَاتِي مَعَهُ مَلَكَانِ،

۱. كنز العمال: ۲۰۹۵۴. ۲. كنز العمال: ۲۰۹۵۱.

۳. كنز العمال: ۲۰۹۳۴. ۴. بحار الأنوار: ۲/۱۰۴/۸۴.

۵. كنز العمال: ۲۰۹۳۰.

۷۳

اذان

۳۲۷. پیامبر خدا ﷺ: بلال! برخیز و ما را با نماز آسایش بخش.

۳۲۸. پیامبر خدا ﷺ: شیطان چون بانگ دعوت به نماز را بشنود، بگریزد.

۳۲۹. پیامبر خدا ﷺ: اهل آسمان از ساکنان زمین چیزی جز اذان نمی شنوند.

۷۴

اذان گو

۳۵۰. پیامبر خدا ﷺ: مؤذن تا جایی که صدایش می رسد و نگاهش کار می کند به همان اندازه آمرزیده می شود و هر خشک و تری [گفته] او را تصدیق می کند و به تعداد هر نفری که با اذان او نماز بگذارد حسنه ای برایش منظور می شود.

۳۵۱. كنز العمال: پیامبر خدا ﷺ فرمود: کسی نیست

که در دشتی باشد و به هنگام نماز اذان بگوید و نماز بر پای دارد، مگر آن که پشت سر او صفی از فرشتگان که دو سوی آن ناپیداست، به نماز می ایستند.

و در خبری دیگر [از پیامبر خدا ﷺ]

وَإِنْ أَدَّنَ وَأَقَامَ صَلَّى خَلْفَهُ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ مَا لَا يُرَى طَرَفَاهُ.^۱

۳۵۲. الإمام علي عليه السلام: لِيُؤْذَنَ لَكُمْ أَفْصَحُكُمْ، وَلِيُؤَمَّكُمْ أَفْقَهُكُمْ.^۲

۳۵۳. الإمام زين العابدين عليه السلام: حَقُّ الْمُؤْذِنِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ مُذَكِّرُكَ لَكَ رَبِّكَ عَزَّ وَجَلَّ، وَدَاعٍ لَكَ إِلَى حَظِّكَ، وَعَوْنُكَ عَلَى قَضَاءِ فَرَضِ اللَّهِ عَلَيْكَ، فَاشْكُرْهُ عَلَى ذَلِكَ شُكْرَكَ لِلْمُحْسِنِ إِلَيْكَ.^۳

۷۵

تَفْسِيرُ الْأَذَانِ

۳۵۲. الإمام الحسين عليه السلام: كُنَّا جُلُوسًا فِي الْمَسْجِدِ، إِذْ صَعِدَ الْمُؤْذِنُ الْمَنَارَةَ، فَقَالَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ»، فَبَكَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَبَكَينَا بِبُكَائِهِ، فَلَمَّا فَرَغَ الْمُؤْذِنُ قَالَ: أَتَذَرُونَ مَا يَقُولُ الْمُؤْذِنُ؟ قُلْنَا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَوَصِيُّهُ أَعْلَمُ، فَقَالَ: لَوْ تَعْلَمُونَ مَا يَقُولُ لَضَحِكْتُمْ قَلِيلًا وَلَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا!

فَلِقَوْلِهِ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» مَعَانٍ كَثِيرَةٌ، مِنْهَا أَنَّ قَوْلَ الْمُؤْذِنِ «اللَّهُ أَكْبَرُ» يَقَعُ عَلَى قِدَمِهِ وَأَزَلِيَّتِهِ وَأَبَدِيَّتِهِ وَعِلْمِهِ وَقُوَّتِهِ وَقُدْرَتِهِ

آمده است: ... اگر اقامه بگویند [او به نماز ایستند] دو فرشته به او اقتدا می کنند و چنانچه اذان و اقامه بگویند، صفی از آفریدگان خدا، که دو سوی آن ناپیداست، پشت سر او نماز می گزارند.

۳۵۲. امام علی عليه السلام: باید فصیح ترین فرد شما اذان بگوید، و آگاهترین شما به مسائل دینی، امامت [نمازتان] را به عهده گیرد.

۳۵۳. امام زین العابدین عليه السلام: حق مؤذن این است که بدانی او پروردگار عزوجل تو را به یادت می آورد و تو را به بهر هات فرا می خواند و یاری ات می رساند تا واجب الهی را بگزاری. پس، برای این کارها از او سپاسگزاری کن، همچنان که اگر کسی به تو خوبی کند تشکر می کنی.

۷۵

تَفْسِيرُ الْأَذَانِ

۳۵۲. امام حسین عليه السلام: در مسجد نشسته بودیم که مؤذن بالای گلدسته رفت و گفت: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ». امیر مؤمنان علی بن ابی طالب عليه السلام گریست و ما نیز از گریه او گریستیم. وقتی مؤذن اذان را تمام کرد، امام فرمود: آیا می دانید مؤذن چه می گوید؟ عرض کردیم: خدا و پیامبر و وصی او بهتر می دانند. فرمود: اگر می دانستید که چه می گوید کم می خندیدید و بسیار می گریستید. «اللَّهُ أَكْبَرُ» مؤذن معانی بسیار دارد؛ از جمله این که «اللَّهُ أَكْبَرُ» بیانگر قدیم بودن و ازلیت و ابدیت خداوند و علم و نیرو و قدرت و حلم و کرم

۱. كنز العمال: ۲۰۹۳۱. ۲. دعائم الإسلام: ۱/۱۴۷.

۳. بحار الأنوار: ۱/۷/۷۴.

وَجَلِّمِهِ وَكَرِّمِهِ وَجُودِهِ وَعَطَائِهِ وَكِبْرِيَانِهِ.^۱

و جود و عطا و کبریای او می باشد.

۷۶

الْحَثُّ عَلَى الْأَذَانِ فِي أُذُنِ الْوَلِيدِ

۷۶

تشویق به اذان گفتن در گوش نوزاد

۲۵۵. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ، إِذَا وُلِدَ لَكَ غُلَامٌ أَوْ جَارِيَةٌ فَأُذِّنْ فِي أُذُنِهِ الْيَمْنَى وَأَقِمْ فِي الْيُسْرَى؛ فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّهُ الشَّيْطَانُ أَبَدًا.^۲

۲۵۵. پیامبر خدا ﷺ: هرگاه پسری یا دختری برایت به دنیا آمد، در گوش راستش اذان بگو و در گوش چپ او اقامه؛ در این صورت شیطان هرگز به او گزند نمی رساند.

۲۵۶. الْإِمَامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ ﷺ: حَدَّثَنِي أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ قَالَتْ: حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ ﷺ: لَمَّا حَمَلْتُ بِالْحَسَنِ ﷺ وَوُلِدَتْهُ جَاءَ النَّبِيُّ ﷺ ... وَأُذِّنْ فِي أُذُنِهِ الْيَمْنَى وَأَقَامَ فِي أُذُنِهِ الْيُسْرَى

۲۵۶. امام زین العابدین ﷺ: اسماء بنت عمیس از قول فاطمه ﷺ برایم گفت که وقتی حسن ﷺ را حامله شدم و او را به دنیا آوردم، پیامبر ﷺ آمد ... و در گوش راستش اذان گفت و در گوش چپ او اقامه ... یک سال بعد که حسین ﷺ به دنیا آمد باز پیامبر ﷺ آمد و فرمود: ای اسماء! فرزندم را بیاور؛ من آن حضرت را در پارچه ای سفید به دست پیامبر دادم و آن بزرگوار در گوش راست او اذان گفت و در گوش چپش اقامه و او را روی زانوی خود نهاد و گریست.

فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ حَوْلٍ وُلِدَ الْحُسَيْنُ ﷺ، وَجَاءَ النَّبِيُّ ﷺ فَقَالَ: يَا أَسْمَاءُ هَلُمِّي ابْنِي، فَدَفَعْتُهُ إِلَيْهِ فِي خِرْقَةٍ بَيْضَاءَ، فَأُذِّنْ فِي أُذُنِهِ الْيَمْنَى وَأَقَامَ فِي الْيُسْرَى وَوَضَعَهُ فِي حِجْرِهِ، فَبَكَى.^۳

۲۵۷. عَنْهُ ﷺ: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ أَذَّنَ فِي أُذُنِ الْحَسَنِ ﷺ بِالصَّلَاةِ يَوْمَ وُلِدَ.^۴

۲۵۷. امام زین العابدین ﷺ: زمانی که حسن ﷺ به دنیا آمد پیامبر در گوش او اذان گفت.

۲۵۸. الْإِمَامُ الْبَاقِرُ ﷺ: إِذَا وُلِدَ لِأَحَدِكُمْ ... وَلِيَحْنُكُهُ

۲۵۸. امام باقر ﷺ: هرگاه برای یکی از شما فرزندی به دنیا آمد ... کام او را با آب فرات بردارد و

۱. بحار الأنوار: ۲۴/۱۳۱/۸۴، انظر تمام الحديث.

۲. تحف العقول: ۱۳. ۳. عيون أخبار الرضا: ۵/۲۵۰/۲.

۴. عيون أخبار الرضا: ۱۳۷/۴۳/۲.

در گوش راستش اذان بگوید و در گوش
چپ او اقامه.

۳۵۹. امام صادق علیه السلام: اگر کسی بد اخلاق شد، در
گوش او اذان بگوید.

بماء القُرَاتِ، وليؤذن في أذنيه اليمنى، وليقيم
في اليسرى.^۱

۳۵۹. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ فَأَذِّنُوا فِي
أُذُنِهِ.^۲

(انظر) وسائل الشيعة: ۴/۶۷۲ باب ۴۶.



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسنادی

۱. بحار الأنوار: ۴/۱۰۴/۱۲۲/۶۲.

۲. بحار الأنوار: ۴/۱۰۴/۱۲۲/۶۱.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الإيمان

آزردن



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ١٢٧/٧٥ باب ٥٧ من أخاف مؤمناً أو ضربه أو آذاه.

انظر:

عنوان ١٢٠ والتحقيق.

الجار: باب ٦٥٠، الزواج: باب ١٦٥٥، ١٦٥٦.

۷۷

إيذاء الناس

۲۶۰. رسول الله ﷺ: أَذِلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ.^۱۲۶۱. الإمام الصادق عليه السلام: فاز والله الأبرار، أتدري مَنْ هُمْ؟ هُمُ الَّذِينَ لَا يُؤْذُونَ الذَّرَّ.^۲۲۶۲. الإمام الكاظم عليه السلام: لَيْسَ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِينَ الْقَشُّ وَلَا الْأَذَى.^۳

۷۷

آزردن مردم

۲۶۰. پیامبر خدا ﷺ: خوارترین مردم کسی است که مردمان را خرد و خوار شمارد.

۲۶۱. امام صادق عليه السلام: به خدا سوگند که نیکان رستگارند. آیا می دانید آنها چه کسانی هستند؟ کسانی که آزارشان به مورچه ای نمی رسد.

۲۶۲. امام کاظم عليه السلام: دغلكاری و آزار، از اخلاق مؤمنان نیست.

۷۸

خَطَرُ إِيْذَاءِ الْمُؤْمِنِ

الكتاب:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا﴾.^۴

الحديث:

۲۶۳. رسول الله ﷺ: مَنْ آذَى مُؤْمِنًا فَقَدْ آذَانِي.^۵۲۶۴. عنه عليه السلام: مَنْ نَظَرَ إِلَى مُؤْمِنٍ نَظْرَةً يُخِيفُهُ بِهَا أَخَافَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ.^۶

۲۶۵. عنه عليه السلام: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: مَنْ أَهَانَ لِي

۷۸

خطر آزدن مؤمن

قرآن:

«کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی آنکه گناهی کرده باشند، می آزارند، تهمت و گناه آشکاری را به دوش می کشند».

حدیث:

۲۶۳. پیامبر خدا ﷺ: هر که مؤمنی را بیازارد مرا آزار داده است.

۲۶۴. پیامبر خدا ﷺ: هر کس به مؤمنی نگاه ترسناکی کند، خداوند متعال او را در روزی که سایه ای جز سایه او نیست، بترساند.

۲۶۵. پیامبر خدا ﷺ: خداوند تبارک و تعالی

۱. الأمالی للصدوق: ۴۱/۷۳. ۲. تفسیر القمی: ۱۴۶/۲.

۳. الکافی: ۹۵/۱۲۶/۸. ۴. الأحزاب: ۵۸.

۵. بحار الأنوار: ۴۰/۷۲/۶۷. ۶. بحار الأنوار: ۱۳/۱۵۰/۷۵.

فرموده است: هر که به یکی از دوستان من تحقیر و توهین روا دارد برای جنگ با من آماده شده است.

۲۶۶. پیامبر خدا ﷺ: هر که مؤمنی را اندوهناک سازد و سپس دنیا را به او بدهد، گناهش بخشوده نمی‌شود و در برابر آن پاداشی نمی‌بیند.

۲۶۷. امام علی ﷺ: هر هیچ مسلمانی روانیست که مسلمانی را به رعب و وحشت اندازد.

۲۶۸. امام صادق ﷺ: خداوند عز و جل فرموده است هر که بنده مؤمن را بیازارد، به من اعلان جنگ می‌دهد.

۷۹

نیاززدن

۲۶۹. پیامبر خدا ﷺ: به مردم آزار نرسان، که بی‌آزاری صدقه‌ای است که برای خودت می‌پردازی.

۲۷۰. کتاب من لا یحضره الفقیه: جبرئیل به پیامبر خدا ﷺ - هنگامی که از او اندرز خواست - گفت: شرافت مؤمن، نماز شب اوست و عزت او آزار نرساندن به مردم.

۲۷۱. امام علی ﷺ: نفس مؤمن از او در رنج است، اما مردمان از وی آسوده‌اند.

وَلَيَّا فَقَدْ أَرْصَدَ لِمُحَارَبَتِي^۱.

۲۶۶. عنه ﷺ: مَنْ أَحْزَنَ مُؤْمِنًا ثُمَّ أَعْطَاهُ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ كَفَّارَةً، وَلَمْ يُؤْجَرْ عَلَيْهِ^۲.

۲۶۷. الإمام عليّ ﷺ: لَا يَجِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يُرْوَعَ مُسْلِمًا^۳.

۲۶۸. الإمام الصادق ﷺ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لِيَأْذَنَ بِحَرْبٍ مِنِّي مَنْ آذَى عَبْدِي الْمُؤْمِنَ^۴.

(انظر) وسائل الشيعة: ۵۸۷/۸ و ۵۸۸ باب ۱۴۵ و ۱۴۶.

۷۹

كُفَّ الْأَذَى

۲۶۹. رسول الله ﷺ: كُفَّ أَذَاكَ عَنِ النَّاسِ؛ فَبِأَنَّهُ صَدَقَةٌ تَصَدَّقُ بِهَا عَلَى نَفْسِكَ^۵.

۲۷۰. کتاب من لا یحضره الفقیه: جبرئیل ﷺ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ - حِينَ قَالَ ﷺ لَهُ: يَا جِبْرِئِيلُ عِظْنِي -: شَرَفُ الْمُؤْمِنِ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ، وَعِزُّهُ كُفُّ الْأَذَى عَنِ النَّاسِ^۶.

۲۷۱. الإمام عليّ ﷺ: الْمُؤْمِنُ نَفْسُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ^۷.

۱. الکافی: ۳/۳۵۱/۲. ۲. بحار الأنوار: ۱۳/۱۵۰/۷۵.

۳. عیون أخبار الرضا: ۳۲۷/۷۱/۲.

۴. الکافی: ۱/۳۵۰/۲. ۵. بحار الأنوار: ۱۹/۵۴/۷۵.

۶. کتاب من لا یحضره الفقیه: ۱۳۶۰/۴۷۱/۱.

۷. الخصال: ۱۰/۶۲۰.

۲۷۲. الإمام زين العابدين عليه السلام: كَفُّ الْأَذَى مِنْ كَمَالِ الْعَقْلِ، وَفِيهِ رَاحَةٌ لِلْبَدَنِ عَاجِلًا وَآجِلًا.^۱
 ۲۷۳. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ كَفَّ يَدَهُ عَنِ النَّاسِ فَإِنَّمَا يَكْفُ عَنْهُمْ يَدًا وَاحِدَةً وَيَكْفُونَ عَنْهُ أَيْدِيَ كَثِيرَةٍ.^۲

۲۷۲. امام زين العابدين عليه السلام: آزار نرساندن، نشانه کمال خرد است و مایه آسایش تن در دنیا و آخرت است.
 ۲۷۳. امام صادق عليه السلام: هر که دست از آزار مردم بردارد، یک دست از آنها نگه داشته و مردم دستهای بسیار از [آزار] او نگه می‌دارند.

۸۰

الصَّبْرُ عَلَى الْأَذَى فِي اللَّهِ سُبْحَانَهُ

الكتاب:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْلَىٰ نَحْنُ بِاللَّهِ أَغْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ».^۳
 «فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَآخَرُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقَتِلُوا لِأَكْفُرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ».^۴
 «وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبَاِ الْمُرْسَلِينَ».^۵

الحديث:

۲۷۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا أُوذِيَ أَحَدٌ مِثْلَ مَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ.^۶

(انظر) خصائص خاتم النبیین: باب ۳۷۸۴.

۸۰

شکیبایی بر آزار دیدن در راه خدا

قرآن:

«از مردمان، کسانی هستند که می‌گویند: به خدا ایمان آورده‌ایم و چون در راه خدا آزاری ببینند آزار مردم را چون عذاب خدا به شمار می‌آورند. و هرگاه از سوی پروردگار تو مددی رسد، می‌گویند: ما نیز با شما بوده‌ایم. آیا خدا به آنچه در دلهای مردم جهان می‌گذرد آگاه‌تر نیست؟».

«پس کسانی که مهاجرت کرده و از خانه‌هایشان رانده شده و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شده‌اند، گناهانشان را می‌زدایم».

«پیامبرانی هم که پیش از تو بودند تکذیب شدند، ولی آنها بر آن تکذیب و آزار شکیبایی ورزیدند تا کمک ما به آنان رسید. و کلمات خدا را تغییر دهنده‌ای نیست. و بی‌گمان پاره‌ای از اخبار پیامبران به تو رسیده است».

حدیث:

۲۷۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هیچ کس به اندازه من در راه خدا آزار و اذیت ندیده است.

۱. تحف العقول: ۲۸۳. ۲. الخصال: ۶۰/۱۷.
 ۳. العنکبوت: ۱۰. ۴. آل عمران: ۱۹۵.
 ۵. الأنعام: ۳۴. ۶. کنز العمال: ۵۸۱۸.

۸۱

جَزَاءُ الْمُؤْذِي

۳۷۵. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ لَقِيَ أَخَاهُ بِمَا يَسُوؤُهُ لَيْسَ بِهِ سَاءَ مَا اللَّهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ.^۱

۳۷۶. الْإِمَامُ الصَّادِقُ ﷺ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ: أَيْنَ الصَّدُودُ لِأَوْلِيَائِي؟ فَيَقُومُ قَوْمٌ لَيْسَ عَلَى وَجُوهِهِمْ لَحْمٌ، فَيُقَالُ: هَؤُلَاءِ الَّذِينَ آذَوْا الْمُؤْمِنِينَ وَنَصَبُوا لَهُمْ وَعَانَدُوهُمْ وَعَنْقَوْهُمْ فِي دِينِهِمْ، ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِمْ إِلَى جَهَنَّمَ.^۲

۸۱

عاقبت آزاردهنده

۳۷۵. پیامبر خدا ﷺ: هر که در دیدار برادر دینی اش، کاری کند تا او ناراحت شود، خداوند هم در روز دیدارش او را ناراحت می کند.

۳۷۶. امام صادق ﷺ: در روز قیامت، ندا کننده ای ندا در دهد: کجایند آزاردهندگان دوستان من؟ پس گروهی برخیزند که صورتشان گوشت ندارد و گفته می شود: اینان کسانی هستند که مؤمنان را آزار دادند و با آنان دشمنی و مخالفت کردند و در دینشان برایشان سخت گرفتند؛ سپس به درافکندنشان در جهنم فرمان داده می شود.



مرکز تحقیقات کتب و تاریخ اسلام

۱. ثواب الأعمال: ۱/۱۸۲.

۲. الکافی: ۲/۳۵۱.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

النتائج

تباين



مركز بحوث الدراسات الإسلامية

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٢١٨/٤٠ باب ٩٧

لفظ:

عنوان ٢٠٥ والزمان، ٣٩٩ والقياس.

معرفة الله: باب ٢٥٧٨، الفكر: باب ٣٢٠٤، الأمثال: باب ٣٥٤١.

اهمیت معرفت تاریخ

الکتاب:

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ
مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ
ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»^۱.

«وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحْوَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا
آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا
عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلُّ شَيْءٍ فَضْلَنَاهُ
تَفْصِيلًا»^۲.

«فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ
حُسْبَانًا»^۳.

«الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ»^۴.

الحديث:

۴۷۷. الإمام الصادق عليه السلام: بِالسَّنَةِ وَأَخْوَاتِهَا يُكَالُ
الزَّمَانُ مِنْ لَدُنْ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى الْعَالَمَ إِلَى كُلِّ
وَقْتٍ وَعَصْرِ مِنْ غَايِرِ الْأَيَّامِ، وَبِهَا يَحْسَبُ
النَّاسُ الْأَعْمَارَ وَالْأَوْقَاتَ الْمُوقَّتَةَ لِلدُّيُونِ
وَالْإِجَارَاتِ وَالْمُعَامَلَاتِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنْ

اهمیت شناخت تاریخ

قرآن:

«اوست کسی که خورشید را روشنایی بخشید و ماه را
تابان کرد و برای آن، منزل‌هایی معین کرد تا شماره
سال‌ها و حساب را بدانید. خداوند، اینها را جز به
حق، نیافریده است. او نشانه‌ها [ی خود] را برای
گروهی که می‌دانند، به روشنی بیان می‌کند».

«و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم. نشانه شب را
تیره‌گون و نشانه روز را روشنی بخش گردانیدیم.
برای این که [در آن،] فضلی از پروردگارتان
بجویند و برای این که شماره سال‌ها و حساب
[عمرها و رویدادها] را بدانید و هر چیزی را به
روشنی باز نمودیم».

«[خداوند،] شکافنده صبح است و شب را برای
آرامش، و خورشید و ماه را وسیله محاسبه [ی زمان]
قرار داد».

«خورشید و ماه، بر حسابی [روان] اند».

حدیث:

۴۷۷. امام صادق عليه السلام: به وسیله سال و امثال آن است
که زمان - از آن هنگام که خداوند متعال،
جهان را آفرید تا هر وقت و عصری از
روزگاران گذشته - اندازه گیری می‌شود و به
وسیله همین‌هاست که مردم، عمرها و
زمان‌های تعیین شده برای وام‌ها و اجاره‌ها
و معاملات و دیگر امورشان را محاسبه

۱. الإسراء: ۱۲.

۲. یونس: ۵.

۳. الرحمن: ۵.

۴. الإنعام: ۹۶.

أُمُورِهِمْ^۱

۳۷۸. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاءَ سَقْفًا مَرْفُوعًا... وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا، يَسْبَحَانِ فِي فَلَكٍ يَدُورُ بَيْنَهُمَا دَائِبَيْنِ، يُطْلِعُهُمَا تَارَةً وَيُؤْفِلُهُمَا أُخْرَى، فَبَنَى عَلَيْهِ الْيَوْمَ وَالشُّهُورَ وَالسِّنِينَ الَّتِي هِيَ مِنْ سَبَبِ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ وَالرَّبِيعِ وَالْخَرِيفِ؛ أَزْمِنَةٌ مُخْتَلِفَةٌ الْأَعْمَالِ^۲.

۸۳

الْحَثُّ عَلَى عِلْمِ التَّارِيخِ

أ- التَّارِيخُ الْمَاضِي

۳۷۹. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - مِنْ وَصِيَّةِ أَوْصِيَّ بِهَا ابْنَهُ الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ -: أَحْيِ قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ... وَاعْرِضْ عَلَيْهِ أَخْبَارَ الْمَاضِيْنَ، وَذَكْرُهُ بِمَا أَصَابَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ، وَسِرِّ فِي دِيَارِهِمْ وَأَثَارِهِمْ فَانْظُرْ فِيمَا فَعَلُوا وَعَمَّا انْتَقَلُوا وَأَيْنَ حَلُّوا وَنَزَلُوا، فَإِنَّكَ تَجِدُهُمْ قَدْ انْتَقَلُوا عَنِ الْأَحْيَةِ، وَحَلُّوا دِيَارَ الْغُرَبَةِ، وَكَأَنَّكَ عَنْ قَلِيلٍ قَدْ صِرْتَ كَأَحَدِهِمْ، فَأَصْلِحْ مَثْوَاكَ، وَلَا تَتَّبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ...
أَيُّ بَنِيَّ! إِنِّي وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عُمَرْتُ عُمَرُ مَنْ

می‌کنند.

۳۷۸. امام صادق علیه السلام: خداوند، آسمان را به سان بامی برافراشته آفرید... و در آن، چراغی (خورشید) و ماهی تابان نهاد که هر دو، در فلکی [و مداری] پیوسته می‌چرخند؛ باری طلوع می‌نمایند و دگر بار، غروب می‌کنند، و روزها و ماه‌ها و سال‌ها را که خود، سبب پیدایش زمستان و تابستان و بهار و پاییزند، به عنوان زمان‌های کارهای گوناگون، بر پایه همین گردش قرار داد.

۸۳

تشویق به شناخت تاریخ

الف- تاریخ گذشته

۳۷۹. امام علی علیه السلام - در سفارش به فرزندش حسن علیه السلام - فرمود: دلت را با موعظه، زنده بدار... و اخبار گذشتگان را بر آن عرضه کن و به آنچه بر سر پیشینیان تو آمده است، اندرزش ده! در سرزمین‌ها و آثار بر جای مانده از آنان بگرد و بنگر که چه کردند و از چه جدا شدند و به کجا منتقل شدند و در چه سرایی فرود آمدند. خواهی دید که از دوستان [خود]، جدا شده‌اند و در سرای غربت، فرود آمده‌اند و گویا تو نیز به زودی، چونان یکی از آنان خواهی شد. پس جایگاه [ابدی] خویش را آباد کن و آخرت را به دنیایت مفروش....

فرزندم! من اگر چه به اندازه عمر

۱. بحار الأنوار: ۳۵/۱۷۶/۵۸.

۲. بحار الأنوار: ۱۹۰/۳.

كَانَ قَبْلِي، فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ، وَفَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ، وَسِرَّتُ فِي آثَارِهِمْ؛ حَتَّى عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ، بَلْ كَأَنِّي بِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمِّرْتُ مَعَ أَوَّلِهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ، فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كَذَرِهِ، وَنَفْعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ، فَاسْتَخْلَصْتُ لَكَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ نَخِيلَةً، وَتَوَخَّيْتُ لَكَ جَمِيلَةً، وَصَرَفْتُ عَنْكَ مَجْهُولَةً، وَرَأَيْتُ حَيْثُ عَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِي الْوَالِدَ الشَّفِيقَ، وَأَجْمَعْتُ عَلَيْهِ مِنْ أَدَبِكَ، أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ وَأَنْتَ مُقْبِلُ الْعُمُرِ وَمُقْتَبِلُ الدَّهْرِ، ذُو نِيَّةٍ سَلِيمَةٍ وَنَفْسٍ صَافِيَةٍ.^۲

ب - التَّارِيخُ الْمُعَاصِرُ

۲۸۰. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ بَصِيرًا بِزَمَانِهِ.^۳

۱. انتخلت الشيء: استقصيت أفضله. وتنخلته: تخيرته (الصحيح: ۵/ ۱۸۲۷ ونخله).

۲. نهج البلاغة: الكتاب ۳۱، تحف العقول: ۶۹ نحوه، بحار الأنوار: ۷۷/ ۱۹۹/ ۱۱؛ كنز العمال: ۱۶/ ۱۶۸/ ۴۴۲۱۵ نقلًا عن وكيع والعسکري في المواعظ نحوه.

۳. النخصل: ۵۲۵/ ۱۳، معاني الأخبار: ۳۳۴/ ۱، الأمالي للطوسي: ۵۴۰/ ۱۱۶۳، مكارم الأخلاق: ۲/ ۲۸۳/ ۲۶۶۱؛ كلها عن أبي ذر، بحار الأنوار: ۷۱/ ۲۷۹/ ۱۹؛ صحيح ابن حبان: ۲/ ۷۸/ ۳۶۱ عن أبي ذر، كنز العمال: ۱۶/ ۱۳۳/ ۴۴۱۵۷.

[مجموع] پیشینیان، عمر نکرده‌ام، اما در کردارهای آنان نگریسته‌ام، و در اخبار و سرگذشتشان اندیشیده‌ام، و در آثارشان سیر کرده‌ام تا آن جا که چونان یکی از آنان شده‌ام و بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا پا به پای اولین تا آخرین آنها عمر کرده‌ام. پس حوادث زلال را از تیره، و سود آنها را از زیانشان بازشناختم. پس، از هر چیزی، ناب آن را برای برگزیدم و زیبایش را برای جستم، و ناشناخته‌هایش را از تو دور ساختم، و چونان پدری مهربان، به کار تو همت گماشتم و عزم تربیت تو کردم؛ زیرا که تو در آغاز زندگی قرار داری و تازه به روزگار روی آورده‌ای و از نیستی پاک و اندرونی بی‌پیرایه، برخوردار ی.

ب - تاریخ معاصر

۲۸۰. پیامبر خدا ﷺ: خردمند، باید زمان خود را بشناسد.

۲۸۱. عنه علیه السلام: رَجِمَ اللَّهُ مَنْ حَفِظَ لِسَانَهُ، وَعَرَفَ زَمَانَهُ، وَاسْتَقَامَتْ طَرِيقَتُهُ.^۱

۲۸۲. الإمام علی علیه السلام: مَنْ لَمْ يَعْرِفْ زَمَانَهُ حُرِبَ ۲.

۲۸۳. عنه علیه السلام: حَسِبُ الْمَرْءِ ... وَمِنْ عِرْفَانِهِ عِلْمُهُ بِزَمَانِهِ.^۳

۲۸۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رحمت خدا بر آن کس که زبانش را نگه بدارد و زمانش را بشناسد و راه و روش درست را پیمايد.

۲۸۲. امام علی علیه السلام: کسی که زمانش را نشناسد، به تاراج می رود.

۲۸۳. امام علی علیه السلام: در معرفت آدمی، همین بس که... آگاه به زمان خویش باشد.

۸۲

ثَبَاتُ قَوَانِينِ التَّارِيخِ

الكتاب:

«سُنَّةُ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا».^۵

«وَلَا يَحِيْقُ الْكَثْرُ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا».^۶

الحديث:

۲۸۲. الإمام علی علیه السلام: عِبَادَ اللَّهِ! إِنَّ الدَّهْرَ يَجْرِي بِالْبَاقِينَ كَجَرِّهِ بِالْمَاضِينَ، لَا يَعُودُ مَا قَدْ وَلَّى مِنْهُ وَلَا يَبْقَى سَرْمَدًا^۷ مَا فِيهِ، آخِرُ

قرآن:

«در باره کسانی که پیش تر بوده اند، [همین] سنت خدا [جاری بوده] است و در سنت خدا، هرگز تغییری نخواهی یافت».

«و نیرنگ زشت، جز [دامن] صاحبش را نمی گیرد. پس آیا جز سنت پیشینیان را انتظار می برند؟ و هرگز برای سنت خدا، تبدیلی نمی یابی و هرگز برای سنت خدا، دگرگونی ای نخواهی یافت».

حدیث:

۲۸۲. امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! روزگار، بر ماندگان همان گونه می گذرد که بر رفتگان گذشته است. آنچه از روزگار سپری شده است، باز نمی گردد و آنچه مانده است، تا

۱. الفردوس: ۲ / ۲۶۱ / ۳۲۱۵ عن ابن عباس، كنز العمال: ۳ / ۷۸۶۱ / ۵۵۲.

۲. الخرب - بالتحريك -: نهب مال الإنسان وتركه لا شيء له (النهاية: ۱ / ۳۵۸ وحرب).

۳. كنز العمال: ۱۶ / ۱۸۱ / ۴۲۲۱۵ نقلًا عن وكيع والمكزي في المواظ.

۴. كشف الغمة: ۳ / ۱۳۷. ۵. الأحزاب: ۶۲.

۶. فاطر: ۲۳.

۷. السرمدة: الدائم (مفردات ألفاظ القرآن: ۴۰۸ «سرمدة»).

فَعَالِيهِ كَأَوَّلِهِ^۱.

ابد نمی ماند. واپسین رفتارش چونان

نخستین رفتار آن است.

۲۸۵. عنه: عَلَيَّ أَثَرُ الْمَاضِي مَا يَمْضِي الْبَاقِي^۲.

۲۸۵. امام علی: ماندگان، به همان راهی می روند

که گذشتگان رفتند.

۲۸۶. عنه: عَلَيَّ أَثَرُ الْمَاضِينَ يَمْضِي الْبَاقُونَ^۳.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^۴.

۲۸۶. امام علی: ماندگان، در پی گذشتگان

۲۸۷. عنه: إِعْتَبِرْ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا لِمَا بَقِيَ مِنْهَا؛

فَإِنَّ بَعْضَهَا يُشَبِّهُ بَعْضًا، وَآخِرُهَا لِأَحَقُّ

بِأَوَّلِهَا^۵.

می روند؛ و ستایش، خدای را که پروردگار

جهانیان است.

۸۵

الاعتبار بالتاريخ

الكتاب:

۲۸۷. امام علی: از [حوادث] گذشته دنیا

(تاریخ) برای آینده آن، درس بیاموز؛ چرا

که حوادث آن، شبیه به یکدیگر است و

پایان آن به آغازش می پیوندد.

۸۵

عبرت آموزی از تاریخ

قرآن:

«و در داستان ایشان، عبرتی است برای

خردمندان».

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۷، عيون الحكم والمراعي: ۱۴۸ / ۳۲۵۶.

۲. نهج البلاغة: الخطبة ۹۹، کتاب من لا يحضره الفقيه: ۴ / ۲۸۲ / ۵۸۳۳، الأمالي للطوسي: ۲۳۵ / ۹۷۴ کلاهما عن عبد الله بن بكر [بكر] المرادي عن الإمام الكاظم عن أبيه عنه وفيهما «بصير» بدل «ما يمضي» مصباح المتعبد: ۵۰۸ / ۳۸۲ عن زيد بن وهب، بحار الأنوار: ۸۹ / ۲۳۸ / ۶۸ دستور معالم الحكم: ۴۶ وفيه «مناه بدل «ما».

۳. في المصدر: «الباقيين»، والصواب ما أثبتناه كما في غرر الحكم. وفي نهج البلاغة: «الباقي».

۴. کتاب من لا يحضره الفقيه: ۱ / ۴۳۱ / ۱۲۶۳، نهج البلاغة: الخطبة ۹۹، غرر الحكم: ۲۸۲۹ کلاهما نحوه وليس فيها ذيله.

۵. نهج البلاغة: الكتاب ۶۹، بحار الأنوار: ۳۳ / ۵۰۸ / ۷۰۷.

۶. يوسف: ۱۱۱.

الحديث:

حديث:

۲۸۸. الإمام علي عليه السلام: أَحْيِ قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ... وَبَصِّرْهُ فَجَائِعَ الدُّنْيَا، وَحَذِّرْهُ صَوْلَةَ الدَّهْرِ وَفُحْشَ تَقَلُّبِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَاعْرِضْ عَلَيْهِ أَخْبَارَ الْمَاضِينَ، وَذَكِّرْهُ بِمَا أَصَابَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ.^۱

۲۸۹. عنه عليه السلام: كَفَى مُخْبِرًا عَمَّا بَقِيَ مِنَ الدُّنْيَا مَا مَضَى مِنْهَا.^۲

۲۹۰. عنه عليه السلام: إِنَّ لِلْبَاقِينَ بِالْمَاضِينَ مُعْتَبَرًا.^۳

۲۹۱. عنه عليه السلام: الزَّمَانُ يُرِيكَ الْعِبَرَ.^۴

۲۹۲. عنه عليه السلام: مَنْ عَرَفَ الْعِبْرَةَ فَكَأَنَّمَا عَاشَ فِيهِ الْأَوَّلِينَ.^۵

۲۹۳. عنه عليه السلام: اعْتَبِرُوا بِمَا أَصَابَ الْأُمَمَ الْمُسْتَكْبِرِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنْ بَأْسِ اللَّهِ وَصَوْلَاتِهِ، وَوَقَائِعِهِ وَمَثَلَاتِهِ، وَاتَّعِظُوا بِمَثَاوِي خُدُودِهِمْ.

۲۸۸. امام علی علیه السلام - هنگام سفارش به فرزندش - فرمود: دل خویش را به پند و اندرز، زنده دار... و به بدیها و دردهای این جهان بینا کن، و به هجوم روزگار و دگرگونیهای گردش شبها و روزها بترسان و داستان گذشتگان بر او فرو خوان و سرگذشت پیشینیان را به یادش آور.

۲۸۹. امام علی علیه السلام: آنچه از دنیا گذشته، در خبر دادن از آنچه باقی مانده است، کفایت می کند.

۲۹۰. امام علی علیه السلام: باقیماندگان می توانند از گذشتگان عبرت آموزند.

۲۹۱. امام علی علیه السلام: روزگار عبرت ها به تو نشان می دهد.

۲۹۲. امام علی علیه السلام: هر کس عبرت شناس باشد گویی با پیشینیان زیسته است.

۲۹۳. امام علی علیه السلام: از کسیفر خدای بزرگ و عذاب های سخت او که به امت های گردنکش پیش از شما رسیده است عبرت گیرید و از جایگاه به روافتادن آنها و قرارگاه

۱. نهج البلاغة: الكتاب ۳۱، تحف العقول: ۶۹ و ليس فيه «من الأولين»، بحار الأنوار: ۷۷/۲۱۷/۲؛ كنز العمال: ۱۶/۱۶۸/۴۴۲۱۵ نقلًا عن وكيع والعسکري في المواعظ نحوه.

۲. غرر الحكم: ۷۰۵۷، عيون الحكم والمواعظ: ۳۸۶/۶۵۴۵.

۳. غرر الحكم: ۳۴۲۵.

۴. غرر الحكم: ۱۰۲۶، عيون الحكم والمواعظ: ۲۹/۲۴۹.

۵. الخصال: ۲۳۱/۷۴ عن الأصمغ بن نباتة، غرر الحكم: ح ۸۸۵۰، تحف العقول: ۱۶۵ وفيه «السنة» بدل «العبرة»، بحار الأنوار: ۷۲/۱۹۰.

وَمَصَارِعُ جُنُوبِهِمْ^۱.

پهلوهایشان پند پذیرید.

وَقَفَّةٌ عِنْدَ مَبْدَأِ التَّارِيخِ

درنگی درباره تاریخ نگاری

وَأَسَاسِ التَّقْوِيمِ الْمِيلَادِيِّ وَالْهَجْرِيِّ

و پایه تقویم های میلادی و هجری

إِنَّ تَقْوِيمَ الزَّمَانِ مِنْ أَرْكَانِ الْحَيَاةِ الْبَشَرِيَّةِ،
وَحَاجَةُ الْحَيَاةِ الْاجْتِمَاعِيَّةِ إِلَى التَّارِيخِ مِنْ
الْأَهْمِيَّةِ، بَحِثُ إِنَّ الْقُرْآنَ الْكَرِيمَ جَعَلَ ضَمَانًا
هَذِهِ الْحَاجَةَ عَنْ طَرِيقِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ مِنْ آيَاتِ
مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَأَدَلَّةَ حِكْمَةِ الْخَالِقِ^۲.

محاسبه زمان، یکی از ارکان اساسی زندگی
انسان است. نیاز زندگی اجتماعی بشر به تاریخ، تا
حدی است که قرآن کریم، تأمین این نیاز به وسیله
خورشید و ماه را از جمله یکی از نشانه های
خداشناسی و دلایل حکمت آفریدگار، مورد
استناد قرار داده است.

ولهذه الأهمية يمكن الحدس بأن المجتمعات
الإنسانية كان لها منذ فجر التاريخ محاولات
لإحساب أزمنتها وتواريخها، ومن الطبيعي أن
تكون الحوادث والوقائع التاريخية الهامة، أفضل
مبدأ للتاريخ وأبقاه في المجتمعات البشرية،
والنصوص التاريخية تؤيد ما ذهبنا إليه.

با عنایت به این ضرورت، می توان حدس زد
که هر جامعه انسانی، از آغاز هبوط آدم ﷺ تاکنون،
به گونه ای، تاریخ زندگی خود را ثبت و ضبط
می کرده است. همچنین با اندکی تأمل، می توان
دریافت که به طور طبیعی، بهترین و به یاد
ماندنی ترین مبدأ تاریخ، در جوامع و اقوام
مختلف، حوادث و وقایع مهم تاریخی است.

لقد ورد في تاريخ دمشق:

«لَمَّا هَبَطَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ وَانْتَشَرَ وَلَدُهُ، أَرَخَ
بَنُوهُ مِنْ هَبُوطِ آدَمَ، فَكَانَ ذَلِكَ التَّارِيخُ، حَتَّى
بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى نُوحًا فَأَرَخُوا حَتَّى^۳ مَبْعَثِ نُوحٍ،
حَتَّى كَانَ الْفَرْقُ فَهَلَكَ مِنْ هَلَكٍ مِمَّنْ كَانَ عَلَى

گفتنی است که شماری از متون تاریخی،
حدس ما را در هر دو موردی که اشارت رفت،
تأیید می کنند، چنان که در تاریخ دمشق آمده
است:

چون آدم ﷺ از بهشت فرود آمد و فرزندان
پخش شدند، فرزندان او از هنگام فرود آمدن آدم،
تاریخ گذاری کردند [و آن را مبدأ تاریخ قرار
دادند] و این تاریخ بود تا آن که خدای متعال، نوح
را برانگیخت و مردم، آن را تا بعثت نوح، [مبدأ]

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۲.

۲. راجع: موسوعة العقائد الإسلامية: ۳ / ۲۳۱ (خلق الشمس والقمر).

۳. كذا في المصدر، والصحيح: «من».

وجه الأرض ... فكان التاريخ من الطوفان إلى نار إبراهيم. فلما كثر ولد إسماعيل افترقوا، فأرّخ بنو إسحاق من نار إبراهيم إلى مبعث يوسف، ومن مبعث يوسف إلى مبعث موسى، ومن مبعث موسى إلى ملك سليمان، ومن ملك سليمان إلى مبعث عيسى بن مريم، ومن مبعث عيسى بن مريم إلى مبعث رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وعلى جميع أنبيائه ورسله.

وأرّخ بنو إسماعيل من نار إبراهيم إلى بناء البيت، حتى بناه إبراهيم وإسماعيل. ثم أرّخ بنو إسماعيل من بنیان البيت حتى تفرقت معدّ، فكان كلما خرج قوم من تهامة أرّخوا مخرجهم، ومن بقي من تهامة من بني إسماعيل يؤرّخون خروج معدّ ونهد وجُهمنة - من بني زيد - من تهامة، حتى مات كعب بن لؤي إلى الفيل، فكان التاريخ من الفيل حتى أرّخ عمر بن الخطاب من الهجرة، وذلك سنة سبع عشرة أو ثمان عشرة.^۱

والمسعودي يقول:

«لم يزل من وصّفنا من قبائل العرب يؤرّخون بالأُمور المشهورة: من موت رؤسائهم، ووقائع وحروب كانت بينهم، إلى أن جاء الله بالإسلام

۱. تاریخ دمشق: ۱/ ۳۲ وراجع تاریخ الطبری: ۱/ ۱۹۳.

تاریخ گرفتند تا آن که طوفان پدید آمد و از ساکنان زمین، هلاک شدند آنها که هلاک شدند... پس [مبدأ] تاریخ، از طوفان تا به آتش افکندن ابراهیم شد. چون فرزندان اسماعیل زیاد شدند، بخش شدند و فرزندان اسحاق، از به آتش افکندن ابراهیم تا مبعث یوسف تا تاریخ نوشتند و نیز از مبعث یوسف تا مبعث موسی تا مبعث موسی، و از مبعث موسی تا پادشاهی سلیمان، و از پادشاهی سلیمان تا مبعث عیسی بن مریم، و از مبعث عیسی بن مریم تا مبعث پیامبر خدا - که درود خدا بر او و خاندانش و بر همه پیامبران و فرستادگان الهی باد -

فرزندان اسماعیل، از آتش ابراهیم تا بنای خانه [ی کعبه] را تاریخ قرار دادند؛ یعنی تا زمانی که ابراهیم و اسماعیل آن را ساختند. سپس فرزندان اسماعیل، بنای کعبه را تاریخ قرار دادند تا آن که معدّ پراکنده شدند، و چنین بود که هر گاه قومی از تهامة بیرون می شدند، زمان آن را تاریخ قرار می دادند و هر کس از تهامة از فرزندان اسماعیل باقی می ماند، بیرون شدن معدّ و نهد و جُهمینه (از بنی زيد) از تهامة را تاریخ قرار می داد، تا آن که کعب بن لؤی مُرد، تا [حملة سپاه] فیل که تاریخ، از [سال] فیل شد تا آن که عمر بن خطاب، هجرت [پیامبر خدا] را تاریخ قرار داد و آن، سال هفدهم یا هجدهم بود.

همچنین مسعودی می نویسد:

این قبایل عرب که نامشان را بردیم، همواره، رویدادهای مشهور (مانند: مرگ رؤسایشان، رویدادها و جنگ هایی که میانشان واقع می شد) را

فأجمع المسلمون على التاريخ من الهجرة^۱.
وهكذا بتطور الثقافة والعلم، انساقت مسيرة
كتابة التاريخ نحو التوحد والتعميم، فأضحى
التاريخ الميلاديّ عالميّاً، وغدا التاريخ الهجريّ
في العالم الإسلاميّ رسميّاً، ولا بأس - بهذه
المناسبة - أن نشير باختصار، إلى أسس التقويم:
الميلاديّ والهجريّ القمريّ والهجريّ الشمسيّ.

مَبْدَأُ التَّقْوِيمِ الْمِيلَادِيِّ

إنّ أساس التقويم الذي يعتمدُه عالمنا اليوم
قائم على ولادة السيّد المسيح^ﷺ، علماً
أنّ عيسى^ﷺ - كما نعلم - قد ولد في مدينة بيت
لحم، في زمن امبراطوريّة «أوغست» ملك الرُّوم
المعروف.

ولابدّ من الإشارة إلى أنّ العمل بهذا التقويم لم
يتمّ إلا بعد مرور قرون عديدة على ولادة السيّد
المسيح^ﷺ، فقد ظلّ التقويم على ما كان عليه
سابقاً، وهو تاريخ مدينة روما الأسطوريّة، وعلى
أساس التعديل الذي أجراه «جولين» عليه.

وبقي التقويم الرُّومي يعتمد على هذا
الأساس، إلى أن انتهى عهد «أوغست» و
«دقيانوس» وبدأ عهد «ديوكليسین» في عام
«۵۶۰ م».

تاریخ قرار می دادند، تا آن که خداوند، اسلام را
فرستاد و مسلمانان، بر هجرت به عنوان مبدأ
تاریخ، هم داستان شدند.

و بدین سان، پیشرفت علم و فرهنگ، به
همسان سازی نگارش تاریخ و جهانی شدن تاریخ
میلادی و رسمی شدن تاریخ هجری در جهان
اسلام انجامید. بدین مناسبت، در این جا به پایه
تقویم میلادی، تقویم هجری قمری و تقویم
هجری شمسی اشاره کوتاهی می کنیم:

پایه تقویم میلادی

مبنای تقویم بین المللی در جهان امروز،
ولادت مسیح^ﷺ است، با این آگاهی که عیسی
مسیح، در زمان آگوست، امپراتور مشهور روم،
در بیت اللحم به دنیا آمد. البته دنیای روم، بدون
اطلاع از این واقعه، قرن ها تقویم خود را بر مبنای
تاریخ افسانه ای شهر رُم و بر اساس اصلاحیه
ژولین ادامه می داد. عهد آگوست و دقيانوس
گذشت تا عهد ديوكليسین رسید (۵۶۰ م) و
کشیشی به نام ديونييسيوس اکزيگوس^۱ پیشنهاد داد

۱. در سال ۲۸۹م، جشن هزار ساله بنای روم را در زمان
این امپراتور گرفته اند «تقویم و تاریخ در ایران»، ذبیح
بهروز، ایران کوده، ش ۱۵، انجمن ایراتویج، تهران:
۱۳۴۱ ش: ۷۲).

وفي هذا الوقت اقترح القسّ «ديوني سيوس أكرزيكوس^۱ - Dionysius Exigus» - بعد «۷۵۹» عاماً على بناء مدينة روما - أن يجعل المسيحيون تقويمهم على أساس ولادة نبيهم عيسى عليه السلام، والهدف الباعث له على ذلك، هو أن التقويم القائم على تاريخ مدينة روما الأسطورية، فيه إحياء لذكرى شخصيات ظالمة من إمبراطورات روما. فرأى هذا القسّ أن تذكر شخصية عيسى عليه السلام بدل أولئك الظالمين، فجعل مبدأ التاريخ المسيحي هو ولادة السيد المسيح عليه السلام، فاعتمدته الكنيسة، وطلبت من جميع المسيحيين العمل به.

وكانت نتيجة الحسابات التي أجراها، أن كانت سنة «۲۴۷» الدقيانوسية، مقابلة لسنة «۵۲۵» الميلادية.

ثم جعل بداية العام الميلادي يوم «۵» مارس، بناءً على اقتراح دينس، وبهذا تكون بداية السنة بعد مضي «۷» أيام على ولادة السيد المسيح عليه السلام، وبمرور الزمن تغير ذلك، فصارت

۱. في عهد هذا الإمبراطور أقيم حفل بمناسبة مرور ألف عام على بناء روما، وذلك في سنة ۲۸۹ للميلاد. راجع: «تقويم وتاريخ در ایران»، ایران کوده (بالفارسية)، العدد ۷۲ / ۱۰.

که دنیای مسیحیت، تقویم خود را بر اساس ولادت مسیح عليه السلام قرار دهد. اعتراض او، بر این امر مبتنی بود که نباید نام شخص ظالم، در تاریخ، زنده بماند. او پیشنهاد کرد به جای اسم امپراتوران، سال ولادت مسیح عليه السلام را مبدأ تقویم عیسویت و کلیسا قرار دهند و خواستار آن شد که کلیه ملل مسیحی، از آن تبعیت نمایند. بر پایه حسابی که او کرده بود، سال ۲۴۷ دقيانوسی، پانصد و بیست و پنجمین سال تولد مسیح است. بنا به پیشنهاد دینس، ۲۵ مارس، آغاز سال و مبدأ گاه شماری مسیحیان شناخته شد. به حساب دیونیسوس، اول سال، هفت روز بعد از میلاد بوده است؛ ولی به مرور زمان، در پی تغییراتی که برای تنظیم گاه شماری صورت می گرفت، آغاز سال به تدریج به اول ماه مارس رسید و روز عید پاک، از اول ماه ژانویه تا ۲۵ ماه دسامبر در تغییر بوده است. این اصلاحیه، ۷۵۹ سال پس از بنای شهر رم، انجام شد.^۲

۱. تقویم و تقویم نگاری در تاریخ، ابوالفضل نبی: ۱۰۷-۱۰۸.
۲. برخی از محققان، معتقد به وجود دو فرد به نام عیسی در تاریخ شده اند: یکی «عیسای مصلوب» و دیگری «عیسای غیر مصلوب» که میان آنها بیش از پنج قرن فاصله بوده، ولی تاریخ میلادی رسمی، با هیچ یک از آن دو، منطبق نیست؛ زیرا مسیح اول که غیر مصلوب است، بیش از ۲۵۰ سال بر این تاریخ تقدّم دارد و مسیح دوم مصلوب، ۲۹۰ سال متأخر از این تاریخ است (ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن: ۳/ ۳۱۴).

پایه تقویم هجری قمری

در سال‌های نخستین بعثت پیامبر اسلام، آنچه برای مسلمانان به عنوان تاریخ مطرح بود، «رفتن به خانه ارقم» بود، که فلان حادثه پیش از رفتن به خانه ارقم بوده یا بعد از آن.^۱ پس از شکل‌گیری جامعه اسلامی در مدینه، هجرت پیامبر خدا به این شهر - که مبدأ تأسیس دولت اسلامی و گسترش اسلام در جهان شد - به عنوان مبدأ تاریخ اسلام، مورد توافق جامعه اسلامی قرار گرفت؛ اما درباره این که دقیقاً از چه زمانی، هجرت به عنوان مبدأ تاریخ تعیین شد، دو نظریه وجود دارد:

۱. پیامبر اسلام، پایه‌گذار تاریخ هجری است

نظریه اول، این است که پیامبر ﷺ در همان آغاز ورود به مدینه، شخصاً دستور تعیین تاریخ را از هجرت، صادر کرد. قرائنی، این نظریه را تأیید می‌کنند، از جمله آنچه طبری نقل کرده است که:

بداية السنة أول شهر مارس، وأصبح العيد المسيحي المقدس بين «٢٥» ديسمبر وبين الأول من يناير.^۲

مَبْدَأُ التَّقْوِيمِ الْهَجَرِيِّ الْقَمَرِيِّ

في السَّنَاتِ الْأُولَى مِنَ الْبَعْثَةِ النَّبَوِيَّةِ الْمُبَارَكَةِ، كَانَ «الذَّهَابُ إِلَى بَيْتِ الْأَرْقَمِ» مَبْدَأُ لِلتَّارِيخِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ، فَكَانُوا يَقُولُونَ: هَذِهِ الْحَادِثَةُ وَقَعَتْ قَبْلَ ذَلِكَ، أَوْ بَعْدَ ذَلِكَ.^۳ وَبَعْدَ إِقَامَةِ الْمَجْتَمَعِ الْإِسْلَامِيِّ فِي الْمَدِينَةِ، أَصْبَحَتْ الْهَجْرَةُ النَّبَوِيَّةُ مَبْدَأُ لِلتَّارِيخِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ. وَثَمَّةُ رَأْيَانٍ فِي زَمَانِ اتِّخَاذِ الْهَجْرَةِ مَبْدَأُ لِلتَّارِيخِ:

۱. إِنْ النَّبِيَّ ﷺ هُوَ الَّذِي اتَّخَذَ التَّارِيخَ الْهَجَرِيَّ

وَيَرَى هَذَا الرَّأْيُ أَنَّ الرَّسُولَ ﷺ مِنْذُ وَرُودِهِ الْمَدِينَةِ، قَرَّرَ اتِّخَاذَ الْهَجْرَةِ بَدَايَةَ لِلتَّقْوِيمِ. وَثَمَّةُ مَا يُؤَيِّدُ هَذَا الرَّأْيَ، مِنْ ذَلِكَ مَا رَوَاهُ الطَّبْرِيُّ:

۱. تقویم و تقویم نگاری در تاریخ (بالفارسیه): ص ۱۰۷ و ۱۰۸.
۲. يعتقد بعض المحققين وجود شخصين باسم عيسى في التاريخ. الأول: «عيسى المصلوب» والآخر «عيسى غير المصلوب» وبينهما أكثر من خمسة قرون. والتاريخ الميلادي لا يتطابق مع أي واحد منهما، لأن المسيح غير المصلوب يتقدم على التاريخ الميلادي ٢٥٠ عاماً، والمسيح المصلوب يتأخر ٢٩٠ عاماً على هذا التاريخ (راجع: الميزان في تفسير القرآن: ٣/ ٣١٤).

۳. راجع: تاريخ المدينة: ٣/ ٩٥٤ و البداية والنهاية: ٥/ ٣٤٩.

۱. ر.ك: تاريخ المدينة: ٣/ ٩٥٤، البداية والنهاية: ٥/ ٣٤٩.

إِنَّ النَّبِيَّ لَمَّا قَدِمَ الْمَدِينَةَ - وَقَدِمَهَا فِي شَهْرِ ربيع الأول - أَمَرَ بِالتَّأْرِيخِ.^۱

وقد أَيْدَ سَمَاحَةَ السَّيِّدِ جَعْفَرٍ مَرْتَضَى الْعَامِلِيَّ هَذَا الرَّأْيَ.^۲

۲. إِنَّ الْخَلِيفَةَ الثَّانِيَّ هُوَ الَّذِي اتَّخَذَ ذَلِكَ

يَرَى الرَّأْيَ الْآخَرَ أَنَّ الْخَلِيفَةَ الثَّانِيَّ عَزَمَ فِي الْعَامِ السَّابِعِ عَشَرَ مِنَ الْهَجْرَةِ عَلَى وَضْعِ مَبْدَأٍ لِلتَّأْرِيخِ، وَقَدْ ذَكَرْتُ لَهُ اقْتِرَاحَاتٍ عَدِيدَةً، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: تَأْرِيخُ الرُّومِ^۳، وَبَعْضُهُمْ: تَأْرِيخُ الْفُرسِ^۴، وَبَعْضُهُمْ: مَوْلِدُ النَّبِيِّ^۵، وَبَعْضُهُمْ: الْبَعْثَةُ^۶، وَبَعْضُهُمْ: وَفَاةُ النَّبِيِّ^۷. أَمَّا الْإِمَامُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاقْتَرَحَ الْهَجْرَةَ، فَتَمَّ الْإِتْفَاقُ عَلَى ذَلِكَ.

يقول سعيد بن المسيَّب:

«قال عمر: متى نكتب التَّأْرِيخَ؟ وجمع المهاجرين. فقال له عليٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: من يوم هاجر النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْمَدِينَةِ. فَكُتِبَ التَّأْرِيخُ».^۸

إِنَّ سَمَاحَةَ الشَّيْخِ رَسُولِ جَعْفَرِيَّانِ جَمَعَ بَيْنَ

پیامبر ﷺ چون به مدینه آمد - و آمدنش در ماه ربیع اول بود -، دستور به تعیین تاریخ داد.

محقق معاصر، سید جعفر مرتضی عاملی، این نظریه را برگزیده است.^۱

۲. خلیفه دوم، تاریخ هجری را پایه نهاد

نظریه دیگر، این است که در سال هفدهم هجری، خلیفه دوم، تصمیم گرفت که مبدای برای تاریخ قرار دهد. پیشنهاد های مختلفی مطرح شد. برخی تاریخ روم،^۲ برخی تاریخ فارس،^۳ برخی تولد پیامبر ﷺ،^۴ برخی بعثت،^۵ و برخی وفات ایشان^۶ را پیشنهاد کردند؛ اما امام علی علیه السلام هجرت را پیشنهاد کرد و همین، پذیرفته شد. سعید بن مسیب می گوید:

عمر گفت: از کی تاریخ بنویسیم؟ او مهاجران را گرد آورد. علی علیه السلام به او فرمود: «از روزی که پیامبر ﷺ به مدینه هجرت کرد». پس همان، مبدای تاریخ قرار داده شد.^۷

فاضل گرانقدر، آقای رسول جعفریان، میان

۱. ر.ک: الصحيح من سيرة النبي الأعظم ﷺ: ۴/ ۱۸۶-۲۰۲.

۲. تاریخ الطبری: ۲/ ۳۸۹.

۳. همان جا.

۴. كنز العمال: ۱۰/ ۳۱۰/ ۲۹۵۵۶.

۵. همان جا.

۶. همان جا.

۷. التاريخ الكبير: ۹/ ۱.

۱. تاریخ الطبری: ۲/ ۳۸۸.

۲. راجع: الصحيح من سيرة النبي الأعظم ﷺ: ۴/ ۱۸۶-۲۰۲.

۳. راجع: تاریخ الطبری: ۲/ ۳۸۹.

۴. نفس المصدر.

۵. راجع: كنز العمال: ۱۰/ ۳۱۰/ ۲۹۵۵۶.

۶. نفس المصدر. ۷. نفس المصدر.

۸. التاريخ الكبير: ۹/ ۱.

الرأیین إذ قال:

«من مجموع ما روي في هذا المجال، نفهم أنَّ الهجرة باعتبارها نقطة عطف هامة في حياة الرسالة، اتُّخذت مبدأ لتاريخ الحوادث، وبعد وفاة الرسول وظهور حوادث كبيرة أخرى، من المحتمل أنَّ أهمية الهجرة قد تضاعفت في الأذهان، أو ربَّما نُسيت؛ إذ يدلُّ على ذلك ما يروي عن ابن عباس: أنَّ النبي ﷺ لما قدم المدينة لم يكن ثمة مبدأ للتاريخ، وبعد شهرين من قدومه استعمل التاريخ. (طبيعي أنَّ يكون التاريخ الهجري نفسه). وقد استمرَّ هذا التاريخ حتَّى وفاة النبي ﷺ، ثم انقطع بعد ذلك، ولم يكن ثمة تاريخ أيام خلافة أبي بكر والسَّنوات الأربع الأولى من خلافة عمر، ثم وضع التاريخ الهجري. لذلك يمكن الجمع بين الرأيين؛ أي إنَّ الهجرة اتُّخذت مبدأ للتاريخ في حياة الرسول ﷺ بشكل طبيعي أو بتقرير من النبي، لما للحوادث المهمة من دور في تعيين مبدأ التاريخ، ولكنَّ هذا التاريخ قد نُسي بعد وفاة النبي ﷺ، وبعد أعوام ظهرت الحاجة إلى مبدأ للتاريخ، وأعيد التاريخ الهجري باقتراح من الإمام علي عليه السلام لما كان للإمام من اهتمام خاصَّ بانتهاج ما أقرَّه الرسول ﷺ، أضاف إلى ذلك أنَّ مبدأ التاريخ الهجري - الذي ينبغي أن يكون ربيع الأوَّل - قد بُدِّل - مع الأسف - إلى شهر

نظريهٔ اوَّل و دوم، به گونه‌ای جمع کرده که به نظر، درست می‌رسد. او می‌گوید:

آنچه از مجموع مسائلی که در این زمینه نقل شده، به دست می‌آید، این است که هجرت، به عنوان یک تحوُّل مهم در دورهٔ حیات رسول خدا، مبدأ رخدادها به شمار می‌آمده است؛ اما با وفات رسول خدا و پیدایش رخدادهای دیگر، محتملاً از اهمیت آن کاسته شده و یا حتّی به فراموشی سپرده شده بود. روایتی از ابن عباس، بر همین دلالت می‌کند. او می‌گوید: «هنگامی که نبی اکرم به مدینه پای گذاشت، تاریخی در آن سامان وجود نداشت. مردم، یکی دو ماهی پس از ورود ایشان، تاریخی را [که قاعدتاً باید همان هجرت باشد] به کار می‌بردند. این تاریخ، تا زمان وفات رسول خدا ادامه یافت و پس از آن، قطع شد و در ایام خلافت ابوبکر و چهار سال نخست خلافت عمر، تاریخی وجود نداشت، پس، تاریخ هجری وضع شد». بدین ترتیب، می‌توان میان هر دو نظر، توافقی به وجود آورد؛ بدین معنا که مبدأ شدن هجرت در دورهٔ حیات رسول خدا، به طور طبیعی و یا به دستور پیامبر خدا صورت گرفت و این، به تبع همان قاعدهٔ پیشین بود که رخدادی مهم، مبدأ تاریخ قرار می‌گرفت؛ اما بعد از رحلت رسول اکرم، به فراموشی سپرده شد و چند سال بعد از آن، با توجه به نیازی که به یک مبدأ احساس می‌شد، به پیشنهاد امام علی عليه السلام [که حساسیت خاصی بر روی پیروی از شیوهٔ رسول اکرم داشت] احیا شد. به علاوه و شاید متأسفانه، مبدأ سال - که قاعدتاً باید از ربيع اوَّل (ماه هجرت)

محرم^۱.

می بود - به محرم تبدیل شد.

مبدأ التقویم الهجری الشمسی

بهذا الشكل الذي أشرنا إليه قد أقرَّ التَّاريخ الهجری القمريّ في المجتمعات الإسلاميّة، وكتب التَّاريخ، وكان إلى جانبه التَّاريخ الهجری الشمسيّ الذي يتَّخذ من السَّنة الشمسيّة أساساً في تقويمه؛ لثباتها في تعيين الفصول، وهو أمر هامّ في شؤون الزراعة والخراج، والعمل على تطابق هذين التَّاريخين في الثقافات المختلفة ممّا اهتمّ به الباحثون وقدموا في ذلك اقتراحاتهم.

إنَّ حساب السَّنة الشمسيّة قبل ظهور التَّاريخ الجلالی في سنة ۴۶۷ هـ أو ۴۷۱ هـ، كان على أساس تقسيم السَّنة إلى اثني عشر شهراً، لكلِّ شهر ثلاثون يوماً، فيصبح المجموع ۳۶۰ يوماً، أمّا الأيام الخمسة الباقية فكانت تضاف إلى نهاية شهر آبان (ثامنُ الأشهرِ الشمسيّة) أو إسفند (آخرُ الأشهرِ الشمسيّة) فيصبح المجموع ۳۶۵ يوماً، ويبقى من زمان دورة الشَّمس حول الأرض ۵ ساعات و ۴۸ دقيقة و ۴۵/۵۱ ثانية، وهذه المدة تصبح كلّ أربع سنوات يوماً واحداً، ولم يكن هذا اليوم يُحتسب، لذلك كان اليوم الأوّل من شهر فروردین (أوّلُ الأشهرِ الشمسيّة) يتغيّر في فصول

پایه تقویم هجری شمسی

بدان سان که اشارت رفت، تاریخ هجری قمری در جامعه اسلامی و کتاب های تاریخی، مورد استفاده قرار گرفت؛ اما در کنار آن، سال شمسی به دلیل ثبات آن در تعیین فصول، همیشه به عنوان سالِ مورد استفاده در امور کشاورزی و خراج و جز آن، اهمیت خود را حفظ کرده و در تقویم ها، محاسبه و یاد می شده است. تطبیق این دو روش شمار با یکدیگر، در فرهنگ های مختلف، همیشه مورد بحث واقع شده و راه حل های مختلفی برای آن، ارائه گردیده است.

محاسبه سال شمسی تا پیش از پیدایش تاریخ جلالی در سال ۴۶۷ یا ۴۷۱ ق، بدین ترتیب بود که سال را به دوازده ماه سی روزه تقسیم می کردند که جمعاً ۳۶۰ روز می شد. پنج روز باقی مانده را در پایان آبان ماه یا اسفند ماه بر آن می افزودند که جمعاً ۳۶۵ روز می شد. با این حال، پنج ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۵ ثانیه و ۵۱ صدم ثانیه باقی می ماند. این زمان، در هر چهار سال، یک روز می شد و از آن جا که در محاسبه نمی آمد، روز اوّل فروردین در فصول سال، تغییر می کرد. بنا بر این، ماه های شمسی نیز در آن زمان، مانند ماه های قمری در

۱. سیره رسول خدا ﷺ (بالفارسیّة): ۳۷۵-۳۷۶.

السَّنة، وكانت الأشهر الشمسية آنثـ. مثل الأشهر القمرية - تتغير في فصول السنة، وهذا يعني أنَّ النوروز (أول أيام السنة الشمسية) لم يكن يصادف بداية شهر فروردین الواقعي (أي بداية نقطة الاعتدال الربيعي).

وحين تولی یزدجرد الثالث (آخر الملوك الساسانیین) الحكم سنة ۶۳۲ میلادی، كان اليوم الأول من السنة (أي الأول من فروردین في ذلك التاريخ) في ۱۶ حزیران، أي السابع من خرداد (ثالث الأشهر الشمسية)؛ ذلك لأنَّ اليوم الأول من فروردین كان يتأخر كلَّ أربع سنوات يوماً واحداً.

وفي سنة ۴۶۷ هـ. ش (الموافقة لسنة ۱۰۸۸ میلادی) كان يوم النوروز مطابقاً للثاني عشر من اسفند، وفي هذا العام أمر ملكشاه السلجوقي المنجمين أن يعملوا حساباً دقيقاً للسنة الشمسية ويعتوا اليوم الأول من فروردین، وعلى أساس حساب الخواجه عبدالرحمن الخازني - منجم مرو - تقدّم اليوم الأول من نوروز ثمانية عشر يوماً، وأصبح في بداية الاعتدال الربيعي، أي أخذ فروردین الواقعي مكانه الحقيقي. وفي الحساب الجديد أصبحت السنة ۳۶۵ يوماً (كلَّ شهر ۳۰ يوماً مع إضافة خمسة أيام إلى شهر آبان أو شهر اسفند)، ويبقى يوم واحد يُضاف إلى السنة الرابعة في كلَّ أربع سنين مع احتساب الساعات الخمس وكسورها، فتكون

فصول سال، متغير بود. معنای این سخن آن است که نوروز، در ابتدای فروردین واقعی، یعنی نقطه آغاز اعتدال ربیعی قرار نداشت.

زمانی که یزدگرد سوم، آخرین شاه ساسانی، در سال ۶۳۲ م به تخت نشست، روز نخست سال، یعنی اول فروردین در آن تاریخ، مطابق با شانزدهم حزیران (ژوئن) بود و هفتم خرداد؛ زیرا با محاسبه یاد شده، روز نوروز یا اول فروردین، هر چهار سال، یک روز به عقب می آمد.

در سال ۴۶۷ ق، روز نوروز، مطابق دوازدهم حوت (اسفند) بود. در این سال، ملک شاه سلجوقی، دستور داد تا منجمان، محاسبه دقیقی از سال شمسی انجام دهند و روز اول فروردین را تعیین کنند. بر اساس محاسبه خواجه عبد الرحمان خازنی، منجم مرو، به جای آن که بر اساس محاسبه قبلی، روز دوازدهم اسفند، اول فروردین دانسته شود، اول فروردین را هجده روز جلوتر بردند و در ابتدای اعتدال ربیعی، یعنی فروردین واقعی قرار دادند. در محاسبه جدید، هر سال را در چهار نوبت، ۳۶۵ روز محاسبه می کردند (دوازده سی روز، به ضمیمه پنج روز که در آخر ماه آبان یا اسفند افزوده می شد) و سال

۳۶۶ يوماً، وبهذا الترتيب يصبح اليوم الأول من السنة الشمسية (الأول من فروردین) ثابتاً. من هنا كانت سنة ۴۶۷ هـ. ش (أو ۴۷۱ هـ. ش) هي السنة الأولى التي يطابق فيها اليوم الأول من فروردین بداية الاعتدال الربيعي^۱. وفي سنة ۱۳۰۴ هـ. ش (۱۳۴۳ هـ. ق / ۱۹۲۵ م) اتخذ التقويم الشمسي تقویماً رسمياً في ایران، وتم العمل بالحساب السابق لدقته، والتغيير الوحيد الذي حدث هو احتساب الأشهر الستة الأولى من السنة ۳۱ يوماً، والأشهر الخمسة التالية ۳۰ يوماً، والشهر الأخير (اسفند) ۲۹ يوماً، وفي كل أربعة أعوام يصبح هذا الشهر الأخير ۳۰ يوماً، وتلك السنة تسمى كبیسة^۲.

پنجم را ۳۶۶ روز محاسبه می کردند. البته پس از هر دوره چهار ساله، سال پنجم را ۳۶۶ روز قرار می دادند. در این محاسبه، آن پنج ساعت و اندی نیز در محاسبه می آمد. بدین ترتیب، روز نوروز، به عنوان نخستین روز فروردین ماه، از آن سال، ثابت ماند.

بنابر این، [پس از هجرت پیامبر ﷺ] نخستین

سالی که روز اول فروردین آن، دقیقاً مطابق آغاز

زمان اعتدال ربیعی بوده، سال ۴۶۷ ش (یا ۴۷۱

ش) بوده است.

۱. مجموع ما ذکر استندنا فيه إلى مقالات تقي زاده، گاه شماری در ایران (بالفارسیة): ۱۰ / ۳-۶، طهران ۱۳۵۷، ومقالته تحت عنوان «نوروز» في مجلة یادگار، العدد ۷، ومادة «نوروز» في لفتنامه دهخدا.

وحول الاختلاف في بداية النوروز السلطاني أكان سنة ۴۶۷ هـ. ش أو ۴۷۱ هـ. ش أنظر: مقالات - أيضاً - : ۱ / ۱۶۸ الهامش. ولمحيط الطباطبائي توضيحات هامة بشأن المراحل التي مر بها التقويم في ایران، فقد وجه الاختلاف بخصوص الستين المذكورين، وكذلك إضافة الأيام الخمسة إلى نهاية آبان واسفند (راجع: تاريخ تحولات تقويمي در ایران از نظر نجومی، مجلة ميراث جاويدان (بالفارسیة)، العدد ۱۵-۱۶ / ۱۰۱-۱۰۸).

۲. انظر نص مصادقة المجلس الوطني ليلة ۱۱ فروردین سنة ۱۳۰۴ هجرية شمسية، وغيره من الوثائق في مجلة ميراث جاويدان (بالفارسیة)، العدد ۱۵-۱۶ / ۱۰۹-۱۱۸ پیدایش وسیر تحول تقویم هجري شمسي، محمدرضا صیاد.

در سال ۱۳۰۴ ش (۱۳۴۳ ق، ۱۹۲۵ م) در

ایران، تقویم شمسی، به عنوان تقویم رسمی

پذیرفته شد. محاسبه پیشین که دقیق بود، مراعات

شد و تنها به جای افزودن پنج روز به سال، شش

ماه نخست سال را ۳۱ روز، و پنج ماه دوم را سی

روز و اسفند را ۲۹ قرار دادند که هر چهار سال یک

بار، سی روز محاسبه می شد. نیز سالی را که

اسفند آن سی روز بود، «سال کبیسه» نامیدند.

ولقد أقرّ التقويم الهجريّ الشمسيّ في دستور الجمهوريّة الإسلاميّة، إلى جانب التقويم الهجريّ القمريّ باعتباره التقويم الدينيّ^۱.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مبنای محاسبه سال، شمسی است و سال قمری نیز در کنار آن، به عنوان تقویم دینی، مورد تأکید قرار گرفته است.^۱



۱. ما ذکرناه تحت عنوان: «أساس التقويم الهجري الشمسي» أخذناه من مقالة تحت عنوان (نوروز ومحاسبه آن در تقویم شمسی «بالتفاریسی»)، لرسول جعفریان، ولمزید الاطلاع علی ما کتبه راجع: (مقالات تاریخی، الکتراس الشانی، ۲۰۹ وما بعدها).

۱. آنچه تحت عنوان «پایه تقویم هجری شمسی» ملاحظه شد، برگرفته از مقاله‌ای تحت عنوان «نوروز و محاسبه آن در تقویم شمسی»، نوشته آقای رسول جعفریان است. برای ملاحظه کامل این نوشتار، رک: مقالات تاریخی: ۲۰۹/۲ به بعد.

الأرض

زمن



مركز بحوث ودراسات إسلامية

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٥٨/١٠٠ باب ٩، وسائل الشيعة: ١١/١١٩ باب ٧٢ وأحكام الأرضين.

بحار الأنوار: ١٠٣/٢٥٣ باب ٢، وسائل الشيعة: ١٧/٣٢٦ وإحياء الموات.

كنز العمال: ٣/٩٠٥، إحياء الموات.

كنز العمال: ٣/٩١٣ وفيما يتعلق بالإقطاعات.

انظر:

عنون ١٥٠ والخلقة.

الخالق: باب ١٠٩٨، الشركة: باب ١٩٧٩.

۸۶

الأرض

الكتاب:

﴿وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ۖ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا
وَمَرْعَاهَا﴾^۱

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ
يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾^۲

﴿أَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ﴾^{۳، ۴}

الحديث:

۲۹۲. الإمام علي عليه السلام - مِنْ خُطْبَةٍ يَصِفُ فِيهَا قُدْرَةَ
الله جلّ وعلا -: أَنشَأَ الْأَرْضَ فَأَمْسَكَهَا مِنْ
غَيْرِ اشْتِغَالٍ، وَأَرْسَاهَا عَلَىٰ غَيْرِ قَرَارٍ،
وَأَقَامَهَا بِغَيْرِ قَوَائِمٍ، وَرَفَعَهَا بِغَيْرِ دَعَائِمٍ،
وَحَصَّنَهَا مِنَ الْأَوْدِ وَالْإِغْوِجَاجِ، وَمَنَعَهَا مِنَ
التَّهَافُتِ وَالْإِنْفِرَاجِ، أَرَسَنِي أَوْتَادَهَا، وَضَرَبَ

۱. النازعات: ۲۷-۳۱. ۲. الطلاق: ۱۲.

۳. أي ألقى فيها جبلاً شامخاً لئلا تضطرب بكـم. وفيه إشعار
بأن بين الجبال والزلازل رابطة مستقيمة (الميزان في تفسير
القرآن: ۲۱۱/۱۶).

۴. لقمان: ۱۰.

۸۶

زمین

قرآن:

«و بعد از آن زمین را گستراند. از آن آب و چراگاه
بیرون آورد».

«خداوند، کسی است که هفت آسمان را آفریده است و
از زمین نیز همانند آن را، فرمان او از میان آنها نازل
می‌گردد تا بدانید که خداوند بر هر کاری توانا است،
و اینکه خداوند بر هر چیز احاطه علمی دارد».

«در زمین کوهها بیفکنند تا شما را نجنبانند».

حدیث:

۲۹۲. امام علی علیه السلام - در خطبه‌ای که قدرت خداوند
را توصیف نموده - فرمود: زمین را ایجاد
کرد، و آن را بدون درد سر نگاه داشت و آن
را بر جایی بدون آرامش استوار کرد، و
بدون پایه برپا داشت، و بی هیچ ستونی آن را
برافراشت، و آن را از کجی نگاه داشت، و
آن را از افتادن و شکافته شدن باز داشت.
میخهای آن را محکم و سدهایش را نصب
کرد و چشمه‌هایش را جاری ساخت و
رودبسارهایش را شکافت. پس آنچه

أَشَدَّادَهَا، وَاسْتَفَاضَ عُيُونَهَا، وَخَذَّ أَوْدِيَّتَهَا،
فَلَمْ يَهِنْ مَا بَنَاهُ، وَلَا ضَعُفَ مَا قَوَّاهُ.^۱

۸۷

تَاهِيلُ الْأَرْضِ لِلْمَعِيشَةِ

الكتاب:

«الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا»^۲.

الحديث:

۲۹۵. الإمام علي عليه السلام: اللَّهُمَّ رَبَّ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ...
وَرَبَّ هَذِهِ الْأَرْضِ الَّتِي جَعَلْتَهَا قَرَارًا لِلْأَنْعَامِ،
وَمَذْرَجًا لِلْهَوَامِّ وَالْأَنْعَامِ وَمَا لَا يُحْصَى مِمَّا
يُرَى وَمَا لَا يُرَى.^۳

۲۹۶. الإمام زين العابدين عليه السلام: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا» -: جَعَلَهَا
مُلَانِمَةً لِّطِبَائِنِكُمْ مُوَافِقَةً لِأَجْسَادِكُمْ، لَمْ
يَجْعَلْهَا شَدِيدَةَ الْحَرِّ وَالْحَرَارَةِ فَتُحْرِقَكُمْ،
وَلَا شَدِيدَةَ الْبُرُودَةِ فَتُجَمِّدَكُمْ، وَلَا شَدِيدَةَ
طَيْبِ الرِّيحِ فَتُصْدِعَ هَامَاتِكُمْ، وَلَا شَدِيدَةَ
النَّتَنِ فَتُطَبِّبَكُمْ، وَلَا شَدِيدَةَ اللَّيْنِ كَالْمَاءِ
فَتُغْرِقَكُمْ، وَلَا شَدِيدَةَ الصَّلَابَةِ فَتُصَلِّبَكُمْ
عَلَيْكُمْ فِي دُورِكُمْ وَأَبْنِيَّتِكُمْ وَقُبُورِ مَوْتَاكُمْ،
وَلَكِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ فِيهَا مِنَ الْمَتَانَةِ مَا

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۸۶. ۲. البقرة: ۲۲.

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۷۱.

ساخت، سست نشد و آنچه را نیرومند کرد،
ضعیف نگشت.

۸۷

آماده سازی زمین برای زندگی

قرآن:

«آنکه زمین را [همچون] زیرانداز شما کرد».

حدیث:

۲۹۵. امام علی علیه السلام: ای خدای آسمان برافراشته... و ای
پروردگار این زمینی که آن را جایگاه آرامش
مردمان و محل رفت و آمد حشرات و چارپایان
و آنچه در شمار نمی آید از آنها که دیده
می شوند و از آنها که دیده نمی شوند قرار دادی!
۲۹۶. امام زین العابدین علیه السلام: درباره گفته خداوند
عَزَّ وَجَلَّ: «آنکه زمین را [همچون] زیرانداز
شما کرد» - فرمود: آن را ملایم طبع شما و
موافق با پیکرهایتان قرار داد، نه آن اندازه
گرم و سوزان که شما را بسوزاند و نه آن قدر
سرد که منجمدتان کند، نه بوی تنیدی دارد
که سر درد بگیرد و نه آن قدر بدبو که
هلاکتان گرداند، نه آن قدر نرم است که
چون آب شما را غرق سازد و نه آن اندازه
سخت است که نتوانید در آن خانه و
ساختمان بسازید و مرده هایتان را جای
دهید؛ بلکه خداوند عَزَّ وَجَلَّ آن را به
اندازه ای محکم ساخت که از آن سود
می برید و خود و ساختمان هایتان را نگه
می دارید و آن را به گونه ای قرار داد
که برای خانه ها و قبر هایتان و بسیاری از
دیگر منافع در اختیار شماست، پس از

این روست که زمین را بستر شما قرار داد.

۸۸

یکی از احکام زمین

۳۹۷. امام باقر علیه السلام : در کتاب علی علیه السلام یافته ایم که:

«همانا زمین از آن خداوند است و آن را به هر کس از بندگان که بخواهد به ارث می دهد و فرجام از آن پرهیزگاران است» و من و خاندانم همانان هستیم که [خداوند] زمین را به ما به ارث داده و ماییم پرهیزگاران. همه زمین از آن ماست. پس، هر کس قطعه ای از زمین های مسلمانان را احیا و آباد کند، باید خراج آن را به امامی که از خاندان من است، پردازد و آنچه از آن زمین می خورد، متعلق به اوست.

۳۹۸. امام صادق علیه السلام - در تفسیر آیه «همانا زمین از آن خداوند است و آن را به هر کس از بندگان که بخواهد به ارث می دهد» - فرمود: آنچه از آن خداست، متعلق به پیامبرش می باشد و آنچه از آن پیامبر خداست برای امام بعد از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می باشد.

۸۹

هرکس زمینی را احیا کند از آن اوست

۳۹۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که زمین مرده ای را زنده کند آن زمین از آن اوست و برای ریشه [یا: نهال] غاصب^۱ حقی نیست.

۱. «عرق ظالم» به این معناست که کسی بیاید و در زمینی که شخص دیگری احیا کرده است نهالی بکارد یا زراعت کند یا اقدام دیگری به عمل آورد تا با این کار مالک و مستوجب حقی در زمین بشود. چنین عملی موجب حق نمی شود. عرق به معنای ریشه درخت، یا نهال و یا مکان غرس نهال است (لسان العرب: مادة عرق) - م.

تَنْتَفِعُونَ بِهِ وَتَتَمَسَّكُونَ وَتَتَمَسَّكُ عَلَيْهَا أَبْدَانُكُمْ وَبُنْيَانُكُمْ، وَجَعَلَ فِيهَا مَا تَنْقَادُ بِهِ لِدَوْرِكُمْ وَقُبُورِكُمْ وَكَثِيرٌ مِنْ مَنَافِعِكُمْ، فَلِذَلِكَ جَعَلَ الْأَرْضَ فِرَاشًا لَكُمْ.^۱

۸۸

من احکام الارض

۳۹۷. الإمام الباقر علیه السلام : وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيٍّ علیه السلام :

«إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» ، وَأَنَا وَأَهْلُ بَيْتِي الَّذِينَ أَوْزَنَّا (اللَّهُ) الْأَرْضَ ، وَنَحْنُ الْمُتَّقُونَ ، وَالْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا ، فَمَنْ أَحْيَا أَرْضًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَعَمَّرَهَا فَلْيُؤَدِّ خَرَجَهَا إِلَى الْإِمَامِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي ، وَلَهُ مَا أَكَلَ مِنْهَا.^۲

۳۹۸. الإمام الصادق علیه السلام - فِي قَوْلِهِ سُبْحَانَهُ : «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ»^۳ :-
فَمَا كَانَ اللَّهُ فَهُوَ لِرَسُولِهِ ، وَمَا كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ فَهُوَ لِلْإِمَامِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله.^۴

۸۹

من احيا أرضاً فهي له

۳۹۹. رسول الله صلی الله علیه و آله : مَنْ أَحْيَا أَرْضًا مَيْتَةً فَهِيَ لَهُ ، وَلَيْسَ لِعِرْقٍ ظَالِمٍ حَقٌّ.^۵

۱. التوحيد: ۱۱/۴۰۴. ۲. تفسير العياشي: ۶۶/۲۵/۲. ۳. الأعراف: ۱۲۸. ۴. تفسير العياشي: ۶۵/۲۵/۲. ۵. بحار الأنوار: ۱۳/۲۵۵/۱۰۴.

۵۰۰. عنه عليه السلام: الْأَرْضُ أَرْضُ اللَّهِ، وَالْعِبَادُ عِبَادُ اللَّهِ، مَنْ أَحْيَا مَوَاتًا فَهِيَ لَهُ.^۱

۵۰۱. عنه عليه السلام: الْعِبَادُ عِبَادُ اللَّهِ، وَالْبِلَادُ بِلَادُ اللَّهِ، فَمَنْ أَحْيَا مِنْ مَوَاتِ الْأَرْضِ شَيْئًا فَهُوَ لَهُ، وَلَيْسَ لِعَزْقِ ظَالِمٍ حَقٌّ.^۲

۵۰۲. عنه عليه السلام: مَوَاتَانِ الْأَرْضِ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، فَمَنْ أَحْيَا مِنْهَا شَيْئًا فَهُوَ لَهُ.^۳

۵۰۳. عنه عليه السلام: مَنْ عَمَّرَ أَرْضًا لَيْسَتْ لِأَحَدٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا.^۴

۵۰۴. عنه عليه السلام: مَنْ سَبَقَ إِلَى مَا لَمْ يَسْبِقْ إِلَيْهِ مُسْلِمٌ فَهُوَ لَهُ.^۵

۵۰۵. عنه عليه السلام: مَا أَحْطَطْتُمْ عَلَيْهِ وَاعْتَمَلْتُمُوهُ فَهُوَ لَكُمْ، وَمَا لَمْ يُحْطَ عَلَيْهِ فَهُوَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ.^۶

(انظر) عنوان ۲۰۲ «الزراعة»، ۲۵۹ «الشجر».

۹۰

إِمَانَةُ الْأَحْيَاءِ

۵۰۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ نَبْتٍ يَنْبُتُ إِلَّا وَيَحُفُّهُ مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِهِ حَتَّى يَخْصِدَهُ، فَيَأْتِيَا امْرَأِي وَطَيَّ ذَلِكَ النَّبْتَ يَلْعَنُهُ ذَلِكَ الْمَلَكُ.^۷

۵۰۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: زمین، زمین خداست و بندگان، بندگان خداوند؛ هر که زمینِ مواتی را احیا کند، آن زمین از آن اوست.

۵۰۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بندگان، بنده خداوند و سرزمینها از آن خداست؛ پس هر کس چیزی از اراضی موات را احیا کند، متعلق به خود اوست و برای نهال غاصب حقی نیست.

۵۰۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: اراضی موات، از آن خدا و پیامبر اوست؛ پس، هر که زمین مرده‌ای را زنده کند آن زمین متعلق به اوست.

۵۰۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر که زمین بی‌صاحبی را آباد کند، نسبت به آن اولویت دارد.

۵۰۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر که به چیزی برسد که مسلمانی پیش از او به آن نرسیده، آن چیز از آن اوست.

۵۰۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: زمینی که پیرامونش دیوار کشیده و در آن کار کرده‌اید، از آن شماست. اما آنچه را که دیوار نکرده‌اید مال خدا و پیامبرش می‌باشد.

۹۰

نابود کردن زمین‌های آباد

۵۰۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هیچ گیاهی نمی‌روید مگر این که فرشته‌ای گماشته بر آن، از آن حراست می‌کند تا آن را درو کند. پس، هر کس آن گیاه را لگدکوب کند آن فرشته او را لعنت می‌کند.

- | | |
|----------------------|----------------------|
| ۱. کنز العمال: ۹۰۴۴. | ۲. کنز العمال: ۹۰۴۶. |
| ۳. کنز العمال: ۹۰۴۹. | ۴. کنز العمال: ۹۰۵۳. |
| ۵. کنز العمال: ۹۰۶۲. | ۶. کنز العمال: ۹۰۸۶. |
| ۷. کنز العمال: ۹۱۲۲. | |

۵۰۷. عنه علیه السلام: اخْرِجْ يَا عَلِيُّ فَقُلْ عَنِ اللَّهِ لَا عَن رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَعَنَ اللَّهُ مَنْ يَقَطْعُ السَّدْرَ^۱.

۵۰۸. الإمام الصادق علیه السلام: أَيُّمَا رَجُلٍ أَتَتْ خَرِبَةٌ بَاثِرَةٌ فَاسْتَخَرَجَهَا وَكَرَى أَنْهَارَهَا وَعَمَّرَهَا فَإِنَّ عَلَيْهِ فِيهَا الصَّدَقَةَ، وَإِنْ كَانَتْ أَرْضٌ لِرَجُلٍ قَبْلَهُ فَغَابَ عَنْهَا وَتَرَكَهَا فَأَخْرَبَهَا، ثُمَّ جَاءَ بَعْدُ يَطْلُبُهَا فَإِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ وَلِمَنْ عَمَّرَهَا^۲.

(انظر) الشجر: باب ۱۹۴۰.

وسائل الشيعة: ۳۲۸/۱۷ باب ۳.



مرکز تحقیقات کتب و نشر اسلامی

۵۰۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! برو و از قول خدا، نه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، بگو: لعنت خدا بر کسی که درخت سدر را قطع کند.

۵۰۸. امام صادق علیه السلام: هر کس سراغ زمین ویرانه و بایری برود و از آن بهره‌برداری کند و نه‌هایش را جاری سازد و آبادش نماید، باید زکات آن را بپردازد. و اگر آن زمین پیشتر صاحب داشته، ولی آن را رها کرده و رفته و در نتیجه، تبدیل به ویرانه شده است، سپس بیاید و آن زمین را مطالبه کند، زمین از آن خدا و کسی است که آن را آباد کرده است.



الأسير

أسير



مركز بحوث وتكنولوجيا علوم إسلامية

انظر:

عنوان ١٠٢ والحرب، ٩٥ والحبس، ١٠٣ والمخارب.

القتل: باب ٣٢٢٥، الجهاد الأصغر: باب ٥٩١، الباغي: باب ٣٨١.

۹۱

لا يَجُوزُ الاستِسْلَامُ لِلْأَسْرِ

۵۰۹. الإمام علي عليه السلام: مَنْ اسْتَوْسَرَ مِنْ غَيْرِ جِرَاحَةٍ مُثْقِلَةٍ فَلَا يُقْدَى مِنْ بَيْتِ الْمَالِ، وَلَكِنْ يُقْدَى مِنْ مَالِهِ إِنْ أَحَبَّ أَهْلُهُ.^۱

۵۱۰. الإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِبِرَاءَةٍ مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعَثَ مَعَهُ أَنَسًا، وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ اسْتَوْسَرَ مِنْ غَيْرِ جِرَاحَةٍ مُثْقِلَةٍ فَلَيْسَ مِنَّا.^۲

۹۲

الْإِحْسَانُ إِلَى الْأَسِيرِ

الكتاب:

«وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا».^۳
 «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَى إِنْ يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَعْفُزَ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ».^۴

۱. الکافی: ۳/۳۴/۵.

۲. الکافی: ۲/۳۴/۵.

۳. الإنسان: ۸.

۴. الأنفال: ۷۰.

۹۱

تن به اسارت دادن روا نیست

۵۰۹. امام علی علیه السلام: هرکس، بدون جراحت شدید، تن به اسارت دهد، نباید برای آزادی او از بیت المال سربها داد؛ بلکه در صورت رضایت خانواده‌اش، سربهای او باید از مال خودش پرداخت شود.

۵۱۰. امام صادق علیه السلام: زمانی که پیامبر خدا ﷺ علی را برای اعلام برائت فرستاد، عده‌ای را نیز به همراه او گسیل داشت و فرمود: هر کس، تن به اسارت دهد، بی آنکه زخم کاری برداشته باشد، از ما نیست.

۹۲

خوشرفتاری با اسیر

قرآن:

«وَطَعَامَ رَا فِي حَالِي كِه خُود دُوسْتَش دَارَنْد بِه مَسْكِين وَ يَتِيم وَ اسير مي خوراند».

«ای پیامبر! به اسیرانی که در دست شما هستند بگو: اگر خدا در دل‌هایشان نشان ایمان ببیند بهتر از آنچه از شما گرفته‌اند ارزانی‌تان خواهد داشت و شما را می‌آمزد که خدا آمرزنده و مهربان است».

الحديث:

حديث:

۵۱۱. پیامبر خدا ﷺ: به سفارشم درباره نیکی با اسیران عمل کنید.

۵۱۲. امام علی ﷺ: غذا دادن به اسیر و خوش رفتاری با او حقی است واجب، هر چند [بخواهی] فردا او را بکشی.

۵۱۳. امام علی ﷺ: پس از آن که ابن ملجم بر او ضربت زد، به حسن و حسین ﷺ - فرمود: این اسیر را زندانی کنید و به او غذا و آب دهید و در اسارت با وی خوش رفتار باشید.

۵۱۴. امام باقر ﷺ: علی ﷺ [از رسول خدا ﷺ] پرسید: ای پیامبر خدا! کدام صدقه، برتر است؟ فرمود: به اسیری که چشمانش [از ضعف] تیره و تار شده است.

۵۱۵. امام صادق ﷺ: علی ﷺ کسی را که زندانی می شد، از بیت المال مسلمانان غذا می داد.

۵۱۶. امام صادق ﷺ: غذا دادن به اسیر حقی است به گردن کسی که او را به اسارت گرفته است، هر چند بنا باشد فردا کشته شود. باید به اسیر، آب و خوراک و جای مناسب داد و با او مدارا کرد، کافر باشد یا غیر کافر.

۹۳

کشتن اسیر

۵۱۷. تهذیب الأحکام: در جنگ صفین، اسیری رانزد

۵۱۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اِسْتَوْصُوا بِالْأَسَارَى خَيْرًا.^۱

۵۱۲. الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ: إِطْعَامُ الْأَسِيرِ وَالْإِحْسَانُ إِلَيْهِ حَقٌّ وَاجِبٌ، وَإِنْ قَتَلْتَهُ مِنَ الْغَدِ.^۲

۵۱۳. عَنْهُ ﷺ - لِابْنِهِ ﷺ لَمَّا ضَرَبَهُ ابْنُ مُلْجَمٍ -: احْبِسُوا هَذَا الْأَسِيرَ، وَأَطْعِمُوهُ، وَاشْقُوهُ، وَأَحْسِنُوا إِسَارَهُ.^۳

۵۱۴. الْإِمَامُ الْبَاقِرُ ﷺ: عَلِيُّ ﷺ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: الْأَسِيرُ الْمُخَضَّرُ تَا عَيْنَاهُ.^۴

۵۱۵. الْإِمَامُ الصَّادِقُ ﷺ: إِنْ عَلِيًّا ﷺ كَانَ يُطْعَمُ مَنْ خُلِدَ فِي السَّجْنِ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ.^۵

۵۱۶. عَنْهُ ﷺ: إِطْعَامُ الْأَسِيرِ حَقٌّ عَلَيَّ مَنْ أَسْرَهُ وَإِنْ كَانَ يُرَادُ مِنَ الْغَدِ قَتْلُهُ، فَإِنَّهُ يَنْبَغِي أَنْ يُطْعَمَ وَيُسْقَى وَيُظَلَّ وَيُفَرَّقَ بِهِ، كَافِرًا كَانَ أَوْ غَيْرَهُ.^۶

۹۳

قتل الأسیر

۵۱۷. تهذیب الأحکام: أُتِيَ عَلِيُّ ﷺ بِأَسِيرٍ يَوْمَ صِفِّينَ

۱. المعجم الكبير: ۹۷۷/۳۹۳/۲۲.

۲. وسائل الشيعة: ۳/۶۹/۱۱.

۳. قرب الإسناد: ۵۱۵/۱۴۳. ۴. الجعفریات: ۵۵.

۵. وسائل الشيعة: ۲/۶۹/۱۱. ۶. الكافي: ۲/۳۵/۵.

فَبَايَعُهُ، فَقَالَ عَلِيٌّ: لَا أَقْتُلُكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ
رَبَّ الْعَالَمِينَ، فَخَلَّى سَبِيلَهُ وَأُعْطِيَ سَلْبَهُ
الَّذِي جَاءَ بِهِ.^۱

۵۱۸. الكافي عن الزُّهْرِيِّ عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ع: إِذَا
أَخَذْتَ أَسِيرًا فَعَجِّزْ عَنِ الْمَشْيِ وَلَيْسَ مَعَكَ
مَحْمَلٌ، فَأَرْسِلْهُ وَلَا تَقْتُلْهُ، فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي
مَا حُكْمُ الْإِمَامِ فِيهِ. قَالَ: وَقَالَ: الْأَسِيرُ إِذَا
أَسْلَمَ فَقَدْ حَقَّنَ دَمَهُ وَصَارَ فَيْئًا.^۲

امام علی ع آوردند. او با علی ع بیعت کرد و
امام به او فرمود: تو را نمی‌کشم، من از
خدای جهانیان بیم دارم. سپس او را آزاد
گذاشت و لباس و وسایلش را به او
بازگرداند.

۵۱۸. الكافي - به نقل از زهری -: امام زین
العابدین ع فرمود: چون اسیری گرفتی که
از راه رفتن عاجز بود و وسیله سواری
نداشتی، او را رهاس کن و مکش، زیرا
نمی‌دانی که حکم رهبر درباره او چیست. و
امام فرمود: اسیر چون مسلمان شود،
خونش محترم و محفوظ شده و جزو غنائم
گفته است.



مرکز تحقیقات فقه و حقوق اسلامی

۱. تهذیب الأحکام: ۶/۱۵۳/۲۶۹.

۲. الكافي: ۱/۳۵/۵.



الْأَسْوَةُ

سَرِشَق



مرکز تحقیقات رایانه و علوم رایانه

انتظر:

عنوان ۲۳ الإمامة العامة.

۹۳

الْأُسْوَةُ

الکتاب:

قرآن:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»^۱.

«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ»^۲.

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»^۳.

الحديث:

۵۱۹. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ أَمَّتَكُمْ قَادَتُكُمْ إِلَى اللَّهِ فَأَنْظَرُوا بِمَنْ تَقْتَدُونَ فِي دِينِكُمْ وَصَلَاتِكُمْ»^۴.

۵۲۰. الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ»^۵.

۵۲۱. الْإِمَامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ ﷺ: إِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ

۹۴

سر مشق

«پیامبر خدا برای شما، سرمشقی نیکوست برای کسی که به خدا و روز قیامت امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند».

«ابراهیم و همراهان او برای شما سرمشقی نیکو بوده‌اند».

«آنها برای شما سرمشق نیکویی هستند؛ برای کسی که از خدا و روز قیامت می‌ترسد و هر که رویگردان شود خداوند بی‌نیاز و ستوده است».

حدیث:

۵۱۹. پیامبر خدا ﷺ: پیشوایان شما زمامداران شما به سوی خدایند. پس بنگرید از چه کسانی در نماز و دینتان پیروی می‌کنید.

۵۲۰. امام علی ﷺ: هر که خود را پیشوای مردم قرار می‌دهد، باید پیش از تعلیم دیگران، خود را تعلیم دهد و باید پیش از آنکه با زبانش تأدیب کند با کردارش تأدیب نماید.

۵۲۱. امام زین العابدین ﷺ: می‌غرض‌ترین مردم

۱. الأحزاب: ۲۱.

۲. الممتحنة: ۴.

۳. الممتحنة: ۶.

۴. کمال الدین: ۷/۲۲۱/۱.

۵. بحار الأنوار: ۳۳/۵۶/۲.

إِلَى اللَّهِ مَنْ يَقْتَدِي بِسُنَّةِ إِمَامٍ وَلَا يَقْتَدِي
بِأَعْمَالِهِ^۱.

نزد خداوند کسی است که خود را پیرو
روش امامی بداند ولی از رفتار و کردار او
پیروی نکند.

۹۵

الْأَسَى الْحَسَنَةُ

۹۵

سر مشق های نیکو

۱. کتاب الله

۵۲۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقَلَيْنِ:
أَحَدُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، هُوَ حَبْلُ اللَّهِ،
مَنْ اتَّبَعَهُ كَانَ عَلَى الْهُدَى، وَمَنْ تَرَكَهُ كَانَ
عَلَى الضَّلَالَةِ ...^۲.

۱. قرآن

۵۲۲. پیامبر خدا ﷺ: آگاه باشید که من دو چیز
گران بها در میان شما بر جای می نهم: یکی
کتاب خداوند عز و جل که ریسمان الهی است،
هر کس از آن پیروی کند، بر هدایت، و هر
کس آن را واگذارد در گمراهی خواهد بود.

۲. صراط الله

۵۲۳. سُنَنُ الدَّارِمِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ: خَطُّ لَنَا
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمًا خَطًّا، ثُمَّ قَالَ: هَذَا سَبِيلُ
اللَّهِ. ثُمَّ خَطَّ خُطُوطًا عَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ،
ثُمَّ قَالَ: هَذِهِ سُبُلٌ، عَلَى كُلِّ سَبِيلٍ مِنْهَا
شَيْطَانٌ يَدْعُو إِلَيْهِ. ثُمَّ تَلَا: «وَأَنَّ هَذَا
صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ
فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ»^۳.

۲. راه خدا

۵۲۳. سنن الدارمی - به نقل از عبد الله بن
مسعود -: روزی پیامبر خدا خطی برای ما
کشید و فرمود: این راه خداست. سپس چند
خط از راست و چپ آن کشید و گفت: این
هم راه هایی که هر سر هر یک شیطانی
دعوتگر به آن ایستاده است. سپس این آیه
را تلاوت کرد: «و این است راه راست من،
پس از آن پیروی کنید و از راه هایی که شما را
از راه وی دور می سازد، پیروی نکنید».

۳. الأنبياء

۵۲۴. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا مِنْ نَبِيٍّ بَعَثَهُ اللَّهُ فِي أُمَّةٍ قَبْلِي

۳. پیامبران

۵۲۴. پیامبر خدا ﷺ: هیچ پیامبری نیست که

۱. الکافی: ۳۱۲/۲۳۴/۸.

۲. صحیح مسلم: ۲۴۰۸/۱۸۷۴/۴.

۳. سنن الدارمی: ۲۰۶/۷۲/۱.

إِلَّا كَانَ لَهُ مِنْ أُمَّتِهِ حَوَارِيُونَ وَأَصْحَابُ
يَأْخُذُونَ بِسُنَّتِهِ وَيَقْتَدُونَ بِأَمْرِهِ، ثُمَّ إِنَّهَا
تَخْلُفُ مِنْ بَعْدِهِمْ خُلُوفٌ يَقُولُونَ مَا لَا
يَفْعَلُونَ وَيَفْعَلُونَ مَا لَا يُؤْمَرُونَ.^۱

۵۲۵. الإمام علي عليه السلام: إِقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ
الْهَدْيِ، وَاسْتَنْتُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ.^۲

۳. انْمَةِ الْحَقِّ

۵۲۶. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ
مَمَاتِي، وَيَسْكُنَ جَنَّةَ عَذْنٍ غَرَسَهَا رَبِّي،
فَلْيُؤَالِ عَلِيًّا مِنْ بَعْدِي، وَلْيُؤَالِ وَلِيَّهُ، وَلْيَقْتَدِ
بِالْأَمَّةِ مِنْ بَعْدِي؛ فَإِنَّهُمْ عِزَّتِي، خُلُقُوا مِنْ
طِينَتِي، رَزَقُوا فَهْمًا وَعِلْمًا.^۳

۵۲۷. عنه عليه السلام - فِي بَيَانِ مَنَزِلَةِ الْأَئِمَّةِ ﷺ -: هُمْ
أَبْوَابُ الْعِلْمِ فِي أُمَّتِي، مَنْ تَبِعَهُمْ نَجَا مِنَ
النَّارِ، وَمَنْ اقْتَدَى بِهِمْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطِ
مُسْتَقِيمٍ، لَمْ يَهَبِ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ مَحَبَّتَهُمْ لِعَبْدٍ
إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ.^۴

۵۲۸. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّمَا أَوْلِيَائِي الَّذِينَ سَلَّمُوا
لَأَمْرِنَا، وَاتَّبَعُوا آثَارَنَا، وَاقْتَدُوا بِنَا فِي كُلِّ
أَمُورِنَا.^۵

خداوند او را در میان امت‌های پیش از من
برانگیخته باشد مگر آن که از میان امتش،
خواص و یارانی داشت که سنت و فرمان او
را پی گرفتند، سپس کسان دیگری پس از
آنان آمدند که آنچه نمی‌کنند می‌گویند و
آنچه را بدان فرمان ندارند می‌کنند.

۵۲۵. امام علی عليه السلام: به هدایت پیامبرتان اقتدا کنید که
آن برترین هدایت است و به سنت او عمل
کنید که آن هدایت کننده‌ترین سنت‌هاست.

۴. پیشوایان حق

۵۲۶. پیامبر خدا ﷺ: هر کس را که خوش آید چون
من بزید و بمیرد و در باغهای بهشتی که
پروردگارم کاشته است جای گیرد، باید پس
از من علی را به ولایت گیرد و با دوست او
دوستی ورزد و به امامان پس از من اقتدا کند
که آنان خاندان من و از سرشت من هستند و
فهم و علم روزی‌شان شده است.

۵۲۷. پیامبر خدا ﷺ - در بیان جایگاه امامان ﷺ -
فرمود: آنان دروازه‌های دانش در میان امت
هستند، هر کس از آنان پیروی کند از آتش
نجات می‌یابد و هر کس به آنان اقتدا کند به
راه راست رهنمون می‌شود، خداوند
محبت آنان را به کسی نبخشید مگر آن که
خود وارد بهشتش کرد.

۵۲۸. امام صادق عليه السلام: دوستانان ما کسانی اند که در
برابر فرمان ما تسلیم بوده، و از آثار ما
پیروی و در همه امور به ما اقتدا کنند.

۱. صحیح مسلم: ۸۰/۷۰/۱. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۱۰

۳. حلیة الأولیاء: ۸۶/۱. ۴. الأمالی للصادق: ۴۲/۷۴.

۵. تحف العقول: ۳۰۹.

۵. اهل الإيمان

۵۲۹. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - فِي التَّرْغِيبِ إِلَى طَلَبِ الْعِلْمِ :-
يَرْفَعُ اللَّهُ بِهِ أَقْوَامًا يَجْعَلُهُمْ فِي الْخَيْرِ أَيْمَةً
يُقْتَدَى بِهِمْ، تُرْمَقُ أَعْمَالُهُمْ، وَتُسَقَّتْ بِسُ
آثَارِهِمْ، وَتُرْغَبُ الْمَلَائِكَةُ فِي خِلَّتِهِمْ،
يَمَسِّحُونَهُمْ فِي صَلَاتِهِمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ^۱.
۵۳۰. الْإِمَامُ عَلِيٌّ ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ ﷺ :-
اِخْتَدِ بِحِذَاءِ الصَّالِحِينَ، وَاقْتَدِ بِأَدَابِهِمْ، وَسِرِّ
بَسِيرَتِهِمْ^۲.

۵. مؤمنان

۵۲۹. پیامبر خدا ﷺ - در ترغیب به دانش جویی -
فرمود: خداوند اقوامی را با دانش برتری
بخشید و آنان را پیشوایان در نیکی قرار داد
تا بدانان اقتدا شود و به اعمالشان چشم
بدوزند و از آثارشان بگیرند و فرشتگان به
دوستی با آنان مشتاق شوند و در نمازشان
بال بر آنان بسایند.
۵۳۰. امام علی ﷺ - در سفارش به فرزندش امام
حسن ﷺ - فرمود: دنباله صالحان را بگیر و
از آداب آنان پیروی کن و به راه آنان برو.

۶. اهل الخير

۵۳۱. الْإِمَامُ عَلِيٌّ ﷺ - فِي وَصْفِ شَيْعَةِ أَهْلِ
الْبَيْتِ ﷺ :- مِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنْ تَرَى لَهُ
قُوَّةً فِي دِينٍ ... يَقْتَدِي بِمَنْ سَلَفَ مِنْ أَهْلِ
الْخَيْرِ قَبْلَهُ، فَهُوَ قُدْوَةٌ لِمَنْ خَلَفَ مِنْ طَالِبِ
الْبِرِّ بَعْدَهُ، أُولَئِكَ عَمَّالُ اللَّهِ، وَمَطَايَا أَمْرِهِ
وَطَاعَتِهِ، وَسُرُجُ أَرْضِهِ وَبَرِّيَّتِهِ، أُولَئِكَ شَيْعَتُنَا
وَأَحِبَّتُنَا، وَمِنَّا وَمَعَنَا، آهَاءُ شَوْقًا إِلَيْهِمْ^۳.

۶. نیکوکاران

۵۳۱. امام علی ﷺ - در شناساندن شیعه اهل بیت ﷺ -
فرمود: از نشانه های هر یک از آنان آن است
که او را در دین نیرومند می بینی ... به نیکان
پیش از خود اقتدا کرده و سرمشق طالبان
نیکی پس از خود گشته است. ایشان،
کارگزاران خدایند و فرمانبرداران و مطیع
او، و چراغهای زمین و خلقتش هستند.
اینان شیعیان و دوستداران ما و از ما و با ما
هستند. وای که چه مشتاق آنانم!

۹۶

الأسى السَّيِّئَةُ

الكتاب:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ

قرآن:

سر مشق های بد

۹۶

«ای مؤمنان! از گامهای شیطان پیروی مکنید و هر کس

۱. النخال: ۱۲/۵۲۲. ۲. کثر العمال: ۴۴۲۱۵.

۳. کثر الفوائد: ۹۱/۱.

از گامهای شیطان پیروی کند [بداند که] او به ناشایستی و نابکاری فرمان می‌دهد، و اگر بخشایش و رحمت الهی در حق شما نبود، هیچ یک از شما هرگز پاکدل نمی‌شد، ولی خداوند است که هر کس را بخواهد پاکدل می‌سازد و خداوند شنوای داناست.»
«فرمود: دعای شما دو تن اجابت شده است، پس پایداری کنید و از شیوة نادانان پیروی نکنید.»

«و با موسی، سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر تمام کردیم، چندان که میقات پروردگارش چهل شب کامل شد؛ و موسی به برادرش هارون گفت: جانشین من میان قوم باش و اصلاح کن و از راه و روش مفسدان پیروی مکن.»

حدیث:

۵۳۲. امام علی علیه السلام - در نامه به معاویه - نوشت: بدای پسری که پیرو پدر گردد و در پی او به آتش دوزخ در افتد!

۵۳۳. امام علی علیه السلام: به خدا نزدیکی جوید با یگانه دانستن او و پیروی هر آن که را به پیروی اش فرمان داده است و به کافران میپویندید و به گمراهی میل نکنید تا با پیروی از آنان که گمراه گشتند و کردند، از راه هدایت گمراه شوید؛ خداوند بزرگ در نکوهش این طایفه در کتابش چنین فرمود: «ما از پیشوایان و بزرگترانمان اطاعت کردیم، آنگاه ما را به گمراهی کشاندند. پروردگارا! به آنان دو چندان [سهم] از عذاب بده و لعنتشان کن لعنتی بزرگ.»

يَتَّبِعُ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^۱.
«قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^۲.

«وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْنٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَزْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ أَخْلَفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»^۳.

الحديث:

۵۳۲. الإمام علي عليه السلام - إلى معاوية - : لبس الخلف

خلف يتبع سلفاً هوى في نار جهنم^۴.

۵۳۳. عنه عليه السلام : تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِتَوْحِيدِهِ وَطَاعَةِ

مَنْ أَمَرَكُمْ أَنْ تُطِيعُوهُ، وَلَا تُمَسِّكُوا بِيَعَصَمِ الْكَوَافِرِ، وَلَا يَجْنَحَ بِكُمْ الْغِيُّ فَتَضِلُّوا عَنْ سَبِيلِ الرَّشَادِ بِاتِّبَاعِ أَوْلِيَاكُمُ الَّذِينَ ضَلُّوا وَأَضَلُّوا، قَالَ اللَّهُ عَزَّ مِنْ قَائِلٍ فِي طَائِفَةٍ ذَكَرَهُمْ بِالذِّمِّ فِي كِتَابِهِ : ﴿إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا﴾ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَتُهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا^۵.

۱. النور: ۲۱.

۲. یونس: ۸۹.

۳. الأعراف: ۱۴۲.

۴. نهج البلاغة: الكتاب ۱۷.

۵. الأحزاب: ۶۷ و ۶۸.

۶. مصباح المتجعد: ۷۵۶ / ۴۴۳.



المواصلة

مواصلة



مرکز تحقیقات رایانه و علوم کامپیوتر

۹۷

الْحَثُّ عَلَى الْمُوَأَسَةِ

۵۳۳. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: إِنْصَافُكَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَمُوَأَسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ ﷻ، وَذِكْرُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى كُلِّ حَالٍ^۱.

۵۳۵. عَنْهُ ﷺ: لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ سَبْعَةُ حُقُوقٍ وَاجِبَةٍ مِنَ اللَّهِ ﷻ عَلَيْهِ: الْإِجْلَالُ لَهُ فِي عَيْنِهِ، وَالْوُدُّ لَهُ فِي صَدْرِهِ، وَالْمُوَأَسَاةُ لَهُ فِي مَالِهِ...^۲.

۵۳۶. عَنْهُ ﷺ: مَنْ وَاسَى الْفَقِيرَ مِنْ مَالِهِ، وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ، فَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا^۳.

۱. الخصال: ۱۲۵ / ۱۲۱.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه: ۴ / ۳۹۸ / ۵۸۵۰، الکافی: ۲ / ۱۷۱ / ۷ / عن أبي المأمون الحارثي عن الإمام الصادق ﷺ، الخصال: ۲۷ / ۳۵۱ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق ﷺ وكلاهما نحوه، الأمالي للصدوق: ۵۱ / ۸۴ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ عنه ﷺ، بحار الأنوار: ۳ / ۲۲۲ / ۷۴.

۳. الکافی: ۲ / ۱۴۷ / ۱۷ عن جعفر بن إبراهيم الجعفري عن الإمام الصادق ﷺ، الخصال: ۴۷ / ۴۸ عن جعفر بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن أبيه ﷺ عنه ﷺ وليس فيه «من ماله»، بحار الأنوار: ۵ / ۲۵ / ۷۵.

۹۷

تشویق به مواسات^۱

۵۳۳. پیامبر خدا ﷺ: سرآمد کارها، سه چیز است: انصاف داشتن با مردم، مواسات نسبت به برادر [دینی]، و هماره به یاد خداوند متعال بودن.

۵۳۵. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن را بر مؤمن، هفت حق است که از جانب خداوند عز و جل بر او واجب گشته‌اند: او را در چشم خویش بزرگ بدارد، در سینه خود، دوستش بدارد، در مال خود، شریکش بگرداند....

۵۳۶. پیامبر خدا ﷺ: هر کس فقیر را در مال خود شریک گرداند و با مردم به انصاف رفتار کند، او مؤمن حقیقی است.

۱. مواسات، همچنان که در عربی به معانی متعدّد و متفاوت به کار رفته است، در فارسی نیز معادل‌های مختلف گرفته است، که عبارت‌اند از: فداکاری، از خودگذشتگی و نیکخواهی، خیراندیشی، خیررسانی، حمایت، رعایت، به یک چشم دیدن، غمخواری، همدردی، شریک ساختن، و... (ر.ک: لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ جامع کاربردی فرزاد، فرهنگ معاصر عربی - فارسی).

۵۳۷. مصادقة الإخوان عن خلاد السندي رفعه:
أبطأ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ رَجُلٌ، فَقَالَ: مَا أَبْطَأَ
بِكَ؟ فَقَالَ: الْعُرْيُ يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ: أَمَا
كَانَ لَكَ جَارٌ لَهُ ثَوْبَانِ يُعِيرُكَ أَحَدَهُمَا؟
فَقَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ ﷺ: مَا هَذَا لَكَ
بِأَخٍ^۱.

۵۳۸. الإمام علي عليه السلام: المُواساةُ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ^۲.

۵۳۹. عنه عليه السلام: أَبْذُلُ مَا لَكَ فِي الْحُقُوقِ، وَوَأْسِرُ بِهِ
الصَّدِيقَ؛ فَإِنَّ السَّخَاءَ بِالْخُرِّ أَخْلَقُ^۳.

۵۴۰. عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الْمُرُوءَةِ مُوَاسَاةُ الْإِخْوَانِ
بِالْأَمْوَالِ، وَمُسَاوَاتُهُمْ فِي الْأَحْوَالِ^۴.

۵۴۱. مصادقة الإخوان عن الوصافي عن الإمام
الباقر عليه السلام، قَالَ: قَالَ لِي: يَا أَبَا إِسْمَاعِيلَ،
أَرَأَيْتَ مَنْ قَبْلَكَ إِذَا كَانَ الرَّجُلُ لَيْسَ لَهُ
رِدَاءٌ وَعِنْدَ بَعْضِ إِخْوَانِهِ فَضْلٌ رِدَاءٍ يَطْرَحُ
عَلَيْهِ حَتَّى يُصِيبَ رِدَاءٌ؟ قَالَ: قُلْتُ: لَا.
قَالَ: فَإِذَا كَانَ لَيْسَ عِنْدَهُ إِزَارٌ يُوَصِّلُ إِلَيْهِ
بَعْضُ إِخْوَانِهِ بِفَضْلِ إِزَارٍ حَتَّى يُصِيبَ

۵۳۷. مصادقة الإخوان - به نقل از خلاد سندی،
در حدیثی که سندش را به معصوم
می‌رساند: - مردی دیرتر به نزد پیامبر
خدا آمد. پیامبر فرمود: «چرا دیر
کردی؟». گفت: برهنگی باعث شد، ای
پیامبر خدا! فرمود: «آیا همسایه‌ای نداشتی
که دو جامه داشته باشد و یکی را به تو عاریه
دهد؟». گفت: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود:
«او برادر تو نیست».

۵۳۸. امام علی علیه السلام: مواسات، برترین کارهاست.

۵۳۹. امام علی علیه السلام: دارایی ات را در راه حقوق [ی که
به گردن توست]، ببخش، و دوست [خود]
را در آن، شریک گردان؛ چسرا که
گشاده‌دستی، برای آزاده سزاوارتر است.

۵۴۰. امام علی علیه السلام: برترین مردانگی، شریک کردن
برادران در اموال، و برابری با آنان در احوال
است.

۵۴۱. مصادقة الإخوان - به نقل از وصافی: - امام
باقر علیه السلام به من فرمود: «ای ابو اسماعیل! آیا در
میان شما چنین است که هر گاه کسی ردایی
نداشته باشد و یکی از برادرانش ردای
اضافی داشته باشد، آن را به او دهد تا وی نیز
به ردایی برسد؟». گفتم: خیر. فرمود: «آیا
اگر ازاری نداشت، برادرش ازار اضافی
خود را به او می‌دهد تا او نیز صاحب ازاری

۱. مصادقة الإخوان: ۱۳۹ / ۴.

۲. غرر الحکم: ۱۳۱۲، عیون الحکم والمواعظ: ۴۷ / ۱۱۹۶.

۳. أخلق: أي أنجز (النهاية: ۲ / ۷۲ «خلق»).

۴. غرر الحکم: ۲۳۸۴، عیون الحکم والمواعظ: ۸۵ / ۲۰۴۴.

۵. غرر الحکم: ۳۳۱۴، عیون الحکم والمواعظ: ۱۲۵ / ۲۸۴۱.

إِذَا رَأَى؟ قَالَ: قُلْتُ: لَا. فَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى
فَخِذِهِ ثُمَّ قَالَ: مَا هَؤُلَاءِ بِأَخَوَةٍ^۱.

۵۲۲. الإمام الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ، يَحِقُّ
عَلَيْهِ نَصِيحَتُهُ وَمُوَاسَاةُ وَمَنْعُ عَدُوِّهِ مِنْهُ^۲.

۵۲۳. الكافي عن نعمان الرازي عن الإمام
الصادق عليه السلام: إِنَّهُمْ النَّاسُ يَوْمَ أُخِذَ عَنِ
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَغَضِبَ غَضَبًا شَدِيدًا، قَالَ:
وَكَانَ إِذَا غَضِبَ انْحَدَرَ عَنْ جَبِينِهِ مِثْلُ
اللُّؤْلُؤِ مِنَ الْعَرَقِ، قَالَ: فَتَنَظَرُ فَإِذَا عَلَيَّ ﷺ إِلَى
جَنْبِهِ فَقَالَ لَهُ: الْحَقُّ بَيْنِي أَيْبُكَ مَعَ مَنْ انْهَزَمَ
عَنْ رَسُولِ اللَّهِ! فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لِي بِكَ
أُسْوَةٌ، قَالَ: فَكَفِنِي هَؤُلَاءِ. فَحَمَلَ فَضَرَبَ
أَوَّلَ مَنْ لَقِيَ مِنْهُمْ. فَقَالَ جَبْرِئِيلُ ﷺ: إِنَّ هَذِهِ
لَهِيَ الْمُوَاسَاةُ يَا مُحَمَّدُ! فَقَالَ: إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا
مِنْهُ. فَقَالَ جَبْرِئِيلُ ﷺ: وَأَنَا مِنْكُمْ يَا مُحَمَّدُ.
فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: فَتَنَظَرُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
إِلَى جَبْرِئِيلَ ﷺ عَلَى كُرْسِيِّ مِنْ ذَهَبٍ بَيْنَ
السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يَقُولُ: «لَا سَيْفَ إِلَّا
ذُو الْفَقَارِ، وَلَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ»^۳.

شود؟». گفتم: خیر. امام ﷺ با دست خود بر
رانش زد و فرمود: «اینها برادر نیستند».

۵۲۲. امام صادق عليه السلام: مؤمن، برادر مؤمن است.
وظیفه دارد که او را نصیحت کند، نسبت به
او مواسات نماید، و دشمنش را از او باز
دارد.

۵۲۳. الكافي - به نقل از نعمان رازی - امام صادق عليه السلام
فرمود: در جنگ اخذ، مسلمانان از گرد
پیامبر خدا ﷺ پراکنده گشتند و ایشان،
سخت خشمگین شد. پیامبر ﷺ هرگاه
خشمگین می شد، عرق، مانند دانه های
مروارید از پیشانی اش سرازیر می گشت.

پیامبر ﷺ نگاه کرد و علی را در کنار
خویش دید. به او فرمود: «تو نیز با کسانی
که از گرد پیامبر خدا پراکنده اند، به پسران
پدرت بپیوندد!» علی گفت: ای پیامبر
خدا! الگوی من شما هستید. پیامبر ﷺ فرمود:
«پس، اینان را از من دور کن». علی حمله
کرد و بر نخستین کس از دشمن که رسید،
ضربتی فرود آورد. جبرئیل گفت: این
است مواسات (فداکاری)، ای محمد!
پیامبر ﷺ فرمود: «همانا او از من است و من
از اویم». جبرئیل گفت: و من نیز از شما
دو تن هستم، ای محمد!

پیامبر خدا به جبرئیل نگرست که بر
اورنگی از طلا در میان آسمان و زمین،
نشسته بود و می گفت: «شمشیری جز ذو
الفقار نیست، و جوان مردی جز علی
نیست».

۱. مصادقة الإخوان: ۱/ ۱۳۷، المؤمن: ۴۵ / ۱۰۶، تنبيه الخواطر:
۸۵ / ۲ عن علي بن عتبة عن الإمام الرضا عنه ﷺ نحوه.

۲. المؤمن: ۹۶ / ۴۲.

۳. الكافي: ۸ / ۱۱۰ / ۹۰، بحار الأنوار: ۲۰ / ۹۵ / ۲۸ وراجع
الكافي: ۸ / ۳۱۸ / ۵۰۲ والمناقب للكوفي: ۱ / ۴۶۶ / ۳۶۹.

۵۳۲. الكافي عن مُعَلَّى بن خُنَيْسٍ: خَرَجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي لَيْلَةٍ قَدْ رَشَتْ^۱ وَهُوَ يُرِيدُ ظِلَّةَ بَنِي سَاعِدَةَ^۲، فَاتَّبَعْتُهُ فَإِذَا هُوَ قَدْ سَقَطَ مِنْهُ شَيْءٌ، فَقَالَ: بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ رُدَّ عَلَيْنَا، قَالَ: فَاتَّيْتُهُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ، قَالَ: فَقَالَ: مُعَلَّى؟ قُلْتُ: نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَقَالَ لِي: اِلْتِمَسْ بِيَدِكَ فَمَا وَجَدْتَ مِنْ شَيْءٍ فَادْفَعْهُ إِلَيَّ. فَإِذَا أَنَا بِخُبْزٍ مُنْتَشِرٍ كَثِيرٍ، فَجَعَلْتُ أَدْفَعُ إِلَيْهِ مَا وَجَدْتُ، فَإِذَا أَنَا بِجِرَابٍ^۳ أَعْجَزُ عَنْ حَمْلِهِ مِنْ خُبْزٍ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَحْمِلْهُ عَلَيَّ رَأْسِي، فَقَالَ: لَا، أَنَا أَوْلَى بِهِ مِنْكَ، وَلَكِنْ امْضِ مَعِيَ.

قَالَ: فَاتَّيْنَا ظِلَّةَ بَنِي سَاعِدَةَ، فَإِذَا نَحْنُ بِقَوْمٍ نِيَامُ، فَجَعَلَ يَدُسُّ الرَّغِيفَ وَالرَّغِيفَيْنِ حَتَّى أَتَى عَلَيَّ آخِرِهِمْ، ثُمَّ انْصَرَفْنَا. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، يَعْرِفُ هَؤُلَاءِ الْحَقَّ؟ فَقَالَ: لَوْ عَرَفُوهُ لَوَاسَيْنَاهُمْ بِالذُّقَةِ^۴.

۵۳۲. الكافي - به نقل از مُعَلَّى بن خُنَيْسٍ -: امام صادق عليه السلام در شبی که نَمَنَم باران می آمد، به قصد صُفَّة^۱ بنی ساعده خارج شد. من در پی ایشان به راه افتادم. ناگاه، چیزی از دست ایشان افتاد. گفت: «بِسْمِ اللَّهِ. خدایا! به ما برگردان». من جلو رفتم و سلام کردم. فرمود: «مُعَلَّى؟». گفتم: بده، فدایت شوم! فرمود: «بادستت بگرد و آنچه یافتی، به من بده». من گشتم. دیدم مقدار زیادی نان، روی زمین، پراکنده شده است، و هر چه می یافتم، تحویل ایشان می دادم. ناگاه کیسه چرمینی پر از نان یافتم که نمی توانستم آن را بلند کنم. گفتم: فدایت شوم! آن را روی سرم حمل می کنم. فرمود: «نه». من به این کار، از تو سزاوارترم؛ اما همراهم بیا».

ما به صُفَّة بنی ساعده رفتیم. عده‌ای را دیدیم که خوابیده‌اند. امام عليه السلام آهسته یکی دو گرده نان کنار هر کدام گذاشت تا به نفر آخر رسید. سپس برگشتیم. گفتم: فدایت شوم! آیا اینها حق را می شناسند (شیعه هستند)؟ فرمود: «اگر می شناختند، در دادن نمک هم نسبت به آنها مواصات می کردیم».

۱. الرش: المطر القليل ... وقيل: أول المطر (لسان العرب: ۶ / ۳۰۳ و رش).

۲. الظلة: شيء كالصفعة يستتر به من الحر والبرد. ومنه ظلة بني ساعدة (مجمع البحرين: ۲ / ۱۱۴۰ «ظلل»).

۳. الجراب: وعاء من إهاب الشاة، لا يؤمن فيه إلا بابس (لسان العرب: ۱ / ۲۶۱ «جرب»).

۴. الذقة: الملح المدقوق. والذق: كل شيء ذق وصغر (لسان العرب: ۱۰ / ۱۰۱ «ذق»).

۵. الكافي: ۳ / ۸ / ۴، تهذيب الأحكام: ۴ / ۱۰۵ / ۳۰۰، ثواب الأعمال: ۱۷۳ / ۲، تفسیر العیاشی: ۲ / ۱۰۷ / ۱۱۴، بحار الأنوار: ۴۷ / ۲۰ / ۱۷.

۱. صُفَّة، جایی است که در گرما و سرما به آن پناه می برند، سایبان، سرپناه، آلونک.

۵۲۵. امام کاظم علیه السلام: مؤمن با چیزی برتر از مواسات نسبت به مؤمن، به خداوند عز و جل نزدیک نشده است، و این، همان سخن خدای متعال است که: «هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا این که از آنچه دوست دارید، انفاق کنید».

۹۸

آثار مواسات

۵۲۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، در روز قیامت، بنده‌ای از بندگان خدا در ایستگاهی [از ایستگاه‌های قیامت] می‌ایستد و شعله‌ای آتش، بزرگ‌تر از همه کوه‌های دنیا، در برابرش آشکار می‌گردد، به طوری که میان او و آن شعله هیچ حایلی نیست.

در همان حال که سرگردان است، ناگاه، گرده‌ای نان یا دانه‌ای [گندم یا جز آن] که [در دنیا] به آن نیاز داشته و به برادری مؤمن کمک کرده است، از هوادر پیرامون او فرود می‌آید و مانند بزرگ‌ترین کوه‌ها می‌شود و گرداگرد او را می‌گیرد و مانع رسیدن آن شعله به او می‌شود، و از حرارت و دود آن، کمترین آسیبی به او نمی‌رسد، تا این که وارد بهشت می‌شود.

۵۲۷. امام علی علیه السلام: هیچ چیزی مانند مواسات، پیوند برادری را حفظ نمی‌کند.

۵۲۸. امام علی علیه السلام: نظام دین، به دو چیز است:

۵۲۵. الإمام کاظم علیه السلام: مَا تَقَرَّبَ الْمُؤْمِنُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ مُوَاسَاةِ الْمُؤْمِنِ، وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾^۱.

۹۸

آثار المُوَاسَاةِ

۵۲۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا! إِنْ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ لَيَقِفُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَوْقِفًا يَخْرُجُ عَلَيْهِ مِنْ لَهَبِ النَّارِ أَعْظَمُ مِنْ جَمِيعِ جِبَالِ الدُّنْيَا، حَتَّى مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا حَائِلٌ؛ بَيْنَا هُوَ كَذَلِكَ قَدْ تَحَيَّرَ، إِذْ تَطَايَرَ مِنَ الْهَوَاءِ رَغِيفٌ أَوْ حَبَّةٌ قَدْ وَاسَى بِهَا أَخًا مُؤْمِنًا عَلَى إِضَافَتِهِ، فَتَنْزِلُ حَوَالِيهِ فَتَصِيرُ كَأَعْظَمِ الْجِبَالِ مُسْتَدِيرًا حَوَالِيهِ، تَصُدُّ عَنْهُ ذَلِكَ اللَّهَبُ، فَلَا يُصِيبُهُ مِنْ حَرِّهَا وَلَا دُخَانِهَا شَيْءٌ، إِلَى أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ^۲.

۵۲۷. الإمام علی علیه السلام: مَا حَفِظَتِ الْأَخُوَّةُ بِمِثْلِ الْمَوَاسَاةِ^۳.

۵۲۸. عنه علیه السلام: نِظَامُ الدِّينِ خَصْلَتَانِ: إِنْصَافُكَ مِنْ

۱. آل عمران: ۹۲. ۲. جامع الأحادیث للقمي: ۱۹۲.

۳. التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري علیه السلام: ۵۲۵ / ۳۲۰، بحار الأنوار: ۶۳ / ۷۴ / ۳۱۰.

۴. غرر الحکم: ۹۵۷۸، عیون الحکم والمواعظ: ۳۷۷ / ۸۷۵۸.

نَفْسِكَ، وَمُوَاسَاةُ إِخْوَانِكَ.^۱

انصاف داشتنت، و مواسات نسبت به برادرانت.

۵۴۹. عَنْهُ علیه السلام - مِنْ وَصِيَّتِهِ لِكُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ -: يَا كُمَيْلُ، الْبَرَكَةُ فِي مَالٍ مَنِ آتَى الزَّكَاةَ، وَوَأَسَى الْمُؤْمِنِينَ، وَوَصَلَ الْأَقْرَبِينَ.^۲

۵۴۹. امام علی علیه السلام در سفارش های خویش به کمیل بن زیاد - فرمود: ای کمیل! برکت، در مال کسی است که زکات بدهد و نسبت به مؤمنان، مواسات کند و به خویشان، رسیدگی نماید.

۵۵۰. عَنْهُ علیه السلام: مُوَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ عند الله يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ.^۳

۵۵۰. امام علی علیه السلام: مواسات نسبت به برادر دینی، روزی را می افزاید.

۵۵۱. كَشَفَ الْغَمَّةَ عَنْ الْحَجَّاجِ بْنِ أَرْطَاةٍ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: يَا حَجَّاجُ، كَيْفَ تَوَاسِيكُمْ؟ قُلْتُ: صَالِحُ يَا أَبَا جَعْفَرٍ.

۵۵۱. كَشَفَ الْغَمَّةَ - به نقل از حجاج بن أَرْطَاةٍ -: امام باقر علیه السلام فرمود: «ای حجاج! مواسات شما چگونه است؟». گفتم: خوب است، ای ابو جعفر! فرمود: «آیا هر گاه فردی از شما نیاز پیدا کند، دستش را در جیب برادرش می کند و به اندازه نیازش برمی دارد؟». گفتم: در این حد، نه! فرمود: «اگر این گونه رفتار کرده بودید، نیازمند نمی شدید».

قَالَ: يُدْخِلُ أَحَدَكُمْ يَدَهُ فِي كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ إِذَا احتَاجَ إِلَيْهِ؟ قُلْتُ: أَمَّا هَذَا فَلَا!

فَقَالَ: أَمَا لَوْ فَعَلْتُمْ مَا احتَاجْتُمْ.^۴

۵۵۲. امام صادق علیه السلام: سه دعاست که از درگاه خداوند متعال رد نمی شود: دعای پدر برای فرزندش، هر گاه که به او نیکی کند، و نفرینش در حق او، آن گاه که از او نافرمانی نماید؛ نفرین ستم دیده در حق کسی که به او

۵۵۲. الإمامُ الصَّادِقُ علیه السلام: ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ لَا يُحِبُّنَ عَنْ اللَّهِ تَعَالَى: دُعَاءُ الْوَالِدِ لِوَلَدِهِ إِذَا بَرَّهٗ وَدَعْوَتُهُ عَلَيْهِ إِذَا عَقَّهٗ، وَدُعَاءُ الْمَظْلُومِ عَلَى

۱. غرر الحکم: ۹۹۸۳، میون الحکم والمواعظ: ۹۱۷۸/۴۹۸.
۲. تحف العقول: ۱۷۲، بشارة المصطفی: ۲۵ عن کمیل بن زیاد نحوه، بحار الأنوار: ۳۸/۴۱۳/۷۷.
۳. الخصال: ۵۰۴/۲ عن سعید بن علاقة، مشکاة الأنوار: ۲۳۰/۶۴۵، روضة الواعظین: ۴۹۹، بحار الأنوار: ۷۴/۳۹۵/۲۲.
۴. کشف الغمّة: ۳۳۳/۲، بحار الأنوار: ۷۸/۱۸۵/۱۲: الإخوان لابن أبي الدنيا: ۱۹۲/۲۲۳.

ظَالِمِهِ وَدُعَاؤُهُ لِمَنْ انْتَصَرَ لَهُ مِنْهُ، وَرَجُلٌ
مُؤْمِنٌ دَعَا لِأَخٍ لَهُ مُؤْمِنٍ وَاسَاءَ فِينَا وَدُعَاؤُهُ
عَلَيْهِ إِذَا لَمْ يُوَاسِ بِهِ مَعَ الْقُدْرَةِ عَلَيْهِ وَاضْطِرَارِ
أَخِيهِ إِلَيْهِ.^۱

۵۵۳. عنه علیه السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ
الْمُطْمَئِنَّةُ﴾ اِزْجِي إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً
﴿فَادْخُلِي فِي عِبَادِي﴾ وَادْخُلِي جَنَّتِي^۲:-
ذَلِكَ لِمَنْ كَانَ وَرِعًا مُوَاسِيًا لِإِخْوَانِهِ
وَصَوْلًا لَهُمْ. وَإِنْ كَانَ غَيْرَ وَرِعٍ وَلَا وَصُولٍ
لِإِخْوَانِهِ قِيلَ لَهُ: مَا مَنَعَكَ مِنَ الْوَرَعِ
وَالْمُوَاسَاةِ لِإِخْوَانِكَ؟ أَنْتَ مِمَّنْ انْتَحَلَ
الْمَحَبَّةَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُصَدِّقْ ذَلِكَ بِفِعْلِهِ.
وَإِذَا لَقِيَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَأَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام
لَقِيَهُمَا مُعْرِضِينَ، مُقْطَبِينَ^۳ فِي وَجْهِهِ،
غَيْرَ شَافِعِينَ لَهُ.^۴

ستم کرده است، و دعایش برای کسی که
انتقام او را از ستمگری گرفته است؛ و دعای
مرد مؤمن برای برادر مؤمنش که به خاطر ما
نسبت به او مواسات کرده است، و نفرینش
در حق او که می توانسته به وی کمک کند و
نکرده، در حالی که وی به آن محتاج بوده
است.

۵۵۳. امام صادق علیه السلام - درباره این سخن خداوند
متعال که: «ای نفس آرام یافته! خشنود و
خداپسند، به سوی پروردگارت باز گرد، و
در میان بندگان من در آی، و در بهشت من،
داخل شو» - فرمود: این، در حق کسی است
که پارسا باشد و نسبت به برادرانش
مواسات کند و با آنان پیوند برقرار سازد؛ اما
اگر نه پارسا بود و نه برقرار کننده پیوند با
برادران، به او گفته می شود: «چه چیزی
مانع تو از پارسایی و مواسات نسبت به
برادرانت شد؟ تو، از آن کسانی هستی که به
زبان، دم از دوستی می زدند؛ ولی در کردار،
مراعاتش نمی کردند». پیامبر خدا و امیر
مؤمنان، هر گاه او را دیدار کنند، از او روی
می گردانند و بر او چهره در هم می کشند و
شفاعتش نمی کنند.

۱. الأمالی للطوسي: ۲۸۰ / ۵۴۱ عن الإمام الهادي عن
آبائه علیهم السلام، عدة الداعي: ۱۲۱، بحار الأنوار: ۷۴ / ۳۹۶ / ۲۳.

۲. الفجر: ۲۷ - ۳۰.

۳. قُطِبَ: زوی ما بین عینیه و عیس (لسان العرب: ۱ / ۶۸۰
«قطب»).

۴. المحاسن: ۱ / ۲۸۳ / ۵۵۸ عن مصعب والخطاب الکوفیین،
بحار الأنوار: ۷۴ / ۳۹۸ / ۳۰.



الأصول

اصول



مركز تحقيقات كميوتيز علوم دینی

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٢/٢٦٨ باب ٣٣ ما يمكن أن يستنبط من الآيات والأخبار من منفرقات مسائل أصول الفقه.

أنظر:

الحديث: باب ٧٣١.

۹۹

کُلُّ شَيْءٍ مُّطْلَقٌ

۵۵۲. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُّ شَيْءٍ مُّطْلَقٌ حَتَّى يَرِدَ فِيهِ نَصٌّ^۱.

۵۵۵. عنه عليه السلام: كُلُّ شَيْءٍ مُّطْلَقٌ حَتَّى يَرِدَ فِيهِ نَهْيٌ^۲.

۵۵۶. عنه عليه السلام: كُلُّ شَيْءٍ هُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ حَرَامٌ بَعِيْنَهُ فَتَدَعُهُ ... وَالْأَشْيَاءُ كُلُّهَا عَلَى هَذَا حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكَ غَيْرُ ذَلِكَ أَوْ تَقْوَمَ بِهِ الْبَيِّنَةُ^۳.

۵۵۷. عنه عليه السلام: الْأَشْيَاءُ مُطْلَقَةٌ مَا لَمْ يَرِدْ عَلَيْكَ أَمْرٌ يَنْهَى عَنْهَا وَنَهْيٌ، وَكُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ فِيهِ حَلَالٌ وَحَرَامٌ فَهُوَ لَكَ حَلَالٌ أَبَدًا، مَا لَمْ تَعْرِفِ الْحَرَامَ مِنْهُ فَتَدَعُهُ^۴.

۵۵۸. عنه عليه السلام: كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ فِيهِ حَرَامٌ وَحَلَالٌ فَهُوَ لَكَ حَلَالٌ أَبَدًا حَتَّى تَعْرِفَ الْحَرَامَ مِنْهُ بَعِيْنَهُ فَتَدَعُهُ^۵.

۱. بحار الأنوار: ۳/۲۷۲/۲.

۲. وسائل الشيعة: ۶۰/۱۲۷/۱۸. أقول: انظر بيان صاحب الوسائل في توضيح الحديث.

۳. الكافي: ۴۰/۳۱۳/۵.

۴. بحار الأنوار: ۱۹/۲۷۴/۲.

۵. بحار الأنوار: ۵۸/۲۸۲/۲.

۹۹

همه چیز مطلق و آزاد است

۵۵۲. امام صادق عليه السلام: هر چیزی مطلق (آزاد) است تا آن که درباره آن سخنی [از معصوم عليه السلام] برسد.

۵۵۵. امام صادق عليه السلام: هر چیزی مطلق است، تا زمانی که درباره آن نهی برسد.

۵۵۶. امام صادق عليه السلام: همه چیز برای تو حلال است، مگر آن که دقیقاً بدانی آن حرام است؛ که در این صورت باید آن را واگذاری ... همه چیزها همین حکم را دارند تا زمانی که خلاف آن برایت روشن شود یا دلیل آشکاری بر آن اقامه شود.

۵۵۷. امام صادق عليه السلام: همه چیز، تا زمانی که امری و نهی درباره آن به تو نرسیده آزاد است. هر چیزی که حلال و حرام دارد، همواره برای تو حلال است، تا آنگاه که به حرام آن یقین پیدا کنی و آن را واگذاری.

۵۵۸. امام صادق عليه السلام: هر چیزی که حلال و حرامی در آن باشد همواره برای تو حلال است تا آنگاه که دقیقاً حرام آن را بشناسی و آن را واگذاری.

۱۰۰

كُلُّ شَيْءٍ طَاهِرٌ

۵۵۹. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُّ شَيْءٍ نَظِيفٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ قَذِرٌ، فَإِذَا عَلِمْتَ فَقَدْ قَذِرَ، وَمَا لَمْ تَعْلَمْ فَلَيْسَ عَلَيْكَ^۱.

(انظر) وسائل الشیعة: ۱۰۵۳/۲ باب ۳۷.

۱۰۰

همه چیز پاک است

۵۵۹. امام صادق عليه السلام: هر چیزی پاک است، تا آن که از نجس بودن آن آگاه شوی و هنگامی که آگاه شدی، آنگاه، آنگاه، نجس خواهد بود، و تا زمانی که نمی دانی، وظیفه ای نداری.

۱۰۱

یقین با شک کردن از میان نمی رود

۵۶۰. امام علی عليه السلام: هر که نسبت به چیزی یقین داشته باشد و سپس دچار تردید شود، بر یقین خود بماند؛ زیرا یقین با شک از بین نمی رود.

۵۶۱. امام باقر عليه السلام - درباره کسی که در وضویش شک کرده بود - فرمود: هرگز یقین را با شک از میان نبرد، بلکه آن را با یقینی دیگر از میان ببرد.

۱۰۲

مواردی که در دست خدا [و خارج از

اختیار بشر] است

۵۶۲. امام صادق عليه السلام: هر امری که خداوند بر آن غلبه کند، خود عذر بنده اش را می پذیرد.

۵۶۳. امام صادق عليه السلام: هر چه در دست خدا باشد [و از توان و اختیار بشر خارج باشد] خداوند عذر آن را می پذیرد.^۱

۱. به امام صادق عليه السلام عرض شد: اگر کسی یک یا دو یا سه روز در حالت اغما باشد نمازهایش را چگونه قضا کند؟ حضرت در پاسخ او این قاعده را بیان داشت - م.

۱۰۱

لَا يَنْقُضُ الْيَقِينَ الشَّكُّ

۵۶۰. الإمام علي عليه السلام: مَنْ كَانَ عَلَى يَقِينٍ فَأَصَابَهُ شَكٌّ فَلْيَمْضِ عَلَى يَقِينِهِ، فَإِنَّ الْيَقِينَ لَا يُدْفَعُ بِالشَّكِّ^۲.

۵۶۱. الإمام الباقر عليه السلام - فِي رَجُلٍ شَكَّ فِي وَضُوئِهِ - لَا يَنْقُضُ الْيَقِينَ أَبَدًا بِالشَّكِّ، وَلَكِنْ يَنْقُضُهُ بِيَقِينٍ آخَرَ^۳.

۱۰۲

مَا غَلَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ

۵۶۲. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُّ مَا غَلَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ أَمْرِ فَإِنَّهُ أَعَذَّرُ لِعَبْدِهِ^۴.

۵۶۳. عنه عليه السلام: مَا غَلَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ أَوْلَى بِالْعُذْرِ^۵.

۱. وسائل الشیعة: ۴/۱۰۵۴/۲.
۲. بحار الأنوار: ۲/۲۷۲/۲. ۳. بحار الأنوار: ۱۷/۲۷۴/۲.
۴. بحار الأنوار: ۱/۲۷۲/۲. ۵. الکافی: ۷/۴۱۳/۳.

۱۰۳

ما حَجَبَ اللَّهُ

۵۶۴. الإمام الصادق عليه السلام: ما حَجَبَ اللَّهُ عن العبادِ فهو موضوعٌ عَنْهُمْ^۱.

۵۶۵. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يَحْتَجُّ عَلَى الْعِبَادِ بِمَا آتَاهُمْ وَعَرَفَهُمْ^۲.

(انظر) عنوان ۹۹ «الحجّة».

۱۰۳

آنچه را خدا پوشیده داشته است

۵۶۴. امام صادق عليه السلام: هر چه را خداوند از بندگان پوشیده داشته، [تکلیف و مسؤولیت] آن از گردنشان برداشته شده است.

۵۶۵. امام صادق عليه السلام: خداوند با آنچه به بندگان داده و به ایشان شناسانده است، بر آنان احتجاج می‌کند.

۱۰۴

الأصولُ الْمُخْتَلِفَةُ

۵۶۶. رسولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: حُكْمِي عَلَى الْوَاحِدِ حُكْمِي عَلَى الْجَمَاعَةِ^۳.

۵۶۷. عنه عليه السلام: إِنَّ النَّاسَ مُسَلِّطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ^۴.

۵۶۸. عنه عليه السلام: كُلُّ مَا كَانَ فِي أَصْلِ الْخَلْقَةِ فَزَادَ أَوْ نَقَصَ فَهُوَ عَيْبٌ^۵.

۵۶۹. عنه عليه السلام: الْمُسْلِمُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ^۶.

۵۷۰. الإمامُ عَلِيُّ عليه السلام: أَتَيْهِمُوا مَا أَبْهَمَهُ اللَّهُ^۷.

۵۷۱. الإمامُ الصَّادِقُ عليه السلام: قَضَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بَيْنَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ فِي مَشَارِبِ النَّخْلِ أَنَّهُ لَا يُمْنَعُ

۱۰۴

اصول گوناگون

۵۶۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: حکم من درباره فرد، درباره جماعت نیز صادق است.

۵۶۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: مردم اختیاردار ثروت خود هستند.

۵۶۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر چیزی که در اصل خلقت وجود داشته باشد، کم یا زیاد بودن آن عیب است.^۱

۵۶۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: مسلمانان باید به شروط خود پایبند باشند.

۵۷۰. امام علی عليه السلام: آنچه را خداوند مبهم گذاشته است شما نیز مبهم گذارید.

۵۷۱. امام صادق عليه السلام: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله برای مردم مدینه درباره آبیاری نخلستان چنین حکم کرد که نباید مانع استفاده مردم از آب اضافی

۱. الکافی: ۳/۱۶۴/۱. ۲. الکافی: ۴/۱۶۴/۱.

۳. بحار الأنوار: ۴/۲۷۲/۲. ۴. بحار الأنوار: ۷/۲۷۲/۲.

۵. بحار الأنوار: ۲۴/۲۷۵/۲.

۶. بحار الأنوار: ۳۰/۲۷۷/۲، أنظر العهد: باب ۲۹۱۸.

۷. عوالي اللآلئ: ۳۵۵/۱۲۹/۲.

۱. فقیهان از این حدیث برای خیار عیب در معامله استفاده کرده و زیادت و نقصان نسبت به اصل خلقت را عیب دانسته‌اند - م.

نَقَعَ الشَّيْءُ ، وَقَضَى بَيْنَ أَهْلِ الْبَادِيَةِ أَنَّهُ لَا يُعْنَعُ فَضْلُ مَاءٍ لِيُمنَعَ بِهِ فَضْلُ كَلَاءٍ ، وَقَالَ : لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ^۱.

۵۷۲. عنه عليه السلام : كُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ «أَوْ» فَصَاحِبُهُ بِالْخِيَارِ ، يَخْتَارُ مَا يَشَاءُ^۲.

۵۷۳. عنه عليه السلام : لَيْسَ شَيْءٌ مَعَ حَرَمِ اللَّهِ إِلَّا وَقَدْ أُحِلَّ لَهُ لِمَنْ اضْطُرَّ إِلَيْهِ^۳.

۵۷۴. عنه عليه السلام : لَمَّا سُئِلَ عَنِ الْجُنُبِ يَغْتَسِلُ ، فَيَنْتَضِحُ الْمَاءُ مِنَ الْأَرْضِ فِي الْإِنَاءِ - : لَا بَأْسَ ، هَذَا مِمَّا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : ﴿ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ﴾^۴ .^۵

شد. و برای بادیه نشینان چنین حکم کرد که نباید جلو آب اضافی را گرفت، تا اضافی مرتع گرفته شود^۱ و فرمود: زیان رساندن به خود و دیگران ممنوع است.

۵۷۲. امام صادق علیه السلام : «أَوْ» [به معنای «یا»] در قرآن نشان دهنده آزادی عمل است، [مکلف] هر طرف را بخواهد برمیگزیند.

۵۷۳. امام صادق علیه السلام : هیچ چیزی نیست که خداوند حرام کرده باشد، مگر این که آن را برای فرد مضطر حلال نموده است.

۵۷۴. امام صادق علیه السلام - در پاسخ به سؤال از حکم ترشح آب غسل انسان جُنُب که بر اثر برخورد با زمین، درون ظرف می افتد - فرمود: اشکالی ندارد. این از مواردی است که خداوند فرموده است: «در دین برای شما سختی قرار نداده است».



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

۱. لسان العرب ذیل ماده «کلاء» این حدیث را آورده و چنین توضیح می دهد که اگر در بیابان چاه یا چشمه آبی باشد و در نزدیکی آن چراگاه و مرتعی وجود داشته باشد و کسی بیاید و آن چاه یا چشمه را در اختیار بگیرد و اجازه ندهد که دیگران از آب آن استفاده کنند، با این کار خود از چرای مرتع نیز جلوگیری کرده است؛ زیرا وقتی کسی شتر خود را در آن مرتع بچراند اما اجازه نداشته باشد شتر خود را از آب آن چاه سیراب کند، شتر از تشنگی خواهد مرد. پس کسی که جلو استفاده دیگران از آب چاه را می گیرد، طبیعتاً مانع استفاده دیگران از چراگاه نزدیک آن چاه نیز می شود - م -

۱. بحار الأنوار: ۲/۲۷۶/۲۸، انظر الضرر: باب ۲۳۳۷ و الکافی: ۶/۲۹۴/۵.

۲. تفسیر المیزان: ۱/۹۰/۲۳۲.

۳. بحار الأنوار: ۲/۲۷۲/۹.

۴. الحج: ۷۸.

۵. بحار الأنوار: ۲/۲۷۴/۱۵.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



الأكْثَرُ

خوردن



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

ولمزيد الاطلاع راجع:

وسائل الشيعة: ٤٠٥/١٦ وأبواب آداب المائدة.

انظر:

الهمة: باب ٣٩٦٩، الجار: باب ٦٥١.

الحرام: باب ٨١١، الخمر: باب ١١٣٤.

۱۰۵

قِلَّةُ الْأَكْلِ

۵۷۵. رسول الله ﷺ: مَنْ قَلَّ أَكْلُهُ قَلَّ حِسَابُهُ.^۱۵۷۶. عنه ﷺ: مَنْ قَلَّ طَعْمُهُ صَحَّ بَطْنُهُ وَصَفَا قَلْبُهُ،
وَمَنْ كَثُرَ طَعْمُهُ سَقَمَ بَطْنُهُ وَقَسَا قَلْبُهُ.^۲۵۷۷. عنه ﷺ: الْبُسُوءُ وَكُلُّوا وَاشْرَبُوا فِي أَنْصَافِ
الْبُطُونِ؛ فَإِنَّهُ جُزْءٌ مِنَ النَّبُوءَةِ.^۳۵۷۸. عنه ﷺ: مَنْ كَثُرَ تَسْبِيحُهُ وَتَمَجُّدُهُ، وَقَلَّ
طَعَامُهُ وَشَرَابُهُ وَمَنَامُهُ، اشْتَاقَتْهُ الْمَلَائِكَةُ.^۴۵۷۹. الإمام علي عليه السلام: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ صَلَاحَ عَبْدٍ
الْتَهَمَ قِلَّةَ الْكَلَامِ، وَقِلَّةَ الطَّعَامِ، وَقِلَّةَ
الْمَنَامِ.^۵۵۸۰. عنه عليه السلام: قِلَّةُ الْأَكْلِ مِنَ الْعَفَافِ، وَكَثْرَتُهُ مِنَ
الْإِسْرَافِ.^۶۵۸۱. عنه عليه السلام: قِلَّةُ الْغِذَاءِ أَكْرَمُ لِلنَّفْسِ، وَأَذْوَمُ
لِلصُّحَّةِ.^۷

۱۰۵

کم خوری

۵۷۵. پیامبر خدا ﷺ: هر که خوراکش کم باشد،
کمتر حساب پس می دهد.۵۷۶. پیامبر خدا ﷺ: آن که غذا کم خورد معده اش
سالم می ماند و صفای دل می یابد. و هر که
پر خور باشد معده اش بیمار و قلبش سخت
می شود.۵۷۷. پیامبر خدا ﷺ: بپوشید، و تانیمی از گنجایش
معهدها بخورید و بیاشامید؛ که این بخشی از
پیامبری است.۵۷۸. پیامبر خدا ﷺ: هر که زیاد تسبیح و تمجید
حق کند و کم خورد و کم نوشد و کم خوابد،
فرشتگان مشتاق او می شوند.۵۷۹. امام علی علیه السلام: هر گاه خداوند بخواهد بنده
خود را اصلاح گرداند، او را سه چیز نصیب
می کند: کم گویی و کم خوری و کم خوابی.۵۸۰. امام علی علیه السلام: کم خوری نشانه خویشتنداری
است و پر خوری نشانه زیاده روی.۵۸۱. امام علی علیه السلام: کم خوردن، جان را گرامی تر و
تندرستی را پایدارتر می کند.

۱. طب النبی ﷺ: ۴. ۲. تنبيه الخواطر: ۴۶/۱.

۳. تنبيه الخواطر: ۱۰۰/۱. ۴. تنبيه الخواطر: ۱۱۶/۲.

۵. غرر الحكم: ۴۱۱۷. ۶. غرر الحكم: ۶۷۴۷.

۷. غرر الحكم: ۶۸۱۹.

۵۸۲. عنه ﷺ: مَنْ قَلَّ طَعَامُهُ قَلَّتْ آلامُهُ. ۱

۵۸۲. امام علی ﷺ: هر که خوراکش کم باشد،
دردهایش کم می شود.

۵۸۳. عنه ﷺ: مَنْ قَلَّ أَكْلُهُ صَفَا فِكْرُهُ. ۲

۵۸۳. امام علی ﷺ: هر کس خوراکش اندک باشد،
اندیشه اش صفا می یابد.

(انظر) الفضيلة: باب ۳۱۶۸.

۱۰۶

كَثْرَةُ الْأَكْلِ

۱۰۶

پر خوری

۵۸۴. رسول الله ﷺ: لَا تُمِيتُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ
وَالشَّرَابِ؛ فَإِنَّ الْقَلْبَ يَمُوتُ كَالزَّرْعِ إِذَا كَثُرَ
عَلَيْهِ الْمَاءُ. ۳

۵۸۴. پیامبر خدا ﷺ: دلها را با خوردن و آشامیدن
زیاد نمیرانید؛ زیرا همان گونه که زراعت بر
اثر آب زیاد از بین می رود، دلها نیز بر اثر
پر خوری می میرند.

۵۸۵. عنه ﷺ: إِيَّاكُمْ وَالْبِطْنَةَ؛ فَإِنَّهَا مَفْسَدَةٌ لِلْبَدَنِ،
وَمُورِثَةٌ لِلْسَّقَمِ، وَمَكْسَلَةٌ عَنِ الْعِبَادَةِ. ۴

۵۸۵. پیامبر خدا ﷺ: از شکم بارگی بپرهیزید؛ زیرا
مایه تباهی بدن و موجب بیماری است و
انسان را در عبادت، سست می کند.

۵۸۶. عنه ﷺ: الْقَلْبُ يَتَحَمَّلُ الْحِكْمَةَ عِنْدَ خُلُوعِ
الْبَطْنِ، الْقَلْبُ يَمُجُّ الْحِكْمَةَ عِنْدَ امْتِلَاءِ
الْبَطْنِ. ۵

۵۸۶. پیامبر خدا ﷺ: دل، هنگام خالی بودن معده،
حکمت را می گیرد و هنگام پر بودن معده،
آن را به دور می افکند.

۵۸۷. عنه ﷺ: مَا مَلَأَ آدَمِيٌّ وَعَاءً شَرًّا مِنْ بَطْنِهِ. ۶

۵۸۸. عنه ﷺ: لَا يَدْخُلُ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ مَنْ مَلَأَ بَطْنَهُ. ۷

۵۸۷. پیامبر خدا ﷺ: آدمی ظرفی را بدتر از شکم،
پر نکرده است.

۵۸۹. عنه ﷺ: الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ فِي مَعَاءٍ وَاحِدٍ،
وَالْكَافِرُ يَأْكُلُ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءٍ. ۸

۵۸۸. پیامبر خدا ﷺ: کسی که شکم خود را پر کند،
به ملکوت آسمانها و زمین وارد نمی شود.

۵۸۹. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن یک شکم غذا می خورد
و کافر هفت شکم.

۱. غرر الحکم: ۸۴۰۹. ۲. غرر الحکم: ۸۴۶۲.

۳. تنبيه الخواطر: ۴۶/۱. ۴. بحار الأنوار: ۴۱/۲۶۶/۶۲.

۵. تنبيه الخواطر: ۱۱۹/۲. ۶. تنبيه الخواطر: ۱۱۹/۲.

۷. تنبيه الخواطر: ۱۰۰/۱. ۸. تنبيه الخواطر: ۱۰۱/۱.

۵۹۰. عنه علیه السلام: يَشْسُ الْعَوْنُ عَلَى الدِّينِ قَلْبَ نَخِيبٍ، وَبَطْنَ رَغِيبٍ.^۱
۵۹۱. عنه علیه السلام: لَيْسَ شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ مِنْ بَطْنٍ مَلَانٍ.^۲
۵۹۲. عنه علیه السلام: إِيَّاكُمْ وَفُضُولَ الْمَطْعَمِ؛ فَإِنَّهُ يَسْمُ الْقَلْبَ بِالْقَسْوَةِ، وَيُسَبِّطِي بِالْجَوَارِحِ عَنِ الطَّاعَةِ، وَيُصِمُّ الْهِمَمَ عَنْ سَمَاعِ الْمُوعِظَةِ.^۳
۵۹۳. الإمام علي علیه السلام: كَثْرَةُ الْأَكْلِ وَالنَّوْمِ تُفْسِدَانِ النَّفْسَ وَتَجْلِبَانِ الْمَضَرَّةَ.^۴
۵۹۴. عنه علیه السلام: كَثْرَةُ الْأَكْلِ تُذَفِّرُ.^۵
۵۹۵. عنه علیه السلام: مَنْ كَثُرَ أَكْلُهُ قَلَّتْ صِحَّتُهُ، وَثَقَلَتْ عَلَى نَفْسِهِ مُؤَنَّتُهُ.^۶
۵۹۶. عنه علیه السلام: كَثْرَةُ الْأَكْلِ مِنَ الشَّرِّ، وَالشَّرُّ شَرُّ الْعُيُوبِ.^۷
۵۹۷. عيسى علیه السلام: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ، لَا تُكْثِرُوا الْأَكْلَ؛ فَإِنَّهُ مَنْ أَكْثَرَ الْأَكْلَ أَكْثَرَ النَّوْمَ، وَمَنْ أَكْثَرَ النَّوْمَ أَقَلَّ الصَّلَاةَ، وَمَنْ أَقَلَّ الصَّلَاةَ كُتِبَ مِنَ الْغَافِلِينَ.^۸
۵۹۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چه بد یاوری است برای دین: دل ترسو و شکم حریص!
۵۹۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ چیز نزد خدا منفورتر از معدۀ انباشته نیست.
۵۹۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از خوردن بیش از حد پرهیزید که آن دل را سخت می گرداند و اعضای بدن را در اطاعت خدا تنبل می سازد و گوش همتها را از شنیدن پند و اندرز کر می کند.
۵۹۳. امام علی علیه السلام: خور و خواب زیاد، جان آدمی را تباه می سازد و زیان به بار می آورد.
۵۹۴. امام علی علیه السلام: پرخوری، دهان را بدبو می کند.
۵۹۵. امام علی علیه السلام: هر که خوراکش زیاد باشد سلامتی اش کم می شود و خرج زندگی را بر دوش خود سنگین می کند.
۵۹۶. امام علی علیه السلام: پرخوری، نشانه شکم پرستی است و شکم پرستی بدترین عیب است.
۵۹۷. عیسی علیه السلام: ای بنی اسرائیل! پرخوری نکنید؛ زیرا هر که زیاد بخورد، زیاد می خوابد و هر که زیاد بخوابد، کمتر نماز می خواند و هر که کمتر نماز بخواند، در زمرة غافلان قلمداد می شود.

۱. مستدرک الوسائل: ۱۶/۲۰۹/۱۹۶۱۶.

۲. مستدرک الوسائل: ۱۶/۲۱۲/۱۹۶۲۹.

۳. بحار الأنوار: ۱۰/۱۸۲/۷۷.

۴. غرر الحکم: ۷۱۲۰. ۵. غرر الحکم: ۷۱۲۱.

۶. غرر الحکم: ۸۹۰۳. ۷. غرر الحکم: ۷۱۱۰.

۸. تنبيه الخواطر: ۴۷/۱.

۵۹۸. الإمام الباقر علیه السلام : أَبْعَدُ الْخَلْقِ مِنَ اللَّهِ إِذَا مَا امْتَلَأَ بَطْنُهُ^۱.

۵۹۸. امام باقر علیه السلام : هنگامی که شکم انسان انباشته است، دورترین فرد از خداست.

۵۹۹. مصباح الشریعة - فیما نسبہ إلى الإمام الصادق علیه السلام :- لَيْسَ شَيْءٌ أَضَرَّ عَلَى قَلْبِ الْمُؤْمِنِ مِنْ كَثْرَةِ الْأَكْلِ ، وَهِيَ مُورِثَةُ لِشَيْنَيْنِ : قَسْوَةِ الْقَلْبِ ، وَهَيْجَانِ الشَّهْوَةِ^۲.

۵۹۹. مصباح الشریعة - در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است :- برای قلب مؤمن چیزی زیانبارتر از پرخوری نیست. پرخوری موجب دو چیز می شود: سنگدلی و شهوت انگیزی.

۶۰۰. وسائل الشیعة عن حفص بن غیاث عن الإمام الصادق علیه السلام - فی ذکر حدیث جرى بین یحیی علیه السلام و إبلیس - فقال له یحیی : ما هذه المعاليق ؟ فقال : هذه الشهوات التي أصيب بها ابن آدم . فقال : هل لي منها شيء ؟ فقال : رُبُّمَا شَبِعتْ فَشَغَلْنَاكَ عَنِ الصَّلَاةِ وَالذِّكْرِ.

۶۰۰. وسائل الشیعة - به نقل از حفص بن غیاث :- از امام صادق علیه السلام ، درباره سخنانی که میان یحیی علیه السلام و ابلیس رد و بدل شد، فرمود: یحیی به شیطان گفت: این آویزها چیست؟ شیطان گفت: اینها شهوات و امیالی است که فرزند آدم گرفتار آنها شده است. یحیی گفت: آیا چیزی از آنها برای من نیز هست؟ شیطان گفت: گاه سیر و پر می خوری و ما هم تو را از نماز و یاد خدا باز می داریم. یحیی گفت: با خدا عهد می بندم که هرگز معده خود را از غذا پر نکنم. و ابلیس گفت: من هم با خدا عهد می بندم که از این پس هرگز مسلمانی را اندرز ندهم.

قال : اللَّهُ عَلَيَّ أَنْ لَا أَمْلَأَ بَطْنِي مِنْ طَعَامٍ أَبَدًا . وقال إبلیس : اللَّهُ عَلَيَّ أَنْ لَا أَنْصَحَ مُسْلِمًا أَبَدًا.

ثم قال أبو عبد الله علیه السلام : يا حفص ، اللَّهُ عَلَيَّ جَعْفَرٍ وَآلِ جَعْفَرٍ أَنْ لَا يَمْلَأُوا بُطُونَهُمْ مِنْ طَعَامٍ أَبَدًا ، وَلِلَّهِ عَلَيَّ جَعْفَرٍ وَآلِ جَعْفَرٍ أَنْ لَا يَعْمَلُوا لِلدُّنْيَا أَبَدًا^۳.

آن گاه امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: ای حفص! با خدا عهد می بندم که جعفر و خاندان جعفر هرگز شکمهای خود را از طعام انباشته نکنند و با خدا عهد می بندم که جعفر و خاندان جعفر هرگز برای دنیا کار نکنند.

(انظر) وسائل الشیعة : ۲۰۵/۱۶ باب ۱.

۱. مستدرک الوسائل : ۱۶/۲۰۹/۱۹۶۱۸.

۲. مصباح الشریعة : ۲۳۹. ۳. وسائل الشیعة : ۸/۴۰۷/۱۶.

۱۰۷

الاقتِصَادُ فِي الْأَكْلِ وَآثَرُهُ فِي صِحَّةِ الْبَدَنِ

۶۰۱. الإمام علي عليه السلام: كَمَنْ مِنْ أَكَلَةٍ مَنَعَتْ أَكْلَابًا!

۶۰۲. عنه عليه السلام: إِيَّاكَ وَالْبِطْنَةَ، فَمَنْ لَزِمَهَا كَثُرَتْ
أَسْقَامُهُ.^۱

۶۰۳. عنه عليه السلام: مَنْ اقْتَصَرَ فِي أَكْلِهِ كَثُرَتْ صِحَّتُهُ
وَصَلَحَتْ فِكْرَتُهُ.^۲

۶۰۴. عنه عليه السلام: إِيَّاكَ وَإِذْمَانَ الشَّبَعِ، فَإِنَّهُ يَهْبِجُ
الْأَسْقَامَ وَيُثِيرُ الْعِلْلَ.^۳

۶۰۵. عنه عليه السلام: لَا يَجْتَمِعُ الْجُوعُ وَالْمَرَضُ.^۴

۶۰۶. عنه عليه السلام: لَا تَجْتَمِعُ الصُّحَّةُ وَالنَّهْمُ.^۵

۶۰۷. الإمام الكاظم عليه السلام: لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَدُوا فِي الطَّعْمِ
لَا عَتَدَلْتُ أَبْدَانَهُمْ.^۶

۱۰۸

مِنْ مَسَاوِي الْبِطْنَةِ

۶۰۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ تَعَوَّدَ كَثْرَةَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ
قَسَا قَلْبُهُ.^۷

۱۰۷

به اندازه خوردن و تأثیر آن در تندرستی

۶۰۱. امام علی علیه السلام: بسا یک بار خوردن که از
خوردنهای دیگر جلوگیری کند!

۶۰۲. امام علی علیه السلام: از پرخوری پرهیز، که هر کس
پایبند آن شد، بیماریهایش زیاد گردید.

۶۰۳. امام علی علیه السلام: هر که در خوردن اندازه نگه دارد
تندرستی اش فزونی می گیرد و اندیشه اش
سالم می ماند.

۶۰۴. امام علی علیه السلام: پرهیز از همیشه پرخوردن، که
بر انگیزنده دردها و عامل بیماریها می شود.

۶۰۵. امام علی علیه السلام: گرسنگی و بیماری با هم جمع
نمی شوند.

۶۰۶. امام علی علیه السلام: سلامتی و شکم بارگی با هم گرد
نمی آیند.

۶۰۷. امام کاظم علیه السلام: اگر مردم در خوردن اعتدال
می ورزیدند بدنهایشان سالم می ماند.

۱۰۸

زیانهای پرخوری

۶۰۸. پیامبر خدا ﷺ: هر که به زیاده روی در خوردن
و آشامیدن عادت کند، دلش سخت می شود.

۱. نهج البلاغة: الحکمة ۱۷۱.

۲. غرر الحکم: ۲۶۳۹. ۳. غرر الحکم: ۸۱۰۳.

۴. غرر الحکم: ۲۶۸۱. ۵. غرر الحکم: ۱۰۵۶۹.

۶. غرر الحکم: ۱۰۵۷۰. ۷. وسائل الشیعة: ۷/۴۰۶/۱۶.

۸. طب النبی ﷺ: ۵.

۶۰۹. عنه علیه السلام : لَا تَشْبَعُوا فَيْطَفًا نُورُ الْمَعْرِفَةِ مِنْ قُلُوبِكُمْ^۱.

۶۱۰. الإمام علی علیه السلام : مَنْ زَادَ شِبَعُهُ كَظَنَّهُ الْبِطْنَةُ، مَنْ كَظَنَّهُ الْبِطْنَةُ حَجَبَتْهُ عَنِ الْفِطْنَةِ^۲.

۶۱۱. عنه علیه السلام : إِيَّاكَ وَالْبِطْنَةُ، فَمَنْ لَزِمَهَا كَثُرَتْ أَشْقَامُهُ وَفَسَدَتْ أَخْلَامُهُ^۳.

۶۱۲. عنه علیه السلام : إِيَّاكُمْ وَالْبِطْنَةُ، فَإِنَّهَا مَقْسَاةٌ لِلْقَلْبِ، مَكْسَلَةٌ عَنِ الصَّلَاةِ، مَفْسَدَةٌ لِلْجَسَدِ^۴.

۶۱۳. عنه علیه السلام : لَا فِطْنَةَ مَعَ بِطْنَةٍ^۵.

۶۱۴. عنه علیه السلام : لَا تَجْتَمِعُ الْفِطْنَةُ وَالْبِطْنَةُ^۶.

۶۱۵. عنه علیه السلام : إِذَا مَلَأَ الْبَطْنُ مِنَ الْمُبَاحِ عَمِيَ الْقَلْبُ عَنِ الصَّلَاحِ^۷.

۶۱۶. عنه علیه السلام : إِذَا مَانَ الشَّبَعُ يُورِثُ أَنْوَاعَ الْوَجَعِ^۸.

(النظر الحکمة: باب ۹۲۴).

۱۰۹

إِفْسَادُ الشَّبَعِ لِلْوَرَعِ

۶۱۷. الإمام علی علیه السلام : الشَّبَعُ يُفْسِدُ الْوَرَعَ^۹.

۶۰۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پرخوری نکنید که نور معرفت در دلهای شما خاموش می شود.

۶۱۰. امام علی علیه السلام : هر که زیاد سیر شود، پرخوری او را گرانبار می کند، و هر که پرخوری گرانبارش کند، تیزهوشی را از او می گیرد.

۶۱۱. امام علی علیه السلام : از پرخوری پرهیز، که هر کس پایبند آن شود بیماریهای زیاد می گردد و خوابهای پریشان می بیند.

۶۱۲. امام علی علیه السلام : از پرخوری دوری کنید که مایه قساوت دل، تنبلی در نماز و تباهی بدن است.

۶۱۳. امام علی علیه السلام : با پرخوری، تیزهوشی [در کار] نیست.

۶۱۴. امام علی علیه السلام : تیزهوشی و پرخوری با هم جمع نمی شوند.

۶۱۵. امام علی علیه السلام : هرگاه شکم از خوردنیهای مباح انباشته شود، دل از دیدن خیر و صلاح نابینا می گردد.

۶۱۶. امام علی علیه السلام : همیشه سیر بودن، عامل انواع ناراحتی ها است.

۱۰۹

سیری شکم، تباه کننده پارسایی

۶۱۷. امام علی علیه السلام : سیری، سرمستی می آورد و پارسایی را تباه می کند.

۱. مکارم الأخلاق: ۱/۳۲۰/۱۰۲۶.

۲. غرر الحکم: (۸۴۵۸-۸۴۵۹).

۳. غرر الحکم: ۲۶۳۹. ۴. غرر الحکم: ۲۷۴۲.

۵. غرر الحکم: ۱۰۵۲۸. ۶. غرر الحکم: ۱۰۵۷۲.

۷. غرر الحکم: ۴۱۳۹. ۸. غرر الحکم: ۱۳۶۳.

۹. غرر الحکم: ۶۵۹.

۶۱۸. امام علی علیه السلام: سیری شکم، پارسایی را نابود می‌کند.
۶۱۹. امام علی علیه السلام: سیری، همدم بدی برای پارسایی است.
۶۲۰. امام علی علیه السلام: سیری، یاور خوبی برای گناهان است.

۱۱۰

گرسنگی

۶۲۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوشابه حال آن که اندرون از طعام خالی دارد و گرسنگی بکشد و شکیبایی ورزد. اینان کسانی هستند که در روز قیامت سیر می‌شوند.
۶۲۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شکم‌هایتان و پشت‌هایتان را برای خواندن نماز، سبک کنید.^۱
۶۲۳. بحار الأنوار: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث معراج - در نشانه‌های خاصان به خداوند متعال - عرض کرد: پروردگارا! نشانه‌های آنان چیست؟ فرمود: در دنیا زندانی‌اند، زبانهایشان را از پرگویی و شکم‌هایشان را از پرخوری باز داشته‌اند.
۶۲۴. امام زین العابدین علیه السلام: کسی که معرفت خود را از خدا فرا می‌گیرد و از او می‌ترسد و برای او کار می‌کند، باید نفس خود را بر گرسنگی عادت دهد، چندان که به سیری شور و شوقی نداشته باشد. اسبها را نیز اینچنین برای مسابقه و ربودن جایزه، ورزیده و لاغر می‌کنند.

۱. یعنی: کم بخورید و کم بخواید و برای نماز شب و عبادت بر خیزید. م.

۶۱۸. عنه علیه السلام: الشَّبْعُ يُورِثُ الْأَشْرَ، وَيُفْسِدُ الْوَرَعَ.^۱
۶۱۹. عنه علیه السلام: يَشْسُ قَرِينُ الْوَرَعِ الشَّبْعُ.^۲
۶۲۰. عنه علیه السلام: نِعَمَ عَوْنُ الْمَعَاصِي الشَّبْعُ.^۳

۱۱۰

الجوع

۶۲۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: طُوبَى لِمَنْ طَوَى وَجَاعَ وَصَبَرَ، أُولَئِكَ الَّذِينَ يَشْبَعُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۴
۶۲۲. عنه علیه السلام: خَفَّفُوا بُطُونَكُمْ وَظَهَرَكُمْ لِقِيَامِ الصَّلَاةِ.^۵
۶۲۳. بحار الأنوار: في حديث المعراج - في علامات الخواص - : قَالَ [رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله] : يَا رَبِّ ، مَا عَلَامَاتُ أُولَئِكَ ؟ قَالَ : هُمْ فِي الدُّنْيَا مَسْجُونُونَ ، قَدْ سَجَنُوا أَلْسِنَتَهُمْ مِنْ فُسْضُولِ الْكَلَامِ ، وَبُطُونَهُمْ مِنْ فُسْضُولِ الطَّعَامِ.^۶
۶۲۴. الإمام زين العابدين علیه السلام: إِنَّ الْعَاقِلَ عَنِ اللَّهِ الْخَائِفَ مِنْهُ الْعَامِلَ لَهُ لِيَمَرَّنُ نَفْسَهُ وَيُعَوِّدَهَا الْجُوعَ حَتَّى مَا تَشْتَأِقُ إِلَى الشَّبْعِ ، وَكَذَلِكَ تُضَمَّرُ الْخَيْلُ لِسَبْقِ الرَّهَانِ.^۷

۱. غرر الحکم: ۱۳۶۴. ۲. غرر الحکم: ۲۴۰۸.

۳. غرر الحکم: ۹۹۲۲. ۴. بحار الأنوار: ۱۷/۴۶۲/۷۵.

۵. حلیة الأولیاء: ۲۵۵/۷. ۶. بحار الأنوار: ۶/۲۳/۷۷.

۷. بحار الأنوار: ۱/۱۲۹/۷۸.

۶۲۵. الإمام الهادي عليه السلام: السَّهْرُ الَّذِي لِلْمَنَامِ، وَالْجُوعُ يَزِيدُ فِي طَيِّبِ الطَّعَامِ.^۱

(انظر الفضيحة: باب ۳۱۶۸.

الدواء: باب ۱۲۹۱.

۶۲۵. امام هادی علیه السلام: شب‌زنده‌داری، خواب را دلنشین‌تر و گرسنگی، غذا را لذتبخش‌تر می‌کند.

۱۱۱

رهاورد گرسنگی

۶۲۶. بحار الأنوار: در حدیث معراج آمده است: [پیامبر اکرم علیه السلام] عرض کرد: پروردگارا! ثمره گرسنگی چیست؟ فرمود: حکمت، و نگه داشتن دل، و نزدیک شدن به من، و اندوه همیشگی، و کم خرج و زحمت بودن برای مردم، و گفتن حق، و باک نداشتن از این که به مردم آسیبی برساند.

۶۲۷. إرشاد القلوب: در حدیث معراج آمده است که: ای احمد! بنده اگر شکمش را گرسنه دارد و زبانش را حفظ کند به او حکمت می‌آموزم، و چنانچه کافر باشد، حکمتش حاجتی علیه وی و وبالش خواهد بود.

۶۲۸. پیامبر خدا علیه السلام: نور حکمت در گرسنگی است و دور شدن از خدا در سیری. سیر نباشید که نور معرفت در دلهایتان خاموش می‌شود.

۶۲۹. امام علی علیه السلام: گرسنگی کشیدن، نیکو یآوری است برای به بند کشیدن نفس و درهم

۱۱۱

میراث الجوع

۶۲۶. بحار الأنوار: في حديث المعراج: قال [رسول الله صلى الله عليه وآله]: يَا رَبِّ، مَا مِيرَاثُ الْجُوعِ؟ قَالَ: الْحِكْمَةُ، وَحِفْظُ الْقَلْبِ، وَالتَّقَرُّبُ إِلَيَّ، وَالْحُزْنُ الدَّائِمُ، وَخِفَّةُ الْمَوْثِقَةِ بَيْنَ النَّاسِ، وَقَوْلُ الْحَقِّ، وَلَا يُبَالِي عَاشٍ بِسُوءٍ أَوْ بُعْسٍ.^۲

۶۲۷. إرشاد القلوب: في حديث المعراج: يَا أَحْمَدُ، إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَجَاعَ بَطْنَهُ وَحَفِظَ لِسَانَهُ عَلِمَتْهُ الْحِكْمَةُ. وَإِنْ كَانَ كَافِرًا تَكُونُ حِكْمَتُهُ حُجَّةً عَلَيْهِ وَوَبَالًا.^۳

۶۲۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: نُورُ الْحِكْمَةِ الْجُوعُ، وَالتَّبَاعُدُ مِنَ اللَّهِ الشَّبَعُ... لَا تَشَبَعُوا فَيُطْفَأَ نُورُ الْمَعْرِفَةِ مِنْ قُلُوبِكُمْ.^۴

۶۲۹. الإمام علي عليه السلام: نِعَمَ الْعَوْنُ عَلَى أُسْرِ النَّفْسِ

۱. بحار الأنوار: ۴/۳۶۹/۷۸. ۲. بحار الأنوار: ۶/۲۲/۷۷.

۳. إرشاد القلوب: ۲۰۵، انظر الحكمة: باب ۹۲۳.

۴. بحار الأنوار: ۲۰/۷۱/۷۰.

وَكَثُرَ عَادَتُهَا التَّجَوُّعُ.^۱

شکستن عاداتهای آن.

۱۱۲

المیزان فی الأکل

۶۳۰. رسول الله ﷺ: كُلْ وَأَنْتَ تَشْتَهِي، وَأَمْسِكْ وَأَنْتَ تَشْتَهِي.^۲

۶۳۰. پیامبر خدا ﷺ: وقتی غذا بخور که اشتها داری و از خوردن دست بشوی در حالی که هنوز اشتها داری.

۶۳۱. الإمام علي عليه السلام: لَا تَرْفَعْ يَدَكَ مِنَ الطَّعَامِ إِلَّا وَأَنْتَ تَشْتَهِيهِ، فَإِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ فَأَنْتَ تَسْتَمْرِئُهُ.^۳

۶۳۱. امام علی علیه السلام: هنوز که میل به غذا داری از خوردن دست بکش؛ که اگر چنین کنی آن غذا را گوارا خواهی یافت.

۶۳۲. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَخَذَ مِنَ الطَّعَامِ زِيَادَةً لَمْ يَغْذُهُ، وَمَنْ أَخَذَهُ بِقَدَرٍ لَا زِيَادَةَ عَلَيْهِ وَلَا نَقْصَ فِي غِذَائِهِ نَفَعَهُ؛ وَكَذَلِكَ الْمَاءُ، فَسَبِيلُهُ أَنْ تَأْخُذَ مِنَ الطَّعَامِ كِفَايَتَكَ فِي أَيَّامِهِ، وَارْفَعْ يَدَكَ مِنْهُ وَبِكَ إِلَيْهِ بَعْضُ الْقَرَمِ، وَعِنْدَكَ إِلَيْهِ مِثْلٌ؛ فَإِنَّهُ أَضْلَحُ لِمَعْدَتِكَ وَلِبَدَنِكَ، وَأَزْكَى لِعَقْلِكَ، وَأَخْفُ لِحِجْمِكَ.^۴

۶۳۳. عنه عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ صَالِحاً خَفِيفَ الْجِسْمِ (وَاللَّحْمِ) فَلْيَقْلِلْ مِنْ عَشَائِهِ بِاللَّيْلِ.^۵

۶۳۲. امام رضا علیه السلام: هر که بیش از اندازه غذا بخورد، آن غذا گوارایش نمی شود و هر که به اندازه خورد، نه کم و نه زیاد، آن غذا برایش سودمند می باشد؛ آب نیز چنین است. پس، راهش این است که به اندازه کفایت از غذا بخوری و در حالی که هنوز اندکی اشتها داری دست از خوردن بکشی، که این کار معده و بدنت را سالمتر، ذهنت را بارورتر و جسمت را چابکتر می سازد.

۶۳۳. امام رضا علیه السلام: هر که می خواهد تندرست و دارای بدنی لاغر و چابک باشد، از شام شبش کم کند.

۱۱۳

من آداب المائدة

۶۳۴. رسول الله ﷺ: مَنْ أَكَلَ وَذُو عَيْنَيْنِ يَنْظُرُ إِلَيْهِ

۱۱۳

از آداب سفره

۶۳۴. پیامبر خدا ﷺ: هر که در حال خوردن غذا

۱. غرر الحکم: ۹۹۴۲. ۲. بحار الأنوار: ۶۲/۲۹۰.
۳. تحف العقول: ۱۷۲. ۴. بحار الأنوار: ۶۲/۳۱۱.
۵. بحار الأنوار: ۶۲/۳۲۴.

باشد و جاننداری او را بنگرد و وی او را شریک غذای خود نکند به دردی بی درمان گرفتار می آید.

۶۳۵. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن به میل خانواده خود غذا می خورد و منافق، خانواده اش به میل او چیز می خورد.

۶۳۶. امام علی علیه السلام: غذای داغ را سرد کنید؛ زیرا غذای داغی در برابر پیامبر ﷺ نهاده شد، آن حضرت فرمود: آن را سرد کنید. خداوند عز و جل به ما آتش نمی خوراند. برکت در غذای سرد است.

۶۳۷. امام علی علیه السلام: اگر کسی موقع غذا خوردن نام خدا برد، من ضمانت می کنم که از آن غذا دردی به او نرسد.

۶۳۸. امام علی علیه السلام: هر که در هنگام شروع خوردن غذا یا نوشیدنی، نام خدا را به زبان آورد و در پایان، خدا را حمد و سپاس گوید، هرگز درباره نعمت آن غذا از او سؤال نخواهد شد.

۶۳۹. امام علی علیه السلام: غذایتان را با خوردن نمک آغاز کنید؛ چه، اگر مردم می دانستند که نمک چه فوایدی دارد آن را بر پادشاه مجرب ترجیح می دادند.

۶۴۰. امام علی علیه السلام: در هنگام خوردن غذا نام خدا را بسیار بگویید و در خوردن غذا افراط نکنید، که آن نعمتی از نعمتهای خداوند است.

وَلَمْ يُوَايِسْهُ، ابْتُلِيَ بِدَاءٍ لَا دَوَاءَ لَهُ.^۱

۶۳۵. عنه ﷺ: الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِ، وَالْمُنَافِقُ يَأْكُلُ أَهْلُهُ بِشَهْوَتِهِ.^۲

۶۳۶. الإمام علي عليه السلام: أَقْرِؤُوا الْحَارَّ حَتَّى يَبْرَدَ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قُرِبَ إِلَيْهِ طَعَامٌ حَارٌّ فَقَالَ: أَقْرِؤْهُ حَتَّى يَبْرَدَ، مَا كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيُطْعِمَنَا النَّارَ، وَالْبَرَكَتَةُ فِي الْبَارِدِ.^۳

۶۳۷. عنه ﷺ: ضَمِنْتُ لِمَنْ سَمَى عَلَى طَعَامِهِ أَنْ لَا يَشْتَكَِي مِنْهُ.^۴

۶۳۸. عنه ﷺ: مَنْ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ عِنْدَ طَعَامٍ أَوْ شَرَابٍ فِي أَوَّلِهِ، وَحَمِدَ اللَّهَ فِي آخِرِهِ لَمْ يُسْأَلْ عَنْ نَعِيمِ ذَلِكَ الطَّعَامِ أَبَدًا.^۵

۶۳۹. عنه ﷺ: ابْدُؤُوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ، فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ لاختاروه عَلَى الدُّرْيَاقِ الْمُجَرَّبِ.^۶

۶۴۰. عنه ﷺ: أَكْثِرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الطَّعَامِ، وَلَا تَطْعَمُوا فِيهِ، فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ.^۷

۱. تنبيه الخواطر: ۴۷/۱. ۲. بحار الأنوار: ۲۹۱/۶۲.

۳. الكافي: ۱/۳۲۱/۶.

۴. کتاب من لا يحضره الفقيه: ۳/۴۲۵۳/۳۵۵/۳.

۵. وسائل الشيعة: (۵/۴۸۴/۱۶)، انظر أيضاً: ۴۷۹ باب ۵۶ و ۴۸۲ باب (۵۷).

۶. وسائل الشيعة: ۳/۵۲۰/۱۶، انظر أيضاً: ۵۱۹ باب ۹۵.

۷. بحار الأنوار: ۱/۹۵/۱۰.

۶۲۱. امام حسن علیه السلام: سفره دوازده رسم دارد که هر مسلمانی باید آنها را بداند: چهارتای آنها لازم، چهار تا خوب و چهار تا ادب است. آن چهار تا که لازمند: معرفت، خشنودی، نام خدا بر زبان آوردن و شکرگزاری است. آن چهار که خوب است: دست شستن پیش از غذا خوردن، نشستن بر طرف چپ، خوردن با سه انگشت [و نه دو انگشت] و لیسیدن انگشتهاست. اما آن چهار که از باب رعایت ادب است: خوردن از [غذای] جلوی خود، کوچک گرفتن لقمه، خوب جویدن غذا و کمتر نگریستن به صورت دیگران.

۶۲۲. بحار الأنوار - به نقل از نجیح -: دیدم حسن بن علی علیه السلام غذا می خورد و در برابرش سگی بود، هر لقمه ای که می خورد به همان اندازه هم جلوی سگ می انداخت. به ایشان عرض کردم: یابن رسول الله! این سگ را از کنار غذای شما دور نکنم؟ فرمود: به حال خودش بگذار؛ من از خداوند عز و جل شرم می کنم که مشغول خوردن غذا باشم و جاننداری به صورت من نگاه کند و به او غذا ندهم.

۶۲۳. امام باقر علیه السلام: هر که می خواهد غذا به او زیان نرساند باید تا گرسنه نشده و معده اش خالی نگشته غذا نخورد و هر گاه شروع به

۶۲۱. الإمام الحسن علیه السلام: فِي الْمَائِدَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ خَضْلَةً يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَعْرِفَهَا: أَرْبَعٌ مِنْهَا فَرَضٌ، وَأَرْبَعٌ سُنَّةٌ، وَأَرْبَعٌ تَأْدِيبٌ. فَأَمَّا الْفَرَضُ: فَالْمَعْرِفَةُ، وَالرِّضَا، وَالتَّسْمِيَةُ، وَالشُّكْرُ.

وَأَمَّا السُّنَّةُ: فَالْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ، وَالْجُلُوسُ عَلَى الْجَانِبِ الْأَيْسَرِ، وَالْأَكْلُ بِثَلَاثِ أَصَابِعٍ، وَلَعْقُ الْأَصَابِعِ.

وَأَمَّا التَّأْدِيبُ: فَالْأَكْلُ مِمَّا يَلِيكَ، وَتَضْغِيرُ اللَّقْمَةِ، وَتَجْوِيدُ الْمَضْغِ، وَقِيلَةُ النَّظَرِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ.^۱

۶۲۲. بحار الأنوار عن نجیح: رَأَيْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ علیه السلام يَأْكُلُ وَيَبْنُ يَدَيْهِ كَلْبٌ، كُلَّمَا أَكَلَ لُقْمَةً طَرَحَ لِلْكَلْبِ مِثْلَهَا، فَقُلْتُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَلَا أَرْجِمُ هَذَا الْكَلْبَ عَنْ طَعَامِكَ؟ قَالَ: دَعُهُ، إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنَ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ أَنْ يَكُونَ ذُو رُوحٍ يَنْظُرُ فِي وَجْهِهِ وَأَنَا أَكُلُ ثُمَّ لَا أُطْعِمُهُ.^۲

۶۲۳. الإمام الباقر علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَضُرَّهُ طَعَامٌ، فَلَا يَأْكُلُ طَعَامًا حَتَّى يَجُوعَ وَتَتَقَيَّ مَعْدَتُهُ، فَإِذَا

۱. وسائل الشیعة: ۱۶/۵۳۹.

۲. بحار الأنوار: ۴۳/۳۵۲/۲۹.

أَكَلَ فَلْيُسِّمْ اللَّهَ، وَلْيَجِدِ الْمَضْغَ، وَلْيَكْفَ عَنِ الطَّعَامِ وَهُوَ يَشْتَهِيهِ وَيَحْتَاجُ إِلَيْهِ.^۱

۶۲۲. الإمام الصادق علیه السلام - عن آبائه علیهم السلام في حديث مناهي النبي صلی الله علیه و آله - : وَنَهَى أَنْ يُنْفَخَ فِي طَعَامٍ أَوْ شَرَابٍ.^۲

۶۲۵. عنه علیه السلام : مَنْ غَسَلَ يَدَهُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ بَوْرِكَ لَهُ فِي أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ، وَعَاشَ مَا عَاشَ فِي سَعَةٍ، وَعُوفِيَ مِنْ بَلْوَى فِي جَسَدِهِ.^۳

۶۲۶. عنه علیه السلام : لَا تَدْعُوا آيَتَكُمْ بِغَيْرِ غِطَاءٍ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ إِذَا لَمْ تَغْطِ الْآيَةَ بَرَقَ فِيهَا، وَأَخَذَ مِمَّا فِيهَا مَا شَاءَ.^۴

۶۲۷. الإمام الكاظم علیه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنِ السَّفَلَةِ - : الَّذِي يَأْكُلُ فِي الْأَسْوَاقِ.^۵

۶۲۸. الاختصاص: رُوي: أَطِيلُوا الْجُلُوسَ عَلَى الْمَوَائِدِ؛ فَإِنَّهَا أَوْقَاتٌ لَا تُحْسَبُ مِنْ أَعْمَارِكُمْ.^۶

خوردن غذا کرد، نام خدا را بر زبان آورد و غذا را خوب بجود و هنوز که اشتها دارد از خوردن دست بکشد.

۶۲۲. امام صادق علیه السلام - از قول پدران خود در حدیث «نهی های پیامبر صلی الله علیه و آله» - فرمود: پیامبر از دمیدن در غذا یا آشامیدنی نهی فرمود.

۶۲۵. امام صادق علیه السلام : هر که قبل و بعد از غذا دستهایش را بشوید، در اول و آخر آن غذا به او برکت داده می شود و تا زنده است در نعمت به سر می برد و از بیماری جسمی در امان می ماند.

۶۲۶. امام صادق علیه السلام : ظرفهای خود را بدون در پوش نگذارید؛ زیرا هر گاه روی ظرفها پوشیده نباشد شیطان در آنها آب دهان می اندازد و هر چه بخواهد از آنها بر می دارد.

۶۲۷. امام کاظم علیه السلام - در پاسخ به سؤال درباره انسان فرومایه - فرمود: کسی است که در کوچه و بازار چیز می خورد.

۶۲۸. الاختصاص: روایت شده که: نشستن بر سر سفره را طولانی کنید که این اوقات از عمر شما به حساب نمی آید.

۱. وسائل الشیعة: ۳/۵۴۰/۱۶.

۲. وسائل الشیعة: ۱/۵۱۸/۱۶.

۳. المحجة البيضاء: ۶/۳، انظر وسائل الشیعة: ۴۷۰/۱۶ باب ۲۹.

۴. وسائل الشیعة: ۱/۵۱۰/۱۶.

۵. وسائل الشیعة: ۱/۵۱۳/۱۶.

۶. الاختصاص: ۲۵۳.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الألف

افت



مركز بحوث ودراسات في العلوم الإسلامية

انظر:

عنوان ٢٩٢ والصدق، ٣٥١ والمزلة، ١٥٥ والعمول.

العشرة: باب ٢٦٨٦، ٢٦٨٨، الروح: باب ١٥٦٣.

الأخ: باب ٣٣، ٣٢، ٣٧، ٤٠.

۱۱۲
الألفة

الکتاب:

﴿هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِتَضَرُّهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ * وَالْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ
لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ
وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۱
﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلْفَ بَيْنَ
قُلُوبِكُمْ فَاصْبِرْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً﴾^۲

الحديث:

۶۳۹. رسول الله ﷺ: خِيَارُكُمْ أَحَاسِنُكُمْ أَخْلَاقاً،
الَّذِينَ يَأْلَفُونَ وَيُؤْلَفُونَ.^۳

۶۵۰. عنه ﷺ: خَيْرُ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ مَأْلَفَةً
لِلْمُؤْمِنِينَ، وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يُؤْلَفُ وَلَا
يَأْلَفُ.^۴

۶۵۱. عنه ﷺ: أَقْرَبُكُمْ مِنِّي عَدَاً فِي
الْمَوْقِفِ... أَحْسَنُكُمْ خُلُقاً وَأَقْرَبُكُمْ مِنَ
النَّاسِ.^۵

۱۱۳
الفت

قرآن:

«اوست که تو را به یاری خویش و به یاری مؤمنان
تأیید کرد و دلهایشان را با یکدیگر الفت داد. اگر تو
همه آنچه را که در روی زمین است اتفاق می‌کردی
[باز هم نمی‌توانستی] دلهای ایشان را با یکدیگر
الفت دهی، ولی خداوند دلهایشان را با یکدیگر
مهربان ساخت که او پیروزمند و حکیم است».

«و از نعمتی که خدا به شما ارزانی داشته است یاد کنید:
آن هنگام که دشمن یکدیگر بودید و او دلهایتان را با
هم الفت داد و به لطف او برادر شدید».

حديث:

۶۳۹. پیامبر خدا ﷺ: بهترین شما خوش‌خوشت‌ترین
شماست؛ آنان که الفت می‌گیرند و الفت
می‌پذیرند.

۶۵۰. پیامبر خدا ﷺ: بهترین مؤمنان کسی است که
مؤمنان بدو الفت می‌گیرند، و در کسی که با
دیگران الفت نگیرد و دیگران نیز با او الفت
نیابند خیری نیست.

۶۵۱. پیامبر خدا ﷺ: فردا در روز حساب،
نزدیکترین شما به من ... کسی است که
خوش‌خوشت‌تر و به مردم نزدیکتر باشد.

۱. الأنفال: ۶۲، ۶۳.

۲. آل عمران: ۱۰۳.

۳. تحف العقول: ۴۵.

۴. بحار الأنوار: ۹/۲۶۵/۷۵.

۵. بحار الأنوار: ۸۳/۱۵۰/۷۷.

۶۵۲. الإمام علي عليه السلام: إزالة الرواسي أسهل من تأليف القلوب المتنافرة.^۱

۶۵۳. عنه عليه السلام: قلوب الرجال وخشيته، فمن تألفها أقبلت عليه.^۲

۶۵۴. عنه عليه السلام: طوبى لمن يألف الناس ويألفونه على طاعة الله.^۳

۶۵۵. الإمام الصادق عليه السلام: إن سزعة ائتلاف قلوب الأبرار إذا اتقوا - وإن لم يظهروا التودد باللسنتهم - كسزعة اختلاط ماء السماء بماء الأنهار. وإن بعد ائتلاف قلوب الفجار إذا اتقوا - وإن أظهروا التودد باللسنتهم - كبعد البهائم من الشعاطف وإن طال اغتلافها على مذود واحد.^۴

۶۵۲. امام علی علیه السلام: از جای کردن کوههای استوار آسانتر است تا الفت دادن دلهای از هم رَمیده.

۶۵۳. امام علی علیه السلام: دلهای رجال رمنده است، هر که آنها را رام کند، به او روی می آورند.

۶۵۴. امام علی علیه السلام: خوشا آن که در راه طاعت خدا، با مردم الفت می گیرد و مردم نیز با او الفت می گیرند.

۶۵۵. امام صادق علیه السلام: نیکوکاران چون با هم روبه رو شوند - هر چند به زبان اظهار دوستی نکنند - دلهایشان، به سرعت در آمیختن باران با آب رودخانه ها، با هم الفت می گیرد. و بدکاران هر گاه با هم روبه رو شوند - هر چند به زبان اظهار دوستی کنند - دلهایشان از الفت با یکدیگر دور است، همانند چارپایان که از مهرورزی با هم بدورند، گرچه روزگاری دراز بر سر یک آنخور، علوفه خورند.

۱. بحار الأنوار: ۷۰/۱۱/۷۸.

۲. غرر الحکم: ۶۷۷۶.

۳. بحار الأنوار: ۱۱۲/۵۶/۷۸.

۴. تحف العقول: ۳۷۳.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



الله

الله



مرکز تحقیقات کامپیوتر و علوم اسلامی

انتظر:

عنوان ١٥١ والخالق، ٣٤٦ ومعرفة النفس، ٣٤٧ ومعرفة الله.

۱۱۵

الله

الکتاب:

«وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ
الله»^۱.

الحديث:

۶۵۶. الإمام علي عليه السلام: «الله» أعظم اسم من أسماء
الله عز وجل، وهو الاسم الذي لا ينبغي أن
يُسَمَّى به غير الله، ولم يتسم به مخلوق^۲.
۶۵۷. الإمام الرضا عليه السلام: إن في تسمية الله عز وجل
الإقرار ربوبيته وتوحيده^۳.

قرآن:

«و اگر از آنان بپرسی که چه کسی آسمانها و زمین را
آفریده است، بی گمان می گویند: الله».

حديث:

۶۵۶. امام علي عليه السلام: الله بزرگترین اسم خداوند
عز وجل است و آن اسمی است که کسی را
جز خداوند نباید بدان نامید و مخلوقی را
بدان نام نهاد.

۶۵۷. امام رضا عليه السلام: در نامیدن خداوند عز وجل به
الله، اقرار به ربوبیت و یگانگی او نهفته است.

۱۱۶

معنى «الله»

۶۵۸. الإمام علي عليه السلام: الله معناه المعبود الذي يآله
فيه الخلق ويؤله إليه، والله هو المستور عن
درك الأبصار، المخجوب عن الأوهام
والخطرات^۴.

۱۱۶

معناى «الله»

۶۵۸. امام علي عليه السلام: الله به معنای معبودی است که
آفریدگان درباره او حیرانند و [نیز] کسی که
بدو پناه برده می شود. الله، هموست که از
دیده ها پوشیده است و از وهم و خیال در
پرده.

۱. لقمان: ۲۵، الزمر: ۳۸.

۲. التوحيد: ۵/۲۳۱.

۳. عيون أخبار الرضا: ۱/۹۳/۲.

۴. التوحيد: ۲/۸۹.

۶۵۹. الإمام الباقر عليه السلام: اللهُ مَعْنَاهُ الْمَعْبُودُ الَّذِي
إِلَهَ الْخَلْقِ عَنْ ذِكِّ مَا هَيْئَتِهِ وَالْإِحَاطَةِ
بِكَيْفِيَّتِهِ^۱.

۶۵۹. امام باقر عليه السلام: الله به معنای معبودی است که
خلایق در رسیدن به چیستی او و احاطه بر
چگونگی اش حیرانند.

۶۶۰. الإمام الكاظم عليه السلام - في معنى «الله» -: اسْتَوْلَى
عَلَى مَا دَقَّ وَجَلَّ^۲.

۶۶۰. امام کاظم عليه السلام - درباره معنای الله - فرمود: [آن
که] بر هر ریز و درشتی استیلا دارد.

۶۶۱. الإمام العسكري عليه السلام: اللهُ هُوَ الَّذِي يَتَأَلَّهُ إِلَيْهِ
عِنْدَ الْحَوَانِجِ وَالشَّدَائِدِ كُلُّ مَخْلُوقٍ، عِنْدَ
انْقِطَاعِ الرَّجَاءِ مِنْ كُلِّ مَنْ دُونَهُ^۳.

۶۶۱. امام عسکری عليه السلام: الله، هموست که هر
آفریده‌ای به هنگام نیازها و سختیها و
ناامیدی از هر کس جز او، بدو پناه
می‌برد.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۱. التوحید: ۲/۸۹. ۲. التوحید: ۴/۲۳۰.

۳. بحار الأنوار: ۱۶/۴۱/۳، انظر تمام الحديث في باب: ۱۰۸۳.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



الإِمَارَةُ

فرمانروایی



مرکز تحقیقات کهنه‌پژوهی و پژوهش اسلامی

ولمزيد الاطلاع راجع:

كنز العمال: ٥٨٤/٥ والخلافة مع الإمارة.

كنز العمال: ٣/٦ والإمارة، وحص ٩١ والقضاء.

سنن أبي داود: ٣/١٣٠ وكتاب الخراج والإمارة والقبيل.

صحيح مسلم: ٣/١٤٥١ وكتاب الإمارة.

انظر:

عنوان ٥٥٦ والولاية على الناس، ٢٤١ والسلطان.

٤٩٣ والملك، ٢٣ والإمامة العامة.

١٦٧ والدولة، السفر: باب ١٨١١، المرأة: باب ٣٦٠٢.

۱۱۷

ضرورة الإمارة

۶۶۲. الإمام علي عليه السلام في قضية التحكيم: «إِنَّ هَؤُلَاءِ يَقُولُونَ: لَا إِمْرَةَ! وَلَا بُدَّ مِنْ أَمِيرٍ يَفْعَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ، وَيَسْتَمْتِعُ الْفَاجِرُ»^۱.

۶۶۳. عنه عليه السلام: «لَا يُضْلِحُ النَّاسُ إِلَّا أَمِيرٌ بَرٌّ أَوْ فَاجِرٌ»^۲.

۶۶۴. عنه عليه السلام: «فِي الْحُرُورِيَّةِ وَهُمْ يَقُولُونَ: لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ: - الْحُكْمُ لِلَّهِ، وَفِي الْأَرْضِ حُكَّامٌ، وَلَكِنَّهُمْ يَقُولُونَ: لَا إِمْرَةَ، وَلَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ إِمْرَةٍ يَفْعَلُ فِيهَا الْمُؤْمِنُ، وَيَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْفَاجِرُ وَالْكَافِرُ، وَيُبْلَغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ»^۳.

۶۶۵. عنه عليه السلام: «لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ، يَفْعَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ، وَيُبْلَغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ، وَيُجْمَعُ بِهِ الْفَيءُ، وَيُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ، وَتَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ، وَيُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ، حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَيُسْتَرَاخَ مِنْ فَاجِرٍ»^۴.

۱. أنساب الأشراف: ۱۳۵/۳.

۲. كنز العمال: ۱۴۲۸۶.

۳. كنز العمال: ۳۱۵۶۷.

۴. بحار الأنوار: ۷۲/۳۵۸/۷۵.

۱۱۷

ضرورت فرمانروایی و حکومت

۶۶۲. امام علی علیه السلام - در قضیه حکمیت - فرمود: اینان (خوارج) می‌گویند فرمانروایی ضرورتی ندارد! حال آن که وجود فرمانروا لازم است تا در زمان حکومت او مؤمن کار خود کند و کافر بهره خود ببرد.

۶۶۳. امام علی علیه السلام: [وضع] مردم را به سامان نیاورد مگر فرمانروا؛ نیکو باشد یا بد.

۶۶۴. امام علی علیه السلام - درباره حروریه (خوارج) که می‌گفتند «حکم و داورى جز از آن خدا نیست» - فرمود: [آرى] حکم [واقعاً] از آن خداست و در زمین نیز حاکمان و داورانى هستند، اما آنان می‌گویند: فرمانروایی لزومی ندارد، حال آن که مردم را از حکومت گریزی نیست، تا مؤمن در آن حکومت، کار خویش کند و تبهکار و کافر بهره خود ببرند و خداوند در زمان آن هر کس را به اجل مقدر می‌رساند.

۶۶۵. امام علی علیه السلام: مردم را ناچار فرمانروایی باید؛ نیکوکار یا تبهکار؛ زیرا در حکومت او فرد باایمان کار خویش (اطاعت خدا) می‌کند و کافر بهره خویش می‌برد و خداوند با وجود حکومت، هر کس را به اجل مقدر می‌رساند و به وسیله او مالیاتها جمع‌آوری می‌شود و با دشمن جنگیده می‌شود و راهها امن می‌گردد و حق ناتوان از زورمند ستانده می‌شود و نیکوکار آسایش می‌یابد و از تبهکار در امان می‌ماند.

۱. در نهج البلاغة عبارت «لا إمرة إلا لله» (فرمانروایی مخصوص خداوند است) آمده است.

۶۶۶. عنه علیه السلام : أَسَدُ حَطُومٍ خَيْرٌ مِنْ سُلْطَانٍ ظَلُومٍ ،
وَسُلْطَانٌ ظَلُومٌ خَيْرٌ مِنْ فِتْنٍ تَدُومٍ .^۱

۶۶۷. كنز العمال عن أبي البختری : دَخَلَ رَجُلٌ
الْمَسْجِدَ فَقَالَ : لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ ، ثُمَّ قَالَ آخَرُ :
لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ ، فَقَالَ عَلَيْهِ السلام : لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ
إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا
يُوقِنُونَ ^۲ ، فَمَا تَذَرُونَ مَا يَقُولُ هَؤُلَاءِ ،
يَقُولُونَ : لَا إِمَارَةَ . أَيُّهَا النَّاسُ ! إِنَّهُ لَا
يُضِلُّكُمْ إِلَّا أَمِيرٌ بُرٌّ أَوْ فَاجِرٌ .

قَالُوا : هَذَا الْبَرُّ فَقَدْ عَرَفْنَاهُ ، فَمَا بَالُ
الْفَاجِرِ ؟

فَقَالَ : يَعْمَلُ الْمُؤْمِنُ ، وَيُضِلُّ الْفَاجِرُ ،
وَيُبَلِّغُ اللَّهُ الْأَجَلَ ، وَتَأْمَنُ سُبُلُكُمْ ، وَتَقُومُ
أَسْوَاقُكُمْ ، وَيُجِبِي فِتْنُكُمْ ، وَيُجَاهِدُ عَدُوَّكُمْ ،
وَيُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ مِنَ الشَّدِيدِ مِنْكُمْ .^۳

۱۱۸

إِمَارَةُ الْأَشْرَارِ

۶۶۸. رسول الله صلی الله علیه و آله : إِذَا كَانَ أَمْرَاؤُكُمْ خِيَارَكُمْ ،
وَأَغْنِيَاؤُكُمْ سَمَحَاءَكُمْ ، وَأَمْرُكُمْ سُورَى
بَيْنَكُمْ ، فَظَهَرُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ بَطْنِهَا .

۶۶۶. امام علی علیه السلام : شیر درنده بهتر است از
فرمانروای ستمگر و فرمانروای ستمگر
بهتر است از فتنه‌های دیر پای.

۶۶۷. كنز العمال - به نقل از ابو البختری :- مردی
وارد مسجد شد و گفت: حُکَم جز از آن خدا
نیست. دیگری نیز گفت: حُکَم جز خدا را
نشاید. در این هنگام علی علیه السلام فرمود: [البته]
حُکَم جز از آن خدا نیست «همانا وعده خدا
راست است. مبدا آنان که یقین ندارند تو را
بی ثبات گردانند». شما نمی‌دانید اینها چه
می‌گویند؟ اینها می‌گویند: حکومت لازم
نیست. ای مردم! [وضع] شما را به سامان
نیاورد مگر فرمانروا؛ نیک باشد یا تبهکار.
گفتند: سخن تو درباره فرمانروای نیکو
کردار، درست، اما تبهکار چگونه؟ فرمود:
مؤمن به کار خود می‌پردازد و نابکار
برخوردار می‌شود، خداوند اجل مقدر را
می‌رساند، راهبایان امن می‌شود،
بازارهایان رونق می‌گیرد، خراجهایان
گردآوری می‌شود، با دشمنان پیکار
می‌شود و حق ناتوان از زورمند گرفته
می‌گردد.

۱۱۸

فرمانروایی بدکاران

۶۶۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه فرمانروایان شما
نیکانان باشند و توانگران شما
بخشنده‌گانتان و کارهایتان با شور و
مشورت، روی زمین از درون آن برای شما

۱ - بحار الأنوار: ۷۴/۳۵۹/۷۵.

۲ - الروم: ۶۰.

۳ - كنز العمال: ۳۱۶۱۸.

بهرتر است، و هرگاه فرمانروایان بدان شما باشند و ثروتمندان بخیلانان و کار شما به دست زنانان افتد، زیر خاک از روی زمین برایتان بهتر است.

۱۱۹

ارزش حکومت

۶۶۹. امام علی علیه السلام - آنگاه که مشغول پینه زدن کفش خود بود و ابن عباس آمد و گفت: حاجیان گرد آمده‌اند تا سخنی از شما بشنوند - فرمود: سوگند به خدا این دو (لنگه کفش) را بیش از کار شما (حکومت) دوست می‌دارم مگر آنکه حدی را اجرا کنم یا باطلی را دور سازم.

۶۷۰. امام علی علیه السلام - در نامه خود به ابن عباس - نوشت: اما بعد [از حمد]؛ مبادا بهره تو از حکومت به دست آوردن مالی یا فرو نشاندن خشمی (انتقامگیری) باشد. بلکه باید بهره‌ات میراندن باطلی باشد و زنده کردن حق.

۶۷۱. نهج البلاغة - به نقل از عبد الله بن عباس -: بر امیر المؤمنین علیه السلام در منطقه ذی قار وارد شدم در حالی که حضرت کفش خود را پینه می‌زد. از من پرسید: این کفش چقدر می‌ارزد؟ گفتم: ارزشی ندارد. فرمود: به خدا قسم این را از حکومت بر شما دوست تر دارم مگر آن که [بخواهم] حق را بر پا دارم یا باطلی را براندام.

وَإِذَا كَانَ أَمْرُكُمْ شِرَارَكُمْ، وَأَغْنِيَاؤُكُمْ بُخْلَاءُكُمْ، وَأُمُورُكُمْ إِلَى نِسَائِكُمْ؛ فَبَطْنُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَّكُمْ مِنْ ظَهْرِهَا.^۱

۱۱۹

قیمة الامارة

۶۶۹. الإمام علی علیه السلام - لابن عباسٍ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ وَقَالَ: إِنَّ الْحَاجَّ قَدْ اجْتَمَعُوا لِيَسْمَعُوا مِنْكَ، وَهُوَ يَخْصِفُ نَعْلًا -: أَمَا وَاللَّهِ لَهَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَمْرِكُمْ هَذَا، إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَدًّا أَوْ أُدْفَعَ بَاطِلًا.^۲

۶۷۰. عنه علیه السلام - فِي كِتَابِهِ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ -: أَمَا بَعْدُ، فَلَا يَكُنْ حَظُّكَ فِي وَلَا يَتَكَ مَالًا تَسْتَفِيدُهُ، وَلَا غَيْظًا تَسْتَفِيهِ، وَلَكِنْ إِمَانَةً بَاطِلٍ وَإِحْيَاءَ حَقٍّ.^۳

۶۷۱. نهج البلاغة عن ابن عباسٍ: دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام بِذِي قَارٍ وَهُوَ يَخْصِفُ نَعْلَهُ، فَقَالَ لِي: مَا قِيمَةُ هَذَا النَّعْلِ؟ فَقُلْتُ: لَا قِيمَةَ لَهَا! فَقَالَ علیه السلام: وَاللَّهِ لَهَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَمْرِكُمْ، إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا، أَوْ أُدْفَعَ بَاطِلًا.^۴

۱. تحف العقول: ۳۶.

۲. المناقب لابن شهر آشوب: ۱۰۱/۲.

۳. بحار الأنوار: ۱۰/۳۲۸/۴۰.

۴. نهج البلاغة: الخطبة ۳۳.



الأمَلُّ

آرزو



مرکز تحقیقات کامپیوتر و علوم اسلامی

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧٣/١٦٠ باب ١٢٨ والحرص وطول الأمل.

وسائل الشيعة: ٢/٦٥٠ باب ٢٣ وطول الأمل.

كنز العمال: ٣/٨١٨، ٤٩٠ وطول الأمل.

افظن:

عنوان ٣ والأجل.

۱۲۰

الْأَمَلُ رَحْمَةٌ

۶۷۲. رسول الله ﷺ: الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي، وَلَوْ لَا الْأَمَلُ مَا أَرْضَعَتْ وَالِدَةُ وَلَدَهَا، وَلَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجَرًا.^۱

۶۷۳. الإمام علي عليه السلام: الْأَمَلُ رَفِيقٌ مُؤْنِسٌ.^۲

۶۷۴. تنبيه الخواطر: بينما عيسى بن مريم عليه السلام

جالسٌ وشيخٌ يعملُ بِمِسْحَاةٍ وَيُشِيرُ بِهِ الْأَرْضَ، فَقَالَ عِيسَى عليه السلام: اللَّهُمَّ أَنْزِعْ عَنْهُ الْأَمَلَ. فَوَضَعَ الشَّيْخُ الْمِسْحَاةَ وَاضْطَجَعَ، فَلَبِثَ سَاعَةً فَقَالَ عِيسَى عليه السلام: اللَّهُمَّ ارْزُدْ إِلَيْهِ الْأَمَلَ، فَقَامَ فَجَعَلَ يَعْمَلُ.^۳

۶۷۵. الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ رَبَّ الْعَالَمِينَ... أَسْأَلُكَ ... مِنَ الْأَمَالِ أَوْفَقَهَا.^۴

۱۲۱

الْأَمَالُ لَا تَنْتَهِي

۶۷۶. رسول الله ﷺ: مَنْ كَانَ يَأْمَلُ أَنْ يَعِيشَ غَدًا فَإِنَّهُ

۱. بحار الأنوار: ۸/۱۷۳/۷۷.

۲. غرر الحکم: ۱۰۴۲.

۳. تنبيه الخواطر: ۲۷۲/۱.

۴. بحار الأنوار: ۲۲/۱۵۵/۹۴.

۱۲۰

آرزو رحمت است

۶۷۲. پیامبر خدا ﷺ: آرزو، برای امت من رحمت است. و اگر آرزو نبود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ باغبانی درختی بر نمی نشاند.

۶۷۳. امام علی عليه السلام: آرزو، رفیقی همدم است.

۶۷۴. تنبيه الخواطر: عيسى بن مريم عليه السلام نشسته بود و پیرمردی بابل زمین را شیار می کرد، عيسى عليه السلام فرمود: بار خدایا! آرزو (امید) را از او بگیر. آن پیر در دم بیل را کنار نهاد و دراز کشید. ساعتی گذشت و عيسى گفت: بار خدایا! آرزو را به او بازگردان.

آن پیر بیدرنگ برخاست و شروع به کار کرد.

۶۷۵. امام زين العابدين عليه السلام: بسار خدایا! ای پروردگار جهانیان!... از تو مناسبترین آرزو را خواهانم.

۱۲۱

آرزوها را پایانی نیست

۶۷۶. پیامبر خدا ﷺ: هر که پیوسته آرزو داشته

باشد که فردا زنده بماند آرزوی زندگی
همیشگی کرده است.

۶۷۷. امام علی علیه السلام: آرزو را پایانی نیست.

۶۷۸. امام علی علیه السلام: آرزوها، پایان ناپذیرند.

۶۷۹. امام علی علیه السلام: یقین بدان که تو هرگز به
آرزوهایت نمی‌رسی و هرگز از اجلت فراتر
نمی‌روی و همان راهی را می‌پیمایی که
پیشینیان تو پیمودند.

۱۲۲

پرهیز دادن از آرزوهای پوچ و باطل

قرآن

«رهائشان کن تا بخورند و بهره‌ور شوند و آرزو، به
خود مشغولشان دارد، زودا که خواهند دانست».

حدیث:

۶۸۰. امام علی علیه السلام: از آرزوی پوچ و باطل پرهیزید؛
زیرا چه بسا کسی که به امید فردا بود، ولی
آن را پشت سر نگذاشت و چه بسا کسی که
در آغاز شب به او غبطه می‌خورند ولی در
پایان آن به حال او می‌گیرند.

۶۸۱. امام علی علیه السلام: از فریبندگی آرزوها پرهیزید؛
زیرا، بسا آن که در آرزوی روزی [بهتر]
بوده ولی آن را در نیافته و بسا آن که خانه‌ای

يَأْمَلُ أَنْ يَعِيشَ أَبَدًا.^۱

۶۷۷. الإمام علي عليه السلام: الأمل لا غاية له.^۲

۶۷۸. عنه عليه السلام: الآمال لا تنتهي.^۳

۶۷۹. عنه عليه السلام: اعلم يقيناً أنك لن تبلغ أملك، ولن
تعدو أجلك، وأنت في سبيل من كان
قبلك.^۴

(انظر) ح ۷۵۷.

۱۲۲

التحذير من الآمال الباطلة

الكتاب:

﴿ذُرُّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَسْتَمْتَعُوا وَلَهُبِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ
يَعْلَمُونَ﴾.^۵

الحديث:

۶۸۰. الإمام علي عليه السلام: اتقوا باطل الأمل، فرب
مستقبل يوم ليس بمستدبره، ومغبوط في
أول ليله^۶ قامت بواكيه في آخره.^۷

۶۸۱. عنه عليه السلام: اتقوا خداع الآمال، فكم من مؤمل

۱. بحار الأنوار: ۳۱/۱۶۷/۷۳.

۲. غرر الحكم: ۱۰۱۰.

۳. غرر الحكم: ۶۳۹.

۴. نهج البلاغة: الكتاب ۳۱، ۵. الحجر: ۳.

۵. في المصدر وفي أول ليلة والصواب ما أثبتناه.

۷. غرر الحكم: ۲۵۷۲.

یومٍ لَمْ یُذَرِّکُمْ، وَبَانِی بِنَاءٍ لَمْ یَسْکُنْهُ،
وَجَامِع مَالٍ لَمْ یَأْکُلْهُ! ۱

۶۸۲. عنه: الْأَمَلُ كَالسَّرَابِ: یَغْرِزُ مَنْ رَأَاهُ، وَیُخْلِیفُ
مَنْ رَجَاهُ. ۲

۶۸۳. عنه: الْأَمَلُ خَادِعٌ غَارٌ ضَارٌّ. ۳

۶۸۴. عنه: الْأَمَانِيُّ تُغْمِي عُیُونَ البَصَائِرِ. ۴

۶۸۵. عنه: الْأَمَلُ سُلْطَانُ الشَّیَاطِینِ عَلَى قُلُوبِ
الْغَافِلِینَ. ۵

۶۸۶. عنه: الْأَمَلُ أَبْدَأُ فِی تَكْذِیبٍ. ۶

۶۸۷. عنه: ثَمَرَةُ الْأَمَلِ فَسَادُ الْعَمَلِ. ۷

۶۸۸. عنه: إِنَّ الْأَمَلَ یُسْهِی الْقَلْبَ، وَیُكْذِبُ
الْوَعْدَ، وَیُكْثِرُ الْغَفْلَةَ، وَیُورِثُ الْحَسْرَةَ. ۸

۶۸۹. عنه: إِنَّ الْأَمَلَ یُذْهِبُ الْعَقْلَ، وَیُكْذِبُ
الْوَعْدَ، وَیَحُثُّ عَلَى الْغَفْلَةِ، وَیُورِثُ
الْحَسْرَةَ. فَاتَّكِبُوا الْأَمَلَ؛ فَإِنَّهُ غُرُورٌ، وَإِنَّ
صَاحِبَهُ مَا زُورٌ. ۹

۶۹۰. عنه: اَعْلَمُوا أَنَّ الْأَمَلَ یُسْهِی الْعَقْلَ، وَیُنْسِی
الذِّكْرَ. فَاتَّكِبُوا الْأَمَلَ، فَإِنَّهُ غُرُورٌ،

ساخته اما در آن ننشسته و بسا آن که مالی
گرد آورده و آن را نخورده است.

۶۸۲. امام علی: آرزو چون سراب است که
ببیننده اش را می فریبد و امیدوارش را
مایوس می سازد.

۶۸۳. امام علی: آرزو، گمراه کننده، فریبنده و
زیانبار است.

۶۸۴. امام علی: آرزوها، چشمان بصیرت را کور
می کنند.

۶۸۵. امام علی: آرزو، مایه چیرگی شیطانها بر دل
غافلان است.

۶۸۶. امام علی: آرزو، همواره دروغ می گوید.
۶۸۷. امام علی: ثمره آرزو، تباهی کار است.

۶۸۸. امام علی: آرزو، دل را به گمراهی می
کشاند، وعده دروغ می دهد، غفلت بسیار به
بار می آورد، و حسرت بر جای می گذارد.

۶۸۹. امام علی: آرزو عقل را می برد، وعده پوچ
می دهد، به غفلت ترغیب می کند و حسرت
به بار می آورد. پس، آرزو را دروغ شمارید،
که آرزو فریبنده است و آرزومند گناهکار
است.

۶۹۰. امام علی: بدانید که آرزو، خرد را به غفلت
و گمراهی می کشاند و خدا را از یاد انسان
می برد؛ پس، آرزو را دروغین دانید که آرزو

۱. غرر الحکم: ۲۵۶۳. ۲. غرر الحکم: ۱۸۹۶.

۳. غرر الحکم: ۱۱۳۵. ۴. غرر الحکم: ۱۳۷۵.

۵. غرر الحکم: ۱۸۲۸. ۶. غرر الحکم: ۲۰۱۷.

۷. غرر الحکم: ۳۶۴۱. ۸. بحار الأنوار: ۱۱۷/۳۵/۷۸.

۹. بحار الأنوار: ۲/۲۹۳/۷۷.

وصاحبه مغرور^۱.

۶۹۱. الإمام الصادق: طوبى لمن لم تله الأمانى الكاذبة^۲.

۶۹۲. عنه: كم من نعمة الله على عبده في غير أمليه، وكم من مؤمل أمل الخیار في غيره^۳.
۶۹۳. عنه: من دعائه يوم عرفة: أعوذ بك من دنيا تمنع خير الآخرة، ومن حياة تمنع خير السمات، ومن أمل يمنع خير العمل^۴.

۱۲۳

الْأَمَلُ وَالْأَجَلُ

۶۹۲. رسول الله: إن آدم قبل أن يُصيب الذنب كان أجله بين عينييه وأمله خلفه، فلما أصاب الذنب جعل الله أمله بين عينييه وأجله خلفه، فلا يزال يؤمل حتى يموت^۵.

۶۹۵. تنبيه الخواطر: روي أنه [رسول الله] أخذ ثلاثة أعواد ففرس عوداً بين يديه والآخر إلى جنبه، وأما الثالث فأبعده وقال: هل تدرون ما هذا؟ قالوا: الله ورسوله أعلم. قال: هذا الإنسان، وهذا الأجل، وهذا

فریبنده است و آرزومند، فریب خورده.

۶۹۱. امام صادق: خوشا کسی که آرزوهای پوچ، او را سرگرم و غافل نکرده باشد.

۶۹۲. امام صادق: بسا نعمتی که خداوند به بنده اش می دهد بی آن که آرزویش را کرده باشد و بسا کسی که آرزوی چیزی داشته و خلاف آن نصیبتش شده است.

۶۹۳. امام صادق: در دعای خویش در روز عرفه - گفت: خدایا! به تو پناه می برم از دنیایی که مانع خیر آخرت می شود و از زندگانی ای که مانع نیکو مردن می گردد و از آرزویی که مانع کار نیک شود.

۱۲۳

آرزو و اجل

۶۹۲. پیامبر خدا: آدم پیش از آن که مرتکب گناه شود اجلش در برابر دیدگان او بود و آرزویش پشت سرش. اما چون گناه ورزید خداوند آرزویش را جلو چشم او نهاد و اجلش را پشت سرش. این است که آدمی تا دم مرگ همچنان آرزو دارد.

۶۹۵. تنبيه الخواطر: روایت شده که پیامبر خدا سه قطعه چوب برداشت و یکی را در مقابل خود در زمین فرو برد و دیگری را در کنار آن و سومی را دورتر قرار داد، آنگاه فرمود: آیا می دانید اینها چیست؟ گفتند: خدا و

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۸۶. ۲. تحف العقول: ۳۰۱.

۳. بحار الأنوار: ۵۵/۱۵۲/۷۱.

۴. بحار الأنوار: ۲۶۰/۹۸. ۵. الدرر المنتورة: ۱۴۱/۱.

الْأَمَلُ يَتَعَاطَاهُ ابْنُ آدَمَ وَيَخْتَلِجُهُ الْأَجَلُ
دُونَ الْأَمَلِ.^۱

۶۹۶. الإمام علي عليه السلام: لو رأى العبدُ أجله وسُرِعَتْهُ
إِلَيْهِ أَبْعَضَ الْأَمَلِ.^۲

۶۹۷. عنه عليه السلام: ما أنزل الموتَ حقَّ منزِلَتِهِ مَنْ عَدَّ
غَدًا مِنْ أَجَلِهِ.^۳

۶۹۸. عنه عليه السلام: مَنْ جَرَى فِي عِنَانِ أَمَلِهِ عَثَرَ بِأَجَلِهِ.^۴

۶۹۹. عنه عليه السلام: الْأَمَلُ يُنْسِي الْأَجَلَ.^۵

۷۰۰. عنه عليه السلام: الْأَمَلُ حِجَابُ الْأَجَلِ.^۶

۷۰۱. عنه عليه السلام: الْأَمَلُ يُفْسِدُ الْعَمَلَ وَيُفْنِي الْأَجَلَ.^۷

۷۰۲. عنه عليه السلام: أَضْدَقُ شَيْءٍ الْأَجَلُ، أَكْذَبُ شَيْءٍ
الْأَمَلُ.^۸

۷۰۳. عنه عليه السلام: أَقْرَبُ شَيْءٍ الْأَجَلُ، أَبْعَدُ شَيْءٍ
الْأَمَلُ.^۹

۷۰۴. عنه عليه السلام: الْأَجَلُ حَصَادُ الْأَمَلِ.^{۱۰}

پیامبرش بهتر می دانند. فرمود: این انسان
است، این اجل و آن دیگری آرزوست که
آدمیزاده به دنبالش می رود، اما اجل در
می رسد و او به آرزو نمی رسد.

۶۹۶. امام علی علیه السلام: اگر انسان اجل و سرعت آن را [به
سوی خود] می دید، آرزو را دشمن
می داشت.

۶۹۷. امام علی علیه السلام: هر که فردا را از عمر خود
بشمارد، مرگ را در جایگاه شایسته اش
نشانده است.

۶۹۸. امام علی علیه السلام: هر که زمام خویش را به دست
آرزو بسپارد، با اجل خود به سر درمی آید.

۶۹۹. امام علی علیه السلام: آرزو، اجل را از یاد انسان می برد.
۷۰۰. امام علی علیه السلام: آرزو، حجاب اجل است.

۷۰۱. امام علی علیه السلام: آرزو، عمل را تباه می کند و عمر
را ضایع می سازد.

۷۰۲. امام علی علیه السلام: راست ترین چیز، اجل (مرگ)
است. دروغترین چیز، آرزوست.

۷۰۳. امام علی علیه السلام: نزدیکترین چیز [به انسان] اجل
(مرگ) است. دورترین چیز آرزوست.

۷۰۴. امام علی علیه السلام: اجل، درو کننده آرزوست.

۱. تنبيه الخواطر: ۲۷۲/۱.

۲. بحار الأنوار: ۷۹/۹۵/۷۳، وانظر أيضاً: ۲۲/۱۶۴ و ۲۸/۱۶۶.

۳. بحار الأنوار: ۲۸/۱۶۶/۷۳.

۴. بحار الأنوار: ۲۹/۱۶۶/۷۳.

۵. غرر الحکم: ۸۷۴. ۶. غرر الحکم: ۹۹۷.

۷. غرر الحکم: ۱۳۵۸. ۸. غرر الحکم: (۲۸۴۵-۲۸۴۶).

۹. غرر الحکم: (۲۹۲۰-۲۹۲۱).

۱۰. غرر الحکم: ۶۳۸.

۷۰۵. امام علی علیه السلام: اجل، آرزو را رسوا می‌کند.

۷۰۶. امام علی علیه السلام: من با آرزوی خود در ستیزم و چشم به راه اجل خویشم.

۷۰۷. امام علی علیه السلام: نفس از آرزو تهی نمی‌شود مگر زمانی که اجل سر رسد.

۷۰۸. امام علی علیه السلام: انسان در آستان رسیدن به آرزوی خویش است که [ناگهان] فرا رسیدن اجل، مانع رسیدنش می‌شود.

۷۰۹. امام علی علیه السلام: آفت آرزو، اجل است.

۷۱۰. امام علی علیه السلام: هانا شما در روزگار آرزویی هستید که اجل در پی آن است. پس هر که در روزگار آرزومندی، پیش از در رسیدن اجلش، کار کند، عملش به حال او سودمند می‌افتد و اجلش به اوزیان نمی‌رساند.

۷۱۱. امام علی علیه السلام: هر کس به دورترین آرزوی خود برسد، باید در انتظار نزدیکترین اجل خود باشد.

۷۱۲. امام علی علیه السلام: چه نزدیک است اجل به آرزو.

۷۱۳. امام علی علیه السلام: هرگاه به نهایت آرزوهای خود رسیدید، به یاد شبیخون اجل باشید.

۷۱۴. امام علی علیه السلام: هرگاه اجلها فرا رسند، آرزوها رسوا می‌شوند.

۷۱۵. امام کاظم علیه السلام: اگر اجلها (مدت عمرها) معلوم

۷۰۵. عنه علیه السلام: الأجل يفضح الأمل^۱.

۷۰۶. عنه علیه السلام: إني مُحَارِبٌ أَمَلِي وَمُنْتَظَرٌ أَجَلِي^۲.

۷۰۷. عنه علیه السلام: لَا تَخْلُو النَّفْسُ مِنَ الْأَمَلِ حَتَّى تَدْخُلَ فِي الْأَجَلِ^۳.

۷۰۸. عنه علیه السلام: إِنَّ الْمَرْءَ يُشْرِفُ عَلَى أَمَلِهِ فَيَقْطَعُهُ حُضُورُ أَجَلِهِ^۴.

۷۰۹. عنه علیه السلام: آفَةُ الْأَمَلِ الْأَجَلُ^۵.

۷۱۰. عنه علیه السلام: أَلَا وَإِنَّكُمْ فِي أَيَّامِ أَمَلٍ مِنْ وَرَائِهِ أَجَلٌ، فَمَنْ عَمِلَ فِي أَيَّامِ أَمَلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ فَقَدْ نَفَعَهُ عَمَلُهُ وَلَمْ يَضُرَّهُ أَجَلُهُ^۶.

۷۱۱. عنه علیه السلام: مَنْ بَلَغَ أَقْصَى أَمَلِهِ فَلْيَتَوَقَّعْ أَدْنَى أَجَلِهِ^۷.

۷۱۲. عنه علیه السلام: مَا أَقْرَبَ الْأَجَلَ مِنَ الْأَمَلِ^۸.

۷۱۳. عنه علیه السلام: إِذَا بَلَغْتُمْ نِهَایَةَ الْأَمَالِ فَادْكُرُوا بَعَثَاتِ الْآجَالِ^۹.

۷۱۴. عنه علیه السلام: إِذَا حَسَضَتْ الْآجَالُ افْتَضَحَتْ الْأَمَالُ^{۱۰}.

۷۱۵. الإمامُ الكاظمُ علیه السلام: لَوْ ظَهَرَتْ الْآجَالُ افْتَضَحَتْ

۱. غرر الحکم: ۶۳۷. ۲. غرر الحکم: ۳۷۷۴.

۳. غرر الحکم: ۱۰۸۴۴. ۴. غرر الحکم: ۳۵۶۵.

۵. غرر الحکم: ۳۹۷۰. ۶. بحار الأنوار: ۲۱/۳۳۳/۷۷.

۷. تنبيه الخواطر: ۵۰/۱. ۸. غرر الحکم: ۹۴۹۱.

۹. غرر الحکم: ۴۰۰۸. ۱۰. غرر الحکم: ۴۰۰۷.

الآمال^۱.

شود آرزوهارسوای شوند.

۱۲۳

نتایج آرزوی دراز

۷۱۶. الکافی: در نجواهای خداوند با موسی آمده است: ای موسی! در دنیا آرزوی دراز نکن که دلت سخت می شود و انسان سخت دل از من بدور است.

۷۱۷. امام علی علیه السلام: هیچ بنده ای آرزو را دراز نکرد، مگر آن که کردار را بد ساخت.

۷۱۸. امام علی علیه السلام: کسی که از همه بیشتر آرزو دارد، از همه کمتر به یاد مرگ است.

۷۱۹. امام علی علیه السلام: آرزو مستندترین مردم، بدکردارترین مردم است.

۷۲۰. امام علی علیه السلام: هر که آرزویش دور و دراز شود عملش کم و کوتاه می گردد.

۷۲۱. امام علی علیه السلام: اما آرزوی دراز، آخرت را از یاد آدمی می زداید.

۷۲۲. امام علی علیه السلام: هر که آرزو داشته باشد که فردا زنده بماند، در حقیقت، آرزوی زندگی جاودان کرده است و هر که آرزوی زندگی جاودانه داشته باشد، دلش سخت می شود و به دنیا روی می آورد.

۱۲۳

آثار طولِ الأمل

۷۱۶. الکافی: فیما ناجی الله عز وجل به موسی علیه السلام: یا موسی، لا تطوّل فی الدنیا أملک فیتقسو قلبک، والقاسی القلب منی بعید^۲.

۷۱۷. الإمام علی علیه السلام: ما أطال عبد الأمل إلا أساء العمل^۳.

۷۱۸. عنه علیه السلام: أكثر الناس أملاً أقلهم للموت ذكراً^۴.

۷۱۹. عنه علیه السلام: أطول الناس أملاً أسوأهم عملاً^۵.

۷۲۰. عنه علیه السلام: من اتسع أمله قصر عمله^۶.

۷۲۱. عنه علیه السلام: أما طول الأمل فینسی الآخرة^۷.

۷۲۲. عنه علیه السلام: من یأمل أن یمیش غداً فإنه یأمل أن یمیش أبداً، ومن یأمل أن یمیش أبداً یقسو قلبه ویزغب فی دنياه^۸.

(انظر) وسائل الشیعة: ۲/۶۵۰ باب ۲۴.

۱. أعلام الدین: ۳۰۵. ۲. الکافی: ۱/۳۲۹/۲.

۳. بحار الأنوار: ۲۸/۱۶۶/۷۳.

۴. غرر الحکم: ۳۰۵۳. ۵. غرر الحکم: ۳۰۵۴.

۶. بحار الأنوار: ۴۰/۴۲۱/۷۷.

۷. الکافی: ۳/۳۳۶/۲، انظر تمام الحديث فی باب ۱۳۶.

۸. الجمع فیه: ۲۴۰.

۱۲۵

قَصْرُ الْأَمَلِ

۷۲۳. رسول الله ﷺ - لابن مسعود -: قَصْرُ أَمَلِكَ، فَإِذَا أَصْبَحْتَ فَقُلْ: إِنِّي لَا أُمِسِّي، وَإِذَا أُمْسَيْتَ فَقُلْ: إِنِّي لَا أَصْبِحُ، وَاعْزِمِ عَلَى مُفَارَقَةِ الدُّنْيَا، وَأَحِبَّ لِقَاءَ اللَّهِ.^۱

۷۲۴. عنه ﷺ: وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، مَا طَرَفْتُ عَيْنَايَ إِلَّا ظَنَنْتُ أَنْ شَفَرِي لَا يَلْتَقِيَانِ حَتَّى يَقْبِضَ اللَّهُ رُوحِي.^۲

۷۲۵. الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَيْقَنَ أَنَّهُ يُفَارِقُ الْأَحْبَابَ، وَيَسْكُنُ التُّرَابَ، وَيُوَاجِهُ الْحِسَابَ، وَيَسْتَعْنِي عَمَّا خَلْفَ، وَيَقْتَرِرُ إِلَى مَا قَدَّمَ، كَانَ حَرِيّاً بِقَصْرِ الْأَمَلِ وَطُولِ الْعَمَلِ.^۳

۷۲۶. عنه ﷺ: خُذْ بِالثِّقَةِ مِنَ الْعَمَلِ، وَإِيَّاكَ وَالْاِغْتِرَارَ بِالْأَمَلِ، وَلَا تُدْخِلْ عَلَيْكَ الْيَوْمَ هَمَّ غَدٍ... وَلَوْ أَخْلَيْتَ قَلْبَكَ مِنَ الْأَمَلِ لَجَدَدْتَ فِي الْعَمَلِ. وَالْأَمَلُ الْمُعْتَلُّ فِي الْيَوْمِ، غَدًا أَضْرَكَ فِي وَجْهَيْنِ: سَوِّفَتْ بِهِ الْعَمَلُ، وَزِدَتْ بِهِ فِي الْهَمِّ وَالْحُزْنِ.^۴

۷۲۷. الإمام الباقر عليه السلام: تَزَوَّدْ مِنَ الدُّنْيَا بِقَصْرِ الْأَمَلِ.^۵

۱. بحار الأنوار: ۱/۱۰۱/۷۷. ۲. بحار الأنوار: ۲۷/۱۶۶/۷۳.

۳. بحار الأنوار: ۳۱/۱۶۷/۷۳.

۴. بحار الأنوار: ۱۰۹/۱۱۲/۷۳.

۵. تحف العقول: ۲۸۶.

۱۲۵

کوتاهی آرزو

۷۲۳. پیامبر خدا ﷺ - به ابن مسعود - فرمود: آرزویت را کوتاه گردان و چون صبح شد [پیش خود] بگو: من روز را به شب نخواهم رساند. و چون شب درآمد بگو: من تا صبح زنده نخواهم بود، و بر جدا شدن از دنیا مصمم باش و دیدار خدا را دوست بدار.

۷۲۴. پیامبر خدا ﷺ: سوگند به آن که جان محمد در دست اوست، هیچ گاه چشم به هم نزدم مگر آنکه پنداشتم هنوز پلکهایم به هم نرسیده خداوند جانم را می ستاند.^۱

۷۲۵. امام علی علیه السلام: هر که یقین کند که از دوستان جدا خواهد شد و در دل خاک خواهد خفت و حساب و کتابی در پیش رو دارد و آنچه بر جای می نهد به کارش نخواهد آمد و به آنچه پیش فرستاده نیازمند است، سزاوار است که رشته آرزو را کوتاه و دامنه عمل را دراز گرداند.

۷۲۶. امام علی علیه السلام: کار را بر پایه ای استوار بنه و فریب آرزو را مخور و غم فردا را امروز مخور... اگر دل خود را از آرزو تهی می کردی، هر آینه در عمل جدیت می ورزیدی، آرزوی امروز، از دو جهت در فردای روزگار به تو زیان می رساند: [اولاً] به سبب آن عمل را به امروز و فردا می افکنی و [ثانیاً] بر غم و اندوه خود می افزایی.

۷۲۷. امام باقر علیه السلام: با کوتاه کردن آرزو، از دنیا

۱. یعنی حتی لحظه ای از مرگ، غافل نبوده ام.

۷۲۸. عنه علیه السلام: اِسْتَجْلِبْ حَلَاوَةَ الزَّهَادَةِ بِقِصْرِ
الْأَمَلِ^۱.

[برای آخرت] توشه برگیر.

۷۲۸. امام باقر علیه السلام: با کوتاه کردن آرزو، شیرینی
پارسایی را به دست آر.

۱۲۶

النَّهْيُ عَنِ التَّأْمِيلِ بِغَيْرِ اللَّهِ

۷۲۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَا تُقْطَعَنَّ
أَمَلُ كُلِّ مُؤْمِنٍ أَمَلٌ دُونِي بِالْإِيَّاسِ^۲.

۱۲۶

نهی از امید بستن به غیر خدا

۷۲۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل می فرماید:
بی گمان، امید هر مؤمنی را که به غیر من امید
بندد، قطع می کنم.

۷۳۰. الإمام علي علیه السلام: انْقَطِعْ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ، فَإِنَّهُ
يَقُولُ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا تُقْطَعَنَّ أَمَلُ كُلِّ مَنْ
يُؤْمَلُ غَيْرِي بِالْيَأْسِ^۳.

۷۳۰. امام علی علیه السلام: تنها به خداوند سبحان دل ببند،
که او می فرماید: به عزت و جلال خودم
سوگند که امید هر کس را که به غیر من امید
بندد به نومیدی می کشانم.

۷۳۱. عنه علیه السلام: مَنْ أَمَلَ إِنْسَانًا فَقَدْ هَابَهُ^۴.

۷۳۱. امام علی علیه السلام: هر کس به انسانی امید بندد، او را
تکریم کرده است.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

(انظر التوکل: باب ۴۱۲۶، ۴۱۲۷، ۴۱۲۹).

۱. تحف العقول: ۲۸۵.

۲. صحيفة الإمام الرضا: ۲۰/۲۷۶.

۳. بحار الأنوار: ۹۴/۹۵/۱۲.

۴. بحار الأنوار: ۶۱/۷۹/۷۸.

الأمة

است



مركز بحوث ودراسات

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧/ ١٣٠ باب ٧ «كثرة أمة محمد ﷺ في القيامة».

بحار الأنوار: ٢٢/ ٣٤١ باب ١٢ «فضائل أمة محمد ﷺ».

كنز العمال: ١٢/ ١٥٤-١٩٤ «فضائل هذه الأمة المرحومة».

افظر:

الأمثال: باب ٣٥٤٧، الإمامة العامة: باب ١٦٥.

الجماعة: باب ٥٣٦، القرن: باب ٣٢٨٩.

الفرق: باب ٣١٥١، الأجل: باب ١٩.

الاختلاف: باب ١٠٥٤-١٠٥٦، الهلاك: باب ٣٩٥٩، ٣٩٦٠.

۱۲۷

مَنْزِلَةُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ

الكتاب:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ»^۱.

الحديث:

۷۳۲. رسول الله ﷺ: أُمَّتِي أُمَّةٌ مُبَارَكَةٌ، لَا يُدْرَى أَوَّلُهَا خَيْرٌ أَوْ آخِرُهَا خَيْرٌ.^۲

۷۳۳. عنه ﷺ: أُمَّتِي هَذِهِ أُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ.^۳

۷۳۴. عنه ﷺ: إِنَّكُمْ تُتِمُّونَ سَبْعِينَ أُمَّةً، أَنْتُمْ خَيْرُهَا وَأَكْرَمُهَا عَلَى اللَّهِ.^۵

۷۳۵. عنه ﷺ: بَشِّرْ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِالسَّعَادَةِ، وَالْدِّينِ، وَالرَّفْعَةِ، وَالنَّصْرِ، وَالتَّمْكِينِ فِي الْأَرْضِ.^۶

۷۳۶. عنه ﷺ: مَا أُعْطِيَتْ أُمَّةٌ مِنَ الْيَقِينِ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيَتْ أُمَّتِي.^۷

۱. آل عمران: ۱۱۰. ۲. كنز العمال: ۳۴۴۵۱.

۳. كنز العمال: ۳۴۴۵۲. ۴. وفي معناه روايات كثيرة.

۵. كنز العمال: ۳۴۴۶۲. ۶. كنز العمال: ۳۴۴۶۵.

۷. كنز العمال: ۳۴۴۸۳.

۱۲۷

جایگاه امت اسلامی

قرآن:

«شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار گشته است، که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. اگر اهل کتاب نیز ایمان بیاورند برایشان بهتر است، بعضی از ایشان مؤمنند ولی بیشترشان فاسدند».

حدیث:

۷۳۲. پیامبر خدا ﷺ: امت من امت خجسته‌ای است که معلوم نیست که اول آن بهتر است یا آخر آن.

۷۳۳. پیامبر خدا ﷺ: این امت من، امتی مرحوم (در سایه رحمت حق) است.^۱

۷۳۴. پیامبر خدا ﷺ: شما هفتادمین امت هستید و شما بهترین و گرامیترین آنها نزد خداوندید.

۷۳۵. پیامبر خدا ﷺ: بشارت باد این امت را به ارجمندی، دینداری، سربلندی، پیروزی و قدرت یافتن در روی زمین.

۷۳۶. پیامبر خدا ﷺ: به هیچ امتی یقینی برتر از یقین امت من داده نشده است.

۱. در این معنا، روایات بسیاری وارد شده است.

۱۲۸

أُخْيَارُ الْأُمَّةِ

۷۳۷. رسولُ اللَّهِ ﷺ: خِيَارُ أُمَّتِي، فِيمَا أُنْبَأَنِي الْمَلَأُ الْأَعْلَى: قَوْمٌ يَضْحَكُونَ جَهْرًا فِي سَعَةِ رَحْمَةِ رَبِّهِمْ، وَيَبْكُونَ سِرًّا مِنْ خَوْفِ عَذَابِ رَبِّهِمْ.^۱

۷۳۸. عنه ﷺ: خَيْرُ أُمَّتِي أَرْهَدُهُمْ فِي الدُّنْيَا، وَأَرْغَبُهُمْ فِي الْآخِرَةِ.^۲

۷۳۹. عنه ﷺ: خَيْرُ أُمَّتِي مَنْ هَدَمَ شَبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، وَقَطَعَ نَفْسَهُ عَنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا وَتَوَلَّاهُ بِالْآخِرَةِ، إِنَّ جَزَاءَهُ عَلَى اللَّهِ أَعْلَى مَرَاتِبِ الْجَنَّةِ.^۳

۷۴۰. عنه ﷺ: خَيْرُ أُمَّتِي الَّذِينَ لَمْ يُوسِّعْ عَلَيْهِمْ حَتَّى يَنْطَرُوا، وَلَمْ يُضَيِّقْ عَلَيْهِمْ حَتَّى يَسْأَلُوا.^۴

۷۴۱. عنه ﷺ: خَيْرُ أُمَّتِي مَنْ إِذَا سُفِّهَ عَلَيْهِمْ اخْتَمَلُوا، وَإِذَا جُنِّيَ عَلَيْهِمْ غَفَرُوا، وَإِذَا أُذُوا صَبَرُوا.^۵

۱۲۹

الْأُمَّةُ الْوَسْطَى

الكتاب:

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ

۱۲۸

بهترین های اُمّت

۷۳۷. پیامبر خدا ﷺ: بهترین های اُمّت من، آن گونه که از عالم بالا به من خبر داده اند، گروهی هستند که در گستره رحمت پروردگارشان آشکارا می خندند و از ترس عذاب پروردگارشان نهانی می گیرند.

۷۳۸. پیامبر خدا ﷺ: بهترین افراد اُمّت من آنهاست که به دنیا بی اعتنا تر و به آخرت مشتاق تر باشند.

۷۳۹. پیامبر خدا ﷺ: بهترین فرد اُمّت من کسی است که جوانی خویش را در طاعت خدا گذراند و نفس خویش را از خوشیهای دنیا باز دارد و به آخرت دل بندد. بالاترین درجه بهشت پاداش خداوند به اوست.

۷۴۰. پیامبر خدا ﷺ: بهترین افراد اُمّت من کسانی هستند که نه چندان در رفاه قرار می گیرند که سرمست شوند و نه آن گونه تنگدست می شوند که دست سؤال دراز کنند.

۷۴۱. پیامبر خدا ﷺ: بهترین افراد اُمّت من آنانند که هرگاه نسبت به آنان جسارتی شود، تحمل و بردباری می نمایند، و چون در حق آنان جرم و ستمی شود گذشت می کنند، و هرگاه آزار و اذیت شوند شکیبایی می ورزند.

۱۲۹

اُمّت میانه

قرآن:

«و این چنین شما را اُمّتی میانه گردانیدیم تا بر مردمان،

۱. کنز العمال: ۸۱۵. ۲. تنبيه الخواطر: ۱۲۳/۲.

۳. تنبيه الخواطر: ۱۲۳/۲. ۴. تنبيه الخواطر: ۱۲۳/۲.

۵. تنبيه الخواطر: ۱۲۳/۲.

وَيَكُونُ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً^۱.

الحديث:

۷۲۲. رسول الله ﷺ - في قوله تعالى: «وَكَذَلِكَ

جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا»^۲: عَدْلًا.

۷۲۳. الإمام علي عليه السلام: نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ،

وَحُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ، وَنَحْنُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ جَلَّ

اسمه: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا»^۳.

۷۲۴. الإمام الباقر عليه السلام - لَمَّا سَأَلَهُ أَبُو بَصِيرٍ عَنْ

قوله ﷺ: نَحْنُ نَمَطُ الْحِجَازِ -: أَوْسَطُ

الْأَنْمَاطِ، إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً

وَسَطًا». ثُمَّ قَالَ: إِلَيْنَا يَرْجِعُ الْعَالِي، وَإِنَّا

يَلْحَقُ الْمُقْصَرُ^۴.

۷۲۵. الإمام الصادق عليه السلام - في قوله تعالى: «وَكَذَلِكَ

جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» -: نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوَسْطَى،

وَنَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَحُجَّتُهُ

فِي أَرْضِهِ^۵.

۷۲۶. عنه عليه السلام - في قوله تعالى: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ

أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»^۶ -: يَغْنِي الْأُمَّةَ الَّتِي

وَجَبَتْ لَهَا دَعْوَةُ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام، فَهُمْ الْأُمَّةُ الَّتِي

گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد».

حدیث:

۷۲۲. پیامبر خدا ﷺ - در بیان آیه «و این چنین شما را

امتی میانه گردانیدیم» - فرمود: یعنی معتدل.

۷۲۳. امام علی علیه السلام: ماییم گواهان خدا بر آفریدگانش و

حجت او در زمینش و ما همانان هستیم که

خداوند متعال فرموده است: «و این چنین شما

را امتی میانه گردانیدیم».

۷۲۴. امام باقر علیه السلام - آنگاه که ابو بصیر درباره کلام وی:

«ماییم نمط حجاز» پرسید - فرمود: آنچه در

میانه دیگر نمطها می گسترند - خداوند

می فرماید: «و این چنین شما را امت میانه قرار

دادیم». [آن گاه فرمود: پیش تاخته به سوی ما

باز می گردد و عقب مانده به ما می پیوندد.

۷۲۵. امام صادق علیه السلام - درباره آیه «و این چنین شما را

امتی میانه گردانیدیم» - فرمود: ماییم آن امت

میانه و ماییم گواهان خدا بر مردمان و حجت های

او در زمین.

۷۲۶. امام صادق علیه السلام - در تفسیر آیه «شما بهترین امتی

هستید که برای مردم پدیدار گشته است» -

فرمود: مقصود امتی است که دعوت ابراهیم علیه السلام

درباره آنان اجابت شده است. آنان امتی هستند

که خداوند پیامبری را در میان آنها، از میان آنها

۱. نمط به معنای جماعت همکیش، آیین و طریقه و نیز

روفرشی تزئینی است. نمط حجاز، روفرشی اعلائی بوده

است که آن را در میانه اتساق و بر روی دیگر فرش ها

می گسترده اند (ر.ک: بحار الأنوار: ۲۳ / ۳۴۹).

۱. البقرة: ۱۴۳. ۲. الدر المنثور: ۱/۳۴۹.

۳. شواهد التنزیل: ۱/۱۲۹/۱۱۹.

۴. تفسیر العیاشی: ۱/۱۱۱/۶۳.

۵. الکافی: ۲/۱۹۰/۱. ۶. آل عمران: ۱۱۰.

بَعَثَ اللَّهُ فِيهَا وَمِنْهَا وَإِلَيْهَا، وَهُمْ الْأُمَّةُ
الْوُسْطَى، وَهُمْ خَيْرُ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ.^۱

۱۳۰

مايوجب خَيْرَ الْأُمَّةِ

۷۳۷. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تَحَابُّوا
وَأَدَّوْا الْأَمَانَةَ، وَاجْتَنَبُوا الْحَرَامَ، وَقَرَّوْا
الضَّيْفَ، وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ، وَآتَوْا الزَّكَاةَ.^۲

۷۳۸. عَنْهُ ﷺ: لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَتَخَاوُنُوا،
وَأَدَّوْا الْأَمَانَةَ، وَآتَوْا الزَّكَاةَ، فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا
ذَلِكَ ابْتَلَوْا بِالْقَحْطِ وَالسُّنَيْنِ.^۳

۷۳۹. عَنْهُ ﷺ: لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ تَحْتَ يَدِ اللَّهِ وَفِي
كَفِّهِ مَا لَمْ يُدَاهِنِ قَرَاؤُهَا أَمْرًا هَا، وَلَمْ يُزَكَّ
عُلَمَاؤُهَا فُجَارَهَا، وَمَا لَمْ يُهَنْ خِيَارُهَا
أَشْرَارُهَا، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ يَدَهُ
ثُمَّ سَلَّطَ عَلَيْهِمْ جَبَابِرَتَهُمْ.^۴

۱۳۱

مَنْزِلَةُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي الْآخِرَةِ

۷۵۰. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَنَا أَكْثَرُ النَّبِيِّينَ تَبَعًا يَوْمَ

و برای آنها قرار داده است. آنان اُمّت میانه‌اند و
بهترین اُمّتی هستند که از میان مردم برخاسته‌اند.

۱۳۰

موجبات خیر و خوبی اُمّت

۷۳۷. پیامبر خدا ﷺ: اُمّت من، تا زمانی که یکدیگر
را دوست بدارند، امانت را [به صاحبش]
بازگردانند، از حرام دوری کنند، میهمان را
گرامی بدارند، نماز بگذارند و زکات بپردازند،
پیوسته در خیر و خوبی خواهند بود.

۷۳۸. پیامبر خدا ﷺ: اُمّت من تا زمانی که به هم خیانت
نکنند، امانت را به صاحبش برگردانند و زکات
بپردازند، در خیر و خوبی به سر خواهند بُرد و
اگر چنین نکنند به قحطی و خشکسالی گرفتار

۷۳۹. پیامبر خدا ﷺ: تا زمانی که قاریان این اُمّت با
فرمانروایانش سازش نکنند و علمای آن
گنهکارانش را تبرئه و بی‌گناه معرفی نکنند و
نیکان آنان بدانش را پشتیبانی نکنند، دست خدا
بر سر این اُمّت خواهد بود و در سایه حمایت او
به سر خواهند بُرد. اما چنانچه این کارها را
مرتکب شوند، خداوند دست قدرت خود را از
سر آنها برخواهد داشت و مستمگرانِشان را بر
ایشان مسلط خواهد کرد.

۱۳۱

مقام اُمّت اسلامی در آخرت

۷۵۰. پیامبر خدا ﷺ: در روز رستاخیز، من بیش از

۱. تفسیر العیاشی ۱/۱۹۵/۱۳۰.

۲. بحار الأنوار: ۷۷/۳۹۴/۶۹.

۳. بحار الأنوار: ۱۰/۱۷۲/۷۵.

۴. تنبیه الخواطر: ۸۴/۱ و فيه «یزل» بدل «یزک» وهو تصحیف.

القیامة ۱.

هر پیامبری پیرو دارم.

۷۵۱. عنه علیه السلام: أهل الجنة عشرون ومائة صف، هذه الأمة منها ثمانون صفاً.^۲

۷۵۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اهل بهشت یکصد و بیست صف‌اند که هشتاد صف آن را این امت تشکیل می‌دهد.

۷۵۲. عنه علیه السلام: إن في الجنة عشرين ومائة صف، أمتي منها ثمانون صفاً.^۳

۷۵۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بهشت یکصد و بیست صف است که هشتاد صف آن، امت من است.

۱۳۲

الظاهرون من الأمة الإسلامية

۱۳۲

چیرگان و قیام کنندگان امت اسلامی

۷۵۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: لَن يَبْرَحَ هَذَا الدِّينُ قائماً يُقَاتِلُ عَلَيْهِ عَصَابَةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ.^۴

۷۵۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: این دین همواره پایر جا خواهد بود و گروهی از مسلمانان تا قیام قیامت، به خاطر آن می‌جنگند.

۷۵۴. عنه علیه السلام: لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ حَتَّى يَأْتِيَهُمْ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ ظَاهِرُونَ.^۵

۷۵۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همیشه گروهی از امت من چیره و مسلط بر امورند تا آنکه فرمان خدا ایشان را در همان حال در رسد.

۷۵۵. عنه علیه السلام: لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي قَوَّامَةً عَلَى أَمْرِ اللَّهِ لَا يَضُرُّهَا مَنْ خَالَفَهَا.^۶

۷۵۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همواره گروهی از امتم فرمان خدا را نگاه می‌دارند و مخالفانشان نمی‌توانند به ایشان گزند برسانند.^۱

۷۵۶. عنه علیه السلام: لَمَّا قَرَأَ: «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْذِلُونَ»^۷ - إِنَّ مِنْ أُمَّتِي قَوْماً عَلَى الْحَقِّ حَتَّى يَنْزِلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ علیه السلام.^۸

۷۵۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - پس از قرائت آیه «و از میان کسانی که آفریدیم امتی هستند که به سوی حق راهنمایی می‌کنند و به حق دادگری می‌کنند» - فرمود: از میان امت من گروهی

۷۵۷. سنن ابن ماجه عن معاوية: أَيْنَ عُلَمَاؤُكُمْ؟! أَيْنَ عُلَمَاؤُكُمْ؟! سَمِعْتُ

۱. بحار الأنوار: ۱/۱۳۰/۷. ۲. بحار الأنوار: ۲/۱۳۰/۷.

۳. بحار الأنوار: ۳/۱۳۰/۷. ۴. كنز العمال: ۳۴۴۹۵.

۵. كنز العمال: ۳۴۴۹۶. ۶. كنز العمال: ۳۴۴۹۷.

۷. الأعراف: ۱۸۱. ۸. مجمع البيان: ۷۷۳/۴.

۱. در این باره اخبار زیادی رسیده است اما اسناد آنها به ابوهریره و مغیره بن شعبه و معاویه و ثوبان و امثال اینها می‌رسد. لذا جای بررسی و تأمل دارند.

رسول الله ﷺ يقول: لا تقوم الساعة إلا وطائفة من أمتي ظاهرون على الناس لا يُبالون من خذلهم ولا من نصرهم^۱.

والأخبار في هذا المعنى كثيرة، ولكن يتصل إسنادها إلى أبي هريرة والمغيرة بن شعبة ومعاوية وثوبان وأمثالهم، فراجع وتأمل.

۱۳۳

تداعي الأمم على الأمة الإسلامية

۷۵۸. رسول الله ﷺ: إذا عظمت أمتي الدنيا نزع الله منها هيبة الإسلام^۲.

۷۵۹. الملاحم والفتن عن ثوبان مولى رسول الله ﷺ: قال رسول الله ﷺ: يُوشِكُ الْأُمَمُ تَدَاعِي عَلَيْكُمْ تَدَاعِي الْأَكَلَةِ عَلَى قَضْعِهَا.

قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ: مِنْ قِلَّةٍ نَحْنُ يَوْمَئِذٍ؟ قَالَ: بَلْ أَنْتُمْ كَثِيرٌ، وَلَكِنْكُمْ غُشَاءٌ كَغُشَاءِ السَّيْلِ، وَلَيَنْزِعَنَّ اللَّهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ الْمَهَابَةَ مِنْهُمْ، وَلَيَقْذِفَنَّ فِي قُلُوبِكُمُ الْوَهْنَ!

قَالَ قَائِلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْوَهْنُ؟ قَالَ: حُبُّ الدُّنْيَا وَكَرَاهِيَةُ الْمَوْتِ^۳.

(انظر) عنوان ۷۳ «الجماعة»، ۱۴۸ «الاختلاف».

الدنيا: باب ۱۲۳۱.

۱. سنن ابن ماجه: ۹/۵/۱. ۲. تنبيه الخواطر: ۷۵/۱.

۳. الملاحم والفتن: ۴۲۸/۳۰۷.

هستند که تا زمان بازگشت عیسی بن مریم ﷺ [از آسمان]، بر حق هستند.

۷۵۷. سنن ابن ماجه - به نقل از معاویه -: کهجایند علمای شما؟! کهجایند علمای شما؟! شنیدم که پیامبر خدا ﷺ فرمود: قیامت فرانمی رسد مگر آن که گروهی از امت من بر مردم تسلط و چیرگی دارند و باکی ندارند که چه کسی آنها را یاری نمی رساند و چه کسی یاری می رساند.

۱۳۳

هجوم ملتها بر ضد امت اسلام

۷۵۸. پیامبر خدا ﷺ: هرگاه امت من دنیا را بزرگ بدارند، خداوند شکوه اسلام را از آنان می گیرد.

۷۵۹. الملاحم والفتن - به نقل از ثوبان، بنده رسول خدا -: پیامبر خدا ﷺ فرمود: زود باشد که ملتها بر شما هجوم آورند، همچون هجوم گرسنگان به ظرف غذا.

یکی از آن میان گفت: آیا به علت آن که در آن هنگام شمارمان اندک است [چنین می کنند]؟ فرمود: بر عکس، تعدادتان بسیار زیاد است اما چونان کف و خاشاک روی سیلاب هستید، خداوند هیبت و شکوه شما را از دلهای دشمنانتان بر می گیرد و در دلهای شما «وهن» می افکند. یکی پرسید: ای پیامبر خدا! «وهن» چیست؟ فرمود: دوست داشتن دنیا و ناخوش داشتن مرگ.

۱۳۲

ما يَخَافُ النَّبِيَّ عَلَى أُمَّتِهِ

۷۶۰. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّمَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي ثَلَاثًا:

شُحًا مُطَاعًا، وَهَوًى مُتَّبَعًا، وَإِمَامًا ضَالًّا.^۱

۷۶۱. عَنْهُ ﷺ: ثَلَاثَةٌ أَخَافُهُنَّ عَلَى أُمَّتِي: الضَّلَالَةُ بَعْدَ

الْمَعْرِفَةِ، وَمُضِلَّاتُ الْفِتَنِ، وَشَهْوَةُ الْبَطْنِ وَالْفَرْجِ.^۲

۷۶۲. عَنْهُ ﷺ: أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي ثَلَاثَةٌ: زَلَّةٌ

عَالِمٍ، وَجِدَالٌ مُنَافِقٍ بِالْقُرْآنِ، وَالتَّكْذِيبُ بِالْقَدَرِ.^۳

۷۶۳. عَنْهُ ﷺ: أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي ثَلَاثًا: ضَلَالَةٌ

الْأَهْوَاءِ، وَاتِّبَاعُ الشَّهَوَاتِ فِي الْبُطُونِ وَالْفُرُوجِ، وَالْغَفْلَةُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ.^۴

۷۶۴. مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ عَنْ أَنَسٍ: دَخَلْتُ عَلَى

النَّبِيِّ ﷺ وَهُوَ نَائِمٌ عَلَى حَصِيرٍ قَدْ أَثَرُ فِي جَنْبِهِ، قَالَ: أَمَعَكَ أَحَدٌ غَيْرُكَ؟ قُلْتُ: لَا،

قَالَ: اْعْلَمْ أَنَّهُ قَدْ اقْتَرَبَ أَجَلِي وَطَالَ شَوْقِي إِلَى لِقَاءِ رَبِّي وَإِلَى لِقَاءِ إِخْوَانِي الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي.

ثُمَّ قَالَ: لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الْمَوْتِ،

۱. بحار الأنوار: ۱۷۸/۱۶۱/۷۷.

۲. الأمالي للطوسي: ۲۶۳/۱۵۷.

۳. كنز العمال: ۲۸۹۶۶. ۴. كنز العمال: ۲۸۹۶۷.

۱۳۲

آنچه پیامبر از آنها بر امتش

بیمناک بود

۷۶۰. پیامبر خدا ﷺ: من از سه چیز بر امت خود بیم

دارم: گردن نهادن به فرمان آزمندی و بخل، پیروی از هوا و هوس، و پیشوای گمراه.

۷۶۱. پیامبر خدا ﷺ: سه چیز است که از آنها بر امت

خود بیمناکم: گمراهی بعد از شناخت، فتنه‌های گمراه کننده، و شکمبارگی و شهوترانی.

۷۶۲. پیامبر خدا ﷺ: پس از خود، درباره سه چیز،

بر امتم بیمناکم: لغزش عالم، مجادله منافق به وسیله قرآن، و دروغ انگاشتن تقدیر.

۷۶۳. پیامبر خدا ﷺ: از سه چیز برای امت خود

بیمناکم: گمراه کنندگی هواهای نفسانی، و شکمبارگی و شهوترانی، و غفلت بعد از شناخت.

۷۶۴. مستدرک الوسائل - به نقل از انس -: به

حضور پیامبر ﷺ رسیدم و دیدم بر بوریایی خفته که بر پهلوی مبارکش رد انداخته است. حضرت از من پرسید: کس دیگری نیز با تو هست؟ گفتم: خیر، فرمود: بدان که اجل من نزدیک شده و اشتیاقم به دیدار پروردگارم و دیدار برادرانم، پیامبران پیش از من، به درازا کشیده است.

آن گاه فرمود: هیچ چیز نزد من دوست

وَلَيْسَ لِلْمُؤْمِنِ رَاحَةٌ دُونَ لِقَاءِ اللَّهِ، ثُمَّ بَكَى، قُلْتُ: لِمَ تَبْكِي؟ قَالَ: وَكَيْفَ لَا أَبْكِي وَأَنَا أَعْلَمُ مَا يَنْزِلُ بِأَمْتِي مِنْ بَعْدِي؟! قُلْتُ: وَمَا يَنْزِلُ مِنْ بَعْدِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْأَهْوَاءُ الْمُخْتَلِفَةُ، وَقَطِيعَةُ الرَّجَمِ، وَحُبُّ الْمَالِ وَالشَّرَفِ، وَإِظْهَارُ الْبِدْعَةِ^۱.

(انظر النفاق: باب ۳۸۷۶).

۱۳۵

أَخَوْفُ مَا يَخَافُ النَّبِيُّ عَلَى أُمَّتِهِ

۷۶۵. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَشَدُّ مَا يَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي ثَلَاثَةٌ: زَلَّةٌ عَالِمٍ، أَوْ جِدَالٌ مَنَافِقٍ بِالْقُرْآنِ، أَوْ دُنْيَا تَقْطَعُ رِقَابَكُمْ فَاتَّهَمُوهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ^۲.

۷۶۶. عَنْهُ ﷺ: إِنْ أَخَوْفَ مَا أَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي: هَذِهِ الْمَكَاسِبُ الْمُحَرَّمَةُ، وَالشَّهْوَةُ الْخَفِيَّةُ، وَالرِّبَا^۳.

۷۶۷. عَنْهُ ﷺ: إِنْ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْهَوَى وَطُولُ الْأَمَلِ؛ أَمَّا الْهَوَى فَبِأَنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ^۴.

۷۶۸. عَنْهُ ﷺ: إِنْ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمُ الشَّرْكَ

داشتنی تر از مرگ نیست و مؤمن جز با دیدار خداوند آسوده نیست. آن گاه گریست. من عرض کردم: چرا گریه می کنید؟ فرمود: چگونه نگریم وقتی می دانم که بعد از من چه بر سر امت می آید. عرض کردم: ای پیامبر خدا! بعد از تو چه بر سر امت می آید؟ فرمود: خواسته های گوناگون، و بریدن رشته خویشاوندی و عشق به مال و مقام و پدیدار شدن بدعت [در دین].

۱۳۵

بیمناک ترین چیزهایی که پیامبر از آنها بر امتش می ترسید

۷۶۵. پیامبر خدا ﷺ: آنچه بیش از هر چیز درباره امتم نگران کننده است، سه چیز می باشد: لغزش عالم، یا مجادله منافق به وسیله قرآن، یا دنیایی که شما را قربانی خود می کند؛ پس از دنیا بر خویش بترسید.

۷۶۶. پیامبر خدا ﷺ: ترسناکترین چیزهایی که بعد از خود بر امت می ترسم اینهاست: درآمدهای ناروا، شهوت های نهفته، و ربا.

۷۶۷. پیامبر خدا ﷺ: بدانید که آنچه مرا بیش از همه نگران امتم کرده است دو خصلت است: خواهش های نفس و آرزوی دراز؛ زیرا هوا و هوس، آدمی را از حق باز می دارد و آرزوی دراز، آخرت را از یاد می برد.

۷۶۸. پیامبر خدا ﷺ: ترسناکترین چیزی که

۱. مستدرک الوسائل: ۱۲/۶۴/۱۳۵.

۲. النخصال: ۱۶۳/۲۱۴. ۳. بحار الأنوار: ۷۳/۱۵۸/۳.

۴. بحار الأنوار: ۷۰/۷۵/۳.

الْأَضْعَرُ. قَالُوا: وَمَا الشَّرُّكَ الْأَضْعَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: هُوَ الرِّيَاءُ.^۱

۷۶۹. عَنْهُ ﷺ: إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي كُلِّ مُنَافِقٍ عَلِيمِ اللِّسَانِ.^۲

۷۷۰. عَنْهُ ﷺ: إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْأَنْثَمَةُ الْمُضِلُّونَ.^۳

۷۷۱. عَنْهُ ﷺ: أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي زَهْرَةُ الدُّنْيَا وَكَثَرَتُهَا.^۴

۷۷۲. عَنْهُ ﷺ: أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي: أَنْ يَكْثُرَ لَهُمُ الْمَالُ فَيَتَحَاسِدُونَ وَيَقْتَتِلُونَ.^۵

۷۷۳. عَنْهُ ﷺ: أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي: زَلَّاتُ الْعُلَمَاءِ، وَمِثْلُ الْحُكَمَاءِ، وَسُوءُ التَّأْوِيلِ.^۶

۷۷۴. عَنْهُ ﷺ: أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي ثَلَاثٌ: ضَلَالَةُ الْأَهْوَاءِ، وَاتِّبَاعُ الشَّهَوَاتِ فِي الْبَطْنِ وَالْفَرْجِ، وَالْعُجْبُ.^۷

۷۷۵. عَنْهُ ﷺ: أَكْثَرُ مَا أَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي: رَجُلٌ يَتَأَوَّلُ الْقُرْآنَ يَضَعُهُ عَلَى غَيْرِ مَوَاضِعِهِ، وَرَجُلٌ يَرَى أَنَّهُ أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ

می ترسم به آن مبتلا شوید شرک اصغر است؛ گفتند: ای رسول خدا! شرک اصغر چیست؟ فرمود: ریا.

۷۶۹. پیامبر خدا ﷺ: وحشتناکترین چیزی که بر اَتمَم می ترسم، منافق زبان باز است.

۷۷۰. پیامبر خدا ﷺ: وحشتناکترین چیزی که از آن برای اَتمَم می ترسم، پیشوایان گمراه کننده اند.

۷۷۱. پیامبر خدا ﷺ: ترسناکترین چیزی که از آن برای اَتمَم خود می ترسم زرق و برق و وفور متاع دنیا است.

۷۷۲. پیامبر خدا ﷺ: بیشترین چیزی که مرا نگران اَتمَم کرده این است که مال و ثروتشان زیاد شود و در نتیجه به هم حسد ورزند و به جان یکدیگر افتند.

۷۷۳. پیامبر خدا ﷺ: بیشترین ترس من برای اَتمَم: لغزشهای علما، حق کشی قاضیان و تأویلهای نادرست [از قرآن] است.

۷۷۴. پیامبر خدا ﷺ: سه چیز مرا بیش از هر چیزی نگران اَتمَم کرده است: گمراه کنندگی خواهش های نفسانی، شکمبارگی و شهوترانی، و خودپسندی.

۷۷۵. پیامبر خدا ﷺ: بیشترین ترس و نگرانی من برای اَتمَم بعد از خودم: وجود مردی است که قرآن را نابجا تأویل و تفسیر کند، و مردی که خود را به این امر (حکومت) سزاوارتر و

۱. بحار الأنوار: ۷۲/۳۰۳/۵۰.

۲. کنز العمال: ۲۸۹۶۹ و ۲۸۹۶۸ و ۲۸۹۷۰.

۳. کنز العمال: ۲۸۹۸۶.

۴. تفسیر الطبری: ۱۳/ الجزء ۲۵/ ۳۰.

۵. تنبیہ الخواطر: ۱/ ۱۲۷. ۶. تنبیہ الخواطر: ۲/ ۲۲۷.

۷. الدر المنثور: ۳/ ۴۰۳.

مِنْ غَيْرِهِ.^۱

شایسته‌تر از دیگری بداند.

۷۷۶. تَنْبِيهِ الْخَوَاطِرِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنِّي أَكْثَرُ مَا أَخَافُ
عَلَيْكُمْ مَا يُخْرِجُ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ بَرَكَاتِ
الْأَرْضِ. فَقِيلَ: وَمَا بَرَكَاتُ الْأَرْضِ؟ قَالَ:
زَهْرَةُ الدُّنْيَا.^۲

۷۷۶. تَنْبِيهِ الْخَوَاطِرِ - به نقل از ابو سعید خدری :-
پیامبر خدا ﷺ فرمود: بیشترین چیزی که از
آن برای شما می‌ترسم برکاتی است که
خداوند از زمین نصیب شما می‌کند. عرض
شد: برکات زمین چیست؟ فرمود: زرق و
برق دنیا.

۷۷۷. كُنْزُ الْعَمَالِ: قَالَ عُمَرُ لِكَعْبٍ: إِنِّي أَسْأَلُكَ عَنْ
أَمْرٍ فَلَا تَكْتُمْنِي. قَالَ: لَا وَاللَّهِ لَا أَكْتُمُكَ
شَيْئاً أَعْلَمُهُ. قَالَ: مَا أَخَوْفُ شَيْءٍ تَخَوَّفُهُ
عَلَى أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ؟ قَالَ: أُنَمَّةٌ مُضِلُّينَ. قَالَ
عُمَرُ: صَدَقْتَ، قَدْ أَسْرَأَ إِلَيَّ ذَلِكَ وَأَعْلَمَنِيهِ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.^۳

۷۷۷. كُنْزُ الْعَمَالِ: عمر به کعب گفت: مطلبی از تو
می‌پرسم، جواب آن را از من پوشیده مدار.
کعب گفت: به خدا قسم چیزی را که بدانم از
تو پوشیده نمی‌دارم. عمر گفت: بیشترین
نگرانی تو برای اُمّت محمد ﷺ چیست؟
کعب گفت: وجود پیشوایان گمراه کننده.
عمر گفت: درست گفتی. پیامبر خدا این
مطلب را پنهانی به من گفته و مرا از آن آگاه
ساخته است!

۱. كنز العمال: ۲۸۹۷۸. ۲. تنبيه الخواطر: ۱/ ۱۳۳.

۳. كنز العمال: ۱۴۲۹۳.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الإمامة العامة

وما يتعلق بإمامة أهل البيت

امامت عامه

و آن چه مربوط است به امامت خاندان رسالت



ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ج ٢٣-ج ٢٧ و كتاب الإمامة.

بحار الأنوار: ٢٧/٢٣٢ باب ١٣ و حق الإمام على الرعية وبالعكس.

بحار الأنوار: ٣٦/١٩٢-٢١٨ و أبواب النصوص على الأئمة.

بحار الأنوار: ٢٣/١٠٢ باب ٧ و فضائل أهل البيت، خبر الثقلين والسفينة.

بحار الأنوار: ٢٦/١٨-٢٢٦ و أبواب علوم الأئمة.

كنز العمال: ١٢/٩٣-١٢٩ و فضائل أهل البيت.

انظر:

عنوان ٢٩١ و الصديق، ٣٥٨ و العصمة، ٢٠ و الإمارة.

١٦٧ و الدولة، ٢٤١ و السلطان، ٤٩٣ و الملك، ٥٥٦ و الولاية على الناس.

الأمثال: باب ٣٥٥٠-٣٥٥١. الحج: باب ٧٠٥.

الصبر: باب ٢١٣٧، الصراط: باب ٢٢١٦، المستضعف: باب ٢٣٤١.

العقل: باب ٢٧٢١، الغش: باب ٣٠٢١، القلب: باب ٣٣٢٦.

القرآن: باب ٣٢٣٧.

۱۳۶

الإمامة

الكتاب:

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»^۱.

الحديث:

۷۷۸. الإمام علي عليه السلام - في توصيف النبي صلى الله عليه وآله وسلم: -
أَرْسَلَهُ دَاعِيًا إِلَى الْحَقِّ، وَشَاهِدًا عَلَى الْخَلْقِ، فَبَلَغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ غَيْرَ وَاٍ وَلَا مَقْصُرٍ، وَجَاهَدَ فِي اللَّهِ أَعْدَاءَهُ غَيْرَ وَاهِنٍ وَلَا مُعَذِّرٍ، إِمَامٌ مَنِ اتَّقَى، وَبَصَرٌ مَنِ اهْتَدَى.^۲

۷۷۹. عنه عليه السلام: ... حَتَّى أَفْضَتْ كَرَامَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى إِلَى مُحَمَّدٍ عليه السلام فَأَخْرَجَهُ مِنْ أَفْضَلِ الْمَعَادِينَ مَنْبِتًا... لَهَا [أَي لِعِزَّتِهِ وَشَجَرَتِهِ عليه السلام] فُرُوعٌ طَوَالٌ، وَثَمَرٌ لَا يُنَالُ، فَهُوَ إِمَامٌ مَنِ اتَّقَى، وَبَصِيرَةٌ مَنِ اهْتَدَى... سِيرَتُهُ الْقَصْدُ، وَسُنَّتُهُ الرُّشْدُ، وَكَلَامُهُ الْفَضْلُ، وَحُكْمُهُ الْعَدْلُ.^۳

۱. الفرقان: ۷۴.

۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۱۶.

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۹۴.

۱۳۶

امامت

قرآن:

«وَأَنَّا نَكُونُ» و آنان که می‌گویند: ای پروردگار ما! به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشن چشممان [ما] باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.»

حدیث:

۷۷۸. امام علی عليه السلام - در وصف پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم: -
[پیامبر عليه السلام] را فرستاد تا به حق فرا خواند و بر آفریدگان گواه باشد. او پیامهای پروردگار را رساند و در این راه، نه سستی کرد و نه کوتاهی ورزید و در راه خدا با دشمنان او جنگید بی آنکه ناتوانی به او راه یابد، یا آن که ذره‌ای از کوشش فرو گذارد. او پیشوای پرهیزگاران و دیده رهیافتگان است.

۷۷۹. امام علی عليه السلام: ... تا آن که کرامت خداوند سبحان (مقام پیامبری) به محمد صلى الله عليه وآله وسلم رسید. پس، آن حضرت را از بهترین خاندان و گرامی‌ترین دودمان برآورد ... [درخت دودمان] او را شاخه‌هایی است بلند و برافراشته که دست کسی به میوه آن نمی‌رسد. او پیشوای پرهیزگاران است و دیده رهیافتگان ... رفتار او میان روی و اعتدال است و طریقه‌اش راهنمایی و هدایت. سخنش حق را از باطل جدا می‌سازد و حکم و داوری‌اش به عدل و داد است.

۱۳۷

الإمامة تمام الدين

الكتاب:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^۱.

الحديث:

۷۸۰. الدر المنثور: لَمَّا كَانَ يَوْمُ غَدِيرِ خُمٍّ - وَهُوَ الْيَوْمُ الثَّامِنُ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ - قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيَّْ مَوْلَاهُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»^۲.

۷۸۱. الإمام الباقر ﷺ: كَانَتْ الْفَرِيضَةُ تُنْزَلُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ الْأُخْرَى، وَكَانَتِ الْوَلَايَةُ آخِرَ الْفَرَائِضِ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَا أَنْزِلُ عَلَيْكُمْ بَعْدَ هَذِهِ فَرِيضَةً، قَدْ أَكْمَلْتُ لَكُمْ الْفَرَائِضَ^۳.

۷۸۲. الإمام الرضا ﷺ: وَأَنْزَلَ فِي حِجَّةِ الْوَدَاعِ وَهِيَ آخِرُ عُمْرِهِ ﷺ: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» وَأَمْرُ الْإِمَامَةِ مِنْ تَمَامِ الدِّينِ^۴.

۱. المائدة: ۳.

۲. الدر المنثور: ۱۹/۳، انظر الدين: باب ۱۳۱۹.

۳. الكافي: ۱/۲۸۹، ۴. الكافي: ۱/۱۹۹.

۱۳۷

امامت، کمال بخش دین است

قرآن:

«امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را دین شما برگزیدم».

حدیث:

۷۸۰. الدر المنثور: چون روز غدیر خم - که هجدهم ذیحجه است - فرارسید پیامبر ﷺ فرمود: هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست. آن گاه خداوند این آیه را فرو فرستاد: «امروز دینتان را برای شما کامل کردم».

۷۸۱. امام باقر ﷺ: فریضه‌ای از پس فریضه‌ای نازل می‌شد و ولایت، آخرین فریضه بود و خداوند عزوجل آیه «امروز دینتان را برای شما کامل کردم» را فرو فرستاد. خداوند عزوجل می‌فرماید: بسعد از این دیگر فریضه‌ای بر شما نازل نمی‌کنم؛ چرا که فرایض شما را کامل ساختم.

۷۸۲. امام رضا ﷺ: خداوند آیه «امروز دینتان را برای شما کامل کردم» را در حجة الوداع که آخرین حج پیامبر ﷺ و در پایان عمر حضرتش بود نازل کرد و امر امامت جزء کامل کننده‌هاست.

۱۳۸

الإمامة أساس الإسلام

۷۸۳. الإمام الباقر عليه السلام: بُنِيَ الإسلامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالصَّوْمِ، وَالْحَجِّ، وَالْوَلَايَةِ، وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا تُودَى بِالْوَلَايَةِ.^۱

۷۸۴. الكافي: عنه عليه السلام: بُنِيَ الإسلامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالْحَجِّ، وَالصَّوْمِ، وَالْوَلَايَةِ. قَالَ زُرَّارَةُ: فَقُلْتُ: وَأَيُّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ؟ فَقَالَ: الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ؛ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ، وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ.^۲

۷۸۵. الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي، وَفَرْعُهُ السَّامِي.^۳

(النظر) الإسلام: باب ۱۸۵۸.

۱۳۸

امامت، شالوده اسلام است

۷۸۳. امام باقر عليه السلام: اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت؛ و بر هیچ چیز به اندازه ولایت تأکید نشده است.

۷۸۴. الکافی: امام باقر عليه السلام فرمود: اسلام بر پنج چیز استوار است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت. زراره می گوید: پرسیدم: از میان آنها کدام برتر است؟ فرمود: ولایت برتر است؛ زیرا ولایت کلید آنهاست و صاحب ولایت، راهنما به سوی آنها می باشد.

۷۸۵. امام رضا عليه السلام: امامت ریشه بالنده اسلام و شاخه برافراشته آن است.

۱۳۹

امامت، ریشه همه خوبیهاست

۷۸۶. امام صادق عليه السلام: ما ریشه همه خوبیها هستیم و هر نیکی، ثمره شاخه های ماست. از جمله نیکیهاست: توحید، نماز، روزه، فرو خوردن خشم، گذشت از بدی کننده، ترحم به فقیر، رسیدگی به همسایه و اعتراف به فضل فضلا. دشمن ما [نیز] ریشه همه بدیهاست و هر زشتی و بدکاری، ثمره شاخه های اوست، از جمله: دروغ، بخل،

۱۳۹

الإمامة أصل كل خير

۷۸۶. الإمام الصادق عليه السلام: نَحْنُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ، وَمِنْ فُرُوعِنَا كُلِّ بَرٍّ، فَمِنْ الْبِرِّ: التَّوْحِيدُ، وَالصَّلَاةُ، وَالصَّيَامُ، وَكَظْمُ الْغَيْظِ، وَالْعَفْوُ عَنِ الْمُسِيءِ، وَرَحْمَةُ الْفَقِيرِ، وَتَعَهُدُ الْجَارِ، وَالْإِقْرَارُ بِالْفَضْلِ لِأَهْلِهِ.

۱. الکافی: ۲/ ۱۸/ ۳.

۲. الکافی: ۲/ ۱۸/ ۵.

۳. الکافی: ۱/ ۲۰۰/ ۱.

سخن چینی، بریدن از خویشاوندان، ربا خواری، به ناروا خوردن مال یتیمان، تعدی از حدودی که خدا دستور داده است، ارتکاب زشتیهای آشکار و نهان، زنا، دزدی و هر زشتی دیگری از این دست. پس دروغ می گوید کسی که بگوید با ماست ولی به شاخه های دشمن ما چنگ آویزد.

۷۸۷. امام کاظم علیه السلام - در پاسخ به پرسش از آیه «بگو:

پروردگارم بدیهای آشکار و نهان را حرام کرده است» - فرمود: قرآن ظاهری دارد و باطنی. تمام آنچه را که خداوند در قرآن حرام کرده، ظاهر است و باطن آنها پیشوایان ستمگرند و همه آنچه را که خداوند در کتاب خود حلال شمرده همان ظاهر است و باطن آنها امامان حق هستند.

۱۳۰

امامت، رشتهٔ اُمّت است

۷۸۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از کسی که خداوند او را ولی

امر شما کرده است، شنوایی و اطاعت داشته باشید که او رشته کار اسلام است.

۷۸۹. امام علی علیه السلام: امامت، رشته کار اُمّت است.

۷۹۰. امام علی علیه السلام: زمامدار و ولی امر به منزله رشته ای است که مهره ها را گرد آورده، آنها

وَعَدُوْنَا أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ، وَمِنْ فُرُوعِهِمْ كُلُّ قَبِيحٍ وَفَاحِشَةٍ، فَمِنْهُمْ: الْكَذِبُ، وَالْبُخْلُ، وَالنَّمِيمَةُ، وَالْقَطِيعَةُ، وَأَكْلُ الرِّبَا، وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ بِغَيْرِ حَقِّهِ، وَتَعْدِي الْخُدُودِ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ، وَرُكُوبُ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ، وَالزَّيْنَا، وَالسَّرِيقَةُ، وَكُلُّ مَا وَافَقَ ذَلِكَ مِنَ الْقَبِيحِ. فَكَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ مَعَنَا وَهُوَ مُتَعَلِّقٌ بِفُرُوعٍ غَيْرِنَا.^۱

۷۸۷. الإمام الكاظم علیه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى:

«قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ»^۲ - : إِنَّ الْقُرْآنَ لَهُ ظَهْرٌ وَبَطْنٌ، فَجَمِيعُ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ هُوَ الظَّاهِرُ، وَالْبَاطِنُ مِنْ ذَلِكَ أُنْمَةُ الْجَوْرِ. وَجَمِيعُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْكِتَابِ هُوَ الظَّاهِرُ، وَالْبَاطِنُ مِنْ ذَلِكَ أُنْمَةُ الْحَقِّ.^۳

۱۳۰

الإمامة نظام الأمة

۷۸۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا لِمَنْ وَلَّاهُ اللَّهُ

الْأَمْرَ، فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ.^۴

۷۸۹. الإمام علي علیه السلام: الإمامة نظام الأمة.^۵

۷۹۰. عنه علیه السلام: مَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النِّظَامِ مِنْ

۱. در متن حدیث های مربوط، تعبیر «نظام» آمده است که در لغت به معنای رشته و نخ است که با آن مروارید و مانند آن را به رشته می کشند، سامان دهند، ستون فقرات - م.

۱. الکافی: ۸/۲۴۲/۳۳۶. ۲. الأعراف: ۳۳.

۳. الکافی: ۱/۳۷۴/۱۰. ۴. الأمالی للمفید: ۲/۱۴.

۵. غرر الحکم: ۱۰۹۵.

را به هم پیوند می‌دهد. اگر رشته از هم بگسلد، مهره‌ها از یکدیگر جدا شده پراکنده می‌گردند و دیگر هیچ گاه همه آنها گرد نمی‌آیند.

۷۹۱. امام رضا علیه السلام: امامت، زمام دین است و رشته مسلمانان و اصلاح و آبادانی دنیا و عزت مؤمنان.

الْخَرَزُ، يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ، فَإِنْ انْقَطَعَ النُّظَامُ تَفَرَّقَ وَذَهَبَ، ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَذَافِيرِهِ أَبَدًا.^۱
۷۹۱. الإمامُ الرضا علیه السلام: إِنَّ الإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ، وَنُظَامُ الْمُسْلِمِينَ، وَصَلَاحُ الدُّنْيَا، وَعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ.^۲
(انظر الدین: باب ۱۳۰۰).

۱۴۱

الإِمَامَةُ سَبِيلُ الرَّبِّ

الكتاب:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾.^۳
﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ﴾.^۴
﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ

رَبِّهِ سَبِيلًا﴾.^۵

الحديث:

۷۹۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، لَوْ أَنَّ رَجُلًا لَقِيَ اللَّهَ بِعَمَلٍ سَبْعِينَ نَبِيًّا ثُمَّ لَمْ يَلْقَهُ بِوَلَايَةِ أُولِي الْأَمْرِ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَرَفًا وَلَا عَدْلًا.^۶

۷۹۳. عنه علیه السلام: أَمَّا وَاللَّهِ، لَوْ أَنَّ رَجُلًا صَفَّ قَدَمَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ مُصَلِّيًا وَلَقِيَ اللَّهَ بِبُغْضِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ لَدَخَلَ النَّارَ.^۷

۱۴۱

امامت، راه پروردگار است

قرآن:

«بگو: در برابر این رسالت مزدی از شما نمی‌خواهم، بجز دوست داشتن خویشاوندان [مرا]».
«بگو: هر مزدی که از شما طلبیده‌ام به سود خود شماست».

«بگو: من از شما هیچ مزدی نمی‌طلبم مگر کسی که می‌خواهد به سوی پروردگارش راهی یابد».
حدیث:

۷۹۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، اگر کسی با اعمال هفتاد پیامبر، خدا را دیدار کند، اما ولایت اولو الامر را بخاندان را به همراه نداشته باشد، خداوند از او نه توبه و بازگشتی می‌پذیرد و نه فدیهای.

۷۹۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به خدا که اگر کسی در میان رکن و مقام پیوسته به نماز ایستد، اما با کینه شما اهل بیت، خدا را ملاقات کند به دوزخ درمی‌آید.

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۴۶. ۲. الکافی: ۱/۲۰۰/۱.

۳. الشوری: ۲۳. ۴. سبأ: ۲۷.

۵. الفرقان: ۵۷. ۶. بحار الأنوار: ۲۷/۱۹۲/۴۹.

۷. الأمالی للمفید: ۲/۲۵۳.

۷۹۲. عنه عليه السلام: أَلْزَمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ... فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَا يَنْفَعُ عَبْدًا عَمَلُهُ إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا وَوَلَا يَتَنَا.^۱

۷۹۵. الإمام الباقر عليه السلام: حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظَامُ الدِّينِ.^۲

۷۹۶. عنه عليه السلام: كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِعِبَادَةٍ يُجَاهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَلَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ، فَسَعْيُهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ وَهُوَ ضَالٌّ مُتَحَيِّرٌ وَاللَّهُ شَانِيٌّ لِأَعْمَالِهِ، وَمَثَلُهُ كَمَثَلِ شَاةٍ ضَلَّتْ عَنْ رَاعِيهَا وَقَطَّعِيهَا.^۳

۷۹۷. الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلَ عَبْدٍ وَهُوَ يَشْكُ فِينَا.^۴

۷۹۸. الإمام الصادق عليه السلام: لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةَ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا إِذَا تَوَلَّوْا الْإِمَامَ الْجَائِرَ الَّذِي لَيْسَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى.^۵

۷۹۹. بحار الأنوار: فِي دُعَاءِ النَّدْبَةِ: فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلَى رِضْوَانِكَ.^۶

(النظر) بحار الأنوار: ۲۳ / ۲۲۸ باب ۱۳، ۲۷ / ۱۶۶ باب ۷.

وسائل الشيعة: ۱ / ۹۰ باب ۲۹.

عنوان ۲۱۹ «اللبيل»، ۲۹۴ «الصراط».

۹۴ «المحبة (حب النبي عليه السلام وأهل بيته عليهم السلام)»، الجنة: باب ۵۵۷.

۱. الأُمالي للمفيد: ۴ / ۱۴۰. ۲. بحار الأنوار: ۷۸ / ۱۸۳ / ۸.

۳. الكافي: ۱ / ۱۸۳ / ۸. ۴. الأُمالي للمفيد: ۲ / ۳.

۵. الأُمالي للطوسي: ۴۱۷ / ۹۳۹.

۶. بحار الأنوار: ۱۰۲ / ۱۰۵.

۷۹۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به دوستی ما خاندان چنگ در زنید ... زیرا سوگند به آن که جان محمد در دست اوست، عمل هیچ بنده‌ای به حال او سودمند نمی‌افتد مگر با معرفت و ولایت ما.

۷۹۵. امام باقر عليه السلام: دوست داشتن ما خاندان، رشته دین است.

۷۹۶. امام باقر عليه السلام: هر که خود را در عبادت خداوند عز و جل به رنج و زحمت افکند، اما [برای خود] امامی از جانب خدا نداشته باشد، کوشش او پذیرفته نمی‌شود، و گمراه و سرگشته است و خداوند از کارهای او نفرت دارد. او به گوسفندی می‌ماند که چوپان و گله خود را گم کرده است.

۷۹۷. امام باقر یا امام صادق عليهما السلام: ما اهل بیته هستیم که خداوند عمل بنده‌ای را که درباره ما شک و تردید کند، نمی‌پذیرد.

۷۹۸. امام صادق عليه السلام: اگر بندگان، پیشوای ستمگر را که از جانب خدا نیست به زمامداری گیرند، خداوند کارهای شایسته‌ای را که انجام می‌دهند نخواهد پذیرفت.

۷۹۹. بحار الأنوار: در دعای ندبه آمده است: آنها (اهل بیت عليهم السلام) راه رسیدن به تو بودند و طریق دست یافتن به رضوان تو.

۱۳۲

تفسیر الإمامة بالنور

۸۰۰. الإمام الباقر علیه السلام - في قوله تعالى: ﴿فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا﴾ -: النُّورُ وَاللَّهُ الْأُتَمَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَهُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ، وَهُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ، وَاللَّهُ ... لَنُورِ الْإِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْوَرُ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ بِالنَّهَارِ.^۱

۸۰۱. الإمام الكاظم علیه السلام: الإمامة هي النُّورُ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ: ﴿آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا﴾^۲، قَالَ: النُّورُ هُوَ الْإِمَامُ.^۳

(انظر) عنوان ۵۲۴ «النور»
الأمثال: باب ۳۵۴۸.

۱۳۳

موقع الإمامة

الكتاب:

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾^۴.

الحديث:

۸۰۲. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اتَّخَذَ

۱. الكافي: ۱/ ۱۹۴/ ۱. ۲. التباين: ۸.

۳. الكافي: ۱/ ۱۹۶/ ۶. ۴. البقرة: ۱۲۴.

۱۳۲

تفسیر امامت به نور

۸۰۰. امام باقر علیه السلام - در تفسیر آیه «پس به خدا و پیامبرش و نوری که فرو فرستادیم ایمان آورید» - فرمود: به خدا قسم این نور، همان امامان از خاندان محمد علیه السلام هستند تا روز قیامت. به خدا سوگند آنان همان نوری هستند که خداوند فرو فرستاده است. و به خدا سوگند هم ایشانند نور خدا در آسمانها و زمین. به خدا قسم ... نور امام در دلهای مؤمنان از خورشید درخشان نیمروز، تابان تر است.

۸۰۱. امام کاظم علیه السلام: امامت، نور و روشنائی است؛ همان که خداوند عز و جل فرموده: «به خدا و پیامبر او و نوری که فرو فرستادیم ایمان آورید». نور همان امام است.

۱۳۳

جایگاه امامت

قرآن:

«و [بیاد آر] هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به کلماتی آزمود و او آنها را به انجام رسانید، خدا فرمود: من تو را پیشوای مردم گردانیدم».

حدیث:

۸۰۲. امام صادق علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی ابراهیم

إِبْرَاهِيمَ عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ نَبِيًّا، وَإِنَّ اللَّهَ
اتَّخَذَهُ نَبِيًّا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ رَسُولًا، وَإِنَّ اللَّهَ
اتَّخَذَهُ رَسُولًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ خَلِيلًا، وَإِنَّ اللَّهَ
اتَّخَذَهُ خَلِيلًا قَبْلَ أَنْ يَجْعَلَهُ إِمَامًا، فَلَمَّا
جَمَعَ لَهُ الْأَشْيَاءَ قَالَ: إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ
إِمَامًا.^۱

۱۳۳

الاضطرار إلى الحجة

الكتاب:

﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾.^۲﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾.^۳

الحديث:

۸۰۳. الإمام الباقر عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنْ عِلَّةِ احْتِيَاجِ

النَّاسِ إِلَى النَّبِيِّ وَالْإِمَامِ -: لِبَقَاءِ الْعَالَمِ عَلَى

صَلَاحِهِ، وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَرْفَعُ الْعَذَابَ

عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ إِذَا كَانَ فِيهَا نَبِيٌّ أَوْ إِمَامٌ.^۴۸۰۴. عنه عليه السلام: يَخْرُجُ أَحَدُكُمْ فَرَايِخَ فَيَطْلُبُ لِنَفْسِهِ

دَلِيلًا، وَأَنْتَ بِطَرِيقِ السَّمَاءِ أَجْهَلُ مِنْكَ

بِطَرِيقِ الْأَرْضِ، فَاطْلُبْ لِنَفْسِكَ دَلِيلًا.^۵۸۰۵. الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: إِنْ اللَّهَ لَمْ يَدَعْ

را به بندگی گرفت پیش از آن که او را به
پیامبری برگزیند، و او را به نبوت رساند
پیش از آن که به رسالت گزیند و او را رسول
خود ساخت پیش از آن که به دوستی
برگزیند و او را دوست و خلیل خود گردانید
پیش از آن که امامش قرار دهد. و چون همه
این مقامات را در او گرد آورد فرمود: من تو
را پیشوای مردم قرار دادم.

۱۳۲

نیاز به حجت (رهبر الهی)

قرآن:

«جز این نیست که تو بیم دهنده هستی و هر قومی را
رهبری است».«بر ایشان سخن در سخن پیوستیم، باشد که پند
گیرند».

حدیث:

۸۰۳. امام باقر عليه السلام - در پاسخ به علت نیاز مردم به

پیامبر و امام - فرمود: برای این که دنیا به

سامان ماند؛ چه آنکه خداوند عز و جل، با

وجود پیامبر یا امام در روی زمین، عذاب را

از زمینیان بر می دارد.

۸۰۴. امام باقر عليه السلام: وقتی یکی از شما می خواهد

چند فرسنگ راه بییماید، برای خود به دنبال

راهنما می گردد؛ و تو به راههای آسمان

ناآشناتری تا به راههای زمین، پس، برای

خود به دنبال راهنما باش.

۸۰۵. امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: خداوند زمین

۱. الکافی: ۱/ ۱۷۵/ ۲. ۲. الرعد: ۷.

۳. القصص: ۵۱. ۴. بحار الأنوار: ۲۳/ ۱۹/ ۱۴.

۵. الکافی: ۱/ ۱۸۴/ ۱۰.

الأَرْضَ بِغَيْرِ عَالِمٍ، وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُعْرِفِ
الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ.^۱

۸۰۶. الإمام الصادق: إِنَّا لَمَّا أَثْبَتْنَا أَنَّ لَنَا خَالِقاً
صَانِعاً مُتَعَالِياً عَنَّا وَعَنْ جَمِيعِ مَا خَلَقَ ... ثُمَّ
ثَبَّتَ ذَلِكَ فِي كُلِّ دَهْرٍ وَزَمَانٍ مِمَّا أَتَتْ بِهِ
الرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ مِنَ الدَّلَائِلِ وَالْبَرَاهِينِ،
لِكَيْ لَا تَخْلُقَ أَرْضُ اللَّهِ مِنْ حُجَّةٍ يَكُونُ مَعَهُ
عِلْمٌ يَدُلُّ عَلَى صِدْقِ مَقَالَتِهِ وَجَوَازِ
عَدَالَتِهِ.^۲

۸۰۷. عنه: إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُقُ إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ، كَيْمَا
إِنْ زَادَ الْمُؤْمِنُونَ شَيْئاً رَدَّهَمْ، وَإِنْ نَقَصُوا
شَيْئاً أَتَمَّهُ لَهُمْ.^۳

۸۰۸. بحار الأنوار: عنه: لَمْ تَخْلُ الْأَرْضُ - مُنْذُ
كَانَتْ - مِنْ حُجَّةٍ عَالِمٍ، يُخَيِّي فِيهَا
مَائِمِيَّتُونَ مِنَ الْحَقِّ. ثُمَّ تَلَاهُ فِيهِ الْآيَةَ:
﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ
نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾.^۴

۸۰۹. عنه: إِنَّ الْأَرْضَ لَا تُتْرَكُ إِلَّا بِعَالِمٍ يَحْتَاجُ
النَّاسُ إِلَيْهِ وَلَا يَخْتَجُ إِلَى النَّاسِ، يَعْلَمُ
الْحَرَامَ وَالْحَلَالَ.^۵

را بدون عالم نگذاشته است؛ و اگر این نبود،
حق از باطل شناخته نمی شد.

۸۰۶. امام صادق: چون ثابت کردیم ما را
آفریدگار و صانعی است که از ما و همه
آفریدگان والاتر است ... آن گاه ثابت
می شود که در هر عصر و زمانی فرستادگان
و پیامبران، با دلایل و براهینی که برای اثبات
حقانیت خود آورده اند، مبعوث شده اند تا
زمین خدا از حجتی که با خود دانشی گواه بر
درستی گفتار و نشانه ای بر عدالتش دارد،
خالی نباشد.

۸۰۷. امام صادق: زمین هیچگاه خالی از امام
نمی ماند تا اگر مؤمنان چیزی [به دین]
افزودند، آنها را [از این کژراهه] برگرداند و
اگر چیزی را کاستند برایشان کامل کند.

۸۰۸. بحار الأنوار: امام صادق: فرمود: زمین - از
همان گاه که پدید آمده - از حجتی دانا که هر
حقی را که مردم به دست فراموشی
می سپارند زنده کند، تهی نبوده است. آنگاه
این آیه را تلاوت فرمود: «می خواهند با
دهانهای خود نور خدا را خاموش کنند حال
آنکه خدا نور خود را کامل خواهد کرد،
گرچه کافران را ناخوش آید».

۸۰۹. امام صادق: زمین هیچگاه بدون عالمی که
مردم به او نیازمندند و او از آنان بی نیاز است
و حلال و حرام را می شناسد، رها نمی شود.

۱. الکافی: ۱/ ۱۷۸/ ۵. ۲. الکافی: ۱/ ۱۶۸/ ۱.

۳. الکافی: ۱/ ۱۷۸/ ۲. ۴. الصَّف: ۸.

۵. بحار الأنوار: ۲۳/ ۳۷/ ۶۵.

۶. بحار الأنوار: ۲۳/ ۵۰/ ۱۰۰.

۸۱۰. الإمام الرضا عليه السلام - في الحكمة من جعل أولي الأمر، والأمر بطاعتهم -: لعل كثيرًا منها: أن الخلق لما وقفوا على حدّ محدود وأمروا أن لا يتعدوا ذلك الحد لما فيه من فسادهم لم يكن يثبت ذلك ولا يقوم إلا بأن يجعل عليهم فيه أميناً...

ومنها: أنا لا نجد فرقة من الفرق ولا ملة من الملل بقوا وعاشوا إلا بقيم ورئيس لما لا بدّ لهم منه في أمر الدين والدنيا... لا قوام لهم إلا به... ومنها: أنه لو لم يجعل لهم إماماً قيمياً أميناً حافظاً مستودعاً لدرست الملة وذهب الدين وغيّرت السنة^۱.

(انظر: بحار الأنوار: ۲۳ / ۱ باب ۱)

عنوان ۹۹ «الحجة».

۱۲۵

الحجة إمام يعرف

۸۱۱. الإمام الباقر عليه السلام: إن الحجة لا تقوم لله عز وجل على خلقه إلا بإمام حي يعرفونه^۲.

۸۱۲. الإمام الصادق عليه السلام: إن الحجة لا تقوم لله عز وجل على خلقه إلا بإمام حتى يعرف^۳.

۱. بحار الأنوار: ۲۳ / ۳۲ / ۵۲.

۲. بحار الأنوار: ۲۳ / ۳۰ / ۲۷.

۳. الكافي: ۱ / ۱۷۷ / ۲.

۸۱۰. امام رضا عليه السلام - در بیان حکمت قرار دادن اولوالامر و فرمان به پیروی از آنها - فرمود: به دلایل بسیاری؛ از جمله: چون برای مردمان حد و مرزی مشخص نهاده شده و موظفند که از آن مرز فراتر نروند؛ زیرا موجب تباهی ایشان می شود، این کار به سامان و انجام نمی رسد، مگر این که فردی امین بر آنها گمارده شود... و دیگر این که: ما هیچ گروه و هیچ ملتی و آیینی را نمی یابیم که مانده و زیسته باشند مگر با برخورداری از سرپرست و پیشوا؛ زیرا در کار دین و دنیای خود از او ناگزیرند... و جز بدو پابرجا نیستند... و دیگر این که: اگر برایشان پیشوا و سرپرستی درستکار و نگهبان و امانتدار گمارده نمی شد، آیین، کهنه و فرسوده شده، دین از میان رفته و سنت دگرگون شده بود.

۱۲۵

حجت، امامی است شناخته شده

۸۱۱. امام باقر عليه السلام: حجت خدا بر خلقش تمام نمی شود مگر به وجود امامی زنده که مردم او را بشناسند.

۸۱۲. امام صادق عليه السلام: حجت خداوند عز وجل بر خلقش بر پا نمی گردد مگر به وجود امامی که شناخته شده باشد.

۸۱۳. امام صادق علیه السلام - وقتی از وی پرسیده شد: آیا زمین بدون عالم زنده و آشکار، باقی می ماند؟ - فرمود: در آن صورت، خداوند عبادت نخواهد شد.

۸۱۴. امام صادق علیه السلام : هر که بمیرد و در فرمان امام زنده و آشکاری نباشد به مرگ جاهلی مرده است.

۸۱۳. عنه علیه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنِ الْأَرْضِ: هَلْ تَبْقَى بِلَا عَالِمٍ حَيٍّ ظَاهِرٍ...؟ -: إِذَنْ لَا يُعْبَدُ اللَّهُ.^۱

۸۱۴. عنه علیه السلام: مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ حَيٌّ ظَاهِرٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.^۲

(انظر) عنوان ۹۹ «الحجّة».

۱۴۶

قَدْ يَكُونُ الْحُجَّةُ خَائِفًا مَغْمُورًا

گاه حجت در بیم و گمنامی

به سر می برد

۸۱۵. امام علی علیه السلام : صد البته زمین از کسی که حجت های خدا را بر پا دارد - آشکار و سرشناس یا بیمناک و گمنام - خالی نمی ماند، تا که حجت ها و برهان های خداوند از بین نرود.

۸۱۶. امام علی علیه السلام : بار خدایا! تو را ناگزیر در زمین خود حجت هایی باید، حجتی از پی حجتی ... تا پیروان اولیای تو پراکنده نشوند. چه آن حجت ظاهر باشد ولی نافرمانروا، یا مخفی و بیمناک و در انتظار. اگر به روزگار تسلط باطل، آنان در سکوت به سر برند و از دیده مردم پنهان باشند، اما هرگز پرتو دانش و تربیت ایشان از مردم پوشیده نمی ماند.

۸۱۷. امام علی علیه السلام : بار خدایا! من خوب می دانم که علم بتمامی جمع نمی شود و مباحث آن تمام نمی شود؛ چه آن که تو زمینت را از حجت بر بندگان تهی نمی گذاری خواه

۸۱۵. الإمام علي عليه السلام: اللَّهُمَّ بَلِّغْنِي، لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لَكَ بِحُجَّتِهِ، إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا، أَوْ خَائِفًا مَغْمُورًا لئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ.^۳

۸۱۶. عنه علیه السلام: اللَّهُمَّ لَا بَدَلَ لَكَ مِنْ حُجَجٍ فِي أَرْضِكَ، حُجَّةٍ بَعْدَ حُجَّةٍ ... لئَلَّا يَتَفَرَّقَ أَتْبَاعُ أَوْلِيَائِكَ، ظَاهِرٍ غَيْرِ مُطَاعٍ، أَوْ مُكْتَنَمٍ خَائِفٍ يَتَرَقَّبُ، إِنْ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُمْ فِي حَالِ هُدْنَتِهِمْ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ فَلَنْ يَغِيبَ عَنْهُمْ مَبْنُوثُ عِلْمِهِمْ وَأَدَابِهِمْ.^۴

۸۱۷. عنه علیه السلام: اللَّهُمَّ وَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ لَا يَارِزُ كُلَّهُ وَلَا يَنْقَطِعُ مَوَادُّهُ، فَإِنَّكَ لَا تَخْلِي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ عَلَى خَلْقِكَ، إِمَّا ظَاهِرٍ يُطَاعُ، أَوْ

۱. علل الشرائع: ۱۹۵/۳. ۲. الاختصاص: ۲۶۹.

۳. بحار الأنوار: ۲۳/۴۶/۹۱.

۴. بحار الأنوار: ۲۳/۵۴/۱۱۶.

خَائِفٍ مَغْمُورٍ لَيْسَ بِمُطَاعٍ، لَكِنِّي لَا تَبْطُلُ حُجَّتُكَ، وَيَضِلُّ أَوْلِيَاؤُكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ.^۱

۸۱۸. الإمام الباقر علیه السلام: لَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ ظَاهِرٍ أَوْ بَاطِنٍ.^۲

۸۱۹. الإمام الصادق علیه السلام: لَمْ تَخُلْ الْأَرْضُ - مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ - مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ فِيهَا: ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ، أَوْ غَائِبٍ مَسْتُورٍ.^۳

(انظر) النعمة: باب ۲۸۴۳.

این حجّت، آشکار و فرمانروا و خواه بیمناک و گمنام بی پیرو باشد تا مبادا حجّت تو، از میان برود و دوستان تو پس از آن که هدایتشان کردی، گمراه شوند.

۸۱۸. امام باقر علیه السلام: زمین، بدون امام آشکار یا نهان باقی نمی ماند.

۸۱۹. امام صادق علیه السلام: از همان زمان که خداوند آدم را آفرید، زمین از حجّت خالی نبوده است، خواه حجّتی ظاهر و شناخته شده یا غایب و در پرده.

۱۳۷

اگر امام نباشد، زمین در هم فرو می رود

۸۲۰. امام باقر علیه السلام: اگر برای لحظه ای وجود امام از زمین برداشته شود، زمین، ساکنان خود را چنان به تلاطم می اندازد که امواج دریا دریانشینان را.

۸۲۱. امام باقر علیه السلام: در وصف ائمه علیهم السلام - فرمود: خداوند عز و جلّ ایشان را ارکان زمین قرارداد، تا زمین اهل خود را نلرزاند و ایشان را ستونهای اسلام و پاسداران راه هدایت خود کرد.

۸۲۲. امام صادق علیه السلام: اگر زمین بدون امام می ماند، به یقین در هم فرو می ریخت.

۸۲۳. امام صادق علیه السلام: زمین، بدون امامی از ماکه امت بدو پناه برد، حتی یک روز باقی

۱۳۷

لَوْ لَا الْإِمَامُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ

۸۲۰. الإمام الباقر علیه السلام: لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمْوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ.^۴

۸۲۱. عنه علیه السلام - فِي وَصْفِ الْأَئِمَّةِ علیهم السلام - جَعَلَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا، وَعَمَدَ الْإِسْلَامِ، وَرَابِطَةً عَلَى سَبِيلِ هُدَاةٍ.^۵

۸۲۲. الإمام الصادق علیه السلام: لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ.^۶

۸۲۳. عنه علیه السلام: مَا تَبْقَى الْأَرْضُ يَوْمًا وَاحِدًا بِغَيْرِ إِمَامٍ

۱. الغيبة للنعمانی: ۲/۱۳۷. ۲. بحار الأنوار: ۲۳/۲۳/۲۶.

۳. الأمالي للصدوق: ۲۵۳/۲۷۷.

۴. الکافی: ۱/۱۷۹/۱۲. ۵. الکافی: ۱/۱۹۸/۳.

۶. الکافی: ۱/۱۷۹/۱۰.

مِنَّا تَفَرَّعَ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ^۱.

نمی ماند.

۸۲۲. عَنْهُ: إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَكُونُ إِلَّا وَفِيهَا حُجَّةٌ، إِنَّهُ لَا يُضْلِحُ النَّاسَ إِلَّا ذَلِكَ، وَلَا يُضْلِحُ الْأَرْضَ إِلَّا ذَاكَ^۲.

۸۲۲. امام صادق علیه السلام: در زمین همیشه حجت هست؛ زیرا مردم را اصلاح نمی کند مگر حجت و زمین را به سامان نمی آورد مگر حجت.

۱۴۸

دَعْوَةُ كُلِّ أُمَّةٍ بِإِمَامِهَا

الكتاب:

«يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ»^۳.

قرآن:

«روزی که هر گروه از مردم را به پیشوایانشان بخوانیم».

«آنان پیرو فرمان فرعون شدند حال آن که فرمان فرعون به صواب راه نمی نمود. در روز قیامت پیشاپیش قوم خود بیاید، همه را به آتش درآورد و [دوزخ] چه ورودگاه بدی برای واردان است».

«فَاتَّبِعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمَرَ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ * يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ»^۴.

الحديث:

۸۲۵. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» -: يُدْعَى كُلُّ قَوْمٍ بِإِمَامِ زَمَانِهِمْ وَكِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِمْ^۵.

حدیث:

۸۲۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - درباره این آیه «روزی که هر گروه از مردم را به پیشوایانشان بخوانیم» - فرمود: هر گروه را به نام امام دوران خود و کتاب خدا و سنت پیامبرشان فرامی خوانند.

۸۲۶. امام حسین علیه السلام - درباره آیه «روزی که هر گروه از مردم را به پیشوایانشان بخوانیم» - فرمود: یک امام به راه راست فرا خواند و پیروانش دعوت او را لبیک گفتند و امامی به گمراهی خواند و پیروانش به دعوت او پاسخ دادند.

۸۲۶. الْإِمَامُ الْحُسَيْنُ ﷺ - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» -: إِمَامٌ دَعَا إِلَى هُدًى فَأُجَابُوهُ إِلَيْهِ، وَإِمَامٌ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ فَأُجَابُوهُ إِلَيْهَا، هَؤُلَاءِ فِي الْجَنَّةِ، وَهَؤُلَاءِ فِي النَّارِ.

۱. بحار الأنوار: ۲۳ / ۴۲ / ۸۲.

۲. بحار الأنوار: ۲۳ / ۵۱ / ۱۰۱.

۳. الإسراء: ۷۱. ۴. هود: ۹۷، ۹۸.

۵. بحار الأنوار: ۸ / ۱۰ / ۲.

وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ﴾^۱.

۸۲۷. الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيْدَتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْماً لِعِبَادِكَ وَمَنَاراً فِي بِلَادِكَ، بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ^۲.

۸۲۸. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ ... يَأْتِي النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ: أَلَا مَنْ أَتَيْتُمْ بِإِمَامٍ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَلْيَتَّبِعُوهُ إِلَى حَيْثُ يَذْهَبُ بِهِ، فَحِينَئِذٍ تَبَرَّأَ الَّذِينَ أَتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ أَتَّبَعُوا...^۳.

۸۲۹. عنه عليه السلام: إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ قَوْمٍ أَتَّبَعُوا بِإِمَامِهِمْ فِي الدُّنْيَا إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَلْعَنُهُمْ وَيَلْعَنُونَهُ، إِلَّا أَنْتُمْ وَمَنْ عَلَى مِثْلِ حَالِكُمْ^۴.

(انظر) بحار الأنوار: ۸/۷ باب ۱۹.

۱۳۹

مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ

۸۳۰. الإمام علي عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِطَاعَةِ مَنْ لَا تُغْذَرُونَ بِجَهَالَتِهِ^۵.

آنان در بهشتند و اینان در دوزخ و این است سخن خداوند عز و جل که: «گروهی در بهشت هستند و گروهی در دوزخ».

۸۲۷. امام زين العابدين عليه السلام: پروردگارا! تو در هر زمان دین خود را با امامی پشتیبانی کردی، که او را نشانه‌ای برای بندگان و روشنی بخش سرزمینهایت قرار دادی و این، پس از آن بود که ريسمان [ارتباط] آن امام را به ريسمان خودت پیوند زدی و او را وسیله رسیدن به خشنودیت قرار دادی.

۸۲۸. امام صادق عليه السلام: چون روز قیامت شود... از سوی خداوند جل جلاله، ندا می‌آید که: هان! هر کس در سرای دنیا به امامی اقتدا کرده است، پس، در پی او به همان جا رود که او را می‌برند. در این هنگام است که «پیروی شدگان از پیروان خود بیزاری می‌جویند».

۸۲۹. امام صادق عليه السلام: هیچ قومی نیست که در دنیا به امامش اقتدا کرده باشد، مگر آن که در روز قیامت او آنان را لعنت می‌کند و آنان او را؛ مگر شما و کسانی که چون شما باشند.

۱۳۹

شناخت امام

۸۳۰. امام علي عليه السلام: بر شما باد اطاعت از کسی که در شناختنش عذری ندارید.

۱. الشوری: ۷. ۲. الأمالی للصدوق: ۲۱۷/۲۳۹. ۳. الإقبال: ۹۲/۲. ۴. البقرة: ۱۶۶. ۵. بحار الأنوار: ۸/۳۱۰. ۶. بحار الأنوار: ۸/۴۱۱. ۷. نهج البلاغة: الحکمة ۱۵۶.

۸۳۱. امام حسین علیه السلام - هنگامی که از ایشان درباره شناخت خدا سؤال شد - فرمود: [یعنی] شناخت مردم هر زمان نسبت به امامی که اطاعتش بر آنان واجب است.

۸۳۲. امام باقر علیه السلام - در تفسیر آیه «آیا کسی که مرده بود و او را زنده گردانیدیم و برای او نوری قرار دادیم تا در پرتو آن در میان مردم راه برود، به کسی می ماند که در تاریکی هاست و از آن خارج نمی شود؟» - فرمود: «مرده» کسی است که چیزی نمی داند و «نور» پیشوایی است که به او اقتدا می شود.

۸۳۳. امام صادق علیه السلام : ماییم آن خاندانی که خداوند فرمانبری از ما را واجب کرده است. شما به کسانی اقتدا می کنید که مردم در نشناختن آنان معذور نیستند.

۸۳۴. امام صادق علیه السلام - درباره آیه «و هر که را حکمت داده شود به یقین، خیری فراوان داده شده است» - فرمود: [یعنی] فرمانبری از خدا و شناخت امام.

۱۵۰

پیامد شناختن و نشناختن امام

۸۳۵. امام باقر علیه السلام : تنها آن کس خداوند عز و جل را می شناسد و می پرستد که خدا و امامش از

۸۳۱. الإمام الحسين علیه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنْ مَعْرِفَةِ اللَّهِ - : مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ^۱.

۸۳۲. الإمام الباقر علیه السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَخْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا»^۲ - : «مَيِّتٌ» لَا يَعْرِفُ شَيْئًا، وَ«نُورًا...» : إِمَامًا يُؤْتَمُّ بِهِ^۳.

۸۳۳. الإمام الصادق علیه السلام : نَحْنُ قَوْمٌ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا، وَإِنَّكُمْ لَتَأْتُمُونَ بِمَنْ لَا يُغْذَرُ النَّاسُ بِجَهَالَتِهِ^۴.

۸۳۴. عنه علیه السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»^۵ - : طَاعَةُ اللَّهِ وَمَعْرِفَةُ الْإِمَامِ^۶.

(انظر بحار الأنوار: ۲۳ / ۷۶ باب ۴.)

التهيم: باب ۴۱۷۷.

المقریون: باب ۳۲۷۲.

۱۵۰

أَثَرُ مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ وَعَدَمِ مَعْرِفَتِهِ

۸۳۵. الإمام الباقر علیه السلام : إِنَّمَا يَعْرِفُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَيَعْبُدُهُ

۱. بحار الأنوار: ۲۳ / ۸۳ / ۲۲.

۲. الأنعام: ۱۲۲. ۳. الکافی: ۱ / ۱۸۵ / ۱۳.

۴. بحار الأنوار: ۹۶ / ۲۱۱ / ۱۳.

۵. البقرة: ۲۶۹. ۶. الکافی: ۱ / ۱۸۵ / ۱۱.

مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَعَرَفَ إِمَامَهُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ^۱.

۸۳۶. عنه علیه السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿كَمَنْ مِثْلَهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا﴾^۲ - الَّذِي لَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ^۳.

۸۳۷. الْإِمَامُ الصَّادِقُ علیه السلام: مَنْ عَرَفَنَا كَانَ مُؤْمِنًا، وَمَنْ أَنْكَرَنَا كَانَ كَافِرًا^۴.

۸۳۸. عنه علیه السلام: الْإِمَامُ عَلَّمَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَبَيْنَ خَلْقِهِ، فَمَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا، وَمَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا^۵.

۱۵۱

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ

۸۳۹. رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ مَاتَ وَهُوَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَةَ تَكْوِينِ عِلْمِهِ^۶ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً^۷.

۸۴۰. عنه علیه السلام: مَنْ مَاتَ وَلَا يَبْعَثُهُ عَلَيْهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً^۸.

۸۴۱. عنه علیه السلام: مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً^۹.

۱. الکافی: ۱/۱۸۱/۴. ۲. الأنعام: ۱۲۲.

۳. الکافی: ۱/۱۸۵/۱۳. ۴. الکافی: ۱/۱۸۷/۱۱.

۵. بحار الأنوار: ۳۳/۸۸/۳۲.

۶. بحار الأنوار: ۲۳/۱۷۶/۷. ۷. کنز العمال: ۴۶۳.

۸. کنز العمال: ۴۶۴.

۹. ثَقَلُ ابْنِ أَبِي الْحَدِيدِ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَمَرَ اسْتَنْعَى مِنْ بَيْعَةِ

میان ما اهل بیت را بشناسد.

۸۳۶. امام باقر علیه السلام - در تفسیر آیه «به کسی می ماند که در تاریکی هاست و از آنها خارج نمی شود» - فرمود: کسی است که امام را نشناسد.

۸۳۷. امام صادق علیه السلام: هر که ما را بشناسد مؤمن است و هر که ما را انکار کند کافر است.

۸۳۸. امام صادق علیه السلام: امام راهنمای میان خداوند عز و جل و آفریدگان اوست؛ هر که او را بشناسد مؤمن است و هر که منکرش شود کافر.

۱۵۱

کسی که بمیرد و امام دورانش را نشناسد

۸۳۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که بمیرد و امام خود را نشناخته باشد به مرگ جاهلی مرده است.

۸۴۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که بمیرد و بیعت امام را به گردن نداشته باشد به مرگ جاهلی مرده است.

۸۴۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که بدون داشتن امام بمیرد به مرگ جاهلی مرده است.^۱

۱. ابن ابی الحدید می نویسد: عبدالله بن عمر از بیعت با علی علیه السلام سر باز زد ولی برای بیعت با عبدالملک مروان شبانه

۸۲۲. الإمام الصادق: مَنْ بَاتَ لَيْلَةً لَا يَعْرِفُ فِيهَا
إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.^۱

۱۵۲

مَنْ لَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ وَلَا يُنْكِرُهُ

۸۲۳. رسول الله: ... فَإِنْ جَهَلَهُ وَعَادَاهُ فَهُوَ
مُشْرِكٌ، وَإِنْ جَهَلَهُ وَلَمْ يُعَادِهِ وَلَمْ يُوَالِ لَهُ
عَدُوًّا فَهُوَ جَاهِلٌ وَلَيْسَ بِمُشْرِكٍ.^۲

۸۲۴. الإمام الصادق: مَنْ لَمْ يَعْرِفْنَا وَلَمْ يُنْكِرْنَا
كَانَ ضَالًّا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى الْهُدَى الَّذِي
افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ طَاعَتِنَا الْوَاجِبَةِ، فَإِنْ
يَمُتْ عَلَى ضَلَالَتِهِ يَقْعَلِ اللَّهُ بِهِ مَا يَشَاءُ.^۳

(انظر) عنوان ۳۱۴ «الضلالة»

۱۵۳

شَرَائِطُ الْإِمَامَةِ وَخَصَائِصُ الْإِمَامِ

الكتاب:

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا

﴿عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَطَرَفُ عَلَى الْحِجَابِ بَابُهُ لِبَلَاءِ تَبَايَعِ لِعَبْدِ الْمَلِكِ كَيْ لَا
يَبِيتَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ بِلَا إِمَامٍ، زَعَمَ لِأَنَّهُ رَوَى عَنْ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ
قَالَ: مَنْ مَاتَ وَلَا إِمَامَ لَهُ مَاتَ مِيتَةً الْجَاهِلِيَّةِ، وَحَتَّى يَبْلُغَ مِنْ
احْتِقَارِ الْحِجَابِ لَهُ وَاسْتِرْدَالِهِ حَالَهُ أَنْ أَخْرَجَ رَجُلَهُ مِنْ
الْفِرَاشِ فَقَالَ: أَصْفَى بِبَيْتِكَ عَلَيْهَا! شَرَحَ نَهْجَ الْبِلَافَةِ:
۲۴۲ / ۱۳

۱. بحار الأنوار: ۲۳ / ۷۸ / ۸. ۲. بحار الأنوار: ۲۳ / ۸۸ / ۳۱.

۳. الكافي: ۱ / ۱۸۷ / ۱۱.

۱۵۲

کسی که امام را نمی‌شناسد
و او را انکار هم نمی‌کند

۸۲۳. پیامبر خدا: هر که او (امام) را نشناسد و با
وی دشمنی کند مشرک است، و اگر امام را
نشناسد اما با او دشمنی نرزد و با دشمن وی
نیز دست دوستی ندهد، جاهل است، نه مشرک.
۸۲۴. امام صادق: کسی که ما را نشناسد و منکر
ما هم نباشد گمراه است، تا آن که به سوی
هدایتی که خدا بر او واجب کرده، یعنی لزوم
اطاعت از ما، برگردد. و اگر در حال گمراهی اش
بمیرد، خدا با او هر طور که خود بخواهد عمل
می‌کند.

۱۵۳

شرایط امامت و ویژگیهای امام

قرآن:

«از میان آن قوم، پیشوایانی پدید آوردیم که چون
شکیبایی ورزیدند و به نشانه‌های ما یقین داشتند، با

«در خانه حجاج را کوید تا مبادا آن شب را بی‌امام به سر برد؛
چون از رسول خدا روایت می‌کرد که فرمود: هر که
بدون داشتن امام بمیرد به مرگ جاهلی مرده است. حجاج
نیز چنان او را حقیر و خوار شمرد که پایش را از بستر بیرون
آورد و گفت: [برای بیعت] دستت را به همین بزن!

بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ»^۱.«أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»^۲.«إِنَّ اللَّهَ اضْطَفَاءُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجَنَمِ»^۳.

الحديث:

۸۲۵. الإمام علي عليه السلام: لَا يَحْمِلُ هَذَا الْأَمْرُ إِلَّا أَهْلُ الصَّبْرِ وَالْبَصْرِ وَالْعِلْمِ بِمَوَاقِعِ الْأَمْرِ^۴.۸۲۶. عنه عليه السلام: يَحْتَاجُ الْإِمَامُ إِلَى قَلْبٍ عَقُولٍ، وَلِسَانٍ قَوُولٍ، وَجَنَانٍ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ صَوُولٍ^۵.۸۲۷. عنه عليه السلام: - فِي وَصْفِ الْأَثَمَةِ عليه السلام: - عَقَلُوا الدِّينَ عَقْلَ وَعَايَةٍ وَرِعَايَةٍ، لَا عَقْلَ سَمَاعٍ وَرِوَايَةٍ، فَإِنْ رَوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَرِعَايَتُهُ قَلِيلٌ^۶.۸۲۸. عنه عليه السلام: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ، قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ^۷.۸۲۹. عنه عليه السلام: لَا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُضَارِعُ وَلَا يُضَارِعُ وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعَ^۸.

امر ما به هدایت مردم پرداختند».

«آیا آن که به سوی حق راه می‌نماید، به پیروی سزاوارتر است یا آن که راه نمی‌نماید مگر آنکه خود راهنمایی شود؟ شما را چه می‌شود؟ چگونه داوری می‌کنید؟».

«خدا او را بر شما برگزیده و به دانایی و توانایی او بیفزوده است».

حدیث:

۸۲۵. امام علی عليه السلام: این امر (امامت) را به دوش نمی‌کشد مگر کسی که اهل شکیبایی، بینش و آگاهی از سر رشته امور باشد.

۸۲۶. امام علی عليه السلام: امام باید اندیشه‌ای خردورز، زبانی گویا و دلی خروشان در راه برپایی حق داشته باشد.

۸۲۷. امام علی عليه السلام: در وصف امامان - فرمود: دین را دریافتند، دریافتی از سر آگاهی و پایبندی، نه دریافتی شنیداری و گفتاری؛ که راویان علم بسیارند و پایبندان بدان اندک.

۸۲۸. امام علی عليه السلام: هر که خود را پیشوای مردم کند باید پیش از آموزش دیگران به آموزش خویش بپردازد و پیش از آن که [دیگران را] به گفتار ادب کند باید به کردار خود تربیت نماید.

۸۲۹. امام علی عليه السلام: فرمان خدا را بر پا نمی‌دارد جز کسی که [در اجرای حکم خدا] سازش نکند و همرنگ جماعت نشود و در پی طمع خویش نرود.

۱. السجدة: ۲۴. ۲. یونس: ۳۵.

۳. البقرة: ۲۳۷. ۴. شرح نهج البلاغة: ۳۶/۷.

۵. غرر الحکم: ۱۱۰۱۰. ۶. نهج البلاغة: الخطبة ۲۳۹.

۷. نهج البلاغة: الحکمة ۷۳. ۸. نهج البلاغة: الحکمة ۱۱۰.

۸۵۰. عنه: **إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِأَمْرِ هَذِهِ الْأُمَّةِ قَدِيمًا وَحَدِيثًا أَقْرَبُهَا مِنَ الرَّسُولِ وَأَعْلَمُهَا بِالْكِتَابِ وَأَفْقَهُهَا فِي الدِّينِ، أَوَّلُهَا إِسْلَامًا وَأَفْضَلُهَا جِهَادًا وَأَشَدُّهَا بِمَا تَحْمِلُهُ الْأَثَمَةُ مِنْ أَمْرِ الْأُمَّةِ اضْطِلَاعًا**^۱.

۸۵۱. عنه: **ثَلَاثَةٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ مِنَ الْأَثَمَةِ صَلَحَ أَنْ يَكُونَ إِمَامًا اضْطَلَعَ بِأَمَانَتِهِ: إِذَا عَدَلَ فِي حُكْمِهِ، وَلَمْ يَخْتَجِبْ دُونَ رَعِيَّتِهِ، وَأَقَامَ كِتَابَ اللَّهِ تَعَالَى فِي الْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ**^۲.

۸۵۲. عنه: **إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ، فَإِنْ شَغَبَ شَاغِبٌ اسْتَعْتَبَ، فَإِنْ أَبَى قُوتِلَ**^۳.

۸۵۳. عنه: **فِي تَوْصِيفِ حُجَجِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ -: هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ، وَبَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ، وَاسْتَلَانُوا اسْتَعْوَزَةَ الْمُتَرَفُونَ... أَوْلَئِكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ**^۴.

۸۵۴. عنه: **الْإِمَامُ الْمُسْتَحِقُّ لِلْإِمَامَةِ لَهُ عَلَامَاتٌ، فَمِنْهَا: أَنْ يَعْلَمَ أَنَّهُ مَعْصُومٌ مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا صَغِيرِهَا وَكَبِيرِهَا، لَا يَزِلُّ فِي الْقُسْطِ، وَلَا يُخْطِئُ فِي الْجَوَابِ، وَلَا يَشْهَوُ وَلَا يَنْسَى،**

۸۵۰. امام علی: سزاوارترین مردم به اداره امور امت، چه در گذشته و چه حال، کسی است که از همه مردم به پیامبر نزدیکتر، به کتاب خدا داناتر، در دین ژرف نگتر، در اسلام پیشگامتر، در جهاد برتر و در به دوش کشیدن بار اداره امور امت توانمندتر باشد.

۸۵۱. امام علی: سه چیز است که هر رهبری آنها را دارا باشد شایسته رهبری و به دوش کشیدن بار این امانت است: هرگاه در حکومت خود عدالت ورزد، خود را از دسترس امتش دور نگه ندارد و [احکام] کتاب خدا را درباره آشنا و بیگانه به اجرا گذارد.

۸۵۲. امام علی: سزاوارترین مردم به این کار (خلافت) کسی است که در آن تواناتر و به فرمان خدا درباره آن داناتر باشد. اگر آشوبگری دست به آشوب زند، از او بخواهد که دست از آشوبگری بردارد و اگر سرپیچی کند با او بجنگد.

۸۵۳. امام علی: علم (معرفت)، آنان را به بصیرت حقیقی کشانده و با روح یقین درآمیخته‌اند و آنچه را نازپروردگان دشوار دیده‌اند، بر خود هموار کرده‌اند... اینان جانشینان خدا در زمین او هستند.

۸۵۴. امام علی: امام سزامند امامت را نشانه‌هایی است. نخست آنکه: معلوم شود او از همه گناهان - کوچک و بزرگ - مصون است، در فتوا دچار لغزش نمی‌شود و پاسخ نادرست نمی‌دهد، نه اشتباه می‌کند و نه فراموش و به

۱. شرح نهج البلاغة: ۳/ ۲۱۰.

۲. كنز العمال: ۱۴۳۱۵. ۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۷۳.

۴. نهج البلاغة: الحکمة ۱۴۷.

وَلَا يَلْهُو بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا.

چیزی از دنیا دل نمی‌بندد.

وَالثَّانِي: أَنْ يَكُونَ أَعْلَمَ النَّاسِ بِحَلَالِ اللَّهِ وَحَرَامِهِ وَضُرُوبِ أَحْكَامِهِ وَأَمْرِهِ وَنَهْيِهِ وَجَمِيعِ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ، فَيَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ وَيَسْتَغْنِي عَنْهُمْ.

دوم آن‌که: نسبت به حلال و حرام خدا و احکام گوناگون او و امر و نهی الهی و آنچه نیاز مردم است، آگاه‌ترین فرد باشد. مردم به او نیازمند باشند و او از مردم بی‌نیاز.

وَالثَّالِثُ: يَجِبُ أَنْ يَكُونَ أَشْجَعَ النَّاسِ، لِأَنَّهُ فِتْنَةُ الْمُؤْمِنِينَ الَّتِي يَرْجِعُونَ إِلَيْهَا؛ إِنْ انْهَزَمَ مِنَ الزَّخْفِ انْهَزَمَ النَّاسُ لَانْهَزَامِهِ.

سوم: باید شجاع‌ترین مردم باشد؛ زیرا امام برای مؤمنان به منزله نیروی پشتیبان لشکر است که [در هنگام ترس یا شکست] به آنان پناه می‌برند. اگر امام در میدان نبرد شکست خورد مؤمنان نیز با شکست او در هم شکسته می‌شوند.

وَالرَّابِعُ: يَجِبُ أَنْ يَكُونَ أَشْخَى النَّاسِ وَإِنْ بَخِلَ أَهْلُ الْأَرْضِ كُلُّهُمْ، لِأَنَّهُ إِنْ اسْتَوَلَى الشُّعْ عَلَيْهِ شَعَّ بِمَا فِي يَدَيْهِ مِنْ أَمْوَالِ الْمُسْلِمِينَ.

چهارم: باید بخشنده‌ترین مردم باشد هر چند همه مردم روی زمین بخل ورزند؛ زیرا اگر آرزو بخل بر امام چیره شود، به اموالی از مسلمانان که در دست اوست، طمع خواهد بست.

الخامس: الْعِصْمَةُ مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ، وَبِذَلِكَ يَتَمَيَّزُ عَنِ الْمَأْمُومِينَ الَّذِينَ هُمْ غَيْرُ مَعْصُومِينَ، لِأَنَّهُ لَوْ لَمْ يَكُنْ مَعْصُومًا لَمْ يُؤْمَنْ عَلَيْهِ أَنْ يَدْخُلَ فِيمَا يَدْخُلُ النَّاسُ فِيهِ مِنْ مُوَبَقَاتِ الذُّنُوبِ الْمُهْلِكَاتِ وَالشَّهَوَاتِ وَاللَّذَاتِ.^۱

پنجم: معصوم بودن از همه گناهان؛ و با این ویژگی، او از پیروان خود که معصوم نیستند، متمایز می‌شود؛ چه اگر او معصوم نباشد، اطمینانی نیست که همچون دیگر مردمان گرفتار گناهان مهلک و شهوات و کامجویی‌ها نشود.

۸۵۵. عَنْهُ: كِبَارُ حُدُودِ وَلَايَةِ الْإِمَامِ الْمَفْرُوضِ الطَّاعَةِ أَنْ يُعْلَمَ أَنَّهُ مَعْصُومٌ مِنَ الْخَطَا وَالزَّلَلِ

۸۵۵. امام علی علیه السلام: شرط‌ها و نشانه‌های اصلی ولایت امامی که اطاعتش واجب می‌باشد، این است که از خطا و لغزش و گناه عمدی و از همه گناهان، کوچک و بزرگ، مصون

است، نه می لغزد و نه اشتباه می کند، به هیچ امر دین براندازی دل نمی بندد و هیچگاه عیاشی و خوشگذرانی نمی کند، داناترین مردم به حلال و حرام خدا و واجبات و مستحبات و احکام اوست، از همه جهانیان بی نیاز است و دیگران به او نیازمندند و بخشنده ترین و دلیرترین مردمان است.

۸۵۶. امام علی علیه السلام - در خطبه همام پس از بیان صفات مؤمن - فرمود: او پیشوای نیکوکاران پس از خویش است.

۸۵۷. امام حسین علیه السلام - در نامه اش به کوفیان - نوشت: به جان خودم سوگند، امام و پیشوا کسی نیست مگر آن که بر اساس کتاب خدا حکومت کند، عدل و داد را بر پا دارد، پایبند دین حق باشد و خود را وقف در راه خدا کند.

۸۵۸. امام باقر علیه السلام: امامت شایسته نیست مگر برای کسی که دارای سه خصلت باشد: پارسایی ای که او را از کارهای حرام باز دارد، بردباری ای که با آن خشم خود را مهار کند و خوش رفتاری با کسانی که بر آنان حکومت می کند، چندان که برایشان همچون پدری مهربان باشد.

۸۵۹. امام باقر علیه السلام - در توضیح نشانه امام -

وَالْعَمْدُ، وَمِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا صَغِيرُهَا وَكَبِيرُهَا، لَا يَزِلُّ، وَلَا يُخْطِئُ، وَلَا يَلْهُو بِشَيْءٍ مِنَ الْأُمُورِ الْمُؤَبَّقَةِ لِلدِّينِ، وَلَا بِشَيْءٍ مِنَ الْمَلَاهِي، وَأَنَّهُ أَعْلَمُ النَّاسِ بِحَلَالِ اللَّهِ وَحَرَامِهِ، وَفَرَائِضِهِ وَسُنَنِهِ وَأَحْكَامِهِ، مُسْتَفْنٍ عَنِ جَمِيعِ الْعَالَمِ، وَغَيْرُهُ مُحْتَاجٌ إِلَيْهِ، وَأَنَّهُ أَشْخَى النَّاسِ وَأَشْجَعُ النَّاسِ^۱.

۸۵۶. عنه علیه السلام - في خطبة همام، بعد ذكر صفات المؤمن -: فهو إمام لمن بعده من أهل البر^۲.

۸۵۷. الإمام الحسين علیه السلام - في كتابه إلى أهل الكوفة -: فلعمري، ما الإمام إلا الجياكم بالكتاب، القائم بالقسط، الدائن بدين الحق، الحابس نفسه على ذات الله^۳.

۸۵۸. الإمام الباقر علیه السلام: إن الإمامة لا تصلح إلا لرجل فيه ثلاث خصال: ورع يحجزه عن المحارم، وحلم يغلك به غضبه، وحسن الخلافة على من ولي حتى يكون له كالوالد الرحيم^۴.

۸۵۹. عنه علیه السلام - في تبیین علامة الإمام -: طهارة

۱. بحار الأنوار: ۳۸۹/۶۸. ۲. الكافي: ۲/۲۳۰/۱.

۳. الإرشاد: ۳۹/۲. ۴. النخال: ۹۷/۱۱۶.

الْوِلَادَةِ وَحُسْنُ الْمَنْشَأِ، وَلَا يَلْهُو وَلَا يَلْعَبُ.^۱

۸۶۰. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ مِمَّا اشْتُحِقَّتْ بِهِ الْإِمَامَةُ التَّطَهِيرُ وَالطَّهَارَةُ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْمَعَاصِي الْمَوْبِقَةِ الَّتِي تُوجِبُ النَّارَ، ثُمَّ الْعِلْمُ الْمُنَوَّرُ بِجَمِيعِ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ مِنْ حَلَالِهَا وَحَرَامِهَا، وَالْعِلْمُ بِكِتَابِهَا خَاصِّهِ وَعَامِّهِ، وَالْمُحْكَمُ وَالْمُتَشَابِهُ، وَدَقَائِقُ عِلْمِهِ، وَغَرَائِبُ تَأْوِيلِهِ وَنَاسِخِهِ وَمَنْسُوخِهِ.^۲

۸۶۱. عنه عليه السلام: إِنَّ الْإِمَامَ لَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَطْعَنَ عَلَيْهِ فِي قَمٍ وَلَا بَطْنٍ وَلَا فَرْجٍ، فَيُقَالَ: كَذَّابٌ، وَيَأْكُلُ أَمْوَالَ النَّاسِ، وَمَا أَشْبَهَ هَذَا.^۳

۸۶۲. عنه عليه السلام: لِلْإِمَامِ عَلَامَاتٌ: (أَنْ) يَكُونَ أَعْلَمُ النَّاسِ، وَأَحْكَمُ النَّاسِ، وَأَتْقَى النَّاسِ، وَأَحْلَمُ النَّاسِ، وَأَشَجَعَ النَّاسِ، وَأَشْخَى النَّاسِ، وَأَعْبَدَ النَّاسِ.^۴

۸۶۳. الإمام الرضا عليه السلام - فِي صِفَةِ الْإِمَامِ -:

فرمود: حلال زادگی، پرورش نیکو، و نپرداختن به لهو و لعب.

۸۶۰. امام صادق عليه السلام: از جمله چیزهایی که به سبب آن کسی مستحق امامت می شود: پاکدامنی و پاکی از گناهان و معاصی هلاکت باری است که آتش دوزخ را سزامند [آدمی] می کند و دیگر: آگاهی روشن از تمام حلالها و حرامهایی که مردم بدانها نیاز دارند و سوم: دانستن خاص و عام و محکم و متشابه قرآن، نکته های دقیق علم قرآن و تأویل و تفسیرهای دور از دسترس ذهن و ناسخ و منسوخ آن.

۸۶۱. امام صادق عليه السلام: امام آن کسی است که هیچ کس نمی تواند از دهان و شکم و شهوت او ایراد بگیرد و بگوید: او دروغگوست، مال مردم خوار است و مانند اینها.

۸۶۲. امام صادق عليه السلام: امام را نشانه هایی است: باید داناترین مردم، قاضی ترین مردم، پرهیزگارترین مردم، بردبارترین مردم، دلیرترین مردم، بخشنده ترین مردم و عابدترین مردم باشد.

۸۶۳. امام رضا عليه السلام - در بیان ویژگی امام - فرمود: در

۱. الکافی: ۱/ ۲۸۵/ ۴.

۲. بحار الأنوار: ۲۵/ ۱۴۹/ ۲۴، انظر تمام الحديث.

۳. الکافی: ۱/ ۲۸۴/ ۳. ۴. معاني الأخبار: ۱۰۲/ ۴.

مُضْطَلَعٌ بِالْإِمَامَةِ، عَالِمٌ بِالسِّيَاسَةِ ۱.

امامت، توانمند و از سیاست، آگاه است.

(انظر) للهو: باب ۳۵۲۹.

بحار الأنوار: ۱۰۴/۲۵ أبواب علامات الإمام

وصفاته و شرائطه.

۱۵۲

انتخاب امام

۸۶۲. کمال للدين: - سعد بن عبدالله قمی می گوید: از

امام مهدی علیه السلام سؤال کردم که چرا مردم نمی توانند خود، امام را برگزینند؟ - حضرت فرمود: نیکوکار را برگزینند یا تبهکار را؟ عرض کردم: نیکوکار. فرمود: آیا امکان دارد که از سر نا آگاهی از خوبی و بدی درون یکدیگر، فرد فاسد و بدکاری را برگزینند؟ عرض کردم: بله. فرمود: علت، این است. اینک برای تو برهانی می آورم که اندیشه ات قانع شود.

آن گاه فرمود: به من بگو آیا پیامبرانی چون موسی و عیسی علیهم السلام که خداوند آنان را برگزید و بر آنان کتاب فرو فرستاد و از حمایت وحی و عصمت برخوردارشان ساخت و سران امت [خود] بودند و در قدرت انتخاب از آنان توانمندتر بودند، آیا ممکن است این دو پیامبر با آن همه عقل و کمال علمی، اگر بخواهند انتخاب کنند، انتخابشان به یک مناقق تعلق گیرد و گمان

۱۵۲

اختیار الإمام

۸۶۲. کمال الدين: - سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِّي: لَمَّا

سَأَلْتُهُ (الإمام المهدى عليه السلام) عَنِ الْعِلَّةِ الَّتِي تَمْنَعُ الْقَوْمَ مِنْ اخْتِيَارِ إِمَامٍ لِنَفْسِهِمْ: - مُضْلِحٌ أَوْ مُفْسِدٌ؟ قُلْتُ: مُضْلِحٌ، قَالَ: فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ تَقَعَ خِيَرَتُهُمْ عَلَى الْمُفْسِدِ بَعْدَ أَنْ لَا يَعْلَمَ أَحَدٌ مَا يَخْطُرُ بِبَالٍ غَيْرِهِ مِنْ صَلَاحٍ أَوْ فُسَادٍ؟ قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: فَهِيَ الْعِلَّةُ، وَأَوْرِدَهَا لَكَ بِيْرَهَانٍ يَنْقَادُ لَهُ عَقْلُكَ:

أَخْبِرْنِي عَنِ الرُّسُلِ الَّذِينَ اضْطَفَاهُمُ اللَّهُ تَعَالَى، وَأَنْزَلَ عَلَيْهِمُ الْكِتَابَ، وَأَيَّدَهُمْ بِالْوَحْيِ وَالْعِصْمَةِ، إِذْ هُمْ أَعْلَامُ الْأُمَمِ وَأَهْدَى إِلَى الْاِخْتِيَارِ مِنْهُمْ، مِثْلَ مُوسَى وَعِيسَى عليهما السلام، هَلْ يَجُوزُ مَعَ وُقُورِ عَقْلِهِمَا وَكَمَالِ عِلْمِهِمَا إِذَا هُمَا بِالْاِخْتِيَارِ أَنْ يَقَعَ خِيَرَتُهُمَا عَلَى الْمُنَافِقِ وَهُمَا يَظُنَّانِ أَنَّهُ

مؤمن؟ قلت: لا.

فَقَالَ: هَذَا مُوسَى كَلِمَةُ اللَّهِ مَعَ وَفُورِ عَقْلِهِ وَكَمَالِ عِلْمِهِ وَنُزُولِ الْوَحْيِ عَلَيْهِ اخْتَارَ مِنْ أَعْيَانِ قَوْمِهِ وَوُجُوهِ عَشِكَرِهِ لِمِيقَاتِ رَبِّهِ سَبْعِينَ رَجُلًا مِمَّنْ لَا يَشْكُ فِي إِيْمَانِهِمْ وَإِخْلَاصِهِمْ، فَوَقَعَتْ خَيْرَتُهُ عَلَى الْمُنَافِقِينَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِنِّي أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا﴾^۱ فَلَمَّا وَجَدْنَا اخْتِيَارَ مَنْ قَدْ اصْطَفَاهُ اللَّهُ لِلنُّبُوءَةِ وَاقِعًا عَلَى الْأَفْسَدِ دُونَ الْأَصْلَحِ وَهُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ الْأَصْلَحُ دُونَ الْأَفْسَدِ عَلِمْنَا أَنَّ لَا اخْتِيَارَ إِلَّا لِمَنْ يَعْلَمُ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ^۲.

(انظر) الشورى: باب ۲۱۱۶.

۱۵۵

حَدِيثُ الثَّقَلَيْنِ

۸۶۵. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي، وَأَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَعِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي، إِلَّا

۱. الأعراف: ۱۵۵. ۲. كمال الدين: ۴۶۱ / ۲۱.

برند که او مؤمن است؟ عرض کردم: خیر. فرمود: اما همین موسی کلیم الله با آن همه عقل و کمال علمی و نزول وحی بر او، برای میقات پروردگار خود، از میان سران قوم و سردمداران سپاه خود هفتاد نفر را که در ایمان و اخلاص آنها شک نمی شد، انتخاب کرد، اما انتخاب او بر منافقان تعلق گرفت. خداوند متعال فرموده است: «موسی برای میقات با ما هفتاد مرد از میان قوم خود برگزید و چون زلزله آنان را فرا گرفت گفت: پروردگارا! اگر می خواستی، آنان را و مرا، پیش از این هلاک می ساختی. آیا ما را به [سزای] آنچه کم خردان ما کرده اند، هلاک می کنی؟». پس، وقتی مشاهده می کنیم کسی که خداوند متعال او را به پیامبری برگزیده است افسد را انتخاب می کند و نه اصلح را و می پندارد که او اصلح است نه افسد، پی می بریم که انتخاب [امام] تنها برای کسی رواست که از نهانیهای دلها آگاه است.

۱۵۵

حَدِيثُ ثَقَلَيْنِ

۸۶۵. پیامبر خدا ﷺ: من در میان شما دو شیء گرانبها گذاشته ام که تا وقتی به آنها چنگ آویزید هرگز پس از من گمراه نمی شوید و یکی از آن دو بزرگتر از دیگری است: کتاب خدا که ریسمانی است از آسمان به زمین کشیده و عترت و خاندان من. بدانید که این

وَأَنَّهُمَا لَن يُفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ ۱.

(انظر) السنة: باب ۱۸۹۴.

دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا کنار حوض
[کوثر] نزد من آیند.

۱۵۶

وُجُوبُ مُلَازِمَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۸۶۶. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ
سَفِينَةِ نُوحٍ: مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا
غَرِقَ. ۲.

۸۶۷. الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ: أَنْظِرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ، فَالْزَمُوا
سَمْتَهُمْ، وَاتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ، فَلَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ
هُدًى، وَلَنْ يُعِيدُوكُمْ فِي رَدًى، فَإِنْ لَبَدُوا
فَالْبَدُوا، وَإِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا. ۳.

۸۶۸. عَنْهُ ﷺ: أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ كَمَثَلِ نَجْمٍ فِي
السَّمَاءِ؛ إِذَا خَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ، فَكَأَنَّكُمْ
قَدْ تَكَامَلْتُمْ مِنَ اللَّهِ فِيكُمْ الصَّنَائِعُ، وَأَرَاكُمْ مَا
كُنْتُمْ تَأْمَلُونَ. ۴.

۸۶۹. عَنْهُ ﷺ: نَحْنُ شَجَرَةُ النُّبُوَّةِ، وَمَحَطُّ الرِّسَالَةِ،
وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، وَمَعَادِنُ الْعِلْمِ، وَيَنَابِيعُ
الْحُكْمِ. ۵.

۱. بحار الأنوار: ۲۳/ ۱۰۶/ ۷، انظر: بحار الأنوار: ۲۳/ ۱۰۴/ ۷.
باب ۷، كنز العمال: ۸۷۰- ۸۷۳، ۸۹۸، ۹۴۲- ۹۴۷، ۹۵۱- ۹۵۳، ۹۵۸، ۹۵۹، ۱۶۵۰، ۱۶۵۷، ۱۶۶۷.

۲. بحار الأنوار: ۲۳/ ۱۰۵/ ۳.

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۹۷. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۰.

۵. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۹.

۱۵۶

وَجُوبُ پِیروی از اهل بیت

۸۶۶. پیامبر خدا ﷺ: همانا مثل خاندان من در میان
شما به کشتی نوح می ماند که هر که بر آن
سوار شد نجات یافت و هر که از آن باز ماند
غرق شد.

۸۶۷. امام علی ﷺ: به خاندان پیامبر خود بنگرید و
راه آنان را در پیش گیرید و در پی آنها
حرکت کنید؛ زیرا آنان هرگز شما را از راه
راست منحرف نمی کنند و به هیچ هلاکتی
دو نمی افکنند. اگر نشستند شما نیز بنشینید
و اگر بپا خاستند شما نیز بپا خیزید.

۸۶۸. امام علی ﷺ: ها! مثل خاندان محمد ﷺ مثل
ستارگان آسمانند که هرگاه ستاره ای ناپدید
شود ستاره ای دیگر آشکار می گردد، پس،
چنان است که نعمتهای خداوند در میان شما
کامل گشته و آنچه را آرزو می کردید به شما
ارائه کرده است.

۸۶۹. امام علی ﷺ: ما یبیم درخت نبوت و جایگاه
فرود آمدن رسالت و جای آمد و شد
فرشتگان و کانهای دانش و چشمه های
حکمت.

۸۷۰. عنه علیه السلام: تَاللهِ لَقَدْ عَلَّمْتُ تَبْلِيغَ الرِّسَالَةِ، وَإِتِمَامَ الْعِدَاتِ، وَتِمَامَ الْكَلِمَاتِ، وَعِنْدَنَا - أَهْلَ الْبَيْتِ - أَبْوَابُ الْحُكْمِ، وَضِيَاءُ الْأُمْرِ.^۱

۸۷۱. عنه علیه السلام: أَيْنَ الَّذِينَ زَعَمُوا أَنَّهُمُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ دُونَنَا، كِذْبًا وَبَغْيًا عَلَيْنَا؟ ... بِنَا يُسْتَعْطَى الْهُدَى وَيُسْتَجْلَى الْعَمَى.^۲

۸۷۲. عنه علیه السلام: - فَيَمَنْ تَرَكَوا أَهْلَ الْبَيْتِ -: آثَرُوا عَاجِلًا وَأَخَّرُوا آجِلًا، وَتَرَكَوا صَافِيًا وَشَرِبُوا آجِنًا، كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى فَاسِقِهِمْ وَقَدْ صَحِبَ الْمُنْكَرَ فَأَلْفَهُ.^۳

۸۷۳. عنه علیه السلام: - عِنْدَ ذِكْرِ آلِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله -: هُمْ مَوْضِعُ سِرِّهِ، وَلَجَأُ أَمْرِهِ، وَعَيْنَةُ عِلْمِهِ، وَمَوْثِقُ حُكْمِهِ، وَكُهُوفُ كُتُبِهِ، وَجِبَالُ دِينِهِ، بِهِمْ أَقَامَ أَنْجَاءَ ظَهْرِهِ، وَأَذْهَبَ اِرْتِعَادَ فَرَاثِهِ.^۴

۸۷۴. عنه علیه السلام: وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرُّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكَهُ وَلَنْ تَأْخُذُوا بِمِثَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضَهُ وَلَنْ تَمَسَّكُوا بِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَبَذَهُ فَالْتَمِسُوا ذَلِكَ مِنْ عِنْدِ أَهْلِهِ فَإِنَّهُمْ عَيْشُ الْعِلْمِ، وَمَوْتُ الْجَهْلِ، هُمْ الَّذِينَ يُخْبِرُكُمْ حُكْمُهُمْ عَنْ عِلْمِهِمْ، وَصَحَّتُهُمْ عَنْ مَنْطِقِهِمْ.

۸۷۰. امام علی علیه السلام: به خدا سوگند که [روش] ابلاغ پیامها و به انجام رساندن وعده‌ها و تمام کردن کلمات [الهی] به من آموخته شد. درهای حکمت الهی به روی ما اهل بیت گشوده است و چراغ دین با راهنمایی ما افروخته.

۸۷۱. امام علی علیه السلام: کجایند کسانی که از سر دروغ و ستم بر ما، ادعا کردند آنان راسخان در علم [قرآن] اند و نه ما؟ ... هدایت با راهنمایی ما به دست می‌آید و دل‌های کور با ما تابان می‌شود.

۸۷۲. امام علی علیه السلام: درباره کسانی که اهل بیت علیهم السلام را وا گذاشتند - فرمود: دنیای زودگذر را برگزیدند و آخرت جاودان را پس زدند؛ چشمه زلال را وانهادند و از آب تیره و بدمزه نوشیدند. گویی فاسق آنان را می‌نگرم که با منکر یار و هم‌نشین شده است.

۸۷۳. امام علی علیه السلام: - هنگام یاد کردن از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله - فرمود: آنان جایگاه سر الهی‌اند و پناهگاه فرمان او و مخزن دانش او و بیابانگر احکام شریعت او و جان‌پناه‌های [امن] کتابهای او و کوه‌های افراشته دین او. به وسیله ایشان خمیدگی پشت دین را راست گردانید و لرزش آن را از میان بُرد.

۸۷۴. امام علی علیه السلام: بدانید که شما هرگز راه رستگاری را نخواهید شناخت تا کسی که آن را رها کرده است بشناسید و هرگز به پیمان قرآن وفا نمی‌کنید تا آن کسی که پیمانش را شکسته است بشناسید و هرگز به قرآن چنگ نمی‌زنید تا کسی را که آن را به دور انداخته است بشناسید و این همه را از

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۲۰. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۴۴.

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۴۴. ۴. نهج البلاغة: الخطبة ۲.

و ظَاهِرُهُمْ عَنْ بَاطِنِهِمْ، لَا يُخَالِفُونَ الدِّينَ
وَلَا يَخْتَلِفُونَ فِيهِ، فَهُوَ بَيْنَهُمْ شَاهِدٌ صَادِقٌ،
وَصَامِتٌ نَاطِقٌ.^۱

۸۷۵. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا الْأُتَمَّةُ قُورَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ،
وَعُرْفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ، وَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا
مَنْ عَرَفَهُمْ وَعَرَفُوهُ، وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ
أُنْكَرَهُمْ وَأُنْكَرُوهُ.^۲

۸۷۶. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَحْنُ الشُّعَارُ وَالْأَصْحَابُ، وَالْخَزَنَةُ
وَالْأَبْوَابُ، وَلَا تُؤْتَى الْبُيُوتُ إِلَّا مِنْ أَبْوَابِهَا،
فَمَنْ أَتَاهَا مِنْ غَيْرِ أَبْوَابِهَا سُمِّيَ سَارِقًا.^۳

۸۷۷. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِيهِمْ كَرَائِمُ الْإِيمَانِ، وَهُمْ كُنُوزُ
الرَّحْمَنِ، إِنْ نَطَقُوا صَدَقُوا، وَإِنْ صَمَتُوا لَمْ
يُسَبِّقُوا.^۴

۸۷۸. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَحْنُ التُّرُقَّةُ الْوُسْطَى، بِهَا يَلْحَقُ
التَّالِي وَالْإِنِّهَا يَرْجِعُ الْعَالِي.^۵

۸۷۹. الْإِمَامُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ عِنْدَ أَحَدٍ مِنَ
النَّاسِ حَقٌّ وَلَا صَوَابٌ إِلَّا شَيْءٌ أَخَذُوهُ
مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَا أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ
يَقْضِي بِحَقٍّ وَلَا عَدْلٍ إِلَّا وَمِفْتَاحُ ذَلِكَ
الْقَضَاءِ وَبَابُهُ وَأَوَّلُهُ وَسَنَّتُهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

اهل قرآن بخواهید، که دانش به آنان زنده
است و نادانی با وجود آنان مرده؛ آنان که
داوری شان شمارا از دانش آنان خبر می دهد
و سکویشان از سخنان و بیرونشان از
درونشان. نه با دین مخالفت می ورزند و نه
در آن اختلاف دارند، دین در میان آنان
گواهی راستین و خاموشی گویاست.

۸۷۵. امام علی علیه السلام: همانا امامان از جانب خدا تدبیر
کننده کسار مردمانند و کارگزاران او بر
بندگان. به بهشت در نمی آید مگر کسی که
آنان را بشناسد و آنها نیز او را، و به دوزخ
وارد نمی شود مگر کسی که ایشان را انکار
کند و ایشان نیز او را نشناسند و نپذیرند.

۸۷۶. امام علی علیه السلام: ما خاصان و یاران و گنجوران
نبوت و درها [ی رسالتیم] و به درون
خانه ها، جز از درهای آن نتوان وارد شد، و
آن که جز از درها، به خانه ها در می آید، دزد
نامیده می شود.

۸۷۷. امام علی علیه السلام: نفایس ایمان در ایشان است،
آنان گنجینه های خداوند رحمانند، اگر
سخن بگویند، راست می گویند و اگر
خاموش مانند، بر آنان پیشی نمی جویند.

۸۷۸. امام علی علیه السلام: ما تکیه گاه میان راهیم، هر که و
ماند خود را به آن می رساند و آن که پیش
تاخته است به سوی آن باز می گردد.

۸۷۹. امام باقر علیه السلام: بدانید که هیچ سخن حق و
درستی نزد هیچ کس نیست، جز اینکه آن را
از ما اهل بیت گرفته است و هیچ فردی
نیست که به حق و عدالت داوری می کند،
مگر آن که در و کلید و آغاز و شیوه آن [نزد]

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۴۷. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۲.

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۴. ۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۴.

۵. نهج البلاغة: الحکمة ۱۰۹.

علی بن ابی طالب علیه السلام ۱.

۸۸۰. الإمام الصادق علیه السلام - في ذكر حال الأنفة وصفتهم -: جَعَلَهُمُ اللهُ حَيَاةً لِلْأَنَامِ، وَمَصَابِيحَ لِلظُّلَامِ، وَمَفَاتِيحَ لِلْكَلامِ، ودَعَائِمَ للإسلام ۲.

۸۸۱. عنه علیه السلام عن آبائه علیهم السلام: مَعَنَّا رَايَةَ الْحَقِّ، مَنْ تَبِعَهَا لِحَقٍّ، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا غَرِقَ، أَلَا وَبِنَا يُدْرِكُ تَزَوُّةَ كُلِّ مُؤْمِنٍ، وَبِنَا تُسْخَلَعُ رِبْقَةُ الذَّلِّ عَنْ أَعْنَاقِكُمْ، وَبِنَا فَتَحَ لَا يَكُمُ، وَمِنَّا يُخْتَمُ لَا يَكُمُ ۳.

(انظر العلم: باب ۲۸۷۶).

۱۵۷

بَعْضُ خَصَائِصِ أَهْلِ الْبَيْتِ علیهم السلام

۸۸۲. رسول الله صلی الله علیه و آله یا علی، إِنْ بِنَا خَتَمَ اللهُ الدِّينَ كَمَا بِنَا فَتَحَهُ، وَبِنَا يُؤَلَّفُ اللهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ بَعْدَ الْعَدَاوَةِ وَالْبَغْضَاءِ ۴.

۸۸۳. الأُمَالِي لِلْمُفِيدِ: عَنْهُ علیه السلام - وَهُوَ يَصِفُ لِعَلِيِّ علیه السلام أَهْلَ الْفِتْنَةِ -: يَغْمَهُونَ فِيهَا إِلَى أَنْ يُدْرِكَهُمْ

۱. الأُمَالِي لِلْمُفِيدِ: ۶/۹۶. ۲. الكافي: ۱/۲۰۴/۲.

۳. شرح نهج البلاغة: ۱/۲۷۶ والظاهر أن الصواب «بنا» بدل «منا».

۴. الأُمَالِي لِلْمُفِيدِ: ۴/۲۵۱، وفي الأُمَالِي لِلطُّوسِي: ۲۴/۲۱ «يختتم الله».

امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام است.

۸۸۰. امام صادق علیه السلام - در بیان حال انفعه و ویژگیهای آنان - فرمود: خداوند آنان را [مایه] حیات مردمان و چراغهایی در تاریکی و کلیدهای سخن و ستونهای اسلام قرار داد.

۸۸۱. امام صادق علیه السلام - به نقل از نیاکان بزرگوارش - فرمود: پرچم حق همراه ماست، هر که در پی آن آید [به ساحل نجات] می رسد و هر که از آن دور ماند، غرق می شود. بدانید که به وسیله ما انتقام خون هر مؤمنی گرفته می شود و به وسیله ما یوغ ذلت از گردنهایتان برداشته می شود و [همه چیز] با ما آغاز شده، نه با شما و [همه چیز] با ما پایان می پذیرد، نه با شما.

۱۵۷

بخشی از ویژگی های اهل بیت علیهم السلام

۸۸۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! همانا خداوند دین را به ما ختم کرد، همچنان که آن را با ما آغاز کرد. با وجود ماست که خداوند دلهای شما را، پس از کینه و دشمنی، به یکدیگر پیوند و الفت می دهد.

۸۸۳. الأُمَالِي لِلْمُفِيدِ - در توصیفی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از فتنه گران برای علی علیه السلام کرد - : پیامبر صلی الله علیه و آله

الْعَدْلُ . [قَالَ عَلِيٌّ ؑ] فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ،
الْعَدْلُ مِنَّا أَمْ مِنْ غَيْرِنَا ؟ فَقَالَ : بَلْ مِنَّا ، بِنَا
يَفْتَحُ اللَّهُ ، وَبِنَا يَخْتِمُ ، وَبِنَا أَلَّفَ اللَّهُ بَيْنَ
الْقُلُوبِ بَعْدَ الشَّرِكِ .^۱

۸۸۲ . الإمام الصادق ؑ : بِنَا يَبْدَأُ الْبَلَاءَ ثُمَّ بِكُمْ ، وَبِنَا
يَبْدَأُ الرَّخَاءَ ثُمَّ بِكُمْ ، وَالَّذِي يُخْلَفُ بِهِ
لَيَنْتَصِرَنَّ اللَّهُ بِكُمْ كَمَا انْتَصَرَ بِالْحِجَارَةِ .^۲

۱۵۸

عِلَّةُ الاسْتِبْدَادِ عَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ ؑ

۸۸۵ . الإمام علي ؑ : أَمَا الاسْتِبْدَادُ عَلَيْنَا بِهَذَا الْمَقَامِ
- وَنَحْنُ الْأَغْلَوْنَ نَسَباً وَالْأَشَدُّونَ

بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ نَوْطاً - فَإِنَّهَا كَامَتْ أَثَرُهُ ،
شَحَّتْ عَلَيْهَا نَفُوسُ قَوْمٍ وَسَخَّتْ عَنْهَا
نَفُوسُ آخَرِينَ ، وَالْحَكَمُ لِلَّهِ .^۳

۱۵۹

فَلَسَفَةُ الْحُكْمِ عِنْدَ أَهْلِ الْبَيْتِ ؑ

۸۸۶ . الإمام علي ؑ : اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ
الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ ، وَلَا
الْتِمَاسَ شَيْءٍ مِنْ فَضُولِ الْخُطَامِ ، وَلَكِنْ
لِنَرُدَّ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ ، وَنُظْهِرَ الْإِضْلَاحَ فِي

۱ . الأُمَالِي للمفيد : ۲۸۹ / ۷ . ۲ . الأُمَالِي للمفيد : ۲ / ۳۰۱ .

۳ . نهج البلاغة : الخطبة ۱۶۲ .

فرمود: در فتنه سرگردانند تا آنکه عدالت به
سراغشان آید. علی ؑ می پرسد: ای پیامبر
خدا! عدالت از طرف ماست یا از طرف
دیگران؟ فرمود: البته از جانب ما، خداوند با
ما آغاز می کند و با ما پایان می دهد. خداوند،
پس از شرک، با ما میان دلهای پیوند و الفت
پدید آورد.

۸۸۲ . امام صادق ؑ : بلا از ما شروع می شود، سپس
از شما؛ و آسایش نیز از ما آغاز می گردد و
آنگاه از شما. قسم به آن که به او قسم یاد
می شود، خداوند به دست شما انتقام
می گیرد، همچنان که [در ماجرای اصحاب
فیل] با سنگریزه ها انتقام گرفت.

۱۵۸

عِلَّةُ غَضَبِ حَقِّ أَهْلِ بَيْتِ ؑ

۸۸۵ . امام علی ؑ : علت آن که این مقام (خلافت) را
از ما غصب کردند - با آن که نسب ما برتر و
پیوند خویشی ما با پیامبر ﷺ استوارتر
است - این بود که گروهی آزمندانه به آن
چسبیدند و گروهی دیگر (اهل بیت)
سخاوتمندانه از آن چشم پوشیدند. و داور
[میان ما و ایشان] خداست.

۱۵۹

فلسفه حکومت از نگاه اهل بیت ؑ

۸۸۶ . امام علی ؑ : بار خدایا! تو می دانی که آنچه
از ما سر زد، نه از سر رغبت به کسب قدرت
بود و نه برای به دست آوردن چیزی از متاع
دنیا؛ بلکه می خواستیم نشانه های دین تو را

بِلَادِكَ، فَيَأْمَنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَتَقَامَ
الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ.^۱

(انظر الدنيا: باب ۱۲۳۲-۱۲۳۳)

۱۶۰

لَوْلا مَخَافَةُ الْفُرْقَةِ

۸۸۷. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: فَتَنَزَّزْتُ فَبِإِذَا لَيْسَ لِي رَافِدٌ
وَلَا ذَابٌ وَلَا مُسَاعِدٌ، إِلَّا أَهْلَ بَيْتِي فَضَنَنْتُ
بِهِمْ عَنِ الْمَنِيَّةِ، فَأَغْضَيْتُ عَلَى الْقَذَى،
وَجَزَعْتُ رِيقِي عَلَى الشَّجَا.^۲

۸۸۸. عنه عليه السلام: فَوَاللَّهِ مَا كَانَ يُلْقَى فِي رُوعِي
وَلَا يَخْطِرُ بِبَالِي أَنَّ الْعَرَبَ تُزْعِجُ هَذَا الْأَمْرَ
مِنْ بَعْدِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَلَا أَنَّهُمْ مُنْعَوُهُ
عَنِّي مِنْ بَعْدِهِ ... حَتَّى رَأَيْتُ رَاجِعَةَ النَّاسِ
قَدْ رَجَعَتْ عَنِ الْإِسْلَامِ يَدْعُونَ إِلَى مَحْقِ
دِينِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَخَشِيتُ إِنْ لَمْ أَنْصُرِ
الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ أَنْ أَرَى فِيهِ ثَلَمًا أَوْ هَذَمًا
تَكُونُ الْمُصِيبَةُ بِهِ عَلَيَّ أَعْظَمَ ...^۳

۸۸۹. عنه عليه السلام: وَأَيُّمُ اللَّهِ، لَوْلا مَخَافَةُ الْفُرْقَةِ بَيْنَ
الْمُسْلِمِينَ، وَأَنْ يَعُودُوا إِلَى الْكُفْرِ وَيَغُورَ
الدِّينُ، لَكُنَّا قَدْ غَيَّرْنَا ذَلِكَ مَا اسْتَطَعْنَا.^۴

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۳۱. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۲۱۷.

۳. نهج البلاغة: الكتاب ۶۲. ۴. الأمالي للمفيد: ۶/۱۵۵.

[به جایگاهشان] بازگردانیم و اصلاح و
آبادانی را در سرزمینهای تو پدیدار سازیم،
تا بندگان ستمدیده‌ات امنیت و آسودگی
یابند و حدود و احکام تعطیل شده‌ات
دوباره برپا شود.

۱۶۰

اگر ترس از تفرقه و جدایی نبود

۸۸۷. امام علی علیه السلام: پس، نگریستم و دیدم که نه مرا
یاری است و نه مدافعی و نه مددکاری مگر
خاندانم. از این رو، دریغ آمد آنان را به کام
مرگ سپارم. پس، چشم خاشاک خلیده را بر
هم نهادم و با استخوانی در گلو، آب دهانم
را فرو بردم.

۸۸۸. امام علی علیه السلام: به خدا سوگند حتی فکرش را
هم نمی‌کردم و از اندیشه‌ام نمی‌گذشت که
پس از پیامبر علیه السلام عرب خلافت را از خاندان
او برگزند، یا پس از او مرا از عهده‌دار شدن آن
باز دارد ... تا آنکه دیدم گروهی واپس‌گرا از
اسلام برگشته، مردم را به نابودی دین
محمد علیه السلام فرامی‌خوانند. پس، ترسیدم که اگر
اسلام و مسلمانان را یاری نکنم شاهد
رخنه‌ای یا زیر و رو شدنی در آن باشم، که
مصیبت آن بر من سخت‌تر - از محروم
ماندن از خلافت - بود.

۸۸۹. امام علی علیه السلام: سوگند به خدا اگر بیم آن نبود که
مسلمانان پراکنده شوند و به کفر بازگردند و
دین صدمه ببیند، بی‌گمان تا آن جا که توان
داشتیم این وضع را دگرگون می‌ساختیم.

۸۹۰. الإمام الصادق عليه السلام لما قيل له: إن كان لعلي عليه السلام حق، فما منعه أن يقوم به؟ -: إن الله لم يكلف هذا أحداً إلا نبيّه عليه وآله السلام. قال له: «قاتل في سبيل الله لا تكلف الأنفسك»^۱.

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۱/۶۶ باب ۳۰.

مستدرک الوسائل: ۱۱/۷۲ باب ۲۸.

عنوان ۱۴۸ «الاختلاف».

۱۶۱

امامان دوازده‌گانه

۸۹۱. پیامبر خدا ﷺ: این کار (حکومت اسلامی) به سر نمی‌آید تا دوازده خلیفه و جانشین را پشت سر گذارد.

۸۹۲. پیامبر خدا ﷺ: کار مردم پیوسته بگذرد تا آن که دوازده مرد بر آنها فرمان برانند ... این دوازده نفر همگی از قریش هستند.^۱

۸۹۳. پیامبر خدا ﷺ: شمار جانشینان من به تعداد نقبای موسی است.

۸۹۴. پیامبر خدا ﷺ: این دین پیوسته پابرجاست تا وقتی که دوازده خلیفه بر شما حکومت کنند.^۲

۱. اخبار فراوانی در این زمینه وارد شده است. مراجعه کنید به صحیح مسلم: ۱۴۵۱/۳ (کتاب الامارة).
۲. اخباری که از طریق سنتی و شیعه در این زمینه رسیده، بسیار زیاد است.

۱۶۱

الأئمة الاثنا عشر

۸۹۱. رسول الله ﷺ: إن هذا الأمر لا ينقضي حتى يمضي فيهم اثنا عشر خليفة.^۲

۸۹۲. عنه ﷺ: لا يزال أمر الناس ماضياً ما وليهم اثنا عشر رجلاً ... كلهم من قریش.^۳

۸۹۳. عنه ﷺ: إن عدة الخلفاء بعدي عدة نقباء موسى.^۴

۸۹۴. عنه ﷺ: لا يزال هذا الدين قائماً حتى يكون عليكم اثنا عشر خليفة.^۵

۱. النساء: ۸۴. ۲. تفسیر العیاشی: ۲/۵۱/۳۱.

۳. صحیح مسلم: ۳/۱۴۵۲/۵.

۴. صحیح مسلم: ۳/۱۴۵۲/۶.

۵. والأخبار في هذا المعنى كثيرة، راجع صحیح مسلم: ۳/۱۴۵۱ کتاب الإمارة.

۶. كنز العمال: ۱۴۹۷۱. ۷. كنز العمال: ۳۰۹۲۹.

۸. والظاهر أن الأخبار في هذا المعنى كثيرة جداً عن طريق العامة والخاصة، راجع: كنز العمال: ۱۲/۳۲ و ۳۳.

۸۹۵. بحار الأنوار عن عبد العظيم الحسني: دخلت على سيدي علي بن محمد عليه السلام، فلما بصرت بي قال لي: مَرَحَباً بِكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ، أَنْتَ وَلِيُّنَا حَقّاً، فَقُلْتُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنْني أُرِيدُ أَنْ أُعْرِضَ عَلَيْكَ دِينِي ...

إِنْني أَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَاحِدٌ ... وَإِنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ، فَلَا نَبِيَّ بَعْدَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ...

وَأَقُولُ: إِنَّ الْإِمَامَ وَالْخَلِيفَةَ وَوَلِيَّ الْأَمْرِ بَعْدَهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، ثُمَّ الْحَسَنُ، ثُمَّ الْحُسَيْنُ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ أَنْتَ يَا مَوْلَايَ.

فَقَالَ عليه السلام: وَمِنْ بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنِي، فَكَيْفَ لِلنَّاسِ بِالْخَلَفِ مِنْ بَعْدِهِ؟ قَالَ: فَقُلْتُ: وَكَيْفَ ذَاكَ يَا مَوْلَايَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ لَا يُرَى شَخْصُهُ وَلَا يَحِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا ...

فَقَالَ: يَا أَبَا الْقَاسِمِ، هَذَا وَاللَّهِ دِينُ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِعِبَادِهِ، فَاتَّبِعْ عَلَيْهِ، تَبِعَكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

۸۹۵. بحار الأنوار - به نقل از عبدالعظیم حسنی -: به حضور سرورم علی بن محمد (امام هادی عليه السلام) رسیدم؛ چون چشمش به من افتاد، فرمود: خوش آمدی، ای ابوالقاسم! تو براستی دوستدار ما هستی. عرض کردم: یابن رسول الله! می خواهم دینم را به شما عرضه کنم ...

من معتقدم: خدای تبارک و تعالی یکی است ... و محمد بنده و فرستاده او و خاتم پیامبران است و پس از او تا روز رستاخیز پیامبری نخواهد آمد ...

من معتقدم: امام و خلیفه و ولی امر بعد از پیامبر امیر مؤمنان علی بن ابی طالب عليه السلام است و پس از او حسن و سپس حسین و آن گاه علی بن الحسین و بعد محمد بن علی و پس از او جعفر بن محمد آن گاه موسی بن جعفر و از پس وی علی بن موسی (رضا) و بعد از او محمد بن علی (جواد) و سپس، شما ای سرور من.

حضرت عليه السلام فرمود: و بعد از من حسن فرزندم امام است؛ آیا می دانی که رابطه مردم با جانشین او، چگونه خواهد بود؟ عرض کردم: مگر چگونه خواهد بود سرورم؟ فرمود: آن گونه که خودش دیده نمی شود و بردن نامش نیز روا نیست، تا زمانی که [از پس پرده غیب بیرون آید و] قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید ...

آن گاه فرمود: ای ابوالقاسم! به خدا قسم، این است همان دین خدا، که آن را برای بندگان خود برگزیده و پسندیده است. پس،

وفي الآخرة^۱

(انظر) الكافي: ۱/ ۲۸۶ باب ما نص الله عز وجل
ورسوله على الأئمة عليهم السلام واحداً فواحداً.

بر این دین پایداری کن. خداوند در دنیا و
آخرت تو را بر این گفتار (عقیده) ثابت،
استوار بدارد!

۱۶۲

عِلْمُ الْإِمَامِ

۸۹۶. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ عَلِيّاً كَانَ عَالِماً وَالْعِلْمُ
يُتَوَارَثُ. وَلَنْ يَهْلِكَ عَالِمٌ إِلَّا بَقِيَ مِنْ بَعْدِهِ
مَنْ يَعْلَمُ عِلْمَهُ أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ.^۲

۸۹۶. امام صادق عليه السلام: علی عليه السلام عالم بود، و علم، ارث
برده می شود. هرگز عالمی نمی میرد مگر آن
که پس از او کسی می ماند که علم او یا آنچه
را خدا خواهد، بداند.

۸۹۷. عنه عليه السلام: وَاللَّهِ، إِنِّي لَأَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى
آخِرِهِ كَأَنَّهُ فِي كَفِّي، فِيهِ خَبَرُ السَّمَاءِ وَخَبَرُ
الْأَرْضِ، وَخَبَرُ مَا كَانَ وَخَبَرُ مَا هُوَ كَائِنٌ،
قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ.^۳

۸۹۷. امام صادق عليه السلام: به خدا سوگند من کتاب خدا
را، از آغاز تا پایانش، چنان می دانم که گویی
در مشت من است. خبر آسمان و زمین و
گذشته و آینده در قرآن موجود است.
خداوند عزوجل فرموده است: «بیان هر
چیز در قرآن هست».

۸۹۸. الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ عَزَّ
وَجَلَّ لِأُمُورِ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ لَذَلِكَ،
وَأَوْدَعَ قَلْبَهُ يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ، وَالْهَمَّهُ الْعِلْمَ
إِلْهَاماً، فَلَمْ يَغَيَّ بَعْدَهُ بِجَوَابٍ وَلَا يَحِيرُ فِيهِ
عَنِ الصَّوَابِ.^۴

۸۹۸. امام رضا عليه السلام: هرگاه خداوند عزوجل بنده ای
را برای [اداره] امور بندگان برگزیند برای
این امر به او شرح صدر عطا می کند،
چشمه های حکمت را در دلش جاری
می سازد و به او علم و دانش الهام می فرماید
که از آن پس، از پاسخ هیچ چیز در نمی ماند
و در یافتن راه درست سرگردان نمی شود.

(انظر) الكافي: ۱/ ۲۲۱ - ۲۳۰، بحار الأنوار: ۲۶/ ۱۸
أبواب علوم الأئمة عليهم السلام، ۲/ ۱۷۲ باب ۲۳.
العلم: باب ۲۸۷۴، ۲۸۷۶.
الغيب: باب ۳۰۸۲.

۱. بحار الأنوار: ۶۹/ ۱/ ۱. ۲. الكافي: ۱/ ۲۲۱/ ۱.
۳. إشارة إلى الآية «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَاناً لِّكُلِّ شَيْءٍ» من
سورة: النحل: ۹۱.
۴. الكافي: ۱/ ۲۲۹/ ۴. ۵. الكافي: ۱/ ۲۰۲/ ۱.

۱۶۳

ما فَرَضَ عَلَىٰ أَيْمَةِ الْعَدْلِ

۸۹۹. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَنِي إِمَاماً لِّخَلْقِهِ، فَفَرَضَ عَلَيَّ التَّقْدِيرَ فِي نَفْسِي وَمَطْعَمِي وَمَشْرَبِي وَمَلْبَسِي كَضَعْفَاءِ النَّاسِ، كَيِّ يَقْتَدِي الْفَقِيرُ بِفَقْرِي، وَلَا يُطْغِي الْغَنِيُّ غِنَاهُ.^۱

۹۰۰. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ فَرَضَ عَلَىٰ أَيْمَةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ، كَيِّ لَا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ.^۲

۹۰۱. عنه عليه السلام: عَلَىٰ أَيْمَةِ الْحَقِّ أَنْ يَتَأَسَّوْا بِأَضْعَفِ رَعِيَّتِهِمْ حَالاً فِي الْأَكْلِ وَاللَّبَاسِ، وَلَا يَتَمَيَّزُونَ عَلَيْهِمْ بِشَيْءٍ لَا يَقْدِرُونَ عَلَيْهِ، لِيَرَاهُمُ الْفَقِيرُ فَيَرْضَىٰ عَنِ اللَّهِ تَعَالَىٰ بِمَا هُوَ فِيهِ، وَيَرَاهُمُ الْغَنِيُّ فَيَزِدَادَ شُكْراً وَتَوَاضَعاً.^۳

۹۰۲. عنه عليه السلام: لَا يَحِلُّ لِلْخَلِيفَةِ مِنْ مَالِ اللَّهِ إِلَّا قَضَعَتَانِ: قَضَعَةٌ يَأْكُلُهَا هُوَ وَأَهْلُهُ، وَقَضَعَةٌ يُطْعَمُهَا.^۴

۱. بحار الأنوار: ۴۰/۳۳۶/۱۷.

۲. نهج البلاغة: الخطبة ۲۰۹. ۳. نهج السعادة: ۴۹/۲.

۴. كنز العمال: ۱۴۳۴۸.

۱۶۳

وظایف پیشوایان عدل و حق

۸۹۹. امام علی علیه السلام: خداوند مرا پیشوای خلق خود قرار داد. از این رو، بر من واجب کرد که درباره خودم و خورد و خوراک و پوشاکم همانند مردمان تنگدست باشم تا نادار به ناداری من تاسی جوید و توانگر را توانگری اش به طغیان و سرکشی نکشاند.

۹۰۰. امام علی علیه السلام: خداوند بر پیشوایان عادل واجب کرده است که خود را با مردم ناتوان همسان کنند، تا تنگدستی فقیر، او را برنیاشوبد.

۹۰۱. امام علی علیه السلام: پیشوایان حق باید در خوراک و پوشاک به تهیدست‌ترین فرد رعیت خود تاسی جویند و با چیزی که آنها قدرت تهیه اش را ندارند خود را متمایز نسازند؛ تا چون تهیدست آنان را ببیند، نسبت به وضعیت خود از خدا خشنود باشد و چون توانگر آنان را ببیند، بر فروتنی و شکرگزاری اش بیفزاید.

۹۰۲. امام علی علیه السلام: برای خلیفه استفاده کردن از مال خدا جایز نیست مگر دو کاسه: کاسه‌ای که خود و خانواده اش بخورند و کاسه‌ای که به دیگران بخوراند.

۹۰۳. عنه: **أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ، أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرَيْنِهِ وَمِنْ طُعْمِهِ بِقَرْصَيْنِهِ.**^۱

۹۰۴. عنه: **إِنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ إِلَّا مَا حُمِّلَ مِنْ أَمْرِ رَبِّهِ: الْإِبْلَاقُ فِي الْمَوْعِظَةِ، وَالْاجْتِهَادُ فِي النَّصِيحَةِ، وَالْإِحْيَاءُ لِلْسُّنَةِ، وَإِقَامَةُ الْحُدُودِ عَلَى مَسْتَحَقِّهَا، وَإِصْدَارُ السُّهُمَانِ عَلَى أَهْلِهَا.**^۲

۹۰۵. عنه: **فِي كِتَابِهِ إِلَى الْأَسْوَدِ بْنِ قُطَيْبَةَ: أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ الْوَالِي إِذَا اخْتَلَفَ هَوَاهُ مَنَعَهُ ذَلِكَ كَثِيرًا مِنَ الْعَدْلِ، فَلْيَكُنْ أَمْرُ النَّاسِ عِنْدَكَ فِي الْحَقِّ سَوَاءً.**^۳

۹۰۶. عنه: **فِي كِتَابِهِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ: وَإِنْ تَكُنْ لَهُمْ حَاجَةً يُوَاسِ بَيْنَهُمْ فِي مَجْلِسِهِ وَوَجْهِهِ، لِيَكُونَ الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ عِنْدَهُ عَلَى سَوَاءٍ.**^۴

۱۶۲

الْحَقُوقُ الْمُتَبَادِلَةُ بَيْنَ الْإِمَامِ وَالْأُمَّةِ

۹۰۷. الإمام علي: **حَقٌّ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَحْكُمَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَأَنْ يُؤَدِّيَ الْأَمَانَةَ، فَإِذَا فَعَلَ فَحَقٌّ**

۹۰۳. امام علی: بدانید که هر پیروی را پیشوایی است که به او اقتدا می‌کند و از نور دانش او پرتو می‌گیرد. بدانید که پیشوای شما از دنیایش به دو جامه کهنه و از خوراکش به دو گرده نان بسنده کرده است.

۹۰۴. امام علی: چیزی بر عهده امام نیست جز همان وظایفی که پروردگار بر عهده‌اش نهاده است: جدیت در موعظه و اندرز، کوشش در خیرخواهی و ارشاد، زنده کردن سنت، اجرای حدود الهی بر آنان که سزاوار آنند و رساندن سهام (بیت المال) به کسانی که سهم می‌برند.

۹۰۵. امام علی: در نامه به اسود بن قطبه - نوشت: اما بعد، چون والی از این و آن هواخواهی کند او را از عدالت بسی باز می‌دارد، پس، باید در رعایت و ادای حق، میان مردم تفاوتی نهد.

۹۰۶. امام علی: در نامه‌ای به محمد بن ابی بکر - نوشت: اگر مردم کاری داشتند [و برای آن نزد والی آمدند، والی باید] در نشستن و نگاه کردن خود میان آنها تفاوتی نهد، تا آشنا و بیگانه نزد او یکسان باشند.

۱۶۳

حقوق متقابل امام و امت

۹۰۷. امام علی: امام وظیفه دارد بر طبق آنچه خدا نازل کرده است حکومت کند و امانت را ادا نماید. چون چنین کند مردم وظیفه دارند سخنش را بشنوند، فرمانش را ببرند و

۱. نهج البلاغة: الكتاب ۴۵. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۵.
۳. نهج البلاغة: الكتاب ۵۹. ۴. شرح نهج البلاغة: ۶۵/۶.

عَلَى النَّاسِ أَنْ يَسْمَعُوا لَهُ وَأَنْ يُطِيعُوا وَأَنْ يُجِيبُوا إِذَا دُعُوا.^۱

۹۰۸. عنه عليه السلام: أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ حَقًّا عَلَى الْوَالِي أَلَّا يُعَيِّرَهُ عَلَى رِعِيَّتِهِ فَضْلُ نَالِهِ، وَلَا طَوْلُ خُصِّ يِهِ، وَأَنْ يَزِيدَهُ مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ مِنْ نِعَمِهِ دُنُوًّا مِنْ عِبَادِهِ، وَعَظْفًا عَلَى إِخْوَانِهِ.

أَلَا وَإِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَّا أُحْتَجَزَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ، وَلَا أُطَوَّيَ دُونَكُمْ أَمْرًا إِلَّا فِي حُكْمٍ، وَلَا أُؤَخَّرَ لَكُمْ حَقًّا عَنْ مَجْلِهِ، وَلَا أَقْفَ يَهُ دُونَ مَقْطَعِهِ، وَأَنْ تَكُونُوا عِنْدِي فِي الْحَقِّ سَوَاءً، فَإِذَا فَعَلْتُ ذَلِكَ وَجَبَتْ لَكُمْ عَلَيْنِكُمْ النِّعْمَةُ وَلِي عَلَيْكُمْ الطَّاعَةُ.^۲

۹۰۹. عنه عليه السلام: فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا بِوَلَايَةِ أَمْرِكُمْ، وَلَكُمْ عَلَيَّ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيْكُمْ.^۳

۱۶۵

أَنْتُمْ تَكُم وَهَذُكُمْ

۹۱۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنْ أَنْتُمْ تَكُم وَهَذُكُمْ إِلَى اللَّهِ،

فَانْظُرُوا مَنْ تُؤْفِدُونَ فِي دِينِكُمْ وَصَلَاتِكُمْ.^۴

۹۱۱. عنه عليه السلام: إِنْ أَنْتُمْ تَكُم قَادَتُكُمْ إِلَى اللَّهِ، فَانْظُرُوا

هرگاه آنان را فرا خواند، اجابت کنند.

۹۰۸. امام علی عليه السلام: اما بعد، وظیفه حکمران است که

اگر به زیادتى رسید یا به نعمتى مخصوص گشت موجب تغییر حال و دگرگونى رفتار او بر رعیتش نشود و نعمتهایی که خدا نصیبش کرده بر نزدیکی او به بندگان خدا و مهربانی او به برادرانش بیفزاید.

بدانید حق شماست بر من که رازی را از شما نپوشانم مگر در جنگ، و بدون رایزنى با شما کارى را نکنم مگر در قضاوت، و در ادای حق شما تأخیر نکنم (حقوق و عطایای شما را به موقع بپردازم) و در رساندن آن درنگ نکنم و همه شما را در حق یکسان بدانم. پس، هرگاه چنین کردم، خداوند بر شما حق نعمت خواهد داشت و من بر شما حق اطاعت.

۹۰۹. امام علی عليه السلام: البته خداوند به سبب زمامداری

بر شما برای من حقى بر شما قرار داد و حقى هم برای شما بر من، همانند حقى که من بر شما دارم.

۱۶۵

امامان شما فرستادگان شما هستند

۹۱۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: همانا امامان شما نمایندگان

شما نزد خدايند؛ پس، بنگريد که در دين و نماز خود چه کسانى را نماينده مى کنيد.

۱. کنز العمال: ۱۳۳۱۳. ۲. نهج البلاغه: کتاب ۵۰.

۳. نهج البلاغه: الخطبة ۲۱۶. ۴. بحار الأنوار: ۲۳/۳۰/۲۶.

أَعْمَالُهَا بِرَّةٌ تَقِيَّةٌ^۱

۹۱۵. الإمام الباقر عليه السلام: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى:

لَأُعَذِّبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَةِ

كُلِّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ^۲.

۹۱۶. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَشْرَكَ مَعَ إِمَامٍ إِمَامَتُهُ

مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مَنْ لَيْسَتْ إِمَامَتُهُ مِنَ اللَّهِ كَانَ

مُشْرِكًا بِاللَّهِ^۳.

۱۶۸

أُنْمَةُ النَّارِ

الكتاب:

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُنْمَةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ﴾^۴.

الحديث:

۹۱۷. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ

جَائِرٌ ضَلَّ وَضُلَّ بِهِ، فَأَمَاتَ سُنَّةَ مَا خُوذَةُ

وَأَحْيَا بِدْعَةَ مَثْرُوكَةٍ، وَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ

اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: يُؤْتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالْإِمَامِ

الْجَائِرِ وَلَيْسَ مَعَهُ نَصِيرٌ وَلَا عَازِرٌ، فَيُلْقَى

فِي نَارِ جَهَنَّمَ، فَيَدْوَرُ فِيهَا كَمَا تَدْوَرُ الرَّحَى،

ثُمَّ يُزْتَبَطُ فِي قَعْرِهَا^۵.

۱. بحار الأنوار: ۲۵ / ۱۱۰ / ۱.

۲. الكافي: ۱ / ۳۷۶ / ۴. ۳. الكافي: ۱ / ۳۷۳ / ۶.

۴. القصص: ۲۱. ۵. نهج البلاغة: الخطبة ۱۶۵.

ستمگر - که از جانب خداوند عزوجل

نیست - فرمان برد، عذاب خواهم کرد، هر

چند آنان در کارهایشان نیکوکار و پرهیزگار باشند.

۹۱۵. امام باقر عليه السلام: خداوند تبارک و تعالی فرموده

است: بیگمان هر رعیتی از رعایای اسلام را

که حکومت هر پیشوای ستمگر غیر خدایی

را بپذیرد عذاب خواهم کرد.

۹۱۶. امام صادق عليه السلام: هرکس پیشوای غیرالهی را با

پیشوایی که امامتش از جانب خداست

شریک گرداند به خدا شرک ورزیده است.

۱۶۸

پیشوایان دوزخ

قرآن:

«وَأَنَّا نُرَاكُم مِّنْ دُونِهَا»^۱ و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش [دوزخ]

فرا می خوانند.

حدیث:

۹۱۷. امام علی عليه السلام: بدترین مردم نزد خداوند

پیشوای ستمگری است که هم خود گمراه

است و هم سبب گمراهی است؛ زیرا سنت

معمول را می میراند و بدعت متروک را زنده

می کند. شنیدم پیامبر خدا ﷺ می فرمود: در

روز قیامت پیشوای ستمگر آورده می شود

بی آن که پشتیبان و عذرخواهی داشته باشد.

پس، در آتش دوزخ افکنده می شود و

همچون سنگ آسیا در دوزخ به چرخش در

می آید، سپس در قعر آن به بند کشیده

می شود.

۹۱۸. امام باقر علیه السلام - در تفسیر آیه «هنگامی که پیروی شدگان از پیروان بیزاری می جویند» - فرمود: ای جابر! سوگند به خدا که آنان پیشوایان ستمگران و پیروان آنها هستند.

۹۱۹. امام باقر علیه السلام : همانا پیشوایان ستم و پیروان آنها از دین خدا و از حق به دورند. کارهایی که می کنند بر باد رفته است، همچون خاکستری که باد آن را در یک روز طوفانی از هم می پراکند.

۹۲۰. الکافی - به نقل از محمد بن منصور - : از امام باقر علیه السلام درباره آیه «و چون کار زشتی کنند گویند پدرانمان را نیز چنین یافته ایم» پرسیدم، حضرت فرمود: این درباره پیشوایان ستم است.

۱۶۹

مدعی امامت

۹۲۱. امام باقر علیه السلام - درباره آیه «در روز قیامت آنهایی را که به خدا دروغ بسته اند سیه روی می بینی» - فرمود: کسی است که بگوید: من امام هستم، در حالی که امام نیست.

۹۲۲. امام صادق علیه السلام : سه کس اند که خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و بر [صداقت] آنان مهر تأیید نمی زند، و عذابی

۹۱۸. الإمام الباقر علیه السلام - في قوله تعالى: «إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا»^۱ : هُمْ وَاللَّهُ يَا جَابِرُ أُنْمَةُ الظُّلْمَةِ وَأَشْيَاعُهُمْ^۲.

۹۱۹. عنه علیه السلام : إِنْ أُنْمَةُ الْجَوْرِ وَاتِّبَاعُهُمْ لَمَعَزُولُونَ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَالْحَقِّ، قَدْ ضَلُّوا بِأَعْمَالِهِمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا، كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ^۳.

۹۲۰. الكافي عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَإِذَا فَعَلُوا فَاجِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا»^۴ ... قَالَ: فَبِأَن هَذَا فِي أُنْمَةِ الْجَوْرِ^۵.

۱۶۹

مدعی الإمامة

۹۲۱. الإمام الباقر علیه السلام - في قوله تعالى: «وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ»^۶ : مَنْ قَالَ: إِنِّي إِمَامٌ، وَلَيْسَ بِإِمَامٍ^۷.

۹۲۲. الإمام الصادق علیه السلام : ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ: مَنْ

۱. البقرة: ۱۶۶. ۲. الکافی: ۱/۳۷۲/۱۱.

۳. بحار الأنوار: ۲۵/۱۱۰/۲.

۴. الأعراف: ۲۸. ۵. الکافی: ۱/۳۷۳/۹.

۶. الزمر: ۶۰. ۷. الکافی: ۱/۳۷۲/۱.

ادَّعَى إِمَامَةً مِنَ اللَّهِ لَيْسَتْ لَهُ، وَمَنْ جَحَدَ
إِمَاماً مِنَ اللَّهِ، وَمَنْ زَعَمَ أَنَّ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ
نَصِيباً.^۱

۹۲۳. عنه: مَنْ ادَّعَى الْإِمَامَةَ وَلَيْسَ مِنْ أَهْلِهَا فَهُوَ
كَافِرٌ.^۲

(انظر) بحار الأنوار: ۲۵ / ۱۱۰ باب ۳.

۱۷۰

احادیث ساختگی برای تثبیت پیشوایان ستم

۹۲۲. پیامبر خدا ﷺ: هر که از فرمانروا پیروی کند
از من پیروی کرده و هر که از فرمان او سر
پیچد، مرا نافرمانی کرده است.

۹۲۵. پیامبر خدا ﷺ: در سختی و آسایش، در
خوشی و ناخوشی و در جایی هم که به زیان
تو و سود خود اقدام می‌کنی، باید حرف شنو
و مطیع [حاکم] باشی.

۹۲۶. پیامبر خدا ﷺ: همکیشان خود را کافر
شمایید هر چند مرتکب گناهان کبیره
شوند؛ پشت سر هر امامی نماز بگزارید؛ بر
هر مرده‌ای نماز بخوانید؛ و همراه هر
فرماندهی به جهاد بروید!

۹۲۷. پیامبر خدا ﷺ: سه چیز از سنت است:
نماز گزاردن پشت سر هر امامی، که [ثواب]
نماز تو برای خودت است و گناه او به گردن
خود اوست؛ جهاد کردن در رکاب هر
فرماندهی، که پاداش جهاد از آن توست

۱۷۰

احادیث مجعولة لِتَثْبِيتِ إِمَامَةِ أَيُّمَةِ الْجَوْرِ

۹۲۲. رسول الله ﷺ: مَنْ يُطِيعِ الْأَمِيرَ فَقَدْ أَطَاعَنِي،
وَمَنْ يُعْصِ الْأَمِيرَ فَقَدْ عَصَانِي.^۳

۹۲۵. عنه: عَلَيْكَ السَّمْعُ وَالطَّاعَةُ فِي عُسْرِكَ
وَيُسْرِكَ وَمَنْشَطِكَ وَمَكْرَهِكَ وَآثَرَةٍ عَلَيْكَ.^۴

۹۲۶. عنه: لَا تُكْفَرُوا أَهْلَ مِلَّتِكُمْ وَإِنْ عَمِلُوا
الْكِبَائِرَ، وَصَلُّوا خَلْفَ كُلِّ إِمَامٍ، وَصَلُّوا عَلَى
كُلِّ مَيِّتٍ، وَجَاهِدُوا مَعَ كُلِّ أَمِيرٍ!^۵

۹۲۷. عنه: ثَلَاثٌ مِنَ السُّنَّةِ: الصَّلَاةُ خَلْفَ كُلِّ
إِمَامٍ، لَكَ صَلَاتُكَ وَعَلَيْهِ إِثْمُهُ، وَالْجِهَادُ مَعَ
كُلِّ أَمِيرٍ، لَكَ جِهَادُكَ وَعَلَيْهِ شَرُّهُ! وَالصَّلَاةُ

۱. الکافی: ۱/۳۷۳. ۲. بحار الأنوار: ۲۵/۱۱۲. ۷.

۳. صحیح مسلم: ۳/۱۴۶۶. ۳۲.

۴. صحیح مسلم: ۳/۱۴۶۷. ۳۵.

۵. کنز العمال: ۱۰۷۷.

عَلَى كُلِّ مَيِّتٍ مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَإِنْ كَانَ قَاتِلَ نَفْسِهِ.^۱

۹۲۸. عَنْهُ علیه السلام: الْجِهَادُ وَاجِبٌ عَلَيْكُمْ مَعَ أَمِيرٍ، بَرًّا كَانَ أَوْ فَاجِرًا، وَإِنْ هُوَ عَمِلَ الْكِبَائِرَ، وَالصَّلَاةُ وَاجِبَةٌ عَلَيْكُمْ خَلْفَ كُلِّ مُسْلِمٍ، بَرًّا كَانَ أَوْ فَاجِرًا، وَإِنْ هُوَ عَمِلَ الْكِبَائِرَ.^۲

۹۲۹. عَنْهُ علیه السلام: الصَّلَاةُ الْمَكْتُوبَةُ وَاجِبَةٌ خَلْفَ كُلِّ مُسْلِمٍ، بَرًّا كَانَ أَوْ فَاجِرًا، وَإِنْ عَمِلَ الْكِبَائِرَ.^۳

۹۳۰. عَنْهُ علیه السلام: إِنَّهَا سَتَكُونُ بَعْدِي أَثَرَةٌ وَأُمُورٌ تُتَكْرَمُهَا. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ تَأْمُرُ مَنْ أَدْرَكَ مِنَّا ذَلِكَ؟ قَالَ: تُؤَدُّونَ الْحَقَّ الَّذِي عَلَيْكُمْ، وَتَسْأَلُونَ اللَّهَ الَّذِي لَكُمْ.^۴

۹۳۱. عَنْهُ علیه السلام: إِنَّكُمْ سَتَلْقَوْنَ بَعْدِي أَثَرَةً، فَاصْبِرُوا حَتَّى تَلْقَوْنِي عَلَى الْحَوْضِ.^۵

۹۳۲. عَنْهُ علیه السلام: مَنْ رَأَى مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا يَكْرَهُهُ فَلْيُصْبِرْ، فَإِنَّهُ مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شَبْرًا فَمَاتَ، فَمَيِّتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ.^۶

۹۳۳. صَحِيحُ مُسْلِمٍ: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: شِرَارُ

و شَرُّ آن به گردن خود اوست؛ و نماز خواندن بر جنازه هر مرده‌ای از اهل توحید، هر چند خودکشی کرده باشد.

۹۲۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما واجب است که در

رکاب یک فرمانده، چه نیکوکار و چه تبه‌کار، جهاد کنید، اگر چه مرتکب گناهان کبیره شود؛ بر شما واجب است که پشت سر هر مسلمانی، چه نیکوکار و چه بدکردار، نماز بخوانید، هر چند گناهان بزرگ انجام دهد.

۹۲۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گزاردن نماز واجب، پشت سر

هر مسلمانی، نیکوکار باشد یا بدکار، واجب است؛ گرچه مرتکب گناهان کبیره شود.

۹۳۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زودا که پس از من تبعیضات و

انحصار طلبی‌هایی [در بیت المال] و امور ناپسند دیگری پدید آید. گفتند: ای رسول خدا! برای کسانی از ما که آن زمان را درک کنند چه دستور می‌دهید؟ فرمود: شما حق و وظیفه‌ای را که به گردن دارید ادا کنید ولی حق و حقوق خودتان را از خدا بخواهید.

۹۳۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زودی پس از من شاهد

تبعیضات و انحصار طلبی در بیت المال خواهید بود؛ در آن هنگام شکیبایی و رزید تا زمانی که در کنار حوض [کوثر] مرا دیدار کنید.

۹۳۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که از فرمانروای خود، کار

ناخوشایندی دید باید صبر کند؛ چه آن که هر کس یک وجب از جماعت [اسلامی] جدا افتد و در آن حال بمیرد، به مرگ جاهلی مرده است.

۹۳۳. صحیح مسلم: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بدترین

پیشوایان شما آنانند که شما ایشان را دشمن

۱. کنز العمال: ۱۰۸۲. ۲. کنز العمال: ۱۰۲۸۱.

۳. سنن أبی داود: ۱/۱۶۲/۵۹۴.

۴. صحیح مسلم: ۳/۱۴۷۲/۴۵.

۵. صحیح مسلم: ۳/۱۴۷۴/۴۸.

۶. صحیح مسلم: ۳/۱۴۷۷/۵۵.

أَسَمْتِكُمْ الَّذِينَ تُبْغِضُونَهُمْ وَيُبْغِضُونَكُمْ
وَتَلْعَنُونَهُمْ وَيَلْعَنُونَكُمْ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ،
أَفَلَا تُنَادِيَهُمْ بِالسَّيْفِ؟ فَقَالَ: لَا، مَا أَقَامُوا
فِيكُمْ الصَّلَاةَ، وَإِذَا رَأَيْتُمْ مِنْ وَلَايَتِكُمْ
شَيْئًا تَكْرَهُونَهُ فَاكْرَهُوا عَمَلَهُ، وَلَا تَنْزِعُوا
يَدًا مِنْ طَاعَةٍ! ۱

۹۳۳. صحیح مسلم: سَأَلَ سَلَمَةُ بْنُ يَزِيدَ الْجُعْفِيُّ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: إِنْ قَامَتْ عَلَيْنَا أُمَرَاءُ
يَسْأَلُونَا حَقَّهُمْ وَيَمْنَعُونَا حَقَّنَا فَمَا تَأْمُرُنَا؟
فَأَعْرَضَ عَنْهُ، ثُمَّ سَأَلَهُ فَأَعْرَضَ عَنْهُ، ثُمَّ
سَأَلَهُ فِي الثَّانِيَةِ أَوْ فِي الثَّالِثَةِ، فَجَذَبَهُ
الْأَشْعَثُ بْنُ قَيْسٍ وَقَالَ: اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا
فَإِنَّمَا عَلَيْهِمْ مَا حُمِّلُوا وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ!
وَفِي خَيْرٍ: فَجَذَبَهُ الْأَشْعَثُ بْنُ قَيْسٍ
فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا... ۲

۹۳۵. صحیح مسلم عن حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ: قَالَ
[رَسُولُ اللَّهِ ﷺ]: يَكُونُ بَغْدِي أُمَّةٌ لَا
يَهْتَدُونَ بِهُدَايٍ وَلَا يَسْتَنُونَ بِسُنَّتِي، وَسَيَقُومُ
فِيهِمْ رِجَالٌ قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ فِي
جُثْمَانِ إِنْسٍ. قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ أَضْنَعُ يَا

دارید و آنان شما را، شما آنان را نفرین کنید
و ایشان شما را. گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا با
شمشیر با آنان نستیزیم؟ فرمود: تا زمانی که
در میان شما نماز می گزارند، نه. هرگاه از
فرمانروایان خود عمل و رفتار ناپسندی
دیدید کارش را زشت شمارید، اما دست از
فرمانبری نکشید!

۹۳۳. صحیح مسلم: سلمة بن یزید جعفی از پیامبر
خدا ﷺ پرسید: اگر حکمرانانی بر ما حاکم
شوند که حقشان را از ما مطالبه کنند ولی ما
را از حقمان محروم سازند، چه دستور
می فرمایید؟ پیامبر از او روی برگردانید. او
بار دیگر پرسید، باز پیامبر از او روی
گرداند، بار دوم و یا سوم همین سؤال را
پرسید، در این هنگام اشعث بن قیس او را به
طرف خود کشید و گفت: «فرمان آنها را
بشنوید و اطاعت کنید؛ زیرا شما مسؤول
اعمال خودتان هستید، آنها هم مسؤول
اعمال خودشان».

در خبر دیگری آمده است: اشعث او را
به طرف خود کشید و پیامبر خدا ﷺ فرمود:
«فرمان آنها را بشنوید و اطاعت کنید...».

۹۳۵. صحیح مسلم - به نقل از حذیفه بن یمان -:
پیامبر خدا ﷺ فرمود: پس از من پیشوایانی
خواهند آمد که به راه من نمی روند و به
سنت من پایبند نیستند. از میان آنان مردانی
برخواهند خاست که دلهایشان دلهای
شیاطین است جای گرفته در کالبد آدمی.

راوی گفت: پرسیدم: اگر چنان زمانی را
درک کردم چه کنم؟ فرمود: فرمان حکمران

۱. صحیح مسلم: ۶۵/۱۴۸۱/۳.

۲. صحیح مسلم: ۴۹/۱۴۷۴/۳.

رسول الله، إن أدركت ذلك؟ قال: تسمع وتطيع للأمر وإن ضرب ظهرك وأخذ مالك، فاسمع وأطع!!^۱

را می شنوی و اطاعت می کنی. اگر بر پشت تو تازیانه خورَد و مال و ثروت گرفته شود، [باز هم] بشنو و اطاعت کن!

(انظر الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر: باب ۲۶۴۶.

الحق: باب ۸۹۲.

السلطان: باب ۱۸۴۰-۱۸۴۳.

ولتقوم هذه الروايات راجع: موسوعة ميزان الحکمة: ۱/ ۱۶۷ «تقوم أحاديث الصبر على الاستتار».

۱۷۱

ممنوعیت فرمانبری از کسی که فرمانبر خداوند سبحان نیست

قرآن:

«و گفتند: پروردگار ما! ما از مهتران و بزرگان خود فرمان بردیم و آنها ما را گمراه کردند».

۱۷۱

لا طاعة لمن لم يطع الله سبحانه

الكتاب:

حدیث:

«وَقَالُوا رَبُّنَا إِنَّا أطعنا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا»^۲. پیامبر خدا ﷺ: از کسی که فرمانبردار خدا نیست، نباید فرمان برد.

الحدیث:

۹۳۷. پیامبر خدا ﷺ: ای علی! چهار چیز کمر شکن است: پیشوایی که خدا را نافرمانی می کند ولی فرمانش را می برند...

۹۳۶. رسول الله ﷺ: لا طاعة لمن لم يطع الله^۳.

۹۳۷. عنه ﷺ: يا علي، أربعة من قواصم الظهر: إمام يعصي الله ويطاع أمره....^۵

۹۳۸. امام علی ﷺ: از سه کس بر دین خود بترسید:

مردی که خداوند [قرائت و فهم] قرآن را به او داده است و مردی که خداوند قدرت در اختیارش نهاده است و بگوید: هر که مرا اطاعت کند خدا را اطاعت کرده است و هر

۹۳۸. الإمام علي ﷺ: احذروا على دينكم ثلاثة: رجل آتاه الله القرآن، ورجل آتاه الله

۱. صحيح مسلم: ۵۲/۱۴۷۶/۳.

۲. والأحاديث المجمعلة التي تسجت على هذا المنوال كثيرة جداً، فراجع كنز العمال: ۳/ ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۵/ ۷۵۱ و ۱۱/ ۲۱۰،

سنن أبي داود: ۱۸/ ۳؛ بحار الأنوار: ۳۵۴/ ۷۵.

۳. الأحزاب: ۶۷. ۴. كنز العمال: ۱۴۸۷۲.

۵. الخصال: ۲۴/ ۲۰۶.

۱. از این قبیل احادیث ساخته و پرداخته فراوان است، به منابع آنها مراجعه کنید.

سُلْطَانًا فَقَالَ: مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ،
وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ! وَقَدْ كَذَبَ، لَا
يَكُونُ لِمَخْلُوقٍ خَشْيَةٌ دُونَ الْخَالِقِ.^۱

۹۳۹. عنه: أَلا فَالْحَذَرُ الْحَذَرُ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ
وَكِبْرَائِكُمُ الَّذِينَ تَكْبَرُوا عَنْ حَسَبِهِمْ،
وَتَرَفُّعُوا فَوْقَ نَسَبِهِمْ... فَإِنَّهُمْ قَوَاعِدُ أُسَاسِ
الْعَصَبِيَّةِ، وَدَعَائِمُ أَرْكَانِ الْفِتْنَةِ، وَسُيُوفُ
اغْتِرَاءِ الْجَاهِلِيَّةِ.^۲

۹۴۰. عنه: اخذروا على دينكم ثلاثة: ... وَرَجُلًا
آتاه الله عز وجل سلطاناً فزعم أن طاعته
طاعة الله، ومَعْصِيَتُهُ مَعْصِيَةُ اللَّهِ، وَكَذَبَ،
لِأَنَّهُ لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ
... إِنَّمَا الطَّاعَةُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِوَلَاةِ الْأَمْرِ،
وَإِنَّمَا أَمَرَ اللَّهُ عز وجل بطاعة الرَّسُولِ لِأَنَّهُ
مَعْصُومٌ.^۳

۹۴۱. عنه: بَعَثَ النَّبِيُّ ﷺ جَيْشًا وَأَمَرَ عَلَيْهِمُ
رَجُلًا وَأَمَرَهُمْ أَنْ يَسْتَمِعُوا لَهُ وَيُطِيعُوا،
فَأَجَّجَ نَارًا وَأَمَرَهُمْ أَنْ يَفْتَحِمُوا فِيهَا، فَأَبَى
قَوْمٌ أَنْ يَدْخُلُوهَا وَقَالُوا: إِنَّا قَرَزْنَا مِنَ النَّارِ.
وَأَرَادَ قَوْمٌ أَنْ يَدْخُلُوهَا، فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ ﷺ

که مرا نافرمانی کند خدا را نافرمانی کرده
است! او دروغ می گوید. هیچ آفریده ای،
جز از آفریدگار نباید ترسی داشته باشد.

۹۳۹. امام علی: هان، زنهرا زنهرا! از فرمانبری
مهران و بزرگانان که به شرافت خانوادگی
خود نازیدند^۱ و تبار خویش را برتر دیدند
... آنان پایه های عصبيت اند و ستونهای
فتنه و شمشیرهای تفاخر جاهلی.

۹۴۰. امام علی: نسبت به دین خود از سه کس
برحذر باشید: ... و مردی که خداوند
عز و جلّ به او قدرت (حکومت) داده است
و او بگوید که اطاعت از او، اطاعت از
خداست و نافرمانی از او نافرمانی از
خداست. او دروغ می گوید؛ زیرا از فرمان
هیچ آفریده ای که بر خلاف فرمان
آفریدگار باشد نباید اطاعت کرد... فقط
باید از خدا و پیامبرش و اولوالامر اطاعت
کرد و خداوند عز و جلّ به اطاعت کردن از
پیامبر فرمان داده، چون او معصوم است.

۹۴۱. امام علی: پیامبر ﷺ سپاهی را گسیل داشت
و مردی را فرمانده آنان کرد و به سپاهیان
فرمود تا دستورهای او را بشنوند و اطاعت
کنند. او آتشی بی فروخت و به سپاهیان
دستور داد خود را در آن بیندازند. گروهی
از ورود به آتش سر باز زده گفتند: ما از
آتش گریخته ایم و گروهی تصمیم گرفتند

۱. ابن ابی الحدید می گوید: خود را نشناختند و در
اصل و ریشه خود، که آبی گندیده و لجنی بدبوست،
نیندیشیدند - م.

۱. كنز العمال: ۱۲۳۹۹. ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۲.

۳. بحار الأنوار: ۸/۳۳۷/۷۵.

فَقَالَ: لَوْ دَخَلُوهَا لَمْ يَزَالُوا فِيهَا، وَقَالَ: لَا طَاعَةَ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ، إِنَّمَا الطَّاعَةُ فِي الْمَعْرُوفِ^۱.

(انظر الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر: باب ۲۶۴۶.

العبادة: باب ۲۴۵۸.

كنز العمال: ۷۹۸-۷۹۱/۵.

وارد آتش شوند. این خبر به پیامبر ﷺ رسید، فرمود: اگر به میان آتش می رفتند برای همیشه در آتش بودند. آن گاه فرمود: در معصیت خدا نباید از کسی اطاعت کرد بلکه فقط در خوبیها باید فرمان برد.

۱۷۲

وَجُوبُ قِيَامٍ عَلَيْهِ پيشوايان ستم

۹۲۲. الدَّرُ الْمَنْثُورُ: - پیامبر خدا ﷺ فرمود: - سنگ آسیاب اسلام به زودی به چرخش خواهد افتاد. پس، شما بر محور قرآن بچرخید. نزدیک است که قدرت و قرآن با یکدیگر به پیکار برخیزند و از هم جدا شوند. به زودی شاهانی بر شما حاکم خواهند شد که برای شما به گونه ای حکم می کنند و برای خود به گونه ای دیگر. اگر از آنان فرمان برید، گمراهتان می کنند و اگر نافرمانی کنید شما را می کشند.

گفتند: ای پیامبر خدا! در چنان روزگاری چه کنیم؟ فرمود: همچون یاران عیسی باشید، که با ازّه پاره پاره و بر چوبه دار آویخته شدند. مرگ در راه طاعت [خدا] بهتر از زندگی در معصیت است.

۹۲۳. كَنْزُ الْعَقَالِ: - پیامبر خدا ﷺ فرمود: - سنگ آسیاب اسلام به چرخش درآمده و قرآن و حکومت به زودی از هم جدا خواهند شد. پس، هر کجا قرآن گشت بر محور قرآن

۱۷۲

وَجُوبُ الْخُرُوجِ عَلَى أَيْمَةِ الْجَوْرِ

۹۲۲. الدَّرُ الْمَنْثُورُ: - قال رسول الله ﷺ: -: إِنَّ رَحَى الْإِسْلَامِ سَتَدُورُ، فَحَيْثُ مَا دَارَ الْقُرْآنُ فَدُورُوا بِهِ، يُوشِكُ السُّلْطَانُ وَالْقُرْآنُ أَنْ يَمْتَثِلَا وَيَتَفَرَّقَا، إِنَّهُ سَيَكُونُ عَلَيْكُمْ مُلُوكٌ يَحْكُمُونَ لَكُمْ بِحُكْمٍ، وَلَهُمْ بِغَيْرِهِ، فَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ أَضَلُّوكُمْ، وَإِنْ عَصَيْتُمُوهُمْ قَتَلُوكُمْ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَكَيْفَ بِنَا إِنْ أَدْرَكْنَا ذَلِكَ؟ قَالَ: تَكُونُونَ كَأَصْحَابِ عِيسَى: تُشْرَوْنَ بِالْمَنَاشِيرِ وَرُفِعُوا عَلَى الْخَشَبِ، مَوْتٌ فِي طَاعَةِ خَيْرٍ مِنْ حَيَاةٍ فِي مَعْصِيَةٍ^۲.

۹۲۳. كَنْزُ الْعَقَالِ: - قال رسول الله ﷺ: -: إِنَّ رَحَى الْإِسْلَامِ دَائِرَةٌ، وَإِنَّ الْكِتَابَ وَالسُّلْطَانَ سَيَفْتَرِقَانِ، فَدُورُوا مَعَ الْكِتَابِ حَيْثُ دَارَ،

۱. تنبيه الخواطر: ۵۱/۱. ۲. الدَّرُ الْمَنْثُورُ: ۱۲۵/۳.

وَسَتَكُونُ عَلَيْكُمْ أَنْثَةً إِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ
أَضَلُّوكُمْ، وَإِنْ عَصَيْتُمُوهُمْ قَتَلُوكُمْ. قَالُوا:
فَكَيْفَ نَصْنَعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قال: كُونُوا كَأَصْحَابِ عِيسَى: نُصِيبُوا
عَلَى الْخَشَبِ، وَنُشْرُوا بِالْمَنَاشِيرِ. مَوْتُ
فِي طَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي مَعْصِيَةٍ.^۱

۹۳۲. رسول الله ﷺ: سَيَكُونُ عَلَيْكُمْ أَنْثَةٌ يَمْلِكُونَ
أَرْزَاقَكُمْ، يُحَدِّثُونَكُمْ فَيَكْذِبُونَكُمْ،
وَيَعْمَلُونَ فَيُضَيِّتُونَ الْعَمَلَ، لَا يَرْضَوْنَ
مِنْكُمْ حَتَّى تُحَسِّنُوا قَبِيحَهُمْ، وَتُصَدِّقُوا
كَذِبَهُمْ، فَأَعْطَوْهُمْ الْحَقَّ مَا رَضُوا بِهِ، فَإِذَا
تَجَاوَزُوا فَمَنْ قُتِلَ عَلَى ذَلِكَ فَهُوَ شَهِيدٌ.^۲

۹۳۵. الإمام علي عليه السلام: فِيكُمْ الْعُلَمَاءُ وَالْفُقَهَاءُ،
وَالنُّجَبَاءُ وَالْحُكَمَاءُ، وَحَمَلَةُ الْكِتَابِ،
وَالْمُتَهَجِّدُونَ بِالشُّعَارِ، وَعُمَّارُ الْمَسَاجِدِ
بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، أَفَلَا تَسْخَطُونَ وَتَهْتَمُونَ أَنْ
يُنَازِعَكُمْ الْوَلَايَةَ عَلَيْكُمْ سُفَهَاؤُكُمْ،
وَالْأَشْرَارُ الْأَرَادِلُ مِنْكُمْ؟^۳

۹۳۶. دستور معالم الحكم عن أبي عطاء: خَرَجَ
عَلَيْنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام
مَخْزُونًا يَتَنَفَّسُ، فَقَالَ: كَيْفَ أَنْتُمْ وَزَمَانُ

بچرخید. به زودی پیشوایانی بر شما حاکم
خواهند شد که اگر فرمانشان برید،
گمراهتان می کنند و اگر فرمان نبرید، شما
را می کشند. گفتند: ای پیامبر خدا! پس چه
کنیم؟ فرمود: چونان یاران عیسی باشید که
بر دار شدند و با اژه قطعه قطعه گشتند.
مردن در راه طاعت [خدا] بهتر است از
زندگی کردن در معصیت [او].

۹۳۲. پیامبر خدا ﷺ: به زودی پیشوایانی بر شما
حاکم می شوند که ارزاق شما را در اختیار
می گیرند، با شما سخن می گویند و به شما
دروغ می گویند و رفتار بد و ناپسند دارند.
از شما خشنود نمی شوند مگر آن که
کارهای زشت آنان را نیکو شمارید و
دروغشان را تصدیق کنید؛ پس تا به حق
راضی اند، آن را به ایشان بدهید و اگر از آن
فراتر رفتند، [بایداری کنید که] هر کس
در این راه کشته شود شهید است.

۹۳۵. امام علی علیه السلام: در میان شما، عالمان، فقیهان،
والا گهران، فرزاتگان، حاملان قرآن،
شب زنده داران و کسانی هستند که با
تلاوت قرآن، مساجد را آباد می کنند،
[آنگاه] شما از این که بیخردان و بدکاران
فرومایه شما بر سر گرفتن حکومتان با
شما ستیزه می کنند، به خشم نمی آید و
اندوهناک نمی شوید؟!

۹۳۶. دستور معالم الحكم - به نقل از ابو عطاء:-
امام علی علیه السلام غمگین و نفس زنان نزد ما آمد
و فرمود: چه خواهید کرد با روزگاری که
بر شما سایه افکند و در آن حدود الهی فرو

۱. كنز العمال: ۱۰۸۱. ۲. كنز العمال: ۱۲۸۷۶.

۳. شرح نهج البلاغة: ۹۹/۶.

بِمَنْ تَقْتَدُونَ فِي دِينِكُمْ وَصَلَاتِكُمْ.^۱

۱۶۶

مَوَانِعُ الْإِمَامَةِ

۹۱۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِدَاوُودَ ﷺ: حَرَامٌ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ عَالِمٍ مُّحِبٌّ لِلشَّهَوَاتِ أَنْ أَجْعَلَهُ إِمَاماً لِلْمُتَّقِينَ.^۲

۹۱۳. الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ: وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ عَلَى الْفُرُوجِ وَالذَّمَاءِ وَالْمَغَانِمِ وَالْأَحْكَامِ وَإِمَامَةِ الْمُسْلِمِينَ: الْبَخِيلُ فَتَكُونَ فِي أَمْوَالِهِمْ نُهْمَتُهُ، وَلَا الْجَاهِلُ فَيُضِلُّهُمْ بِجَهْلِهِ، وَلَا الْجَافِي فَيَقْطَعَهُمْ بِجَفَائِهِ، وَلَا الْحَافِئُ (الْجَانْفُ) لِلدُّوَلِ فَيَتَّخِذَ قَوْماً دُونَ قَوْمٍ، وَلَا الْمُرْتَشِي فِي الْحُكْمِ فَيَذْهَبَ بِالْحَقُوقِ وَيَقِفَ بِهَا دُونَ الْمَقَاطِعِ، وَلَا الْمُعْطَلُ لِلسُّنَّةِ فَيُهْلِكَ الْأُمَّةَ.^۳

۱۶۷

مَنْ انْتَهَى بِغَيْرِ إِمَامٍ الْحَقُّ

۹۱۴. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَا عَذْبَنَ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ أَطَاعَتْ إِمَاماً جَائِراً لَيْسَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي

۹۱۱. پیامبر خدا ﷺ: امامان شما راهبران شما به سوی خداوندند، پس، بنگرید که در دین و نماز خود به چه کسانی اقتدا می‌کنید.

۱۶۶

موانع امامت

۹۱۲. پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال به داوود ﷺ فرمود: بر هر عالمی که دلش در بند شهوات است حرام است که پیشوای پرهیزگاران قرارش دهم.

۹۱۳. امام علی ﷺ: دانستید که نباید مسئولیت نوامیس، جانها، غنائم، احکام و پیشوایی مسلمانان را به دست بخیل سپرد تا که بر اموال آنان حریص گردد و نه به دست نادان که با نادانی خود ایشان را گمراه کند و نه به دست جفاکار که بر اثر جفا و بی وفایی اش از آنان ببرد و نه به دست بی عدالت در تقسیم مالها تا به مردمی ببخشد و مردمی را محروم سازد و نه به دست کسی که در حکم کردن رشوه ستاند تا حقوق مردم را پایمال کند و در رساندن حق به صاحبانش کوتاهی ورزد و نه به دست کسی که فروگذار سنت است تا امت را به نابودی کشاند.

۱۶۷

پیروی از پیشوای غیر حق

۹۱۴. پیامبر خدا ﷺ: خداوند عز و جل فرموده است هر رعیتی از رعایای اسلام را که از پیشوایی

۱. بحار الأنوار: ۲۳ / ۳۰ / ۴۶.

۲. روضة الواعظین: ۴۶۱. ۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۳۱.

قَدْ أَظْلَكُكُمْ تَعْطَلُ فِيهِ الْحُدُودُ وَيَتَّخِذُ الْمَالُ فِيهِ دُولًا، وَيُعَادِي أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، وَيُوَالِي فِيهِ أَعْدَاءَ اللَّهِ؟ قُلْنَا: فَإِنْ أَدْرَكْنَا ذَلِكَ الزَّمَانَ فَكَيْفَ نَصْنَعُ؟ قَالَ: كُونُوا كَأَصْحَابِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: نُسِرُوا بِالْمَنَاشِيرِ، وَصُلِبُوا عَلَى الْخَشَبِ. مَوْتُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ.^۱

(انظر) الشعة: باب ۲۱۲۳.

التقية: باب ۴۱۱۷.

الخوارج: باب ۱۰۱۸.

از زندگی در معصیت او.^۱

۱۷۳

آنچه «قیام نکردن» را روا می‌دارد

۹۳۷. امام باقر علیه السلام: اگر برای یاری امام به شمار

اهل بدر، سیصد و سیزده تن، گرد آیند، بر او واجب است که قیام کند و اوضاع را تغییر دهد.

۱۷۳

ما يُجُوزُ الْقُعُودَ

۹۳۷. الإمام الباقر عليه السلام: إذا اجتمع للإمام عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ «ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ» وَجَبَ عَلَيْهِ الْقِيَامُ وَالتَّغْيِيرُ.^۲

۱. دستور معالم الحکم: ۹۲.

۲. نظر المعتزلة في هذه المسألة مشابه لنظر الشيعة الإمامية يقول ابن أبي الحديد: وعند أصحابنا أنَّ الخروج على أئمة الجور واجب، وعند أصحابنا أيضاً أنَّ الفاسق المتغلب بغير شبهة يعتمد عليها، لا يجوز أن يُنصر على من يُخرج عليه ممن يسمي إلى الدين ويُامر بالمعروف وينهى عن المنكر، بل يجب أن يُنصر الخارجون عليه، وإن كانوا ضالين في عقيدة اعتقدوها بشبهة دنيئة دخلت عليهم... شرح نهج البلاغة: ۷۸/۵.

۳. بحار الأنوار: ۱۸/۴۹/۱۰۰.

۱. دیدگاه معتزلیان در این باره نیز مانند شیعیان است. ابن ابی الحدید معتزلی می‌گوید: به عقیده اصحاب ما قیام در برابر پیشوایان ستم واجب است. همچنین، از دیدگاه همکیشان ما جایز نیست به آدم فاسقی که نه بر اساس شبهه و خطا که با علم و آگاهی از این که قدرت و حکومت حق او نیست حکومت را به دست گرفته در برابر کسانی که بر ضد او قیام می‌کنند و دم از دین می‌زنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، یاری رسانده شود. بلکه باید از قیام کنندگان پشتیبانی کرد، هر چند در عقیده‌ای که به سبب دچار شدن به شبهه‌ای دینی، آن را پذیرفته‌اند، به بیراهه رفته باشند... (شرح نهج البلاغة: ۷۸/۵).

۹۳۸. الکافی: - الإمام الصادق عليه السلام لسدير: - والله يا سدير، لو كان لي شيعة بعد هذه الجداء ما وسعني القعود. [قال سدير:] نزلنا وصلينا، فلما فرغنا من الصلاة عطفت على الجداء، فعددتها فإذا هي سبعة عشر.^۱

۹۳۹. بحار الأنوار عن المفضل بن قيس: قال لي [الصادق عليه السلام]: كم شيعتنا بالكوفة؟ قال: قلت خمسون ألفاً، فما زال يقول إلى أن قال: والله لو ددت أن يكون بالكوفة خمسة وعشرون رجلاً يعرفون أمرنا الذي نحن عليه، ولا يقولون علينا إلا الحق.^۲

(انظر الشكره سبحانه: باب ۲۰۴۵).

الإمامة الخاصة: باب ۲۴۹

الثورة: باب ۲۸۳.

۹۳۸. الکافی: - امام صادق عليه السلام به سدير فرمود: - ای سدير! به خدا قسم اگر تعداد شيعيانم به اندازه اين بزغاله‌ها بود خودداري از قيام برايم روا نبود. [سدير گوید:] فرود آمديم و نماز گزارديم و چون از نماز فارغ شديم، بزغاله‌ها را نگاه کردم و شمردم، آنها هفده رأس بودند.

۹۳۹. بحار الأنوار - به نقل از مفضل بن قيس: -

امام صادق عليه السلام به من فرمود: شمار شيعيان ما در كوفه چقدر است؟ عرض كردم: پنجاه هزار. حضرت پيوسته سخن می گفت تا آن كه فرمود: به خدا قسم، دوست داشتم در كوفه بيست و پنج نفر بودند كه مقام و منزلت ما را می شناختند و درباره ما جز حق نمی گفتند.

۱. الکافی: ۲/۲۴۳/۴.

۲. بحار الأنوار: ۶۷/۱۵۸/۲.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الإمامة الخاصة

امست خاصه

الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام

امام علي عليه السلام



ولمزيد الاطلاع راجع:

موسوعة الإمام علي بن أبي طالب في الكتاب والسنة والتاريخ.

بهار الأنوار: ج ٣٥-٣٢ «تاريخ الإمام علي عليه السلام».

كنز العمال: ١٣/١٠٤-١٨٦ «فضائل علي عليه السلام».

شرح نهج البلاغة: ٩/١٦٦-١٧٤.

«ذكر الأحاديث والأخبار الواردة في فضائل علي عليه السلام».

انظر:

العمال: باب ٨/٣٧٠.

۱۷۳

إِمَامَةُ الْإِمَامِ عَلِيٍّ ع

۹۵۰. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى مَا إِنْ تَسَالَمْتُمْ عَلَيْهِ لَمْ تَهْلِكُوا؟! إِنْ وَلِيَّكُمْ اللَّهُ، وَإِنْ إِمَامَكُمْ عَلِيٌّ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ، فَنَاصِحُوهُ وَصَدِّقُوهُ، فَإِنَّ جَبْرَيْلَ أَخْبَرَنِي بِذَلِكَ.^۱

۹۵۱. عَنْهُ ﷺ: إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَهْدَ إِلَيَّ فِي عَلِيٍّ عَهْدًا، قُلْتُ: يَا رَبِّ بَيِّنْهُ لِي. قَالَ: اسْمَعْ. قُلْتُ: قَدْ سَمِعْتُ، قَالَ: إِنْ عَلِيًّا رَايَةَ الْهُدَى وَإِمَامٌ أَوْلِيَائِي وَنُورٌ مِّنْ أَطَاعَنِي، وَهُوَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَلَزَمْتُهَا الْمُتَّقِينَ^۲، مَن أَحَبَّهُ أَحَبَّنِي، وَمَن أَطَاعَهُ أَطَاعَنِي.^۳

۹۵۲. عَنْهُ ﷺ: إِنْ اللَّهُ عَهْدَ إِلَيَّ فِي عَلِيٍّ عَهْدًا، فَقُلْتُ: يَا رَبِّ بَيِّنْهُ لِي، فَقَالَ: اسْمَعْ، فَقُلْتُ: سَمِعْتُ، فَقَالَ: إِنْ عَلِيًّا رَايَةَ الْهُدَى، وَإِمَامٌ أَوْلِيَائِي ... فَبَشِّرْهُ بِذَلِكَ.

۱. شرح نهج البلاغة: ۹۸/۳.

۲. يمكن أن يكون تلميحاً للآية ۲۶ من سورة الفتح: «وَالَّذِينَ هُمْ

كَلِمَةُ التَّقْوَى»، راجع تفسير نمونه: ۹۷/۲۲.

۳. الأمالي للصدوق: ۷۶۵/۵۶۵.

۱۷۳

امامت امام علی ع

۹۵۰. پیامبر خدا ﷺ: آیا شما را به چیزی ره ننمایم که هر گاه بر آن توافق کنید، به هلاکت در نمی افتید؟! همانا ولی شما خداوند و امامتان علی بن ابی طالب است. پس، خیرخواه و مخلص او باشید و تصدیقش کنید. که این را جبرئیل به من خبر داد.

۹۵۱. پیامبر خدا ﷺ: همانا خداوند عز و جل درباره علی بن ابی طالب به من سفارشی فرمود. گفتم: بار پروردگارا! آن را برایم روشن فرما. فرمود: بشنو! عرض کردم: گوش به فرمانم. فرمود: همانا علی پرچم هدایت و پیشوای دوستان من و روشنایی [راه] کسانی است که مرا اطاعت می کنند. اوست آن کلمه ای که پرهیزگاران را ملزم به همراهی آن کردم.^۱ هر که او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که از او اطاعت کند از من اطاعت کرده است.

۹۵۲. پیامبر خدا ﷺ: خداوند درباره علی به من سفارشی فرمود. عرض کردم: بار خدایا! آن را برایم توضیح بده. فرمود: گوش کن!

۱. می تواند اشاره به آیه ۲۶ سورة فتح باشد: «وَالَّذِينَ هُمْ

كَلِمَةُ التَّقْوَى». ر.ک: تفسیر نمونه: ۹۷/۲۲.

فجاء علي فبشّره^۱.

(انظر) موسوعة الإمام علي بن أبي طالب في الكتاب والسنة والتاريخ: الفصل السادس من القسم الثالث.

۱۷۵

عَلِيٌّ هُجَّةُ اللَّهِ

۹۵۳. رسول الله ﷺ - لأنس لما كان جالساً عنده

فأقبل عليٌّ ﷺ: يا أنس، أنا وهذا هُجَّةُ

الله علي خلقه^۲.

(انظر) موسوعة الإمام علي بن أبي طالب في الكتاب والسنة والتاريخ: علي عن لسان النبي «هجة الله»، تاريخ دمشق: ۳۰۸/۴۲.

عنوان ۹۹ «الحجة».

۱۷۵

علی هُجَّتِ خداست

۹۵۳. پیامبر خدا ﷺ - به آنس هنگامی که خدمت

پیامبر نشسته بود و علی ﷺ وارد شد -

فرمود: ای آنس! من و این [علی] هُجَّتِ

خدا بر خلق او هستیم.

۱۷۶

علی هُجَّتِ جانشین پیامبر خدا ﷺ است

۹۵۳. پیامبر خدا ﷺ: ای بنی هاشم! همانا برادر من،

وصی من، وزیر من و جانشین من در میان

خانواده ام علی بن ابی طالب است. او بدهی

مرا می پردازد و وعده ام را به انجام

می رساند.

۹۵۵. پیامبر خدا ﷺ: جبرئیل نزد من آمد و گفت:

ای محمد! پروردگارت [درودت

می فرستد و] می گوید: همانا علی بن ابی

طالب وصی و جانشین تو در میان خاندان

۱۷۶

عَلِيٌّ هُجَّةُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

۹۵۳. رسول الله ﷺ: إِنَّ أَخِي وَوَصِيَّي وَوَزِيرِي

وَخَلِيفَتِي فِي أَهْلِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ،

يَقْضِي دِينِي، وَتُنْجِزُ مَوْعِدِي يَا بَنِي

هاشم^۳.

۹۵۵. عنه ﷺ: أَتَانِي جَبْرَائِيلُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ،

إِنَّ رَبَّكَ (يُقرُّكَ السَّلَامَ وَ) يَقُولُ لَكَ: إِنَّ

عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَصِيُّكَ وَخَلِيفَتُكَ عَلَيَّ

۱. تاريخ دمشق: ۲۹۱/۴۲.

۲. تاريخ دمشق: ۳۰۸/۴۲/۸۸۵۳.

۳. الأمالي للطوسي: ۱۲۴۴/۶۰۲.

أَهْلِكَ وَأُمَّتِكَ ۱.

و اَمت تو ست.

۹۵۶. عنه عليه السلام - مُشِيرًا إِلَى عَلِيٍّ عليه السلام -: إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِيكُمْ، فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا ۲.

(انظر) موسوعة الإمام علي بن أبي طالب في الكتاب والسنة والتاريخ: الفصل الثالث من القسم الثالث.

۹۵۶. پیامبر خدا ص - با اشاره به علی ع - فرمود: این برادر و وصی و جانشین من در میان شماست. گوش به فرمانش باشید و اطاعتش کنید.

۱۷۷

علی ع وصی پیامبر خدا ص است

۹۵۷. پیامبر خدا ص: هَمَانَا وَصِيٌّ مِنْ رَاذِلِ مَنْ، بِهَيْتَرِينَ بَا زَمَانِدْ گَانِم، وَ كَسِي كِه وَعْدَهَام رَا تَحَقَّق مِي بَخْشَد وَ دِينَم رَا اَدَا مِي كَنْد، عَلِي بِن اَبِي طَالِب اَسْت.

۹۵۸. پیامبر خدا ص: هَر پیامبری، وصی و وارثی دارد و علی، وصی و وارث من است.

۹۵۹. پیامبر خدا ص - به علی ع - فرمود: تو برای من همچون هارون برای موسی هستی جز آن که پس از من پیامبری نیست.

۹۶۰. پیامبر خدا ص - به علی ع - فرمود: آیا نمی پسندی که برای من همچون هارون برای موسی باشی؛ جز این که پیامبر نیستی؟ مرا نشاید که [برای جنگ به تبوک] بروم، مگر آن که جانشین من تو باشی.

۱۷۷

عَلِيٌّ ع وَصِيٌّ رَسُولِ اللَّهِ ص

۹۵۷. رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنَّ وَصِيِّي وَمَوْضِعَ سِرِّي وَخَيْرَ مَنْ أَتْرُكُ بَعْدِي وَيُنْجِزُ عِدَّتِي وَيَقْضِي دِينِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ۳.

۹۵۸. عنه عليه السلام: إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيًّا وَوَارِثًا، وَإِنْ عَلِيًّا وَصِيِّي وَوَارِثِي ۴.

۹۵۹. عنه عليه السلام: - لِـ عَلِيٍّ ع -: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي ۵.

۹۶۰. عنه عليه السلام - لِـ عَلِيٍّ ع -: أَمَّا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّكَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ؟ إِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِي أَنْ أَذْهَبَ إِلَّا وَأَنْتَ خَلِيفَتِي ۶.

۱. الأُمَالِي لِلْمَعْنِي: ۱۶۸ / ۳. ۲. كنز العمال: ۳۶۴۱۹.

۳. كنز العمال: ۳۲۹۵۲.

۴. تاريخ دمشق: ۴۲ / ۳۹۲ / ۹۰۰۵.

۵. كنز العمال: ۳۲۸۸۱. ۶. كنز العمال: ۳۲۹۳۱.

۹۶۱. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: خَلَفْتُكَ أَنْ تَكُونَ خَلِيفَتِي. قُلْتُ: أَتَخَلَّفُ عَنْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! قَالَ: أَلَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي؟^۱

(انظر) موسوعة الإمام علي بن أبي طالب في الكتاب والسنة والتاريخ: الفصل الأول من القسم الثالث، تاريخ دمشق:

۳۹۱/۲۲-۳۹۲.

۹۶۱. امام علی علیه السلام: پیامبر ﷺ [به من] فرمود: تو را اینجا [در مدینه] گذاشتم که جانشین من باشی. عرض کردم: ای پیامبر خدا! یعنی از [همراهی] تو باز ماتم؟! فرمود: آیا نمی‌پسندی که برای من چنان باشی که هارون برای موسی بود، جز این که بعد از من پیامبری نیست؟!^۱

۱۷۸

علی علیه السلام پیشوای نیکوکاران

۹۶۲. پیامبر خدا ﷺ: علی پیشوای نیکوکاران است و کُشندۀ بدکاران، هر که او را یاری کند، یاری می‌شود و هر که از یاری او دست شوید، بی‌یار می‌ماند.

۱. ابن ابی الحديد معتزلی می‌نویسد: «بعد از رحلت پیامبر خدا ﷺ علی علیه السلام به نام «وصی رسول الله» خوانده می‌شد؛ چون پیامبر اکرم ﷺ مطالب و خواسته‌های خود را به او وصیت کرده بود. هم‌مسلمانان ما، این مطلب را انکار نمی‌کنند اما می‌گویند: این وصیت در زمینه خلافت نبوده، بلکه درباره یاری از امور نو پدید پس از ایشان بوده است.»

ابن ابی الحديد اشعار فراوانی را از شاعران صدر اسلام با عنوان «اشعاری که درباره وصایت علی سروده شده» بازگو کرده است. او در توضیح این جمله امام که فرمود: «وصایت و وراثت در میان اهل بیت است» می‌گوید: اما در مورد وصایت، شک نداریم که علی علیه السلام وصی پیامبر خدا بوده است؛ هر چند افرادی که از نظر ما کینه‌توزند، در این باره مخالفانند. البته به عقیده ما، مقصود از وصیت، نصب و خلافت نیست، بلکه امور دیگری است که اگر بررسی شود، ای پسا برتر و مهمتر [از خلافت] باشند.

۱۷۸

علی علیه السلام امام البررة

۹۶۲. رسول الله ﷺ: علي إمام البررة، وقاتِلُ الفجرة، منصورٌ من نصره، مخذولٌ من خذله.^۲

۱. كنز العمال: ۳۶۴۸۸.
۲. قال ابن أبي الحديد المعتزلي: ودعي بعد وفاة رسول الله ﷺ بوصي رسول الله، لوصايته إليه بما أَرَادَهُ، وأصحابنا لا ينكرون ذلك، ولكن يقولون: إنها لم تكن وصية بالخلافة، بل بكثير من المتجددات بعده. شرح نهج البلاغة: ۱/ ۱۳.
ونقل أشعاراً كثيرة عن شعراء صدر الإسلام تحت عنوان (ماورد في وصاية علي من الشعر). شرح نهج البلاغة: ۱۴۳/۱-۱۵۰.

وقال: عند قوله ﷺ «وفيهم الوصية والوراثة»: أما الوصية فلا ريب عندنا أن علياً ﷺ كان وصي رسول الله ﷺ، وإن خالف في ذلك من هو منسوب عندنا إلى العناد، ولنا نعتي بالوصية النص والخلافة، ولكن أموراً أخرى لعلها - إذا لمحت - أشرف وأجل. شرح نهج البلاغة: ۱/ ۱۳۹.

۳. كنز العمال: ۳۲۹۰۹.

۹۶۳. پیامبر خدا ﷺ: درباره علی ﷺ فرمود: آفرین و مرحبا به سرور مسلمانان و پیشوای پرهیزگاران.

۹۶۴. پیامبر خدا ﷺ: ای علی! خداوند ... دوست داشتن مستمندان را به تو بخشیده است؛ از این رو، آنان به پیشوایی تو خرسندند و تو به داشتن پیروانی چون ایشان خرسندی.

۹۶۵. پیامبر خدا ﷺ: درباره علی سه ویژگی به من وحی شده که او سرور مسلمانان، پیشوای پرهیزگاران و رهبر روسپیدان است.

۱۷۹

علی ﷺ ولی هر مؤمنی است

۹۶۶. پیامبر خدا ﷺ: علی از من است و من از او. او ولی هر مؤمنی است.

۹۶۷. پیامبر خدا ﷺ: هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست.

۹۶۸. پیامبر خدا ﷺ: ای بُزیده! آیا من به مؤمنان اولی از خود ایشان نیستم؟ عرض کردم: البته، ای رسول خدا. فرمود: هر که من مولای اویم، علی هم مولای اوست.

۹۶۹. پیامبر خدا ﷺ: من به هر مؤمنی از خود او سزاوارترم و پس از من، علی به او

۹۶۳. عنه ﷺ: لعلی ﷺ: - مَرْحَباً بِسَيِّدِ الْمُسْلِمِينَ وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ^۱.

۹۶۴. عنه ﷺ: يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ ... وَهَبَ لَكَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ، فَرَضُوا بِكَ إِمَاماً وَرَضِيَتْ بِهِمْ أَتْبَاعاً^۲.

۹۶۵. عنه ﷺ: أُوحِيَ إِلَيَّ فِي عَلِيٍّ بِثَلَاثِ خِصَالٍ: أَنَّهُ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ، وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ، وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ^۳.

(انظر) موسوعة الإمام علي بن أبي طالب في الكتاب والسنة والتاريخ: الفصل الخامس من القسم الثالث «أمير البررة».

۱۷۹

عَلِيٌّ ﷺ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ

۹۶۶. رسول الله ﷺ: إِنَّ عَلِيّاً مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، وَهُوَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ^۴.

۹۶۷. عنه ﷺ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ^۵.

۹۶۸. عنه ﷺ: يَا بُرَيْدَةُ، أَلَسْتُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ فَقُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ^۶.

۹۶۹. عنه ﷺ: أَنَا أَوْلَى بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ.

۱. كنز العمال: ۳۳۰۰۹. ۲. تاریخ دمشق: ۲۸۱/۴۲.

۳. تاریخ دمشق: ۸۱۳۵/۳۰۳/۴۲.

۴. كنز العمال: ۳۲۹۳۸. ۵. تاریخ دمشق: ۸۶۳۷/۱۸۸/۴۲.

۶. تاریخ دمشق: ۸۶۳۵/۱۸۷/۴۲.

وَعَلِيٍّ أُولَىٰ بِهِ مِنْ بَعْدِي.^۱

۹۷۰. عنه عليه السلام: أَنَا أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، ثُمَّ أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ.^۲

۹۷۱. عنه عليه السلام - لِعَلِيِّ عليه السلام -: أَنَا أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ، ثُمَّ أَنْتَ - يَا عَلِيُّ - أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ.^۳

۹۷۲. تاریخ دمشق عن عمران بن حصین: بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله سَرِيَّةً وَأَمَرَ عَلَيْهِمَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، فَأَخَذَتْ شَيْئًا فِي سَفَرِهِ ... وَكُنَّا إِذَا قَدِمْنَا مِنْ سَفَرٍ بَدَأْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَسَلَّمْنَا عَلَيْهِ ... فَقَامَ رَجُلٌ مِنْهُمْ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ عَلِيًّا فَعَلَ كَذَا وَكَذَا! فَأَعْرَضَ عَنْهُ، ثُمَّ قَامَ الثَّانِي فَقَالَ: [مِثْلُ مَا قَالَ الْأَوَّلُ، إِلَى أَنْ قَامَ الرَّابِعُ وَقَالَ مَقَالَةً الْأَوَّلِ] ... فَأَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلَى الرَّابِعِ - وَقَدْ تَغَيَّرَ وَجْهُهُ - فَقَالَ: دَعُوا عَلِيًّا، دَعُوا عَلِيًّا، دَعُوا عَلِيًّا! إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، وَهُوَ وَلِيٌّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي.^۴

سزاوارتر است.

۹۷۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: من به مؤمنان از خود آنها سزاوارترم. سپس برادرم علی بن ابی طالب، به مؤمنان، از خود آنان سزاوارتر است.

۹۷۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله - خطاب به علی عليه السلام -: من به مؤمنان از خود آنها سزاوارترم. سپس تو - ای علی - به مؤمنان، از خود آنها سزاوارتری.

۹۷۲. تاریخ دمشق - به نقل از عمران بن حصین -: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله سپاهی را به فرماندهی علی بن ابی طالب گسیل داشت. او در این سفر، کاری [بر خلاف میل ما] کرد ...

رسم بر این بود که ما هرگاه از سفر برمی‌گشتیم، ابتدا، برای عرض سلام، خدمت پیامبر خدا صلى الله عليه وآله می‌رسیدیم ... [این بار، در حضور پیامبر صلى الله عليه وآله] مردی از میان جمع برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! علی چنین و چنان کرد. پیامبر از او روی گرداند. مرد دیگری برخاست و همان را گفت که فرد اول گفته بود. تا آن که چهارم برخاست و سخن همان نفر اول را تکرار کرد. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله در حالی که چهره‌اش دگرگون شده بود روی به او کرده فرمود: دست از سر علی بردارید، دست از سر علی بردارید، دست از سر علی بردارید! علی از من است و من از اویم. او پس از من، ولی هر مؤمنی است.

۱. الکافی: ۱/۲۰۶/۶.

۲. الکافی: ۱/۵۲۹/۴.

۳. کنایة الأثر: ۱۷۷.

۴. تاریخ دمشق: ۴۲/۱۹۷/۸۶۶۳.

۹۷۳. تاریخ دمشق عن وهب بن حمزة:

سافرت مع علي بن أبي طالب من المدينة إلى مكة، فرأيت منه جفوة، فقلت: لئن رجعت فلقيت رسول الله ﷺ لأنالّن منه! قال: فرجعت فلقيت رسول الله ﷺ فذكرت علياً فقلت منه، فقال لي رسول الله ﷺ: لا تقولن هذا لعلّي، فإن علياً وليكم بعدي.^۱

۹۷۳. تاریخ دمشق - به نقل از وهب بن حمزه -: با

علی بن ابی طالب از مدینه به مکه سفر کردم. در راه از او اندکی تندی دیدم. [با خود] گفتم: وقتی بازگشتم و پیامبر خدا ﷺ را دیدم، از او بد خواهم گفت! وقتی برگشتم و به دیدار پیامبر خدا ﷺ رفتم، از علی بدگویی کردم. پیامبر خدا ﷺ به من فرمود: هرگز این حرفها را درباره علی مگو. همانا علی بعد از من ولی شماست.

۹۷۴. شرح الأخبار عن عبدالله بن المسحر: إنَّ

رسول الله ﷺ قال: عليّ أولى المؤمنين بالمؤمنين بعدي.^۲

۹۷۴. شرح الأخبار - به نقل از عبد الله بن مسحر -:

پیامبر خدا فرمود: «پس از من، علی سزاوارترین مؤمن به مؤمنان است».

۹۷۵. تاریخ دمشق عن عبد الرحمن بن أبي

ليلي: شهدت علياً في الرّحبة ينشدُ الناس: أنشدُ الله من سمع رسول الله ﷺ يقول يوم غدیر خُم: «من كنت مولاه فعليّ مولاه» لما قام فشهد، قال عبد الرحمن: فقام اثنا عشر بذرياً، كأنّي أنظرُ إلى أحدهم، فقالوا: نشهدُ أنا سَمِعنا رسول الله ﷺ يقول يوم غدیر خُم: ألسْتُ أولى

۹۷۵. تاریخ دمشق - به نقل از عبد الرحمن بن ابی

لیلی -: علی را دیدم که در رحبه [ی کوفه] مردم را سوگند می دهد: شما را به خدا سوگند می دهم اگر کسی از شما هست که شنیده باشد پیامبر خدا ﷺ در روز غدیر خم می فرمود: «هر که من مولای اویم، پس علی مولای اوست» برخیزد و گواهی دهد. عبد الرحمن می گوید: دوازده تن از بدریان که گویی هم اکنون یکایک آنان را می نگریم، برخاستند و گفتند: گواهی می دهیم که شنیدیم پیامبر خدا ﷺ در روز غدیر

۱. تاریخ دمشق: ۴۲/ ۱۹۹/ ۸۶۶۷.

۲. شرح الأخبار: ۲/ ۲۵۵/ ۵۵۴.

بالمؤمنين ... ؟ فقلنا: بلى يا رسول الله،
قال: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ
مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ.^۱

(انظر) موسوعة الإمام علي بن أبي طالب في الكتاب والسنة
والتاريخ: الفصل السادس من القسم الثالث «لما كل مؤمن
بعدي»، تاريخ دمشق: ۴۲ / ۱۸۶ - ۱۸۸، ۲۰۴ - ۲۳۹
وص ۴۱۹.

أَوَّلُ مَنْ أَسْلَمَ

۹۷۶. الإمام علي عليه السلام: بُعِثَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ
الْاِثْنَيْنِ وَأَسْلَمْتُ يَوْمَ الْثَلَاثَاءِ.^۲

۹۷۷. عنه عليه السلام: أَنَا أَوَّلُ مَنْ أَسْلَمَ.^۳

۹۷۸. عنه عليه السلام: أَنَا أَوَّلُ مَنْ صَلَّى مَعَ النَّبِيِّ ﷺ.^۴

۹۷۹. تاريخ دمشق عن حَبِيبَةِ الْعُرْنِيِّ: رَأَيْتُ
عَلِيًّا يَوْمًا ضَحِكَ ضِحْكًا - لَمْ أَرَهُ ضَحِكَ
ضِحْكًا أَشَدَّ مِنْهُ - حَتَّى أَبْدَى نَاجِدَهُ، ثُمَّ
قَالَ: اللَّهُمَّ لَا أَعْرِفُ أَنَّ عَبْدًا مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ
عَبَدَكَ قَبْلِي غَيْرَ نَبِيِّهَا.^۵

(انظر) موسوعة الإمام علي بن أبي طالب في الكتاب والسنة
والتاريخ: الفصل الأول من القسم العاشر «أول من أسلم»،
تاريخ دمشق: ۴۲ / ۳۰ - ۳۳.
شرح نهج البلاغة: ۴ / ۱۱۶.

۱. تاريخ دمشق: ۴۲ / ۲۰۷ - ۸۶۸۳.

۲. تاريخ دمشق: ۴۲ / ۳۰ - ۳. تاريخ دمشق: ۴۲ / ۳۱.

۴. تاريخ دمشق: ۴۲ / ۳۱ - ۵. تاريخ دمشق: ۴۲ / ۳۲.

می فرمود: آیا من اولی به مؤمنان نیستم...؟
عرض کردیم: البته، ای رسول خدا. پیامبر
فرمود: پس، بر هر کس که من ولایت دارم
علی نیز ولایت دارد، خدایا! دوست بدار
هر که را دوستدار علی باشد و دشمن بدار
هر که را با او دشمنی ورزد.

۱۸۰

أَوَّلِينَ اسْلَامَ آوَرْنَدَه

۹۷۶. امام علی عليه السلام: پیامبر خدا ﷺ در روز دوشنبه

به پیامبری برانگیخته شد و من در روز
سه شنبه اسلام آوردم.

۹۷۷. امام علی عليه السلام: من نخستین کسی هستم که
اسلام آوردم.

۹۷۸. امام علی عليه السلام: من نخستین کسی هستم که با
پیامبر ﷺ نماز گزارد.

۹۷۹. تاریخ دمشق - به نقل از حَبِيبَةُ عُرْنِيِّ -:

روزی دیدم علی چنان خندید که خنده‌ای
آنچنان شدید از او ندیده بودم، طوری که
دندان عقلش پدیدار شد؛ آن گاه گفت:
خدایا! هیچ بنده‌ای از این امت جز
پیامبرش را نمی‌شناسم که پیش از من، تو
را پرستیده باشد.

۱۸۱

عِلْمُ الْإِمَامِ عَلِيٍّ ؑ

۹۸۰. الإمامُ عليٌّ ؑ: والله، ما نَزَلَتْ آيَةٌ إِلَّا وَقَدْ عَلِمْتُ فِيْمَ نَزَلَتْ، وَأَيْنَ نَزَلَتْ، وَعَلَى مَنْ نَزَلَتْ. إِنَّ رَبِّي وَهَبَ لِي قَلْبًا عَقُولًا، وَلِسَانًا طَلَقًا سَوَوَلًا^۱.

۹۸۱. عنه ؑ: ما نَزَلَتْ عَلَيْهِ [عَلَى النَّبِيِّ ﷺ] آيَةٌ فِي لَيْلٍ وَلَا نَهَارٍ وَلَا سَمَاءٍ وَلَا أَرْضٍ وَلَا دُنْيَا وَلَا آخِرَةٍ... إِلَّا أَقْرَأْنِيهَا وَأَمْلَاهَا عَلَيَّ، فَكَتَبْتُهَا بِيَدِي، وَعَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا، وَتَفْسِيرَهَا، وَنَاسِخَهَا وَمَنْسُوخَهَا، وَمُحْكَمَهَا وَمُتَشَابِهَهَا، وَخَاصَّهَا وَعَامَّهَا، وَأَيْنَ نَزَلَتْ، وَفِيمَ نَزَلَتْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ^۲.

۹۸۲. عنه ؑ: - فِي خُطْبَتِهِ لَمَّا بُويعَ بِالْخِلَافَةِ -: يَا مَعْشَرَ النَّاسِ، سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي، سَلُونِي فَإِنَّ عِنْدِي عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. أَمَّا وَاللَّهِ لَوْ تُنِي لِي الْوَسَادُ لَحَكَمْتُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوَارَةِ بِتَوَارِهِمْ...

- ثُمَّ قَالَ -: سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي، فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ سَأَلْتُمُونِي عَنْ آيَةٍ آيَةٍ لَأَخْبَرْتُكُمْ بِوَقْتِ

۱۸۱

دانش امام علی ؑ

۹۸۰. امام علی ؑ: به خدا قسم، هیچ آیه‌ای نازل نشد مگر آن که من دانستم درباره‌ی چه چیز و در کجا و درباره‌ی چه کسی نازل شده است. پروردگارم به من دلی خردمند و زبانی گشاده و پرستگر بخشید.

۹۸۱. امام علی ؑ: هیچ آیه‌ای، نه در شب و نه در روز، نه در آسمان و نه زمین، نه درباره‌ی دنیا و نه درباره‌ی آخرت... بر آن حضرت (پیامبر ﷺ) نازل نشد، مگر این که آن را برای من خواند و به من املا کرد و من آن را به دست خود نوشتم و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام آن [آیه] را و این که در کجا و درباره‌ی چه چیز تا روز قیامت نازل شده، همه را به من آموخت.

۹۸۲. امام علی ؑ: - در خطبه‌ای، پس از آن که مردم با او به عنوان خلیفه بیعت کردند - فرمود: ای مردم! پیش از آن که مرا از دست دهید از من بپرسید. از من سؤال کنید؛ زیرا دانش اولین و آخرین نزد من است. سوگند به خدا که اگر بر مسند داوری تکیه زنم میان پیروان تورات بر اساس تورات آنان داوری می‌کنم و...

[آن گاه فرمود:] از من بپرسید پیش از آن که مرا از دست دهید. سوگند به آن که دانه را شکافت و انسان را آفرید اگر از آیه آیه قرآن بپرسید به شما خواهم گفت که

نُزُولِهَا وَفِي مَنْ نَزَلَتْ^۱.

۹۸۳. عنه: **عَلَّمَ** أَنْدَمَجْتُ عَلَى مَكْنُونٍ عِلْمٍ لَوْ بُحْتُ بِهِ لَاضْطَرَبْتُمُ اضْطِرَابَ الْأَرْضِيَّةِ فِي الطُّوِيِّ الْبَعِيدَةِ^۲.

۹۸۴. عنه: **وَإِنَّ هَاهُنَا لَعِلْمًا جَمًّا** - وَأَشَارَ إِلَى صَدْرِهِ - وَلَكِنْ طُلَّابُهُ يَسِيرُ، وَعَنْ قَلِيلٍ يَنْدَمُونَ لَوْ فَقَدُونِي^۳.

۹۸۵. عنه: **إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَلَّمَنِي أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، وَمِمَّا كَانَ وَمِمَّا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، كُلُّ بَابٍ مِنْهَا يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ، فَذَلِكَ أَلْفُ أَلْفِ بَابٍ، حَتَّى عَلِمْتُ عِلْمَ الْمَنَایَا وَالْبَلَايَا وَفَصَلَ الْخِطَابِ^۴**.

۹۸۶. عنه: **لَقَدْ فُتِحَتْ لِي السُّبُلُ، وَعُلِّمْتُ الْأَنْسَابَ، وَأُجِرِي لِي السَّحَابُ، وَعُلِّمْتُ الْمَنَایَا وَالْبَلَايَا وَفَصَلَ الْخِطَابِ^۵**.

(انظر) موسوعة الإمام علي بن أبي طالب في الكتاب والسنة والتاريخ: القسم الحادي عشر، السؤال «طلب العلم»: باب ۱۷۰۳.
القرآن: باب ۳۲۴۲.

۱. الإرشاد: ۳۵/۱.

۲. نهج البلاغة: الخطبة ۵.

۳. عيون أخبار الرضا: ۱/۲۰۵/۱.

۴. الخصال: ۳۰/۶۴۶.

۵. الخصال: ۴/۴۱۴.

چه وقت و درباره چه کسی نازل شده است.

۹۸۳. امام علی: دانشی در سینه نهان دارم که اگر آن را آشکار سازم همچون ریسمانهای دلو آویخته در چاهی عمیق به لرزه درمی آید.

۹۸۴. امام علی: با اشاره به سینه خود - فرمود: در این جا دانش بسیاری است اما خواستاران آن اندکند و زودا که پشیمان شوند آن گاه که مرا نیابند.

۹۸۵. امام علی: پیامبر خدا ﷺ هزار باب از حلال و حرام و از آنچه بوده و تا قیامت خواهد بود به من آموخت، که از هر باب آن هزار باب گشوده می شود، که هزار هزار باب خواهد شد، چندان که دانش مرگ و میرها و بلایا و فصل الخطاب^۱ را فرا گرفتم.

۹۸۶. امام علی: راهها برای من گشوده و [علم] نسبها به من آموخته شده و ابرها برایم به حرکت درآمده اند و دانش مرگ و میرها و بلایا و فصل الخطاب به من آموخته شده است.

۱. فصل الخطاب: کلام فصیح که حق و باطل را جدا سازد و در قضاوت، دعوا را خاتمه دهد. فصل الخطاب معانی دیگری نیز دارد.

۱۸۲

مَظْلُومِيَّةُ الْإِمَامِ عَلِيٍّ ؑ

۹۸۷. الإمامُ عليٌّ ؑ: مَا زِلْتُ مُذْقِبُصَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَظْلُومًا.^۱

۹۸۸. عنه ؑ: مَا رَأَيْتُ مُنْذُ بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا ﷺ رَخَاءً، فَالْحَمْدُ لِلَّهِ. وَاللَّهُ لَقَدْ خِفْتُ صَغِيرًا وَجَاهَدْتُ كَبِيرًا.^۲

۹۸۹. عنه ؑ: مَا لَقِيَ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ مَا لَقِيتُ.^۳

۹۹۰. عنه ؑ: كُنْتُ أَرَى أَنَّ الْوَالِيَّ يَظْلِمُ الرِّعِيَّةَ، فَإِذَا الرِّعِيَّةُ تَظْلِمُ الْوَالِيَّ!^۴

۹۹۱. عنه ؑ: - فِي كِتَابِهِ إِلَى مُعَاوِيَةَ -: وَقُلْتُ: إِنِّي كُنْتُ أَقَادُ كَمَا يُقَادُ الْجَمَلُ الْمَخْشُوشُ حَتَّى أَبَايَعُ، وَلَعَمْرُ اللَّهِ لَقَدْ أَرَدْتُ أَنْ تَذُمَّ فَمَدَحْتَ، وَأَنْ تَفْضَحَ فَافْتَضَحْتَ، وَمَا عَلَى الْمُسْلِمِ مِنْ غَضَاضَةٍ فِي أَنْ يَكُونَ مَظْلُومًا مَا لَمْ يَكُنْ شَاكَاً فِي دِينِهِ، وَلَا مُرْتَاباً بَيِّنِيهِ.^۵

۹۹۲. عنه ؑ: - وَقَدْ قِيلَ لَهُ: إِنَّكَ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ [الْخِلَافَةِ] لَحَرِيصٌ -: بَلْ أَنْتُمْ وَاللَّهُ لَأَخْرَصُ وَأَبْعَدُ، وَأَنَا أَخْصُ وَأَقْرَبُ، وَإِنَّمَا

۱۸۲

مَظْلُومِيَّةُ إِمَامِ عَلِيٍّ ؑ

۹۸۷. امام علی ؑ: از همان زمان که پیامبر خدا ﷺ رحلت کرد همواره مظلوم بوده‌ام.

۹۸۸. امام علی ؑ: از آن زمان که خداوند محمد ﷺ را به پیامبری مبعوث کرد، روی خوشی و آسایش را ندیدم، اما خدا را شکر. به خدا سوگند خردسالی را در بیم و وحشت به سر بردم و بزرگسالی را در جهاد و مبارزه.

۹۸۹. امام علی ؑ: ظلمی که به من رسیده به احدی از مردم نرسیده است.

۹۹۰. امام علی ؑ: من فکر می‌کردم که والی بر مردم ستم می‌کند اما اکنون می‌بینم که مردم بر والی ستم روا می‌دارند.

۹۹۱. امام علی ؑ: - در نامه‌ای به معاویه - نوشت: و گفتمی که مرا چون شتر مهار شده می‌کشیدند تا بیعت کنم؛ به خدا قسم، خواستی نکوهش کنی، اما ستودی و خواستی مرا رسوا سازی؛ ولی خود رسوا شدی. مظلوم بودن، برای مسلمان عیب و عار نیست، تا آن گاه که در دین خود، گرفتار شک و تردید، و در یقین خود، دودل نباشد.

۹۹۲. امام علی ؑ: - وقتی به وی گفته شد: تو به این امر (خلافت) حریصی - فرمود: به خدا قسم که شما حریص‌ترید و دورتر (نالایق‌تر)، و من سزاوارترم و نزدیکتر

۱. خصائص الأئمة: ۹۹. ۲. الإرشاد: ۱/ ۲۸۴.

۳. شرح نهج البلاغة: ۴/ ۱۰۳.

۴. كنز العمال: ۳۶۵۴۱. ۵. نهج البلاغة: الكتاب ۲۸.

طَلَبْتُ حَقّاً لِي وَأَنْتُمْ تَحُولُونَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ،
وَتَضْرِبُونَ وَجْهِي دُونَهُ ... اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْتَعْدِيكَ عَلَى قُرَيْشٍ وَمَنْ أَعَانَهُمْ، فَإِنَّهُمْ
قَطَعُوا رَحِمِي، وَصَغَّرُوا عَظِيمَ مَنَزَلَتِي،
وَأَجْمَعُوا عَلَى مُنَازَعَتِي أَمراً هُوَ لِي^۱.

۹۹۳. عنه علیه السلام - في كتابه إلى عقيل -: قَدْ غَضِبْتُكَ
قُرَيْشاً وَتَزَكَاظُهُمْ فِي الضَّلَالِ... فَإِنَّهُمْ قَدْ
أَجْمَعُوا عَلَى حَرْبِي كَأَجْمَاعِهِمْ عَلَى حَرْبِ
رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَبْلِي، فَجَزَتْ قُرَيْشاً عَنِّي

(لایق تر و شایسته تر یا در خویشاوندی با
پیامبر نزدیکتر). من، در حقیقت، حق خود را
طلبیده‌ام و شما مانع رسیدن من به آن
می‌شوید... خدایا! من در برابر قریش و یاوران
قریش از تو یاری می‌طلبم؛ زیرا آنان پیوند
خویشاوندی مرا بریدند، منزلت والای مرا
خرد شمردند و برای ستیز با من بر سر امری
(خلافت) که از آن من است، همداستان
شدند.^۱

۹۹۳. امام علی علیه السلام - در نامه‌اش به عقیل - نوشت:
قریش را بگذار تا در گمراهی بتازند... که آنان

۱. ابن ابی الحدید می‌نویسد: اخبار این گونه، به تواتر از آن
حضرت علیه السلام رسیده است. از جمله:

- از زمانی که خداوند جان پیامبر خود را ستاند، تا روزگار
این مردم، همواره مظلوم بودم.

- بار خدایا! قریش را خوار و ذلیل گردان، که آنان مرا از حق
محروم کردند و امر (خلافت) مرا غصب نمودند.

- خدا قریش را کفری سخت دهد که حق مرا پایمال کردند
و حکومت فرزند مادرم (پیامبر) را از من غصب کردند.

- و نیز شنید کسی فریاد می‌زند: من مظلوم! حضرت
فرمود: بیا تا با هم فریاد زنیم؛ زیرا من نیز همواره مظلوم
بودم.

- و او می‌داند که جایگاه من نسبت به آن (خلافت) همچون
محور آسیاب است نسبت به سنگ آسیاب.

- میراث خود را تاراج رفته می‌بینم.

- آن دو، ظرفهای ما را [برای خود] کج کردند و مردم را بر
گرده ما سوار نمودند.

- ما را حق است که اگر بدهند آن را می‌گیریم و اگر ندهند،
بر پشت شتر می‌نشینیم هر چند سفر شبانه به درازا کشد.

- همواره حق من غصب شده و از آنچه سزاوار و شایسته آن
هستم، محروم مانده‌ام.

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۷۲.

۲. قال ابن أبي الحديد: اعلم أنه قد تواترت الأخبار عنه علیه السلام
بنحو من هذا القول، نحو:

قوله: ما زِلْتُ مَظْلُوماً مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ رَسُولَهُ حَتَّى يَوْمِ
النَّاسِ هَذَا.

وقوله: اللَّهُمَّ أَخْرِ قُرَيْشاً فَإِنَّهَا مَنَعَتْنِي حَقِّي،
وَعَصَبَتْنِي أَمْرِي.

وقوله: فَجَزَى قُرَيْشاً عَنِّي الْجَوَازِي؛ فَإِنَّهُمْ ظَلَمُونِي
حَقِّي، وَاغْتَصَبُونِي سُلْطَانَ ابْنِ أُمِّي.

وقوله: وَقَدْ سَمِعَ صَارِخاً يُنَادِي: أَنَا مَظْلُومٌ فَقَالَ: هَلُمُّ
فَلَنَصْرُحَ مَعَا، فَإِنِّي مَا زِلْتُ مَظْلُوماً.

وقوله: وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلَّ الْقُطْبِ مِنَ
الرَّحَى.

وقوله: أَرَى تَرَانِي نَهْياً.
وقوله: أَصْغَيْتَا بَانَانَا، وَحَمَلَا النَّاسَ عَلَى رِقَابِنَا.

وقوله: إِنَّ لَنَا حَقّاً إِنْ سَطَطْنَا نَأْخُذَهُ، وَإِنْ نُسَمِّعُهُ نَرْكَبُ
أَعْجَازَ الْإِبِلِ وَإِنْ طَالَ السُّرَى.

وقوله: مَا زِلْتُ مُسْتَأْثِراً عَلَيَّ، مَدْفُوعاً عَمَّا أَسْتَجِثُّ
وَأُسْتَوْجِبُهُ. شرح نهج البلاغة: ۳۰۶/۹.

الْجَوَازِي؛ فَقَدْ قَطَعُوا رَجْمِي، وَسَلَبُونِي
سُلْطَانَ ابْنِ أُمِّي^۱.

(انظر) شرح نهج البلاغة: ۴/۶۲.

الدنيا: باب ۱۲۳۲.

۱۸۳

عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ

۹۹۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ،
يَدُورُ حَيْثُمَا دَارَ^۲.

۹۹۵. عَنْهُ ﷺ: الْحَقُّ مَعَ ذَا، الْحَقُّ مَعَ ذَا - يَعْنِي
عَلِيًّا^۳.

۹۹۶. عَنْهُ ﷺ: الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ أَيْنَمَا مَالَ^۵.

۹۹۷. عَنْهُ ﷺ: اللَّهُمَّ أَدِرِ الْحَقَّ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ^۶.

۹۹۸. عَنْهُ ﷺ: عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ،
وَلَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۷.

(انظر) موسوعة الإمام علي بن أبي طالب في الكتاب

والسنة والتاريخ: الفصل التاسع من القسم

الثالث، تاريخ دمشق: ۴۲/۴۴۸ - ۴۵۰.

۱. نهج البلاغة: الكتاب ۳۶. ۲. شرح نهج البلاغة: ۲/۲۹۷.

۳. قال ابن أبي الحديد: قد ثبت عنه أي عن النبي ﷺ - في
الأخبار الصحيحة أنه قال: عليٌّ مع الحق.

۴. كنز العمال: ۳۳۰۱۸. ۵. الكافي: ۱/۲۹۴.

۶. تاريخ دمشق: ۴۲/۴۴۸ - ۹۰۲۲.

۷. تاريخ دمشق: ۴۲/۴۴۹ - ۹۰۲۵.

در جنگ با من همداستان شدند، چنان که
پیش از من، در جنگ با پیامبر خدا ﷺ
همداستان گشتند. خدا قریش را کیفر دهد
که پیوند خویشی مرا بریدند و حکومتی را
که از آن فرزند مادرم^۱ بود از من ربودند.

۱۸۳

علی با حق است

۹۹۲. پیامبر خدا ﷺ: علی با حق و حق با علی
است و بر محور او می گردد.^۲

۹۹۵. پیامبر خدا ﷺ - با اشاره به علی ﷺ -
فرمود: حق با این است، حق با این است.

۹۹۶. پیامبر خدا ﷺ: حق با علی است هر جا که
رو کند.

۹۹۷. پیامبر خدا ﷺ: بار خدایا! هر جا که علی
گشت حق را با او بگردان.

۹۹۸. پیامبر خدا ﷺ: علی با حق است و حق با
علی و هرگز از هم جدا نمی شوند، تا آن گاه
که در روز قیامت، بر لب حوض (کوثر)
نزد من آیند.

۱. منظور، پیامبر گرامی اسلام ﷺ است؛ زیرا فاطمه بنت اسد،

مادر حضرت علی ﷺ، به پیامبر ﷺ در کودکی محبت

می کرد و پیامبر ﷺ او را مادر خود می خواند (ر.ک:

دانش نامه امیر المؤمنین ﷺ: فصل یکم از بخش دوم «مادر»).

۲. ابن ابی الحديد می نویسد: در اخبار صحیحی آمده است که

پیامبر فرمود: علی با حق است ...

۱۸۲

عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ

۹۹۹. رسول الله ﷺ: عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ.^۱

۱۰۰۰. عنه ﷺ: عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْقُرْآنِ، وَالْحَقُّ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، وَلَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ.^۲

۱۰۰۱. عنه ﷺ: هَذَا عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ، فَأَسْأَلُهُمَا مَا خُلِفْتُ فِيهِمَا.^۳

(انظر) موسوعة الإمام علي بن أبي طالب في الكتاب والسنة والتاريخ: الفصل التاسع من القسم الثالث.

۱۸۳

علی با قرآن است

۹۹۹. پیامبر خدا ﷺ: علی با قرآن و قرآن با علی است و هرگز از هم جدا نمی شوند تا کنار حوض (کوثر) نزد هم آیند.

۱۰۰۰. پیامبر خدا ﷺ: علی با حق و با قرآن است و حق و قرآن با علی، و از هم جدا نمی شوند تا کنار حوض، نزد هم آیند.

۱۰۰۱. پیامبر خدا ﷺ: این علی با قرآن است و قرآن با علی. این دو از هم جدا نمی شوند، تا کنار حوض نزد من آیند. پس، آنچه را در دل این دو بر جای نهادم، از آنها بجویند.

۱۸۵

عَلِيٌّ بِبَابِ عِلْمِ النَّبِيِّ

۱۰۰۲. رسول الله ﷺ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ.^۴

۱۰۰۳. عنه ﷺ: عَلِيٌّ عَتَبَةُ عِلْمِي.^۵

۱. المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۳۴/ ۴۶۲۸.

۲. فرائد السمطين: ۱/ ۱۷۷/ ۱۴۰.

۳. الصواعق المحرقة: ۱۲۶. ۴. كنز العمال: ۳۲۸۹۰.

۵. كنز العمال: ۳۲۹۱۱.

۱۸۵

علی دروازه دانش پیامبر است

۱۰۰۲. پیامبر خدا ﷺ: من شهر علم هستم و علی

دروازه آن است. پس، هر که علم

می خواهد، باید از دروازه درآید.

۱۰۰۳. پیامبر خدا ﷺ: علی، درگاه دانش من است.

۱۰۰۲. عنه علیه السلام: أَنَا دَارُ الْحِكْمَةِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا.^۱

۱۰۰۵. عنه علیه السلام: عَلِيٌّ بَابٌ عِلْمِي، وَمُبَيِّنٌ لَأُمَّتِي مَا أُرْسِلْتُ بِهِ، مِنْ بَعْدِي.^۲

(انظر) موسوعة الإمام علي بن أبي طالب في الكتاب والسنة والتاريخ: الفصل الثاني من القسم الحادي عشر، تاريخ دمشق: ۴۲/ ۳۷۸-۳۸۳.

۱۰۰۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من سرای حکمتم و علی در آن است.

۱۰۰۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: علی، دروازه دانش من است و پس از من پیام های مرا برای اتم تبیین می کند.

۱۸۶

عَلِيٌّ عليه السلام أَعْلَمُ النَّاسِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله

۱۰۰۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: أَعْلَمُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.^۳

۱۰۰۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: داناترین فرد اتم پس از من علی بن ابی طالب است.

۱۰۰۷. عنه علیه السلام: عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَعْلَمُ النَّاسِ بِاللَّهِ وَالنَّاسِ، حُبًّا وَتَعْظِيمًا لِأَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.^۴

۱۰۰۸. عنه علیه السلام: أَقْضَى أُمَّتِي وَأَعْلَمُ أُمَّتِي بَعْدِي عَلِيٌّ.^۵

۱۰۰۹. عنه علیه السلام: يَا عَلِيُّ، أَنْتَ ... وَارِثُ عِلْمِي.^۶

(انظر) موسوعة الإمام علي بن أبي طالب في الكتاب والسنة والتاريخ: الفصل الثاني من القسم الحادي عشر.

۱۰۰۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: علی بن ابی طالب خداشناس ترین مردمان است و بیش از همه، اهل «لا اله الا الله» را دوست دارد و بزرگشان می دارد.

۱۰۰۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین قاضی و عالم ترین فرد اتم پس از من، علی است.

۱۰۰۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! تو ... وارث دانش منی.

۱۸۷

عَلِيٌّ عليه السلام صِنُو رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله

۱۰۱۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ،

۱۰۱۰. علی عليه السلام همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله است

۱۰۱۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من و علی از یک درختیم

۱۸۷

۱. كنز العمال: ۳۲۸۸۹. ۲. كنز العمال: ۳۲۹۸۱.

۳. كنز العمال: ۳۲۹۷۷. ۴. كنز العمال: ۳۲۹۸۰.

۵. الأمالي للصدوق: ۶۴۲/ ۸۷۰.

۶. ينابيع المودة: ۱/ ۱۷/ ۳۹۷.

وَالنَّاسُ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى ۱.

و دیگر مردمان از درختهای گوناگون.

۱۰۱۱. عنه: یا علی، النَّاسُ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى، وَأَنَا وَأَنْتَ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ ۲.

۱۰۱۱. پیامبر خدا: ای علی! مردم از درختهای گونه گونند و من و تو از یک درخت.

۱۰۱۲. تاریخ دمشق: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ بَعْرَفَةً وَعَلِيٌّ تَجَاهَهُ، فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، أَذُنٌ مِنِّي (و) ضَعُ خَمْسَكَ فِي خَمْسِي. يَا عَلِيُّ، خُلِقْتُ أَنَا وَأَنْتَ مِنْ شَجَرَةٍ أَنَا أَصْلُهَا وَأَنْتَ فَرْعُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ أَغْصَانُهَا، مَنْ تَعَلَّقَ بِغُضَنِ مِنْهَا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ ۳.

۱۰۱۲. تاریخ دمشق: پیامبر ﷺ در عرفه بود و علی رو به روی آن حضرت قرار داشت. پیامبر فرمود: ای علی! نزدیک من آی و پنجه‌ات را در پنجه من گذار. ای علی! من و تو از یک درخت آفریده شده‌ایم. من ریشه آن درختم و تو تنه آن و حسن و حسین شاخه‌هایش. هر که به شاخه‌ای از آن بیاویزد خداوند او را به بهشت درمی‌آورد.

۱۰۱۳. الإمام علي: أَنَا صِنْتُ رَسُولَ اللَّهِ ۴.

۱۰۱۳. امام علی: من یار و برادر مهربان پیامبر خدایم.

(انظر) موسوعة الإمام علي بن أبي طالب في الكتاب والسنة والتاريخ: علي عن لسان النبي «أنا و علي من شجرة واحدة». تاريخ دمشق: ۴۲ / ۶۴ - ۶۷.

۱۸۸

علی * برادر رسول خدا ﷺ است

۱۰۱۲. پیامبر خدا ﷺ - به علی * - فرمود: تو در دنیا و آخرت برادر من هستی.

۱۰۱۵. پیامبر خدا ﷺ: من همان را می‌گویم که برادرم موسی گفت: «پروردگارا! سینه‌ام را گشاده گردان و کارم را برای من آسان ساز... و برای من وزیر و پشتیبانی از خانواده‌ام قرار ده»، علی «برادرم را پشتم را

۱۸۸

عَلِيٌّ * أَخُو رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

۱۰۱۲. رسول الله ﷺ - لِعَلِيٍّ * -: أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۵.

۱۰۱۵. عنه: أَقُولُ كَمَا قَالَ أَخِي مُوسَى: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي... * واجعل لي وزيراً من أهلي» عَلِيّاً * أَخِي

۱. كنز العمال: ۳۲۹۴۳. ۲. كنز العمال: ۳۲۹۴۴.

۳. تاريخ دمشق: ۴۲ / ۶۴. ۴. غرر الحكم: ۳۷۶۱.

۵. تاريخ دمشق: ۴۲ / ۵۲ / ۸۳۸۵.

اشدذ به أزرى...^۱

به او قوی دار...».

۱۰۱۶. الإمام علي عليه السلام - للنبي ﷺ لما آخى بين أصحابه -: لقد ذهب رُوحِي وانقطع ظهري حين رأيتك فعلت بأصحابك ما فعلت، غيري؛ فإن كان هذا من سخط علي فلِكَ العُشْبِي والكُرامَةُ! فقال رسول الله ﷺ: والذي بعثني بالحق، ما أخرتك إلا لِنَفْسِي، وأنت مِنِّي بمنزلة هارونَ من موسى، غيرَ أَنَّهُ لا نبيَّ بعدي، وأنتَ أخي ووارثي.^۲

۱۰۱۶. امام علی علیه السلام: به پیامبر، آنگاه که میان اصحابش پیوند برادری برقرار می ساخت گفتم: واقعاً جان از تنم رفت و پشتم شکست آنگاه که دیدم با اصحاب خود چنان کردی و با من نه. اگر این رفتار شما از سرِ خشم بر من است، بخشش و بزرگواری از شماست! پیامبر خدا ﷺ فرمود: قسم به آن که مرا به حق برانگیخت، تو را وانگذاشتم مگر برای خودم. تو برای من، همچون هارونی برای موسی، جز اینکه پس از من پیامبری نیست، و تو برادر و وارث من هستی.



(انظر) الوزارة: باب ۲۰۰۲

۱۸۹

علي من رسول الله ﷺ

۱۰۱۷. رسول الله ﷺ: علي مِنِّي وأنا مِنهُ.^۳

۱۰۱۸. عنه ﷺ: لِعَليٍّ -: أنتَ مِنِّي وأنا مِنكَ.^۴

۱۰۱۹. عنه ﷺ: علي مِنِّي بمنزلة رَاسِي مِن بَدَنِي.^۵

۱۰۲۰. عنه ﷺ: إِنَّ عَلِيًّا لَحُمَةٌ مِن لَحْمِي وَدَمَةٌ مِن دَمِي.^۶

علی از رسول خدا ﷺ است

۱۰۱۷. پیامبر خدا ﷺ: علی از من است و من از اویم.

۱۰۱۸. پیامبر خدا ﷺ: به علی ﷺ - فرمود: تو از من هستی و من از تو.

۱۰۱۹. پیامبر خدا ﷺ: علی نسبت به من به منزله سر من است برای پیکرم.

۱۰۲۰. پیامبر خدا ﷺ: همانا گوشت علی از گوشت من است و خون او از خون من.

۱. طه: ۲۵ و ۲۶ و ۲۹ و ۳۱. ۲. تاریخ دمشق: ۵۲/۴۲.
۳. تاریخ دمشق: ۸۳۸۷/۵۳/۴۲.
۴. سنن ابن ماجه: ۱/۴۴/۱۱۹.
۵. کنز العمال: ۳۲۸۸۰. ۶. کنز العمال: ۳۲۹۱۴.
۷. کنز العمال: ۳۲۹۳۶.

۱۰۲۱. پیامبر خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود: ای علی!

تو از من هستی و من از تو ام، تو برادر و یار
من هستی.

۱۰۲۲. پیامبر خدا ﷺ از سوی من کسی ادا [ای امانت]

نمی کند مگر خودم یا علی.

۱۰۲۱. عنه ﷺ - لعلی ﷺ -: يا علي، أنت مني وأنا

منك، وأنت أخي وصاحبي^۱.

۱۰۲۲. عنه ﷺ: لا يؤدّي عني إلا أنا أو علي بن أبي

طالب^۲.

(انظر) موسوعة الإمام علي بن أبي طالب في الكتاب

والسنة والتاريخ: علي عن لسان النبي «هو مني

وأنا منه». تاريخ دمشق: ۴۲/ ۶۲- ۷۵.

۱۹۰

دوست داشتن امام علی علیه السلام

۱۰۲۳. پیامبر خدا ﷺ: دوستی علی گناهان را

می خورد همچنان که آتش هیمة را.

۱۰۲۴. پیامبر خدا ﷺ: سر لوحه کارنامه مؤمن،

دوستی علی بن ابی طالب است.

۱۰۲۵. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه خداوند عشق

و دوستی علی را در دل مؤمنی استوار

سازد و با این حال قدمش بلغزد (خطایی

از او سرزند) خداوند قدمش را در

روز قیامت بر صراط، استوار نگه

می دارد.

۱۹۰

حُبِّ الإِمَامِ عَلِيٍّ ﷺ

۱۰۲۳. رسول الله ﷺ: حُبُّ عَلِيٍّ يَأْكُلُ الذُّنُوبَ كَمَا

تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ^۳.

۱۰۲۴. عنه ﷺ: عَنْوَانُ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ حُبُّ عَلِيٍّ بِنِ

أَبِي طَالِبٍ^۴.

۱۰۲۵. عنه ﷺ: مَا ثَبَّتَ اللَّهُ حُبَّ عَلِيٍّ فِي قَلْبِ مُؤْمِنٍ

فَزَلَّتْ بِهِ قَدَمٌ إِلَّا ثَبَّتَ اللَّهُ قَدَمًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

عَلَى الصِّرَاطِ^۵.

(انظر) موسوعة الإمام علي بن أبي طالب في الكتاب

والتاريخ: القسم الرابع عشر، تاريخ دمشق: ۴۲/ ۲۳۹ -

۲۴۴، ۲۶۶- ۲۸۸.

عنوان ۹۴ «المحبة (حب النبي ﷺ) وأهل بيته ﷺ».

۱. تاريخ دمشق: ۴۲/ ۵۳/ ۸۳۸۱.

۲. تاريخ دمشق: ۴۲/ ۳۴۵/ ۸۹۲۰.

۳. كنز العمال: ۳۳۰۲۱. ۴. كنز العمال: ۳۲۹۰۰.

۵. كنز العمال: ۳۳۰۲۲.

۱۹۱

بُغْضُ الْإِمَامِ عَلِيٍّ ع

۱۰۲۶. رسول الله ﷺ - لِعَلِيٍّ ع -: لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ^۱.

۱۰۲۷. الإمام علي ع -: لَوْ ضَرَبْتُ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ بِسَيْفِي هَذَا عَلَى أَنْ يُبْغِضَنِي مَا أَبْغَضَنِي، وَلَوْ صَبَيْتُ الدُّنْيَا بِجَمَاتِهَا عَلَى الْمُنَافِقِ عَلَى أَنْ يُحِبَّنِي مَا أَحَبَّنِي، وَذَلِكَ أَنَّهُ قُضِيَ فَاَنْقَضَى عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ ع أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ، لَا يُبْغِضُكَ مُؤْمِنٌ، وَلَا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ^۲.

الأحاديث في هذا المعنى كثيرة جداً، بل متواترة.

(انظر) موسوعة الإمام علي بن أبي طالب في الكتاب والسنة والتاريخ: القسم الخامس عشر وتاريخ دمشق: ۴۲ / ۲۷۰-۲۸۸.

۱۹۱

دشمن داشتن امام علی ع

۱۰۲۶. پیامبر خدا ﷺ - به علی ع - فرمود: تو را جز مؤمن دوست ندارد و جز منافق دشمنت نمی دارد.

۱۰۲۷. امام علی ع -: اگر با این شمشیرم بر بینی مؤمن زنم تا با من دشمن شود، هرگز نمی شود و اگر همه دنیا را به [پای] منافق ریزم تا مرا دوست بدارد، هیچگاه دوستم نمی دارد. و این از آن روست که قضا جاری گشت، و بر زبان پیامبر امی گذشت که فرمود: ای علی! مؤمن، تو را دشمن نمی شمارد و منافق، دل به دوستی تو نمی سپارد^۱.

۱۹۲

مناقب گوناگون امام علی ع

۱۰۲۸. پیامبر خدا ﷺ: هر که می خواهد دانش آدم را ببیند و بینش نوح و بردباری ابراهیم و زهد یحیی بن زکریا و قدرت موسی بن

۱۹۲

الْمَنَاقِبُ الْمَنْثُورَةُ لِلْإِمَامِ عَلِيٍّ ع

۱۰۲۸. رسول الله ﷺ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ، وَإِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ، وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي جَلَمِهِ، وَإِلَى يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا فِي زُهْدِهِ،

۱. احادیث در این زمینه بسیار زیاد و بلکه متواترند.

۱. كنز العمال: ۳۲۸۷۸. ۲. نهج البلاغة: الحکمة ۴۵.

وإلى موسى بن عمران في بطشه، فليَنظُرْ
إلى علي بن أبي طالب^۱.

۱۰۲۹. عنه: علي سيّد المؤمنين^۲.

۱۰۳۰. عنه: علي عمود الدين^۳.

۱۰۳۱. عنه: هذا هو الذي يضربُ الناس بالسيفِ
على الحقّ بعدي^۴.

۱۰۳۲. عنه: يا علي، مثلك في أمّتي مثل «قل»
هو الله أحدٌ: «فَمَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ فَكَأَنَّمَا
قَرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ، وَمَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ
وَأَعَانَكَ بِلِسَانِهِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثِي
الْقُرْآنِ، وَمَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَأَعَانَكَ
بِلِسَانِهِ وَنَصَرَكَ بِيَدِهِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ
الْقُرْآنَ كُلَّهُ»^۵.

۱۰۳۳. عنه: أَيُّهَا النَّاسُ، لَا تَشْكُوا عَلِيًّا،
فَوَاللَّهِ إِنَّهُ لَأَخْيَشُنُّ^۶ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَوْ فِي

۱. تاریخ دمشق: ۴۲/۳۱۳/۸۸۶۲.

۲. الکافی: ۱/۲۹۴/۱. ۳. الکافی: ۱/۲۹۴/۱.

۴. الکافی: ۱/۲۹۴/۱. ۵. الخصال: ۵۸۰/۱.

۶. عن أبي سعيد الخدري قال: شكّا الناس علي بن أبي طالب،
فقام رسول الله فينا خطيباً فسمعته يقول: يا أَيُّهَا النَّاسُ، لَا
تَشْكُوا عَلِيًّا، فَوَاللَّهِ إِنَّهُ لَأَخْيَشُنُّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَوْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.
ورواه في هامش الكتاب عن السيرة النبوية لابن هشام: ۲/۳۵۱
هكذا: فوالله إنه لأخشى في ذات الله أو سبيل الله من أن
يُشْكَى.

عمران را، به علی بن ابی طالب بنگرد.

۱۰۲۹. پیامبر خدا ﷺ: علی، سرور مؤمنان است.

۱۰۳۰. پیامبر خدا ﷺ: علی، ستون دین است.

۱۰۳۱. پیامبر خدا ﷺ: این مرد، همان کسی است که

پس از من برای حق، مردم [ناحق] را با

شمشیر می زند.

۱۰۳۲. پیامبر خدا ﷺ: ای علی! مثل تو میان امتم

مثل «قل هو الله احد» است؛ هر که در

دل تو را دوست داشته باشد چنان است

که یک سوم قرآن را خوانده و هر که

تو را در دل دوست بدارد و به زبان

یاریات دهد گویا دو سوم قرآن را

خوانده و هر که تو را در دل دوست بدارد

و به زبان یاریات دهد و با عمل یاریات

کند چنان است که همه قرآن را خوانده

باشد.

۱۰۳۳. پیامبر خدا ﷺ: ای مردم! از علی گلایه

نکنید، که به خدا سوگند او برای خدا - یا در

سبیل الله^۱.

راه خدا - سختگیر است.

۱۰۳۲. عنه: مَنْ آذَى عَلِيًّا فَقَدْ آذَانِي^۲.

۱۰۳۲. پیامبر خدا ﷺ: هر که علی را بیازارد مرا آزرده است.

۱۰۳۵. عنه: عَلِيٌّ يَغْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْمَالُ يَغْسُوبُ الْمُنَافِقِينَ^۳.

۱۰۳۵. پیامبر خدا ﷺ: علی مهتر مؤمنان است و مال و ثروت، مهتر منافقان.

۱۰۳۶. عنه: حَقُّ عَلِيٍّ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ^۴.

۱۰۳۶. پیامبر خدا ﷺ: حقّ علی بر این امت همچون حقّ پدر است بر فرزندش.

۱۰۳۷. عنه: صَاحِبُ سِرِّي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ^۵.

۱۰۳۷. پیامبر خدا ﷺ: علی بن ابی طالب، رازدار من است.

۱۰۳۸. عنه: لِعَلِيٍّ: أَنْتَ وَشِيعَتُكَ فِي الْجَنَّةِ^۶.

۱۰۳۹. عنه: إِنَّ عَلِيًّا وَشِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۷.

۱۰۳۸. پیامبر خدا ﷺ: به علی - فرمود: تو و شیعیانت در بهشتید.

۱۰۴۰. عنه: ذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ^۸.

۱۰۳۹. پیامبر خدا ﷺ: علی و شیعیان او همان رستگاران در روز رستخیزند.

۱۰۴۱. عنه: كَفَى وَكَفَّ عَلِيٌّ فِي الْعَدْلِ سَوَاءً^۹.

۱۰۴۲. عنه: مَنْ لَمْ يَقُلْ: عَلِيٌّ خَيْرُ النَّاسِ، فَقَدْ كَفَرَ^{۱۰}.

۱۰۴۰. پیامبر خدا ﷺ: یاد و ذکر علی، عبادت است.

۱۰۴۱. پیامبر خدا ﷺ: دست من و دست علی در [اجرای] عدالت یکسان است.

۱۰۴۲. پیامبر خدا ﷺ: هر که معتقد نباشد که علی بهترین مردمان است، کفر ورزیده است.^۱

۱. تاریخ دمشق: ۴۲/۲۰۰/۸۶۶۸.

۲. بحار الأنوار: ۵/۱۶۹.

۳. تاریخ دمشق: ۴۲/۳۰۴/۸۸۳۸.

۴. بحار الأنوار: ۳۶/۱۱۵.

۵. تاریخ دمشق: ۴۲/۳۱۷/۸۸۷۲.

۶. تاریخ دمشق: ۴۲/۳۳۲/۸۸۹۵.

۷. تاریخ دمشق: ۴۲/۳۳۳/۸۹۰۰.

۸. تاریخ دمشق: ۴۲/۳۵۶/۸۹۴۹.

۹. تاریخ دمشق: ۴۲/۳۶۹/۸۹۶۳.

۱۰. تاریخ دمشق: ۴۲/۳۷۲/۸۹۶۹.

۱. کفر در اینجا به معنای پوشیده داشتن حقیقت است.

۱۰۲۳. تاریخ دمشق: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ بَعَثَ سُورَةَ «بَرَاءة»
فَدَفَعَهَا إِلَى عَلِيٍّ (كَذَا)، وَقَالَ: لَا يُؤَدِّي إِلَّا
أَنَا أَوْ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي.^۱

۱۰۲۴. الإمام عليّ ﷺ: إِنِّي لَأَرْفَعُ نَفْسِي أَنْ تَكُونَ
حَاجَةً لَا يَسَعُهَا جُودِي، أَوْ جَهْلٌ لَا يَسَعُهُ
جِلْمِي، أَوْ ذَنْبٌ لَا يَسَعُهُ عَفْوِي، أَوْ أَنْ
يَكُونَ زَمَانٌ أَطْوَلَ مِنْ زَمَانِي.^۲

۱۰۲۵. عنه ﷺ: إِنِّي لَأَرْفَعُ نَفْسِي أَنْ أَنْهِيَ النَّاسَ عَمَّا
لَسْتُ أَتْتَهِي عَنْهُ، أَوْ أَمُرَهُمْ بِمَا لَا أَسْبِقُهُمْ
إِلَيْهِ بِعَمَلِي، أَوْ أَرْضِي مِنْهُمْ بِمَا لَا يُرْضِي
رَبِّي.^۳

۱۰۲۶. عنه ﷺ: إِنِّي لَا أُحْكُمُ عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا
وَأَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا، وَلَا أَتَّهَكُمُ عَنْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا
وَأَتْنَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا.^۴

۱۰۲۷. عنه ﷺ: إِنِّي وَاللَّهِ لَوْ لَقِيتُهُمْ وَاحِدًا وَهُمْ طِلَاعُ
الْأَرْضِ كُلِّهَا مَا بَالَيْتُ وَلَا اسْتَوْحَشْتُ،
وَإِنِّي مِنْ ضَلَالِهِمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ وَالْهُدَى
الَّذِي أَنَا عَلَيْهِ لَعَلِّي بِصِيرَةٍ مِنْ نَفْسِي وَيَقِينُ
مِنْ رَبِّي.^۵

۱۰۲۳. تاریخ دمشق: پیامبر خدا ﷺ سوره برائت
را [برای خواندن برای مشرکان] به علی داد
و فرمود: کسی ادا [ی امانت الهی] نمی کند مگر
من یا مردی از خاندان من.

۱۰۲۴. امام علی ﷺ: همانا من، خود را برتر از این
می دانم که نیازی باشد و بخشندگی من توان
بر آوردن آن را نداشته باشد، یا جسارتی به من
شود و بردباری ام آن را بر نتابد، یا گناهی
باشد و عفو و گذشت من تحمل آن را نداشته
باشد، یا آن که زمانی درازتر از زمان من باشد.^۱

۱۰۲۵. امام علی ﷺ: همانا من، شأن خود را برتر
از آن می دانم که مردم را از چیزی بازدارم که
خود از آن باز نمی ایستم، یا آنان را به چیزی
فرمان دهم که خود در انجام آن کار از آنان
پیشی نمی گیرم، یا از آنان به چیزی خشنود
شوم که پروردگارم از آن خشنود نیست.

۱۰۲۶. امام علی ﷺ: همانا من، شما را به طاعتی و
نمی دارم مگر آن که خود جلوتر از شما آن را
انجام می دهم و از گناهی باز نمی دارم جز آن
که خودم پیش از شما از آن باز می ایستم.

۱۰۲۷. امام علی ﷺ: به خدا قسم، اگر یک تنه با آنان
رو به رو می شدم و آنان سراسر زمین را
پرمی کردند نه باکی داشتم و نه می هراسیدم،
که من برگمراهی آنان و رهیافتگی خود، نیک
آگاهم و با یقین از جانب پروردگارم همراه.

۱. ممکن است مراد حضرت از زمان، زمان عبادت و بندگی او
باشد و یا بنا بر روایات بسیار، زمان خلقت او و پیامبر
اکرم ﷺ باشد که هزاران سال پیش از خلقت آدم ابوالبشر
بوده است.

۱. تاریخ دمشق: ۴۲ / ۳۴۵ / ۸۹۱۹.

۲. غرر الحکم: ۳۷۷۸. ۳. غرر الحکم: ۳۷۸۰.

۴. غرر الحکم: ۳۷۸۱. ۵. نهج البلاغه: الکتاب ۶۲.

۱۰۴۸. عنه: إني مُحَارِبٌ أَمْلِي وَمُنْتَظَرٌ أَجَلِي.^۱

۱۰۴۹. عنه: إني مُسْتَوْفٍ رِزْقِي، وَمُجَاهِدٌ نَفْسِي،
وَمُنْتَهٍ إِلَى قِسْمِي.^۲

۱۰۵۰. عنه: إني لَعَلِّي إِقَامَةُ حُجَجِ اللَّهِ أَقَاوِلُ،
وَعَلَى نُصْرَةِ دِينِهِ أَجَاهِدُ وَأُقَاتِلُ.^۳

۱۰۵۱. عنه: إني فيكم أيُّهَا النَّاسُ كَهَارُونَ فِي آلِ
فِرْعَوْنَ، وَكَبَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ،
وَكَسْفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِ نُوحٍ، وَإِنِّي النَّبَأُ
الْأَعْظَمُ، وَالصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ، وَعَنْ قَلِيلٍ
سَتَعْلَمُونَ مَا تُوْعَدُونَ.^۴

۱۰۵۲. عنه: إني لَمْ أَفِرْ مِنَ الرَّحْفِ قَطُّ، وَلَمْ
يُبَارِزْنِي أَحَدٌ إِلَّا سَقَيْتُ الْأَرْضَ مِنْ دَمِهِ.^۵

۱۰۵۳. عنه: أَنَا كَابُ الدُّنْيَا لَوَجْهِهَا، وَقَادِرُهَا
بَقَدْرِهَا، وَنَاطِرُهَا بِعَيْنِهَا.^۶

۱۰۵۴. عنه: أَنَا الَّذِي أَهَنْتُ الدُّنْيَا.^۷

۱۰۵۵. عنه: أَنَا وَضَعْتُ فِي الصُّفْرِ بَكَلَاكِلَ
الْعَرَبِ، وَكَسَرْتُ نَوَاجِمَ قُرُونٍ رَبِيعَةً
وَمُضَرٍ. وَقَدْ عَلِمْتُمْ مَوْضِعِي مِنْ

۱۰۴۸. امام علی: همانا من، با آرزویم در ستیزم
و چشم به راه اجلم.

۱۰۴۹. امام علی: همانا من، روزی ام را بتمامی
می ستانم و با نفس خود می جنگم و به بهره
خویش می رسم.

۱۰۵۰. امام علی: همانا من، برای برپایی
حجتهای خدا سخن می گویم و برای یاری
دین خدا جهاد و پیکار می کنم.

۱۰۵۱. امام علی: ای مردم! همانا من در میان
شما مانند هارونم در میان فرعونیان و
همچون باب حطه‌ام در میان بنی اسرائیل و
چونان کشتی نوح در میان قوم نوح، منم
آن «نبا» اعظم و آن صدیق اکبر. بزودی
آنچه را وعده داده شده‌اید خواهید دانست.

۱۰۵۲. امام علی: همانا من هرگز از میدان
جنگ و جهاد نگریخته‌ام و هیچ کس به
پیکار من نیامد مگر آن که زمین را از
خونش سیراب کردم.

۱۰۵۳. امام علی: من دنیا را به رو درافکنده‌ام
و آن را در اندازه واقعی اش دیده‌ام و با دیده
خودش بدان نگریسته‌ام.

۱۰۵۴. امام علی: منم که دنیا را خوار و
بیمقدار شمردم.

۱۰۵۵. امام علی: من در خردسالی سینه‌های
عرب را خرد کردم و شاخ‌های برآمده دو
قبیله ربیعه و مُضِر را شکستم. شما جایگاه
مرا نسبت به پیامبر خدا می دانید ...
هرگز سخنی دروغ و رفتاری نادرست از

۱. غرر الحکم: ۳۷۷۴. ۲. غرر الحکم: ۳۷۷۵.

۳. غرر الحکم: ۳۷۷۷. ۴. تنبیه الخواطر: ۴۱/۲.

۵. الخصال: ۱/۵۸۰. ۶. نهج البلاغة: الخطبة ۱۲۸.

۷. تاریخ دمشق: ۴۸۹/۴۲.

رسولُ الله ﷺ ... ما وَجَدَ لي كِذْبَةً في قولٍ،
ولا خَطْلَةً في فعلٍ ... ولقد كُنْتُ أَتَّبِعُهُ أَتْبَاعَ
الْفَصِيلِ أَثَرِ أُمِّهِ ... أَرَى نَوْرَ الْوَحْيِ
وَالرَّسَالَةِ، وَأَشْمُ رِيحَ النُّبُوَّةِ ١.

۱۰۵۶. عنه: أَنَا يَغْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْمَالُ
يَغْسُوبُ الظُّلْمَةَ ٢.

۱۰۵۷. عنه: أَنَا صِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ، وَالسَّابِقُ إِلَى
الْإِسْلَامِ، وَكَاسِرُ الْأَصْنَامِ، وَمُجَاهِدُ
الْكُفَّارِ، وَقَامِعُ الْأَضْدَادِ ٣.

۱۰۵۸. عنه: أَنَا شَاهِدٌ لَكُمْ، وَحَاجِبٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
عَلَيْكُمْ ٤.

۱۰۵۹. عنه: أَنَا وَأَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لَأَهْلِ الْأَرْضِ،
كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لَأَهْلِ السَّمَاءِ ٥.

۱۰۶۰. عنه: أَنَا عَلَمُ الْهُدَى، وَكَهْفُ التَّقَى، وَمَحَلُّ
السَّخَاءِ، وَبَحْرُ النَّدَى، وَطُودُ النَّهْيِ ٦.

۱۰۶۱. عنه: أَنَا قَسِيمُ اللَّهِ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ،
لَا يَدْخُلُهَا دَاخِلٌ إِلَّا عَلَى حَدِّ قَسَمِي، وَأَنَا
الْفَارُوقُ الْأَكْبَرُ، وَأَنَا الْإِمَامُ لِمَنْ بَعْدِي،

من ندید ... ومانند شتر بچه‌ای که از پی
مادرش می‌رود دنبال او می‌رفتم ... پرتو
وحی و رسالت را می‌دیدم و رایحه نبوت
را می‌بوییدم.

۱۰۵۶. امام علی: من مهتر مؤمنان هستم،
و مال و ثروت مهتر مستمگران است.

۱۰۵۷. امام علی: من یار و برادر مهربان پیامبر
خدایم و پیشگام در اسلام و شکننده بتها و
ستیزنده با کافران و براندازنده دشمنان
دین.

۱۰۵۸. امام علی: من گواه شمایم، و حجت آور
روز رستخیزم بر شما.

۱۰۵۹. امام علی: من و خانواده‌ام مایه امان
مردم زمینیم، همچنان که ستارگان مایه
امان اهل آسمانند.

۱۰۶۰. امام علی: من پرچم هدایتیم، و پناهگاه
پرهیزگاری، و جایگاه سخاوت، و دریای
جود و جوانمردی، و کوه خرد.

۱۰۶۱. امام علی: من از جانب خدا قسمت
کننده بهشت و دوزخم. هیچ کس وارد آن
نمی‌شود مگر به تقسیم من. منم فاروق
اکبر (بزرگترین جداساز حق و باطل)،
منم امام مردم پس از خودم، و اداکننده
از جانب کسی که پیش از من بود (یعنی

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۲.

۲. كنز العمال: ۳۶۳۸۱. ۳. غرر الحکم: ۳۷۶۱.

۴. غرر الحکم: ۳۷۶۸. ۵. غرر الحکم: ۳۷۷۰.

۶. نهج السعادة: ۷۹/۳.

وَالْمُؤَدِّي عَمَّن كَانَ قَبْلِي.^۱

پیامبر خدا ﷺ).

۱۰۶۲. عنه ﷺ: أَنَا قَسِيمُ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۲

۱۰۶۲. امام علی ﷺ: قسمت کننده دوزخ در روز

رستاخیز منم.

۱۰۶۳. عنه ﷺ: أَنَا فَقَاتُ عَيْنِ الْفِتْنَةِ، وَلَوْلَا أَنَا مَا

۱۰۶۳. امام علی ﷺ: چشم فتنه را من برکندم. و اگر

من نبودم شورشیان نهروان و و فتنه گران

جمل کشته نمی شدند.

قُتِلَ أَهْلُ النَّهْرَوَانِ وَأَهْلُ الْجَمَلِ.^۳

۱۰۶۴. عنه ﷺ: أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ، وَأَنَا الصَّدِيقُ

۱۰۶۴. امام علی ﷺ: من بنده خدا و برادر پیامبر اویم.

من صدیق اکبر (برترین گواه) هستم. بعد از

من هر که این را بگوید دروغگو و مفتری

است.

الأكبر، لَا يَقُولُهَا بَعْدِي إِلَّا كَذَابٌ مُفْتَرٍ.^۴

۱۰۶۵. عنه ﷺ: أَنَا الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ، وَأَنَا الْفَارُوقُ

۱۰۶۵. امام علی ﷺ: من صدیق اکبرم. من فاروق

اولم. قبل از همه اسلام آوردم و قبل از

همه نماز گذارم.

الْأَوَّلُ، أَسَلَمْتُ قَبْلَ إِسْلَامِ النَّاسِ،

وَصَلَّيْتُ قَبْلَ صَلَاتِهِمْ.^۵

۱۰۶۶. عنه ﷺ: أَنَا الْهَادِي، وَأَنَا الْمُهْتَدِي، وَأَنَا أَبُو

۱۰۶۶. امام علی ﷺ: من رهنمایم، من رهیافته‌ام.

پدر یتیمان و مستمندانم، سرپرست بیوه

زنانم، پشت و پناه هر ناتوانی هستم و مأمن

هر وحشزده‌ای؛ من رهنمای مؤمنان به

سوی بهشت، ریسمان استوار خدایم،

حلقه و دستاویز محکم خدایم و کلمه تقوا؛

من چشم خدایم و زبان راستگوی او و

دست او.

الْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ، وَزَوْجُ الْأَرَامِلِ، وَأَنَا

مَلْجَأُ كُلِّ ضَعِيفٍ، وَمَأْمَنُ كُلِّ خَائِفٍ، وَأَنَا

قَائِدُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى الْجَنَّةِ، وَأَنَا حَبْلُ اللَّهِ

الْمَتِينُ، وَأَنَا عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى، وَكَلِمَةُ

التَّقْوَى، وَأَنَا عَيْنُ اللَّهِ، وَلِسَانُهُ الصَّادِقُ،

وَيَدُهُ.^۶

۱۰۶۷. عنه ﷺ: - وَقَدْ سَأَلَهُ بَعْضُ الْأَحْبَارِ: يَا أَمِيرَ

الْمُؤْمِنِينَ، فَنَبِيٌّ أَنْتَ؟ -: وَئِلَّاكَ! إِنَّمَا أَنَا

۱۰۶۷. امام علی ﷺ: - در پاسخ به یکی از احبار یهود

که پرسید: ای امیر مؤمنان! پس تو

پیامبری؟ - فرمود: وای بر تو! همانا من

۱. الکافی: ۱/۱۹۸/۳. ۲. تاریخ دمشق: ۴۲/۲۹۸.

۳. کشف الغمّة: ۱/۲۴۴. ۴. کز العمال: ۳۶۳۸۹.

۵. شرح نهج البلاغة: ۱/۳۰. ۶. التوحيد: ۱۶۴/۲.

عبدٌ من عبیدِ محمد ﷺ^۱.

غلامی از غلامان محمد ﷺ هستم.

۱۰۶۸. عنه ﷺ: أَنَا يَغْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَنَا أَوَّلُ السَّابِقِينَ، وَخَلِيفَةُ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَأَنَا قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَأَنَا صَاحِبُ الْأَعْرَافِ^۲.

۱۰۶۸. امام علی ﷺ: من مهتر مؤمنان هستم، من نخستین پیشگامان [در اسلام] هستم و جانشین فرستاده پروردگار جهانیان؛ من تقسیم کننده بهشت و دوزخم و من صاحب اعراف هستم.

۱۰۶۹. عنه ﷺ: أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ، وَأَنَا خَلِيفَةُ اللَّهِ، وَأَنَا صِرَاطُ اللَّهِ، وَأَنَا بَابُ اللَّهِ، وَأَنَا خَازِنُ عِلْمِ اللَّهِ، وَأَنَا الْمُؤْتَمَنُ عَلَى سِرِّ اللَّهِ، وَأَنَا إِمَامُ الْبَرِيَّةِ بَعْدَ خَيْرِ الْخَلِيقَةِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ ﷺ^۳.

۱۰۶۹. امام علی ﷺ: من حجّت خدایم، من خلیفه خدایم، من راه خدایم، من دروازه خدایم، من خزانهدار علم خدایم، من امین راز خدایم، من بعد از بهترین آفریدگان، محمد ﷺ، پیامبر رحمت، پیشوای مردمان هستم.

۱۰۷۰. عنه ﷺ: أَنَا خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَوَزِيرُهُ وَوَارِثُهُ، أَنَا أَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَوَصِيِّهُ وَحَبِيبُهُ، أَنَا صَفِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَصَاحِبُهُ، أَنَا ابْنُ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ وَزَوْجُ ابْنَتِهِ وَأَبُو وَلَدِهِ، أَنَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَوَصِيِّ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ، أَنَا الْحُجَّةُ الْعَظْمَى وَالْآيَةُ الْكُبْرَى وَالْمَثَلُ الْأَعْلَى وَبَابُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى، أَنَا الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَكَلِمَةُ التَّقْوَى وَأَمِينُ اللَّهِ - تَعَالَى ذِكْرُهُ - عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا^۴.

۱۰۷۰. امام علی ﷺ: من جانشین رسول خدا و وزیر و وارث او هستم؛ من برادر رسول خدا و وصی و دوست او هستم؛ من برگزیده رسول خدا و یار و همدم او هستم؛ من پسر عموی رسول خدا و داماد و پدر فرزندان او هستم؛ من سرور اوصیا و وصی سرور پیامبرانم؛ من حجّت عظمی و آیت کبری و نمونه والا و دروازه پیامبر مصطفی هستم؛ من دستاویز استوار و کلمه تقوا و امین خداوند متعال بر مردم دنیا هستم.

۱. التوحید: ۱۷۴/۳. ۲. بحار الأنوار: ۸/۳۳۶/۷.

۳. بحار الأنوار: ۳۹/۳۳۵/۱.

۴. بحار الأنوار: ۳۹/۳۳۵/۲.

۱۰۷۱. عنه علیه السلام - في وصف الناكب عنه علیه السلام :- أنا الذكرُ الذي عنه ضلَّ، والسَّيْلُ الذي عنه مالٌ، والإيمانُ الذي به كفرٌ، والقرآنُ الذي إتياءُه هجرٌ، والدِّينُ الذي به كذبٌ، والصراطُ الذي عنه نكَبٌ.^۱

۱۰۷۲. عنه علیه السلام: أنا عَيْنُ اللَّهِ، وأنا يَدُ اللَّهِ، وأنا جَنْبُ اللَّهِ، وأنا بَابُ اللَّهِ.^۲

۱۰۷۳. عنه علیه السلام: أنا أَوَّلُ مَنْ بَايَعَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله تحتَ الشَّجَرَةِ في قولِهِ: ﴿لقد رضيَ اللهُ عنِ

المؤمنينَ إذْ يبايعونَكَ تحتَ الشَّجَرَةِ﴾^۳. ۱۰۷۴. عنه علیه السلام: أنا الأذنُ الواعِيَةُ، يقولُ اللهُ عزَّ وجلَّ: ﴿وتَعِيَهَا أذنٌ واعِيَةٌ﴾^۴. ۵. ۶. *مرآتية كوتير علم*

۱۰۷۵. عنه علیه السلام: أنا أَوَّلُ مَنْ يَجْثُو لِلْخُصُومَةِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عزَّ وجلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۵

۱۰۷۶. عنه علیه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَوْلَاكَ يَا عَلِيُّ، مَا عُرِفَ الْمُؤْمِنُونَ مِنْ بَعْدِي.^۶

۱۰۷۷. عنه علیه السلام: بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَى أَهْلِ الْيَمَنِ لِأَقْضِيَ بَيْنَهُمْ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، بَعَثْتَنِي

۱۰۷۱. امام علی علیه السلام - در توصیف کسی که از او کناره گرفت - فرمود: من همان ذکر و یادی هستم که [او مرا] به فراموشی سپرد و همان راهی هستم که از آن منحرف شد و همان ایمانی هستم که بدان کفر ورزید و همان قرآنی هستم که ترکش کرد و همان دینی هستم که تکذیبش نمود و همان صراطی هستم که از آن کناره گرفت.

۱۰۷۲. امام علی علیه السلام: من چشم خدایم، من دست خدایم، من پهلوی خدایم، و من دروازه خدایم.

۱۰۷۳. امام علی علیه السلام: من نخستین کسی هستم که زیر درخت با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بیعت کرد و خدا فرمود: «خداوند از مؤمنان، آن گاه که زیر درخت با تو بیعت می کردند، خوشنود شد».

۱۰۷۴. امام علی علیه السلام: من همان گوش شنوایم که خداوند عز و جل می فرماید: «و گوشهای شنوا آن را در می یابند».

۱۰۷۵. امام علی علیه السلام: من نخستین کسی هستم که در روز قیامت برای دادخواهی [از دشمنان] در برابر خداوند عز و جل بر زانو می نشیند. ۱۰۷۶. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! اگر تو نبودی بعد از من مؤمنان شناخته نمی شدند.

۱۰۷۷. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مرا برای قضاوت به سوی مردم یمن فرستاد. عرض کردم: ای پیامبر خدا! مرا که جوان هستم و از

۱. الکافی: ۴/۲۸/۸. ۲. الکافی: ۸/۱۴۵/۱.

۳. الفتح: ۱۸. ۴. تفسیر نور الثقلین: ۵۰/۶۴/۵.

۵. الحاقه: ۱۲. ۶. تفسیر نور الثقلین: ۹/۴۰۲/۵.

۷. تاریخ دمشق: ۴۷۵/۴۲. ۸. کثر العمال: ۳۶۴۷۷.

وَأَنَا شَابٌّ لَا عِلْمَ لِي بِالْقَضَاءِ، فَضَرَبَ بِيَدِهِ
عَلَى صَدْرِي فَقَالَ: اللَّهُمَّ أَهْدِ قَلْبَهُ، وَسَدِّدْ
لِسَانَهُ، فَمَا شَكَّكَتُ فِي قَضَاءِ بَيْنِ اثْنَيْنِ
حَتَّى جَلَسْتُ مَجْلِسِي هَذَا.^۱

۱۰۷۸. عنه: كُنْتُ إِذَا سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ
أَعْطَانِي، وَإِذَا سَكَّتُ ابْتَدَأَنِي.^۲

۱۰۷۹. عنه: لَقَدْ عَلِمَ الْمُسْتَحْفَظُونَ مِنْ
أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ ﷺ أَنِّي لَمْ أُرَدَّ عَلَى اللَّهِ وَلَا
عَلَى رَسُولِهِ سَاعَةً قَطُّ، وَلَقَدْ وَاسَيْتُهُ
بِنَفْسِي فِي الْمَوَاطِنِ الَّتِي تَنْكُصُ فِيهَا
الْأَبْطَالُ وَتَتَأَخَّرُ فِيهَا الْأَقْدَامُ، نَجْدَةً
أَكْرَمَنِي اللَّهُ بِهَا.^۳

۱۰۸۰. عنه: مَا كَذَبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ، وَلَا ضَلَلْتُ
وَلَا ضُلُّ بِي.^۴

۱۰۸۱. عنه: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ
وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾^۵:- رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمُنذِرُ،
وَأَنَا الْهَادِي.^۶

۱۰۸۲. عنه: زَعَمَ ابْنُ النَّابِغَةِ أَنِّي تَلْعَابَةٌ تَفْزَاحَةُ
ذُو دُعَابَةٍ، أَعَافِسُ وَأُمَارِسُ، هَيْهَاتَ أ

دانش قضاوت ناآگاه، می فرستی؟ پیامبر
دست به سینه من زد و فرمود: «خدایا! قلب
او را هدایت کن و زبانش را استوار بدار
(حکم حق را بر زبانش جاری گردان)». از
آن پس تا کنون که این جا نشسته‌ام در
قضاوت میان دو نفر، هرگز دچار شک و
تردید نگشتم.

۱۰۷۸. امام علی: هرگاه از پیامبر خدا می پرسیدم
به من پاسخ می داد و چون خاموش
می ماندم، با من سر سخن را می گشود.

۱۰۷۹. امام علی: یاران رازدار محمد ﷺ می دانند
که من حتی لحظه‌ای خدا و پیامبر او را
مخالفت نکردم. در جاهایی پیامبر را با
جان خود یاری رساندم که دلیران
می گریزند و گامها واپس می رود. این
شجاعت و مردانگی را خداوند به من
ارزانی داشت.

۱۰۸۰. امام علی: دروغ نگفتم و دروغ به من گفته
نشده است؛ و گمراه نشده‌ام و گمراه نکردم.

۱۰۸۱. امام علی: در تفسیر آیه «هَمَانَا تَوْبِيم»
دهنده هستی و هر قومی را هدایت‌گری
است. فرمود: بیم‌دهنده پیامبر خداست و
هدایت‌گر منم.

۱۰۸۲. امام علی: پسر نابغه (عمر و عاص) گفته
است که من آدمی مزاح و بسیار شوخ و
بذله گویم و دست و پنجه نرم می‌کنم ولی
گویی به بازی. هیئات! ترس از مرگ و یاد

۱. كنز العمال: ۳۶۳۸۶. ۲. كنز العمال: ۳۶۳۸۷.

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۷. ۴. نهج البلاغة: الحكمة ۱۸۵.

۵. الرعد: ۷. ۶. كنز العمال: ۴۴۴۳.

يَمْنَعُنِي مِنْ ذَلِكَ خَوْفُ الْمَوْتِ وَذِكْرُ الْبَعْثِ
وَالْحِسَابِ.^۱

قیامت و حسابرسی، مرا از این کارها باز
می‌دارد.

۱۰۸۳. عنه علیه السلام - من خُطِبَ لَهُ فِي الْيَوْمِ الثَّانِي مِنْ
بَيْعَتِهِ - : إِنَّمَا أَنَا رَجُلٌ مِنْكُمْ، لِي مَا لَكُمْ،
وَعَلَيَّ مَا عَلَيْكُمْ.^۲

۱۰۸۳. امام علی علیه السلام - در خطبه‌ای که روز دوم
خلافتش ایراد کرد - فرمود: من هم، یکی
از شما هستم. هر حقی که برای شماست،
برای من نیز هست و هر وظیفه‌ای بر عهده
شماست، بر عهده من نیز هست.

۱۰۸۴. عنه علیه السلام : مَا ضَلَلْتُ وَلَا ضَلُّ بِي، وَمَا نَسِيتُ
مَا عَاهَدَ إِلَيَّ، وَإِنِّي لَعَلِي بَيْنَهُ مِنْ رَبِّي بَيِّنَاتُهَا
لِنَبِيِّهِ صلی الله علیه و آله وَبَيْنَهَا لِي، وَإِنِّي لَعَلِي الطَّرِيقُ.^۳

۱۰۸۴. امام علی علیه السلام : گمراه نشدم و کسی را گمراه
نکردم. آنچه به من سفارش شد از یاد نبردم.
من از طرف پروردگار خود بینه‌ای دارم که
آن را برای پیامبرش روشن ساخت و برای
من تبیین نمود. من در راه [راست] هستم.

۱۰۸۵. عنه علیه السلام : لَمْ تَكُنْ بَيِّعْتُكُمْ إِيَّايَ فَلْتَنَّهُ، وَلَيْسَ
أَمْرِي وَأَمْرُكُمْ وَاحِدًا، إِنِّي أُرِيدُكُمْ لِلَّهِ، وَأَنْتُمْ
تُرِيدُونَنِي لِأَنْفُسِكُمْ. أَيُّهَا النَّاسُ، أَعِينُونِي
عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَأَيُّمُ اللَّهُ لَأَنْصِفَنَّ الْمَظْلُومَ
مِنْ ظَالِمِهِ، وَلَا قُوَّةَ لِلظَّالِمِ بِخِزَامَتِهِ، حَتَّى
أُورِدَهُ مِنْهَلِ الْحَقِّ وَإِنْ كَانَ كَارِهًا.^۴

۱۰۸۵. امام علی علیه السلام : بیعت شما با من، نامنتظره
(بی‌اندیشه) نبود، و کار من و شما یکسان
نیست. من شما را برای خدا می‌خواهم و
شما مرا برای خودتان می‌خواهید.

ای مردم! مرا به خاطر خودتان یاری
رسانید. به خدا سوگند که داد ستم‌دیده را
از ستمکار می‌ستانم و ستمگر را به مهاری
سخت می‌کشانم، تا او را به آبشخور حق
درآورم، هر چند خود نخواهد.

۱۰۸۶. عنه علیه السلام : وَاللَّهِ، لَأَنْ أُبَيِّتَ عَلَى حَسَكِ
السَّعْدَانِ مُسَهَّدًا أَوْ أُجَرَّ فِي الْأَغْلَالِ
مُصَفَّدًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمًا ...

۱۰۸۶. امام علی علیه السلام : به خدا سوگند اگر شب را بر
روی اشتر خار تا صبح بیدار مانم و مرا در
کُند و زنجیرها کت بسته بکشند خوش‌تر
دارم از این که در روز رستاخیز، خدا و
پیامبرش را با عنوان ستمکار دیدار کنم...

وَاللَّهِ، لَوْ أُعْطِيتُ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا
تَحْتَ أَفْلَاكِهَا عَلَى أَنْ أُعْصِيَ اللَّهَ فِي نَعْلَةٍ

به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با آنچه
زیر آسمانهای آنهاست به من دهند تا با

۱. نهج السعادة: ۸۷/۲. ۲. شرح نهج البلاغة: ۳۶/۷.

۳. كنز العمال: ۳۶۴۹۹. ۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۳۶.

أَسْلَبَهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ ۱.

۱۰۸۷. عنه: إِنَّمَا مَثَلِي بَيْنَكُمْ كَالسُّرَّاجِ فِي

الظُّلْمَةِ، يَسْتَضِيءُ بِهَا مَنْ وَلَجَهَا ۲.

۱۰۸۸. عنه: أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ -: مَا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي ۳.

۱۰۸۹. عنه: مَا أَنْكَرْتُ اللَّهَ تَعَالَى مُنْذُ عَرَفْتُهُ ۴.

۱۰۹۰. عنه: مَا شَكَّكْتُ فِي الْحَقِّ مُذْ أَرَيْتُهُ ۵.

۱۰۹۱. الإمام الباقر: قُرِئَ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾ إِلَى أَنْ بَسَلَغَ

قَوْلُهُ: ﴿وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا﴾ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ

أَخْبَارَهَا ۶ قَالَ: أَنَا الْإِنْسَانُ، إِتَيَّيْتُ تُحَدِّثُ

أَخْبَارَهَا ۷.

(انظر) الدنيا: باب ۱۲۳۳.

الأدب: باب ۷۰.

گرفتن پوست جوی از دهان مورچه‌ای

خدا را نافرمانی کنم چنین نخواهم کرد.

۱۰۸۷. امام علی: همانا حکایت من در میان

شما همچون چراغ در تاریکی است که هر

کس به حریم آن درآید از نور آن روشنایی

می‌گیرد.

۱۰۸۸. امام علی: همواره - می‌فرمود: خداوند

عزوجل را آیه‌ای (و نشانه‌ای) بزرگتر از

من نیست.

۱۰۸۹. امام علی: از آن زمان که خداوند متعال

را شناختم، انکارش نکرده‌ام.

۱۰۹۰. امام علی: از آن زمان که حق به من

نموده شد، در آن تردید نکرده‌ام.

۱۰۹۱. امام باقر: در حضور امیرالمؤمنین

سوره «زلزله» تلاوت شد: «آن گاه که

زمین به زلزله [واپسین] خود بلرزد» تا آیه

«و انسان می‌گوید: زمین را چه شده است؟

در چنین روزی، زمین خبرهایش را باز

می‌گوید». حضرت فرمود: آن انسان منم،

زمین خبرهایش را به من می‌دهد.

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۲۲۴.

۲. غرر الحکم: ۳۸۸۳. ۳. الکافی: ۱/۲۰۷/۳.

۳. غرر الحکم: ۹۴۸۱. ۵. غرر الحکم: ۹۴۸۲.

۶. الزلزلة: ۱ و ۳ و ۴.

۷. الخرائج و الجرائح: ۱/۱۷۷/۱۰.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

اميرة فاطمة

مادامان، فاطمة



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٢/٢٣٦-٢٣٦ تاريخ سيده نساء العالمين.

كنز العمال: ١٣/٦٧٤-٦٨٧.

انظر:

عنوان ٢٥٨ والشبه.

۱۹۳

أَسْمَاءُ فَاطِمَةَ

۱۰۹۲. رسول الله ﷺ: إِنَّمَا سُمِّيَتْ ابْنَتِي فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَطَعَهَا وَقَطَعَ مَنْ أَحَبَّهَا مِنَ النَّارِ.^۱

۱۰۹۳. الإمام الصادق ﷺ: لِفَاطِمَةَ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا تِسْعَةُ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: فَاطِمَةُ وَالصَّدِيقَةُ وَالْمُبَارِكَةُ وَالطَّاهِرَةُ وَالزَّكِيَّةُ وَالرَّضِيَّةُ وَالْمَرْضِيَّةُ وَالْمَحْدَثَةُ وَالزَّهْرَاءُ.^۲

۱۰۹۴. معاني الأخبار عن عَمَّارَةَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ عَنْ فَاطِمَةَ لِمَ سُمِّيَتْ زَهْرَاءَ؟ فَقَالَ: لِأَنَّهَا كَانَتْ إِذَا قَامَتْ فِي مُحْرَابِهَا زَهَرَ نُورُهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ.^۳

۱۹۴

فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنَ النَّبِيِّ

۱۰۹۵. رسول الله ﷺ: فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، مَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي وَمَنْ سَاءَ مَا فَقَدْ سَاءَ نِي،

۱۹۳

نام‌های حضرت فاطمه

۱۰۹۲. پیامبر خدا ﷺ: دخترم به این دلیل فاطمه نامیده شده است که خداوند عز و جل او و دوستانش را از آتش [دوزخ] به دور داشته است.

۱۰۹۳. امام صادق ﷺ: فاطمه، در نزد خداوند عز و جل نه اسم دارد: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، رضیه، مرضیه، محدثه، و زهراء.

۱۰۹۴. معانی الأخبار - به نقل از عماره -: از حضرت صادق ﷺ پرسیدم: چرا فاطمه را زهراء (درخشان) نامیده‌اند؟ حضرت فرمود: چون وقتی در محرابش به نماز می‌ایستاد، نور او برای اهل آسمان چنان می‌درخشید که نور ستارگان برای اهل زمین می‌درخشید.

۱۹۴

فاطمه، پاره تن پیامبر

۱۰۹۵. پیامبر خدا ﷺ: فاطمه پاره تن من است، هر که او را شاد سازد مرا شاد ساخته و هر

۱. الأمالی للطوسی: ۲۹۴/۵۷۱.

۲. الأمالی للصدوق: ۴۷۴/۱۸.

۳. معانی الأخبار: ۶۴/۱۵.

فاطمة أعزُّ النَّاسِ عَلَيَّ.^۱

۱۰۹۶. عنه عليه السلام: إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي، وَهِيَ نُورٌ عَيْنِي، وَثَمَرَةُ فُؤَادِي، يَسُوؤُنِي مَا سَاءَ هَا، وَيُسْرُنِي مَا سَرَّهَا، وَإِنِّهَا أَوَّلُ مَنْ يَلْحَقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي.^۲

۱۹۵

فَاطِمَةُ عليها السلام سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

۱۰۹۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعًا: مَرْيَمَ، وَآسِيَةَ، وَخَدِيجَةَ، وَفَاطِمَةَ.^۳

۱۹۵

فاطمه عليها السلام، سرور زنان عالم است

۱۰۹۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خداوند متعال از میان زنان چهار تن را برگزید: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه.

۱۰۹۸. عنه عليه السلام: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ بَعْدِي وَبَعْدَ أَبِيهِمَا، وَأُمُّهُمَا أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْأَرْضِ.^۴

۱۰۹۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: حسن و حسین، بعد از من و پدرشان، بهترین مردم روی زمین هستند و مادرشان برترین زنان زمین است.

۱۰۹۹. عنه عليه السلام: ابْنَتِي فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.^۵

۱۰۹۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: دخترم فاطمه، سرور زنان عالم است.

۱۱۰۰. عنه عليه السلام: فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ.^۶

۱۱۰۱. عنه عليه السلام: أَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.^۷

۱۱۰۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: فاطمه، سرور زنان اهل بهشت است.

۱۱۰۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: اما دخترم فاطمه، او سرور زنان عالم، از پیشینیان و پسینیان است.

۱. بحار الأنوار: ۴۳ / ۲۳ / ۱۷.

۲. الأمالي للصدوق: ۵۷۵ / ۷۸۷.

۳. بحار الأنوار: ۴۳ / ۱۹ / ۳. ۴. بحار الأنوار: ۴۳ / ۱۹ / ۵.

۵. بحار الأنوار: ۴۳ / ۲۲ / ۱۳.

۶. مستدرك حنبل: ۸۰ / ۳.

۷. الأمالي للصدوق: ۱۷۵ / ۱۷۸.

۱۹۶

غَضَبُ اللَّهِ لِعَظْبِ فَاطِمَةَ

۱۱۰۲. رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِعَظْبِ فَاطِمَةَ، وَيَرْضَى لِرِضَاهَا.^۱

۱۱۰۳. عنه ﷺ - لِفَاطِمَةَ - : إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعَظْبِكَ، وَيَرْضَى لِرِضَاكَ.^۲

۱۹۷

فِي مُصِيبَةِ فَاطِمَةَ

۱۱۰۴. الإمام علي ﷺ - عِنْدَ دَفْنِ فَاطِمَةَ - : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَعَنْ ابْنَتِكَ النَّازِلَةِ فِي جِوَارِكَ وَالسَّرِيعَةِ اللَّحَاقِ بِكَ. قُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي، وَرَقُّ عَنَّا تَجَلُّدِي؛ إِلَّا أَنْ لِي فِي النَّأْسِي بِعَظِيمِ فُرْقَتِكَ وَفَادِحِ مُصِيبَتِكَ مَوْضِعَ تَعَزُّ؛ فَلَقَدْ وَسَدْتُكَ فِي مَلْحُودَةِ قَبْرِكَ، وَفَاضَتْ بَيْنَ نَحْرِي وَصَدْرِي نَفْسُكَ. فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. فَلَقَدْ اسْتَرْجَعَتِ الْوَدِيعَةُ، وَأَخَذَتِ الرَّهْيْنَةَ. أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ، وَأَمَّا لَيْلِي فَمُسْهَدٌ إِلَى أَنْ يَخْتَارَ اللَّهُ لِي دَارَكَ الَّتِي أَنْتَ بِهَا مُقِيمٌ. وَسَتُنَبِّئُكَ ابْنَتُكَ بِتَضَافُرِ

۱۹۶

خشم خدا با خشم فاطمه

۱۱۰۲. پیامبر خدا ﷺ: خداوند با خشم فاطمه، به خشم می آید و با خشنودی او خشنود می شود.

۱۱۰۳. پیامبر خدا ﷺ - به فاطمه - فرمود: خداوند با خشم تو به خشم می آید و با خشنودی تو خشنود می شود.

۱۹۷

در مصیبت حضرت فاطمه

۱۱۰۴. امام علی ﷺ - هنگام خاکسپاری فاطمه - فرمود: سلام بر تو - ای رسول خدا - از من و دخترت، که در کنارت آرمیده و زودتر [از دیگران] به تو رسیده. ای رسول خدا! از جدایی دردانه دخترت صبرم لبریز گشته و تاب توان از کفم رفته است. اما، یادآوری فراق جانگداز تو و مصیبت بزرگ از دست رفتن تو در این هنگام، مایه تسکای من است؛ زیرا هرگز از یاد نمی برم آن لحظاتی را که سرت به سینه من بود و در آغوش من جان دادی و من با دست خود سرت را بر سنگ آرامگاهت نهادم. همه ما از آن خداییم و همگی به سوی او باز می گردیم. اینک امانتی [که به من سپرده بودی] بازگردانیده شد و گروگان دریافت

أَمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا فَأَحْفِهَا السُّؤَالَ
وَأَسْتَخِيرُهَا الْحَالَ. هَذَا وَلَمْ يَطْلُ الْعَهْدُ وَلَمْ
يَخْلُ مِنْكَ الذِّكْرُ. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمَا سَلَامٌ
مُودَعٍ لَا قَالٍ وَلَا سَتِيمٍ. فَإِنْ أَنْصَرِفَ فَلَا عَنْ
مَلَالَةٍ، وَإِنْ أَقِمَ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ
اللَّهُ الصَّابِرِينَ.^۱

شد. اما از این پس، اندوه من [از غم فراق شما] همیشگی خواهد بود و شبهایم به بیداری خواهد گذشت، تا آن گاه که خداوند سرایی را که تو در آنی، برایم برگزیند. بزودی دخترت تو را از ستمها و حق کشیهایی که امتت، همداستان، در حق او روا داشتند، آگاه خواهد ساخت. همه وقایع را از او بپرس و اخبار اوضاع و احوال را از وی جویا شو. این ستمها در حالی شد که هنوز از رفتن تو مدتی نگذشته، و یادت از میان نرفته بود. بدرودتان باد، بدرودی وداع گونه، نه از سر نفرت و بیزاری. پس اگر از نزد شما بروم، به سبب ملال و بی علاقه‌گی نیست و چنانچه بمانم نه از آن روست که به آنچه خداوند به شکیبایان وعده داده است، بدگمانم.





مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



الحسنان^{٢٣} عليه السلام

حسين^{عليه السلام}



مركز بحوث الكمبيوتر وعلوم إرسودي

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٢٣٧/٢٣ وأبواب تاريخ الإمامين الهمامين الحسن والحسين (عليه السلام).

كنز العمال: ١٣/٦٥٨-٦٧١ وفضل الحسين (عليه السلام).

تاريخ دمشق و ترجمة الإمام الشهيد الحسين بن علي (عليه السلام).

۱۹۸

نامگذاری آن دو بزرگوار

۱۱۰۵. بحار الأنوار - به نقل از أسماء بنت عمیس -:

پیامبر خدا ﷺ به علی ﷺ فرمود: فرزندم را چه نامیده‌ای؟ عرض کرد: ای رسول خدا! در نامگذاری او بر شما سبقت نمی‌جویم، ولی دوست داشتم نام او را حرب بگذارم. پیامبر ﷺ فرمود: من نیز در نامگذاری او بر پروردگار عزوجل سبقت نمی‌جویم.

۱۱۰۶. امام زین العابدین ﷺ: هنگامی که فاطمه ﷺ

حسن ﷺ را به دنیا آورد، به علی ﷺ گفت: برایش نامی بگذار. علی ﷺ فرمود: من پیش از پیامبر خدا نامی روی او نمی‌گذارم. پیامبر خدا ﷺ آمد ... سپس به علی ﷺ فرمود: آیا برایش اسم گذاشته‌ای؟ عرض کرد: در نامگذاری او بر شما پیشدستی نمی‌کنم. پیامبر فرمود: من نیز در نامگذاری او بر پروردگارم پیشدستی نمی‌کنم.

پس، خدای تبارک و تعالی به جبرئیل وحی فرمود که برای محمد فرزندی زاده شده است. برو و به او سلام برسان و تبریک گفته، بگو: علی برای تو همچون هارون است برای موسی؛ پس، نام فرزند هارون را بر او بگذار. جبرئیل ﷺ فرود آمد و پس از ابلاغ [سلام و] تبریک خداوند عزوجل گفت: خداوند عزوجل به تو دستور می‌دهد که نام فرزند هارون را بر این نوزاد بگذاری.

۱۹۸

تسمیتُهُما

۱۱۰۵. بحار الأنوار عن أسماء بنت عمیس: قال

[رسول الله ﷺ] لعلی ﷺ: بأي شيء سَمَّيتَ

ابني؟ قال: ما كنتُ أَسْبِقُكَ بِاسْمِهِ يَا

رسول الله، قد كنتُ أَحِبُّ أَنْ أَسْمِيَهُ حَرْبًا،

فقال النبي ﷺ: ولا أَسْبِقُ أَنَا بِاسْمِهِ رَبِّي.

۱۱۰۶. الإمام زین العابدین ﷺ: لَمَّا وَلَدَتْ فَاطِمَةُ

الْحَسَنَ ﷺ قَالَتْ لِعَلِيٍّ ﷺ: سَمِّهِ، فَقَالَ: كَيْفَ

مَا كُنْتُ لِأَسْبِقَ بِاسْمِهِ رَسُولَ اللَّهِ،

فجاء رسول الله ﷺ ... ثُمَّ قَالَ لِعَلِيٍّ ﷺ:

هَلْ سَمَّيْتَهُ؟ فَقَالَ: مَا كُنْتُ لِأَسْبِقُكَ

بِاسْمِهِ، فَقَالَ ﷺ: وَمَا كُنْتُ لِأَسْبِقَ

بِاسْمِهِ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ.

فأوحى الله تبارك وتعالى إلى جبرئيل

أنَّهُ قَدْ وُلِدَ لِمُحَمَّدٍ ابْنٌ، فَاهْبِطْ وَأَقْرِنْهُ

السَّلَامَ وَهَنَّهُ وَقُلْ لَهُ: إِنَّ عَلِيًّا مِنْكَ بِمَنْزِلَةِ

هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَسَمِّهِ بِاسْمِ ابْنِ

هارون. فَهَبَطَ جَبْرئیلُ ﷺ فَهَنَأَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تَسْمِيَهُ بِاسْمِ ابْنِ هَارُونَ.

قَالَ: وَمَا كَانَ اسْمُهُ؟ قَالَ: شَبِيرٌ، قَالَ: لِسَانِي عَرَبِيٌّ، قَالَ: سَمِّهِ الْحَسَنَ، فَسَمَّاهُ الْحَسَنَ.

فَلَمَّا وُلِدَ الْحُسَيْنُ ﷺ ... هَبَطَ جَبْرئیلُ ﷺ فَهَنَأَهُ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا مِنْكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَسَمِّهِ بِاسْمِ ابْنِ هَارُونَ، قَالَ: وَمَا اسْمُهُ؟ قَالَ: شَبِيرٌ، قَالَ: لِسَانِي عَرَبِيٌّ، قَالَ: سَمِّهِ الْحُسَيْنَ، فَسَمَّاهُ الْحُسَيْنَ.^۱

۱۱۰۷. الإمامُ عَلِيُّ ﷺ: لَمَّا وُلِدَ الْحَسَنُ سَمَّيْتُهُ حَرْبًا، فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: أَرُونِي ابْنِي، مَا سَمَّيْتُمُوهُ؟ فَقُلْتُ: سَمَّيْتُهُ حَرْبًا، فَقَالَ: بَلْ هُوَ حَسَنٌ. فَلَمَّا وُلِدَ حُسَيْنٌ سَمَّيْتُهُ حَرْبًا، فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: أَرُونِي ابْنِي، مَا سَمَّيْتُمُوهُ؟ فَقُلْتُ: سَمَّيْتُهُ حَرْبًا، فَقَالَ: بَلْ هُوَ حُسَيْنٌ.^{۲، ۳}

(انظر) تاریخ دمشق: ۱۱۷/۱۲-۱۱۹.

۱. الأملی للصدوق: ۲۰۹/۱۹۷.

۲. کنز العمال: ۳۷۶۷۶.

۳. بالتأمل في الروایتین الأولى والثانية من هذا الباب يتضح أن ما ورد في هذه الرواية عن الإمام علي ﷺ وأنه سَمَى الحسین حرباً ليس صحيحاً.

پیامبر پرسید: نام فرزند هارون چه بود؟ جبرئیل گفت: شَبِير. پیامبر فرمود: زبان من عربی است. جبرئیل گفت: او را حسن بنام. و پیامبر هم او را حسن نامید.

و چون حسین ﷺ به دنیا آمد ... جبرئیل ﷺ فرود آمد و پس از رساندن تبریک خداوند تبارک و تعالی عرض کرد: علی برای تو مانند هارون است برای موسی؛ پس، این نوزاد را به نام فرزند هارون نامگذاری کن. پیامبر پرسید: نام او چیست؟ جبرئیل گفت: شَبِير. پیامبر فرمود: زبان من عربی است. جبرئیل گفت: او را حسین بنام. پیامبر هم نام او را حسین گذاشت.

۱۱۰۷. امام علی ﷺ: هنگامی که حسن متولد شد، نام او را حرب گذاشتم. پیامبر خدا ﷺ آمد و فرمود: فرزندم را به من نشان دهید، نامش را چه نهاده‌اید؟ عرض کردم: نام او را حرب گذاشتم. فرمود: نه، نامش حسن باشد. و چون حسین متولد شد، او را حرب نامیدم. پیامبر خدا ﷺ آمد و فرمود: فرزندم را به من نشان دهید، نام او را چه گذاشته‌اید؟ عرض کردم: او را حرب نامیده‌ام. فرمود: نه، نامش را حسین بگذارید.^۱

۱. با تأمل در روایت اول و دوم این باب روشن می‌شود که آن چه در این روایت از امام علی ﷺ نقل شده که ایشان نام حسین را «حرب» گذاشته‌اند صحیح نیست.

۱۹۹

سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ

۱۱۰۸. رسول الله ﷺ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَأَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا.^۱

۱۱۰۹. عنه ﷺ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ

أَهْلِ الْجَنَّةِ.^۲

۱۹۹

دو سرور جوانان بهشت

۱۱۰۸. پیامبر خدا ﷺ: حسن و حسین دو سرور

جوانان بهشت هستند و پدرشان از آن دو
بهتر است.

۱۱۰۹. پیامبر خدا ﷺ: حسن و حسین دو سرور

جوانان بهشتند.

۲۰۰

حُبُّ الْحَسَنِينِ

۱۱۱۰. رسول الله ﷺ: مَنْ كَانَ يُحِبُّنِي فَلْيُحِبِّ

ابْنَيْ هَذَيْنِ، فَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِحُبِّهِمَا.^۳

۱۱۱۱. عنه ﷺ: اللَّهُمَّ أَحِبِّ حَسَنًا وَحُسَيْنًا وَأَحِبِّ

مَنْ يُحِبُّهُمَا.^۴

۱۱۱۰. پیامبر خدا ﷺ: هر که مرا دوست دارد، باید

این دو پسر را نیز دوست بدارد؛ زیرا
خداوند مرا به دوست داشتن آن دو فرمان
داده است.

۱۱۱۱. پیامبر خدا ﷺ: بار خدایا! حسن و حسین را

دوست بدار و دوستداران آن دو را نیز
دوست بدار.

۱۱۱۲. پیامبر خدا ﷺ: هر که حسن و حسین را

دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر که
آنان را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته
است.

۲۰۱

نَحْلَةُ النَّبِيِّ لِلْحَسَنِينِ

۱۱۱۳. رسول الله ﷺ: أَمَّا الْحَسَنُ فَإِنَّ لَهُ هَيْبَتِي

وَسُؤْدَدِي، وَأَمَّا الْحُسَيْنُ فَإِنَّ لَهُ شَجَاعَتِي

هدیه پیامبر به حسنین

۱۱۱۳. پیامبر خدا ﷺ: اِبْهَتْ وَأَقَائِي مَنْ أَرَانِ

حسن است، و شجاعت و بخشنندگی ام از

۲۰۱

۱. بحار الأنوار: ۴۳ / ۲۶۳ / ۸.

۲. كنز العمال: ۳۷۶۸۲. ۳. بحار الأنوار: ۴۳ / ۲۷۰ / ۳۰.

۴. بحار الأنوار: ۴۳ / ۲۸۱ / ۴۸.

۵. الأمالي للطوسي: ۲۵۱ / ۴۴۶.

وَجُودِي^۱.

آنِ حسین.

۱۱۱۲. عَنْهُ: أَمَّا الْحَسَنُ فَأَنْحَلُهُ الْهَيْبَةَ وَالْجِلْمَ،
وَأَمَّا الْحُسَيْنُ فَأَنْحَلُهُ الْجُودَ وَالرَّحْمَةَ^۲.

۱۱۱۵. كُنْزُ الْعُقَالِ عَنْ زَيْنَبَ بِنْتِ أَبِي رَافِعٍ عَنْ
فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: أَنَّهَا أَتَتْ أَبَاهَا
بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فِي شَكْوَاهُ الَّتِي مَاتَ
فِيهَا، فَقَالَتْ: تَوَرَّثَهُمَا يَا رَسُولَ اللَّهِ شَيْئاً؟
فَقَالَ: أَمَّا الْحَسَنُ فَلَهُ هَيْبَتِي وَسُودَدِي،
وَأَمَّا الْحُسَيْنُ فَلَهُ جُرْأَتِي وَجُودِي^۳.

۱۱۱۲. پیامبر خدا ﷺ: به حسن، هیبت و بردباری
می بخشم و به حسین جود و مهربانی.

۱۱۱۵. کنز العقال: از زینب دختر ابو رافع، درباره
فاطمه دخت پیامبر خدا ﷺ نقل شده است
که وقتی پدر بزرگوارش در بیماری ای که
به فوت آن حضرت انجامید، افتاده بود،
حسن و حسین را خدمت آن حضرت برد
و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا برای این
دو، چیزی بیه ارث می گذاری؟ پیامبر
فرمود: هیبت و آقایی خود را به حسن دادم
و دلیری و جودم را به حسین.

۲۰۲

إِمَامَةُ الْحَسَنِينِ ﷺ

۲۰۲

امامت حسنین ﷺ

۱۱۱۶. بحار الأنوار - به نقل از ابن شهر آشوب -:
دلیل بر امامت حسنین، نص پیامبر ﷺ بر
امامت دوازده امام است که هر دو فرقه و
دسته مخالف و جدا از هم آن را روایت
کرده اند.

دلیل دیگر بر امامت آن دو بزرگوار این
است که آمدند و ادعای امامت کردند و در
زمان آنان کسی جز معاویه و یزید چنین
ادعایی نداشت که آنها هم فسق و بلکه
کفرشان ثابت است. پس، لازم می آید که
امامت تنها از آن حسن و حسین باشد.

۱۱۱۶. بحار الأنوار عن ابن شهر آشوب: يُسْتَدَلُّ
عَلَى إِمَامَتِهِمَا بِمَا رَوَاهُ الطَّرِيقَانِ
الْمُخْتَلِفَانِ، وَالطَّائِفَتَانِ الْمُتَبَايِنَتَانِ مِنْ نَصِّ
النَّبِيِّ ﷺ عَلَى إِمَامَةِ الْاِثْنَيْ عَشَرَ ...

وَيُسْتَدَلُّ أَيْضاً بِمَا قَدْ ثَبَتَ بِأَنَّهُمَا
خَرَجَا وَادَّعَيَا، وَلَمْ يَكُنْ فِي زَمَانِهِمَا غَيْرُ
مَعَاوِيَةَ وَيَزِيدَ، وَهَمَا قَدْ ثَبَتَ فِسْقُهُمَا، بَلْ
كُفْرُهُمَا، فَيَجِبُ أَنْ تَكُونَ الْإِمَامَةُ لِلْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ.

۱. بحار الأنوار: ۴۳ / ۲۶۳ / ۱۰.

۲. بحار الأنوار: ۴۳ / ۲۶۴ / ۱۲.

۳. كنز العقال: ۳۷۷۰۹.

وَيُسْتَدَلُّ أَيْضاً بِإِجْمَاعِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ،
لَأَنَّهُمْ أَجْمَعُوا عَلَى إِمَامَتِهِمَا وَإِجْمَاعُهُمْ
حُجَّةٌ.

وَيُسْتَدَلُّ بِالْخَبَرِ الْمَشْهُورِ أَنَّهُ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
إِبْنَايَ هَذَانِ إِمَامَانِ قَامَا أَوْ قَعَدَا.^۱

اجماع اهل بیت علیهم السلام نیز دلیل است؛ زیرا
آنان بر امامت حسنین اجماع دارند و
اجماع ایشان حجت است.

همچنین دلیل دیگر، این خبر مشهور
است که علی علیه السلام فرمود: این دو فرزند من
امام هستند، چه برخیزند و چه بنشینند.



مرکز تحقیقات و پژوهش در علوم اسلامی



الإمام الحسن بن علي

امام حسن مجتبی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ۳۲۲/۴۳-۳۵۹، ۴۴/۱-۱۷۳، تاريخ الإمام الحسن عليه السلام.

بحار الأنوار: ۴۴/۱-۶۹، صلح الإمام وعلمته.

كنز العمال: ۱۳/۶۴۶-۶۵۴، الحسن عليه السلام.

۲۰۳

النَّصُّ عَلَى إِمَامَتِهِ

۱۱۱۷. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَمَّا حَضَرَهُ الَّذِي حَضَرَهُ قَالَ لِابْنِهِ الْحَسَنِ: أَدْنُ مِنِّي حَتَّى أُسِرَّ إِلَيْكَ مَا أُسِرَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِلَيَّ، وَأَتَمِّنَكَ عَلَى مَا أَتَمِّنُنِي عَلَيْهِ، فَفَعَلَ^۱.

۱۱۱۸. الكافي عن سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ: شَهِدْتُ وَصِيَّةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام حِينَ أَوْصَى إِلَى ابْنِهِ الْحَسَنِ عليه السلام وَأَشْهَدَ عَلَى وَصِيَّتِهِ الْحَسِينَ عليه السلام وَمُحَمَّدًا وَجَمِيعَ وَلَدِهِ وَرُؤَسَاءِ شِيعَتِهِ وَأَهْلَ بَيْتِهِ، ثُمَّ دَفَعَ إِلَيْهِ الْكِتَابَ وَالسَّلَاحَ^۲.
(انظر الكافي: ۱ / ۲۹۷ باب الإشارة والنص على الحسن بن علي عليه السلام،

بحار الأنوار: ۲۳ / ۳۲۲ باب ۱۴.

۲۰۳

حَسَنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ

۱۱۱۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: حَسَنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، أَحَبُّ إِلَهِ مَنْ أَحَبَّهُ، الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سِبْطَانِ

۱. الكافي: ۱ / ۲۹۸ / ۲.

۲. الكافي: ۱ / ۲۹۷ / ۱.

۲۰۳

تصريح به امامت آن بزرگوار

۱۱۱۷. امام باقر عليه السلام: چون وفات امیرالمؤمنین صلوات الله عليه فرا رسید، به فرزندش حسن فرمود: نزدیک من آی تا رازی را که پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به من گفت به تو بگویم و آنچه را به من امانت سپرد به تو بسپارم. سپس، این کار را کرد.

۱۱۱۸. الكافي - به نقل از سلیم بن قیس -: زمانی که امیرالمؤمنین عليه السلام به فرزند خود حسن عليه السلام وصیت می کرد، من حاضر بودم. او حسین عليه السلام و محمد [بن حنفیه] و همه فرزندان خود و سران شیعیانش، و خانواده خویش را بر وصیتش گواه گرفت، آن گاه کتاب و سلاح را به او تحویل داد.

۲۰۳

حسن از من است و من از اویم

۱۱۱۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: حسن از من است و من از اویم. هر که او را دوست بدارد خداوند دوستش دارد. حسن و حسین دو سبط از

من الأسباط^۱.

اسباط هستند.

۱۱۲۰. كنز العمال: وَقَدْ الْمِقْدَامُ بْنُ مَعْدِيكَرِبٍ وَعَمْرُو بْنُ الْأَسْوَدِ إِلَى قَنْسَرِينَ، فَقَالَ مَعَاوِيَةُ لِلْمِقْدَامِ: أَعْلِمْتَنِي أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ تُوْفِّي؟ فَاسْتَرْجَعَ الْمِقْدَامُ، فَقَالَ لَهُ مَعَاوِيَةُ: أَتَرَاهَا مُصِيبَةً؟ قَالَ: وَلَمْ لَا أَرَاهَا مُصِيبَةً وَقَدْ وَضَعَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي حِجْرِهِ فَقَالَ: هَذَا مِنِّي؟^۲

۱۱۲۰. كنز العمال: مقدم بن معديكرب و عمرو بن اسود به قنسرین رفتند. معاویه به مقدم گفت: خبر داری که حسن بن علی وفات یافته است؟ مقدم آیه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» گفت. معاویه به او گفت: آیا این را مصیبت می دانی؟ مقدم پاسخ داد: چگونه مصیبت ندانم، حال آن که پیامبر خدا ﷺ او را بر زانوی خود نشاند و فرمود: این از من است.

۲۰۵

حُبُّ الْإِمَامِ الْحَسَنِ ﷺ

۱۱۲۱. رسول الله ﷺ - مُشِيرًا إِلَى الْحَسَنِ ﷺ -: مَنْ أَحَبَّنِي فَلْيَحِبِّ هَذَا.^۳
۱۱۲۲. عنه ﷺ - أَيْضًا -: اللَّهُمَّ إِنِّي أُحِبُّهُ فَأَحِبَّهُ، وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ.^۴

دوست داشتن امام حسن ﷺ
۱۱۲۱. پیامبر خدا ﷺ - با اشاره به حسن ﷺ - فرمود: هر که مرا دوست دارد، باید این را دوست داشته باشد.

۱۱۲۲. پیامبر خدا ﷺ - نیز با اشاره به حسن ﷺ - فرمود: خدایا! من او را دوست دارم، تو نیز دوستش بدار و دوستدارانش را هم دوست بدار.

۲۰۶

فَضَائِلُهُ ﷺ

۱۱۲۳. الإمام زين العابدين ﷺ: إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ كَانَ أَعْبَدَ النَّاسِ فِي زَمَانِهِ وَأَزْهَدَهُمْ وَأَفْضَلَهُمْ، وَكَانَ إِذَا حَجَّ حَجَّ مَاشِيًا وَرِيْماً مَشْيَ حَافِيًا، وَكَانَ إِذَا ذُكِرَ

فضائل امام حسن ﷺ

۱۱۲۳. امام زین العابدین ﷺ: حسن بن علی بن ابی طالب ﷺ عابدترین و زاهدترین و بافضیلت ترین مردم روزگار خود بود. هرگاه حج می رفت پیاده و گاه با پای برهنه می رفت؛ هرگاه سخن از مرگ به میان می آمد می گریست؛ هرگاه سخن از قبر به

۱. بحار الأنوار: ۳۳/۳۰۶/۶۶.

۲. كنز العمال: ۳۷۶۵۸. ۳. كنز العمال: ۳۷۶۳۷.

۴. كنز العمال: ۳۷۶۴۰.

الْمَوْتُ بَكِي، وَإِذَا ذُكِرَ الْقَبْرُ بَكِي، وَإِذَا ذُكِرَ
الْبَعْثُ وَالنُّشُورُ بَكِي، وَإِذَا ذُكِرَ الْعَمْرُ عَلَى
الصُّرَاطِ بَكِي، وَإِذَا ذُكِرَ الْعَرْضُ عَلَى اللَّهِ
تَعَالَى ذِكْرُهُ شَهِقَ شَهَقَةً يُغْشَى عَلَيْهِ مِنْهَا،
وَكَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ فَرَائِضُهُ بَيْنَ
يَدَي رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَكَانَ إِذَا ذُكِرَ الْجَنَّةُ
وَالنَّارُ اضْطَرَبَ اضْطِرَابَ السَّلِيمِ وَسَأَلَ اللَّهُ
تَعَالَى الْجَنَّةَ وَتَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّارِ.^۱

۱۱۲۳. المناقب لابن شهر آشوب: إِنَّهُ مَرَّ الْحَسَنُ بْنُ

عَلِيٍّ عليه السلام عَلَى فَقَرَاءٍ وَقَدْ وَضَعُوا كَسِيرَاتٍ
عَلَى الْأَرْضِ وَهُمْ قُعُودٌ يَلْتَقِطُونَهَا
وَيَأْكُلُونَهَا فَقَالُوا لَهُ: هَلُمَّ يَا بَنِي بَنِي
رَسُولِ اللَّهِ إِلَى الْغَدَاءِ، قَالَ: فَتَزَلَّ وَقَالَ: إِنَّ
اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ وَجَعَلَ يَأْكُلُ مَعَهُمْ
حَتَّى اكْتَفَوْا وَالزَّادُ عَلَى حَالِهِ بِبَرَكَتِهِ ثُمَّ
دَعَاهُمْ إِلَى ضِيَافَتِهِ وَأَطْعَمَهُمْ وَكَسَاهُمْ.^۲

۱۱۲۵. مختصر تاریخ دمشق عن رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ
الشَّامِ: قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ فَرَأَيْتُ رَجُلًا
يَهْرَنِي جَمَالُهُ، فَقُلْتُ: مَنْ هَذَا؟ قَالُوا:
الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، قَالَ: فَحَسَدْتُ عَلِيًّا أَنْ

میان می آمد می گریست؛ هرگاه سخن از
قیامت و رستاخیز به میان می آمد
می گریست؛ هرگاه از گذشتن بر صراط یاد
می شد می گریست؛ هرگاه از حاضر شدن
در دادگاه عدل الهی سخن به میان می آمد،
چنان صیحه ای می زد که بر اثر آن از هوش
می رفت؛ هرگاه به نماز می ایستاد بدنش در
پیشگاه پروردگارش عزوجل، می لرزید؛
هرگاه از بهشت و دوزخ سخن به میان
می آمد، مانند مارگزیده به خود می پیچید و
بهشت را از خداوند مسئلت می کرد و از
آتش دوزخ به او پناه می برد.

۱۱۲۳. المناقب لابن شهر آشوب: روزی حسن بن
علی عليه السلام بر تعدادی فقیر عبور کرد که روی
زمین نشسته بودند و از تکه نانهای که جلو
آنها بود بر می داشتند و می خوردند. آنان
حضرت را تعارف کردند و گفتند: ای پسر
دخت رسول خدا! بفرمایید با ما غذا
بخورید. راوی می گوید: حضرت پیاده
شد و فرمود: خداوند مستکبران را دوست
ندارد. آن گاه با ایشان مشغول خوردن شد
تا این که همگی سیر شدند و به برکت
وجود حضرت چیزی از آن نانها کم نشد.
حضرت، سپس آن فقرا را به میهمانی خود
دعوت کرد و به آنها غذا و لباس داد.

۱۱۲۵. مختصر تاریخ دمشق - به نقل از مردی از
اهل شام -: وارد مدینه شدم، مردی را دیدم
که زیبایی او مرا خیره کرد. پرسیدم: این
مرد کیست؟ گفتند: حسن بن علی. من بر

۱. الأمالي للصدوق: ۲۴۴/۲۶۲.

۲. المناقب لابن شهر آشوب: ۲۳/۴.

يَكُونُ لَهُ ابْنٌ مِثْلُهُ، قَالَ: فَأَتَيْتُهُ فَقُلْتُ: أَنْتَ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ؟ قَالَ: إِنِّي [أَبِي] ابْنُهُ فَقُلْتُ: بِكَ وَبِأَبِيكَ وَبِكَ وَبِأَبِيكَ، قَالَ: وَأَزِمَ لَا يَرِدُ إِلَيَّ شَيْئاً، ثُمَّ قَالَ: أَرَأَيْكَ غَرِيباً فَلَوْ اسْتَحْمَلْتَنَا حَمَلْنَاكَ، وَإِنْ اسْتَرْفَدْتَنَا رَفَدْنَاكَ، وَإِنْ اسْتَعْنَتْ بِنَا أَعْنَاكَ، قَالَ: فَانْصَرَفْتُ عَنْهُ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَحَدٌ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُ.^۱

۲۰۷

أَمْرُهُ أَمْرِي وَقَوْلُهُ قَوْلِي

۱۱۲۶. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَمَّا الْحَسَنُ فَإِنَّهُ ابْنِي وَوَلَدِي، وَبَضْعَةٌ مِنِّي، وَقُرَّةُ عَيْنِي، وَضِيَاءُ قَلْبِي، وَتَمَرَةٌ فُؤَادِي، وَهُوَ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْأُمَّةِ، أَمْرُهُ أَمْرِي، وَقَوْلُهُ قَوْلِي، مَنْ تَبِعَهُ فَإِنَّهُ مِنِّي، وَمَنْ عَصَاهُ فَلَيْسَ مِنِّي.^۲

(انظر) العبادة: باب ۲۴۶۰.

علی به داشتن چنین فرزندی حسادت کردم. پس نزد او رفتم و گفتم: تو پسر ابو طالب هستی؟ فرمود: من نوه او هستم. گفتم: نفرین بر تو و پدرت؛ نفرین بر تو و پدرت. اما او سکوت کرد و چیزی در جوابم نگفت. سپس فرمود: فکر می‌کنم غریب هستی. اگر مرکبی از ما بخواهی در اختیارت می‌گذاریم، اگر عطیه‌ای بخواهی به تو می‌دهیم، و اگر یاری بخواهی یاری‌ات می‌کنیم. من از نزد آن حضرت رفتم در حالی که محبوبترین فرد روی زمین نزد من بود.

۲۰۷

دستور او دستور من و گفته او

گفته من است

۱۱۲۶. پیامبر خدا ﷺ: اما حسن، او پسر من و فرزند من و پاره تنم و روشنایی چشمم و نور دلم و میوه قلبم است. او سرور جوانان اهل بهشت و حجت خداوند بر امت است. دستور او دستور من، و گفته او گفته من است. از هر کس از او پیروی کند، از من است و هر کس نافرمانیش نماید، از من نیست.

۱. مختصر تاریخ دمشق: ۲۶/۷.

۲. الأمالی للصدوق: ۲/۱۰۰ عن ابن عباس؛ فرات السخطین:



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الأمير الحسين بن علي عليه السلام

امام حسين عليه السلام



مركز بحوث التاريخ والحضارة الإسلامية

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ١٧٢/٢٢-٣٩٢ و ٢٥ تاريخ الإمام الحسين عليه السلام.

كنز العمال: ١٣/٦٥٣-٦٧١ والحسين عليه السلام.

كنز العمال: ١٣/٦٧١-٦٧٢ وقتل الحسين عليه السلام.

۲۰۸

ولادة الحسين

۱۱۲۷. فاطمة: دَخَلَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ عِنْدَ وَلادَتِي الْحُسَيْنَ فَنَاولَتْهُ إِيَّاهُ فِي خِرْقَةٍ صَفْرَاءَ، فَرَمَى بِهَا وَأَخَذَ خِرْقَةً بَيْضَاءَ وَلَفَّهَ فِيهَا ثُمَّ قَالَ: خُذِيهِ يَا فَاطِمَةُ فَإِنَّهُ إِمَامٌ ابْنُ إِمَامٍ أَبُو الْأَئِمَّةِ الْتِسْعَةِ، مِنْ صُلْبِهِ أئِمَّةٌ أَبْرَارٌ وَالتَّاسِعُ قَائِمُهُمْ^۱.

۲۰۸

ولادت امام حسین

۱۱۲۷. فاطمه: پس از آن که حسین را به دنیا آوردم، رسول خدا نزد من آمد. طفل را در پارچه ای زرد رنگ، به دست آن حضرت دادم. پیامبر خدا آن پارچه را دور انداخت و پارچه سفیدی گرفت و حسین را در آن پیچید. آن گاه فرمود: بگیرش ای فاطمه، که او امام است و فرزند امام. او پدر نه امام بزرگواری است که از صلب او به دنیا می آیند و نهمین آنان قائم است.

۱۱۲۸. امام زین العابدین: چون حسین زاده

شد، خداوند متعال به جبرئیل وحی فرمود که: برای محمد پسر متولد شده است، نزد او برو و شادباش بگو، و به او بگو که علی برای تو به منزله هارون برای موسی است. پس، طفل را به نام پسر هارون نامگذاری کن. جبرئیل فرود آمد و از جانب خداوند متعال به پیامبر تبریک گفت، و آن گاه عرضه داشت: خداوند عز و جل به تو فرمان می دهد که او را به نام پسر هارون نامگذاری کنی. پیامبر پرسید: نام پسر هارون چه بوده است؟ جبرئیل گفت: شبیر. پیامبر فرمود: زبان من عسری است. جبرئیل گفت: نامش را حسین بگذار.

۱۱۲۸. الإمام زين العابدين: فَسَلَّمَا وَلَدَ

الْحُسَيْنِ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى جِبْرِئِيلَ أَنَّهُ قَدْ وُلِدَ لِمُحَمَّدٍ ابْنٌ فَاهْبِطْ إِلَيْهِ فَهَنِّئْهُ وَقُلْ لَهُ إِنَّ عَلِيًّا مِنْكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى فَسَمَّاهُ بِاسْمِ ابْنِ هَارُونَ فَهَبِطَ جِبْرِئِيلُ فَهَنَّاهُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تَسْمِيَهُ بِاسْمِ ابْنِ هَارُونَ، فَقَالَ وَمَا كَانَ اسْمُهُ؟ قَالَ: شُبَيْرًا، قَالَ: لِسَانِي عَرَبِيٌّ، قَالَ: سَمَّاهُ الْحُسَيْنَ^۲.

۱. کنایه الأثر: ۱۹۴.

۲. علل الشرائع: ۱۳۷/۵.

۲۰۹

النُّصُّ عَلَى إِمَامَتِهِ

۱۱۲۹. الإمامُ الحسنُ عليه السلام: إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام، بَعْدَ وَفَاةِ نَفْسِي وَمُفَارَقَةِ رُوحِي جِسْمِي، إِمَامٌ مِنْ بَعْدِي، وَعِنْدَ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ فِي الْكِتَابِ، وَرِاثَةٌ مِنَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَضَافَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ فِي وَرَاثَةِ أَبِيهِ وَأُمِّهِ، فَعَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ خَيْرَةُ خَلْقِهِ، فَاضْطَفَى مِنْكُمْ مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله، وَاخْتَارَ مُحَمَّدٌ عَلِيًّا عليه السلام، وَاخْتَارَنِي عَلِيٌّ عليه السلام بِالْإِمَامَةِ، وَاخْتَرْتُ أَنَا الْحُسَيْنَ عليه السلام.^۱

(انظر الكافي: ۱ / ۳۰۰ باب الإشارة والنص على

الحسين بن علي عليه السلام .

بحار الأنوار: ۱۷۲/۲۴ باب ۲۴.

۲۰۹

تصريح به امامت آن بزرگوار

۱۱۲۹. امام حسن عليه السلام: بعد از وفات من و جدا شدن روح از بدنم، حسين بن علي عليه السلام امام است. وراثت او از پيامبر صلى الله عليه وآله نزد خدا در كتاب^۱ ثبت است كه خداوند عزوجل اين وراثت را به وراثت از پدر و مادرش افزوده است؛ زيرا خدا دانست كه شما بهترين خلق او هستيد. از اين رو، از ميان شما محمد صلى الله عليه وآله را برگزيد و محمد، علي عليه السلام را و علي عليه السلام مرا به امامت انتخاب كرد و من حسين عليه السلام را برگزيدم.

۲۱۰

حسين از من است و من از اويم

۱۱۳۰. پيامبر خدا صلى الله عليه وآله: حسين از من است و من از اويم.

۱۱۳۱. پيامبر خدا صلى الله عليه وآله: حسين از من است و من از حسينم. هر كه حسين را دوست بدارد خداوند دوستش بدارد. حسين سبطي از اسباط است.

۱۱۳۲. پيامبر خدا صلى الله عليه وآله: اما حسين، او از من است. او پسر من و زاده من است و بهترين انسانها پس از برادرش مي باشد. او امام مسلمانان

۲۱۰

حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ

۱۱۳۰. رسولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ.^۲

۱۱۳۱. عنه عليه السلام: حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ، أَحَبُّ اللَّهِ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا، حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ.^۳

۱۱۳۲. عنه عليه السلام: أَمَّا الْحُسَيْنُ فَإِنَّهُ مِنِّي وَهُوَ ابْنِي وَوَلَدِي وَخَيْرُ الْخَلْقِ بَعْدَ أَخِيهِ وَهُوَ إِمَامٌ

۱. الكافي: ۱ / ۳۰۱ / ۲. ۲. كنز العمال: ۳۷۶۸۴.

۳. بحار الأنوار: ۲۳ / ۲۶۱ / ۱.

۱. لوح محفوظ يا قرآن و يا وصيت نامه.

الْمُسْلِمِينَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَخَلِيفَةَ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَغِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَكَهْفَ
الْمُسْتَجِيرِينَ وَحُجَّةَ اللَّهِ عَلَى
خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ وَهُوَ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ
وَبَابُ نَجَاةِ الْأُمَّةِ أَمْرُهُ أَمْرِي وَطَاعَتُهُ
طَاعَتِي مَنْ تَبِعَهُ فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَاهُ
فَلَيْسَ مِنِّي.^۱

است و مولای مؤمنان و خلیفه پروردگار
جهانیان و یاور یاریخواهان و پناه
پناهجویان و حجت خداوند بر همه خلق
او. او سرور جوانان بهشت و دروازه
نجات امت است. فرمان او فرمان من
است، و اطاعت از او اطاعت از من، هر که
از او پیروی کند از من است و هر که
نافرمانی او کند از من نیست.

۱۱۳۳. المستدرک علی الصحیحین عَنِ عَلِيٍّ
الْعَامِرِيِّ: إِنَّهُ خَرَجَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَى
طَعَامٍ دَعَا لَهُ قَالَ فَاسْتَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
أَمَامَ الْقَوْمِ وَحُسَيْنٌ مَعَ الْعُلَمَاءِ يَلْقَبُ قَارَادَ
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنْ يَأْخُذَهُ فَطَفِقَ الصَّبِيُّ يَفِرُّ
هَاهُنَا مَرَّةً وَهَاهُنَا مَرَّةً فَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
يُضَاحِكُهُ حَتَّى أَخَذَهُ قَالَ فَوَضَعَ إِحْدَى
يَدَيْهِ تَحْتَ قَفَاهُ وَالْأُخْرَى تَحْتَ ذِقْنِهِ
فَوَضَعَ فَاهُ عَلَى فِيهِ يَقْبَلُهُ فَقَالَ حُسَيْنٌ مِنِّي
وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا
حُسَيْنٌ سَبَطَ مِنَ الْأَسْبَاطِ.^۲

۱۱۳۳. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از
یعلی عامری -: برای رفتن به ضیافتی که
رسول خدا ﷺ را به آن دعوت کرده بودند،
با آن حضرت همراه شد [م]. رسول خدا ﷺ
پیشاپیش مردم به راه افتاد و حسین با
بچه‌ها مشغول بازی بود. رسول خدا ﷺ
خواست او را بگیرد اما طفل، این طرف
و آن طرف می‌دوید. پیامبر ﷺ شروع به
خنداندن و شوخی کردن با او کرد تا این که
حسین را گرفت و یک دستش را پشت
گردن و دست دیگرش را زیر چانه او
گذاشت و دهان بر دهانش گذاشت و او را
بوسید و فرمود: حسین از من است و من از
حسینم. خداوند دوستدار حسین را
دوست بدارد! حسین یکی از اسباط
(نوادگان دختری) است.

۲۱۱

فَضَائِلُهُ

۱۱۳۳. سنن الترمذی: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَامِلَ

۲۱۱

فضایل امام حسین

۱۱۳۳. سنن الترمذی: رسول خدا ﷺ حسین بن

۱. الأملی للصدوق: ۱۰۱.

۲. المستدرک علی الصحیحین: ۱۷۷/۲.

الحُسَيْنِ ابْنِ عَلِيٍّ عَلَى عَاتِقِهِ فَقَالَ رَجُلٌ:
نَعَمْ الْمَرْكَبُ رَكِبْتَ يَا غُلَامُ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ:
وَنَعَمْ الرَّكَبُ هُوَ.^۱

۱۱۳۵. بحار الأنوار عن البراء بن عازب: رأيتُ
رسولَ الله ﷺ حاملَ الحسين ﷺ وهو
يقول: اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّهُ فَأَحِبَّهُ.^۲

۱۱۳۶. رسول الله ﷺ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى أَحَبِّ
أَهْلِ الْأَرْضِ إِلَى أَهْلِ السَّمَاءِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى
الحُسَيْنِ.^۳

۱۱۳۷. الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ عَنْ حَذِيفَةَ بْنِ الْيَمَانِ: رَأَيْتُ
النَّبِيَّ ﷺ آخِذًا بِيَدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ﷺ
وَهُوَ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ هَذَا الْحُسَيْنُ بْنُ
عَلِيٍّ فَأَعْرِفُوهُ، فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّهُ لَفِي
الْجَنَّةِ وَمُحِبِّهِ فِي الْجَنَّةِ وَمُحِبِّي مُحِبِّهِ فِي
الْجَنَّةِ.^۴

۱۱۳۸. الإمام الحسين ﷺ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
وَعِنْدَهُ أَبِيُّ بْنُ كَعْبٍ، فَقَالَ لِي رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ: مَرَحَبًا بِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، يَا زَيْنَ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ، قَالَ لَهُ أَبِيُّ: وَكَيْفَ

علی را سوار شانه خود کرده بود. مردی
گفت: پسر جان! چه نیکو مرکبی سوار
شده‌ای. و پیامبر ﷺ فرمود: و او چه نیکو
راکبی است.

۱۱۳۵. بحار الأنوار - به نقل از براء بن عازب: پیامبر
خدا ﷺ را دیدم که حسین را بر دوش خود
سوار کرده و می‌گوید: خدایا! من او را
دوست دارم، تو نیز دوستش بدار.

۱۱۳۶. پیامبر خدا ﷺ: هر کس که دوست دارد به
محبوبترین فرد روی زمین در نزد اهل
آسمان نگاه کند به حسین بنگرد.

۱۱۳۷. الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ - به نقل از حذیفه بن
یمان: پیامبر ﷺ را دیدم که دست حسین
بن علی ﷺ را گرفته است و می‌فرماید: ای
مردم! این حسین بن علی است. او را
بشناسید. سوگند به آن که جانم در دست
(قدرت) اوست، او در بهشت است، و
دوستدارانش در بهشتند و دوستداران
دوستدارانش نیز در بهشتند.

۱۱۳۸. امام حسین ﷺ: بر رسول خدا ﷺ وارد شدم.
ابی ابن کعب در خدمت ایشان بود. پیامبر
خدا ﷺ به من فرمود: خوش آمدی ای ابا
عبدالله، ای زیور آسمانها و زمینها! ابی به

۱. سنن الترمذی: ۳۷۸۴/۶۶۱/۵.

۲. بحار الأنوار: ۱۶/۲۶۴/۲۳.

۳. المناقب لابن شهر آشوب: ۷۲/۴.

۴. الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ: ۴/۴۷۸.

يَكُونُ يَا رَسُولَ اللَّهِ زَيْنُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِينَ أَحَدُ غَيْرِكَ؟ قَالَ: يَا أَبِي
وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ
عَلِيٍّ فِي السَّمَاءِ أَكْبَرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ، وَإِنَّهُ
لَمَكْتُوبٌ عَنْ يَمِينِ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:
مِصْبَاحُ هُدًى وَسَفِينَةُ نَجَاةٍ وَإِمَامٌ غَيْرُ وَهْنٍ
وَعِزٌّ وَفَخْرٌ وَعِلْمٌ وَذَخْرٌ.^۱

۱۱۳۹. عنه علیه السلام - مِنْ كَلَامِهِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ -: أَلَا وَإِنَّ
الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَّزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ
السُّلَّةِ وَالذِّلَّةِ وَهِيَاهُتَ مِنَّا الذِّلَّةُ يَا أَبِي اللَّهِ
ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورُ
طَابَتْ وَطَهَّرَتْ وَأَنْوَفُ حَمِيَّةٍ وَنَفُوسُ أَيْتَةٍ
مِنْ أَنْ تُؤَثِّرَ طَاعَةَ اللَّثَامِ عَلَى مُصَارَعِ
الْكَرَامِ.^۲

۱۱۴۰. عنه علیه السلام - مِنْ كَلَامِهِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ -: لَا وَاللَّهِ لَا
أُعْطِيكُمْ بَيْدِي إعْطَاءَ الذَّلِيلِ وَلَا أَفِرُّ فِرَارَ
الْعَبِيدِ.^۳

۱۱۴۱. الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ علیه السلام: سَمِعْتُ الْحُسَيْنَ علیه السلام
يَقُولُ: لَوْ شِئْتُمْنِي رَجُلٌ فِي هَذِهِ الْأُذُنِ
- وَأَوْمِي إِلَى الْيُمْنَى - وَاعْتَذَرَ لِي فِي
الْآخِرَى لَقَبِلْتُ ذَلِكَ مِنْهُ، وَذَلِكَ أَنَّ

پیامبر عرض کرد: ای رسول خدا! چگونه
ممکن است کسی غیر از شما زیور آسمانها
و زمینها باشد؟! پیامبر فرمود: ای ابی!
سوگند به آن کسی که بحق مرا به پیامبری
برانگیخت، مقام و منزلت حسین بن علی
در آسمان، بالاتر از منزلت او در زمین
است. در سمت راست عرش خداوند
عز و جلّ نوشته شده است: [حسین] چراغ
هدایت و کشتی نجات و امامی
مستی ناپذیر، با عزّت، افتخار آفرین،
راهنما، و ذخیره [ای گرانبها] است.

۱۱۳۹. امام حسین علیه السلام - در بخشی از سخنانش در
روز عاشورا - فرمود: هان! این حرامزاده
پسر حرامزاده مرا میان دو چیز مخیر کرده
است: میان شمشیر و تن دادن به خواری.
و هیئات که مانتن به ذلّت و خواری دهیم.
خدا و رسول او و مؤمنان و دامنهای پاک و
مطهر [ی که ما در آن پرورش یافته ایم] و
دلهای غیر تمند و جانهای بزرگمنش، این
را بر ما نمی پذیرند که فرمانبری از
فرومایگان را بر مرگ شرافتمندانه ترجیح
دهیم.

۱۱۴۰. امام حسین علیه السلام - در بخش دیگری از
سخنانش در روز عاشورا - فرمود: به خدا
سوگند، نه دست ذلّت و خواری به شما
می دهم و نه چونان بردگان می گریزم.

۱۱۴۱. امام زین العابدین علیه السلام: از حسین علیه السلام شنیدم
که می فرماید: اگر مردی در این گوشم -
اشاره به گوش راست خود کرد - مرا دشنام
دهد و در دیگری از من پوزش بخواهد،

۱. عیون أخبار الرضا: ۱/ ۵۹/ ۲۹.

۲. اللهوف: ۹۷. ۳. الإرشاد: ۲/ ۹۸.

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع
 حَدَّثَنِي أَنَّهُ سَمِعَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ ص
 يَقُولُ: لَا يَرِدُ الْحَوْضَ مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ
 مِنْ مُحَقٍّ أَوْ مُبْطِلٍ.^۱

۱۱۳۲. المناقب لابن شهر آشوب: وَجَدَ عَلِيٌّ
 ظَهْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ يَوْمَ الطَّفِّ أَثَرًا،
 فَسَأَلُوا زَيْنَ الْعَابِدِينَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: هَذَا
 مِمَّا كَانَ يَنْقُلُ الْجَرَابُ عَلَى ظَهْرِهِ إِلَى
 مَنَازِلِ الْأَرَامِلِ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ.^۲

۱۱۳۳. اللهوف عن راوي الحديث: ثُمَّ إِنَّ
 الْحُسَيْنَ ع دَعَا النَّاسَ إِلَى الْبَرَارِ، فَلَمْ يَزَلْ
 يَقْتُلُ كُلَّ مَنْ بَرَزَ إِلَيْهِ، حَتَّى قَتَلَ مَقْتَلَةً
 عَظِيمَةً، وَهُوَ فِي ذَلِكَ يَقُولُ:
 الْقَتْلُ أَوْلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ

وَالْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ
 قَالَ بَعْضُ الرُّوَاةِ: وَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ مَكْثُورًا
 قَطُّ قَدْ قُتِلَ وَلَدُهُ وَأَهْلُ بَيْتِهِ وَأَصْحَابُهُ أَرْبَطُ
 جَأَشًا مِنْهُ، وَإِنَّ الرِّجَالَ كَانَتْ لَتَشُدُّ عَلَيْهِ
 فَيَشُدُّ عَلَيْهَا بِسَيْفِهِ فَتَنْكَشِفُ عَنْهُ انْكِشَافٌ

پوشش او را می پذیرم؛ چرا که امیر
 المؤمنین علی بن ابی طالب ع برایم نقل
 کرد که از جدم رسول خدا ص شنید که
 می فرماید: هر حوض کوثر وارد نمی شود
 کسی که عذر را - موجه باشد یا غیر موجه -
 نپذیرد.

۱۱۳۲. المناقب لابن شهر آشوب: در روز طَفِّ
 (کربلا) بر پشت مبارک حسین بن علی اثر
 چیزی دیده شد. درباره آن از زین العابدین
 پرسیدند، فرمود: اثر کیسه هایی است که بر
 پشت خود می نهاد و به خانه های زنان
 بی سرپرست و یتیمان و مستمندان می برد.
 ۱۱۳۳. اللهوف - به نقل از راوی حدیث -: آن گاه،
 حسین ع دشمن را به جنگ تن به تن
 طلبید. هر کس را که به مبارزه اش می آمد
 می کشت، چندان که شمار عظیمی را از
 پای درآورد، و در ضمن مبارزه می فرمود:

کشته شدن سزاوارتر از پذیرش تنگ است
 تنگ بهتر از رفتن به آتش دوزخ است
 یکی از راویان می گوید: به خدا قسم
 هرگز ندیده ام شخص مغلوبی را که
 فرزندان و اعضای خانواده و یارانش
 همگی کشته شده باشند و مانند حسین
 چنین آرام و خونسرد باشد. لشکر دشمن
 حلقه را بر او تنگ می کرد اما او با شمشیر

۱. إحقاق الحق: ۱۱ / ۴۳۱.

۲. المناقب لابن شهر آشوب: ۴ / ۶۶.

الْمَغْزَىٰ إِذَا شَدَّ فِيهَا الذِّئْبُ، وَلَقَدْ كَانَ
يَحْمِلُ فِيهِمْ، وَقَدْ تَكَمَّلُوا ثَلَاثِينَ أَلْفًا،
فَيَنْهَزُمُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ كَأَنَّهُمُ الْجَرَادُ الْمُنْتَشِرُ،
ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَىٰ مَرْكَزِهِ وَهُوَ يَقُولُ: «لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»^۱.

خود بر آنان حمله می‌آورد و چنان از برابر
او می‌گریختند که گله‌ای بز از برابر گرگی
که بر آن حمله کرده باشد. او بر سپاه سی
هزار نفری آنان یورش می‌آورد و آنها را
مانند مور و ملخ پراکنده می‌ساخت، و آن
گاه «لا حول و لا قوّة إلا بالله العلیّ العظیم»^۱
گویان به فرارگاه خود باز می‌گشت.



مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

الإمام علي بن الحسين عليه السلام

امام حبا عليه السلام



مركز بحوث ودراسات في العلوم الإسلامية

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٢٠٩-٢/٢٦ تاريخ الإمام علي بن الحسين عليه السلام.

۲۱۲

النَّصُّ عَلَى إِمَامَتِهِ

۱۱۴۲. عبیدالله بن عبدالله بن عتبة: كُنْتُ عِنْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ؑ إِذْ دَخَلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْأَصْفَرُ، فَدَعَاهُ الْحُسَيْنُ ؑ وَضَعَهُ إِلَيْهِ ضَمًّا وَقَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا أَبِي أَنْتَ مَا أَطْيَبَ رِيحَكَ وَأَحْسَنَ خَلْقَكَ... فَقُلْتُ: يَا أَبِي وَأُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنْ كَانَ مَا نَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ نَرَاهُ فِيكَ فَبِأَلِي مَنْ؟ قَالَ: إِلَى عَلِيٍّ ابْنِي هَذَا، هُوَ الْإِمَامُ وَأَبُو الْأَثَمَةِ^۱.

(انظر) بحار الأنوار: ۱۷/۴۶ النصوص على الخصوص

على إمامته.

۲۱۲

تصريح به امامت آن بزرگوار

۱۱۴۲. عبیدالله بن عبدالله بن عتبة: در محضر امام حسین ؑ بودم که علی بن الحسین (امام زین العابدین ؑ) وارد شد. حسین ؑ او را صدا زد و در آغوش گرفت و پیشانی اش را بوسید. آن گاه فرمود: «پدرم فدایت! چه بسوی خوشی داری و چه آفرینش نیکویی!»... گفتم: پدر و مادرم فدایت، ای پسر پیامبر خدا! اگر اتفاقی را که از آن به خدا پناه می بریم، درباره تو دیدیم، به چه کسی رجوع کنیم؟ فرمود: «به این پسر، علی. او، امام و پدرِ امامان است».

۲۱۳

فَضَائِلُ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ؑ

۱۱۴۵. رسول الله ﷺ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُنَادِي مُنَادٍ: أَيْنَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ؟ فَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى وَلَدِي عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَخْطُرُ بَيْنَ الصُّفُوفِ^۲.

۱. كفاية الأمر: ۲۳۴.

۲. بحار الأنوار: ۱/۳/۴۶.

۲۱۳

فضایل امام زین العابدین ؑ

۱۱۴۵. پیامبر خدا ﷺ: در روز رستاخیز آواز دهنده ای صدا می زند: کجاست زین العابدین (زیور پرستشگران)؟ و من فرزندم علی بن حسین بن علی بن ابی طالب را می بینم که صفها را می شکافد [و پیش می رود].

۱۱۲۶. الإمام الباقر علیه السلام: إِنَّهُ كَانَ يَعُولُ مِائَةَ بَيْتٍ مِنْ فَقَرَاءِ الْمَدِينَةِ وَكَانَ يُعْجِبُهُ أَنْ يَحْضُرَ طَعَامَهُ الْيَسَامَى وَالْأَضْرَاءُ وَالزَّمَنِي وَالْمَسَاكِينُ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ وَكَانَ يُنَاوِلُهُمْ بِيَدِهِ وَمَنْ كَانَ مِنْهُمْ لَهُ عِيَالٌ حَمَلَهُ إِلَى عِيَالِهِ مِنْ طَعَامِهِ، وَكَانَ لَا يَأْكُلُ طَعَاماً حَتَّى يَبْدَأَ فَيَتَصَدَّقُ بِهِ.^۱

۱۱۲۷. عنه علیه السلام: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَاسَمَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَالَهُ مَرَّتَيْنِ.^۲

۱۱۲۸. الإمام الصادق علیه السلام: كَانَ أَبِي يَقُولُ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ كَأَنَّهُ سَاقٍ شَجَرَةٍ لَا يَتَحَرَّكُ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا مَا حَرَّكَهُ الرِّيحُ مِنْهُ.^۳

۱۱۲۹. عنه علیه السلام: يُنَادِي مُنَادٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: أَيْنَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ؟ فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام يَخْطُرُ بَيْنَ الصُّفُوفِ.^۴

۱۱۵۰. إعلام الوری: وَكَانَتْ جَارِيَةً لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام تَسْكُبُ عَلَيْهِ الْمَاءَ فَسَقَطَ الْإِبْرِيقُ مِنْ يَدِهَا فَشَجَّهَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَيْهَا فَقَالَتْ الْجَارِيَةُ: إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «وَالْكََاظِمِينَ

۱۱۲۶. امام باقر علیه السلام: او یکصد خانوار از فقرای مدینه را سرپرستی می کرد، و دوست داشت که یتیمان و تنگدستان و افراد عاجز و مستمندان بیچاره بر سر سفره او حاضر شوند. او با دست خود برای آنها غذا می آورد، و اگر کسی از آنها عائله ای داشت، حضرت از غذای خود برای خانواده او می برد. هیچ غذایی نمی خورد مگر این که ابتدا از آن صدقه می داد.

۱۱۲۷. امام باقر علیه السلام: علی بن الحسین علیه السلام اموال خود را دو بار با خداوند عز و جل تقسیم کرد.

۱۱۲۸. امام صادق علیه السلام: پدرم می فرمود: علی بن الحسین علیه السلام هرگاه به نماز می ایستاد به ساقه درختی می مانست که اصلاً تکان نمی خورد مگر قسمتهایی از آن که باد تکان می دهد.

۱۱۲۹. امام صادق علیه السلام: در روز رستاخیز ندا دهنده ای ندا می دهد: کجاست زین العابدین (زینت پرستشگران)؟ و گویی علی بن حسین علیه السلام را می نگرم که در میان صفها [ای مردمان] به پیش می رود.

۱۱۵۰. إعلام الوری: یکی از کنیزان علی بن الحسین علیه السلام برای آن حضرت آب می ریخت [تا دستانش را بشوید] آفتابه از دستش افتاد و صورت ایشان را زخمی کرد. علی

۱. المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۱۵۴.

۲. حلیه الأولیاء: ۳/ ۱۴۰. ۳. الکافی: ۳/ ۳۰۰/ ۴.

۴. بحار الأنوار: ۴۶/ ۳/ ۳.

الإمام محمد بن علي الباقري

امام محمد باقر



مرکز تحقیقات کامپیوتر و علوم اسلامی

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ۴۶/۲۱۲-۳۶۷ وتاريخ الإمام الباقر عليه السلام.

۲۱۳

النَّصُّ عَلَى إِمَامَتِهِ

۱۱۵۲. الإمام زين العابدين عليه السلام - وقد سُئِلَ: مَنْ الإمامُ بَعْدَكَ؟ -: مُحَمَّدٌ ابْنِي، يَبْقُرُ الْعِلْمَ بِقَرَأٍ^۱.

۱۱۵۳. كفاية الأثر: مَرَضَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام مَرَضَهُ الَّذِي تُوَفِّي فِيهِ، فَجَمَعَ أَوْلَادَهُ مُحَمَّدًا وَالْحَسَنَ وَعَبْدَ اللَّهِ وَعُمَرَ وَزَيْدًا وَالْحُسَيْنَ، وَأَوْصَى إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدٍ وَكَتَبَهُ الْبَاقِرُ، وَجَعَلَ أَمْرَهُمْ إِلَيْهِ^۲.

(انظر) بحار الأنوار: ۴۶ / ۲۲۹ باب ۴، الكافي: ۱ / ۳۰۵ باب الإشارة والنص على أبي جعفر عليه السلام.

۲۱۵

هُوَ يَبْقُرُ الْعِلْمَ بِقَرَأٍ

۱۱۵۴. رسول الله صلى الله عليه وآله - لجابر بن عبد الله الأنصاري -: يا جابرُ، إِنَّكَ سَتَبْقَى حَتَّى تَلْقَى وَلَدِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الْمَعْرُوفَ فِي التَّوْرَةِ بِالْبَاقِرِ، فَإِذَا لَقَيْتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ^۳.

۱. الخرائج والجرائح: ۱ / ۲۶۸ / ۱۲.

۲. كفاية الأثر: ۲۳۹.

۳. بحار الأنوار: ۴۶ / ۲۲۳ / ۱.

۲۱۴

تصريح به امامت آن بزرگوار

۱۱۵۲. امام زين العابدين عليه السلام - وقتی از ایشان پرسیده شد: امام بعد از شما کیست؟ - فرمود: فرزندم محمد، که دانش را ژرف می شکافد.

۱۱۵۳. كفاية الأثر: امام علی بن الحسین عليه السلام در بستر بیماری ای که به وفاتش منجر شد، افتاد. پس، فرزندان خود محمد و حسن و عبدالله و عمر و زید و حسین را جمع کرد و فرزندش محمد را وصی قرار داد و او را باقر لقب نهاد و کار دیگر فرزندان را به دست او سپرد.

۲۱۵

او دانش را تا ژرفایش می شکافد

۱۱۵۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله - به جابر بن عبد الله انصاری - فرمود: جابر! تو چندان زنده می مانی که فرزندم محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب را، که در تورات به باقر معرفی شده است، می بینی. هرگاه دیدارش کردی سلام مرا به او برسان.

۱۱۵۵. عنه علیه السلام - أيضاً - : إِنَّكَ سَتُدرِكَ رَجُلًا مِنِّي، اسْمُهُ اسْمِي وَشِمَائِلُهُ شِمَائِلِي يَبْقَرُ الْعِلْمَ بَقْرًا.^۱

۱۱۵۶. عنه علیه السلام : يا جابرُ، يُولَدُ لابنِ الحسينِ ابنٌ يُقالُ لَهُ: عليٌّ، إِذا كانَ يومُ القِيامَةِ نادى مُنادٍ: لِيَقُمَ سَيِّدُ العابِدِينَ، فيقومُ عليٌّ بنُ الحسينِ. وَيُولَدُ لِعليٍّ ابنٌ يُقالُ لَهُ: مُحَمَّدٌ. يا جابرُ، إِنَّ رَأْيَتَهُ فَأَقْرَبُهُ مِنِّي السَّلَامَ، وَاَعْلَمُ أَنَّ بَقَاءَكَ بَعْدَ رُؤْيَتِهِ يَسِيرُ.^۲

۱۱۵۷. الإمام الباقر علیه السلام : إِنَّ الْحَقَّ اسْتَصْرَحَنِي وَقَدْ حَوَاهُ الْبَاطِلُ فِي جَوْفِهِ، فَبَقَرْتُ عَنْ خَاصِرَتِهِ وَأَطْلَعْتُ الْحَقَّ عَنْ حُجْبِهِ حَتَّى ظَهَرَ وَانْتَشَرَ، بَعْدَ مَا خَفِيَ وَاسْتَتَرَ.^۳

۲۱۶

مِنْ فَضَائِلِهِ علیه السلام

۱۱۵۸. الإمام الصادق علیه السلام : كَانَ أَبِي علیه السلام كَثِيرَ الذِّكْرِ لَقَدْ كُنْتُ أَمْشِي مَعَهُ وَإِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ، وَأَكُلُ مَعَهُ الطَّعَامَ وَإِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ، وَلَقَدْ كَانَ يُحَدِّثُ الْقَوْمَ وَمَا يَشْغَلُهُ ذَلِكَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَكُنْتُ أَرَى لِسَانَهُ لَا زَقًّا بِحَنَكِهِ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا

۱۱۵۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - به جابر - فرمود: تو مردی از [خاندان] مرا درک خواهی کرد که نامش نام من، و رفتار و کردارش، رفتار و کردار من است و دانش را تا ژرفایش می شکافد.

۱۱۵۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جابر! برای فرزندم حسین، پسری به دنیا می آید به نام علی. در روز رستاخیز آواز دهنده‌ای آواز می دهد که سرور عابدان برخیزد و علی بن الحسین بر می خیزد. برای علی نیز پسری به دنیا می آید به نام محمد. ای جابر! اگر او را دیدی سلام مرا به وی برسان. بدان که زندگی تو بعد از دیدن او زمانی کوتاه خواهد پایید.

۱۱۵۷. امام باقر علیه السلام : حق، که باطل، آن را در شکم خود گرفته بود، از من فریاد طلبید، و من پهلوی باطل را شکافتم و حق را از میان پرده‌های شکم آن درآوردم و پس از آن حق که پوشیده و پنهان بود، آشکار و منتشر شد.

۲۱۶

برخی از فضایل امام باقر علیه السلام

۱۱۵۸. امام صادق علیه السلام : پدرم علیه السلام بسیار ذکر خدا می گفت، هر وقت با ایشان راه می رفتم می دیدم ذکر خدا می گوید. هر وقت با ایشان غذا می خوردم می دیدم ذکر خدا می گوید. با مردم مشغول صحبت کردن

۱. بحار الأنوار: ۴۶/ ۲۲۵/ ۵.

۲. بحار الأنوار: ۴۶/ ۲۲۷/ ۹.

۳. ربيع الأبرار: ۲/ ۶۰۳.

اللَّهِ، وَكَانَ يَجْمَعُنَا فَيَأْمُرُنَا بِالذِّكْرِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ وَيَأْمُرُ بِالْقِرَاءَةِ مَنْ كَانَ يَقْرَأُ مِنَّا وَمَنْ كَانَ لَا يَقْرَأُ مِنَّا أَمَرَهُ بِالذِّكْرِ.^۱

۱۱۵۹. عنه: وَكَانَ أَبُو جَعْفَرٍ أَحْسَنُ النَّاسِ صَوْتاً.^۲

۱۱۶۰. الإرشاد عن سُلَيْمَانَ بْنِ قَرْمٍ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ يُجِيزُنَا بِالْخَمْسِمِائَةِ دِرْهَمٍ إِلَى السُّتِمَائَةِ إِلَى الْأَلْفِ دِرْهَمٍ وَكَانَ لَا يَمْلُ مِنْ صَلَةِ الْإِخْوَانِ وَقَاصِدِيهِ وَمُؤَمِّلِيهِ وَرَاجِيهِ.^۳

بود، اما این کار او را از ذکر خدا باز نمی داشت. می دیدم زبانش به کامش چسبیده است و لا اله الا الله می گوید. او ما را جمع می کرد و دستور می داد تا هنگام طلوع آفتاب ذکر بگوییم. به کسانی از ما که قرآن بلد بودیم می فرمود قرآن بخوانیم و به کسانی که قرآن خواندن نمی دانستند، دستور می داد ذکر بگویند.

۱۱۵۹. امام صادق: امام باقر خوش صداترین مردم بود.

۱۱۶۰. الإرشاد - به نقل از سلیمان بن قرم -: ابو جعفر محمد بن علی پانصد تا ششصد هزار درهم به ما صله و پاداش می داد، و از صله دادن به برادران و ملاقات کنندگانش و کسانی که به امید و آرزوی کمکی نزد او می آمدند، خسته نمی شد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۱. الکافی: ۲/۴۹۹.

۲. الکافی: ۲/۶۱۶.

۳. الإرشاد: ۲/۱۶۷.

الإمام جعفر بن محمد الصادق

امام جعفر صادق



مرکز تحقیقات کتب و تاریخ اسلامی

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ۴۷/۱-۴۱۳ تاريخ الإمام الصادق عليه السلام.

۲۱۷

النَّصُّ عَلَى إِمَامَتِهِ

۱۱۶۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا وَلَدَ ابْنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ابْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَسَمُوهُ الصَّادِقَ.^۱

۱۱۶۲. بحار الأنوار عن محمد بن مسلم: كنتُ عندَ أبي جعفرٍ محمد بن عليٍّ الباقرِ ﷺ إذْ دخلَ جعفرُ ابنُهُ، وعليَّ رأسُهُ ذُوَابَةٌ، وفي يَدِهِ عَصَا يَلْعَبُ بِهَا، فَأَخَذَهُ الْبَاقِرُ ﷺ وَضَعَهُ إِلَيْهِ ضَمًّا، ثُمَّ قَالَ: يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي، لَا تَلْهُو وَلَا تَلْعَبُ. ثُمَّ قَالَ لِي: يَا مُحَمَّد، هَذَا إِمَامُكَ بَعْدِي، فَاقْتَدِ بِهِ، وَاقْتَسِمْ مِنْ عِلْمِهِ، وَاللَّهِ إِنَّهُ لَهُوَ الصَّادِقُ الَّذِي وَصَفَهُ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ. إِنَّ شِيعَتَهُ مَنصُورُونَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^۲

(انظر) بحار الأنوار: ۱۲/۴۷، باب ۳، الكافي: ۱/۳۰۶، باب الإشارة والنص على أبي عبد الله جعفر بن محمد الصادق ﷺ.

۱. الخرائج والجرائح: ۱/۲۶۸/۱۲.

۲. بحار الأنوار: ۱۲/۴۷/۱۵.

۲۱۷

تصريح به امامت آن بزرگوار

۱۱۶۱. پیامبر خدا ﷺ: وقتی فرزندم جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب به دنیا آمد، او را صادق بنامید.

۱۱۶۲. بحار الأنوار - به نقل از محمد بن مسلم :- در حضور ابو جعفر محمد بن علی الباقر ﷺ بودم که فرزندش جعفر وارد شد در حالی که زلف داشت و در دستش ترکه‌ای بود و با آن سرگرم بود. [امام] باقر ﷺ او را گرفت و محکم به آغوش چسباند، و فرمود: پدر و مادرم فدایت که اهل لهو و لعب نیستی. آنگاه به من فرمود: ای محمد! بعد از من این امام توست؛ به او اقتدا کن و از دانش وی بهره‌گیری. به خدا قسم او همان صادقی است که پیامبر خدا ﷺ درباره او فرموده است که شیعیان وی در دنیا و آخرت یاری می‌شوند.

۲۱۸

نَبَذَةُ مِنْ مَوَاعِظِهِ وَمَكَارِمِ أَخْلَاقِهِ

۱۱۶۳. الإمام الصادق عليه السلام: يا معشر الأخْدَاتِ، اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَأْتُوا الرُّؤْسَاءَ، دَعُوهُمْ حَتَّى يَصِيرُوا أَذْنَاباً، لَا تَتَّخِذُوا الرِّجَالَ وَلَا نَجَ مِنْ دُونِ اللَّهِ، أَنَا وَاللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْهُمْ. ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ.^۱

۱۱۶۴. بحار الأنوار عن محمد بن زياد الأزدي: سَمِعْتُ مَالِكَ بْنَ أَنَسٍ فُقَيْهَ الْمَدِينَةِ يَقُولُ: كُنْتُ أَدْخُلُ إِلَى الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيُقَدِّمُ لِي مِخْدَةً، وَيَعْرِفُ لِي قَدْرًا وَيَقُولُ: يَا مَالِكُ، إِنِّي أُحِبُّكَ. فَكُنْتُ أُسَرُّ بِذَلِكَ وَأَحْمَدُ اللَّهَ عَلَيْهِ. قَالَ: وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَجُلًا لَا يَخْلُو مِنْ إِحْدَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: إِمَّا صَائِمًا، وَإِمَّا قَائِمًا، وَإِمَّا ذَاكِرًا، وَكَانَ مِنْ عُظَمَاءِ الْعِبَادِ، وَأَكْبَرِ الزُّهَّادِ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، وَكَانَ كَثِيرَ الْحَدِيثِ، طَيِّبَ الْمَجَالِسَةِ، كَثِيرَ الْفَوَائِدِ.^۲

۱۱۶۵. الكافي: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا اعْتَمَمَ وَذَهَبَ مِنَ اللَّيْلِ شَطْرَهُ أَخَذَ جِرَابًا فِيهِ خُبْزٌ وَلَحْمٌ وَالدَّرَاهِمُ فَحَمَلَهُ عَلَى عُنُقِهِ ثُمَّ ذَهَبَ بِهِ إِلَى

۲۱۸

پاره‌ای از مواعظ و مکارم اخلاق آن حضرت

۱۱۶۳. امام صادق عليه السلام: ای گروه جوانان! از خدا پروا کنید و نزد ریاست پیشگان [بی لیاقت] نروید. و اگذاریدشان [و خودتان بزرگ باشید] تا آنان [از ریاست بیفتند و] به دنبال‌رو تبدیل شوند. مردان [غیر الهی] را به جای خداوند همراه خود نگیرید. به خدا سوگند که من برای شما از آنان بهترم. آنگاه با دست خود به سینه‌اش زد.

۱۱۶۴. بحار الأنوار - به نقل از محمد بن زیاد از دی - شنیدم که مالک بن انس، فقیه مدینه، می‌گفت: به حضور [امام] صادق جعفر بن محمد می‌رسیدم و آن حضرت پشتی در اختیارم می‌نهاد و احترامم می‌کرد و می‌فرمود: مالک! من تو را دوست دارم. من از این سخن خوشحال می‌شدم و خدا را شکر می‌کردم. مالک می‌گفت: آن حضرت پیوسته در یکی از این سه حال بود: یا روزه داشت، یا نماز می‌خواند و یا ذکر می‌گفت. او از بزرگ‌ترین عابدان و زاهدان خداترس بود. حدیث بسیار می‌گفت، خوش مجلس بود و پرفایده.

۱۱۶۵. الكافي: هُوَاكِهِ تَارِيكَ مِی‌شَد و پَاسِی‌ی از شَب مِی‌گَذِشْت، اِمَام صَادِق عليه السلام اَنْبَانی از نَآن و گِوشْت و دَرَهْم بَر مِی‌داشْت و بَر دُوش خُود مِی‌نَهاد و اَن رَا بَرای نِیاز مَندان مَدینه

۱. نور الثقلین: ۲/ ۱۹۱/ ۶۹.

۲. بحار الأنوار: ۲۷/ ۱۶/ ۱.

می برد و میان آنان تقسیم می کرد و مردم او را نمی شناختند. وقتی ابو عبدالله علیه السلام درگذشت، این کمکها قطع شد و نیازمندان مدینه فهمیدند که آن شخص، حضرت صادق علیه السلام بوده است.

۱۱۶۶. ثواب الأعمال - به نقل از معلى بن خنيس :-

ابو عبد الله علیه السلام در یک شبی که باران نم نم می بارید، منزل خود را به قصد صُفَّة (سایبان) بنی ساعده ترک کرد. من به دنبال آن حضرت به راه افتادم. ناگاه چیزی از دستش افتاد، گفت: بسم الله، خدایا آن را به ما برگردان. من خود را به ایشان رساندم و سلام کردم. فرمود: تویی معلى؟ عرض کردم: آری، فدایت شوم. فرمود: بادست جستجو کن و اگر چیزی یافتی آن را به من بده. من تکه های نان پراکنده ای را پیدا کردم و آن را به طرف حضرت بردم که به ایشان بدهم. دیدم انبان نانی بر دوش دارد. عرض کردم: فدایت شوم، اجازه می دهید من حملش کنم؟ فرمود: نه، من خود سزاوارتر به این کارم؛ اما با من بیا. به صُفَّة بنی ساعده رسیدیم، دیدیم عده ای خوابیده اند. حضرت، زیر جامه هر یک از آنها یکی دو گرده نان می گذاشت تا به آخرین نفر آنها رسید. آن گاه برگشتیم. من عرض کردم: فدایت شوم، اینها حق را می شناسند (به امامت شما معتقدند)؟ فرمود: اگر می شناختند، آرد هم به آنها می دادیم.

أهل الحاجة من أهل المدينة فقسَّمَهُ فيهم ولا يعرفونه فلَمَّا مَضَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَدُوا ذَلِكَ فَعَلِمُوا أَنَّهُ كَانَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ۱.

۱۱۶۶. ثواب الأعمال عن مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ: خَرَجَ

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي لَيْلَةٍ قَدْ رَشَّتِ السَّمَاءُ وَهُوَ يُرِيدُ ظِلَّةَ بَنِي سَاعِدَةَ فَأَتَبَعْتُهُ فَإِذَا هُوَ قَدْ سَقَطَ مِنْهُ شَيْءٌ فَقَالَ: بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ رُدِّهِ عَلَيْنَا، قَالَ: فَأَتَيْتُهُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَقَالَ: أَنْتَ مُعَلَّى؟ قُلْتُ: نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَقَالَ لِي: الْتِمَسْ بِيَدِكَ فَمَا وَجَدْتَ مِنْ شَيْءٍ؟ فَادْفَعْهُ إِلَيَّ قَالَ: فَإِذَا أَنَا بِخُبْزٍ مُنْتَبِذٍ، فَجَعَلْتُ أَدْفَعُ إِلَيْهِ مَا وَجَدْتُ، فَإِذَا أَنَا بِجِرَافٍ مِنْ خُبْزٍ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَحِمِلْهُ عَنْكَ؟ فَقَالَ: لَا أَنَا أُولَى بِهِ مِنْكَ وَلَكِنْ امْضِ مَعِي، قَالَ: فَأَتَيْنَا ظِلَّةَ بَنِي سَاعِدَةَ فَإِذَا نَحْنُ بِقَوْمٍ نِيَامُ فَجَعَلَ يَدُسُّ الرَّغِيفَ وَالرَّغِيفَيْنِ تَحْتَ ثَوْبٍ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ حَتَّى أَتَى عَلَى آخِرِهِمْ ثُمَّ انْصَرَفْنَا فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَعْرِفُ هَؤُلَاءِ الْحَقَّ، فَقَالَ: لَوْ عَرَفُوا لَوَاسَيْنَاهُمْ بِالذُّقَّةِ ۲.

۱۱۶۷. الكافي عن أبي عمرو الشيباني: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَيَدِيهِ مَسْحَاةً وَعَلَيْهِ إِزَارٌ غَلِيظٌ يَعْمَلُ فِي حَائِطٍ لَهُ وَالْعَرَقُ يَتَصَابُ عَنْ ظَهْرِهِ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَعْطِنِي أَكْفِكَ فَقَالَ لِي: إِنِّي أَحَبُّ أَنْ يَتَأَذِّي الرَّجُلُ بِحَرِّ الشَّمْسِ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ^۱.

(انظر) بحار الأنوار: ۲۷ / ۱۶ باب ۴.

۱۱۶۷. الكافي - به نقل از ابو عمرو شیبانی :- امام صادق را دیدم که در دستش بیل بود و پیراهنی ضخیم بر تن داشت و در بوستان خود کار می کرد و عرق از پشت او سرازیر بود. عرض کردم: فدایت شوم؛ اجازه بدهید من به جای شما کار کنم. فرمود: من دوست دارم که مرد، برای تأمین معیشت خود، در گرمای آفتاب اذیت شود.



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الإمام موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام

امام موسی کاظم علیہ السلام



مرکز تحقیقات کتب و تاریخ اسلام

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ۴۸/۱-۳۲۸ «تاريخ الإمام الكاظم عليه السلام».

۲۱۹

النُّصْرُ عَلَى إِمَامَتِهِ

۱۱۶۸. المناقب لابن شهر آشوب عن صفوان الجمال:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ صَاحِبِ هَذَا
الْأَمْرِ، فَقَالَ: صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ لَا يَلْهُو
وَلَا يَلْعَبُ. فَأَقْبَلَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ
وَهُوَ صَغِيرٌ وَمَعَهُ عَنَاقُ مَكِّيَّةَ وَهُوَ يَقُولُ
لَهَا: اسْجُدِي لِرَبِّكِ، فَأَخَذَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
فَضَمَّهُ إِلَيْهِ وَقَالَ: بِأَبِي وَأُمِّي، لَا يَلْهُو
وَلَا يَلْعَبُ.^۱

۲۲۰

الإِمَامُ فِي السُّجُنِ

۱۱۶۹. بحار الأنوار عن علي بن سويد: كَتَبْتُ

إِلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع، وَهُوَ فِي
الْحَبْسِ، كِتَاباً أَسْأَلُهُ عَنْ حَالِهِ وَعَنْ
مَسَائِلَ كَثِيرَةٍ، فَاخْتَبَسَ الْجَوَابُ عَلَيَّ
أَشْهُرًا، ثُمَّ أَجَابَنِي بِجَوَابٍ هَذِهِ نُسخَتُهُ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ... أَمَّا بَعْدُ،
فَإِنَّكَ أَمَرُوا أَنْزَلَكَ اللَّهُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ بِمَنْزِلَةٍ

۱. المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۳۱۷.

۲۱۹

تصريح به امامت آن حضرت

۱۱۶۸. المناقب لابن شهر آشوب - به نقل از صفوان

جمال -: از امام صادق ع درباره دارنده این
منصب (امامت) سؤال کردم. حضرت
فرمود: دارنده این مقام، به لهو و لعب
نمی پردازد. در این هنگام موسی بن جعفر،
که کودکی بود، وارد شد در حالی که ماده
بزغاله ای مکی با خود داشت و به او
می گفت: پروردگارت را سجده کن! ابو
عبدالله او را گرفت و در آغوش کشید و
فرمود: پدر و مادرم فدایش که اهل لهو و
لعب نیست.

۲۲۰

امام در زندان

۱۱۶۹. بحار الأنوار - به نقل از علی بن سويد -:

زمانی که ابوالحسن موسی ع در زندان
بود، من نامه ای به ایشان نوشتم و از حالش
جويا شدم و مسائل بسیاری را نیز مطرح
کردم. چند ماهی به من پاسخی نرسید.
سپس برای من جوابی نوشت که متن آن
این است:

به نام خداوند مهرگستر مهربان ... اما
بعد، تو مردی هستی که خداوند نزد

خاصّة، وَحَفِظَ مَوَدَّةَ مَا اسْتَرَعَاكَ مِنْ دِينِهِ ... الْحَدِيثُ ۱.

۱۱۷۰. عیون أخبار الرضا عن الثوباني: كَانَتْ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ۞ بِضْعَ عَشْرَةَ سِنَةً كُلُّ يَوْمٍ سَجْدَةٌ بَعْدَ ابْتِضَاضِ الشَّمْسِ إِلَى وَقْتِ الزَّوَالِ قَالَ: فَكَانَ هَارُونُ رُبَّمَا صَعَدَ سَطْحًا يُشْرِفُ مِنْهُ عَلَى الْحَبْسِ الَّذِي حَبَسَ فِيهِ أَبَا الْحَسَنِ ۞ فَكَانَ يَرَى أَبَا الْحَسَنِ ۞ سَاجِدًا فَقَالَ لِلرَّبِيعِ: مَا ذَاكَ الثَّوْبُ الَّذِي أَرَاهُ كُلَّ يَوْمٍ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ؟ قَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا ذَاكَ ثَوْبٌ وَإِنَّمَا هُوَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ۞ لَهُ كُلُّ يَوْمٍ سَجْدَةٌ بَعْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ إِلَى وَقْتِ الزَّوَالِ قَالَ الرَّبِيعُ: فَقَالَ لِي هَارُونُ: أَمَا إِنَّ هَذَا مِنْ رُهْبَانِ بَنِي هَاشِمٍ، قُلْتُ: فَمَا لَكَ فَقَدْ ضَيَّقْتَ عَلَيْهِ فِي الْحَبْسِ؟ قَالَ: هِيَاتَ لَا بُدَّ مِنْ ذَلِكَ ۲.

۲۲۱

مِنْ فَضَائِلِهِ ۞

۱۱۷۱. الإرشاد: رُوِيَ أَنَّهُ (الكاظم ۞) كَانَ يَدْعُو

خاندان محمد منزلت خاصی به تو بخشیده است و تو را دوستدار دینش، که از تو خواسته آن را پاس داری، قرار داده است....

۱۱۷۰. عیون أخبار الرضا - به نقل از ثوبانی :-

ابوالحسن موسی بن جعفر ۞، به مدت ده سال و اندی، هر روز پس از بالا آمدن آفتاب به سجده می رفت و هنگام ظهر در سجده بود. گاهی اوقات هارون روی بامی که مشرف بر زندان امام کاظم ۞ بود می رفت و حضرت را در حال سجده می دید. یک بار به ربیع گفت: این جامه ای که هر روز در آن جامی بینم چیست؟ ربیع گفت: ای امیر المؤمنین! آن جامه نیست بلکه موسی بن جعفر ۞ است که هر روز بعد از طلوع خورشید تا هنگام ظهر به سجده می افتد. ربیع گفت: هارون به من گفت: براستی که او از راهبان بنی هاشم است. من گفتم: پس چرا در زندان عرصه را بر او تنگ کرده ای؟ گفت: هیئات که چاره ای جز این نیست.

۲۲۱

برخی از فضایل امام کاظم ۞

۱۱۷۱. الإرشاد: روایت شده است که حضرت

کاظم ۞ زیاد دعا می خواند، و عرضه

۱. بحار الأنوار: ۷/۳۲۹/۷۸.

۲. عیون أخبار الرضا: ۱/۹۵.

كَثِيرًا فَيَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ
الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ. وَيُكَرِّرُ ذَلِكَ.
وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ ﷺ: عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ
فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ. وَكَانَ يَبْكِي مِنْ
خَشْيَةِ اللَّهِ حَتَّى تَخْضَلُ لِحْيَتُهُ بِالدَّمُوعِ.
وَكَانَ أَوْصَلَ النَّاسِ لِأَهْلِيهِ وَرَجَمِهِ وَكَانَ
يَفْتَقِدُ فَقَرَاءَ الْمَدِينَةِ فِي اللَّيْلِ فَيَحْمِلُ
إِلَيْهِمُ (الزَّنْبِيلَ) فِيهِ الْعَيْنُ وَالْوَرَقُ وَالْأَدِقَّةُ
وَالثَّمُورُ فَيُوصِلُ إِلَيْهِمْ ذَلِكَ وَلَا يَعْلَمُونَ مِنْ
أَيِّ جَهَّةٍ هُوَ.^۱

می داشت: بار خدایا! راحتی در هنگام مردن،
و عفو و بخشش در هنگام حسابرسی را از تو
مستلت می کنم. و این جمله را تکرار می کرد.
یکی از دعاهاى آن حضرت این بود: گناه بنده
تو بزرگ است و عفو و گذشت از جانب تو
نیکوست. آن حضرت از خشیت خدا چندان
می گریست که محاسن او از اشک تر می شد.
هیچ کس به اندازه ایشان به خانواده و
خویشاوندانش رسیدگی نمی کرد. شب
هنگام به فقرای مدینه سرکشی می کرد و
زنبیلی پر از درهم و دینار و آرد و خرما با خود
می برد و بر در خانه های آنان می گذاشت و آنها
نمی فهمیدند که این پول و اجناس از طرف
چه کسی آمده است.

۱۱۷۲. تاریخ بغداد - به نقل از حسن بن محمد بن
یحیی علوی :- جدم برایم نقل کرد که: موسی
بن جعفر یدعی العبد الصالح من عبادته
و اجتهاده. روى أصحابنا أنه دخل مسجد
رسول الله ﷺ فَسَجَدَ سَجْدَةً فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ،
وَسَمِعَ وَهُوَ يَقُولُ فِي سُجُودِهِ: عَظِيمُ الذَّنْبِ
عِنْدِي فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوَ عِنْدَكَ، يَا أَهْلَ
التَّقْوَى وَيَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ. فَجَعَلَ يُرَدِّدُهَا
حَتَّى أَصْبَحَ وَكَانَ سَخِيًّا كَرِيمًا، وَكَانَ
يَبْلُغُهُ عَنِ الرَّجُلِ أَنَّهُ يُؤْذِيهِ فَيَبْعَثُ إِلَيْهِ
بِصُرَّةٍ فِيهَا أَلْفَ دِينَارٍ.^۲

۱۱۷۲. تاریخ بغداد - به نقل از حسن بن محمد بن
یحیی علوی :- جدم برایم نقل کرد که: موسی
بن جعفر را به خاطر سختکوشی و شدت
عبادتش، عبد صالح می گفتند. اصحاب ما
روایت کرده اند که آن حضرت سرشب به
مسجد رسول خدا ﷺ رفت و به سجده افتاد؛
شنیده شد که در سجودش می گوید: بزرگ
است گناه من، و عفو از تو نیکوست، ای آن که
سزاوار آنی که از تو پروا کنند، و ای آن که اهل
آمرزشی. و این جمله را تا صبح تکرار
می کرد. موسی بن جعفر، انسانی با سخاوت و
بزرگواری بود. هرگاه می شنید کسی حرفهای
آزار دهنده ای درباره او گفته است [به جای
تلافی] همیانی پر از هزار دینار برایش
می فرستاد.

الإمام علي بن موسى الرضا

امام رضا



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ۲/۳۹-۳۳۷ «تاريخ الإمام الرضا».

۲۲۲

النَّصُّ عَلَى إِمَامَتِهِ

۱۱۷۳. بحار الأنوار: أوصى أبو الحسن موسى بن جعفر عليه السلام إلى ابنه علي عليه السلام، وكتب له كتاباً أشهد فيه ستين رجلاً من وجوه أهل المدينة^۱.

(انظر) بحار الأنوار: ۱۱/ ۴۹ باب ۲، الكافي: ۳۱۱/ ۱ باب الإشارة والنص على أبي الحسن الرضا عليه السلام.

۲۲۲

تصريح به امامت آن بزرگوار

۱۱۷۳. بحار الأنوار: ابوالحسن موسى بن جعفر عليه السلام فرزند خود علی عليه السلام را وصی قرار داد و برای او وصیت نامه ای نوشت و شصت تن از سرشناسان مدینه را بر آن گواه گرفت.

۲۲۳

إجبار الإمام على ولاية العهد

۱۱۷۳. عيون أخبار الرضا: إن المأمون قال للرضا عليه السلام: يا بن رسول الله... إني قد رأيت أن أعزل نفسي عن الخلافة، وأجعلها لك وأبايعك!

فقال له الرضا عليه السلام: إن كانت هذه الخلافة لك والله جعلها لك فلا يجوز لك أن تخلع لباساً ألبسك الله وتجعله لغيرك، وإن كانت الخلافة ليست لك فلا يجوز لك أن تجعل لي ما ليس لك.

۲۲۳

مجبور کردن امام به پذیرش ولايتعهدی

۱۱۷۳. عيون أخبار الرضا: مأمون به حضرت رضا عليه السلام گفت: ای پسر رسول خدا!... من صلاح دیدم که خود را از خلافت عزل کنم و آن را به تو بسپارم و با تو بیعت کنم!

حضرت رضا عليه السلام فرمود: اگر این خلافت از آن توست و خدا به تو داده است که روانیست جامه ای را که خدا بر قامت تو پوشانده از تن به درآوری و به دیگری بپوشانی و اگر خلافت از آن تو نیست، حق نداری آنچه را از آن تو نیست به من واگذاری.

فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَلَا بُدَّ لَكَ مِنْ قَبُولِ هَذَا الْأَمْرِ! فَقَالَ: لَسْتُ أَفْعَلُ ذَلِكَ طَائِعاً أَبَداً... تُرِيدُ بِذَلِكَ أَنْ يَقُولَ النَّاسُ: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا لَمْ يَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا بَلْ زَهَدَتْ الدُّنْيَا فِيهِ! أَلَا تَرَوْنَ كَيْفَ قَبِلَ وَلَايَةَ الْعَهْدِ طَمَعاً فِي الْخِلَافَةِ؟! فَقَضِبَ الْمَأْمُونُ ثُمَّ قَالَ: ... فَبِاللَّهِ أَقْسِمُ لَنْ قَبِلْتَ وَلَايَةَ الْعَهْدِ وَإِلَّا أَجْبَرْتُكَ عَلَى ذَلِكَ، فَإِنْ فَعَلْتَ وَإِلَّا ضَرَبْتُ عُقْقَكَ! ۱

مأمون گفت: ای فرزند رسول خدا! باید این کار را بپذیری. امام فرمود: من با میل خود هرگز این کار را نمی‌کنم... تو با این کار می‌خواهی مردم بگویند: علی بن موسی به دنیا پشت نکرده بود، بلکه دنیا به او پشت کرده بود، مگر نمی‌بینید که چگونه به طمع خلافت، ولایتعهدی را پذیرفت؟! مأمون در خشم شد و گفت: ... به خدا سوگند اگر ولایتعهدی را نپذیری تو را به پذیرفتن آن مجبور می‌کنم. اگر این کار را کردی چه بهتر و گرنه گردنت را می‌زنم.

۲۲۳

امام در زندان سرخس



(انظر) بحار الأنوار: ۴۹/۱۲۸ باب ۱۳.

۲۲۳

حالة الإمام في سجن سرخس

۱۱۷۵. بحار الأنوار عن الهروي: جئت إلى باب الدار التي حُبِسَ فيها الرضا ع بِسَرَخْسٍ وَقَدْ قِيدَ، فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ السَّجَانَ فَقَالَ: لَا سَبِيلَ لَكُمْ إِلَيْهِ، فَقُلْتُ: وَلِمَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ رُبَّمَا صَلَّى فِي يَوْمِهِ وَلَيْسَتْ لَهُ أَلْفَ رَكْعَةٍ، وَإِنَّمَا يَنْقُطِلُ مِنْ صَلَاتِهِ سَاعَةٌ فِي صَدْرِ النَّهَارِ وَقَبْلَ الزَّوَالِ وَعِنْدَ اضْغِرَارِ الشَّمْسِ، فَهُوَ فِي هَذِهِ الْأَوْقَاتِ قَاعِدٌ فِي مُصَلَّاهُ يُنَاجِي رَبَّهُ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: فَاطْلُبْ لِي فِي

۱۱۷۵. بحار الأنوار - به نقل از ابا صلت هروی :- به باب الدار سرخس که حضرت در آن جا زندانی و به زنجیر بسته شده بود رفتم. از زندانبان اجازه خواستم خدمت آن حضرت بروم اما او گفت: نمی‌توانید با او ملاقات کنید. پرسیدم: چرا؟ گفت: چون گاهی اوقات شبانه‌روزی هزار رکعت نماز می‌گزارد. فقط در آغاز روز و قبل از زوال و نزدیک غروب آفتاب ساعتی از نماز باز می‌ایستد و در همین اوقات نیز بر سجاده خود می‌نشیند و با خدایش راز و نیاز می‌کند. به زندانبان گفتم: از ایشان خواهش کن که اجازه دهند در این اوقات به دیدارشان روم. او برایم اجازه گرفت و من

هذه الأوقات إذناً عليه، فاستأذن لي عليه، فدخلت عليه وهو قاعد في مُصَلَّاه مُتَفَكِّرٌ!

۲۲۵

آشنایی امام به زبانهای مختلف

۱۱۷۶. عیون أخبار الرضا - به نقل از اباصلت

هروی :- امام رضا علیه السلام با مردم به زبان خودشان صحبت می کرد، و به خدا قسم به هر زبانی، از اهل آن زبان، داناتر بود و رساتر سخن می گفت. روزی به ایشان عرض کردم: یابن رسول الله! من از آشنایی شما به این زبانهای گوناگون در شگفتم. فرمود: ای اباصلت! من حجّت خدا بر آفریدگان او هستم و خداوند حجّتی را برای مردم قرار نمی دهد که زبان آنها را نداند. آیا نشنیده ای که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: فصل الخطاب به ما عطا شده است، آیا فصل الخطاب چیزی جز دانستن زبانهاست؟

۲۲۶

آرامش امام

۱۱۷۷. امام رضا علیه السلام - وقتی به ایشان عرض شد:

از شمشیرها خون می چکد و شما چنین [بسی پروا] سخنی می گوید؟ - فرمود: خداوند وادی ای از طلا دارد که به وسیله

۲۲۵

علم الإمام باللغات

۱۱۷۶. عیون أخبار الرضا عن أبي الصلت الهروي:

كان الرضا عليه السلام يُكلّم الناس بلغاتهم، وكان والله أفصح الناس وأعلمهم بكلّ لسان ولغة، فقلت له يوماً: يابن رسول الله، إني لأعجب من معرفتك بهذه اللغات على اختلافها! فقال: يا أبا الصلت، أنا حجّة الله على خلقه، وما كان الله ليأخذ حجّة على قوم وهو لا يعرف لغاتهم، أو ما بلغك قول أمير المؤمنين عليه السلام: «أوتينا فضل الخطاب؟ فهل فصل الخطاب إلا معرفة اللغات؟»

۲۲۶

طمأنينة الإمام

۱۱۷۷. الإمام الرضا عليه السلام - لما قيل له: إنك تتكلّم

بهذا الكلام والسيّف يقطر دماً! - إن الله وادياً من ذهب حماه بأضعف خلقه النمل،

۱. بحار الأنوار: ۴۹/۵/۹۱.

۲. عیون أخبار الرضا: ۲/۲۲۸/۳.

فَلَوْ رَامَتْهُ الْبَخَاتِيُّ لَمْ تَصِلْ إِلَيْهِ^۱.

۲۲۷

خصائضه

۲۲۷

ویژگی‌های امام رضا

۱۱۷۸. عیون أخبار الرضا - به نقل از ابراهیم بن

العباس :- هرگز ندیدم که امام رضا به

کسی سخن تند می‌گوید، و یا پیش از آن

که کسی سخنش تمام شود سخن او را قطع

کند. اگر می‌توانست حاجت کسی را

برآورد، هرگز او را دست خالی

بر نمی‌گرداند؛ هیچ‌گاه در برابر کسی پای

خود را دراز نمی‌کرد، و چنانچه کسی در

حضور او نشسته بود، تکیه نمی‌کرد.

هرگز ندیدم که به یکی از غلامان و

خدمتکارانش ناسزا بگوید؛ هرگز ندیدم

که آب دهان بیندازد، و یا هنگام خندیدن

قهقهه سر دهد، بلکه خنده‌اش تبسم بود.

هرگاه سفره‌اش را پهن می‌کرد غلامان و

خدمتکاران خود و حتی دربان [و] مهتر

اسبان را با خود سر سفره می‌نشاند.

۱۱۷۸. عیون أخبار الرضا عن إبراهيم بن

العباس: ما رأيت أبا الحسن الرضا جفا

أحداً بكلمة قط ولا رأيت قطعه على أحد

كلامه حتى يفرغ منه، وما ردّ أحداً عن

حاجة يقدر عليها ولا حدّ رجله بين يدي

جليس له قط ولا اتكى بين يدي جليس

له قط، ولا رأيت شتم أحداً من موالیه

وممالیکه قط، ولا رأيت تفل ولا رأيت

يقهقه في ضحك قط، بل كان ضحكته

التبسم، وكان إذا خلا ونصب مائدة

أجلس معه على مائدته ممالیکه وموالیه

حتى البواب السائس^۲.

۱. بحار الأنوار: ۱۷/۱۸۶/۶۰.

۲. عیون أخبار الرضا: ۷/۱۸۴/۲.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الإمام محمد بن علي الجواد عليه السلام

امام جواد عليه السلام



مركز بحوث التاريخ والحضارة الإسلامية

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٥٠/١-١٠٩ تاريخ الإمام الجواد عليه السلام.

۲۲۸

النَّصُّ عَلَى إِمَامَتِهِ

۱۱۷۹. رسول الله ﷺ - لَمَّا سَأَلَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ عَنِ الْإِثْمَةِ فِي صُلْبِ الْحُسَيْنِ ﷺ ...: وَيَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ (الرِّضَا) ابْنُهُ مُحَمَّدٌ الْمَحْمُودُ أَطْهَرُ النَّاسِ خَلْقًا وَأَحْسَنُهُمْ خَلْقًا.^۱

۱۱۸۰. الكافي عن يحيى الصنعاني: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ﷺ وَهُوَ بِمَكَّةَ وَهُوَ يَقْشِرُ مَوْزًا وَيُطْعِمُهُ أَبَا جَعْفَرٍ ﷺ فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا الْمَوْلُودُ الْمُبَارَكُ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا يَحْيَى هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ فِي الْإِسْلَامِ مِثْلُهُ مَوْلُودٌ أَعْظَمُ بَرَكَتَةً عَلَى شَيْعَتِنَا مِنْهُ.^۲

۱۱۸۱. بحار الأنوار عن عبد الله بن جعفر: دَخَلْتُ عَلَى الرِّضَا ﷺ أَنَا وَصَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى، وَأَبُو جَعْفَرٍ ﷺ قَائِمٌ قَدْ أَتَى لَهُ ثَلَاثُ سِنِينَ، فَقُلْنَا لَهُ: جَعَلْنَا اللَّهُ فِدَاكَ، إِنْ - وَأَعُوذُ بِاللَّهِ - حَدَّثَ حَدَّثَ فَمَنْ يَكُونُ بَعْدَكَ؟ قَالَ: ابْنِي هَذَا، وَأَوْمَأَ إِلَيْهِ. قَالَ: فَقُلْنَا لَهُ: وَهُوَ فِي

۲۲۸

تصريح به امامت آن بزرگوار

۱۱۷۹. پیامبر خدا ﷺ - در پاسخ به سؤال عبد الله بن مسعود از امامان از نسل حسین ﷺ - فرمود: ... و از صلب علی (امام رضا) فرزندش محمد ستوده شده به دنیا می آید، که پاکترین مردم از نظر خلقت و خوش خلق ترین آنهاست.

۱۱۸۰. الكافي - به نقل از يحيى صنعاني -: در مكه به حضور امام رضا ﷺ رسیدم، دیدم حضرت، موزی پوست می کند و در دهان ابو جعفر (امام جواد) ﷺ می گذارد. عرض کردم: فدایت شوم! فرزند گرامی شما همین است؟ فرمود: آری يحيى! این فرزندی است که هیچ فرزندی در اسلام بابرکت تر از او برای شیعیان ما زاده نشده است.

۱۱۸۱. بحار الأنوار - به نقل از عبدالله بن جعفر -: من و صفوان بن يحيى به خدمت امام رضا ﷺ رسیدیم. ابو جعفر ﷺ که سه سال از عمرش می گذشت ایستاده بود. عرض کردیم: خدا ما را فدای شما کناد! اگر نعوذ بالله اتفاقی بیفتد، چه کسی بعد از شما [امام] خواهد بود؟ امام ﷺ به حضرت جواد اشاره کرده، فرمود: این فرزندم. عرض

کردیم: او با این سن و سال؟! فرمود: آری، او، با همین سن و سال. خداوند تبارک و تعالی با عیسای دو ساله حاجت را تمام کرد.

۲۲۹

علم امام جواد

۱۱۸۲. الکافی - به نقل از خیرانی، از پدرش :- در

خراسان پیش روی امام رضا علیه السلام ایستاده بودم که مردی به ایشان گفت: ای سرور من! اگر حادثه‌ای [برای شما] رخ دهد به چه کسی مراجعه کنیم؟ امام رضا فرمود: به پسرم ابو جعفر.

گویی آن مرد ابو جعفر را برای این کار کوچکی شمرد و امام رضا علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی عیسی بن مریم را پیامبر و فرستاده و صاحب دین مستقل قرار داد، در حالی که سنش از ابو جعفر کمتر بود.

۲۳۰

بخشش امام جواد

۱۱۸۳. کشف الغمّة: مردی نزد امام جواد علیه السلام آمد و

گفت: به اندازه مروّت به من عطا کن. حضرت پاسخ داد: این اندازه ندارم. مرد گفت: به اندازه من. حضرت فرمود: ای غلام! به او صد دینار عطا کن.

هذا السنّ؟ قال: نعم، وهو في هذا السنّ، إنّ الله تبارك وتعالى احتجّ بعيسى عليه السلام وهو ابن سنتين^۱.

(انظر) بحار الأنوار: ۵۰ / ۱۸ باب ۲، الکافی: ۱ / ۲۲۰ باب الإشارة والنص على أبي جعفر الثاني عليه السلام

۲۲۹

علمه

۱۱۸۲. الکافی عن الخیرانی، عن أبيه: كنت واقفاً بين يدي أبي الحسن عليه السلام بخراسان فقال له: قائل يا سيدي إن كان كون قائل من؟ قال: إلى أبي جعفر ابني، فكان القائل استصغر سنّ أبي جعفر عليه السلام، فقال أبو الحسن عليه السلام: إنّ الله تبارك وتعالى بعث عيسى بن مريم عليه السلام رسولاً نبياً صاحب شريعة مبتدأة في أصغر من السن الذي فيه أبو جعفر عليه السلام.^۲

۲۳۰

جوده

۱۱۸۳. کشف الغمّة: أتاه عليه السلام رجل فقال له: أعطني على قدر مروّتك، فقال: لا يسعني فقال: على قدري. قال: أما ذا فنعم، يا غلام أعطيه مئة دينار.^۳

۱. بحار الأنوار: ۵۰ / ۲۳ / ۲۳.

۲. الکافی: ۱ / ۳۲۲ / ۱۳. ۳. کشف الغمّة: ۱۵۸ / ۳.

۲۳۱

بعض کرائمه

۱۱۸۲. دلائل الإمامة عن علي بن حسان الواسطي المعروف بالعمش: حَمَلْتُ مَعِيَ إِلَيْهِ مِنَ الْأَلَةِ الَّتِي لِلْإِصْبِهَانِ بَعْضُهَا مِنْ فِضَّةٍ وَقُلْتُ أَتَحُفُّ مَوْلَايَ أَبَا جَعْفَرٍ بِهَا فَلَمَّا تَفَرَّقَ النَّاسُ عَنْهُ بَعْدَ جَوَابِ الْجَمِيعِ قَامَ فَمَضَى فَاتَّبَعْتُهُ فَلَقِيتُ مُوَفَّقًا فَقُلْتُ اسْتَأْذِنْ لِي عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ، فَدَخَلْتُ وَسَلَّمْتُ فَرَدَّ عَلَى السَّلَامِ وَفِي وَجْهِهِ الْكَرَاهَةُ وَلَمْ يَأْتِي بِالْجُلُوسِ فَذَنُوتُ مِنْهُ وَأَفْرَعْتُ مَا كَانَ فِي كُمِّي بَيْنَ يَدَيْهِ فَنَظَرَنِي إِلَى مُغْضِبًا ثُمَّ رَنَّا يَمِينًا وَشِمَالًا وَقَالَ مَا لِهَذَا خَلَقَنِي اللَّهُ مَا أَنَا وَاللَّعِبُ؟ فَاسْتَعْفَيْتُهُ فَعَفَا عَنِّي فَأَخَذْتُهَا فَخَرَجْتُ^۱.

۱۱۸۵. كشف الغمة عن القاسم بن عبد الرحمن - وَكَانَ زَيْدِيًّا -: خَرَجْتُ إِلَى بَغْدَادَ فَبِينَا أَنَا بِهَا إِذْ رَأَيْتُ النَّاسَ يَتَعَادُونَ وَيَتَشَرَّفُونَ وَيَقِفُونَ؛ فَقُلْتُ: مَا هَذَا؟ فَقَالُوا: ابْنُ الرُّضَا، فَقُلْتُ: وَاللَّهِ لَا نَنْظُرَنَّ إِلَيْهِ فَطَلَعَ عَلَيَّ بَغْلٌ أَوْ بَغْلَةٌ فَقُلْتُ: لَسَنَ اللَّهُ أَصْحَابُ

۱. دلائل الإمامة: ۲۱۲.

۲۳۱

برخی از کرامت‌های امام جواد

۱۱۸۲. دلائل الإمامة - به نقل از علی بن حسان واسطی -: وسیله‌ای که ساختن اصفهان و قسمتهایی از آن از نقره بود، با خود برداشتم و گفتم این را به مولایم ابو جعفر تحفه می‌دهم. پس از آن که حضرت پاسخ همه مردم را داد و آنان پراکنده شدند، ایشان برخاست و رفت. من در پی ایشان به راه افتادم، به جناب موفقی برخورددم. به او گفتم: از ابو جعفر برای من اجازه شرفیابی بگیر. پس، خدمت حضرت رسیدم و سلام کردم. در حالی که در چهره‌اش نارضایتی بود، جواب سلام را داد و نشست. به حضرت نزدیک شدم و آنچه را در آستینم بود جلو ایشان خالی کردم. با خشم به من نگرست و آن گاه به راست و چپ نگاهی کرد و فرمود: خداوند مرا برای این کارها نیافریده است. مرا چه به بازی؟! من از حضرت طلب بخشش کردم. ایشان مرا بخشیدند و من آن وسیله را برداشتم و بیرون رفتم.

۱۱۸۵. كشف الغمة - به نقل از قاسم بن عبد الرحمان که زیدی مذهب بود -: من رهسپار بغداد شدم. چون به آن جا رسیدم مردم را دیدم که می‌دوند و نگاه می‌کنند و می‌ایستند. پرسیدم: چه خبر است؟ گفتند: ابن الرضا است. گفتم: باید او را ببینم. او سوار بر قاطری نر یا ماده ظاهر شد. گفتم: خدا لعنت کند معتقدان به

الإِمَامَةِ حَيْثُ يَقُولُونَ إِنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ طَاعَةَ
هَذَا، فَعَدَلَ إِلَيَّ وَقَالَ: يَا قَاسِمَ بْنَ
عَبْدِ الرَّحْمَنِ: «أَبْشُرْ! مِنَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ إِنَّا
إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَسُعُرٍ»^۱ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي
سَاحِرٌ وَاللَّهِ! فَعَدَلَ إِلَيَّ فَقَالَ: «ءَالَيْيَ الذِّكْرُ
عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشَرُّ»^۲ قَالَ:
فَانصَرَفْتُ وَقُلْتُ بِالإِمَامَةِ؛ وَشَهِدْتُ أَنَّهُ
حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَاعْتَقَدْتُهُ^۳.

امامت را که می‌گویند خداوند اطاعت این
مرد را واجب ساخته است. او به طرف من
برگشت و گفت: ای قاسم بن عبدالرحمان!
«آیا از بشری همانند خودمان پیروی کنیم؛
در این صورت گمراه و دیوانه خواهیم
بود». با خودم گفتم: به خدا، جادوگر
است! باز به طرف من برگشت و گفت: «آیا
از میان همه ما کلام خدا به او القا
شده است؟ نه، او دروغگویی سبکسر
است».

من برگشتم و معتقد به امامت شدم و
شهادت دادم که او حجّت خدا بر خلق
اوست، و به وی اعتقاد پیدا کردم.



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

۱. القمر: ۲۴. ۲. القمر: ۲۵.

۳. کشف الغمّة: ۱۵۳/۳.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الإمام علي بن محمد الهادي

امام هادي



مركز بحوث الكمبيوتر ودراسه

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٥٠/١١٣-٢٣٢ تاريخ الإمام الهادي عليه السلام.

۲۳۲

النَّصُّ عَلَى إِمَامَتِهِ

۱۱۸۶. الإمام الجواد عليه السلام: إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي أَبِي عَلِيٍّ، أَمْرُهُ أَمْرِي، وَقَوْلُهُ قَوْلِي، وَطَاعَتُهُ طَاعَتِي، وَالْإِمَامَةُ بَعْدَهُ فِي ابْنِهِ الْحَسَنِ^۱.

(انظر) بحار الأنوار: ۵۰ / ۱۱۸ باب ۲، الكافي: ۱ / ۲۲۳ باب الإشارة والنص على أبي الحسن الثالث عليه السلام.

۲۳۲

تصريح به امامت آن بزرگوار

۱۱۸۶. امام جواد عليه السلام: امام پس از من فرزندم علی است؛ فرمان او فرمان من است، سخن او سخن من و اطاعت از او اطاعت از من؛ و پس از او امامت به فرزندش حسن می‌رسد.

۲۳۳

إِخْبَارُهُ بِقَتْلِ الْمُتَوَكَّلِ

۱۱۸۷. الخرائج والجرائح عن ابن أورمة: خَرَجْتُ أَيَّامَ الْمُتَوَكَّلِ إِلَى سُرٍّ مِّنْ رَّأْيٍ، فَدَخَلْتُ عَلَى سَعِيدِ الْحَاجِبِ، وَدَفَعَ الْمُتَوَكَّلُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيْهِ لِيَقْتُلَهُ، فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَيْهِ قَالَ: تُحِبُّ أَنْ تَنْظَرَ إِلَى إِلَهِكَ؟ قُلْتُ: سُبْحَانَ اللَّهِ! إِلَهِي (الَّذِي) لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ. قَالَ: هَذَا الَّذِي تَزْعُمُونَ أَنَّهُ إِمَامُكُمْ! قُلْتُ: مَا أَكْزَرُهُ ذَلِكَ. قَالَ: قَدْ أَمَرْتُ بِقَتْلِهِ وَأَنَا فَاعِلُهُ غَدًا، وَعِنْدَهُ صَاحِبُ الْبَرِيدِ، فَاذْخَرَجْ فَادْخُلْ إِلَيْهِ. فَلَمَّ الْبَيْتُ أَنْ خَرَجَ، قَالَ: ادْخُلْ.

۲۳۳

پیشگویی از کشته شدن متوکل

۱۱۸۷. الخرائج والجرائح به نقل از ابن اورمه: در روزگار متوکل به سامراء رفتم و بر سعید حاجب وارد شدم. متوکل، امام هادی را به دست او سپرده بود تا وی را به قتل رساند. چون بر سعید وارد شدم، گفت: دوست داری معبودت را ببینی؟ گفتم: سبحان الله! معبود من [کسی است که] به چشم دیده نمی‌شود. گفت: همین کسی که شما او را امام خود می‌خوانید. گفتم: بدم نمی‌آید او را ببینم. گفت: به من دستور داده شده که او را بکشم و فردا این کار را خواهم کرد. در حال حاضر آورنده پیام، نزد اوست. وقتی او رفت، تو داخل شو.

فَدَخَلْتُ الدَّارَ الَّتِي كَانَ فِيهَا مَحْبُوساً
فَإِذَا هُوَ ذَا بِحَيَالِهِ قَبْرٌ يُحْفَرُ، فَدَخَلْتُ
وَسَلَّمْتُ وَبَكَيْتُ بُكَاءً شَدِيداً، قَالَ: مَا
يُبْكِيكَ؟ قُلْتُ: لِمَا أَرَى، قَالَ: لَا تَبْكِي
لِذَلِكَ، فَإِنَّهُ لَا يَتِمُّ لَهُمْ ذَلِكَ، فَسَكَنَ مَا كَانَ
بِي، فَقَالَ: إِنَّهُ لَا يَلْبَثُ أَكْثَرَ مِنْ يَوْمَيْنِ،
حَتَّى يَسْفِكَ اللَّهُ دَمَهُ وَدَمَ صَاحِبِهِ الَّذِي
رَأَيْتَهُ. قَالَ: فَوَاللَّهِ مَا مَضَى غَيْرُ يَوْمَيْنِ
حَتَّى قُتِلَ وَقُتِلَ صَاحِبُهُ.^۱

۱۱۸۸. بحار الأنوار: ذکر الحسن بن محمد جمهور

الْعَمِّي فِي كِتَابِ الْوَاحِدَةِ قَالَ: حَدَّثَنِي
أَخِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: كَانَ لِي
صَدِيقٌ مُؤَدَّبٌ لَوْلَدٍ بَغَا أَوْ وَصِيفٍ - الشَّكُّ
مَنِي - فَقَالَ لِي: قَالَ لِي الْأَمِيرُ - مُنْصَرَفُهُ
مِنْ دَارِ الْخُلَيْفَةِ -: حَبَسَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
هَذَا الَّذِي يَقُولُونَ ابْنَ الرِّضَا الْيَوْمَ، وَدَفَعَهُ
إِلَى عَلِيِّ بْنِ كَرْكَرٍ، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: أَنَا أَكْرَمُ
عَلَى اللَّهِ مِنْ نَاقَةِ صَالِحٍ «تَمَتُّعُوا فِي دَارِكُمْ
ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعَدُّ غَيْرُ مَكْذُوبٍ»^۲، وَلَيْسَ
يُفْصِحُ بِالْآيَةِ وَلَا بِالْكَلَامِ، أَيُّ شَيْءٍ هَذَا؟
قَالَ: قُلْتُ: أَعَزَّكَ اللَّهُ تَوَعَّدَ، أَنْظُرْ مَا يَكُونُ

لحظه‌ای بعد، او بیرون آمد. سعید گفت:
داخل شو. من وارد خانه‌ای شدم که امام
هادی  در آن زندانی بود. ناگهان چشمم
به گوری افتاد که در برابر آن حضرت کنده
شده بود. وارد شدم و سلام کردم و به
شدت گریستم. فرمود: چرا گریه می‌کنی؟
عرض کردم: برای آنچه می‌بینم. فرمود:
برای آن گریه نکن؛ زیرا آنها موفق به انجام
این کار نمی‌شوند. سپس آن حضرت مرا
آرام کرد، و فرمود: دو روز بیشتر طول
نمی‌کشد که خداوند خون او (متوکل) و
خون همین پیک را که دیدی می‌ریزد.

به خدا قسم دو روز بیشتر نگذشت که
هر دو کشته شدند.

۱۱۸۸. بحار الأنوار: از حسن بن محمد جمهور در

کتاب الواحدة آمده است: برادر من حسین بن
محمد به من گفت: دوستی داشتم که
آموزگار فرزند «بغا» یا «وصیف» - تردید از
من است - بود. او به من گفت: امیر در
بازگشت از سرای خلیفه به من گفت:
امروز امیر مؤمنان، آن کسی را که فرزند
رضا می‌خوانند دستگیر کرد و او را به
دست علی بن کرکر سپرد و شنیدم که
می‌گوید: من نزد خداوند از ناقة صالح
گرامی‌تر و ارجمندترم «سه روز در سرای
خود از زندگی برخوردار شوید. این
وعده‌ای است عاری از دروغ». من از آیه و
حرفهایش چیزی نفهمیدم؛ منظورش

۱. الخرائج والجرائع: ۱/ ۴۱۲/ ۱۷.

۲. هود: ۶۵.

بعد ثلاثة أيام.

فلما كان من الغد أطلقه واعتذر إليه،
فلما كان في اليوم الثالث وثب عليه ياغز
ويغلون وتامش وجماعة معهم، فقتلوه
وأقعدوا المنتصر ولده خليفة^۱.

۲۳۳

إخباره عما في نفس عبد الرحمن
الإصفهاني وتشيعه

۲۳۳

خبر دادن امام از ضمير عبد الرحمان

اصفهانى و شيعه شدن وى

۱۱۸۹. كشف الغمة: گروهى از مردم اصفهان، از

جمله ابو العباس احمد بن نصر و ابو جعفر

محمد بن علويه نقل کردند که: در اصفهان

مردى بود شيعه، به نام عبد الرحمان. از او

پرسيدند: چه شد که از ميان همه مردم فقط

به امامت على التقى معتقد شدى و نه جز

او؟ گفت: چيزى ديدم که باعث اين کار

شد. من مردى فقير و در عين حال حرّاف و

با جرأت بودم. در يکى از سالها، اهالى

اصفهان مرا بسا عده‌اى ديگر براى

دادخواهى به دربار خليفه فرستادند.

روزي در حضور خليفه بوديم که دستور

احضار على بن محمد بن الرضا صادر شد.

به يکى از حاضران گفتم: اين مردى که

۱۱۸۹. كشف الغمة: حَدَّثَ جَمَاعَةٌ مِنْ أَهْلِ

إِصْفَهَانَ مِنْهُمْ أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ النَّصْرِ،

وَأَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلَوِيَّةَ، قَالُوا:

كَانَ بِإِصْفَهَانَ رَجُلٌ يَقَالُ لَهُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ

وَكَانَ شِيعِيًّا، فَقِيلَ لَهُ: مَا السَّبَبُ الَّذِي

أَوْجَبَ عَلَيْكَ الْقَوْلَ بِإِمَامَةِ عَلِيِّ النَّقِيِّ دُونَ

غَيْرِهِ مِنْ أَهْلِ الزَّمَانِ؟ فَقَالَ: شَاهَدْتُ مَا

يُوجِبُ عَلَى ذَلِكَ، وَذَلِكَ أَنِّي كُنْتُ رَجُلًا

فَقِيرًا وَكَانَ لِي لِسَانٌ وَجُرْأَةٌ، فَأَخْرَجَنِي

أَهْلُ إِصْفَهَانَ سَنَةً مِنَ السَّنِينَ مَعَ قَوْمٍ

آخَرِينَ، (فَجِئْنَا - ظ) إِلَى بَابِ الْمُتَوَكَّلِ

مُتَنَظِّلِينَ، وَكُنَّا بِبَابِ الْمُتَوَكَّلِ يَوْمًا إِذْ

خَرَجَ الْأَمْرُ بِإِحْضَارِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ

الرَّضَا؛ فَقُلْتُ لِبَعْضِ مَنْ حَضَرَ: مَنْ هَذَا

الرَّجُلُ الَّذِي قَدْ أَمَرَ بِإِحْضَارِهِ؟ فَقِيلَ: هَذَا رَجُلٌ عَلَوِيٌّ يَقُولُ الرَّافِضَةُ بِإِمَامَتِهِ، ثُمَّ قَالَ: وَتَقْدِرُ أَنْ الْمُتَوَكِّلَ يُحْضِرُهُ لِلْقَتْلِ، فَقُلْتُ: لَا أَبْرَحُ مِنْ هَيْهُنَا حَتَّى أَنْظُرَ إِلَى هَذَا الرَّجُلِ أَيُّ رَجُلٍ هُوَ؟ قَالَ: فَأَقْبَلَ رَاكِبًا عَلَى فَرَسٍ وَقَدْ قَامَ النَّاسُ صَفِّينِ يُمَنِّئُ الطَّرِيقَ وَيُسَرِّتُهَا يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ، فَلَمَّا رَأَيْتُهُ وَقَفْتُ فَأَبْصَرْتُهُ فَوَقَعَ حُبُّهُ فِي قَلْبِي، فَجَعَلْتُ أَدْعُو لَهُ فِي نَفْسِي بِأَنْ يَدْفَعَ اللَّهُ عَنْهُ شَرَّ الْمُتَوَكِّلِ، فَأَقْبَلَ يَسِيرُ بَيْنَ النَّاسِ وَهُوَ يَنْظُرُ إِلَى عُرْفِ دَابَّتِهِ لَا يَلْتَفِتُ، وَأَنَا دَائِمُ الدُّعَاءِ لَهُ، فَلَمَّا صَارَ إِلَيَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ بِوَجْهِهِ وَقَالَ: اسْتَجَابَ اللَّهُ دُعَاءَكَ وَطَوَّلَ عُمرَكَ وَكَثَّرَ مَالَكَ وَوَلَدَكَ، فَانْصَرَفْنَا بَعْدَ ذَلِكَ إِلَى إِصْفِهَانَ، فَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيَّ وَجُوهًا مِنَ الْمَالِ حَتَّى إِنِّي أَغْلِقُ بَابِي عَلَى مَا قِيَمَتُهُ أَلْفَ أَلْفِ دِرْهَمٍ سِوَى مَالِي خَارِجٍ دَارِي؛ وَرَزِقْتُ عَشْرَةَ مِنْ الْأَوْلَادِ وَقَدْ بَلَغْتُ مِنْ عُمُرِي نِيفًا وَسَبْعِينَ سَنَةً، وَأَنَا أَقُولُ بِإِمَامَةِ هَذَا الَّذِي عَلِمَ مَا فِي قَلْبِي وَاسْتَجَابَ اللَّهُ دُعَائَهُ لِي.^۱

دستور احضارش را صادر کرد کیست؟ گفته شد: او مردی علوی است که رافضیان به امامت او اعتقاد دارند. سپس گفت: حدس می‌زنیم که متوکل او را احضار کرده تا بکشد. گفتم: از این جا تکان نمی‌خورم تا ببینم این مرد چگونه مردی است. وی، در حالی که سوار بر اسبی بود آمد. مردم در سمت راست و چپ مسیر صف کشیده بودند و به او نگاه می‌کردند. چون او را دیدم ایستادم و به ایشان نگاه کردم. محبتش در دلم افتاد. لذا در دلم دعا می‌کردم که خداوند شرّ متوکل را از او دفع کند. او از میان صف مردم حرکت می‌کرد و چشمش را به یال اسبش دوخته بود و به اطراف توجه نمی‌کرد. من دائماً برایش دعا می‌کردم، وقتی به من رسید صورتش را به طرف من برگرداند و گفت: خداوند دعایت را مستجاب فرمود و عمر طولانی به تو عطا فرمود و اموال و فرزندان را زیاد گردانید. بعد از آن واقعه ما به اصفهان برگشتیم. خداوند آنقدر به من ثروت عطا فرمود که تنها در خانه‌ام، افزون بر آنچه در بیرون دارم، اموالی دارم که هزار هزار درهم می‌ارزد. ده فرزند نیز روزی‌ام شده و هفتاد و اندی سال هم از عمرم می‌گذرد. این است علت اعتقاد من به امامت چنین کسی که از قلبم خبر داشت و خداوند دعای او را در حقّ من اجابت فرمود.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الإمام الحسن بن علي العسكري عليه السلام

امام حسن عسكري عليه السلام



مركز بحوث التاريخ والحضارة الإسلامية

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٥٠/٢٣٥-٣٣٩ وتاريخ الإمام العسكري عليه السلام.

۲۳۵

النَّصُّ عَلَى إِمَامَتِهِ

۱۱۹۰. الإمام الهادي عليه السلام: الإمام بعدي الحسن، وبعد الحسن ابنه القائم، الذي يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً.^۱

(انظر بحار الأنوار: ۵۰/۲۳۹ باب ۲، الكافي: ۱/۳۲۵ باب الإشارة والنص على أبي محمد عليه السلام).

۲۳۵

تصريح به امامت آن بزرگوار

۱۱۹۰. امام هادی علیه السلام: امام پس از من، حسن است و پس از حسن فرزندش قائم؛ همو که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همچنان که از بیدادگری و ستم پر شده است.

۲۳۶

كُرَائِمُ الْإِمَامِ فِي السَّجَنِ

۱۱۹۱. بحار الأنوار عن كتاب أحمد بن محمد بن عبيد الله بن أبي العباس: كان أبو هاشم الجعفري حبس مع أبي محمد عليه السلام، كان المعتز حبسهما مع عدة من الطالبيين في سنة ثمان وخمسين ومائتين وقال: حدثنا أحمد بن زياد الهمداني عن علي بن إبراهيم بن هاشم عن داود بن القاسم قال: كنت في الحبس المعروف بحبس خشيش في الجوسق الأحمر أنا والحسن بن محمد العقيقي ومحمد بن إبراهيم العمري وفلان وفلان، إذ دخل علينا أبو محمد الحسن

۲۳۶

کرامت‌های امام در زندان

۱۱۹۱. بحار الأنوار: در کتاب احمد بن محمد بن عیاش آمده است: ابو هاشم (داوود) جعفری با امام عسکری علیه السلام زندانی بود. این دو نفر را معتز (خلیفه عباسی) به همراه عده دیگری از طالبیان در سال ۲۵۸ زندانی کرده بود.

در همان کتاب آمده است: احمد بن زیاد همدانی از علی بن ابراهیم بن هاشم و او از داوود بن قاسم (ابو هاشم جعفری) برایمان نقل کرد که گفته: من و حسن بن محمد عقیقی و محمد بن ابراهیم عمری و فلان و فلان در زندان معروف به زندان خشیش، واقع در کوشک سرخ، به سر می‌بردیم که امام حسن عسکری و برادرش جعفر بر ما وارد شدند و ما برگرد او حلقه

وَأَخُوهُ جَعْفَرٌ، فَحَقَّقْنَا بِهِ، وَكَانَ الْمُتَوَلَّى
لِحَبْسِهِ صَالِحُ بْنُ وَصِيفٍ، وَكَانَ مَعَنَا فِي
الْحَبْسِ رَجُلٌ جُمَحِيُّ يَقُولُ: إِنَّهُ عَلَوِيٌّ.

قَالَ: فَالْتَفَتَ أَبُو مُحَمَّدٍ فَقَالَ: لَوْلَا أَنْ
فِيكُمْ مَنْ لَيْسَ مِنْكُمْ لَا غَلَفْتُكُمْ مَتَى يُفْرَجُ
عَنْكُمْ، وَأَوْمَأَ إِلَى الْجُمَحِيِّ أَنْ يَخْرُجَ
فَخَرَجَ.

فَقَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ: هَذَا الرَّجُلُ لَيْسَ
مِنْكُمْ فَاحْذَرُوهُ، فَإِنْ فِي ثِيَابِهِ قِصَّةٌ قَدْ
كُتِبَتْهَا إِلَى السُّلْطَانِ يُخْبِرُهُ بِمَا تَقُولُونَ فِيهِ،
فَقَامَ بَعْضُهُمْ فَفَتَشَ ثِيَابَهُ، فَوَجَدَ فِيهَا الْقِصَّةَ
يَذْكُرُنَا فِيهَا بِكُلِّ عَظِيمَةٍ^۱.

زدیم، مسئول زندانی کردن او صالح بن
وصیف بود. در بین ما مردی از بنی جُمَح
بود که می گفت علوی است. امام حسن
عسکری روبه ما کرد و فرمود: اگر در میان
شما بیگانه نبود به شما می گفتم که چه
وقت آزاد می شوید. امام به مرد جمحی
اشاره کرد که بیرون رود و او بیرون رفت.

امام فرمود: این مرد از شما نیست. از او
بر حذر باشید. در جامه او نامه ای است که
برای سلطان نوشته تا حرفهایی را که شما
در باره او می گوید به وی گزارش دهد.
یکی برخاست و لباسهای آن مرد را تفتیش
کرد و آن نامه را که در آن از ما به بدی تمام
یاد کرده بود، یافت.

۱۱۹۲. الغيبة للطوسي - به نقل از ابو هاشم

جعفری :- من با امام عسکری علیه السلام در زندان
مُهتدی، پسر واثق، زندانی بودم. آن
حضرت به من فرمود: ابو هاشم! این طاغی
می خواهد امشب [امر] خدا را به سخره
گیرد، اما خداوند از عمر او می کاهد و به
جانشینش می دهد، و من نیز فرزندی ندارم
و بزودی خداوند به من فرزندی عطا
می فرماید. ابو هاشم می گوید: بامدادان،
ترکها بر مهتدی شوریدند و او را کشتند و
معتمد به جای او حاکم شد و خداوند

۱۱۹۲. الغيبة للطوسي عن أبي هاشم الجعفري:

كُنْتُ مَحْبُوسًا مَعَ أَبِي مُحَمَّدٍ علیه السلام فِي حَبْسِ
الْمُهْتَدِي بْنِ الْوَائِقِ، فَقَالَ لِي: يَا أَبَا هَاشِمٍ،
إِنَّ هَذَا الطَّاعِيَّ أَرَادَ أَنْ يَغْبِثَ بِاللَّهِ فِي هَذِهِ
اللَّيْلَةِ، وَقَدْ بَتَرَ اللَّهُ عُمَرَهُ، وَجَعَلَهُ لِلْقَائِمِ مِنْ
بَعْدِهِ، وَلَمْ يَكُنْ لِي وَلَدٌ وَسَارَزَقٌ وَلَدًا. قَالَ
أَبُو هَاشِمٍ: فَلَمَّا أَصْبَحْنَا شَغَبَ الْأَثْرَاكَ
عَلَى الْمُهْتَدِي فَقَتَلُوهُ، وَوَلِيَ الْمُعْتَمِدُ

مَكَانَهُ، وَسَلَّمْنَا اللَّهَ تَعَالَى^۱.

متعال ما را سالم و زنده نگه داشت.

۱۱۹۳. بحار الأنوار: دَخَلَ الْعَبَّاسِيُّونَ عَلَى صَالِحِ ابْنِ وَصِيفٍ، وَدَخَلَ صَالِحُ بْنُ عَلِيٍّ وَغَيْرُهُ مِنَ الْمُتَحَرِّفِينَ عَنْ هَذِهِ النَّاحِيَةِ عَلَى صَالِحِ بْنِ وَصِيفٍ عِنْدَمَا حُيِسَ أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام، فَقَالَ لَهُ: ضَيِّقْ عَلَيْهِ وَلَا تُوسِّعْ، فَقَالَ لَهُمْ صَالِحٌ: مَا أَضْنَعُ بِهِ، وَقَدْ وَكَّلْتُ بِهِ رَجُلَيْنِ شَرٌّ مَن قَدَزْتُ عَلَيْهِ، فَقَدْ صَارَا مِنَ الْعِبَادَةِ وَالصَّلَاةِ إِلَى أَمْرِ عَظِيمٍ؟^۲

۱۱۹۳. بحار الأنوار: هنگامی که ابو محمد عليه السلام زندانی شد، عباسیان و صالح بن علی و دیگر منحرفان از جاده امامت نزد صالح بن وصیف رفتند و گفتند: بر او سخت بگیر و کوتاه نیا. صالح به ایشان گفت: با او چه کنم؟ من دو تن از بدترین و شرورترین افرادی را که توانستم بیابم بر او گماردم اما آن دو [تحت تأثیر امام] سخت به عبادت و نماز روی آوردند.

۲۳۷

پاسخ کتابی درباره تناقض قرآن

۲۳۷

جَوَابُ كِتَابٍ فِي تَنَاقُضِ الْقُرْآنِ

۱۱۹۴. المناقب لابن شهر آشوب - به نقل از ابو القاسم کوفی -: اسحاق کندی، که فیلسوف عراق در عصر خود بود، تصمیم گرفت تناقضات قرآن را گرد آورد و بدین منظور در خانه اش نشست و مشغول این کار شد. روزی یکی از شاگردان او خدمت امام حسن عسکری عليه السلام رسید. امام عليه السلام به او فرمود: آیا در میان شما یک آدم رشید پیدا نمی شود که استادان کندی را از کاری که در پیش گرفته و به قرآن پرداخته است، بازدارد؟ شاگرد عرض کرد: ما از شاگردان او هستیم؛ چگونه بر ما رواست که در این

۱۱۹۴. المناقب لابن شهر آشوب عن أبي القاسم الكوفي: إنَّ إِسْحَاقَ الْكِنْدِيَّ كَانَ فِيلَسُوفَ الْعِرَاقِ فِي زَمَانِهِ أَخَذَ فِي تَأْلِيفِ تَنَاقُضِ الْقُرْآنِ وَشَغَلَ نَفْسَهُ بِذَلِكَ وَتَفَرَّدَ بِهِ فِي مَنْزِلِهِ وَإِنَّ بَعْضَ تَلَامِذَتِهِ دَخَلَ يَوْمًا عَلَى الْإِمَامِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ فَقَالَ لَهُ أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام: أَمَا فِيكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ يَرُدُّ

۱. الغيبة للطوسي: ۲۰۵/ ۱۷۳.

۲. بحار الأنوار: ۵۰/ ۳۰۸/ ۶.

أَسْتَذَكُّمُ الْكِندِيَّ عَمَّا أَخَذَ فِيهِ مِنْ تَشَاغُلِهِ
بِالْقُرْآنِ؟ فَقَالَ التَّلْمِيزُ: نَحْنُ مِنْ تَلَامِيزَتِهِ
كَيْفَ يَجُوزُ مِنَّا الْإِعْتِرَاضُ عَلَيْهِ فِي هَذَا أَوْ
فِي غَيْرِهِ، فَقَالَ لَهُ أَبُو مُحَمَّدٍ: أَتُؤَدِّي اللَّهُ مَا
أُلْقِيَهِ إِلَيْكَ؟ قَالَ: نَعَمْ قَالَ: فَصِرْ إِلَيْهِ
وَتَلَطَّفْ فِي مُؤَانَسَتِهِ وَمَعُونَتِهِ عَلَى مَا هُوَ
بِسَبِيلِهِ فَإِذَا وَقَعَتِ الْأُنْسَةُ فِي ذَلِكَ فَقُلْ قَدْ
حَضَرَتْنِي مَسْأَلَةٌ أَسْأَلُكَ عَنْهَا فَإِنَّهُ
يَسْتَدْعِي ذَلِكَ مِنْكَ فَقُلْ لَهُ إِنْ أَتَاكَ هَذَا
الْمُتَكَلِّمُ بِهَذَا الْقُرْآنِ هَلْ يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ
مُرَادُهُ بِمَا تَكَلَّمَ مِنْهُ غَيْرَ الْمَعْنَى الَّتِي قَدْ
ظَنَنْتَهَا أَنَّكَ ذَهَبْتَ إِلَيْهَا؟ فَإِنَّهُ سَيَقُولُ لَكَ
إِنَّهُ مِنَ الْجَائِزِ لِأَنَّهُ رَجُلٌ يَفْهَمُ إِذَا سَمِعَ، فَإِذَا
أَوْجَبَ ذَلِكَ فَقُلْ لَهُ: فَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ قَدْ
أَرَادَ غَيْرَ الَّذِي ذَهَبْتَ أَنْتَ إِلَيْهِ فَيَكُونَ
وَاضِعاً لِغَيْرِ مَعَانِيهِ. فَصَارَ الرَّجُلُ إِلَى
الْكِندِيِّ وَتَلَطَّفَ إِلَى أَنْ أُلْقِيَ عَلَيْهِ هَذِهِ
الْمَسْأَلَةُ فَقَالَ لَهُ: أَعِدْ عَلَيَّ، فَأَعَادَ عَلَيْهِ
فَتَفَكَّرَ فِي نَفْسِهِ وَرَأَى ذَلِكَ مُحْتَمَلاً فِي
اللُّغَةِ وَسَائِغاً فِي النَّظَرِ فَقَالَ: أَتَيْتُ إِلَيْكَ إِلَّا
أَخْبَرْتَنِي مِنْ أَيْنَ لَكَ؟ فَقَالَ: إِنَّهُ شَيْءٌ
عَرَضَ بِقَلْبِي فَأَوْرَدْتُهُ عَلَيْكَ، فَقَالَ: كَلَّا مَا

مورد یا مواردی دیگر به او اعتراض کنیم؟
امام عسکری علیه السلام فرمود: آیا حاضری کاری
که می‌گویم انجام دهی؟ عرض کرد: آری.
حضرت فرمود: پیش او برو و با وی گرم
بگیر و وانمود کن که می‌خواهی در انجام
کارش به او کمک کنی. وقتی خوب با او
انس گرفتی بگو سؤالی برایم پیش آمده
است که می‌خواهم آن را از تو بپرسم.
خواهد گفت پرس. به او بگو: اگر گوینده
این قرآن نزد تو آید، آیا ممکن است مراد
او از گفته‌هایش غیر از معانی‌ای باشد که تو
به گمان خود آنها را فهمیده‌ای؟ او خواهد
گفت: آری، ممکن است؛ زیرا آدم
فهمیده‌ای است.

پس چون چنین جواب داد، به او بگو:
تو چه می‌دانی؟ شاید گوینده چیزی غیر از
آنچه تو فهمیده‌ای اراده کرده و مراد
واقعی‌اش غیر از معنای اولیه جمله‌هایش
باشد.

آن مرد نزد کندی رفت و با او از در
ملاطفت درآمد و آن گاه این سؤال را از او
پرسید. کندی گفت: سؤالت را تکرار کن.
آن مرد سؤالش را تکرار کرد. کندی با خود
اندیشید و این موضوع را هم از نظر لغوی
محتمل دانست و هم از نظر عقلی جایز.
پس به شاگردش گفت: تو را قسم می‌دهم

مِثْلَكَ مَنْ اهْتَدَى إِلَى هَذَا وَلَا مَنْ بَلَغَ هَذِهِ
الْمَنْزِلَةَ فَعَرَّفَنِي مِنْ أَيْنَ لَكَ هَذَا؟ فَقَالَ:
أَمَرَنِي بِهِ أَبُو مُحَمَّدٍ فَقَالَ: الْآنَ جِئْتُ بِهِ
وَمَا كَانَ لِيَخْرُجَ مِثْلَ هَذَا إِلَّا مِنْ ذَلِكَ
الْبَيْتِ؛ ثُمَّ إِنَّهُ دَعَا بِالنَّارِ وَأَحْرَقَ جَمِيعَ مَا
كَانَ أَلْفَهُ^۱.

که بگویی این سؤال را از کجا آموخته‌ای؟
شاگرد گفت: مطلبی بود که به ذهنم خطور
کرد و از تو پرسیدم. کندی گفت: هرگز،
چنین سؤالی به فکر امثال تو نمی‌رسد، و
تو و امثال تو را شاید که به چنین منزلتی
دست یابید. بگو از کجا این سؤال را
گرفته‌ای؟ شاگرد گفت: ابو محمد به من
فرمود این سؤال را از تو بپرسم. کندی
گفت: حالا حقیقت را گفتی. چنین نکته‌ای
جز از چنان خاندانی سر نمی‌زند، آن‌گاه
آتش طلبید و آنسچه را گرد آورده بود
سوزاند.



مرکز تحقیقات کلامی و فلسفی اسلامی

الإمام القاسم

امام مهدي



ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٥١-٥٣ تاريخ الإمام الثاني عشر عليه السلام .

كنز العمال: ١٣/٢٦١ وخروج المهدي عليه السلام و ص ٥٨٢ والمهدي عليه السلام .

سنن ابن ماجه: ٢/١٣٦٦ وخروج المهدي عليه السلام .

الإمام المهدي عليه السلام من منظار حديث الثقلين .

۲۳۸

أَسْمَاءُ الْإِمَامِ

۱۱۹۵. الإمام الباقر علیه السلام - وقد سألَهُ الثُّمَالِيُّ عَنْ عِلَّةِ تَسْمِيَةِ الْقَائِمِ قَائِماً -: لَمَّا قُتِلَ جَدِّي الْحُسَيْنُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ضَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالْبُكَاءِ وَالنَّحِيبِ، وَقَالُوا: إِلَهَنَا وَسَيِّدَنَا، أَتَغْفُلُ عَمَّنْ قَتَلَ صَفْوَتَكَ وَابْنَ صَفْوَتِكَ، وَخَيْرَ تَكٍّ مِنْ خَلْقِكَ؟! 

فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ: قَرُّوا مَلَائِكَتِي، فَوَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأَنْتَقِمَنَّ مِنْهُمْ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ. ثُمَّ كَشَفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِ الْأُنْمَةِ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ علیه السلام لِلْمَلَائِكَةِ، فَسَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ بِذَلِكَ، فَإِذَا أَحَدُهُمْ قَائِمٌ يُصَلِّي، فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: بِذَلِكَ الْقَائِمِ أَنْتَقِمُ مِنْهُمْ.^۱

۱۱۹۶. عنه علیه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَاناً... إِنَّهُ كَانَ مَنْصُوراً﴾^۲ -: سَمَّى اللَّهُ الْمَهْدِيَّ الْمَنْصُورَ، كَمَا سَمَّى

۲۳۸

نامهای امام

۱۱۹۵. امام باقر علیه السلام - در پاسخ به پرسش ثمالی از علت نامگذاری آن حضرت به قائم - فرمود: چون جَدَم حسین علیه السلام کشته شد فرشتگان با گریه و فغان به درگاه خداوند عز و جل فریاد برآوردند که: ای خدای و سرور ما! آیا از کسانی که برگزیده تو و فرزند برگزیده تو و بهترین آفریده تو را می‌کشند چشم می‌پوشی؟

خداوند عز و جل به آنان وحی فرمود که: فرشتگان من! آرام گیرید؛ به عزت و جلالم سوگند از آنان انتقام خواهم گرفت گرچه به طول انجامد. آن گاه خداوند عز و جل اسامان نسل حسین علیه السلام را به فرشتگان نشان داد و فرشتگان بدان شادمان گشتند. در میان آنان یکی ایستاده بود و نماز می‌خواند. خداوند فرمود: با این

قائم (ایستاده) از آنان انتقام می‌کشم!

۱۱۹۶. امام باقر علیه السلام - دربارهٔ آیه «هر که به ستم کشته شود به ولی او قدرتی داده‌ایم... همانا او پیروزمند است» - فرمود: خداوند مهدی را «منصور (پیروزمند)» نامید،

أحمد ومحمد ومحمود، وكما سَمِيَّ
عيسى المسيح عليه السلام.^۱

۱۱۹۷. الإمام الصادق عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنْ عِلَّةِ
تَسْمِيَةِ الْقَائِمِ بِالْمَهْدِيِّ -: لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى
كُلِّ أَمْرٍ خَفِيٍّ.^۲

(انظر) بحار الأنوار: ۵۱/۲۸ باب ۲.

۲۳۹

النَّصُّ عَلَى إِمَامَتِهِ

۱۱۹۸. الإمام العسكري عليه السلام - وَقَدْ سُئِلَ عَنْ الْحُجَّةِ
وَالْإِمَامِ بَعْدَهُ ؟ -: ابْنِي مُحَمَّدٌ، وَهُوَ الْإِمَامُ
وَالْحُجَّةُ بَعْدِي، مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ
مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً. أَمَّا إِنْ لَهُ غَيْبَةٌ يَحَارُ فِيهَا
الْجَاهِلُونَ، وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ،
وَيَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ، ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَأَنِّي
أَنْظُرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ فَوْقَ رَأْسِهِ
بِنَجْفٍ الْكَوْفَةِ.^۳

(انظر) بحار الأنوار: ۵۱/۶۵ باب ۱ - ۱۰.

۲۴۰

الْبَشَارَةُ بِالْمَهْدِيِّ عليه السلام

۱۱۹۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَبْشِرِي يَا فَاطِمَةُ، فَإِنَّ

۱. بحار الأنوار: ۵۱/۸۳۰. ۲. الغيبة للطوسي: ۴۸۹/۲۷۱.

۳. بحار الأنوار: ۵۱/۱۶۰/۷.

همچنان که [پیامبر را] احمد و محمد و
محمود نامید و همچنان که عیسی را مسیح
نامگذاری کرد.

۱۱۹۷. امام صادق عليه السلام - آن گاه که از علت
نامگذاری قائم به مهدی پرسیده شد -
فرمود: چون او به هر امر نهانی رهنمون
شده است.

۲۳۹

تصريح به امامت آن حضرت

۱۱۹۸. امام عسکری عليه السلام - در پاسخ به پرسش از
حجّت و امام بعد از ایشان - فرمود: فرزندم
محمد، اوست امام و حجّت پس از من. هر
که بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلی
مرده است. بدانید که او را غیبتی است که
پس از آن، ظهور می کند؛ غیبتی که جاهلان
در آن سرگشته می شوند و باطل گرایان به
نابودی می افتند و کسانی به دروغ [برای
ظهور او] زمان تعیین می کنند. گویی
پرچمهای سفیدی را می بینم که در نجف
کوفه بر فراز سر او در اهتزازند.

۲۴۰

بشارت به امام مهدی عليه السلام

۱۱۹۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بشارت باد تو را ای فاطمه

المهدي منك^۱.

که مهدی از توست.

۱۲۰۰. عنه عليه السلام: أبشروا بالمهدي، رجل من قریش من عترتي، يخرج في اختلاف من الناس وزلزال، فيملا الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً.^۲

۱۲۰۱. عنه عليه السلام: المهدي رجل من ولدي، وجهه كالكوكب الدرّي.^۳

۱۲۰۲. عنه عليه السلام: يلي رجل من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي، لو لم يبق من الدنيا إلا يوم لَطَوَّلَ الله ذلك اليوم حتى يلي.^۴

۱۲۰۳. الإمام علي عليه السلام: المهدي رجل منا من ولد فاطمة.^۵

۱۲۰۴. عنه عليه السلام: بمهدينا تقطع الحجب، فهو خاتم الأئمة، ومُنْقِذُ الأُمَّةِ، ومُنْتَهَى النُّورِ.^۶

۱۲۰۵. الإمام الباقر عليه السلام: فإذا خرج أشند ظهره إلى الكعبة، واجتمع إليه ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً، فأول ما ينطق به هذه الآية: «بَقِيَّةُ الله خير لكم إن كنتم مؤمنين».^۷ ثم يقول: أنا بَقِيَّةُ الله وحجته وخليفته عليكم، فلا يسلم

۱. كنز العمال: ۳۴۲۰۸. ۲. كنز العمال: ۳۸۶۵۳.

۳. كنز العمال: ۳۸۶۶۶. ۴. كنز العمال: ۳۸۶۶۱.

۵. كنز العمال: ۳۹۶۷۵. ۶. نهج السعادة: ۱ / ۴۷۲.

۷. هود: ۸۶.

۱۲۰۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شما را بشارت باد به مهدی، مردی قرشی از خاندان من، در روزگاری که مردم گرفتار اختلاف و تزلزل هستند قیام می کند و زمین را همچنان که از جور و ستم پر شده، از عدل و داد آکنده می سازد.

۱۲۰۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مهدی مردی از فرزندان من است و چهره اش چون ستاره درخشان.

۱۲۰۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مردی از خاندان من حکومت خواهد کرد که نامش با نام من یکی است. اگر از دنیا جز یک روز نمانده باشد خداوند آن روز را دراز می گرداند تا او حکومت را به دست گیرد.

۱۲۰۳. امام علی عليه السلام: مهدی، مردی از ماست، از نسل فاطمه.

۱۲۰۴. امام علی عليه السلام: با مهدی ما، حجت ها تمام می شود. او پایان بخش امامان و نجات بخش امت و نور آخرین است.

۱۲۰۵. امام باقر عليه السلام: هرگاه قیام کند به کعبه تکیه می دهد و سیصد و سیزده مرد بر گردش حلقه می زنند. نخستین سخنی که می گوید این آیه است: «بَقِيَّةُ الله برای شما بهتر است اگر ایمان داشته باشید». آن گاه می فرماید: من بَقِيَّةُ الله هستم و حجت و جانشین خدا بر شما. هیچ درود فرستنده ای به او درود

إِلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ
فِي أَرْضِهِ.^۱

۲۳۱

المَهْدِيُّ: بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ

الكتاب:

«بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ
بَحَفِيظٍ».^۲

الحديث:

۱۲۰۶. الإمام علي: «قَدْ لَبِسَ لِلْحِكْمَةِ جُسْتَهَا،
وَأَخَذَهَا بِجَمِيعِ أَذْيِهَا مِنَ الْأَقْبَالِ عَلَيْهَا
وَالْمَعْرِفَةِ بِهَا وَالتَّفَرُّغِ لَهَا ... بَقِيَّةٌ مِنْ بَقَايَا
حُجَّتِهِ، خَلِيفَةٌ مِنْ خَلَائِفِ أَنْبِيَائِهِ».^۳
۱۲۰۷. الإمام الباقر: «إِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرُهُ إِلَى
الْكَعْبَةِ، وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ
رَجُلًا، وَأَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ: «بَقِيَّةُ
اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا
بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَتُهُ وَحُجَّتُهُ
عَلَيْكُمْ، فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ:
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ».^۴

۱۲۰۸. الإمام المهدي: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ».

۱. نور الثقلين: ۲/ ۳۹۲/ ۱۹۴.

۲. هود: ۸۶.

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۸۲.

۴. كمال الدين: ۱۶/ ۳۳۱.

۲۳۱

مهدی: بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ

قرآن:

«اگر ایمان آورده‌اید، بقیة الله (آنچه خدا باقی می‌گذارد)
برایتان بهتر است. و من نگهبان شما نیستم».

حدیث:

۱۲۰۶. امام علی: «درباره امام مهدی: فرمود:
زره حکمت پوشید، و همه آداب آن را از
روی آوردن به آن و شناخت آن و به چیزی
جز آن سپرداختن رعایت کرد، ... او
باقیمانده‌ای از حجت‌های خداست و
خلیفه‌ای از خلفای انبیاست».

۱۲۰۷. امام باقر: «هرگاه قیام کند، به کعبه تکیه
می‌دهد و سیصد و سیزده مرد بر گردش
حلقه می‌زنند. نخستین سخنی که می‌گوید
این آیه است: «بقیة الله برای شما بهتر است
اگر ایمان داشته باشید». آن گاه می‌فرماید:
من بقیة الله روی زمین هستم و جانشین و
حجت او بر شما. آن گاه هر کس بخواهد به
او سلام دهد، چنین می‌گوید: سلام بر تو
ای باقیمانده خدا در زمین خدا».

۱۲۰۸. امام مهدی: «من بقیة الله (باقیمانده

وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ ۱.

حجت‌های خدا) در زمینم و از دشمنان او
انتقام می‌گیرم.

۲۴۲

۲۴۲

قیامت برپا نمی‌شود تا مهدی
ظهور کند

۱۲۰۹. پیامبر خدا ﷺ: قیامت برپا نمی‌شود تا
زمانی که زمین از ستم و دشمنی آکنده
شود، آن گاه مردی از خاندان من قیام
می‌کند و زمین را، همچنان که از ظلم و
جور آکنده شده، از عدل و داد پر می‌کند.

۱۲۱۰. پیامبر خدا ﷺ: قیامت برپا نمی‌شود، تا
زمانی که مردی از خاندان من، که همنام من
است، حکومت را به دست گیرد.

۲۴۳

مردی از خاندان پیامبر ﷺ، زمین را
از داد می‌آکند

۱۲۱۱. پیامبر خدا ﷺ: اگر از عمر دنیا فقط یک
روز باقی مانده باشد، خداوند مردی از
خاندان مرا بر می‌انگیزد که دنیا را پر از داد
می‌کند، همچنان که از ستم پر شده است.

۱۲۱۲. پیامبر خدا ﷺ: بعد از من خلفایی خواهند
بود و بعد از خلفا، امیرانی و بعد از امیران،
شاهانی و بعد از شاهان، جبارانی و سپس
مردی از خاندان من قیام می‌کند و زمین را
از عدالت می‌آکند، همچنان که از ستم
آکنده شده است.

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَظْهَرَ الْمَهْدِيُّ ۚ

۱۲۰۹. رسول الله ﷺ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَمْتَلِئَ
الْأَرْضُ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ
مِنْ عِترَتِي فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا
مِلْنَتْ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا ۲.

۱۲۱۰. عنه ﷺ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَلِيَّ رَجُلٌ مِنْ
أَهْلِ بَيْتِي يُوْاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي ۳.

۲۴۳

رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ ﷺ
يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا

۱۲۱۱. رسول الله ﷺ: لَوْ لَمْ يَنْبَقِ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ
اللهُ تَعَالَى رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا
كَمَا مِلْنَتْ جَوْرًا ۴.

۱۲۱۲. عنه ﷺ: سَيَكُونُ بَعْدِي خُلَفَاءُ، وَمِنْ بَعْدِ
الْخُلَفَاءِ أُمَرَاءُ، وَمِنْ بَعْدِ الْأُمَرَاءِ مُلُوكٌ،
وَمِنْ بَعْدِ الْمُلُوكِ جَبَابِرَةٌ، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ
مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلْنَتْ
جَوْرًا ۵.

۱. کمال الدین: ۱/۳۸۴. ۲. کنز العمال: ۳۸۶۹۱.

۳. کنز العمال: ۳۸۶۹۲. ۴. کنز العمال: ۳۸۶۷۵.

۵. کنز العمال: ۳۸۶۶۷.

۱۲۱۳. عنه علیه السلام: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا لَيْلَةٌ لَمَلَكَ فِيهَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي.^۱

۱۲۱۲. عنه علیه السلام: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَمُتْلَى الْأَرْضُ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا، ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عِترَتِي فَيَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا.^۲

(انظر) العدل: باب ۲۵۰۶.

۲۳۳

مُطَابَقَةُ اسْمِ الْإِمَامِ لِاسْمِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱۲۱۵. رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا وَلَا تَنْقُضِي حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي.^۳

۱۲۱۶. عنه علیه السلام: يَلِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي، لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَلِي.^۴

۱۲۱۷. عنه علیه السلام: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلًا مِنْ وَلَدِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي يَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا.^۵

(انظر) كنز العمال: ۳۸۶۷۶.

۱۲۱۳. پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اگر از عمر دنیا جز یک شب نمانده باشد، در همان یک شب، مردی از خاندان من به حکومت خواهد رسید.

۱۲۱۲. پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: قیامت بر پا نمی شود تا زمانی که زمین از ستم و دشمنی آکنده شود، آن گاه مردی از خاندان من قیام می کند و زمین را، همچنان که از ظلم و جور آکنده شده، از عدل و داد پر می کند.

۲۳۳

همنامی آن امام و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱۲۱۵. پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: دنیا تمام نمی شود و به سر نمی آید، تا مردی از خاندان من که همنام من است، حکومت را به دست گیرد.

۱۲۱۶. پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مردی از خاندان من حکومت خواهد کرد که نامش با نام من یکی است. اگر از دنیا جز یک روز نمانده باشد خداوند آن روز را دراز می گرداند تا او حکومت را به دست گیرد.

۱۲۱۷. پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را دراز می گرداند تا مردی از نسل مرا برانگیزد که همنام من است و دنیا را از عدل و داد می آکند همچنان که از ستم و بیداد آکنده شده است.

۱. كنز العمال: ۳۸۶۸۳. ۲. كنز العمال: ۳۸۶۹۱.

۳. كنز العمال: ۳۸۶۵۵. ۴. كنز العمال: ۳۸۶۶۱.

۵. روضة الواعظین: ۲۸۶، سنن أبي داود: ۴/۱۰۶/۴۲۸۲.

۲۲۵

غَيْبَتَا الْإِمَامِ الْقَائِمِ

۱۲۱۸. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَتَيْنِ: يُقَالُ لَهُ فِي إِحْدَاهُمَا: هَلَكَ، وَلَا يُدْرَى فِي أَيِّ وَادٍ سَلَكَ! ۱

۱۲۱۹. الإمام الصادق عليه السلام: لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ: إِحْدَاهُمَا طَوِيلَةٌ، وَالْأُخْرَى قَصِيرَةٌ، فَالْأُولَى يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا خَاصَّةٌ مِنْ شِيعَتِهِ، وَالْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا (إِلَّا) خَاصَّةٌ مُوَالِيَةٍ فِي دِينِهِ. ۲

۱۲۲۰. عنه عليه السلام: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَيْنِ: إِحْدَاهُمَا تَطَوَّلَ، حَتَّى يَقُولَ بَعْضُهُمْ: مَاتَ، وَيَقُولَ بَعْضُهُمْ: قُتِلَ، وَيَقُولَ بَعْضُهُمْ: ذَهَبَ، حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَى أَمْرِهِ مِنْ أَصْحَابِهِ إِلَّا نَفَرٌ يَسِيرٌ. ۳

۲۲۶

صُعُوبَةُ التَّمَسُّكِ بِالْدِّينِ

۱۲۲۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: لِأَصْحَابِهِ -: إِنَّكُمْ أَصْحَابِي، وَإِخْوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا وَلَمْ يَرُونِي ... لِأَحَدِهِمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرْطِ الْقِتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلُمَاءِ، أَوْ كَالْقَابِضِ

۱. الغيبة للنعماني: ۸/۱۷۳. ۲. بحار الأنوار: ۵۲/۱۵۵/۱۰.

۳. بحار الأنوار: ۵۲/۱۵۳/۵.

۲۲۵

دو غیبت امام قائم

۱۲۱۸. امام باقر عليه السلام: همانا قائم را دو غیبت است: در یکی از آنها [از بس طولانی است] گفته می‌شود: او مرده است و معلوم نیست در کجا به سر می‌برد.

۱۲۱۹. امام صادق عليه السلام: قائم را دو غیبت است: یکی طولانی و دیگری کوتاه. در غیبت نخستین [که کوتاه است]، جایگاه آن حضرت را شیعیان خاص او می‌دانند و در غیبت دوم [که طولانی است] از جایگاه او کسی خبر ندارد بجز خواص از بستگان هم‌آیین او.

۱۲۲۰. امام صادق عليه السلام: صاحب این امر (امامت) را دو غیبت است: یکی از آنها چندان به درازا می‌کشد که بعضی می‌گویند: مرده است، بعضی می‌گویند: کشته شده است و بعضی می‌گویند: رفته است [و بر نمی‌گردد]. تنها گروهی اندک از یارانش بر عقیده خود درباره او پابرجا می‌مانند.

۲۲۶

دشوار بودن دینداری در زمان

غیبت امام

۱۲۲۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله - به اصحابش - فرمود: شما همراهان من هستید، اما برادران من، مردمانی در آخر الزمان هستند که ایمان آورد [ه] اند و مرا ندیده‌اند ... پایداری هر

عَلَى جَمْرِ الْغَضَا، أُولَئِكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى،
يُنَجِّهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَيْرَاءٍ مُظْلِمَةٍ.^۱

۱۲۲۲. عنه علیه السلام: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا، إِنَّ
الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ فِي زَمَانٍ غَيْبَتِهِ لَأَعَزُّ
مِنَ الْكِبَرِيَّتِ الْأَحْمَرِ.^۲

۱۲۲۳. بحار الأنوار: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: سَيَأْتِي قَوْمٌ
مِنْ بَعْدِكُمْ، الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ
خَمْسِينَ مِنْكُمْ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، نَحْنُ
كُنَّا مَعَكَ بِبَدْرِ وَأَحَدٍ وَحُنَيْنٍ وَنَزَلَ فِيْنَا
الْقُرْآنُ! فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَوْ تَحَمَّلُوا لِمَا حُمِّلُوا
لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ.^۳

۱۲۲۴. الإمام زين العابدين علیه السلام: مَنْ ثَبَّتَ عَلَى
وَلَايَتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أُعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ
شَهِيدٍ، مِثْلَ شَهِدَاءِ بَدْرِ وَأَحَدٍ.^۴

۱۲۲۵. الغيبة للنعماني عن الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّ
لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةَ الْمُتَمَسِّكِ فِيهَا
بَدِينُهُ كَالْخَارِطِ لِشَوْكِ الْقِتَادِ بِيَدِهِ.

— ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ: — إِنَّ لِصَاحِبِ
هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلْيَتَمَسَّكَ

کدامشان در دینداری، بیشتر از مقاومت
کسی است که می‌خواهد در شب تار،
خارهای ساقه‌گون را با دست از بالا به
پایین بزداید یا همچون کسی است که
زغال افروخته چوب‌گز را در کف نگه
می‌دارد. اینان چراغهای تابان در دل
تاریکی‌اند. خداوند آنان را از فتنه‌های
غبار آلود و شبگون نجات می‌بخشد.

۱۲۲۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن‌که به حق مرا نوید
دهنده برانگیخت، آنان که در روزگار
غیبت او بر اعتقاد به او استوار بمانند از
کبریت احمر کمیابترند.

۱۲۲۳. بحار الأنوار: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس از
شما مردمانی خواهند آمد که یکی از آنان
اجر پنجاه نفر از شما را دارد. عرض کردند:
ای پیامبر خدا! ما که در [جنگهای] بدر و
أُحُد و حنین همراه شما بودیم و قرآن در
میان ما نازل شد؟! فرمود: اگر آنچه بر سر
ایشان می‌آید به سر شما بیاید، مانند آنان
شکیب نمی‌ورزید.

۱۲۲۴. امام زين العابدين علیه السلام: هر که در روزگار غیبت
قائم ما، بر ولایت ما استوار ماند، خداوند
پاداش هزار شهید مانند شهیدان بدر و أُحُد
را به وی عطا می‌فرماید.

۱۲۲۵. الغيبة للنعماني: امام صادق علیه السلام فرمود:
صاحب این امر (امامت) غیبتی دارد که در
آن دیندار همانند کسی است که خار ساقه‌
گون را با دست می‌زداید.

— امام سپس، اندکی خاموش ماند و آن
گاه فرمود: — صاحب این امر را غیبتی

۱. بحار الأنوار: ۵۲/۱۲۴/۸.

۲. کمال الدین: ۲۸۸/۷. ۳. بحار الأنوار: ۵۲/۱۳۰/۲۶.

۴. بحار الأنوار: ۵۲/۱۲۵/۱۳.

بدینہ^۱

است، پس باید که بنده از خدا بترسد و به
دین خویش چنگ آویزد.

(انظر للدين: باب ۱۳۲۵).

۲۴۷

دعا در زمان غیبت امام

۱۲۲۶. الغيبة للنعماني - به نقل از عبدالله ابن

سنان - من و پدرم به حضور امام صادق
رسیدیم، آن حضرت فرمود: اگر به روزی
درافتید که نه امام هدایتگری ببینید و نه
نشانه‌ای نمایان، چه می‌کنید؟! از آن
سرگشتگی کسی رهایی نمی‌یابد، مگر آن
که دعای غریق را بخواند. پدرم گفت: به
خدا سوگند که این بلاست؛ فدایت شوم،
در آن هنگام چه کنیم؟ فرمود: هرگاه چنین
روزگاری آمد و امام زمان را ندیدی به
آنچه در دست دارید (قرآن و عترت)
چنگ آویزد تا امر برایتان آشکار شود.

۱۲۲۷. بحار الأنوار - به نقل از عبدالله بن سنان -:

امام صادق فرمود: بزودی در شبهه‌ای
خواهید افتاد و بدون نشانه‌ای نمایان و
امامی رهنما خواهید ماند. از این شبهه
رهایی نمی‌یابد مگر آن کس که دعای غریق
را بخواند. عرض کردم: دعای غریق
چگونه است؟ فرمود: می‌گویی: «یا الله، یا
رحمن، یا رحیم، یا مقلب القلوب ثبت
قلبی علی دینک؛ خدایا! مهر گستر! مهربانا!
ای دگرگون‌ساز دلها! دل مرا بر دینت استوار
گردان». و من گفتم: «یا مقلب القلوب

۲۴۷

الدُّعَاءُ عِنْدَ غَيْبَةِ الْقَائِمِ

۱۲۲۶. الغيبة للنعماني عن عبد الله بن سنان: دَخَلْتُ

أَنَا وَأَبِي عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ: كَيْفَ
أَنْتُمْ إِذَا صِرْتُمْ فِي حَالٍ لَا تَرَوْنَ فِيهَا إِمَامًا
هُدًى وَلَا عِلْمًا يُرَى؟! فَلَا تَنْجُو مِنْ تِلْكَ
الْحَيْرَةِ إِلَّا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ، فَقَالَ
أَبِي: هَذَا وَاللَّهِ الْبَلَاءُ، فَكَيْفَ نَصْنَعُ جُعِلَتْ
فِدَاكَ حِينْتِذَا؟ قَالَ: إِذَا كَانَ ذَلِكَ - وَلَنْ
تُدْرِكَهُ - فَتَمَسَّكُوا بِمَا فِي أَيْدِيكُمْ حَتَّى
يَتَضَحَّ لَكُمْ الْأَمْرُ.^۲

۱۲۲۷. بحار الأنوار عن عبد الله بن سنان: قَالَ

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: سَتُصِيبُكُمْ شُبْهَةٌ فَتَبْقَوْنَ بِلَا
عِلْمٍ يُرَى وَلَا إِمَامٍ هُدًى، لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا
مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ. قُلْتُ: وَكَيْفَ دُعَاءُ
الْغَرِيقِ؟ قَالَ: تَقُولُ: يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا
رَحِيمُ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى

۱. الغيبة للنعماني: ۱۱/۱۶۹ وفي بعض النسخ «فليتق الله عند غيبته».

۲. الغيبة للنعماني: ۴/۱۵۹.

دِينِكَ. فَقُلْتُ: يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ
ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ! فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ
وَجَلَّ مُقَلَّبُ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، وَلَكِنْ قُلْ
كَمَا أَقُولُ: يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى
دِينِكَ.^۱

وَالْأَبْصَارِ، ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ؛ اِی
دگرگونساز دلها و اندیشه‌ها! دل مرا بر
دینت استوار گردان! و امام فرمود: البته
خداوند عزوجل دگرگون کننده دلها و
اندیشه‌هاست. اما تو همان بگو که من
می‌گویم: اِی دگرگونساز دلها! دل مرا بر
دینت استوار گردان.

۲۳۸

الْقِيَامُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ

۱۲۲۸. الْإِمَامُ عَلِيٌّ: وَالَّذِي نَفْسُ عَلِيٍّ بِيَدِهِ،
لَا تَقُومُ عِصَابَةٌ تَطْلُبُ لِي أَوْ لغيري حَقًّا أَوْ
تَدْفَعُ عَنَّا ضَيْمًا إِلَّا صَرَعَتْهُمْ الْبَلِيَّةُ، حَتَّى
تَقُومَ عِصَابَةٌ شَهِدَتْ مَعَ مُحَمَّدٍ ﷺ بَدْرًا، لَا
يُودِي قَتِيلُهُمْ، وَلَا يُدَاوِي جَرِيحَهُمْ، وَلَا
يُنْعَشُ صَرِيْعُهُمْ.^۲

قیام کردن قبل از قیام قائم

۱۲۲۸. امام علی: سرگند به آن که جان علی
در دست اوست، هیچ دسته‌ای برای گرفتن
حق من یا دیگری و یا برای دفع ستم از ما،
قیام نمی‌کند مگر آن که بلیه آنان را از پای
درمی‌آورد تا آن گاه که دسته‌ای که با
محمد ﷺ در بدر بودند قیام کنند؛ گروهی
که برای کشته‌هایشان خونبها پرداخت
نمی‌شود، مجروحان درمان نمی‌گردد و
بر خاک افتاده‌شان در تابوت نهاده
نمی‌شود.

۱۲۲۹. الْإِمَامُ الْبَاقِرُ: مَثَلُ مَنْ خَرَجَ مِنَّا أَهْلَ
الْبَيْتِ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ مَثَلُ فَرْخٍ طَارَ وَوَقَعَ
فِي كُوَّةٍ فَتَلَاعَبَتْ بِهِ الصَّبِيَّانُ.^۳

۱۲۲۹. امام باقر: آن دسته از ما خاندان، که

پیش از قیام قائم دست به قیام بزنند،
همچون جوجه پرنده‌ای هستند که [از لانه
خود] بیرون پریده و در سوراخی افتاده و
بازیچه دست کودکان شده است.

۱۲۳۰. الْغَيْبَةُ لِلنَّعْمَانِيِّ: أَبُو الْجَارُودِ عَنِ الْإِمَامِ
الْبَاقِرِ: أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا تَقُومُ عِصَابَةٌ تَدْفَعُ
ضَيْمًا أَوْ تُعِزُّ دِينًا إِلَّا صَرَعَتْهُمْ الْمَنِيَّةُ

۱۲۳۰. الْغَيْبَةُ لِلنَّعْمَانِيِّ - به نقل از ابو جارود :-

امام باقر فرمود: بدان که هیچ گروهی
برای زدودن ستمی، یا قدرت بخشیدن به

۱. بحار الأنوار: ۷۳/۱۴۹/۵۲.

۲. شرح نهج البلاغة: ۳۸۲/۶.

۳. بحار الأنوار: ۴۸/۱۳۹/۵۲.

وَالْبَلِيَّةُ، حَتَّى تَقُومَ عِصَابَةُ شَهِدُوا بِدِرْأٍ مَعَ
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، لَا يُوَارِي قَتِيلَهُمْ، وَلَا يُرْفَعُ
صَرِيْعُهُمْ، وَلَا يُدَاوَى جَرِيحُهُمْ. قُلْتُ: مَنْ
هُمْ؟ قَالَ: الْمَلَائِكَةُ.^۱

۱۲۳۱. الإمام الصادق ﷺ: مَا خَرَجَ وَلَا يَخْرُجُ مِنَّا
أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَى قِيَامِ قَائِمِنَا أَحَدٌ لِيُدْفَعَ ظُلْمًا
أَوْ يَنْعَشَ حَقًّا إِلَّا اصْطَلَمَتْهُ الْبَلِيَّةُ، وَكَانَ
قِيَامُهُ زِيَادَةً فِي مَكْرُوهِنَا وَشَيْعَتِنَا.^{۲، ۳}

۱۲۳۲. إعلام الوری عن الحسين بن خالد: قَالَ
الرُّضَا ﷺ: ... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ [أَتْقَاكُمْ]^۴
وَأَعْمَلُكُمْ بِالتَّقِيَّةِ، فَقِيلَ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ
اللَّهِ، إِلَى مَتَى؟ قَالَ: إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ
الْمَعْلُومِ، وَهُوَ يَوْمُ خُرُوجِ قَائِمِنَا، فَمَنْ تَرَكَ
التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا.^۵

۱۲۳۳. الإمام الصادق ﷺ: لَا أَزَالُ أَنَا وَشَيْعَتِي بِخَيْرٍ
مَا خَرَجَ الْخَارِجِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ،

۱. الغيبة للنعماني: ۲/۱۹۵.

۲. شاع الشيء: تَفَرَّقَ (المحيط في اللغة: ۲/ ۱۰۰).

۳. الصحيفة السجادية: ۱۱.

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۱ / ۳۵ باب ۱۳. مستدرک الوسائل:

۱۱ / ۳۴ باب ۱۲ حکم الخروج بالسيف قبل قيام
القائم ﷺ.

۴. ما بين المعقوفين أثبتناه من طبعة بيروت.

۵. إعلام الوری: ۲/ ۲۴۱.

دینی قیام نمی‌کند مگر آن که مرگ و فاجعه
آنان را به خاک می‌افکند. تا آن که گروهی
قیام کنند که در بدر با پیامبر خدا ﷺ بودند؛
گروهی که کشته آنان دفن نمی‌شود و بر
خاک افتاده‌شان از زمین بلند نمی‌شود و
مجروحان مداوا نمی‌گردد.

عرض کردم: آنان چه کسانی‌اند؟
فرمود: فرشتگان.

۱۲۳۱. امام صادق ﷺ: هیچ فردی از ما خاندان
برای زدودن ستم، یا زنده کردن حقی قیام
نکرده، و تا پیش از قیام قائم ما، قیام
نخواهد کرد، مگر آن که گرفتاریها او را از
پای درآورده و درمی‌آورد و قیام او بر
فراحتی و پاشیدگی ما افزوده و می‌افزاید.

۱۲۳۲. إعلام الوری - به نقل از ابن خالد -: امام
رضا ﷺ فرمود: همانا گرامی‌ترین شما نزد
خداوند، باتقواترین و پای‌بندترین شما به
تقیه است. عرض شد: ای پسر رسول خدا!
تا کی؟ فرمود: تا روزگار آن زمان معین، که
آن روزگار قیام قائم ماست. پس، هر که
پیش از قیام قائم ما تقیه را ترک کند، از ما
نیست.

۱۲۳۳. امام صادق ﷺ: تا آنگاه که فردی از خاندان
محمد ﷺ باشد که دست به شورش زند،
من و شیعیانم در خیر [و امنیت] به سر
می‌بریم. چقدر دوست داشتم کسی از

وَلَوَدِدْتُ أَنَّ الْخَارِجِيَّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ۖ
خَرَجَ وَعَلَيَّ نَفَقَةُ عِيَالِهِ^۱

۱۲۳۲. عنه ۖ: لَا تَقُولُوا: خَرَجَ زَيْدٌ، فَإِنَّ زَيْدًا كَانَ
عَالِمًا وَكَانَ صَدُوقًا وَلَمْ يَدْعُكُمْ إِلَى نَفْسِهِ،
إِنَّمَا دَعَاكُمْ إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ۖ،
وَلَوْ ظَهَرَ لَوْفِي بِمَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ، إِنَّمَا خَرَجَ
إِلَى سُلْطَانٍ مُجْتَمِعٍ لِيَنْقُضَهُ^{۲، ۳}

(انظر) الثورة: باب ۴۸۲.

الإمامة العامة: باب ۱۷۳، ۱۷۴.

۲۳۹

انتظار الفرَج

۱۲۳۵. رسول الله ۖ: انتظر الفرَج بالصبر عبادة^۴.

۱۲۳۶. الإمام علي ۖ: انتظروا الفرَج ولا تَيَاسُّوا
مِنْ رُوحِ اللَّهِ، فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ
عَزَّوَجَلَّ انتَظَارُ الْفَرَجِ^۵.

۱۲۳۷. الإمام زين العابدين ۖ: انتظر الفرَج مِنْ
أَعْظَمِ الْفَرَجِ^۶.

۱. مستطرفات السرائر: ۴۸ / ۴.

۲. الكافي: ۲۶۴ / ۸، ۳۸۱.

۳. من خلال التأمل في هاتين الروايتين والزوايات الدالة على
وجوب القيام ضد الظالمين وكذا الزوايات الواردة في
الممَّهدين والموطنين لحكومة الإمام المهدي ۖ، يظهر أنها
قابلية للجمع، وسيأتي تفصيل هذا الإجمال في موسوعة الإمام
المهدي ۖ.

۴. الدعوات: ۱۰۱ / ۴۱. ۵. بحار الأنوار: ۵۲ / ۱۲۳ / ۷.

۶. بحار الأنوار: ۵۲ / ۱۲۲ / ۴.

خاندان محمد ۖ شورش کند و خرج
خانواده اش را من پیردازم.

۱۲۳۲. امام صادق ۖ: نگویند: زید [پسر امام
زین العابدین ۖ] شورش کرد. زید
مردی دانشمند و راستگو بود و شما را به
سوی خودش دعوت نکرد، بلکه به
خشنودی خاندان محمد ۖ فرایتان خواند.
اگر پیروز می شد بی گمان به آنچه شما را
بدان فرا خوانده بود وفادار می ماند.
براستی که او برای در هم شکستن قدرتی
منسجم قیام کرد.^۱

۲۳۹

انتظار فرج

۱۲۳۵. پیامبر خدا ۖ: صبورانه در انتظار فرج
بودن عبادت است.

۱۲۳۶. امام علی ۖ: در انتظار فرج باشید و از
رحمت خدا نومید مشوید؛ زیرا
محبوبترین کارها نزد خداوند عز و جل
انتظار فرج است.

۱۲۳۷. امام زین العابدین ۖ: انتظار فرج،
خود بزرگترین فرج است.

۱. با تأمل روشن می شود که این دو روایت و روایاتی که
دالالت بر وجوب قیام بر ضد زمامداران جائر دارند و نیز
روایاتی که درباره زمینه سازان حکومت امام مهدی (عج)
وارد شده اند قابل جمع اند، تفصیل این اجمال در موسوعة
امام مهدی (عج) خواهد آمد.

۱۲۳۸ . الإمام الصادق عليه السلام : پارسایی، پاکدامنی، درستی ... و صبورانه در انتظار فرج بودن جزء دین امامان است.

۱۲۳۹ . امام کاظم عليه السلام : انتظار فرج، جزء فرج است.

۱۲۳۸ . الإمام الصادق عليه السلام : من دین الأئمة الورع والعفة والصلاح ... وانتظار الفرج بالصبر^۱.

۱۲۳۹ . الإمام الكاظم عليه السلام : انتظار الفرج من الفرج^۲.

(انظر) عنوان ۴۴۸ «القنوط».

البلاء : باب ۴۲۳.

۲۵۰

انتظار الفرج أفضل العبادة

۱۲۲۰ . رسول الله صلى الله عليه وآله : أفضل أعمالي أمتي انتظار فرج الله عز وجل^۳.

۱۲۲۱ . عنه عليه السلام : أفضل أعمالي أمتي انتظار الفرج من الله عز وجل^۴.

۱۲۲۲ . عنه عليه السلام : أفضل العبادة انتظار الفرج^۵.

۱۲۲۳ . الإمام علي عليه السلام : أفضل عبادة المؤمن انتظار فرج الله^۶.

(انظر) عنوان ۴۴۸ «القنوط».

۲۵۱

منزلة المنتظر للمهدي عليه السلام

۱۲۳۳ . الإمام الصادق عليه السلام : المنتظر للثاني عشر

۲۵۰

انتظار فرج، برترین عبادت است

۱۲۲۰ . پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : برترین کارهای امت من، انتظار فرج از خداوند عز وجل است.

۱۲۲۱ . پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : برترین اعمال امت من، انتظار فرج از سوی خدا بودن است.

۱۲۲۲ . پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : برترین عبادت، انتظار فرج است.

۱۲۲۳ . امام علی عليه السلام : برترین عبادت مؤمن، در انتظار فرج خداوند بودن است.

۲۵۱

مقام منتظران مهدی عليه السلام

۱۲۳۲ . امام صادق عليه السلام : کسی که منتظر دوازدهمین

[امام] باشد، مانند کسی است که با شمشیر

آخته در برابر پیامبر خدا صلى الله عليه وآله از آن حضرت

۱ . بحار الأنوار: ۵۲/۱۲۲/۱.

۲ . الغيبة للطوسي: ۴۵۹/۴۷۱.

۳ . بحار الأنوار: ۵۲/۱۲۲/۲. ۴ . بحار الأنوار: ۵۲/۱۲۸/۲۱.

۵ . بحار الأنوار: ۵۲/۱۲۵/۱۱. ۶ . المحاسن: ۱/۴۵۳/۱۰۴۴.

كَالشَّاهِرِ سَيْفُهُ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
يَذُبُّ عَنْهُ.^۱

۱۲۳۵. عَنْهُ ﷺ: مَنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لِهَذَا الْأَمْرِ كَانَ
كَمَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ، لَا بَلْ
كَانَ بِمَنْزِلَةِ الضَّارِبِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ بِالسَّيْفِ.^۲

۲۵۲

۲۵۲

ظُهُورُ الْقَائِمِ ﷺ بَعْدَ يَأْسِ النَّاسِ
۱۲۳۶. الْإِمَامُ الصَّادِقُ ﷺ: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ
إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ، لَا وَاللَّهِ، حَتَّى تُمَيِّزُوا.^۳
۱۲۳۷. عَنْهُ ﷺ: لَا وَاللَّهِ، لَا يَكُونُ مَا تَعُدُّونَ إِلَيْهِ
أَعْيُنَكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ.^۴
۱۲۳۸. الْإِمَامُ الرُّضَا ﷺ: إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ عَلَى
الْيَأْسِ.^۵

۲۵۳

كَذَبَ الْوَقَاتُونَ

۱۲۳۹. الْإِمَامُ الْبَاقِرُ ﷺ - وَقَدْ سَأَلَهُ الْفُضَيْلُ: هَلْ لِهَذَا
الْأَمْرِ وَقْتُ؟ -: كَذَبَ الْوَقَاتُونَ، كَذَبَ
الْوَقَاتُونَ، كَذَبَ الْوَقَاتُونَ.^۶

دفاع کند.

۱۲۳۵. امام صادق ﷺ: هر که در حال انتظار این
امر (ظهور قائم) بمیرد، همچون کسی
است که با قائم در خیمه او باشد؛ نه، بلکه به
مانند کسی است که پیشاپیش پیامبر خدا ﷺ
شمشیر می زند.

ظهور قائم ﷺ پس از نومیدی مردم

۱۲۳۶. امام صادق ﷺ: بیه خدا قسم این امر
(ظهور) برایتان در نمی رسد مگر پس از آن
که نومید شوید، نه به خدا، مگر پس از آن
که سره از ناسره تان جدا شود.

۱۲۳۷. امام صادق ﷺ: به خدا سوگند، آنچه را
چشم به راهش هستید، فرا نمی رسد مگر
پس از نومیدی [از آمدنش].

۱۲۳۸. امام رضا ﷺ: همانا فرج و گشایش، پس
از نومیدی می آید.

۲۵۳

تعیین کنندگان وقت ظهور
دروغ می گویند

۱۲۳۹. امام باقر ﷺ - در پاسخ به این پرسش فضیل
که آیا زمان ظهور تعیین شده است؟ -
فرمود: وقت گذاران دروغ می گویند،
وقت گذاران دروغ می گویند، وقت گذاران
دروغ می گویند.

۱. بحار الأنوار: ۲۴/۱۲۹/۵۲.

۲. بحار الأنوار: ۶۹/۱۴۶/۵۲.

۳. بحار الأنوار: ۲۰/۱۱۱/۵۲.

۴. الغيبة للطوسي: ۲۸۱/۳۳۶.

۵. بحار الأنوار: ۱۷/۱۱۰/۵۲.

۶. الغيبة للطوسي: ۴۱۱/۴۲۶.

۱۲۵۰. الإمام الصادق عليه السلام: كَذَبَ الْمُؤَقَّتُونَ، مَا وَقَّتْنَا
فِيهِمَا مَضَى، وَلَا نُوقَّتُ فِيمَا يُسْتَقْبَلُ^۱.

۱۲۵۱. عنه عليه السلام: مَنْ وَقَّتَ لَكَ مِنَ النَّاسِ شَيْئاً فَلَا
تَهَابَنَّ أَنْ تُكَذِّبَهُ، فَلَسْنَا نُوقَّتُ لِأَحَدٍ
وَقْتاً^۲.

(النظر) بحار الأنوار: ۵۲/ ۱۰۱ باب ۲۱.

۲۵۳

سبب غیبت

۱۲۵۲. کمال الدین - به نقل از عبدالله بن فضل

هاشمی :- شنیدم امام صادق عليه السلام می فرمود:
صاحب الامر را غیبتی است که ناچار به
وقوع می پیوندد که هر باطل اندیشی در آن
شک می کند. عرض کردم: فدایت شوم،
برای چه؟ فرمود: به سبب چیزی که اجازه
نداریم آن را برای شما فاش سازیم.

عرض کردم: پس، حکمت غیبت او
چیست؟ فرمود: حکمت غیبت او همان
حکمت غیبت حجتهای الهی پیش از
اوست. حکمت آن فقط پس از ظهور او
معلوم خواهد شد ... غیبت، امری از
(امور) خداست و رازی از رازهای خدا و
غیبی از غیب خدا. وقتی دانستیم که
خداوند عز و جل حکیم است، تصدیق
می کنیم که همه کارهای او از روی حکمت

۲۵۳

علّة الغیبة

۱۲۵۲. کمال الدین عن عبد الله بن الفضل
الهاشمي: سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ
مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ
غَيْبَةً لَا بَدَّ مِنْهَا يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ.
فَقُلْتُ: وَلَمْ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟ قَالَ: لِأَمْرِ لَمْ
يُؤْذَنْ لَنَا فِي كَشْفِهِ لَكُمْ.

قلت: فما وجه الحكمة في غيبته؟
قال: وجه الحكمة في غيبته وجه الحكمة
في غيبات من تقدمه من حجج الله تعالى
ذكره، إن وجه الحكمة في ذلك لا ينكشف
إلا بعد ظهوره ... إن هذا الأمر أمر من أمر
الله تعالى، وسر من سر الله، وغيب من

۱. الغيبة للطوسي: ۴۲۶/ ۴۱۲.

۲. الغيبة للطوسي: ۴۲۶/ ۴۱۴.

غَيْبِ اللَّهِ، وَمَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَكِيمٌ
صَدَّقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ، وَإِنْ كَانَ
وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ^۱.

۱۲۵۳. الإمام الصادق عليه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا بَدَ
لِلْغُلَامِ مِنْ غَيْبَةٍ، فَقِيلَ لَهُ: وَلَمْ يَأْتِ رَسُولُ
اللَّهِ؟ قَالَ: يَخَافُ الْقَتْلَ^۲.

۱۲۵۴. عنه عليه السلام: الْقَائِمُ ﷺ لَنْ يَظْهَرَ أَبَدًا حَتَّى تَخْرُجَ
وَدَائِعُ اللَّهِ تَعَالَى [يعني بها المؤمنين من
أَصْلَابِ الْكَافِرِينَ] فَإِذَا خَرَجَتْ ظَهَرَ عَلَى
مَنْ ظَهَرَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ فَقَتَلَهُمْ^۳؟

۱۲۵۵. عنه عليه السلام: مَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى لَا يَبْقَى صِنْفٌ
مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَقَدْ وُلِّوا عَلَى النَّاسِ، حَتَّى
لَا يَقُولَ قَائِلٌ: إِنَّا لَوْ وُلِّينَا لَعَدَلْنَا! ثُمَّ يَقُومُ
الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَالْعَدْلِ^۴.

۱۲۵۶. علل الشرائع عن إبراهيم الكرخي: قلت
لأبي عبد الله عليه السلام - أو قال له رجل -:
أَصْلَحَكَ اللَّهُ، أَلَمْ يَكُنْ عَلِيٌّ ﷺ قَوِيًّا فِي
دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قَالَ: بَلَى. قَالَ: فَكَيْفَ

است هر چند راز حکیمانه بودن آنها بر ما
معلوم نباشد.

۱۲۵۳. امام صادق علیه السلام پیامبر خدا ﷺ فرمود: آن
جوان را لا جرم غیبتی باید. عرض شد:
چرا، ای رسول خدا؟ فرمود: بیم کشته
شدن می رود.

۱۲۵۴. امام صادق علیه السلام: قائم ﷺ هرگز ظهور
نمی کند تا آنگاه که امانت های خداوند متعال
(یعنی مؤمنان از صلب کافران) بیرون
آیند. پس، هرگاه آنان بیرون آمدند قائم بر
دشمنان خدا چیره می شود و آنها را
می کشد.

۱۲۵۵. امام صادق علیه السلام: این کار (قیام قائم ﷺ)
رخ نخواهد داد تا آن که هر گروه و دسته ای
حکومت بر مردم را به دست گیرد تا کسی
نگوید: اگر حاکم می شدیم عدالت را
می گسترانیدیم. بعد از این، قائم حق و
عدل گستر قیام می کند.

۱۲۵۶. علل الشرائع - به نقل از ابراهیم کرخی -:
من یا مردی دیگر از امام صادق علیه السلام
پرسیدیم: خدا شما را به سامان بدارد آیا
علی ﷺ درباره دین خداوند عز و جل با
قدرت و قاطعیت رفتار نمی کرد؟ فرمود:
چرا. عرض شد: پس چرا بر آن گروه

۱. کمال الدین: ۱۱/۴۸۲.

۲. بحار الأنوار: ۵۲/۹۰، ۱، وقد ذكرت هذه العلة في روايات كثيرة، فانظر أيضاً حديث: ۵، ۱۰، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۲ و ص ۱۴۶/۷۰.

۳. علل الشرائع: ۲/۱۴۷. ۴. الغيبة للنعماني: ۲۷۴/۵۳.

ظَهَرَ عَلَيْهِ الْقَوْمُ وَكَيْفَ لَمْ يَذْفَعَهُمْ؟ وَمَا مَنَعَهُ مِنْ ذَلِكَ؟

(دشمنان) پیروز گشت، اما آنان را از بین نبرد؟ چه چیز او را از این کار باز داشت؟

قَالَ: آيَةُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ... ﴿لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾^۱. إِنَّهُ كَانَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَدَائِعُ مُؤْمِنُونَ^۲ فِي أَضْلَابِ قَوْمِ كَافِرِينَ وَمُنَافِقِينَ، فَلَمْ يَكُنْ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيَقْتُلَ الْآبَاءَ حَتَّى تَخْرُجَ الْوَدَائِعُ، فَلَمَّا خَرَجَ الْوَدَائِعُ ظَهَرَ عَلِيٌّ عَلَى مَنْ ظَهَرَ فَقَاتَلَهُ، وَكَذَلِكَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَنْ يَظْهَرَ أَبَدًا حَتَّى تَظْهَرَ وَدَائِعُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَإِذَا ظَهَرَتْ ظَهَرَ عَلِيٌّ مَنْ ظَهَرَ فَقَتَلَهُ^۳.

فرمود: [به خاطر] آیه‌ای در کتاب خداوند عز و جل ... که «اگر از یکدیگر جدا می‌بودند بی‌گمان ما کافران آنان را عذاب‌های دردناک می‌چشانیدیم». همانا خداوند نطفه‌ی مؤمنانی را به امانت در پشت و صلب مشتی کافر و منافق نهاده بود، و علی علیه السلام پدران را نکشت، تا آن امانت‌ها بیرون آیند. و چون امانت‌ها بیرون آمدند، بر آنان چیره گشت و کشت. قائم ما خاندان نیز چنین است. او هرگز ظهور نخواهد کرد تا آن که امانت‌های خداوند عز و جل، آشکار شوند و هرگاه آشکار شدند، [بر دشمنان خدا] چیره می‌شود و آنان را می‌کشد.

۱۲۵۷. الإمام الكاظم عليه السلام: لو كان فيكم عدة أهل بدر لقام قائمنا^۴.

۱۲۵۷. امام کاظم علیه السلام: اگر در میان شما به تعداد اهل بدر وجود داشت، قائم ما قیام می‌کرد.

۱۲۵۸. بحار الأنوار عن الحسن بن فضال عن الإمام الرضا عليه السلام: كَانِي بِالشَّيْعَةِ عِنْدَ فَقْدَانِهِمُ الثَّالِثَ مِنْ وَلَدِي يَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ! قُلْتُ لَهُ: وَلِمَ ذَلِكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: لِأَنَّ إِمَامَهُمْ يَغِيبُ عَنْهُمْ، فَقُلْتُ:

۱۲۵۸. بحار الأنوار - به نقل از حسن بن فضال -: امام رضا علیه السلام فرمود: گویی شیعیان را می‌بینم که در روزگار فقدان سومین نسل از فرزندان من، در پی یافتن آسایش بر می‌آیند، اما نمی‌یابند. عرض کردم: چرا آنگونه است، ای فرزند رسول خدا؟ فرمود: چون امامشان از دیدگان آنها غایب

۱. الفتح: ۲۵.

۲. في المصدر: «مؤمنين»، والتصويب من تفسير نور الثقلين: ۵ / ۷۰ / ۵۹ نقلًا عنه.

۳. علل الشرائع: ۱۲۷ / ۳. ۴. مشكاة الأنوار: ۱۲۸ / ۳۰۰.

وَلَمْ؟ قَالَ: لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ.^۱

۱۲۵۹. الإمام المهدی: وَأَمَّا عَلَّةُ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدِّلَ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ﴾^۲ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لَطَاغِيَةٍ زَمَانِهِ، وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاعِيَةِ فِي عُنُقِي.^۳

می شود. عرض کردم: برای چه؟ فرمود: برای آن که هرگاه شمشیر برکشد و قیام کند بیعت کسی را به گردن نداشته باشد.

۱۲۵۹. امام مهدی: و اما علت رخداد غیبت، خداوند عزوجل می فرماید: «ای آنان که ایمان آورده اید! از چیزهایی نپرسید که اگر معلومتان شود شمارا ناخوش می آید».

هیچ یک از نیاکان من نبود، مگر آن که در بند بیعت طاغوت زمانش بود؛ اما من، به گاه قیام، قیام می کنم در حالی که بیعت هیچ طاغوتی را به گردن ندارم.

۲۵۵

بهره گیری مردم از امام در زمان غیبت

۱۲۶۰. پیامبر خدا: در پاسخ به این سؤال که: آیا شیعه در زمان غیبت قائم، از وجود او بهره مند می شود؟ فرمود: آری، سوگند به آن که مرا به پیامبری برانگیخت، آنان از وجود او بهره مند می شوند و در روزگار غیبتش از نور ولایت او پرتو می گیرند، همچنان که مردم از خورشید نهان در پس ابر، بهره مند می شوند.

۱۲۶۱. الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ - به نقل از سلیمان بن مهران اعمش -: امام صادق: فرمود: تا قیام قیامت، زمین از حجت خدا خالی نمی ماند و اگر چنین نبود خداوند پرستیده نمی شد. به امام: عرض کردم: مردم

۲۵۵

انْتِفَاعُ النَّاسِ بِالْإِمَامِ فِي غَيْبَتِهِ

۱۲۶۰. رسول الله: وَقَدْ سُئِلَ: هَلْ يَنْتَفِعُ الشَّيْعَةُ بِالْقَائِمِ فِي غَيْبَتِهِ؟ - إِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوءَةِ، إِنَّهُمْ لَيَنْتَفِعُونَ بِهِ، وَيَسْتَضِيؤونَ بنورِ ولايتهِ في غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ جَلَّلَهَا السَّحَابُ.^۴

۱۲۶۱. الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مَهْرَانَ الْأَعْمَشِ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ: لَا تَخْلُو [الْأَرْضُ] إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ فِيهَا، وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُعْبَدِ اللَّهُ. قَالَ سُلَيْمَانُ:

۱. بحار الأنوار: ۱۴/۹۶/۵۲.

۲. المائدة: ۱۰۱. ۳. بحار الأنوار: ۷/۹۲/۵۲.

۴. بحار الأنوار: ۸/۹۳/۵۲.

چگونه از حجبِ غایبِ پنهان بهره‌مند می‌شوند؟ فرمود: همچنان که از خورشید پس ابر بهره‌مند می‌شوند.

۱۲۶۲. امام مهدی علیه السلام: چگونگی بهره‌مند شدن از من در روزگار غیبتم همچون بهره‌مند شدن از خورشید است، آنگاه که در پس ابر از دیدگان پنهان می‌شود. من مایه امان زمینانم همچنان که ستارگان مایه امان آسمانان هستند.

۲۵۶

نشانه‌های ظهور

۱۲۶۳. امام علی علیه السلام: آنگاه که مخاطب به هلاکت درمی‌افتد^۱ و امام عصر از دیدگان پنهان می‌شود و دلهایی شاداب و دلهایی دیگر فسرده می‌گردند، آرزومندان نابود می‌شوند و از هم فرو می‌پاشند و مؤمنان باقی می‌مانند که شمارشان اندک است، سیصد نفر یا بیشتر. در رکاب این مؤمنان دسته‌ای [از فرشتگان] می‌جنگند که روز بدر در کنار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جنگیدند که نه کشته شدند و نه مردند.

۱۲۶۴. امام علی علیه السلام: به خدا قسم، به خدا قسم! آن

۱. مقصود از کلمه «مخاطب» می‌تواند طالب خلافت باشد یا سخنوری که به ناحق سخن می‌گوید و یا «مخاطب» (با حاء بدون نقطه) است که در این صورت به معنای گردآورنده هیزم است.

فقلتُ للصادق علیه السلام: فكيف ينتفع الناس بالحُجَّة الغائبِ المستور؟ قال: كما ينتفعون بالشمس إذا سترها السحاب^۱.

۱۲۶۲. الإمام المهدي علیه السلام: أما وجه الانتفاع بي في غيبتي فكالانتفاع بالشمس إذا غيبتها عن الأبصار السحاب، وإني لأمان لأهل الأرض كما أن النجوم أمان لأهل السماء^۲.

۲۵۶

علامات الظهور

۱۲۶۳. الإمام علي علیه السلام: إذا هلك الخاطب^۳ وزاغ صاحبُ العصر وبقيت قلوبٌ تَتَقَلَّبُ مِن مُخْصِبٍ وَمُجْدِبٍ، هلكَ الْمُتَمَتِّنُونَ واضْمَحَلَّ الْمُضْمَحِلُونَ وَبَقِيَ الْمُؤْمِنُونَ، وَقَلِيلٌ مَا يَكُونُونَ، ثَلَاثُمِائَةٍ أَوْ يَزِيدُونَ، تُجَاهِدُ مَعَهُمْ عِصَابَةٌ جَاهَدَتْ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَوْمَ بَدْرٍ، لَمْ تُقْتَلْ وَلَمْ تَمُتْ^۴.

۱۲۶۴. عنه علیه السلام: والله والله، لا تَرَوْنَ الَّذِي تَنْتَظِرُونَ

۱. الأمالي للصدوق: ۲۵۳/ ۲۷۷.

۲. بحار الأنوار: ۵۲/ ۹۲/ ۷.

۳. لعل المراد بالمخاطب الطالب للخلافة أو الخطيب الذي يقوم بغير الحق أو بالحام المهملة أي جالب الخطب.

الغيبة للنعماني: ۱۹۵ الهامش الخامس.

۴. بحار الأنوار: ۵۲/ ۱۳۷/ ۴۲.

حَتَّى لَا تَدْعُونَ اللَّهَ إِلَّا إِشَارَةً بِأَيْدِيكُمْ
وَإِيمَاضاً بِحَوَاجِبِكُمْ، وَحَتَّى لَا تَمْلِكُونَ
مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا مَوَاضِعَ أَقْدَامِكُمْ، وَحَتَّى
يَكُونَ مَوْضِعُ سِلَاحِكُمْ عَلَى ظُهُورِكُمْ،
فَيَوْمُئِذٍ لَا يَنْصُرُنِي إِلَّا اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ وَمَنْ
كَتَبَ عَلَى قَلْبِهِ الْإِيمَانَ.^۱

۱۲۶۵. عَنْهُ: لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يُقْتَلَ ثَلَاثَ
وَيَمُوتَ ثَلَاثَ، وَيَبْقَى ثَلَاثَ.^۲

۱۲۶۶. كَمَالُ الدِّينِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ: سَمِعْتُ أَبَا
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ قُدَّامَ الْقَائِمِ عِلَامَاتٌ
تَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ، قُلْتُ:
وَمَا هِيَ، جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ؟ قَالَ: ذَلِكَ قَوْلُ
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ﴾ يَعْنِي الْمُؤْمِنِينَ
قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ﴿بَشْيٍ مِنَ الْخَوْفِ
وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ
وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾^{۳، ۴}.

۱۲۶۷. بحار الأنوار عن محمد بن مسلم وأبي بصير:
سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا يَكُونُ هَذَا
الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلَاثَا النَّاسِ، فَقُلْنَا: إِذَا
ذَهَبَ ثُلَاثَا النَّاسِ فَمَنْ يَبْقَى؟ فَقَالَ: أَمَّا

کس را که انتظارش می کشید، نمی بینید
مگر آنگاه که خدا را جز با اشاره دست و
ابروی خود [نتوانید] بخوانید، و از زمین
چیزی در اختیار نداشته باشید، جز همان
جای گامهای خود و جنگ افزارتان بر
پشتهایتان باشد. در آن روز مرا یاری
نمی رساند مگر خداوند به وسیله فرشتگان
خود و کسانی که بر [صفحه] دلشان ایمان
نقش بسته است.

۱۲۶۵. امام علی علیه السلام: مهدی ظهور نمی کند مگر بعد

از آن که یک سوم مردم کشته شوند، یک
سوم بمیرند و یک سوم باقی بمانند.

۱۲۶۶. کمال الدین - به نقل از محمد بن مسلم -: از

امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند
برای مؤمنان نشانه هایی از قیام قائم علیه السلام بر
شمرده است. عرض کردم: خداوند مرا
فدای شما کند، آن نشانه ها چیست؟
فرمود: این سخن خداوند متعال که: «شما»
یعنی مؤمنان پیش از قیام قائم «را به چیزی
از ترس و گرسنگی و کمبود مال و جان و
میوه ها می آزماییم و شکیبایان را نوید ده».

۱۲۶۷. بحار الأنوار - به نقل از محمد بن مسلم

و ابوبصیر -: از امام صادق علیه السلام شنیدیم که
فرمود: این امر (ظهور قائم) رخ نخواهد
داد، مگر بعد از آن که دو سوم مردم از بین
بروند. ما عرض کردیم: اگر دو سوم مردم
از بین بروند، که باقی می ماند؟ فرمود: آیا

۱. شرح نهج البلاغة: ۳۸۲/۶.

۲. كنز العمال: ۳۹۶۶۳. ۳. البقرة: ۱۵۵.

۴. كمال الدين: ۳/۶۲۹.

تَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي ۱؟

۱۲۶۸. الإمامُ الكاظمُ عليه السلام: إِذَا رَأَيْتَ الْمَشْوَءَ الْأَعْرَابِيَّ فِي جَحْفَلٍ جَرَّارٍ فَانْتَظِرْ فَرَجَكَ وَلِشِيعَتِكَ الْمُؤْمِنِينَ، فَإِذَا انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ فَارْفَعْ بَصْرَكَ إِلَى السَّمَاءِ وَانْظُرْ مَا فَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالْمُجْرِمِينَ ۲.

۱۲۶۹. الإمامُ المهدي عليه السلام وقد سأله عليُّ بنُ مهزيارٍ: يَا سَيِّدِي، مَتَى يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ؟ - إِذَا حِيلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ سَبِيلِ الْكَعْبَةِ ۳.

۱۲۷۰. عنه عليه السلام - فِي التَّوْقِيعِ إِلَى السَّمَرِيِّ -: اَسْمَعْ، أَعْظَمَ اللَّهُ أَجَرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ، فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ، فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُوصِلْ إِلَى أَحَدٍ يَقُومُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ، فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَّةُ، فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ، وَذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا ۴.

۲۵۷

عِنْدَ الظُّهُورِ

۱۲۷۱. الإمامُ عليُّ عليه السلام: إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ:

۱. بحار الأنوار: ۵۲/۱۱۳/۲۷.

۲. بحار الأنوار: ۷۸/۳۳۲/۷.

۳. نور الثقلین: ۴/۴۶۱/۵. ۴. بحار الأنوار: ۵۲/۱۵۱/۱.

دوست ندارید که از یک سوم باقیمانده باشید؟!

۱۲۶۸. امام کاظم عليه السلام: هرگاه آن بیابانگرد زشت روی را در میان لشکری انبوه دیدی، برای خود و شیعیان مؤمنت در انتظار فرج باش. هرگاه خورشید گرفت چشم به آسمان دار و بنگر که خداوند عز و جل با مجرمان چه می کند.

۱۲۶۹. امام مهدی عليه السلام - در پاسخ به این پرسش علی بن مهزیار که: سرورم! این امر (ظهور) کی خواهد بود؟ - فرمود: هرگاه راه کعبه بر شما بسته شود.

۱۲۷۰. امام مهدی عليه السلام - در توقیع به سمري - نوشت: گوش کن! خداوند در [مصیبت مرگ] تو به برادرانت پاداش نیک دهد! تو تا شش روز دیگر خواهی مُرد، کارهایت را سر و سامان بده و به هیچ کس وصیت نکن که پس از مرگت جانشین تو شود؛ زیرا غیبت کامل رخ داده است، پس ظهوری در کار نخواهد بود، مگر با اجازه خداوند متعال و آن پس از سپری شدن روزگاری دراز و سخت شدن دلها و آکنده شدن زمین از ستم و بیداد است.

۲۵۷

در هنگام ظهور

۱۲۷۱. امام علی عليه السلام: هرگاه آواز دهنده‌ای از آسمان

«إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ» فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ
الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ، وَيُشْرَبُونَ حُبَّهُ،
فَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ.^۱

۱۲۷۲. الإمام الباقر علیه السلام: إِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَجَاءَ
مَهْدِيُنَا كَانَ الرَّجُلُ مِنْ شِيعَتِنَا أُجْرِي مِنْ
لَيْثٍ وَأَمْضَى مِنْ سِنَانٍ، يَطَأُ عَدُوَّنَا بِرِجْلَيْهِ
وَيَضْرِبُهُ بِكَفَّيْهِ، وَذَلِكَ عِنْدَ تَزْوِلِ رَحْمَةِ اللَّهِ
وَفَرَجِهِ عَلَى الْعِبَادِ.^۲

۱۲۷۳. الإمام الصادق علیه السلام: إِنْ قَائِمُنَا إِذَا قَامَ مَدَّ
اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ لِشِيعَتِنَا فِي أَشْمَاعِهِمْ
وَأَبْصَارِهِمْ، حَتَّى (لَا) يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ
الْقَائِمِ بَرِيدٌ، يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ، وَيَنْظُرُونَ
إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ.^۳

۲۵۸

أنصار الإمام

۱۲۷۴. الغيبة للنعماني عن الإمام الصادق علیه السلام:
مَعَ الْقَائِمِ علیه السلام مِنَ الْعَرَبِ شَيْءٌ يَسِيرٌ،
فَقِيلَ لَهُ: إِنْ مَنْ يَصِفُ هَذَا الْأَمْرَ مِنْهُمْ
لَكَثِيرٌ! قَالَ: لَا بَدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُسَمَّحَصُوا
وَيُمَيَّزُوا وَيُعْرَبَلُوا، وَسَيَخْرُجُ مِنَ الْعُرْبَالِ

آواز بر آورد که: «همانا حق در میان خاندان
محمد است» آن هنگام مهدی بر سر
زبانهای مردم می افتد و جام محبت او را
سر می کشند و جز یاد و نام او بر زبان
نمی آورند.

۱۲۷۲. امام باقر علیه السلام: هرگاه دوران [حکومت] ما
فرارسد و مهدی ما علیه السلام بیاید، شیعه ما از شیر
دلیرتر و از سرنیزه برنده تر خواهد بود.
دشمن ما را پایمال می کند و بر چهره اش
سیلی می زند، و این آن هنگام است که
رحمت و گشایش خدا بر بندگان فرود
آید.

۱۲۷۳. امام صادق علیه السلام: زمانی که قائم ما قیام
کند، خداوند عز و جل گوشها و چشمهای
شیعیان ما را چنان توانا می کند که میان آنان
و قائم پیکی نباشد. از همان جایی که هست
با شیعیان سخن می گوید و آنها سخنانش را
می شنوند و او را می بینند.

۲۵۸

یاران امام

۱۲۷۴. الغيبة للنعماني: امام صادق علیه السلام فرمود:
اندرکی از عربها به همراه قائم علیه السلام قیام
می کنند. عرض شد: عده زیادی از عربها
خود را شیعه می دانند؟! فرمود: مردم باید
پالایش شوند و سره و ناسره شان از هم

۱. التشریف بالمنن: ۱۲۹/ ۱۳۶، كنز العمال: ۳۹۶۶۵.

۲. بحار الأنوار: ۲/ ۱۹۰/ ۲۲.

۳. الكافي: ۸/ ۲۴۱/ ۳۲۹.

خَلَقُ كَثِيرٌ^۱.

جدا گردد و غربال شوند و شمار فراوانی از
غربال بیرون خواهند افتاد.

۱۲۷۵. عنه: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ ۞ خَرَجَ مِنْ هَذَا
الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ مِنْ أَهْلِهِ، وَدَخَلَ فِيهِ
شِبْهُ عَبْدَةِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ^۲.

۱۲۷۵. امام صادق ۞: زمانی که قائم ۞ قیام
کند کسانی که گمان می شود از خاندان او
هستند، از صف آن حضرت خارج
می شوند و افرادی به مانند خورشید و ماه
پرستان به صف او در می آیند.

۲۵۹

مَا يَفْعَلُهُ بِالظَّالِمِينَ بَعْدَ الْخُرُوجِ

۱۲۷۶. الإمام علي ۞: لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ، يَضَعُ
السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ هَرَجًا^۳!

۲۵۹

رفتار امام با ستمگران، پس از قیام
۱۲۷۶. امام علی ۞: با آنان جز با شمشیر سخن
نمی گوید. هشت ماه پر آشوب، شمشیر را
از دوش خود فرو نمی گذارد.



۱۲۷۷. الإمام الصادق ۞: لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ
الْحُسَيْنِ ۞ مَا كَانَ، ضَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ
إِلَى اللَّهِ بِالْبُكَاءِ وَقَالَتْ: يُفْعَلُ هَذَا
بِالْحُسَيْنِ صَفِيكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ قَالَ: فَأَقَامَ
اللَّهُ لَهُمْ ظِلُّ الْقَائِمِ ۞ وَقَالَ: بِهَذَا أَنْتَقِمُ
لِهَذَا^۴.

۱۲۷۷. امام صادق ۞: زمانی که آن اتفاق برای
امام حسین افتاد، ملائکه بشیون زنان
به درگاه خداوند، عرضه داشتند: با
حسین، برگزیده تو و پسر پیامبرت چنین
می کنند؟

(النظر) الغيبة للنعماني: ۲۳۰/۱۳-۲۵.

امام فرمود: خداوند، سایه قائم را برای
آنها نمایان کرد و فرمود: با این، انتقام آن را
خواهم گرفت.

۲۶۰

قِيَامُ الْقَائِمِ بِأَمْرِ جَدِيدٍ

۱۲۷۸. الإمام الباقر ۞: يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ،

۲۶۰

نوآوری قائم

۱۲۷۸. امام باقر ۞: قائم ۞ مطلبی تازه، ...
و قضاوتی تازه می آورد، ... و در راه خدا

۱. الغيبة للنعماني: ۶/۲۰۴. ۲. الغيبة للنعماني: ۱/۳۱۷.

۳. الملاحم والفتن: ۱۶۳/۱۴۰.

۴. الكافي: ۶/۲۶۵/۱.

... وقضاءٍ جدید، ... ولا يأخذُهُ في الله
لؤمةً لائم^۱.

۲۶۱

العالمُ بعدَ ظهورِ المَهدِيّ *

۱۲۷۹. رسولُ الله ﷺ: إِنَّ في أُمَّتي المَهدِيَّ يَخْرُجُ،
يَعِيشُ خَمْساً أَوْ سَبْعاً أَوْ تِسْعاً، فَيَجِيءُ
إِلَيْهِ الرَّجُلُ فيقولُ: يا مَهدِيَّ، أَعْطِنِي
أَعْطِنِي، فَيُجْشِي لَهُ ثَوْبَهُ ما اسْتَطاعَ أَنْ
يَحْمِلَهُ^۲.

۱۲۸۰. عنه ﷺ: يَكُونُ في آخِرِ الزَّمانِ خَلِيفَةُ يَفْصِمُ
المالَ ولا يَعدُّهُ^۳.

۱۲۸۱. عنه ﷺ: فَيَمْلُؤُها عَدلاً وَقِسْطاً كما مُلِئتْ
جَوَراً وَظُلْماً، فلا تَمْنَعُ السَّماءُ شَيْئاً مِنْ
قَطْرِها، ولا الأَرْضُ شَيْئاً مِنْ نَباتِها^۴.

۱۲۸۲. عنه ﷺ: يَخْرُجُ في آخِرِ أُمَّتي المَهدِيَّ،
يَسْقِيهِ اللهُ الغَيْثَ، وَتُخْرِجُ الأَرْضُ نَباتِها،
وَيُعْطَى المالُ صِحاباً، وَتَكْثُرُ الماشِيَةُ.

۱. الغيبة للنعماني: ۲۳۳ / ۱۹.

۲. المراد من إتيان الإمام المَهدِيّ (عج) بأمر جديد هو أَنَّهُ يَظْهَرُ
الإسلامُ المَحمَديّ القويمَ وأحكامُ المَقدَّسة، لَكِنَّ لَشِدَّةِ بَعْدِ
الناسِ عَنْهُ وَتَحْرِيفِ بَعْضِ مَفاهِمِهِ يَروْنَ ما يَأْتِي بِهِ الإمامُ
جديداً.

۳. كنز العمال: ۳۸۶۵۴. ۴. كنز العمال: ۳۸۶۶۰.

۵. كنز العمال: ۳۸۶۶۹.

به سرزنش هیچ نكوهش گری توجه
نمی کند.^۱

۲۶۱

جهان، پس از ظهور امام مهدی *

۱۲۷۹. پیامبر خدا ﷺ: در میان امت من، مهدی
قیام می کند و پنج، یا هفت، یا نه [سال]
زندگی می کند. مرد است که نزدش می آید
و می گوید: ای مهدی! به من عطا کن، به من
عطا کن، و آن حضرت لباس او را تا جایی
که بتواند پیرد [از مال] پُر می کند.

۱۲۸۰. پیامبر خدا ﷺ: در آخر الزمان خلیفه ای
خواهد آمد که مال را، بی شماره، تقسیم
می کند.

۱۲۸۱. پیامبر خدا ﷺ: او زمین را، همچنان که
آکنده از ستم و بیداد شده، از عدل و داد
می آکند. نه آسمان از فرو ریختن برکاتش
دریغ می ورزد و نه زمین از رویاندن
گیاهانش.

۱۲۸۲. پیامبر خدا ﷺ: در میان واپسین امتم،
مهدی ظهور می کند. خداوند به او باران
عطا می کند، زمین گیاهش را برمی رویاند،

۱. مقصود از نوآوری امام مهدی ﷺ آن است که در هنگام
ظهور آن حضرت، اسلام ناب و احکام نورانی قرآن به
گونه ای تحریف شده است که وقتی ایشان اسلام حقیقی و
احکام واقعی قرآن را به جامعه اسلامی ارائه می کنند، مردم
تصور می کنند دین جدیدی عرضه کرده است.

وَتَعْظُمُ الْأُمَّةُ ۱.

۱۲۸۳. الإمام علي عليه السلام: لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتْ السَّمَاءُ قَطْرَهَا، وَأَخْرَجَتْ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَلَذَهَبَتْ الشُّخْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ، وَاضْطَلَحَتْ السَّبَاعُ وَالْبَهَائِمُ، حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ، وَعَلَى رَأْسِهَا زَيْتُهَا (زَنْبِيلُهَا) لَا يَهْبِجُهَا سَبْعٌ وَلَا تَخَافُهُ ۲.

۱۲۸۴. عنه عليه السلام: يَعْظِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَظَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى، وَيَعْظِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَظَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ ... تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيدَ كِبِدِهَا، وَتُلْقِي إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدَهَا، فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَذْلُ السَّيْرِ، وَيُخْبِي مَيْتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ ۳.

۱۲۸۵. الإمام زين العابدين عليه السلام: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ، وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ، وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَسَنَامَهَا ۴.

۱۲۸۶. الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَضَ

مال به یکسان و بی کم و کاست عطا می شود، دامها و چارپایان زیاد می شوند، و امت مربلند و بزرگ می گردد.

۱۲۸۳. امام علی علیه السلام: اگر قائم ما قیام کند، آسمان برکت های خود را فرو می ریزد و زمین گیاهانش را می رویاند و کینه و دشمنی از دل های بندگان رخت بر می بندد و درندگان و چرندگان با هم می سازند، تا آنجا که زن زیور (زنبیل) به سر، عراق را تا شام می پیماید و جز بر سبزه ها گام نمی نهد و هیچ درنده ای آشفته و هراسانش نمی کند.

۱۲۸۴. امام علی علیه السلام: خواسته ها را پیرو هدایت می نماید پس از آن که هدایت را پیرو خواسته ها کردند و رأی را تابع قرآن می کند پس از آن که قرآن را تابع رأی خود کردند ... زمین، پاره های جگر خود (گنجینه هایش) را برای او برون می اندازد و کلیدهای خویش را تسلیم او می کند. پس، او روش عبادلانه را به شما نشان می دهد و کالبد بی جان کتاب و سنت را جان [دوباره] می بخشد.

۱۲۸۵. امام زین العابدین علیه السلام: زمانی که قائم ما قیام کند، خداوند آفت را از شیعیان ما می زداید و دل های آنان را چون پاره های آهن [سخت و تزلزل ناپذیر] می کند و هر مرد آنان را قدرت چهل مرد می دهد. آنان فرمانروا و سالار جهان خواهند بود.

۱۲۸۶. امام باقر علیه السلام: زمانی که قائم قیام کند ایمان را بر

۱. کثر العمال: ۳۸۷۰۰. ۲. بحار الأنوار: ۱۰/۱۰۴/۱.

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۳۸. ۴. مشکاة الأنوار: ۱۵۱/۳۶۶.

الْإِيمَانَ عَلَى كُلِّ نَاصِبٍ، فَإِنْ دَخَلَ فِيهِ
بِحَقِيقَةٍ وَإِلَّا ضَرَبَ عَنْقَهُ أَوْ يُؤَدِّي الْجِزْيَةَ
كَمَا يُؤَدِّيهَا الْيَوْمَ أَهْلُ الذِّمَّةِ، وَيَشُدُّ عَلَى
وَسْطِهِ الْهَيْثِيَانِ، وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الْأَمْصَارِ
إِلَى السَّوَادِ.^۱

۱۲۸۷. الإمام الصادق علیه السلام - في قوله تعالى: ﴿وَلَهُ
أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا
وَكَرْهًا﴾^۲: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام لَا يَبْقَى أَرْضٌ
إِلَّا تُؤَدِّي فِيهَا بِشَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ
مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ.^۳

هر دشمن کینه توزی عرضه می کند، اگر از
جان و دل ایمان نیاورد گردنش زده می شود
یا همچون ذمیان امروز جزیه می پردازد و
به کمر او زنار می بندد و آنان را از شهرها به
دشت ها می فرستد.

۱۲۸۷. امام صادق علیه السلام - درباره آیه «و هر آن که در
آسمانها و زمین است، خواسته یا
ناخواسته، تسلیم شد» - فرمود: زمانی که
قائم علیه السلام قیام کند سرزمینی باقی نمی ماند که
در آن ندای «لا اله الا الله و محمد
رسول الله» بلند نشود.

۲۶۲

پس از قائم علیه السلام

۲۶۲

بعد قائم علیه السلام

۱۲۸۸. امام علی علیه السلام - آنگاه که عبد الله بن حارث از

ایشان پرسید: از رخدادهای پس از قائم
خودتان به من خبر دهید؟ - فرمود: ای پسر
حارث! سخن گفتن از این موضوع، به خود
او واگذار شده است و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من
سفارش فرمود که در این باره به کسی، جز
حسن و حسین، چیزی نگویم.

۱۲۸۸. الإمام علي عليه السلام - وقد سأله عبد الله بن
الحارث: أخبرني بما يكون من الأحداث
بعد قائمكم - : يابن الحارث، ذلك شيء
ذكره موكول إليه، وإن رسول الله صلی الله علیه و آله عهد
إلي أن لا أخبر به إلا الحسن والحسين.^۴

۱. الكافي: ۲۸۸/۲۲۷/۸.

۲. آل عمران: ۸۳. ۳. تفسیر العیاشی: ۱/۱۸۳/۸۱.

۴. بحار الأنوار: ۱۰/۳۱۲/۶.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الإيمان

إيمان



ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٦٧-٧٢، ٧٣ «كتاب الإيمان والكفر». مركز تحقيق تكملة علوم رسول
كنز العمال: ١/٢٣، ٦٥، ٢٧٠، ٢٩٨ «في الإيمان والإسلام».
كنز العمال: ١٤٠، ٣٦٤ «صفات المؤمنين».

أقصر:

عنوان ٢٤٢ «الإسلام».

البلاء: باب ٤٠٩، ٤١٤، الظلم: باب ٢٤١٥، الأمانة: باب ٣٠٥.

الحسد: باب ٨٥٢، الحياء: باب ٩٩١، الرضا بالقضاء: باب ١٥١٩.

الرفق: باب ١٥٣٣، الشهرة: باب ٢١٠٣، الصبر: باب ٢١٣٨.

الصدق: باب ٢١٦١، الصلاة: باب ٢٢٦٣، الفراسة: باب ٣١٣٨.

اللسان: باب ٣٥٠٥، اللهو: باب ٣٥٢٩، ٣٥٣٠.

الأمثال: باب ٣٥٥٢، ٣٥٥٧، ٣٥٥٨، الموت: باب ٣٦٦٦.

الناس: باب ٣٩١٣.

۲۶۳

الایمان

الکتاب:

﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْنَكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾^۱.

الحديث:

۱۲۸۹. الإمام علي عليه السلام: الإيمان أصل الحق، والحق

سبيل الهدى، وسيفه جامع الحليّة، قديم العدة، الدنيا مضماره....^۲

۱۲۹۰. عنه عليه السلام: بالإيمان يستدل على الصالحات

وبالصالحات يستدل على الإيمان.

وبالإيمان يغمز العلم.^۳۱۲۹۱. عنه عليه السلام: الإيمان أفضل الأمانتين.^۴

(انظر) الجهل: باب ۶۰۶، ۶۰۷.

۲۶۴

الایمان و الاسلام

الکتاب:

﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا

۱. الحجرات: ۷.

۲. كنز العمال: ۴۴۲۱۶.

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۶.

۴. غرر الحكم: ۱۶۶۶.

۲۶۳

ایمان

قرآن:

«اما خداوند ایمان را محبوب شما ساخت و آن را در دلهایتان آراست».

حديث:

۱۲۸۹. امام علي عليه السلام: ایمان، ریشه حق است و حق، راه

هدایت، شمشیر ایمان؛ شمشیری است

مرصع و همیشه آماده، که دنیا میدان تمرین

آن است.

۱۲۹۰. امام علي عليه السلام: از ایمان، راه به سوی کارهای

شایسته برده می شود و از کارهای شایسته

راه به سوی ایمان و با ایمان است که علم

آباد می شود.

۲۶۴

ایمان و اسلام

قرآن:

«بادیه نشینان گفتند: ما ایمان آوردیم. بگو: شما ایمان

نیاورده اید، بلکه بگویید: اسلام آورده ایم و هنوز ایمان

وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ ۝^۱

به دل‌های شما وارد نشده است».

الحديث:

حديث:

۱۲۹۲. الإمام علي عليه السلام: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ، أَكْتُبُ، فَقُلْتُ: مَا أَكْتُبُ؟ فَقَالَ: أَكْتُبُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْإِيمَانُ مَا وَقَرَ فِي الْقُلُوبِ وَصَدَّقَتْهُ الْأَعْمَالُ، وَالْإِسْلَامُ مَا جَرَى عَلَى اللِّسَانِ وَحَلَّتْ بِهِ الْمُنَاكَحَةُ^۲.

۱۲۹۲. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا ﷺ به من فرمود: علی! بنویس. عرض کردم: چه بنویسم؟ فرمود: بنویس: به نام خداوند مهرگستر مهربان، ایمان، آن است که در دل‌ها جای گیرد و کردار، آن را تصدیق کند. و اسلام، آن است که بر زبان گذرد و پیوند زناشویی با آن حلال گردد.

۱۲۹۳. الإمام الباقر عليه السلام: الْإِيمَانُ مَا كَانَ فِي الْقَلْبِ، وَالْإِسْلَامُ مَا عَلَيْهِ التَّنَاكُحُ وَالتَّوَارُثُ وَحُقِنَتْ بِهِ الدِّمَاءُ، وَالْإِيمَانُ يَشْرِكُ الْإِسْلَامَ، وَالْإِسْلَامُ لَا يَشْرِكُ الْإِيمَانَ^۳.
۱۲۹۴. عنه عليه السلام: الْإِيمَانُ إِقْرَارٌ وَعَمَلٌ، وَالْإِسْلَامُ إِقْرَارٌ بِلا عَمَلٍ^۴.

۱۲۹۳. امام باقر علیه السلام: ایمان، آن است که در قلب باشد و اسلام، آن است که ازدواج و ارث بردن و وابسته بدان است و خون‌ها به آن محفوظ می‌ماند. ایمان، همیشه با اسلام قرین است، ولی اسلام همیشه ایمان را به همراه ندارد.

۱۲۹۵. تحف العقول عن الإمام الصادق عليه السلام: - وَقَدْ سَأَلَهُ أَبُو بَصِيرٍ عَنِ الْإِيمَانِ -: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ أَنْ لَا يُغْصَى، قُلْتُ: فَمَا الْإِسْلَامُ؟ فَقَالَ ﷺ: مَنْ نَسَكَ نُسُكَنَا، وَذَبَحَ ذَبِيحَتَنَا^۵.

۱۲۹۴. امام باقر علیه السلام: ایمان، اقرار است و عمل؛ و اسلام، اقرار است بدون [شرط] عمل.

۱۲۹۵. تحف العقول - به نقل از ابو بصیر -: امام صادق علیه السلام [در پاسخ به پرسش من از ایمان] فرمود: ایمان به خدا آن است که نافرمانی او نشود. عرض کردم: پس اسلام چیست؟ فرمود: هر که اعمال عبادی ما را انجام دهد و مانند ما ذبح کند [مسلمان است].

۱. الحجرات: ۱۴.

۲. بحار الأنوار: ۲۲/۲۰۸/۵۰.

۳. بحار الأنوار: ۴۸/۱۷۷/۷۸.

۴. تحف العقول: ۲۹۷.

۵. تحف العقول: ۳۷۵.

۱۲۹۶. عنه علیه السلام: إِنَّ الْإِيمَانَ مَا وَقَرَ فِي الْقُلُوبِ،
وَالْإِسْلَامَ مَا عَلَيْهِ الْمَنَاسِكُ وَالْمَوَارِيثُ
وَحَقُّ الدَّمَاءِ.^۱

۱۲۹۷. عنه علیه السلام: دِينَ اللَّهِ اسْمُهُ الْإِسْلَامُ، وَهُوَ دِينُ اللَّهِ
قَبْلَ أَنْ تَكُونُوا حَيْثُ كُنْتُمْ، وَبَعْدَ أَنْ
تَكُونُوا، فَمَنْ أَقَرَّ بِدِينِ اللَّهِ فَهُوَ مُسْلِمٌ، وَمَنْ
عَمِلَ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ.^۲

(انظر) بحار الأنوار: ۶۸/۲۲۵ باب ۲۴، كنز العمال: ۱/۲۳.

۲۶۵

أَصْلُ الْإِيمَانِ

۱۲۹۸. الإمام علي عليه السلام: الْإِيمَانُ شَجَرَةٌ، أَصْلُهَا
الْيَقِينُ، وَفَرْعُهَا التَّقَى، وَنُورُهَا الْحَيَاءُ،
وَتَمَرُّهَا السَّخَاءُ.^۳

۱۲۹۹. عنه علیه السلام: أَصْلُ الْإِيمَانِ حُسْنُ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِ
اللَّهِ.^۴

(انظر) الدِّين: باب ۱۲۹۸.

۲۶۶

تَأَصَّرُ الْإِيمَانُ وَالْعَمَلُ

۱۳۰۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْإِيمَانُ وَالْعَمَلُ أَخَوَانِ
شَرِيكَانِ فِي قَرْنٍ، لَا يَقْبَلُ اللَّهُ أَحَدَهُمَا

۱. الكافي: ۲/۲۶/۳. ۲. الكافي: ۲/۳۸/۴.

۳. غرر الحكم: ۱۷۸۶. ۴. غرر الحكم: ۳۰۸۷.

۱۲۹۶. امام صادق علیه السلام: ایمان آن چیزی است که
در دلها جای گیرد، و اسلام آن چیزی است
که ازدواج و ارث بردن و احترام جان بر آن
بنا می شود.

۱۲۹۷. امام صادق علیه السلام: دین خدا، نامش اسلام است
و پیش از آن که شما به وجود آیید - هر جا
که بوده اید - و پس از پدید آمدنتان، اسلام
دین خدا بوده و هست. پس هر که به دین
خدا اقرار کند «مسلمان» است و هر که به
دستورهای خداوند عزوجل عمل کند
«مؤمن» است.

۲۶۵

ریشه ایمان

۱۲۹۸. امام علی علیه السلام: ایمان، درختی است که
ریشه اش یقین است، شاخه اش
پرهیزگاری، شکوفه اش حیا و میوه اش
بخشندگی.

۱۲۹۹. امام علی علیه السلام: ریشه ایمان، تسلیم نیکو در
برابر فرمان خداست.

۲۶۶

پیوند ایمان و عمل

۱۳۰۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: ایمان و عمل دو برادر بسته
به یک ریسمانند که خداوند یکی را بدون

إِلَّا بِصَاحِبِهِ^۱.

دیگری نمی پذیرد.

۱۳۰۱. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَقْبَلُ إِيْمَانٌ بِلَا عَمَلٍ، وَلَا عَمَلٌ

۱۳۰۱. پیامبر خدا ﷺ: ایمان بی عمل و عمل

بِلَا إِيْمَانٍ^۲.

بی ایمان، پذیرفته نمی شود.

۱۳۰۲. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِيْمَانُ قَوْلٌ وَعَمَلٌ، يَزِيدُ

۱۳۰۲. پیامبر خدا ﷺ: ایمان، گفتار است و کردار؛

وَيَنْقُصُ^۳.

کاستی و فزونی می پذیرد.

۱۳۰۳. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ الْإِيْمَانُ بِالتَّحَلِّيِّ وَلَا

۱۳۰۳. پیامبر خدا ﷺ: ایمان نه به ظاهر است و نه

بِالتَّمَنِّيِّ، وَلَكِنَّ الْإِيْمَانَ مَا خَلَصَ فِي

به آرزو، بلکه ایمان آن است که در دل

الْقَلْبِ وَصَدَقَهُ الْأَعْمَالُ^۴.

خالص باشد و عمل آن را تصدیق کند.

۱۳۰۴. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِيْمَانُ مَعْرِفَةُ بِالْقَلْبِ، وَقَوْلٌ

۱۳۰۴. پیامبر خدا ﷺ: ایمان، شناخت با دل است

بِاللِّسَانِ، وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ^۵.

و گفتن با زبان و عمل با ارکان.

۱۳۰۵. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِيْمَانُ قَوْلٌ مَقُولٌ، وَعَمَلٌ

۱۳۰۵. پیامبر خدا ﷺ: ایمان، گفتاری است که هر

مَعْمُولٌ، وَعِزْفَانُ الْعُقُولِ^۶.

زبان رانده شود و عملی است که صورت

۱۳۰۶. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِيْمَانُ بِالْقَلْبِ وَاللِّسَانِ، وَالْهِجْرَةُ

بِالنَّفْسِ وَالْمَالِ^۷.

پذیرد و شناخت پیدا کردن خردهاست.

۱۳۰۷. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِيْمَانُ قَوْلٌ بِاللِّسَانِ،

وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ^۸.

۱۳۰۶. پیامبر خدا ﷺ: ایمان، با دل و زبان است

۱۳۰۸. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ كَانَ الْإِيْمَانُ كَلَامًا لَمْ يَنْزِلْ فِيهِ

و هجرت، با مال و جان.

صَوْمٌ وَلَا صَلَاةٌ وَلَا حَلَالٌ وَلَا حَرَامٌ^۹.

۱۳۰۷. امام علی علیه السلام: ایمان اظهار به زبان است و

عمل با ارکان.

۱۳۰۸. امام علی علیه السلام: اگر ایمان تنها گفتار بود، روزه

و نماز و حلال و حرام نازل نمی شد.

۱. كنز العمال: ۵۹. ۲. كنز العمال: ۲۶۰.

۳. كنز العمال: ۴۲۲.

۴. بحار الأنوار: ۲۶/۷۲/۶۹، كنز العمال: ۱۱ نحوه.

۵. كنز العمال: ۲. ۶. الأمالي للمفيد: ۲/۳۷۵.

۷. كنز العمال: ۴. ۸. غرر الحكم: ۱۷۵۵.

۹. بحار الأنوار: ۲/۱۹/۶۹.

۱۳۰۹. الإمام الصادق عليه السلام: ملعون ملعون من قال: الإيمان قول بلا عمل.^۱

۱۳۰۹. امام صادق عليه السلام: ملعون است، ملعون کسی که بگوید: ایمان، گفتار است، بدون کردار.

۱۳۱۰. عنه عليه السلام: لو أن العباد وَصَفُوا الْحَقَّ وَعَمِلُوا بِهِ وَلَمْ تُعَقِّدْ قُلُوبُهُمْ عَلَى أَنَّهُ الْحَقُّ مَا انْتَفَعُوا.^۲

۱۳۱۰. امام صادق عليه السلام: اگر بندگان همه، حق را توصیف کنند و به آن عمل نمایند، اما در

۱۳۱۱. الإمام الرضا عليه السلام: الإيمان عَقْدٌ بِالْقَلْبِ، وَلَفْظٌ بِاللِّسَانِ، وَعَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ.^۳

دل‌هایشان به حق بودن آن اعتقاد نداشته باشند، سودی نبرده‌اند.

(انظر) عنوان ۳۶۹ «العمل».

۱۳۱۲. الكافي: العالم عليه السلام: الإيمان عمل كله.^۴ والقول بعض ذلك العمل بفرض من الله بَيِّنَةٌ فِي كِتَابِهِ.^۵

۱۳۱۱. امام رضا عليه السلام: ایمان، عقیده قلبی است و اظهار به زبان و عمل با اعضای بدن.

(انظر) عنوان ۳۶۹ «العمل».

بحار الأنوار: ۱۸/۶۹ باب ۳۰. ۱۳۱۲. الكافي: امام کاظم عليه السلام فرمود: ایمان سراسر

عمل است؛ و گفتار، [نیز] برخی از آن عمل

است که خداوند در کتاب خود، وجوب

آن را بیان فرموده است.

۲۶۷

تَأَصَّرَ الْإِيمَانُ وَمَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ

۱۳۱۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: الإيمان عَفِيفٌ عَنِ الْمَحَارِمِ، عَفِيفٌ عَنِ الْمَطَامِعِ.^۶

۲۶۷

پیوند ایمان و مکارم اخلاقی

۱۳۱۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: ایمان، از حرامها پاک و از

طمعها مبرا است.

۱. بحار الأنوار: ۱/۱۹/۶۹. ۲. نور الثقلين: ۳/۵۴۶/۸۷.

۳. معانی الأخبار: ۲/۱۸۶.

۴. (انظر) الكافي: ۲/۳۵/۱ باب في أن الإيمان مبنوثة لجوارح البدن كلها وقد أشير هناك إلى بعض الآيات؛ كآية ۴۶ من سورة العنكبوت والآية ۱۳۹ من سورة النساء والآية ۳۰ و ۳۱ من سورة النور.

۵. الكافي: ۲/۳۸/۷. ۶. كنز العمال: ۵۸.

۱۳۱۳. عنه علیه السلام: الإِيْمَانُ، الصَّبْرُ وَالسَّامَحَةُ^۱.

۱۳۱۵. عنه علیه السلام: الإِيْمَانُ نِصْفَانِ: فَنِصْفٌ فِي الصَّبْرِ، وَنِصْفٌ فِي الشُّكْرِ^۲.

۱۳۱۶. الإمامُ عَلِيُّ عليه السلام: الإِيْمَانُ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ^۳.

۱۳۱۷. عنه علیه السلام: الإِيْمَانُ صَبْرٌ فِي الْبَلَاءِ، وَشُكْرٌ فِي الرِّخَاءِ^۴.

۱۳۱۸. عنه علیه السلام: رَأْسُ الْإِيْمَانِ الصُّدُقُ^۵.

۲۶۸

مَا يَدُلُّ عَلَى حَقِيقَةِ الْإِيْمَانِ

۱۳۱۹. رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: ثَلَاثٌ مِنَ الْإِيْمَانِ: الْإِنْفَاقُ فِي الْاِقْتَارِ، وَبَذْلُ السَّلَامِ لِلْعَالَمِ، وَالْإِنصَافُ مِنْ نَفْسِكَ^۶.

۱۳۲۰. عنه علیه السلام: إِنْ لِكُلِّ شَيْءٍ حَقِيقَةٌ، وَمَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيْمَانِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ وَمَا أَخْطَاهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ^۷.

۱۳۲۱. عنه علیه السلام: يَا أَبَا ذَرٍّ، لَا تُصِيبُ حَقِيقَةَ الْإِيْمَانِ حَتَّى تَرَى النَّاسَ كُلَّهُمْ حُمَقَاءَ فِي دِينِهِمْ عُقْلَاءَ فِي دُنْيَاهُمْ^۸.

۱۳۱۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: ایمان، شکیبایی و گذشت است.

۱۳۱۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: ایمان دو نیم است: نیمی در شکیبایی است و نیمی در سپاسگزاری.

۱۳۱۶. امام علی علیه السلام: ایمان، خالص کردن عمل است [برای خدا].

۱۳۱۷. امام علی علیه السلام: ایمان، شکیبایی در سختی و گرفتاری است و سپاسگزاری در آسایش و نعمت.

۱۳۱۸. امام علی علیه السلام: راستی اوج ایمان است.

۲۶۸

نشانه‌های ایمان حقیقی

۱۳۱۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: سه چیز از ایمان است: انفاق کردن در زمان تنگدستی، رواج دادن سلام در عالم، و انصاف داشتن.

۱۳۲۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر چیزی حقیقتی دارد. هیچ بنده‌ای به حقیقت نمی‌رسد مگر آن‌که بداند آنچه به او رسیده نمی‌توانست نرسد و آنچه به او نرسیده نمی‌توانست برسد.

۱۳۲۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: ای ابوذر! به حقیقت ایمان دست نمی‌یابی مگر آنگاه که همه مردم را در دینشان نابخرد و در دنیاشان خردمند بینی.

۱. کنز العمال: ۵۷. ۲. کنز العمال: ۶۱.

۳. غرر الحکم: ۸۷۳. ۴. غرر الحکم: ۱۳۵۰.

۵. غرر الحکم: ۵۲۲۲. ۶. کنز العمال: ۸۸.

۷. کنز العمال: ۱۲. ۸. بحار الأنوار: ۳/۸۳/۷۷.

۱۳۲۲. عنه علیه السلام: لَا يَحَقُّ الْعَبْدُ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَغْضَبَ اللَّهُ وَيَرْضَى اللَّهُ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ اسْتَحَقَّ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ.^۱

۱۳۲۳. عنه علیه السلام: لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى يُحِبَّ لِلنَّاسِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ مِنَ الْخَيْرِ.^۲

۱۳۲۴. عنه علیه السلام: إِنْ الرَّجُلُ لَا يَكُونُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ قَلْبُهُ مَعَ لِسَانِهِ سَوَاءً، وَيَكُونَ لِسَانُهُ مَعَ قَلْبِهِ سَوَاءً، وَلَا يُخَالِفَ قَوْلُهُ عَمَلَهُ، وَيَأْمَنَ جَارُهُ بِوَأْتَقَهُ.^۳

۱۳۲۵. الإمام علي علیه السلام: لَا يَصْدُقُ إِيمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَكُونَ بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ سَبْحَانَهُ أَوْثَقَ مِمَّنْهُ بِمَا فِي يَدِهِ.^۴

۱۳۲۶. الإمام الباقر علیه السلام: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي بَعْضِ أَسْفَارِهِ إِذْ لَقِيَهِ رَكْبٌ فَقَالُوا: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ علیه السلام: مَا أَنْتُمْ؟ قَالُوا: نَحْنُ مُؤْمِنُونَ. قَالَ علیه السلام: فَمَا حَقِيقَةُ إِيمَانِكُمْ؟ قَالُوا: الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَالتَّفْوِيزُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، فَقَالَ علیه السلام: عُلَمَاءُ حُكَمَاءُ كَادُوا أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْحِكْمَةِ أَنْبِيَاءَ، فَإِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَلَا

۱۳۲۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده آنگاه به ایمان حقیقی دست می‌یابد که برای خدا به خشم آید و برای خدا خشنود شود. پس، هرگاه چنین باشد سزایند ایمان حقیقی گشته است.

۱۳۲۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده‌ای مؤمن نیست مگر آن که هر خوبی که برای خود می‌خواهد برای مردم نیز بخواهد.

۱۳۲۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انسان مؤمن نیست، مگر آن که دلش با زبانش یکی باشد و زبانش با دلش، و گفتارش با کردارش ناسازگار نباشد، و همسایه‌اش از گزند او در امان باشد.

۱۳۲۵. امام علی علیه السلام: ایمان هیچ بنده‌ای راستین نباشد مگر زمانی که اطمینان او به آنچه نزد خداست بیشتر باشد از آنچه در دست خویش دارد.

۱۳۲۶. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در یکی از مسافرتهايش با کاروانی رو به رو شد؛ کاروانیان عرض کردند: درود بر تو ای پیامبر خدا. پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: شما که هستید؟ عرض کردند: ما عده‌ای مؤمن هستیم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: حقیقت ایمان شما چیست؟ عرض کردند: خشنودی به قضای الهی و گردن نهادن به فرمان خدا و سپردن کارها به دست او. فرمود: دانشمندانی فرزانه که نزدیک است از

۱. کنز العمال: ۹۹.

۲. کنز العمال: ۹۵.

۳. کنز العمال: ۸۵.

۴. بحار الأنوار: ۱۰۳/۳۷/۷۹.

تَبْنُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ، وَلَا تَجْمَعُوا مَا لَا
تَأْكُلُونَ، وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ.^۱

۱۳۲۷. معانی الأخبار عن فضیل بن یسار عن
الإمام الباقر علیه السلام: لَا يَبْلُغُ أَحَدُكُمْ حَقِيقَةَ
الْإِيمَانِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ:
حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْحَيَاةِ،
وَالْفَقْرُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْغِنَى، وَالْمَرَضُ
أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الصُّحَّةِ.

قُلْنَا: وَمَنْ يَكُونُ كَذَلِكَ؟! قَالَ: كُلُّكُمْ.
ثُمَّ قَالَ: أَيُّمَا أَحَبُّ إِلَيَّ أَحَدِكُمْ يَمُوتُ فِي
حُبِّنَا أَوْ يَعِيشُ فِي بُغْضِنَا؟ فَقُلْتُ: نَمُوتُ
وَاللَّهِ فِي حُبِّكُمْ أَحَبُّ إِلَيْنَا قَالَ: وَكَذَلِكَ
الْفَقْرُ وَالْغِنَى وَالْمَرَضُ وَالصُّحَّةُ؟ قُلْتُ: إِي
وَاللَّهِ.^۲

۱۳۲۸. الإمام الصادق علیه السلام: أَتَى رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله
فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي جِئْتُكَ أَبَايَعُكَ
عَلَى الْإِسْلَامِ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَبَايَعُكَ
عَلَى أَنْ تَقْتُلَ أَبَاكَ؟ قَالَ: نَعَمْ. فَقَالَ لَهُ
رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّا وَاللَّهِ لَا نَأْمُرُكُمْ بِقَتْلِ
آبَائِكُمْ، وَلَكِنَّ الْآنَ عَلِمْتُ مِنْكَ حَقِيقَةَ

فرزانیگی پیامبر شوند. پس اگر راست
می‌گویید، آنچه را که در آن ساکن
نمی‌شوید نسازید؛ و آنچه را نمی‌خورید
نپندوزید و از خدایی که به سویش باز
می‌گردید، پروا کنید.

۱۳۲۷. معانی الأخبار - به نقل از فضیل بن یسار :-
امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ یک از شما به
حقیقت ایمان نمی‌رسد مگر آن که سه
خصالت در او باشد: مرگ را بیشتر از
زندگی دوست بدارد و فقر را بیشتر از
توانگری و بیماری را بیشتر از تندرستی.

عرض کردیم: چه کسی این چنین
است؟! فرمود: همه شما. آنگاه فرمود: هر
یک از شما، کدام یک را بیشتر دوست
دارید: در راه دوستی ما بمیرید یا با دشمنی
با ما زندگی کنید؟ عرض کردم: به خدا
قسم، اینکه در راه دوستی شما بمیریم.
فرمود: ناداری و توانگری و بیماری و
تندرستی نیز همین‌طور نیست؟ عرض
کردم: آری، به خدا.

۱۳۲۸. امام صادق علیه السلام: مردی خدمت پیامبر
خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا!
من خدمت رسیده‌ام تا با شما بر اسلام
بیعت کنم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: با تو
بیعت می‌کنم بر اینکه پدرت را بکشی.
عرض کرد: باشد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به
خدا، ما به شما دستور نمی‌دهیم پدرانتان را

الإيمان، وأنتَ لَنْ تَتَّخِذَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيَّةً.^۱

بکشید، اما اینک [با این امتحان] دانستم که ایمان تو حقیقی است و تو هرگز یار و همدمی جز خدا نخواهی گرفت.

۱۳۲۹. عنه: لَقِيَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمًا حَارَّةً ... فَقَالَ لَهُ: كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا حَارِثَةُ؟ قَالَ: أَصْبَحْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُؤْمِنًا حَقًّا. قَالَ ﷺ: إِنَّ لِكُلِّ إِيْمَانٍ حَقِيقَةً، فَمَا حَقِيقَةُ إِيْمَانِكَ؟ قَالَ: عَزَفْتُ نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا، وَأَشْهَرْتُ لَيْلِي، وَأَظْمَأْتُ نَهَارِي.^۲

۱۳۲۹. امام صادق: روزی پیامبر خدا ﷺ حارثه را دید ... به او فرمود: ای حارثه! چگونه ای؟ عرض کرد: ای رسول خدا! مؤمن حقیقی هستم. فرمود: هر ایمانی را حقیقتی است، حقیقت ایمان تو چیست؟ عرض کرد: از دنیا بیزار شده‌ام و شبم را با شب‌زنده‌داری گذرانده‌ام و روزم را با تشنگی (روزه‌داری).

۱۳۳۰. عنه: لَا يَبْلُغُ أَحَدُكُمْ حَقِيقَةَ الْإِيْمَانِ حَتَّى يُحِبَّ أَبْعَدَ الْخَلْقِ مِنْهُ فِي اللَّهِ، وَيُبْغِضَ أَقْرَبَ الْخَلْقِ مِنْهُ فِي اللَّهِ.^۳

۱۳۳۰. امام صادق: هیچ یک از شما به حقیقت ایمان نمی‌رسد، مگر آن که دورترین کس به خود را، برای خدا دوست بدارد و نزدیکترین کس خود را به خاطر خدا دشمن بدارد.

۱۳۳۱. عنه: اَعْلَمُوا أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِهِ [اللَّهُ] حَتَّى يَرْضَى عَنْ اللَّهِ فِيمَا صَنَعَ اللَّهُ إِلَيْهِ وَصَنَعَ بِهِ، عَلَى مَا أَحَبَّ وَكَرِهَ.^۴

۱۳۳۱. امام صادق: بدانید که هیچ بنده‌ای از بندگان خدا هرگز مؤمن نباشد مگر آن که از آنچه خدا با او می‌کند، خوشایندش باشد یا ناخوشایند، راضی باشد.

۱۳۳۲. عنه: لَا تَكُونُ مُؤْمِنًا حَتَّى تَكُونَ خَائِفًا رَاجِيًا، وَلَا تَكُونُ خَائِفًا رَاجِيًا حَتَّى تَكُونَ عَامِلًا لِمَا تَخَافُ وَتَرْجُو.^۵

۱۳۳۲. امام صادق: مؤمن نیستی، مگر آن که بیمناک و امیدوار باشی، و بیمناک و امیدوار نیستی، مگر آن که به آنچه مایه ترس و امید تو گشته است عمل کنی.

۱۳۳۳. عنه: لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا أَبَدًا حَتَّى يَكُونَ لِأَخِيهِ مِثْلَ الْجَسَدِ، إِذَا ضَرَبَ عَلَيْهِ

۱۳۳۳. امام صادق: مؤمن هرگز مؤمن نیست، مگر آنگاه که برای برادر خود همچون

۱. بحار الأنوار: ۷۴/۷۶/۷۰.

۲. معاني الأخبار: ۵/۱۸۷. ۳. تحف العقول: ۳۶۹.

۴. بحار الأنوار: ۷۸/۲۱۷/۹۳.

۵. بحار الأنوار: ۷۸/۲۵۳/۱۱۲.

پیکر باشد، که هرگاه رگی از آن پیکر بجنبد [و ناراحت باشد] دیگر رگها نیز با او به جنب و جوش در آیند.

۱۳۳۲. امام صادق علیه السلام: از نشانه‌های ایمان حقیقی

این است که حق را، هر چند به زیان تو باشد، بر باطل، هر چند به سود تو باشد، ترجیح دهی.

۲۶۹

مُرَجَّئُهُ

۱۳۳۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مَرَجَّئُهُ همانان که می‌گویند: ایمان گفتار است بی‌کردار، از زبان هفتاد پیامبر لعنت شده‌اند.

۱۳۳۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو گروه از اَمت من هستند

که خداوند به زیان هفتاد پیامبر، آنها را لعنت کرده است: قَدَرِيه و مَرَجَّئُهُ، همانان که می‌گویند: ایمان، اقراری است که عمل در آن [شرط] نیست.

۲۷۰

نقش گناهان در از بین بردن ایمان

۱۳۳۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زناکار، در حالی که مؤمن

است زنا نمی‌کند، دزد، در حالی که مؤمن

است سرکوب دزدی نمی‌شود و

شرابخوار، در حالت داشتن ایمان، شراب

عِزُّقٌ وَاحِدٌ تَدَاعَتْ لَهُ سَائِرُ عُرُوقِهِ^۱.

۱۳۳۳. عنه علیه السلام: إِنْ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ أَنْ تُؤَثَّرَ

الْحَقُّ وَإِنْ ضَرَّكَ عَلَى الْبَاطِلِ وَإِنْ نَفَعَكَ^۲.

۲۶۹

الْمُرَجَّئَةُ

۱۳۳۵. رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لُعِنَتِ الْمُرَجَّئَةُ عَلَى لِسَانِ

سَبْعِينَ نَبِيًّا، الَّذِينَ يَقُولُونَ: الْإِيمَانُ قَوْلٌ

بِلا عَمَلٍ^۳.

۱۳۳۶. عنه علیه السلام: صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي لَعَنَهُمُ اللَّهُ عَلَى

لِسَانِ سَبْعِينَ نَبِيًّا: الْقَدَرِيَّةُ وَالْمُرَجَّئَةُ،

الَّذِينَ يَقُولُونَ: الْإِيمَانُ إِقْرَارٌ لَيْسَ فِيهِ

عَمَلٌ^۴.

(انظر) موسوعة العقائد الإسلامية: ج ۶ الفصل الثامن

من القسم الثاني «معنى القدرية».

الصلاة: باب ۲۲۶۳.

۲۷۰

نَوْرُ الذُّنُوبِ فِي ذَوَالِ الْإِيمَانِ

۱۳۳۷. رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا يَزْنِي الزَّانِي حِينَ يَزْنِي

وَهُوَ مُؤْمِنٌ، وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ حِينَ

يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ، وَلَا يَشْرَبُ الْخَمْرَ

حِينَ يَشْرَبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ، وَالتَّوْبَةُ

۲. بحار الأنوار: ۷۰/۱۰۶/۲.

۱. المؤمن: ۹۰/۳۹.

۴. كنز العمال: ۶۳۶.

۳. كنز العمال: ۶۳۷.

مَعْرُوضَةٌ بَعْدُ^۱

نمی نوشد. و ذر توبه همچنان باز است.

۱۳۳۸. كَنْزُ الْعَمَالِ - به نقل از علقمه بن قیس :-

علی علیه السلام را بر منبر کوفه دیدم می فرمود: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: زنا کار، در حالی که مؤمن است، زنا نمی کند پرسیدم: ای امیر مؤمنان! کسی که زنا کند کافر است؟ علی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا به ما دستور می داد احادیث مربوط به رخصتها را مبهم گذاریم. زنا کار، با ایمان به اینکه زنا برایش حلال است، زنا نمی کند؛ زیرا اگر اعتقاد داشته باشد که زنا برای او حلال است، کافر است.

۱۳۳۸. كَنْزُ الْعَمَالِ عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ قَيْسٍ: رَأَيْتُ

عَلِيًّا عَلَى مَنبَرِ الْكُوفَةِ وَهُوَ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: لَا يَزْنِي الزَّانِي حِينَ يَزْنِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ.... [فَقُلْتُ]: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مَنْ زَنَى فَقَدْ كَفَرَ؟ فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَأْمُرُنَا أَنْ نُبَيِّنَ أَحَادِيثَ الرُّخَصِ، لَا يَزْنِي الزَّانِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ أَنَّ ذَلِكَ الزَّانَا لَهُ حَلَالٌ، فَإِنْ آمَنَ بِأَنَّهُ لَهُ حَلَالٌ فَقَدْ كَفَرَ.^۲

۱۳۳۹. إِمَامُ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَام - در پاسخ به سؤال از این

سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که: هرگاه مرد زنا کند روح ایمان از او جدا می شود - فرمود: این سخن خداوند عز و جل است، آن جا که می فرماید: «وَأَنَّا رَأَيْنَا رُوحَهُ مِنْ رُوحِ نَفْسِهِ» و آنان را با روحی از خود پشتیبانی کرد؛ همین روح است که از او جدا می شود.

۱۳۳۹. إِمَامُ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَام - وَقَدْ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ رَسُولِ

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا زَنَى الرَّجُلُ فَارَقَهُ رُوحُ الْإِيمَانِ -: هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ﴾^۳ ذَلِكَ الَّذِي يُفَارِقُهُ.^۴

۱۳۴۰. الْأَمَالِيُّ لِلْمُفِيدِ - به نقل از امام صادق علیه السلام -

در پاسخ به سؤال گروهی درباره ایمان :- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زنا کار در حال ایمان زنا نمی کند. سارق، در حال ایمان، دست به سرقت نمی زند و شرابخوار، در حال داشتن ایمان، شراب نمی نوشد.

۱۳۴۰. الْأَمَالِيُّ لِلْمُفِيدِ عَنْ إِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَام - وَقَدْ

سَأَلَهُ جَمَاعَةٌ عَنِ الْإِيمَانِ -: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا يَزْنِي الزَّانِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ، وَلَا يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ، وَلَا يَشْرَبُ الْخَمْرَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ. فَجَعَلَ بَعْضُهُمْ يَنْظُرُ إِلَى بَعْضٍ، فَقَالَ لَهُ عُمَرُ بْنُ ذَرٍّ: بِمَ نُسَمِّيهِمْ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

آنان (مخاطبان امام) به یکدیگر نگاه کردند. عمر بن ذر [از میان آنان] عرض

۱. كَنْزُ الْعَمَالِ: ۱۳۱۱. ۲. كَنْزُ الْعَمَالِ: ۱۷۳۳.

۳. الْمُجَادِلَةُ: ۲۲. ۴. بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ۶۹/۱۹۰/۵.

بما سَمَاهُمُ اللَّهُ وبأَعْمَالِهِمْ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ
وَجَلَّ: ﴿السَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ...﴾^۱، وَقَالَ: ﴿الزَّانِيَةُ
وَالزَّانِي...﴾^۲.

۱۳۳۱. بحار الأنوار عن زُرَّارَةَ: قُلْتُ لِأَبِي
عَبْدِ اللَّهِ ع: أَرَأَيْتَ قَوْلَ النَّبِيِّ ﷺ: «لَا يَزْنِي
الزَّانِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ»؟

قال: يُنَزَعُ مِنْهُ رُوحُ الْإِيمَانِ.

قال: يُنَزَعُ مِنْهُ رُوحُ الْإِيمَانِ؟ قال:
قُلْتُ: فَحَدَّثَنِي بِرُوحِ الْإِيمَانِ؟

قال: هُوَ شَيْءٌ؛ ثُمَّ قَالَ: هَذَا أَجْدَرُ أَنْ
تَفْهَمَهُ، أَمَا رَأَيْتَ الْإِنْسَانَ يَهْمُ بِالشَّيْءِ
فَيَعْرِضُ بِنَفْسِهِ الشَّيْءَ يَزْجُرُهُ عَنْ ذَلِكَ
وَيَنْهَاهُ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: هُوَ ذَلِكَ.^۳

۱۳۳۲. الإمام الكاظم ع - وقد سُئِلَ عَنِ الْكِبَائِرِ:
هَلْ تُخْرِجُ مِنَ الْإِيمَانِ؟ - نَعَمْ، وَمَا دُونَ
الْكِبَائِرِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا يَزْنِي
الزَّانِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ»؟

وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ.^۴

کرد: پس، این افراد را چه بنامیم؟ امام ع
فرمود: همان نامی که خدا بر آنان نهاده
است، به نام اعمالشان. خداوند فرموده
است: «مَرِدٌ دَزَدَ وَزْنِ دَزَدَ...» و فرموده «زَنِ
زَنَاكَارٌ وَ مَرِدٌ زَنَاكَارٌ...».

۱۳۳۱. بحار الأنوار - به نقل از زراره -: از امام

صادق ع پرسیدم: درباره این سخن
پیامبر ع که: زناکار در حال داشتن ایمان،
زنا نمی‌کند، چه می‌فرمایید؟ فرمود: روح
ایمان از او کنده می‌شود [آنگاه مرتکب زنا
می‌شود]. عرض کردم: روح ایمان از او
کنده می‌شود؟ پس، از روح ایمان برایم
بفرمایید. فرمود: آن هم چیزی است. آنگاه
فرمود: اینگونه بهتر می‌فهمی [آیا]
ندیده‌ای که انسان چیزی را می‌خواهد ولی
در درون او چیزی وی را از آن خواهش باز
می‌دارد و نهی می‌کند؟ عرض کردم: چرا.
فرمود: آن چیز همان روح ایمان است.

۱۳۳۲. امام کاظم ع - در پاسخ به این سؤال که آیا

گناهان کبیره ایمان را سلب می‌کند؟ -
فرمود: آری و گناهان کوچکتر نیز. پیامبر
خدا ع فرمود: زناکار، در حالی که مؤمن
است زنا نمی‌کند و سارق، در حال ایمان،
دزدی نمی‌کند.

۱. المائدة: ۳۸. ۲. النور: ۲.

۳. الأمالی للمفيد: ۳/۲۲. ۴. بحار الأنوار: ۶۹/۱۹۲/۷.

۵. بحار الأنوار: ۶۹/۶۳/۷.

۲۷۱

ما رُوِيَ فِي عَدَمِ تَأْثِيرِ الذُّنُوبِ فِي زَوَالِ الْإِيمَانِ

۱۳۳۳. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا مِنْ عَبْدٍ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ثُمَّ مَاتَ عَلَى ذَلِكَ إِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ وَإِنْ زَنَى وَإِنْ سَرَقَ، وَإِنْ زَنَى وَإِنْ سَرَقَ، وَإِنْ زَنَى وَإِنْ سَرَقَ!

۱۳۳۴. عَنْهُ ﷺ: مَنْ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» لَمْ تَضُرَّهُ مَعَهَا خَطِيئَةٌ، كَمَا لَوْ أَشْرَكَ بِاللَّهِ لَمْ تَنْفَعَهُ مَعَهُ حَسَنَةٌ.^۱

۱۳۳۵. عَنْهُ ﷺ: كَمَا لَا يَنْفَعُ مَعَ الشُّرْكِ شَيْءٌ كَذَلِكَ لَا يَضُرُّ مَعَ الْإِيمَانِ شَيْءٌ.^۲

۱۳۳۶. عَنْهُ ﷺ: لَا يُخْرِجُ الْمُؤْمِنَ مِنْ إِيْمَانِهِ ذَنْبٌ، كَمَا لَا يُخْرِجُ الْكَافِرَ مِنْ كُفْرِهِ إِحْسَانٌ.^۳

۲۷۲

اخْلَاصُ الْإِيمَانِ

۱۳۳۷. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَجَابِرُ الْأَنْصَارِيِّ -: اذْهَبْ فَنَادِ فِي النَّاسِ أَنَّهُ: مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُوقِنًا أَوْ مُخْلِصًا فَلَهُ الْجَنَّةُ.^۴

۱. كنز العمال: ۱۲۰ ویدل علی ذلك: خبر ۱۳۴، ۱۷۲، ۱۸۲.

۱۸۳، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۳۳۲، ۳۳۳.

۲. كنز العمال: ۲۰۹. ۳. كنز العمال: ۲۵۶.

۴. كنز العمال: ۱۳۳۳. ۵. كنز العمال: ۱۴۴.

۲۷۱

روایاتی که می‌گویند گناهان اثری در زوال ایمان ندارند!

۱۳۳۳. پیامبر خدا ﷺ: هیچ بنده‌ای نیست که بگوید: لا اله الا الله و بر این گفته بمیرد مگر آن که به بهشت درمی‌آید، گرچه زنا کند و دزدی کند، گرچه زنا کند و دزدی کند، گرچه زنا کند و دزدی کند.

۱۳۳۴. پیامبر خدا ﷺ: هر که بگوید: «لا اله الا الله» هیچ گناهی به او آسیب نمی‌رساند، همچنان که اگر به خدا شرک ورزد، هیچ کردار نیکی او را سود نمی‌بخشد.

۱۳۳۵. پیامبر خدا ﷺ: همان طور که با وجود شرک، هیچ چیز سودمند نیست با وجود ایمان نیز چیزی زیان بخش نیست.

۱۳۳۶. پیامبر خدا ﷺ: هیچ گناهی مؤمن را از ایمانش خارج نمی‌سازد، همچنان که هیچ کار نیکی کافر را از کفرش به در نمی‌برد.

۲۷۲

ایمان خالصانه

۱۳۳۷. پیامبر خدا ﷺ: به جابر انصاری - فرمود: برو و در میان مردم جار زن که هر کس از روی یقین یا اخلاص، شهادت دهد که «خدایی جز الله نیست» بهشت از آن اوست.

۱. این روایات و روایات مشابه معارض احادیث باب قبلی و هماهنگ با عقیده مرجعه‌اند و لذا نمی‌توان آنها را پذیرفت. برای توضیح بیشتر مراجعه شود به دانش‌نامه میزان الحکمة: ۲۲۳/۸-۲۶۵.

۱۳۴۸. كنز العمال: عن رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ عَهْدٌ إِلَيَّ أَنْ لَا يَأْتِيَنِي أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِي بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا يَخْلُطُ بِهَا شَيْئاً إِلَّا وَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. قالوا: يا رسول الله، وما الَّذِي يَخْلُطُ بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؟ قَالَ: حِرْصاً عَلَى الدُّنْيَا وَجَمْعاً لَهَا وَمُنْعاً لَهَا، يَقُولُونَ قَوْلَ الْأَنْبِيَاءِ وَيَعْمَلُونَ عَمَلَ الْجَبَابِرَةِ!

۱۳۴۹. رسول الله ﷺ: مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يُصَدِّقَ قَلْبُهُ لِسَانَهُ دَخَلَ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَ.^۲

۱۳۵۰. كنز العمال: عن رسول الله ﷺ: مَنْ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مُخْلِصاً دَخَلَ الْجَنَّةَ. قِيلَ: وَمَا إِخْلَاصُهَا؟ قَالَ: أَنْ تَخْجِزَهُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ.^۳

۱۳۵۱. رسول الله ﷺ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَمْنَعُ الْعِبَادَ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ، مَا لَمْ يُؤْثِرُوا صَفْقَةَ دُنْيَاهُمْ عَلَى دِينِهِمْ.^۴

۱۳۵۲. عنه ﷺ: لَا تَزَالُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَحْجُبُ غَضَبَ الرَّبِّ عَنِ النَّاسِ، مَا لَمْ يُبَالُوا مَا ذَهَبَ مِنْ دِينِهِمْ إِذَا صَلَحَتْ لَهُمْ دُنْيَاهُمْ.^۵

۱۳۴۸. كنز العمال: پیامبر خدا ﷺ فرمود: خداوند به من سفارش کرد که احدی از امت من با «لا اله الا الله» نزد من نمی آید، مگر آن که بهشت بر او واجب می شود، به شرط آن که چیزی را با آن نیامیخته باشد. عرض کردند: ای پیامبر خدا! آنچه با لا اله الا الله آمیخته می شود چیست؟ فرمود: حرص به دنیا و جمع کردن مال دنیا و ندادن آن به دیگران. این گونه افراد، سخنشان سخن پیامبران است و کردارشان، کردار ستمگران!

۱۳۴۹. پیامبر خدا ﷺ: هر کس گواهی دهد که «خدایی جز الله نیست» و دلش زبان او را تصدیق کند از هر دری از درهای بهشت که بخواهد، وارد خواهد شد.

۱۳۵۰. كنز العمال: پیامبر خدا ﷺ فرمود: هر که از روی اخلاص بگوید «معبودی جز الله نیست» وارد بهشت می شود. عرض شد: خالص کردن آن چگونه است؟ فرمود: به اینکه آن را از حرامهای خدا دور نگه داری.

۱۳۵۱. پیامبر خدا ﷺ: «لا اله الا الله»، بندگان را از خشم خدا نگه می دارد، به شرط آن که کسب و کار دنیای خود را بر دین خویش ترجیح ندهند.

۱۳۵۲. پیامبر خدا ﷺ: «لا اله الا الله» همواره خشم خدا را از مردم باز می دارد مگر زمانی که چون دنیایشان آباد شد، دیگر برایشان مهم نباشد که دینشان از بین برود.

۱. كنز العمال: ۱۴۶. ۲. كنز العمال: ۲۰۰.

۳. كنز العمال: ۲۰۵. ۴. كنز العمال: ۲۲۱.

۵. كنز العمال: ۲۲۲.

۱۳۵۳. عنه علیه السلام: لَا تَزَالُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَنْفَعُ مَنْ قَالَهَا حَتَّى يُسْتَخَفَّ بِهَا، وَالْاِسْتِخْفَافُ بِحَقِّهَا أَنْ يَظْهَرَ الْعَمَلُ بِالْمَعَاصِي فَلَا يُسْكِرُوهُ وَلَا يُغَيِّرُوهُ.^۱

(انظر) معرفة الله: باب ۲۵۸۰.

۱۳۵۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» همواره برای گوینده آن سودمند است مگر زمانی که آن را خوار شمارد، و خفیف شمردن حق آن به این است که گناهکاری آشکار شود و آن را زشت شمارند و در صدد از میان بردن گناهکاری برنیایند.

۲۷۳

کمال ایمان

۱۳۵۲. الْمَسِيحُ علیه السلام: نَقُّوا الْقَمَحَ وَطَيِّبُوهُ وَأَدِقُّوا طَحْنَهُ تَجِدُوا طَعْمَهُ وَيُهَنِّئُكُمْ أَكْلُهُ، كَذَلِكَ فَأَخْلِصُوا الْإِيمَانَ وَأَكْمِلُوهُ تَجِدُوا حِلَاوَتَهُ وَيَنْفَعَكُمْ غَبْنُهُ.^۲

۱۳۵۵. الْإِمَامُ الصَّادِقُ علیه السلام: ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ لَا تُرَى كَامِلَةً فِي وَاحِدٍ قَطُّ: الْإِيمَانُ، وَالْعَقْلُ، وَالْاجْتِهَادُ.^۳

(انظر) الدين: باب ۱۳۰۵.

عنوان ۴۶۶ «الكمال».

۱۳۵۲. مسیح علیه السلام: گندم را پاک و تمیز نمایید و خوب آردش کنید، تا طعم آن را بچشید و از خوردنش لذت ببرید، به همین سان، ایمان را خالص گردانید و کمال بخشید، تا خلوت آن را بچشید و سرانجامش شما را سودمند افتد.

۱۳۵۵. امام صادق علیه السلام: سه چیز است که هرگز به طور کامل در یک نفر دیده نمی شود: ایمان، عقل و سختکوشی [در عبادت].

۲۷۴

آنچه مایه کمال ایمان است

۱۳۵۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه خصلت است که هر کس دارا باشد، خصلتهای ایمان را به کمال رسانده است: کسی که چون راضی شود، رضایتش او را به گناه و باطل نکشاند و

۲۷۳

ما یَکْمُلُ بِهِ الْإِيمَانُ

۱۳۵۶. رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: ثَلَاثُ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ اسْتَكْمَلَ خِصَالَ الْإِيمَانِ: الَّذِي إِذَا رَضِيَ

۱. كنز العمال: ۲۲۳. ۲. بحار الأنوار: ۷۸ / ۳۰۷ / ۱.

۳. بحار الأنوار: ۷۸ / ۲۳۸ / ۸۵.

لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ فِي إِثْمٍ وَلَا بَاطِلٍ، وَإِذَا غَضِبَ لَمْ يُخْرِجْهُ الْغَضَبُ مِنَ الْحَقِّ، وَإِذَا قَدَرَ لَمْ يَتَعَاطَ مَا لَيْسَ لَهُ.^۱

۱۳۵۷. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثَةٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ يَسْتَكْمِلُ إِيْمَانُهُ: رَجُلٌ لَا يَخَافُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَانِمْ، وَلَا يُرَائِي بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ، وَإِذَا عَرَضَ عَلَيْهِ أَمْرَانِ أَحَدُهُمَا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرِ لِلْآخِرَةِ، اخْتَارَ أَمْرَ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا.^۲

۱۳۵۸. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَسْتَكْمِلُ الْعَبْدُ الْإِيْمَانَ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: الْإِنْفَاقُ فِي الْاِقْتَارِ، وَالْإِنْصَافُ مِنْ نَفْسِهِ، وَبَذْلُ السَّلَامِ.^۳

۱۳۵۹. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَسْتَكْمِلُ الْعَبْدُ الْإِيْمَانَ حَتَّى يُحَسِّنَ خُلُقَهُ، وَلَا يَشْفِي غَيْظَهُ، وَأَنْ يَوَدَّ لِلنَّاسِ مَا يَوَدُّ لِنَفْسِهِ، فَلَقَدْ دَخَلَ رِجَالُ الْجَنَّةِ بَغِيرِ أَعْمَالٍ، وَلَكِنْ بِالنَّصِيحَةِ لِأَهْلِ الْإِسْلَامِ.^۴

۱۳۶۰. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ الْإِيْمَانَ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ، وَحَتَّى يَخَافَ اللَّهَ فِي مِزَاجِهِ وَجَدِّهِ.^۵

چون خشمگین شود، خشم، او را از حق به در نبرد و هرگاه قدرت یابد چیزی را که از او نیست به زور نستانند.

۱۳۵۷. پیامبر خدا ﷺ: سه چیز است که هر که داشته باشد ایمانش کامل است: مردی که در راه خدا از سرزنش هیچ نکوهشگری نهراسد و در هیچ کار خود ریا و خودنمایی نکند و هرگاه دو چیز بر او عرضه شود که یکی دنیایی است و دیگر آخرتی، کار آخرت را بر دنیا ترجیح دهد.

۱۳۵۸. پیامبر خدا ﷺ: بنده ایمان را به کمال نمی‌رساند، مگر سه خصلت در او باشد: انفاق در تنگدستی، انصاف داشتن و [به همه] سلام کردن.

۱۳۵۹. پیامبر خدا ﷺ: بنده ایمان را به کمال نمی‌رساند، مگر آن که اخلاقش را نیک گرداند، خشم خود را با گرفتن انتقام فرو نشاند و آنچه برای خود دوست دارد برای مردم نیز دوست بدارد. هر آینه کسانی نه با عمل، که با صداقت و خیرخواهی نسبت به مسلمانان به بهشت درآمده‌اند.

۱۳۶۰. پیامبر خدا ﷺ: بنده به کمال ایمان نمی‌رسد مگر آن که آنچه را برای خود دوست دارد برای برادرش نیز دوست بدارد، و در شوخی و جدی خود از خدا بترسد.

۱. الخصال: ۱۰۵/۶۶. ۲. كنز العمال: ۴۳۲۴۷.

۳. كنز العمال: ۱۰۷. ۴. كنز العمال: ۵۲۴۴.

۵. كنز العمال: ۱۰۶.

۱۳۶۱. عنه علیه السلام: لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا وَلَا يَسْتَكْمِلُ الْإِيمَانَ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: اقْتِبَاسُ الْعِلْمِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الْمَصَائِبِ، وَتَرْفُقٌ فِي الْمَعَاشِ.^۱

۱۳۶۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، مؤمن نیست و ایمان را به کمال نمی‌رساند مگر سه خصلت داشته باشد: فراگیری دانش، شکیبایی بر گرفتاریها، و اعتدال در معاش.

۱۳۶۲. عنه علیه السلام: لَا يُكْمِلُ عَبْدٌ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خَمْسُ خِصَالٍ: التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ، وَالتَّقْوِيَةُ إِلَى اللَّهِ، وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ، وَالرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ، وَالصَّبْرُ عَلَى بَلَاءِ اللَّهِ. إِنَّهُ مَنْ أَحَبَّ فِي اللَّهِ، وَأَبْغَضَ فِي اللَّهِ، وَأَعْطَى اللَّهَ، وَمَنْعَ اللَّهَ، فَقَدْ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ.^۲

۱۳۶۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ایمان بنده به خدا کامل نباشد مگر پنج خصلت در او باشد: توکل به خدا، وا گذاشتن کارها به خدا، سر نهادن به فرمان خدا، خشنود بودن به قضای خدا، و شکیبایی کردن بر بلای خدا. هر کس به خاطر خدا دوست بدارد، به خاطر خدا دشمنی ورزد، برای خدا داد و دهش کند و برای خدا از بخشش باز ایستد، هر آینه ایمان را به سر حد کمال رسانده است.

۱۳۶۳. عنه علیه السلام: لَا يُكْمِلُ الْمُؤْمِنُ إِيْمَانَهُ حَتَّى يَخْتَوِيَ عَلَى مَائَةٍ وَثَلَاثِ خِصَالٍ: فِعْلٌ وَعَمَلٌ وَنِيَّةٌ وَبَاطِنٌ وَظَاهَرٌ....^۳

۱۳۶۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن ایمان خود را به کمال نمی‌رساند مگر آن که بکصد و سه خصلت را، [در] فعل و عمل و نیت و باطن و ظاهر و... دارا شود.

۱۳۶۴. عنه علیه السلام - فِي جَوَابِ رَجُلٍ سَأَلَهُ: أَحِبُّ أَنْ يَكْمَلَ إِيْمَانِي -: حَسَنُ خُلُقِكَ يَكْمُلُ إِيْمَانُكَ.^۴

۱۳۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در پاسخ مردی که پرسید: دوست دارم ایمانم کامل شود - فرمود: اخلاقت را خوب کن، ایمانت کامل می‌شود.

۱۳۶۵. الإمام علي عليه السلام: لَا يَكْمُلُ إِيْمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يُحِبَّ مَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ، وَيُبْغِضَ مَنْ أَبْغَضَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ.^۵

۱۳۶۵. امام علی علیه السلام: ایمان بنده‌ای کامل نمی‌شود مگر آن که آنچه را خداوند دوست دارد او نیز دوست داشته باشد و آنچه را خداوند دشمن دارد او نیز دشمن بدارد.

۱. كنز العمال: ۸۲۸. ۲. بحار الأنوار: ۷۷/۱۷۷/۱۰.

۳. بحار الأنوار: ۴۷/۳۱۰/۴۵، انظر تمام الحديث.

۴. كنز العمال: ۴۴۱۵۴. ۵. غرر الحكم: ۱۰۸۴۹.

۱۳۶۶. عنه: لَا يَكْمُلُ إِيْمَانُ الْمُؤْمِنِ حَتَّى يَعُدَّ الرَّخَاءَ فِتْنَةً، وَالْبَلَاءَ نِعْمَةً.^۱

۱۳۶۷. عنه: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلُ إِيْمَانُهُ: الْعَقْلُ، وَالْجِلْمُ، وَالْعِلْمُ.^۲

۱۳۶۸. عنه: أَكْمَلَكُمْ إِيْمَانًا أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا.^۳

۱۳۶۹. الإمام زين العابدين: أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلُ إِسْلَامِهِ، وَمُحَصَّصَتْ عَنْهُ ذُنُوبُهُ، وَلَقِيَ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ عَنْهُ رَاضٍ: مَنْ وَفَى لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِمَا يَجْعَلُ عَلَى نَفْسِهِ لِلنَّاسِ، وَصَدَقَ لِسَانُهُ مَعَ النَّاسِ، وَاسْتَحْيَا مِنْ كُلِّ قَبِيحٍ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ النَّاسِ، وَحَسَّنَ خُلُقَهُ مَعَ أَهْلِهِ.^۴

۱۳۷۰. عنه: إِنَّ الْمَعْرِفَةَ بِكَمَالِ دِينِ الْمُسْلِمِ تَزَكُّهُ الْكَلَامَ فِيمَا لَا يَغْنِيهِ، وَقِلَّةَ الْمِرَاءِ، وَجِلْمَهُ، وَصَبْرَهُ، وَحُسْنَ خُلُقِهِ.^۵

(انظر الإيضاح: باب ۳.)

۱۳۷۱. الإمام الصادق: لَا يَكْمُلُ إِيْمَانُ الْعَبْدِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ أَرْبَعُ خِصَالٍ: يُحَسِّنُ خُلُقَهُ، وَيَسْتَحِفُّ نَفْسَهُ، وَيُمْسِكُ الْفَضْلَ

۱۳۶۶. امام علی: ایمان مؤمن به کمال نمی‌رسد مگر آن که رفاه و آسایش را فتنه شمارد و بلا را نعمت.

۱۳۶۷. امام علی: سه چیز است که هر کس داشته باشد ایمانش کامل است: خرد، بردباری و دانش.

۱۳۶۸. امام علی: آن کس از شما ایمانش کاملتر است که اخلاقش نیکوتر باشد.

۱۳۶۹. امام زین العابدین: چهار چیز است که هر کس دارای آنها باشد اسلامش کامل می‌گردد و گناهانش ریخته می‌شود و پروردگار خویش را دیدار می‌کند در حالی که از او خشنود است: آن که برای خدا، به تعهد خود در قبال مردم عمل کند، و با مردم راستگو باشد، و از ارتکاب هر آنچه نزد خدا و مردم زشت است شرم کند، و با خانواده خود، خوش اخلاق باشد.

۱۳۷۰. امام زین العابدین: راه شناخت کامل بودن دین مسلمان به اینهاست: سخنان بیپرده نمی‌گوید، کمتر بحث و جدال می‌کند، بردبار، شکیب و خوش‌خو است.

۱۳۷۱. امام صادق: ایمان بنده به کمال نمی‌رسد مگر چهار خصلت در او باشد: اخلاقش را نیکو گرداند، خود را به هیچ انگارد، زیادی گفتارش را نگه دارد

۱. غرر الحکم: ۱۰۸۱۱. ۲. غرر الحکم: ۴۶۵۸.

۳. بحار الأنوار: ۳۴/۳۸۷/۷۱.

۴. بحار الأنوار: ۶/۹۳/۷۵. ۵. بحار الأنوار: ۱۱/۱۲۹/۲.

مِنْ قَوْلِهِ، وَيُخْرِجُ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ^۱.

۱۳۷۲. عنه: لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ ثَلَاثٌ: الْفِقْهُ فِي الدِّينِ، وَحُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعَاشِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الرِّزَايَا^۲.

۱۳۷۳. الإمام الجواد: لَنْ يَسْتَكْمِلَ الْعَبْدُ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يُؤَثِّرَ دِينُهُ عَلَى شَهْوَتِهِ، وَلَنْ يَهْلِكَ حَتَّى يُؤَثِّرَ شَهْوَتُهُ عَلَى دِينِهِ^۳.

۲۷۵

الْإِيمَانُ وَالسُّكِينَةُ

الكتاب:

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السُّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَاللَّهُ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»^۴.

الحديث:

۱۳۷۳. الإمام الصادق: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السُّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ» -: هُوَ الْإِيمَانُ^۵.

(انظر: الذكر: باب ۱۳۴۲).

(زیاده گویی نکند)، و زیادی مال خود را ببخشد.

۱۳۷۲. امام صادق: بنده ای حقیقت ایمان را به کمال نمی رساند مگر آن که سه خصلت در او باشد: فهم در دین، برنامه ریزی درست در امر معاش، و شکیبایی در برابر گرفتاریها.

۱۳۷۳. امام جواد: بنده، هرگز حقیقت ایمان را به کمال نمی رساند، مگر آنگاه که دینش را بر هوس خود ترجیح دهد، و هرگز به هلاکت در نمی افتد، مگر زمانی که هوس خود را بر دینش ترجیح دهد.

۲۷۵

ایمان و آرامش

قرآن:

«اوست که بر دلهای مؤمنان آرامش فرستاد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند و از آن خداست لشکرهاى آسمانها و زمین و خدا دانا و حکیم است».

حدیث:

۱۳۷۳. امام صادق: در تفسیر آیه «اوست که بر دلهای مؤمنان آرامش را فرستاد» - فرمود: آن آرامش، ایمان است.

۱. بحار الأنوار: ۶۹/ ۳۷/ ۳۷.

۲. بحار الأنوار: ۷۸/ ۲۳۹/ ۷۸.

۳. كشف الغتة: ۳/ ۱۳۸. ۴. الفتح: ۴.

۵. الکافی: ۲/ ۱۵/ ۴.

۲۷۶

ازدیاد ایمان

الکتاب:

﴿وَإِذَا تَلَّيْتُمْ عَلَيْهِمْ آيَاتَهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا﴾^۱

﴿وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَكُنْمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَّادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ﴾^۲

(انظر) البقرة: ۲۶۰، الكهف: ۱۳، ۱۴، الأحزاب: ۲۲، الفتح: ۴.

المجادلة: ۲۲.

الحديث:

۱۳۷۵. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الْإِيمَانَ يَبْدُو لَمُظَّةً فِي الْقَلْبِ؛ كُلَّمَا زَادَ الْإِيمَانُ زَادَتْ اللَّمُظَّةُ.^۳

۱۳۷۶. عنه عليه السلام: إِنَّ الْإِيمَانَ يَبْدُو لَمُظَّةً بَيَاضًا فِي الْقَلْبِ، فَكُلَّمَا زَادَ الْإِيمَانُ عِظَمًا زَادَ الْبَيَاضُ، فَإِذَا اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانُ ابْيَضَّ الْقَلْبُ كُلُّهُ.^۴

(انظر) بحار الأنوار: ۱۷۵/۶۹، باب ۳۳.

اليقين: باب ۴۱۹۷.

۱. الأفعال: ۲.

۲. التوبة: ۱۲۴.

۳. نهج البلاغة: الحكمة ۵. ۴. كنز العمال: ۱۷۳۴.

۲۷۶

افزایش یافتن ایمان

قرآن:

«و چون آیات او بر ایشان تلاوت شود بر ایمان آنان بیفزاید».

«و چون سوره‌ای نازل شود بعضی می‌پرسند: این [سوره] به ایمان کدام یک از شما افزوده؟ آنان که ایمان آورده‌اند به ایمانشان افزوده شود و آنان‌اند که

شادمانی می‌کنند».

حدیث:

۱۳۷۵. امام علی علیه السلام: ایمان، به صورت نقطه‌ای

سپید در قلب ظاهر می‌شود؛ هر چه بر ایمان افزوده شود آن نقطه سپید گسترش می‌یابد.

۱۳۷۶. امام علی علیه السلام: ایمان همچون نقطه سفیدی

در قلب ظاهر می‌شود و هر چه بر ایمان افزوده شود آن سفیدی بزرگتر می‌شود و چون ایمان کامل گردد تمام قلب سپید می‌شود.

کلام فی ایمان و ازدیاده :

گفتاری درباره ایمان و افزایش پذیری آن :

چنان که از امثال این آیات بر می آید، ایمان داشتن به یک چیز صرفاً علم داشتن به آن نمی باشد؛ «بی گمان کسانی که پس از آنکه (راه) هدایت بر آنان روشن شد (به حقیقت) پشت کردند» و «کسانی که کافر شدند و از راه خدا باز داشتند و پس از آنکه راه هدایت بر آنان آشکار شد، با پیامبر در افتادند» و «و با آنکه دل‌هایشان بدان یقین داشت از روی ظلم و تکبر آن را انکار کردند» و «و خدا او را با وجود آنکه می دانست، گمراه ساخت». این آیات، همچنان که ملاحظه می کنید، ارتداد و کفر و انکار و گمراهی را با وجود علم اثبات می کند.

بنابراین، صرف علم داشتن به چیزی و اعتقاد قطعی به حقایق آن، در حصول ایمان کافی نیست و صاحب چنین علمی را نمی توان مؤمن نامید، بلکه باید به مقتضای علم خود نیز پایبند باشد و به مفاد آن اعتقاد و باور قلبی داشته باشد، به طوری که آثار عملی آن، هر چند فی الجمله، در وی بروز کند. پس، کسی که علم دارد به اینکه خداوند متعال خدایی است و جز او هیچ خدایی وجود ندارد و به مقتضای این علم خود - یعنی عبودیت او و پرستیدن تنها او - نیز پایبند است، چنین کسی مؤمن به شمار می آید. اما اگر چنین علم و معرفتی داشته باشد، لیکن بدان ملتزم و پایبند نباشد و هیچ عملی که نشانگر عبودیت باشد انجام ندهد. چنین شخصی عالم هست اما مؤمن نیست.

از این جا، نادرستی این سخن برخی که گفته اند:

الإيمان بالشيء ليس مجرد العلم بالحاصل به كما يستفاد من أمثال قوله تعالى: ﴿إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى﴾^۱، وقوله: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى﴾^۲، وقوله: ﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ﴾^۳، وقوله: ﴿وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ﴾^۴، فالآيات - كما ترى - تثبت الارتداد والكفر والجحود والضلال مع العلم.

فمجرد العلم بالشيء والجزم بكونه حقاً لا

يكفي في حصول الإيمان واتّصاف من حصل له به، بل لابدّ من الالتزام بمقتضاه وعقد القلب على مؤداه بحيث يترتب عليه آثاره العملية ولو في الجملة، فالذي حصل له العلم بأن الله تعالى إله لا إله غيره فالتزم بمقتضاه - وهو عبوديته وعبادته وحده - كان مؤمناً، ولو علم به ولم يلتزم فلم يأت بشيء من الأعمال المظهرة للعبودية كان عالماً وليس بمؤمن.

ومن هنا يظهر بطلان ما قيل: إن الإيمان هو

۱. محمّد: ۲۵. ۲. محمّد: ۳۲.

۳. النمل: ۱۴. ۴. الجاثية: ۲۳.

مَجْرَدُ الْعِلْمِ وَالتَّصْدِيقِ؛ وَذَلِكَ لِمَا مَرَّ أَنَّ الْعِلْمَ رَبِّمَا يَجَامِعُ الْكُفْرَ.

وَمِنْ هُنَا يَظْهَرُ أَيْضاً بَطْلَانُ مَا قِيلَ: إِنَّ الْإِيمَانَ هُوَ الْعَمَلُ؛ وَذَلِكَ لِأَنَّ الْعَمَلَ يَجَامِعُ النِّفَاقَ، فَالْمُتَنَاقِقُ لَهُ عَمَلٌ وَرَبِّمَا كَانَ مَعْنَى ظَهَرَ لَهُ الْحَقُّ ظُهُوراً عِلْمِيّاً وَلَا إِيمَانَ لَهُ عَلَى أَيِّ حَالٍ.

وَإِذَا كَانَ الْإِيمَانُ هُوَ الْعِلْمُ بِالشَّيْءِ مَعَ الْإِلْتِزَامِ بِهِ بِحَيْثُ يَتَرْتَّبُ عَلَيْهِ آثَارُهُ الْعَمَلِيَّةُ، وَكُلٌّ مِنَ الْعِلْمِ وَالْإِلْتِزَامِ مِمَّا يَزِدُّادُ وَيَنْقُصُ وَيَشْتَدُّ وَيُضْعَفُ، كَانَ الْإِيمَانُ الْمُؤَلَّفُ مِنْهُمَا قَابِلاً لِلزِّيَادَةِ وَالنَّقِصَةِ وَالشَّدَّةِ وَالضَّعْفِ، فَاخْتِلَافُ الْمَرَاتِبِ وَتَفَاوُتُ الدَّرَجَاتِ مِنَ الضَّرُورِيَّاتِ الَّتِي لَا يَشْكُ فِيهَا قَطُّ.

هَذَا مَا ذَهَبَ إِلَيْهِ الْأَكْثَرُ وَهُوَ الْحَقُّ، وَيَدُلُّ عَلَيْهِ مِنَ النُّقْلِ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿لِيَزِدَّادُوا إِيْمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ﴾^۱ وَغَيْرِهِ مِنَ الْآيَاتِ، وَمَا وَرَدَ مِنْ أَحَادِيثِ أئِمَّةِ أَهْلِ الْبَيْتِ عليهم السلام الدَّالَّةُ عَلَى أَنَّ الْإِيمَانَ ذُو مَرَاتِبٍ.

وَذَهَبَ جَمْعٌ مِنْهُمْ أَبُو حَنِيفَةَ وَإِمَامُ الْحَرَمَيْنِ وَغَيْرُهُمَا إِلَى أَنَّ الْإِيمَانَ لَا يَزِيدُ وَلَا يَنْقُصُ، وَاحْتَجَّوْا عَلَيْهِ بِأَنَّ الْإِيمَانَ اسْمٌ لِلتَّصْدِيقِ الْبَالِغِ

ایمان عبارت از صرف علم و تصدیق است، روشن می‌شود؛ چرا که گفتیم علم و کفر با هم قابل جمع هستند.

و نیز بطلان این سخن عده‌ای که گفته‌اند: ایمان همان عمل است، آشکار می‌گردد؛ زیرا عمل با نفاق جمع می‌شود؛ زیرا منافق عمل می‌کند و گاهی اوقات هم حق و حقیقت برایش ظهور علمی دارد، لیکن در عین حال ایمان ندارد.

حال که ایمان عبارت شد از علم به چیزی همراه با التزام به آن به گونه‌ای که آثار عملی آن علم بر آن مترتب شود و از طرفی علم و التزام قابل افزایش و کاهش و شدت و ضعف هستند، بنابراین، ایمان هم که از این دو عنصر تشکیل شده قابل افزایش و کاهش و شدت و ضعف می‌باشد. پس، اختلاف مراتب و درجات ایمان از ضروریاتی است که به هیچ وجه شک‌بردار نیستند.

این مطلب نظر اکثر دانشمندان است و حقیقت هم همین است. آیه «تَا إِيْمَانِي بِرِ إِيْمَانِ خُودِ بِيْفَزَايِنْدُ» و آیات دیگری از این قبیل دلالت بر همین مطلب دارد. همچنین احادیثی که از امامان اهل بیت علیهم السلام درباره مراتب داشتن ایمان وارد شده است، این نظر را تأیید می‌کند.

عده‌ای هم مانند ابوحنیفه و امام الحرمین و دیگران بر این باور رفته‌اند که ایمان افزایش و کاهش‌پذیر نیست و برای این سخن خود چنین دلیل آورده‌اند که: ایمان، نام آن تصدیقی است که به مرحله

حدّ الجزم والقطع، وهو ممّا لا يتصوّر فيه الزيادة والنقصان، فالمصدّق إذا ضمّ إلى تصديقه الطاعات أو ضمّ إليه المعاصي فتصديقه بحاله لم يتغيّر أصلاً.

وأولوا ما دلّ من الآيات على قبوله الزيادة والنقصان بأنّ الإيمان عَرَض لا يبقى بشخصه بل بتجدّد الأمثال، فهو بحسب انطباقه على الزمان بأمثاله المتجدّدة يزيد وينقص كوقوعه للنبي ﷺ مثلاً على التوالي من غير فترة متخلّلة، وفي غيره بفترات قليلة أو كثيرة، فالمراد بزيادة الإيمان توالي أجزاء الإيمان من غير فترة أصلاً أو بفترات قليلة.

وأيضاً للإيمان كثرة بكثرة ما يؤمن به، وشرائع الدين لما كانت تنزل تدريجاً والمؤمنون يؤمنون بما ينزل منها، وكان يزيد عدد الأحكام حيناً بعد حين، كان إيمانهم أيضاً يزيد تدريجاً، وبالجمله: المراد بزيادة الإيمان كثرته عدداً.

وهو بين الضعف، أمّا الحجّة ففيها أولاً: إنّ قولهم: الإيمان اسم للتصديق الجازم ممنوع، بل هو اسم للتصديق الجازم الذي معه الالتزام كما تقدّم بيانه. اللهمّ إلّا أن يكون مرادهم بالتصديق العلم مع الالتزام.

جزم و قطع رسیده باشد و افزایش و کاهش پذیری در چنین معنایی قابل تصوّر نمی باشد. بنابراین، شخص تصدیق کننده چه طاعات را به تصدیق خود ضمیمه کند و چه معاصی را، تصدیق او همچنان به قوّت خود باقی است و هرگز تغییر نمی کند.

اینان آیاتی را که دالّ بر افزایش و کاهش پذیری ایمان است، تأویل و توجیه کرده اند و گفته اند ایمان عَرَض است و بشخصه باقی نمی ماند، بلکه بقای آن به نحو تجدّد امثال است؛ یعنی بر حسب انطباقش بر زمان به نحو امثال متجدّده آن است که افزایش و کاهش می پذیرد. برای مثال، در مورد پیامبر ﷺ ایمان به طور متوالی و بدون فاصله زمانی صورت می پذیرد و در دیگران با فاصله های زمانی اندک یا زیاد. بنابراین، مراد از افزایش ایمان، توالی اجزای ایمان است که این توالی، یا بدون هیچ گونه فاصله زمانی است و یا با فاصله های زمانی اندک.

نیز ایمان یک کثرت دیگر هم دارد و آن منوط به کثرت اموری است که ایمان به آنها تعلّق می گیرد و چون احکام و شرایع دین تدریجاً نازل می شده و مؤمنان هم بر حسب نزول تدریجی آنها تدریجاً ایمان می آورده اند و شمار احکام نیز هر از چند گاهی اضافه می شده است، بنابراین ایمان آنان نیز تدریجاً افزایش می یافته است و به طور کلی، مراد از افزایش ایمان، زیاد شدن عدد آنهاست.

سستی این نظر کاملاً روشن است؛ زیرا اولاً اینکه گفته اند ایمان نامی است برای تصدیق جزمی، قابل قبول نیست. چون که همان گونه که بیان داشتیم، ایمان نامی است برای تصدیق جازم توأم با التزام و پایبندی، مگر اینکه مرادشان از تصدیق، علم همراه با التزام باشد.

وثانیاً: إِنَّ قَوْلَهُمْ: إِنَّ هَذَا التَّصْدِيقَ لَا يَخْتَلِفُ بِالزِّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ دَعْوَى بِلَا دَلِيلٍ، بَلْ مَصَادِرَةٌ عَلَى الْمَطْلُوبِ، وَبِنَاوُهُ عَلَى كَوْنِ الْإِيمَانِ عَرَضاً وَبِقَاءِ الْأَعْرَاضِ عَلَى نَحْوِ تَجَدُّدِ الْأَمْثَالِ لَا يَنْفَعُهُمْ شَيْئاً؛ فَإِنَّ مِنَ الْإِيمَانِ مَا لَا تَحْرُكُهُ الْعَوَاصِفُ، وَمِنْهُ مَا يَزُولُ بِأَدْنَى سَبَبٍ يَعْتَرِضُ وَأَوْهَنَ شَبْهَةٍ تَطْرَأُ، وَهَذَا مِمَّا لَا يَعْزِلُ بِتَجَدُّدِ الْأَمْثَالِ وَقَلَّةِ الْفَتَرَاتِ وَكَثْرَتِهَا، بَلْ لَا بَدَّ مِنْ اسْتِنَادِهِ إِلَى قُوَّةِ الْإِيمَانِ وَضَعْفِهِ سِوَاءِ قَلْنَا بِتَجَدُّدِ الْأَمْثَالِ أَمْ لَا. مُضَافاً إِلَى بَطْلَانِ تَجَدُّدِ الْأَمْثَالِ عَلَى مَا بُيِّنَ فِي مُحَلِّهِ.

وَقَوْلُهُمْ: إِنَّ الْمَصْدُقَ إِذَا ضَمَّ إِلَيْهِ الطَّاعَاتُ أَوْ ضَمَّ إِلَيْهِ الْمَعَاصِي لَمْ يَتَغَيَّرْ حَالُهُ أَصْلاً مَمْنُوعٌ، فَقُوَّةُ الْإِيمَانِ بِمَزَاوِلَةِ الطَّاعَاتِ وَضَعْفُهَا بِارْتِكَابِ الْمَعَاصِي مِمَّا لَا يَنْبَغِي الْارْتِيَابُ فِيهِ، وَقُوَّةُ الْأَثَرِ وَضَعْفُهُ كَاشِفَةٌ عَنْ قُوَّةِ مَبْدَأِ الْأَثَرِ وَضَعْفُهُ، قَالَ تَعَالَى: ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾^۱، وَقَالَ: ﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أُسَاوُوا السُّوءَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ﴾^۲.

وَأَمَّا مَا ذَكَرُوهُ مِنَ التَّأْوِيلِ فَأَوَّلُ التَّأْوِيلِينَ

ثانیاً: اینکه گفته‌اند این تصدیق افزایش و کاهش نمی‌پذیرد، ادعایی بدون دلیل و بلکه مصادره به مطلوب است و این استدلال آنها که ایمان یک امر عرضی است و بقای اعراض به نحو تجدد امثال می‌باشد در اثبات مدعای آنان کار آمد نیست؛ زیرا ما می‌بینیم ایمان‌هایی هست که در برابر توفان حوادث هم از جا تکان نمی‌خورد و در مقابل ایمان‌هایی وجود دارد که با کمترین حادثه‌ای که پیش می‌آید یا با مست‌ترین شبهه‌ای که بروز می‌کند متزلزل می‌شود و از بین می‌رود و چنین اختلاف و تفاوتی را نمی‌شود با مسأله تجدد امثال و کمی و زیادی فاصله‌های زمانی، توجیه و تعلیل کرد، بلکه ناچار باید آن را به نیرومندی و ضعف ایمان نسبت داد، خواه به تجدد امثال قائل باشیم یا نباشیم. به علاوه بطلان مسأله تجدد امثال در جای خود روشن شده است.

و اینکه گفته‌اند: شخص تصدیق کننده، چه اطاعت را ضمیمه تصدیقش کند و چه معصیت، اثری در تصدیق او ندارد و به هیچ وجه تصدیق او را تغییر نمی‌دهد، این سخن نیز پذیرفتنی نیست؛ چون نیرومند شدن ایمان در اثر انجام طاعات و ضعیف سست شدن آن بر اثر ارتکاب معاصی، موضوعی است که نباید در آن تردید داشت و نیرومندی اثر یا ضعف آن، حکایت از نیرومندی مبدأ اثر یا ضعف آن دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «سخن پاکیزه به سوی او بالا می‌رود و کار شایسته آن را بالا می‌برد» و نیز می‌فرماید: «آنگاه فرجام کسانی که بدی کردند (بسی) بدتر بود (چرا) که آیات خدا را تکذیب کردند و آنها را به ریشخند می‌گرفتند».

و اما اینکه آیات دال بر افزایش و کاهش پذیری

۱. فاطر: ۱۰. ۲. الروم: ۱۰.

ایمان را تأویل کرده‌اند، این تأویل آنها درست نیست؛ چون به موجب تأویل نخست آنان، باید کسی که ایمان کامل ندارد - یعنی کسی که در قلبش فاصله‌هایی است خالی از اجزای ایمان - درحقیقت هم مؤمن باشد و هم کافر و این مطلبی است که در کلام خداوند متعال نکته‌ای وجود ندارد که آن را تأیید یا به آن اشاره کند.

آیه «و بیشتر آنان به خدا ایمان نمی‌آورند، مگر اینکه مشرک هستند» نیز دلالتش بر افزایش و کاهش پذیری ایمان، بیشتر و نزدیکتر است تا به دلالت بر نفی آن؛ چون مدلول آن این است که آنان در حالی که مشرکند مؤمن هستند؛ زیرا ایمانشان نسبت به شرک محض، ایمان به حساب می‌آید و در مقایسه با ایمان محض، شرک و این همان معنای افزایش و کاهش پذیری ایمان است.

تأویل و توجیه دوم آنها که می‌گوید: افزایش و کثرت ایمان درحقیقت به کثرت متعلق آن، یعنی احکام و شرایع نازل شده از جانب خداوند است و این افزایش و کثرت صفت ایمان، صفت برای متعلق آن است و سبب اتصاف ایمان به این وصف، در واقع متعلق آن می‌باشد، این نیز صحیح نیست؛ زیرا اگر مراد از آیه شریفه «تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند» این نوع افزایش بود، مناسب‌تر آن بود که افزایش ایمان در این آیه نتیجه و غایت تشریع احکام فراوان و انزال آنها قرار داده شود، نه نتیجه و غایتی برای فرو فرستادن آرامش در دل‌های مؤمنان.

یوجب کون من لم يستكمل الإيمان - وهو الذي في قلبه فترات خالية من أجزاء الإيمان على ما ذكره - مؤمناً وكافراً حقيقة، وهذا ممّا لا يساعده ولا يشعر به شيء من كلامه تعالى.

وَأَمَّا قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾^۱ فَهُوَ إِلَى الدَّلَالَةِ عَلَى كَوْنِ الْإِيمَانِ مِمَّا يَزِيدُ وَيَنْقُصُ أَقْرَبُ مِنْهُ إِلَى الدَّلَالَةِ عَلَى نَفْيِهِ؛ فَإِنَّ مَدْلُولَهُ أَنَّهُمْ مُؤْمِنُونَ فِي حَالِ أَنَّهُمْ مُشْرِكُونَ، فَاِئِمَانُهُمْ بِإِيمَانٍ بِالنِّسْبَةِ إِلَى الشَّرْكِ الْمَحْضِ، وَشَرْكٍ بِالنِّسْبَةِ إِلَى الْإِيمَانِ الْمَحْضِ، وَهَذَا مَعْنَى قَبُولِ الْإِيمَانِ لِلزِّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ.

وَتَانِي التَّأْوِيلَيْنِ يَفِيدُ أَنَّ الزِّيَادَةَ فِي الْإِيمَانِ وَكَثْرَتِهِ إِنَّمَا هِيَ بِكَثْرَةِ مَا تَعَلَّقَ بِهِ، وَهُوَ الْأَحْكَامُ وَالشَّرَائِعُ الْمُنْزَلَةُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، فَهِيَ صِفَةٌ لِلْإِيمَانِ بِحَالٍ مُتَعَلِّقَةٍ، وَالسَّبَبُ فِي اتِّصَافِهِ بِهَا هُوَ مُتَعَلِّقُهُ، وَلَوْ كَانَ هَذِهِ الزِّيَادَةُ هِيَ الْمُرَادَةُ مِنْ قَوْلِهِ: ﴿لِيَزِدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ﴾^۲ كَانَ الْأَنْسَبُ أَنْ تَجْعَلَ زِيَادَةَ الْإِيمَانِ فِي الْآيَةِ غَايَةً لِتَشْرِيعِ الْأَحْكَامِ الْكَثِيرَةِ وَإِنْزَالِهَا، لَا لِإِنْزَالِ السَّكِينَةِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ، هَذَا^۲.

۱. یوسف: ۱۰۶.

۲. میزان فی تفسیر القرآن: ۲۵۹/۱۸.

۲۷۷

درجات ایمان

الکتاب:

﴿ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بِصِيرَتِهِمَا يَعْلَمُونَ ﴾^۱

(انظر) الأنعام: ۸۳، ۱۳۲، يوسف: ۷۶، الإسراء: ۲۱، الأحقاف:

۱۹، الحديد: ۱۰، المجادلة: ۱۱، الحشر: ۹، ۱۰.

الحديث:

۱۳۷۷. رسول الله ﷺ: إِنَّ أَعْلَىٰ مَنَازِلِ الْإِيمَانِ دَرَجَةٌ وَاحِدَةٌ مَّن بَلَغَ إِلَيْهَا فَقَدْ فَازَ وَظَفِرَ، وَهُوَ أَنْ يَنْتَهِيَ بِسِرِّيرَتِهِ فِي الصَّلَاحِ إِلَى أَنْ لَا يُبَالِيَ لَهَا إِذَا ظَهَرَتْ وَلَا يَخَافُ عِقَابَهَا إِذَا اسْتَنْتَرَتْ.^۲

۱۳۷۸. الإمامُ الصَّادِقُ ﷺ: إِنَّ الْإِيمَانَ عَشْرُونَ دَرَجَاتٍ بِمَنْزِلَةِ السَّلَمِ، يُضَعَّدُ مِنْهُ مِرْقَاةٌ بَعْدَ مِرْقَاةٍ، فَلَا يَقُولَنَّ صَاحِبُ الْاِثْنَيْنِ لِصَاحِبِ الْوَاحِدِ: لَسْتُ عَلَى شَيْءٍ، حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْعَاشِرِ. فَلَا تُسْقِطُ مَنْ هُوَ دُونَكَ فَيُسْقِطَكَ مَنْ هُوَ فَوْقَكَ، وَإِذَا رَأَيْتَ مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْكَ بِدَرَجَةٍ فَارْقَعُهُ إِلَيْكَ بِرَفْقٍ، وَلَا تَحْمِلَنَّ عَلَيْهِ مَا لَا يُطِيقُ فَتَكْسِرَهُ، فَإِنْ مَن كَسَرَ مُؤْمِنًا فَعَلَيْهِ جَبْرُهُ.^۳

۱۳۷۹. عنه ﷺ: الْمُؤْمِنُونَ عَلَى سَبْعِ دَرَجَاتٍ،

۱. آل عمران: ۱۶۳. ۲. بحار الأنوار: ۷۱/۳۶۹/۱۹.

۳. الكافي: ۲/۴۵/۲.

۲۷۷

درجات ایمان

قرآن:

«این دو گروه نزد خدا درجاتی دارند گوناگون و خدا به کارهایشان آگاه است».

حدیث:

۱۳۷۷. پیامبر خدا ﷺ: بالاترین مرتبه ایمان درجه‌ای است که هر کس به آن دست یابد رستگار و پیروز شده است و آن، این است که باطن آدمی به آن حد از پاکی برسد که اگر آشکار شود پروایی نداشته باشد و اگر پوشیده ماند از کیفر [خدا بر آن] نترسد.

۱۳۷۸. امام صادق ﷺ: ایمان، مانند نردبانی است که ده پله دارد و پله‌های آن یکی پس از دیگری پیموده می‌شود. پس کسی که در پله دوم است نباید به آن که در پله اول است بگوید تو چیزی نیستی، تا برسد به آن که در پله دهم است (او هم نباید به پایین‌تر خود چنین سخنی بگوید). آن را که در پله پایینتر از تو قرار دارد نینداز که بالاتر از تو نیز تو را می‌اندازد. اگر دیدی کسی یک پله از تو پایینتر است با مهربانی و ملایمت او را به طرف خود بالا کشان و فراتر از توانش باری به دوش او مگذار که او را می‌شکنی. و هر کس مؤمنی را بشکند باید شکستگی او را جبران کند.

۱۳۷۹. امام صادق ﷺ: مؤمنان هفت درجه دارند

صَاحِبُ دَرَجَةٍ مِنْهُمْ فِي مَزِيدٍ مِنَ اللَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ.^۱

و خداوند عز و جل به [درجه] هر صاحب
درجه می افزاید.

۱۳۸۰. عَنْهُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَضَعَ الْإِيمَانَ عَلَى
سَبْعَةِ أَسْهُمٍ: عَلَى الْبِرِّ وَالصَّدَقِ وَالْيَقِينِ
وَالرِّضَا وَالْوَفَاءِ وَالْعِلْمِ وَالْحِلْمِ.^۲

۱۳۸۰. امام صادق: خداوند عز و جل ایمان را
به هفت بخش تقسیم کرده است:
نیکوکاری، راستگویی، یقین، خشنودی،
وفاداری، دانش و بردباری.

(انظر) بحار الأنوار: ۶۹ / ۱۵۴ باب ۳۲.

المعرفة: باب ۲۵۴۵.

المحبة (حب الله): باب ۶۷۸.

۲۷۸

برترین ایمان

۱۳۸۱. پیامبر خدا: برترین ایمان آن است
که بدانی خداوند همه جا با تو هست.

۱۳۸۲. پیامبر خدا: برترین ایمان آن است که
برای خدا دوست بداری، برای خدا دشمن
بداری، زیانت را در ذکر خدا به کار گیری،
آنچه برای خود دوست داری، برای مردم
نیز دوست داشته باشی و آنچه را بر خود
نمی پسندی برای مردم نیز نپسندی، و به
نیکی سخن گویی یا خاموش بمانی.

۱۳۸۳. پیامبر خدا: برترین ایمان، شکیبایی
و بخشنده‌گی است.

۱۳۸۴. پیامبر خدا: برترین ایمان، خسوی
نیکوست.

۲۷۸

أَفْضَلُ الْإِيمَانِ

۱۳۸۱. رَسُولُ اللَّهِ: أَفْضَلُ الْإِيمَانِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ
مَعَكَ حَيْثُ مَا كُنْتَ.^۳

۱۳۸۲. عَنْهُ: أَفْضَلُ الْإِيمَانِ أَنْ تُحِبَّ اللَّهَ، وَتُبْغِضَ
لِلَّهِ، وَتُعْمَلَ لِسَانَكَ فِي ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ،
وَأَنْ تُحِبَّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ، وَتَكْرَهُ
لَهُمْ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ، وَأَنْ تَقُولَ خَيْرًا أَوْ
تَصْمُتَ.^۴

۱۳۸۳. عَنْهُ: أَفْضَلُ الْإِيمَانِ الصَّبْرُ وَالسَّمَاخَةُ.^۵

۱۳۸۴. عَنْهُ: أَفْضَلُ الْإِيمَانِ خُلُقٌ حَسَنٌ.^۶

۱. الخصال: ۳۱ / ۳۵۲، انظر تمام الحديث.

۲. الكافي: ۱ / ۴۲ / ۲، انظر تمام الحديث.

۳. كنز العمال: ۶۶. ۴. كنز العمال: ۶۷.

۵. كنز العمال: ۷۴. ۶. كنز العمال: ۷۵.

۱۳۸۵. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: أفضلُ الإيمانِ حُسْنُ الإيقانِ^۱.

(انظر الإسلام: باب ۱۸۵۵).

۱۳۸۵. امام علی علیه السلام: برترین ایمان، یقین نیکو [به

خدا] است.

۲۷۹

شُعَبُ الْإِيمَانِ

۱۳۸۶. رسولُ اللهِ ﷺ: الإيمانُ بِضْعٌ وَسَبْعُونَ شُعْبَةً، فَأَفْضَلُهَا قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، وَأَذْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ، وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ^۲.

(انظر كنز العمال: ۳۵/۱).

۱۳۸۶. پیامبر خدا ﷺ: ایمان هفتاد و اندی شاخه است که برترین آنها قول «لا اله الا الله» است و کمترین آنها برداشتن چیزهای آزارنده از سر راه مردم؛ و حیا نیز شاخه‌ای از ایمان است.

۲۸۰

أركان الإيمان

۱۳۸۷. رسولُ اللهِ ﷺ: الإيمانُ في عَشْرَةٍ: المعرفة، والطَّاعَةُ، والعِلْمُ، والعملُ، والْوَرَعُ، والاجْتِهَادُ، والصَّبْرُ، واليقينُ، والرِّضَا، والتَّسْلِيمُ، فَأَيُّهَا فَقَدْ صَاحِبُهُ بَطَلَ نِظَامُهُ^۳.

۱۳۸۸. الإمامُ عليٌّ عليه السلام: الإيمانُ على أَرْبَعَةِ أَركانٍ: التَّوَكُّلُ عَلَى اللهِ، والتَّفْوِيزُ إِلَى اللهِ، والتَّسْلِيمُ لأَمْرِ اللهِ، والرِّضَا بِقَضَاءِ اللهِ^۴.

۱۳۸۹. عنه عليه السلام: حُسْنُ الْعَفَافِ وَالرِّضَا بِالْكَفَافِ مِنْ

۱۳۸۷. پیامبر خدا ﷺ: ایمان در ده چیز است: شناخت، فرمانبری [از خدا]، علم، عمل، پارسایی، سختکوشی، شکیبایی، یقین، خشنودی و تسلیم [در برابر خدا]. هر یک از این ده رکن کم شود رشته ایمان از هم می‌گسلد.

۱۳۸۸. امام علی علیه السلام: ایمان بر چهار رکن استوار است: توکل به خدا، وا گذاشتن کارها به خدا، گردن نهادن به فرمان خدا، و راضی بودن به قضای خدا.

۱۳۸۹. امام علی علیه السلام: خویش‌تنداری نیکو و

۱. غرر الحکم: ۲۹۹۲. ۲. كنز العمال: ۵۲.

۳. بحار الأنوار: ۲۸/۱۷۵/۶۹.

۴. بحار الأنوار: ۱۵۴/۶۳/۷۸.

دعائم ایمان^۱.

۱۳۹۰. عنه: الإيمان على أربع دعائم: على

الصبر، واليقين، والجهاد، والعدل^۲.

(النظر) الإسلام: باب ۱۸۵۶، ۱۸۵۸، ۱۸۵۹.

الصدق: باب ۲۱۶۱.

۲۸۱

محکمترین دستگیره‌های ایمان

۱۳۹۱. پیامبر خدا ﷺ: محکمترین دستگیره‌های

ایمان، پیوند به خاطر خدا، دوستی به خاطر

خدا و دشمنی به خاطر خداست.

۱۳۹۲. پیامبر خدا ﷺ - در پاسخ به سؤال از

استوارترین دستاویزهای ایمان - فرمود:

دوست داشتن برای خدا و دشمنی کردن
برای خدا.

۱۳۹۳. پیامبر خدا ﷺ: استوارترین دستگیره

های ایمان [کلمه تقواست.

۱۳۹۴. امام صادق ﷺ: پیامبر خدا ﷺ به اصحاب

خود فرمود: کدام دستگیره ایمان محکمتر

است؟ عرض کردند: خدا و پیامبر او بهتر

می‌دانند. آنگاه یکی گفت: نماز، دیگری

گفت: زکات ... پیامبر خدا ﷺ فرمود: هر

یک از اینها که گفتید، اهمیت خود را دارد،

اما آنچه من می‌خواهم نیست، بلکه

محکمترین دستگیره‌های ایمان دوست

داشتن برای خداست و دشمنی کردن به

خاطر خدا و پیوند با دوستان خدا و بیزاری

از دشمنان خدا.

۲۸۱

أوثق عرى الإيمان

۱۳۹۱. رسول الله ﷺ: أوثق عرى الإيمان: الولایة

في الله، والحب في الله، والبغض في الله^۳.

۱۳۹۲. عنه ﷺ - لما سُئل عن أوثق عرى

الإيمان -: الحب لله، والبغض لله^۴.

۱۳۹۳. عنه ﷺ: أوثق العرى كلمة التقوى

۱۳۹۴. الإمام الصادق ﷺ: قال رسول الله ﷺ

لأصحابه: أي عرى الإيمان أوثق؟

فقالوا: الله ورسوله أعلم، وقال بعضهم:

الصلاة، وقال بعضهم: الزكاة، ... فقال

رسول الله ﷺ: لكل ما قلتم فضل وليس

به، ولكن أوثق عرى الإيمان: الحب في

الله، والبغض في الله، وتوالي أولياء الله

والتبزي من أعداء الله^۵.

۱ - غرر الحکم: ۴۸۳۸. ۲ - کنز العمال: ۱۳۸۸.

۳ - کنز العمال: ۴۳۵۲۵. ۴ - کنز العمال: ۱۳۹۱.

۵ - تنبيه الخواطر: ۲/ ۳۳. ۶ - بحار الأنوار: ۱۷/ ۲۴۲/ ۶۹.

۱۳۹۵. عنه: **إِنْ مِنْ أَوْثَقِ عُرَى الْإِيمَانِ أَنْ تُحِبَّ فِي اللَّهِ، وَتُبْغِضَ فِي اللَّهِ، وَتُعْطِيَ فِي اللَّهِ، وَتَمْنَعَ فِي اللَّهِ تَعَالَى.**^۱

(انظر) عنوان ۹۳ «المحبة (الحب في الله)».

۲۸۲

الْإِيمَانُ الْمُسْتَقَرُّ وَالْمُسْتَوْدَعُ

الكتاب:

﴿وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ﴾.^۲

الحديث:

۱۳۹۶. الإمام علي: **فَمِنْ الْإِيمَانِ مَا يَكُونُ تَابِعاً مُسْتَقَرّاً فِي الْقُلُوبِ، وَمِنْهُ مَا يَكُونُ عَوَارِياً بَيْنَ الْقُلُوبِ وَالصُّدُورِ، إِلَى أَجَلٍ مَعْلُومٍ، فَإِذَا كَانَتْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ مِنْ أَحَدٍ فَقِفُوهُ حَتَّى يَحْضُرَهُ الْمَوْتُ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَقَعُ حَدُّ الْبَرَاءَةِ.**^۳

۱۳۹۷. الإمام الصادق: **فِي بَيَانِ الْمُسْتَقَرِّ وَالْمُسْتَوْدَعِ: - فَالْمُسْتَقَرُّ الْإِيمَانُ الثَّابِتُ، وَالْمُسْتَوْدَعُ الْمَعَارُ.**^۴

۱۳۹۵. امام صادق: از استوارترین دستاویزهای ایمان این است که برای خدا دوست بداری و برای خدا دشمنی ورزی و به خاطر خدا داد و دهش کنی و به خاطر خداوند متعال از بخشش خودداری ورزی.

۲۸۲

ایمان استوار و ایمان ناپایدار

قرآن:

«اوست خداوندی که شما را از یک نفس بیافرید. بعضی پایدار و بعضی ناپایدار. هر آینه آیات را برای آنان که می فهمند تشریح نموددایم».

حدیث:

۱۳۹۶. امام علی: قسمی از ایمان در دلها استوار و پابرجاست و قسمی دیگر میان دلها و سینه ها عاریت و ناپایدار تا زمانی معلوم (هنگام مرگ). پس اگر از کسی بپزاید او را واگذارید [و درباره کفر و ایمان او حکم نکنید] تا مرگش فرا رسد در آن وقت سزاوار بپزاری می گردد.

۱۳۹۷. امام صادق: در تبیین مستقر و مستودع - فرمود: مستقر، ایمان استوار است و مستودع، ایمان عاریتی.

۱. الأمالی للمنفید: ۱/ ۱۵۱. ۲. الأنعام: ۹۸.

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۸۹. ۴. قرب الإسناد: ۱۳۴۵/۳۸۲.

۲۸۳

ما يُثَبِّتُ الْإِيمَانَ

۱۳۹۸. الإمام علي عليه السلام: يَا كَمِيلُ، إِنَّمَا تَسْتَحِقُّ أَنْ تَكُونَ مُسْتَقَرًّا إِذَا لَزِمْتَ الْجَادَّةَ الْوَاضِحَةَ الَّتِي لَا تُخْرِجُكَ إِلَى عَوَجٍ، وَلَا تُزِيلُكَ عَنْ مَنَهِجٍ مَا حَمَلْنَاكَ عَلَيْهِ وَ(مَا) هَدَيْنَاكَ إِلَيْهِ.^۱

۱۳۹۹. الإمام الصادق عليه السلام - وقد سُئِلَ عَمَّا يُثَبِّتُ

الْإِيمَانَ فِي الْعَبْدِ -: الَّذِي يُثَبِّتُهُ فِيهِ الْوَرَعُ، وَالَّذِي يُخْرِجُهُ مِنْهُ الطَّمَعُ.^۲

۱۴۰۰. عنه عليه السلام: مَنْ كَانَ فِعْلُهُ لِقَوْلِهِ مُوَافِقًا فَأُثِبَتْ لَهُ الشَّهَادَةُ بِالنَّجَاةِ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ فِعْلُهُ لِقَوْلِهِ مُوَافِقًا فَإِنَّمَا ذَلِكَ مُسْتَوْدَعٌ.^۳

۱۴۰۱. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ الْعَدْلُ، إِنَّمَا دَعَا الْعِبَادَ إِلَى الْإِيمَانِ بِهِ لَا إِلَى الْكُفْرِ، وَلَا يَدْعُو أَحَدًا إِلَى الْكُفْرِ بِهِ، فَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ ثُمَّ ثَبَّتَ لَهُ الْإِيمَانُ عِنْدَ اللَّهِ لَمْ يَنْقُلْهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ بَعْدَ ذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ إِلَى الْكُفْرِ.^۴

۱۴۰۲. عنه عليه السلام: لَا يُثَبِّتُ لَهُ^۵ الْإِيمَانُ إِلَّا بِالْعَمَلِ، وَالْعَمَلُ مِنْهُ.^۶

۱. بحار الأنوار: ۷۷/۲۷۲/۱.

۲. الخصال: ۲۹/۹. ۳. الكافي: ۲/۴۲۰/۱.

۴. بحار الأنوار: ۶۹/۲۱۳/۱.

۵. الضمير يرجع إلى المؤمن.

۶. الكافي: ۲/۳۸/۶.

۲۸۳

عوامل استوار شدن ایمان

۱۳۹۸. امام علی علیه السلام: ای کمیل! تو زمانی سزاوار آنی که [در ایمان] پایدار باشی که همواره شاهره راه روشنی را به پیمایی که تو را به کجراهه نمی کشاند و از راهی که ما تو را به آن کشانده ایم و به آن رهنمونت شده ایم، بیرون نمی برد.

۱۳۹۹. امام صادق علیه السلام - در پاسخ به سؤال از عواملی که ایمان را در انسان استوار می سازد - فرمود: آنچه ایمان را در آدمی استوار می کند، ورع است و آنچه ایمان را از دل او بیرون می راند طمع است.

۱۴۰۰. امام صادق علیه السلام: هر کس کردارش با گفتارش یکی است، به نجات و رستگاری او گواهی بده و هر کس کردارش با گفتارش سازگار نباشد ایمانش عاریتی است.

۱۴۰۱. امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل عادل است. بی گمان او مردم را به ایمان آوردن به خود فراخوانده است، نه به کفر، او هیچ کس را به کفر دعوت نمی کند. پس هر که به خدا ایمان آورد و ایمان او نزد خدا ثابت باشد خداوند او را از ایمان به کفر باز نخواهد برد.

۱۴۰۲. امام صادق علیه السلام: ایمان مؤمن جز با عمل استوار نمی شود. عمل جزء ایمان است.

۱۳۰۳. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ جَبَلَ النَّبِيِّينَ عَلَى نُبُوتِهِمْ فَلَا يَزْتَدُونَ أَبَدًا، وَجَبَلَ الْأَوْصِيَاءَ عَلَى وَصَايَاهُمْ فَلَا يَزْتَدُونَ أَبَدًا، وَجَبَلَ بَعْضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْإِيمَانِ فَلَا يَزْتَدُونَ أَبَدًا. وَمِنْهُمْ مَنْ أُعِيرَ الْإِيمَانَ عَارِيَةً، فإِذَا هُوَ دَعَا وَالْحَقُّ فِي الدُّعَاءِ مَاتَ عَلَى الْإِيمَانِ^۱.

(انظر بحار الأنوار: ۶۹/۲۱۲ باب ۳۴).

۲۸۳

تَذَوُّقُ طَعْمِ الْإِيمَانِ

۱۳۰۴. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ ذَاقَ طَعْمَ الْإِيمَانِ: مَنْ كَانَ لَا شَيْءَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَ لِأَنْ يُحْرَقَ بِالنَّارِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يَزْتَدَّ عَنْ دِينِهِ، وَمَنْ كَانَ يُحِبُّ اللَّهَ وَيُبْغِضُ اللَّهَ^۲.

۱۳۰۵. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ بَيْنَهُ حُلَاوَةَ الْإِيمَانِ: أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا، وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ، وَأَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهُ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ^۳.

۱۳۰۶. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثٌ مَنْ فَعَلَهُنَّ فَقَدْ طَعِمَ طَعْمَ

۱. الكافي: ۵/۴۱۹/۲. ۲. كنز العمال: ۷۲.

۳. كنز العمال: ۴۳۲۱۲.

۱۳۰۳. امام صادق علیه السلام: خداوند پیامبران را بر سرشت نبوتشان آفرید، از این رو هرگز مرتد نمی‌شوند و اوصیا را بر سرشت وصایت‌هایشان آفرید، بدین سبب هرگز مرتد نمی‌شوند و برخی مؤمنان را بر سرشت ایمان آفرید، از این رو هرگز مرتد نمی‌شوند و برخی از مؤمنان هم ایمان عاریتی دارند؛ اینان اگر [برای استواری ایمان خود] دعا کنند و در دعا اصرار ورزند، با ایمان می‌میرند.

۲۸۳

چشیدن طعم ایمان

۱۳۰۴. پیامبر خدا ﷺ: سه چیز است که هر کس داشته باشد طعم ایمان را چشیده است: کسی که هیچ چیزی را بیشتر از خدا و پیامبر او دوست نداشته باشد و کسی که اگر او را با آتش بسوزانند برایش بهتر است تا اینکه از دینش دست شوید و کسی که برای خدا دوستی و دشمنی ورزد.

۱۳۰۵. پیامبر خدا ﷺ: سه چیز است که هر کس داشته باشد، با آنها شیرینی ایمان را می‌چشد: [اول] خدا و رسول او را از هر چیز دیگر بیشتر دوست داشته باشد. [دوم] انسان دوستی او تنها برای خدا باشد و [سوم] بعد از آن که خداوند او را از کفر نجات بخشید، دیگر خوش نداشته باشد به کفر بازگردد، همچنان که دوست ندارد در آتش افکنده شود.

۱۳۰۶. پیامبر خدا ﷺ: سه چیز است که هر کس

الإيمان: مَنْ عَبَدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَأَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَعْطَى زَكَاةَ مَالِهِ طَيِّبَةً بِهَا نَفْسُهُ...، وَزَكَّى نَفْسَهُ.^۱

۱۳۰۷. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ذَاقَ طَعْمَ الْإِيمَانِ مَنْ رَضِيَ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا.^۲

۲۸۵

عَدَمُ تَذَوُّقِ طَعْمِ الْإِيمَانِ

۱۳۰۸. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَرْبَعٌ لَمْ يَجِدْ رَجُلٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يُؤْمِنَ بِهِنَّ: أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ بَعَثَنِي بِالْحَقِّ، وَأَنَّهُ مَيِّتٌ ثُمَّ مَبْعُوثٌ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ، وَيُؤْمِنُ بِالْقَدَرِ كُلِّهِ.^۳

۱۳۰۹. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَجِدُ الْعَبْدُ صَرِيحَ الْإِيمَانِ حَتَّى يُحِبَّ وَيُبْغِضَ اللَّهَ، فَإِذَا أَحَبَّ اللَّهَ وَأَبْغَضَ اللَّهَ فَقَدْ اسْتَحَقَّ الْوَلَايَةَ مِنَ اللَّهِ.^۴

۱۳۱۰. الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ: لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتْرَكَ الْكَذِبَ هَزْلَةً وَجِدَّةً.^۵

۱۳۱۱. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ، وَأَنَّ مَا

آنها را انجام دهد بی گمان طعم ایمان را چشیده است: هر کس تنها خدای یگانه را بپرستد و زکات مال خویش را با رضایت خاطر بپردازد... و تزکیه نفس کند.

۱۳۰۷. پیامبر خدا ﷺ: آن که به پروردگاری خدا و دین اسلام و پیامبری محمد خشنود باشد، طعم ایمان را چشیده است.

۲۸۵

نچشیدن طعم ایمان

۱۳۰۸. پیامبر خدا ﷺ: چهار چیز است که تا انسان به آنها ایمان نیاورد، مزه ایمان را نمی چشد: اینکه خدایی جز الله نیست، اینکه من فرستاده خدا هستم و به حق مرا برانگیخته است، اینکه می میرد و پس از مرگ دوباره برانگیخته می شود و اینکه به کل تقدیر ایمان آورد.

۱۳۰۹. پیامبر خدا ﷺ: بنده آنگاه زلال ایمان را می یابد که برای خدا دوست و دشمن بدارد، پس، هرگاه برای خدا دوست بدارد و برای خدا دشمنی ورزد، بی گمان سزاند ولایت خداست.

۱۳۱۰. امام علی ﷺ: هیچ بنده ای طعم ایمان را نمی چشد مگر آنگاه که دروغ گفتن را، به شوخی یا جدی، ترک گوید.

۱۳۱۱. امام علی ﷺ: هیچ بنده ای مزه ایمان را نمی چشد مگر آن که بداند آنچه بدو رسیده، ممکن نبود نرسد و آنچه به او

۱. کنز العمال: ۱۰.

۲. کنز العمال: ۹.

۳. کنز العمال: ۱۶.

۴. کنز العمال: ۹۸.

۵. بحار الأنوار: ۷۲/ ۲۴۹/ ۱۴.

أَخْطَاؤُهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ، وَأَنَّ الضَّارَّ النَّافِعَ
هُوَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.^۱

۱۴۱۲. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَذُوقُ الْمَرَّةَ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ
حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: الْفَقْهُ فِي
الدِّينِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الْمَصَائِبِ، وَحُسْنُ
التَّقْدِيرِ فِي الْمَعَاشِ.^۲

۲۸۶

عَدَمُ تَذَوُّقِ حَلَاوَةِ الْإِيمَانِ

۱۴۱۳. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ كَانَ أَكْثَرُ هَمِّهِ نَيْلَ
الشَّهَوَاتِ نَزَعَ مِنْ قَلْبِهِ حَلَاوَةُ الْإِيمَانِ.^۳

۱۴۱۴. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَجِدُ الرَّجُلُ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ فِي
قَلْبِهِ حَتَّى لَا يُبَالِيَ مَنْ أَكَلَ الدُّنْيَا.^۴

۱۴۱۵. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَجِدُ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يُؤْمِنَ
بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ.^۵

۱۴۱۶. الْإِمَامُ الصَّادِقُ ﷺ: حَرَامٌ عَلَى قُلُوبِكُمْ أَنْ
تَعْرِفَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَزْهَدَ فِي
الدُّنْيَا.^۶

(انظر) العبادۃ: باب ۲۴۶۵.

المحبة (حب الله): باب ۶۸۰. العلم: باب ۲۸۵۲.

۱. الكافي: ۷/۵۸/۲. ۲. بحار الأنوار: ۷۱/۸۵/۲۹.

۳. تنبيه الخواطر: ۲/۱۱۶. ۴. الكافي: ۲/۱۲۸/۲.

۵. كنز العمال: ۵۹۵. ۶. الكافي: ۲/۱۲۸/۲.

نرسیده، ممکن نبود که برسد و اینکه
زبان بخش و سودرسان، خداوند عزوجل
است و بس.

۱۴۱۲. امام علی ﷺ: آدمی حقیقت ایمان را
نمی چشد مگر سه خصلت در او باشد: فهم
در دین، صبر در برابر مصائب،
و برنامه ریزی درست در امر معاش.

۲۸۶

نچشیدن حلاوت ایمان

۱۴۱۳. پیامبر خدا ﷺ: هر کس بیشترین هم و
غمش و تلاشش رسیدن به خواسته های
نفسانی باشد، حلاوت ایمان از قلبش
گرفته می شود.

۱۴۱۴. پیامبر خدا ﷺ: آدمی حلاوت ایمان را در
قلب خود نمی یابد، مگر زمانی که برایش
مهم نباشد چه کسی دنیا را [تردو] خورد.

۱۴۱۵. پیامبر خدا ﷺ: [آدمی] حلاوت ایمان را
حس نمی کند، مگر زمانی که به خوب و بد
تقدیر، ایمان آورد.

۱۴۱۶. امام صادق ﷺ: چشیدن حلاوت ایمان بر
دل های شما حرام گشته مگر آنگاه که از دنیا
روی گردان شوند.

۲۸۷

أَدْنَى الْإِيمَانِ

۱۳۱۷. الكافي عن سليم بن قيس: سَمِعْتُ عَلِيًّا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ...: أَدْنَى مَا يَكُونُ بِهِ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا أَنْ يُعْرِفَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى نَفْسَهُ فَيَقَرَّ لَهُ بِالطَّاعَةِ، وَيُعْرِفَهُ نَبِيَّهُ ﷺ فَيَقَرَّ لَهُ بِالطَّاعَةِ، وَيُعْرِفَهُ إِمَامَهُ وَحُجَّتَهُ فِي أَرْضِهِ وَشَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ فَيَقَرَّ لَهُ بِالطَّاعَةِ. قَالَ سُلَيْمٌ: قُلْتُ لَهُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِنْ جَهَلَ جَمِيعَ الْأَشْيَاءِ إِلَّا مَا وَصَفْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِذَا أَمَرَ أَطَاعَ، وَإِذَا نَهَى انْتَهَى.^۱

(انظر) معرفة الله: باب ۲۵۷۱.

۲۸۸

مَا يُخْرِجُ مِنَ الْإِيمَانِ

۱۳۱۸. الإمام الصادق ﷺ: قَدْ يُخْرِجُ [الْعَبْدُ] مِنَ الْإِيمَانِ بِخَمْسٍ جِهَاتٍ مِنَ الْفِعْلِ كُلُّهَا مُتَشَابِهَاتٌ مَعْرُوفَاتٌ: الْكُفْرُ، وَالشُّرْكُ، وَالضَّلَالُ، وَالْفِسْقُ، وَرُكُوبُ الْكِبَائِرِ.^۲

۲۸۹

أَدْنَى مَا يُخْرِجُ مِنَ الْإِيمَانِ

۱۳۱۹. رسول الله ﷺ: أَدْنَى الْكُفْرِ أَنْ يَسْمَعَ الرَّجُلُ

۱. الكافي: ۲/ ۴۱۴، انظر تمام الحديث.

۲. تحف العقول: ۳۳۰، انظر تمام الحديث.

۲۸۷

کمترین درجه ایمان

۱۳۱۷. الكافي - به نقل از سلیم بن قیس -: از امام علی ﷺ شنیدم که می فرمود: کمتر چیزی که بنده با داشتن آن مؤمن می باشد، این است که خداوند تبارک و تعالی، خود را به او بشناساند، و او در برابر فرمان خداوند گردن نهد و نیز پیامبر خود ﷺ را به او بشناساند و او به فرمان پیامبر گردن نهد و نیز امام و حجت خود در زمین و گواهی بر خلق را به وی بشناساند و او در برابر وی نیز سر طاعت فرود آورد.

عرض کردم: ای امیر مؤمنان! هر چند هیچ چیز دیگری، جز آنچه بر شمردی، نداند؟ فرمود: آری، هرگاه دستوری به او داده شود اطاعت کند و هرگاه از چیزی نهی شود انجام ندهد.

۲۸۸

آنچه انسان را از ایمان خارج می کند

۱۳۱۸. امام صادق ﷺ: بنده به سبب یکی از پنج کار که همگی مانند هم و شناخته شده هستند، از ایمان خارج می شود: کفر، شرک، گمراهی، فسق و ارتکاب کبائر.

۲۸۹

کمترین چیزی که انسان را از

ایمان خارج می کند

۱۳۱۹. پیامبر خدا ﷺ: کمترین کفر این است که

مِنْ أَخِيهِ الْكَلِمَةَ فَيَحْفَظُهَا عَلَيْهِ يُرِيدُ أَنْ يَفْضَحَهُ بِهَا، أَوْلَيْكَ لَا خَلَقَ لَهُمْ^۱.

۱۴۲۰. الإمام الصادق عليه السلام: أَدْنَى مَا يَخْرُجُ بِهِ الرَّجُلُ مِنَ الْإِيمَانِ أَنْ يُوَاخِي الرَّجُلَ عَلَى دِينِهِ فَيُحْصِي عَلَيْهِ عَشْرَاتِهِ وَزَلَّاتِهِ لِيُعْتَفَ (لِغَيْرِهِ) بِهَا يَوْمًا (مَّا)^۲.

۱۴۲۱. عنه عليه السلام - وَقَدْ سُئِلَ: مَا أَدْنَى مَا يَكُونُ بِهِ الْعَبْدُ كَافِرًا؟ - أَنْ يَبْتَدِعَ بِهِ شَيْئًا فَيَتَوَلَّى عَلَيْهِ، وَيَتَّبِعُ (وَيَتَّبِعُ) مِمَّنْ خَالَفَهُ^۳.

۱۴۲۲. عنه عليه السلام - وَقَدْ سُئِلَ: مَا أَدْنَى مَا يَصِيرُ بِهِ الْعَبْدُ كَافِرًا؟ فَأَخَذَ حَصَاةً مِنَ الْأَرْضِ فَقَالَ: - أَنْ يَقُولَ لِهَذِهِ الْحَصَاةِ: إِنَّهَا نِسْوَةٌ، وَيَتَّبِعُ مِمَّنْ خَالَفَهُ عَلَى ذَلِكَ^۴.

۱۴۲۳. عنه عليه السلام: أَدْنَى مَا يَخْرُجُ بِهِ الرَّجُلُ مِنَ الْإِيمَانِ أَنْ يَجْلِسَ إِلَى غَالٍ فَيَسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِهِ وَيُصَدِّقَهُ عَلَى قَوْلِهِ^۵.

(انظر بحار الأنوار: ۲/ ۳۰۱، ۳۰۲).

الشرك: باب ۱۹۷۳.

الكفر: باب ۳۴۳۹.

عنوان ۳۲ «البدعة».

انسان از برادرش سخنی بشنود و آن را نگه دارد تا او را با آن رسوا سازد. این افراد بویی از انسانیت نبرده‌اند.

۱۴۲۰. امام صادق عليه السلام: کمترین چیزی که انسان را از ایمان خارج می‌سازد این است که با کسی پیوند برادری دینی ببندد و سپس لغزشها و خطاهای او را برشمارد، تا روزی آنها را دستمایه سرزنش وی قرار دهد.

۱۴۲۱. امام صادق عليه السلام - در پاسخ به این پرسش که: کمترین چیزی که موجب کفر بنده می‌شود چیست؟ - فرمود: اینکه بدعتی بگذارد و از آن دفاع کند و از هر که با آن مخالفت ورزد، بیزاری جوید.

۱۴۲۲. امام صادق عليه السلام - وقتی از ایشان سؤال شد: کمترین چیزی که بنده با آن کافر می‌شود چیست؟ وایشان سنگریزه‌ای از روی زمین برداشت - فرمود: اینکه بگوید: این، یک هسته است و از هر که با این سخن او مخالفت ورزد، بیزاری جوید.

۱۴۲۳. امام صادق عليه السلام: کمترین چیزی که انسان به سبب آن از ایمان خارج می‌شود این است که با یک غلوکننده [در دین] بنشیند و به حرفهایش گوش دهد و آنها را تأیید کند.

۱ - بحار الأنوار: ۷۷/ ۱۱/ ۱۱. ۲ - معانی الأخبار: ۴۸/ ۳۹۴.

۳ - معانی الأخبار: ۴۳/ ۳۹۳. ۴ - بحار الأنوار: ۷۲/ ۶/ ۲۲۰.

۵ - التخصیص: ۷۲/ ۱۰۹.

۲۹۰

ما يُجَانِبُ الْإِيمَانَ

الكتاب:

قرآن:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ﴾^۱

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا

لَاخَوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُرًى لَوْ كَانُوا

عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا﴾^۲

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ

بِالْبَاطِلِ﴾^۳

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ

الْمُؤْمِنِينَ﴾^۴

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى

أَوْلِيَاءَ﴾^۵

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا

وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ

أَوْلِيَاءَ﴾^۶

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ

لَكُمْ﴾^۷

۲۹۰

آنچه از ایمان به دور است

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دوست همرازی جز از همکیشان خود مگیرید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانند آن کافران مباشید که درباره برادران خود که به سفر یا به جنگ رفته بودند، می‌گفتند: اگر نزد ما بودند نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به ناحق مخورید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به جای مؤمنان کافران را به دوستی مگیرید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهود و نصارا را به دوستی برنگزینید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اهل کتاب را که دین شما را به مسخره و بازی می‌گیرند و نیز کافران را به دوستی نگیرید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا بر شما حلال کرده است حرام مکنید».

۱. آل عمران: ۱۱۸.

۲. آل عمران: ۱۵۶.

۳. النساء: ۲۹.

۴. النساء: ۱۴۴.

۵. المائدة: ۵۱.

۶. المائدة: ۵۷.

۷. المائدة: ۸۷.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ﴾^۱.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَذْبَارَ﴾^۲.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۳.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنْ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ﴾^۴.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ﴾^۵.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ﴾^۶.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾^۷.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا﴾^۸.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ﴾^۹.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهایی که چون برای شما آشکار شوند اندوهگینتان می‌کنند، مه‌رسید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون کافران را حمله‌ور دیدید فرار مکنید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شما که می‌دانید نباید به خدا و پیامبر خیانت کنید و در امانت خیانت ورزید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر پدر یا برادرستان دوست دارند که کفر را به جای ایمان برگزینند آنها را به دوستی مگیرید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی نگیرید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گویید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پا جای پاهای شیطان مگذارید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همچون کسانی نباشید که موسی را آزرده کردند و خدایش از آنچه گفته بودند می‌زایش ساخت».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مبادا که گروهی گروه دیگر را مسخره کند».

۱. المائدة: ۱۰۱.

۲. الأنفال: ۲۷.

۳. الممتحنة: ۱.

۴. النساء: ۴۳.

۵. النور: ۲۱.

۶. الأحزاب: ۶۹.

۷. الحجرات: ۱۱.

۸. الأنفال: ۱۵.

۹. التوبة: ۲۳.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ﴾^۱.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ

ذِكْرِ اللَّهِ﴾^۲.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ

وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ﴾^۳.

الحديث:

۱۳۲۲. رسول الله ﷺ: لَا يَجْتَمِعُ الشُّحُّ وَالْإِيمَانُ فِي

قَلْبٍ عَبْدٍ أَبَدًا^۴.

۱۳۲۵. عنه ﷺ: خَصْلَتَانِ لَا تَجْتَمِعَانِ فِي مُؤْمِنٍ:

الْبُخْلُ، وَسُوءُ الظَّنِّ بِالرِّزْقِ^۵.

۱۳۲۶. عنه ﷺ: خُلُقَانِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الشُّحُّ،

وَسُوءُ الْخُلُقِ^۶.

۱۳۲۷. عنه ﷺ: يُطَبِّعُ الْمُؤْمِنُ عَلَى كُلِّ خَصْلَةٍ وَلَا

يُطَبِّعُ عَلَى الْكَذِبِ وَلَا عَلَى الْخِيَانَةِ^۷.

۱۳۲۸. الإمام الباقر ﷺ: مَنْ قَسِمَ لَهُ الْخُرْقُ حُجَبَ

عَنْهُ الْإِيمَانُ^۸.

۱۳۲۹. الإمام الصادق ﷺ: الْمُؤْمِنُ لَا يَكُونُ مُحَارِفًا^۹.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر با یکدیگر نجوا

می‌کنید به گناه نجوا نکنید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دارایی‌ها و فرزندان‌تان

شما را از یاد خدا باز ندارد».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بتها و

گروه‌بندی [و قمار] با تیرها پلیدی و کار شیطان

است، بنابر این از آن اجتناب کنید».

حدیث:

۱۳۲۲. پیامبر خدا ﷺ: بخل و ایمان، هرگز با هم

در قلب بنده‌ای جمع نمی‌شوند.

۱۳۲۵. پیامبر خدا ﷺ: دو خصلت است که در

مؤمن گرد نمی‌آیند: بخل و بدگمانی به

روزی.

۱۳۲۶. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن با هر خصلتی

نمی‌آیند: بخل و بدخویی.

۱۳۲۷. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن با هر خصلتی

سرشته می‌شود، اما با دروغ‌گویی و خیانت

سرشته نمی‌شود.

۱۳۲۸. امام باقر ﷺ: هر که خشونت و

درشت‌خویی قسمت‌ش شود، از ایمان

محروم می‌ماند.

۱۳۲۹. امام صادق ﷺ: مؤمن، بی‌بهره و نصیب از

روزی نیست.

۱. المجادلة: ۹.

۲. المنافقون: ۹.

۳. المائدة: ۹۰.

۴. بحار الأنوار: ۷۳/۳۰۲/۱۰.

۵. بحار الأنوار: ۷۷/۱۷۲/۸.

۶. بحار الأنوار: ۷۷/۱۷۳/۸.

۷. تحف العقول: ۵۵.

۸. الکافی: ۲/۳۲۱/۱.

۹. بحار الأنوار: ۱۰۳/۸۶/۱۶.

۱۳۳۰. عنه: سِتَّةٌ لَا تَكُونُ فِي مُؤْمِنٍ: الْعُسْرُ،
وَالنَّكَدُ، وَالْحَسَدُ، وَاللَّجَاجَةُ، وَالْكَذِبُ،
وَالْبَغْيُ.^۱

(انظر) الإسلام: باب ۱۸۶۲.

الکذب: باب ۳۴۰۲.

الأمانة: باب ۳۰۵.

۱۳۳۰. امام صادق: شش چیز در مؤمن نباشد:

تنگنایی، تیره روزی (/ بی خیری)،

حسادت، لجبازی، دروغ و تجاوز.

۲۹۱

مقتضیات ایمان

قرآن:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا چنان که شاید

بترسید و جز مسلمان نمیرید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شکیبا باشید و دیگران

را به شکیبایی فرا خوانید و در جنگها پایداری کنید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همیشه عدالت را به پا

دارید و برای خدا شهادت دهید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در راه خدا استوار باشید

و به عدالت شهادت دهید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمانها وفا کنید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا و پیامبر او فرمان

برید و در حالی که سخنش را می‌شنوید از او روی بر

مگردانید».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون خدا و پیامبرش

شما را به چیزی فرا خوانند که زندگی‌تان می‌بخشد

۲۹۱

ما يَقْتَضِيهِ الْإِيمَانُ

الكتاب:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا
وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ».^۱

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا».^۲

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ».^۳

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ
بِالْقِسْطِ».^۴

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ».^۵

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا
عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ».^۶

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا

۱. تحف العقول: ۳۷۷. ۲. آل عمران: ۱۰۲.

۳. آل عمران: ۲۰۰. ۴. النساء: ۱۳۵.

۵. المائدة: ۸. ۶. المائدة: ۱.

۷. الأنفال: ۲۰.

يُخَيِّبُكُمْ ۱.

دعوتشان را اجابت کنید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا ۲.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از خدا بترسید

برایتان فرقان (جدا ساز حق از باطل) قرار می‌دهد.»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر به فوجی از دشمن

برخوردید پایداری کنید و خدا را بسیار یاد کنید.»

كَثِيرًا ۳.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که نزدیک

شمايند بجنگید، باید در شما شدت عمل احساس

وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً ۴.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ۵.

کنند.»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۶.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را فراوان یاد کنید.»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و سخن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ

استوار بگویند.»

لِغَدٍ ۷.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و هر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ ۸.

کس بنگرد که برای فردایش چه فرستاده است.»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا ۹.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یاوران خدا باشید.»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا ۱۰.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خود را

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ

از آتش نگه دارید.»

إِذَا اخْتَدِيتُمْ ۱۱.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به درگاه خدا توبه کنید

توبه‌ای خالصانه.»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب خود باشید،

اگر راه را یافته باشید، آنکه گمراه شده به شما

زیان نمی‌رساند.»

۱. الأنفال: ۲۴.

۲. الأنفال: ۲۹.

۳. الأنفال: ۴۵.

۴. التوبة: ۱۲۳.

۵. الأحزاب: ۴۱.

۶. الأحزاب: ۷۰.

۷. الحشر: ۱۸.

۸. الصف: ۱۴.

۹. التحريم: ۶.

۱۰. التحريم: ۸.

۱۱. المائدة: ۱۰۵.

۲۹۲

وَجْهٌ تَسْمِيَةِ الْمُؤْمِنِ

۱۳۳۱. رسول الله ﷺ: أَلَا أُنبِئُكُمْ لِمَ سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا؟ لِإِيْمَانِهِ النَّاسَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ.^۱

۱۳۳۲. الإمام الصادق ﷺ: إِنَّمَا سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا لِأَنَّهُ يُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ فَيُجِيزُ اللَّهُ أَمَانَهُ.^۲

۱۳۳۳. عنه ﷺ: إِنَّمَا سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ لِأَنَّهُ يُؤْمِنُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ تَعَالَى، وَيُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُجِيزُ لَهُ ذَلِكَ.^۳

۲۹۳

عَظَمَةُ الْمُؤْمِنِ

۱۳۳۴. رسول الله ﷺ: إِنْ الْمُؤْمِنُ يُعْرِفُ فِي السَّمَاءِ كَمَا يَعْرِفُ الرَّجُلُ أَهْلَهُ وَوَلَدَهُ، وَإِنَّهُ لَا كَرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنْ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ.^۴

۱۳۳۵. عنه ﷺ: الْمُؤْمِنُ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنْ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ.^۵

۱۳۳۶. عنه ﷺ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ يَقُولُ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، مَا خَلَقْتُ مِنْ خَلْقِي خَلْقًا أَحَبَّ

۱. بحار الأنوار: ۳/۶۰/۶۷. ۲. بحار الأنوار: ۱۶/۱۹۶/۷۸.

۳. بحار الأنوار: ۷/۶۳/۶۷.

۴. عيون أخبار الرضا: ۲/۳۳/۶۲.

۵. كنز العمال: ۸۲۱.

۲۹۲

علت نامگذاری مؤمن به این نام

۱۳۳۱. پیامبر خدا ﷺ: آیا به شما بگویم که چرا مؤمن، مؤمن نامیده شده است؟ چون جان و مال مردم از [تعرض] او در امان است.

۱۳۳۲. امام صادق ﷺ: مؤمن، مؤمن نامیده شده است؛ چون خود را در امان خدا در می آورد و خدا به او امان می دهد.

۱۳۳۳. امام صادق ﷺ: مؤمن از آن رو مؤمن نامیده شده است که از عذاب خداوند متعال در امان است و روز قیامت خود را در امان خدا در می آورد و خدا امان خواهی او را می پذیرد.

۲۹۳

بزرگی مؤمن

۱۳۳۴. پیامبر خدا ﷺ: همان گونه که مرد، زن و فرزندانش را می شناسد، مؤمن در آسمان شناخته می شود. او نزد خدا از فرشته مقرب گرامی تر است.

۱۳۳۵. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن نزد خدا گرامی تر از فرشتگان مقرب اوست.

۱۳۳۶. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، جلّ ثناؤه، می فرماید: به عزّت و جلالم سوگند

إِلَيَّ مِنْ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ ۱.

۱۲۳۷. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَعْطَى الْمُؤْمِنَ ثَلَاثَ خِصَالٍ: الْعِزَّ فِي الدُّنْيَا وَالْدِّينَ، وَالْقُلُوجَ فِي الْآخِرَةِ، وَالْمَهَابَةَ فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ۲.

۱۲۳۸. بحار الأنوار: رُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ فَقَالَ: مَرْحَبًا بِالْبَيْتِ! مَا أَعْظَمَكَ وَأَعْظَمَ حُرْمَتَكَ عَلَى اللَّهِ! وَاللَّهِ، لِلْمُؤْمِنِ أَعْظَمُ حُرْمَةٍ مِنْكَ لِأَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنْكَ وَاحِدَةً وَمِنَ الْمُؤْمِنِ ثَلَاثَةٌ: مَالُهُ، وَدَمُهُ، وَأَنْ يُظَنَّ بِهِ ظَنُّ السَّوْءِ ۳.

۱۲۳۹. الإمام الصادق عليه السلام: لَا يَقْدِرُ الْخَلَائِقُ عَلَى كُنْهِ صِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَكَمَا لَا يَقْدِرُ عَلَى كُنْهِ صِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَكَذَلِكَ لَا يَقْدِرُ عَلَى كُنْهِ صِفَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، وَكَمَا لَا يَقْدِرُ عَلَى كُنْهِ صِفَةِ الرَّسُولِ صلى الله عليه وآله فَكَذَلِكَ لَا يَقْدِرُ عَلَى كُنْهِ صِفَةِ الْإِمَامِ عليه السلام، وَكَمَا لَا يَقْدِرُ عَلَى كُنْهِ صِفَةِ الْإِمَامِ عليه السلام فَكَذَلِكَ لَا يَقْدِرُ عَلَى كُنْهِ صِفَةِ الْمُؤْمِنِ ۴.

۱۲۴۰. عنه عليه السلام: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ...: لَوْ لَمْ يَكُنْ مِنْ

آفریده‌ای نیافریده‌ام که نزد من محبوبتر از بنده مؤمنم باشد.

۱۲۳۷. امام باقر عليه السلام: خداوند عز و جل سه خصلت به مؤمن بخشیده است: عزت در دنیا و دین، رستگاری در آخرت، و ابهت در دلهای جهانیان.

۱۲۳۸. بحار الأنوار: روایت شده که پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به کعبه نگاه کرد و فرمود: آفرین به تو خانه، چقدر نزد خدا بزرگ و محترمی! اما به خدا قسم حرمت مؤمن از تو بیشتر است؛ زیرا خداوند از تو یک چیز را حرام کرد و از مؤمن سه چیز را: مالش را، خونس را و گمان بد بردن به او را.

۱۲۳۹. امام صادق عليه السلام: خلائق از پی بردن به کُنْهِ صفت خداوند عز و جل ناتوانند، و همچنان که از رسیدن به کُنْهِ صفت خدا ناتوانند، از دریافت ژرفای صفت پیامبر خدا صلى الله عليه وآله نیز ناتوانند و همچنان که از پی بردن به کُنْهِ صفت پیامبر خدا عاجزند، از رسیدن به ژرفای صفت امام ناتوانند و همچنان که امام را چنان که باید نمی‌توانند بشناسند، از شناخت حقیقت مؤمن [چنان که باید] ناتوانند.

۱۲۴۰. امام صادق عليه السلام: خداوند عز و جل فرموده:

۱. بحار الأنوار: ۷۵/۱۵۸/۷۱.

۲. بحار الأنوار: ۲۱/۱۶/۶۸.

۳. بحار الأنوار: ۳۹/۷۱/۶۷.

۴. بحار الأنوار: ۱۳/۶۵/۶۷.

خَلَقِي فِي الْأَرْضِ فِيمَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ
وَالْمَغْرِبِ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَاحِدٌ مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ
لَا تَسْتَغْنِيَتْ بِعِبَادَتِهِمَا عَنْ جَمِيعِ مَا خَلَقْتُ
فِي أَرْضِي، وَلَقَامَتْ سَبْعُ سَمَاوَاتٍ
وَأَرْضَيْنِ بِهِمَا.^۱

۱۳۳۱. عنه: المؤمنُ أعظمُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ.^۲

۲۹۲

الْمُؤْمِنُونَ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ

۱۳۳۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ
وَتَعَاطُفِهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ؛ إِذَا
اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى سَائِرُ الْجَسَدِ
بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى.^۳

۱۳۳۳. عنه: المؤمنون تَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ، وَهُمْ يَدُ
عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ، وَيَسْعَى بِذِمَّتِهِمْ أَذْنَاهُمْ.^۴
۱۳۳۴. عنه: المؤمنون بعضهم لبعض نَصَحَةٌ
وَأَدْوَنَ وَإِنْ افْتَرَقَتْ مَنَازِلُهُمْ وَأَبْدَانُهُمْ،
وَالْفَجَرَةُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ غَشَشَةٌ مُتَخَاذِلُونَ
وَإِنْ اجْتَمَعَتْ مَنَازِلُهُمْ وَأَبْدَانُهُمْ.^۵

۱۳۳۵. الْإِمَامُ الصَّادِقُ ﷺ: لَا وَاللَّهِ، لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ

اگر از شرق تا غرب کره زمین، آفریده‌ای
نداشتمم بجز یک مؤمن و یک پیشوای
دادگر، هر آینه با عبادت آن دو، [اگر به
عبادت نیازی داشتم] از همه آنچه در زمین
آفریده‌ام، بی‌نیاز بودم و هفت آسمان و
زمین، به خاطر آن دو پابر جامی ماند.

۱۳۳۱. امام صادق: حرمت مؤمن از کعبه
بیشتر است.

۲۹۳

مُؤْمِنَانِ هَمِّچُونِ يَكِ پيکرنند

۱۳۳۲. پیامبر خدا ﷺ: مؤمنان در دوستی، عطوفت
و مهرورزی نسبت به هم چونان یک
پیکرنند؛ که هرگاه عضوی از آن به درد آید،
دیگر اعضا را بی‌خوابی و تب فرا می‌گیرد.

۱۳۳۳. پیامبر خدا ﷺ: مؤمنان خونهایشان برابر
است، در برابر دیگران یکدست هستند و
اگر کمترین آنها [به دشمن] امان دهد
دیگران به آن احترام می‌گذارند.

۱۳۳۴. پیامبر خدا ﷺ: مؤمنان، خیرخواه و
دوستدار یکدیگرند هر چند خانه‌ها و
بدنهایشان از هم دور باشد، و فاجران
نسبت به یکدیگر دغلیکارند و همیاری
ندارند، هر چند خانه‌ها و بدنهایشان کنار
هم باشد.

۱۳۳۵. امام صادق: به خدا قسم مؤمن هرگز

۱. بحار الأنوار: ۲۲/۱۵۲/۷۵.

۲. النخال: ۹۵/۲۷.

۳. مسند ابن حنبل: ۱۸۴۰۸/۳۷۹/۶.

۴. كنز العمال: ۴۰۲. ۵. كنز العمال: ۷۵۷.

مؤمناً أبداً حتى يكون لأخيه مثل الجسد،
إذا ضرب عليه عرق واحد تداعى له سائر
عروقه.^۱

۲۹۵

من هو المؤمن؟

الكتاب:

مؤمن کیست؟

قرآن:

«مؤمنان کسانی هستند که چون نام خدا برده شود
دلهاشان ترسان شود و چون آیات خدا بر آنان خوانده
شود ایمانشان افزون گردد و بر پروردگارشان توکل
می‌کنند؛ همان کسان که نماز می‌گزارند و از آنچه
روزی‌شان داده‌ایم انفاق می‌کنند. اینان مؤمنان حقیقی
هستند. نزد پروردگارشان درجاتی دارند و مغفرتی و
رزقی نیکو».

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا
تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ *
الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِنَ الرِّزْقِ هُمْ يَنْفِقُونَ * أُولَٰئِكَ
هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ
كَرِيمٌ﴾.^۲

(انظر: التوبة: ۷۱، يوسف: ۱۰۶، المؤمنون: ۱-۱۱، القصص: ۵۲-۵۵، السجدة: ۱۵-۱۹، الشورى: ۳۶-۳۹، الفتح: ۲۹، البينة: ۵، ۷-۸.)

حدیث:

الحدیث:

۱۴۲۶. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن، در هر حالتی در خیر
و خوبی است؛ حتی در آن حال که جانش
از سینه‌اش برکنده شود، خدا را حمد و
سپاس می‌گوید.

۱۴۲۶. رسول الله ﷺ: المؤمن بخير على كل حال،
تُنَزَّعُ نَفْسُهُ مِنْ بَيْنِ جَنْبَيْهِ وَهُوَ يَحْمَدُ اللَّهَ.^۳
۱۴۲۷. عنه ﷺ: المؤمن مكفر.^۴

۱۴۲۷. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن [با همه خوبیهایش به
مردم،] مورد ناسپاسی قرار می‌گیرد.

۱۴۲۸. عنه ﷺ: المؤمن أخو المؤمن، لا يدع
نصيحتَه على كل حال.^۵

۱۴۲۸. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن برادر مؤمن است در
هیچ حال از نصیحت و خیرخواهی برادر
خود فروگذار نمی‌کند.

۱. بحار الأنوار: ۱۷/۲۷۴/۷۴.

۲. الأنفال: ۲-۴. ۳. كنز العمال: ۶۸۲.

۴. كنز العمال: ۶۸۴. ۵. كنز العمال: ۶۸۷.

۱۳۴۹. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن نسبت به چیزی که در دنیا به سرش آمده سرزنش نمی‌شود بلکه کافر مورد توبیخ و سرزنش قرار می‌گیرد.

۱۳۵۰. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن رام و ملایم است، چندان که از شدت ملایمت، می‌پنداری احمق است.

۱۳۵۱. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن کسی است که مردم او را بر جان و مال خود امین کرده باشند.

۱۳۵۲. پیامبر خدا ﷺ: مؤمنان، نرم و ملایمند. ۱۳۵۳. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن غیر تمند است و خدا غیر تمندتر.

۱۳۵۴. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن خوشدل و بزرگوار است و فاجر حيله‌گر و فرومایه.

۱۳۵۵. پیامبر خدا ﷺ: [وجود] مؤمن سود است. اگر با او راه بروی به تو سود می‌رساند، اگر با وی مشورت کنی به تو بهره می‌رساند، اگر با او شراکت کنی به تو فایده می‌رساند. همه چیز و همه کارش سود است.

۱۳۵۶. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن کسی است که نفسش از او در رنج است و مردم در آسایش.

۱۳۵۷. پیامبر خدا ﷺ: مؤمن به اشتهای خانواده خود غذا می‌خورد و منافق خانواده‌اش به اشتهای او غذا می‌خورند.

۱۳۴۹. عنه ﷺ: المؤمن لا يُثْرَبُ عَلَيْهِ بشيءٍ أصابَهُ في الدنيا، وإنما يُثْرَبُ عَلَى الكافر^۱.

۱۳۵۰. عنه ﷺ: المؤمن هَيِّنٌ لَيِّنٌ، حَتَّى تَخَالَهُ مِنَ اللَّيِّنِ أَحْمَقُ^۲.

۱۳۵۱. عنه ﷺ: المؤمنُ مَنْ آمَنَهُ النَّاسُ عَلَى دِمَاتِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ^۳.

۱۳۵۲. عنه ﷺ: المؤمنون هَيِّنُونَ لَيِّنُونَ^۴.

۱۳۵۳. عنه ﷺ: المؤمنُ يَغَارُ، وَاللَّهُ أَشَدُّ غَيْرَةً^۵.

۱۳۵۴. عنه ﷺ: المؤمنُ غَرٌّ كَرِيمٌ، وَالْفَاجِرُ خَبٌّ لَثِيمٌ^۶.

۱۳۵۵. عنه ﷺ: المؤمنُ مَنْفَعَةٌ؛ إِنْ مَاشَيْتَهُ نَفْعَكَ، وَإِنْ شَاوَزْتَهُ نَفْعَكَ، وَإِنْ شَارَكْتَهُ نَفْعَكَ، وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ مَنْفَعَةٌ^۷.

۱۳۵۶. عنه ﷺ: المؤمنُ الَّذِي نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ، وَالنَّاسُ فِي رَاحَةٍ^۸.

۱۳۵۷. عنه ﷺ: المؤمنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ عِيَالِهِ، وَالْمَنَافِقُ يَأْكُلُ أَهْلَهُ بِشَهْوَتِهِ^۹.

۱. كنز العمال: ۶۸۸. ۲. كنز العمال: ۶۹۰.

۳. كنز العمال: ۷۳۹. ۴. بحار الأنوار: ۵۸/۳۵۵/۶۷.

۵. كنز العمال: ۶۸۰. ۶. كنز العمال: ۶۸۱.

۷. كنز العمال: ۶۹۲. ۸. كنز العمال: ۷۵۲.

۹. كنز العمال: ۷۷۹.

۱۲۵۸. عنه عليه السلام: المؤمن يبدأ بالسَّلام، والمنافقُ يقول: حتَّى يُبدأ بي^۱

۱۲۵۹. عنه عليه السلام: المؤمنُ كالغريب في الدنيا، لا يأنس في عزِّها، ولا يَجْزَعُ مِنْ ذلِّها^۲.

۱۲۶۰. عنه عليه السلام: المؤمنُ قَيِّدُهُ الْقُرْآنُ عَنْ كَثِيرٍ مِنْ هَوَى نَفْسِهِ^۳.

۱۲۶۱. عنه عليه السلام: المؤمنُ يأكلُ في مَعَى واحدٍ، والكافرُ يأكلُ في سَبْعَةِ أَمْعاء^۴.

۱۲۶۲. عنه عليه السلام: المؤمنُ مِرْآةُ الْمُؤْمِنِ^۵.

۱۲۶۳. عنه عليه السلام: المؤمنُ مِرْآةُ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ، يَنْصَحُهُ إِذَا غَابَ عَنْهُ، وَيُحِيطُ عَنْهُ مَا يَكْرَهُ إِذَا شَهِدَ، وَيُوسِّعُ لَهُ فِي الْمَجْلِسِ^۶.

۱۲۶۴. عنه عليه السلام: المؤمنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ، يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضاً^۷.

۱۲۶۵. عنه عليه السلام: المؤمنُ يَأْلَفُ وَيُؤْلَفُ، وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَلَا يُؤْلَفُ، وَخَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمُ لِلنَّاسِ^۸.

۱۲۶۶. عنه عليه السلام: المؤمنُ إِلْفٌ مَأْلُوفٌ^۹.

۱. كنز العمال: ۷۷۸. ۲. كنز العمال: ۸۱۳.

۳. كنز العمال: ۸۱۴. ۴. كنز العمال: ۶۷۰.

۵. كنز العمال: (۶۷۲-۶۷۳). ۶. الجعفریات: ۱۹۷.

۷. كنز العمال: ۶۷۴. ۸. كنز العمال: ۶۷۹.

۹. بحار الأنوار: ۴۱/۳۰۹/۶۷.

۱۲۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن ابتدا سلام می‌کند، ولی منافق می‌گوید: باید به من سلام شود.

۱۲۵۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن در دنیا همچون غریب است، به عزت آن خو نمی‌گیرد و از خواری آن نمی‌نالَد.

۱۲۶۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قرآن، دست و پای مؤمن را در برآوردن بسیاری از خواسته‌های نفسانی اش بسته است.

۱۲۶۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، یک شکم غذا می‌خورد و کافر، هفت شکم.

۱۲۶۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، آینه مؤمن است.

۱۲۶۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن آینه برادر مؤمن خویش است: در غیابش خیرخواه اوست، و در حضورش ناراحتیهایش را برطرف می‌سازد و در مجلس برای او جا باز می‌کند.

۱۲۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن برای مؤمن مانند ساختمان است که اجزای مختلف آن یکدیگر را محکم می‌سازند.

۱۲۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن الفت می‌گیرد و با او الفت می‌گیرند و کسی که الفت نگیرد و الفت‌پذیر نباشد از خیر و برکت بی‌بهره است. بهترین مردمان کسی است که برای مردم سودمندتر باشد.

۱۲۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، الفت می‌گیرد و مردم با او الفت پیدا می‌کنند.

۱۳۶۷. عنه علیه السلام: الْمُؤْمِنُ كَيْسٌ فَطِنٌ حَذِرٌ.^۱

۱۳۶۸. عنه علیه السلام: الْمُؤْمِنُ يَسِيرُ الْمُؤْنَةَ.^۲

۱۳۶۹. عنه علیه السلام: تَجِدُ الْمُؤْمِنَ مُجْتَهِدًا فِيمَا يُطِيقُ،

مُتَلَهِّفًا عَلَى مَا لَا يُطِيقُ.^۳

۱۳۷۰. عنه علیه السلام: مَنْ سَرَّتْهُ حَسَنَتُهُ وَسَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ

فَهُوَ مُؤْمِنٌ.^۴

۱۳۷۱. عنه علیه السلام: يَصِفُ الْمُؤْمِنَ: لَطِيفُ الْحَرَكَاتِ،

حُلُوُّ الْمُشَاهَدَةِ ... يَطْلُبُ مِنَ الْأُمُورِ

أَعْلَاهَا، وَمِنَ الْأَخْلَاقِ أَشْنَاهَا ... لَا يَحِيفُ

عَلَى مَنْ يُبْغِضُ، وَلَا يَأْتُمُّ فِيمَنْ يُحِبُّ ...

قَلِيلُ الْمُؤْنَةِ، كَثِيرُ الْمَعُونَةِ ... يُحْسِنُ فِي

عَمَلِهِ كَأَنَّهُ نَازِرٌ إِلَيْهِ، غَضُّ الطَّرْفِ، سَخِيٌّ

الْكُفِّ، لَا يَرُدُّ سَائِلًا ... يَزِنُ كَلَامَهُ،

وَيُخْرِسُ لِسَانَهُ ... لَا يَقْبَلُ الْبَاطِلَ مِنْ

صَدِيقِهِ، وَلَا يَرُدُّ الْحَقَّ عَلَى عَدُوِّهِ، وَلَا

يَتَعَلَّمُ إِلَّا لِيَعْلَمَ، وَلَا يَعْلَمُ إِلَّا لِيَعْمَلَ ... إِنْ

سَلَكَ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَانَ أَكْيَسَهُمْ، وَإِنْ

سَلَكَ مَعَ أَهْلِ الْآخِرَةِ كَانَ أَوْرَعَهُمْ.^۵

۱۳۷۲. الإمام علیه السلام: الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ،

۱۳۶۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، زیرک و باهوش و

هشیار است.

۱۳۶۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، کم خرج و زحمت

است.

۱۳۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن را در انجام کارهایی

که در توان اوست کوشا می یابی و بر انجام

آنچه از توانش بیرون است اندوهناک.

۱۳۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که از کار نیک خود

شادمان باشد و از کار بد خویش ناراحت،

او مؤمن است.

۱۳۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در وصف مؤمن - فرمود:

حرکات و رفتارهایش ملایم و مهربان

است و دیدارش شیرین ... از هر چیز

عالیترین آن را می جوید و از خصویها

والاثرینشان را ... بر دشمنش متم نمی کند

و به خاطر کسی که دوستش دارد مرتکب

گناه نمی شود، ... کم خرج و زحمت است و

بسیار کمک و یاری می رساند ... کارش را

به خوبی انجام می دهد به طوری که گویی

آن را می بیند، چشمانش فروهسته است،

دست بخشنده دارد، و دست رد به سینه

سائل نمی زند ... سخنش را می سنجد و

زبان در کام می کشد ... باطل را از دوستش

نیز نمی پذیرد و حق را حتی از دشمنش

انکار نمی کند، دانش نمی آموزد مگر برای

دانستن و نمی آموزد مگر برای عمل کردن

... اگر با دنیا طلبان همراه شود زیرکترین

آنهاست و هرگاه با آخرت جویان برود

پارساترین آنها.

۱۳۷۲. امام علی علیه السلام: مؤمن شادی اش در چهره اش

۱. کنز العمال: ۶۸۹. ۲. کنز العمال: ۶۸۵.

۳. کنز العمال: ۷۰۸. ۴. کنز العمال: ۷۰۰.

۵. بحار الأنوار: ۶۷/۷۱/۳۴ و ص ۴۵/۳۱۰.

وَحُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ، أَوْسَعُ شَيْءٍ صَدْرًا، وَأَذَلُّ شَيْءٍ نَفْسًا، يَكْرَهُ الرُّفْعَةَ، وَيَشْنَأُ السُّمْعَةَ، طَوِيلُ غَمِّهِ، بَعِيدُ هَمِّهِ، كَثِيرُ صَمْتِهِ، مَشْغُولٌ وَقْتُهُ، شَكُورٌ، صَبُورٌ، مَغْمُورٌ بِفِكْرَتِهِ، ضَنْينٌ بِخَلَّتِهِ، سَهْلُ الْخَلِيقَةِ، لَيْنُ الْعَرِيكَةِ، نَفْسُهُ أَضْلَبُ مِنَ الصَّلْدِ، وَهُوَ أَذَلُّ مِنَ الْعَبْدِ.^۱

۱۳۷۳. عنه: المؤمن وقور عند الهزاهز، ثبوت

عند المكاره، صبور عند البلاء، شكور عند الرخاء، قانع بما رزقه الله، لا يظلم الأعداء، ولا يتحامل للأصدقاء، الناس منه في راحة، ونفسه في تعب.^۲

۱۳۷۴. عنه: المؤمن غر كريم، مأمون على نفسه،

حذر محزون.^۳

۱۳۷۵. عنه: المؤمن أمين على نفسه، مغالب لخواه

وحسه.^۴

۱۳۷۶. عنه: المؤمن إذا وعظ از دجر، وإذا حذر

حذر، وإذا عبر اعتبر، وإذا ذكر ذكر، وإذا

ظلم غفر.^۵

می باشد و اندوهش در دلش، سینه اش فراختر است و نفشش از هر چیز رامتر؛ بلند پایگی را ناخوش می دارد و شهرت را دشمن می شمارد اندوهش دراز است و همتش بلند؛ بسیار خموش است و اوقاتش به بیکاری نمی گذرد؛ شکور است و شکیبا؛ غرق در اندیشه خویش است و در پایبندی به دوستی خود [با دیگران] حریص. نرمخو و مهربان است، اراده اش سخت تر از سنگ خارا است و با این حال از یک برده، خوارتر و افتاده تر است.

۱۳۷۳. امام علی: مؤمن در گرفتاریهای

تکان دهنده، استوار است، در ناخوشیها پابرجا، در بلا شکیبا، در آسایش سپاسگزار و به آنچه خدا روزی اش کرده قانع است، به دشمنان ستم روا نمی دارد و به خاطر دوستان نیز به دیگران ستم نمی کند، مردم از او در آسایش اند و جانش [از او] در رنج است.

۱۳۷۴. امام علی: مؤمن خوشدل (بی شילה پيله)

و بزرگوار است، امین نفس خویش و همواره بر حذر و اندوهگین است.

۱۳۷۵. امام علی: مؤمن امانتدار نفس خویش

است، و چیره بر هوئی و هوس خویش.

۱۳۷۶. امام علی: مؤمن چون اندرزش دهند

از خطا [باز می ایستد و چون بر حذرش دارند حذر می کند و چون پندش دهند پند می پذیرد و چون به او یادآور شوند متذکر می گردد و هرگاه ستم بیند می بخشد.

۱. بحار الأنوار: ۱۳۷/۴۱۰/۶۹.

۲. مطالب السؤل: ۵۴. ۳. غرر الحکم: ۱۹۰۱.

۴. غرر الحکم: ۲۲۰۴. ۵. غرر الحکم: ۲۰۷۶.

۱۳۷۷. عنه: المؤمن دأبه زهادته، وهمة ديانته، وعزّه قناعته، وجده لآخرته، قد كثرت حسناته، وعلت درجاته، وشارف خلاصه ونجاته.^۱

۱۳۷۸. عنه: المؤمن دائم الذكر، كثير الفكر، على النعماء شاكر، وفي البلاء صابر.^۲

۱۳۷۹. عنه: المؤمن من طهر قلبه من الدنية.^۳

۱۳۸۰. عنه: المؤمن يقظان، ينتظر إحدى الحسنيين.^۴

۱۳۸۱. عنه: المؤمن عفيف في الغنى، متزّعة عن الدنيا.^۵

۱۳۸۲. عنه: المؤمن شاكر في السراء، صابر في البلاء، خائف في الرّخاء.^۶

۱۳۸۳. عنه: المؤمن إذا سُئل أشعّف، وإذا سأل خفّف.^۷

۱۳۸۴. عنه: المؤمن من وقى دينه بدنياه، والفاجر من وقى دنياه بدنيه.^۸

۱۳۸۵. عنه: المؤمن لا يحيف على من يبغيض،

۱۳۷۷. امام علی: مؤمن شیوه و عادتش زهد اوست و همه اهتمام او دینش و عزّت او قناعتش و تلاش او برای آخرتش؛ خویهایش بسیار است و درجاتش بلند و در آستانه رهایی و رستگاری است.

۱۳۷۸. امام علی: مؤمن، همیشه به یاد خداست، زیاد می اندیشد، بر نعمتها سپاسگزار و در بلا شکیباست.

۱۳۷۹. امام علی: مؤمن، کسی است که دل خود را از پستی پاک کرده باشد.

۱۳۸۰. امام علی: مؤمن بیدار است و چشم به راه یکی از دو فرجام نیک.

۱۳۸۱. امام علی: مؤمن، در هنگام توانگری پاکدامن است، و از دنیا وارسته.

۱۳۸۲. امام علی: مؤمن، هنگام خوشی و آسایش سپاسگزار است و هنگام گرفتاری و بلا، شکیب و به گاه ناز و نعمت ترسان.

۱۳۸۳. امام علی: هرگاه از مؤمن چیزی خواسته شود، زیاد کمک می کند و چون خود چیزی از کسی بخواهد، سبک می گیرد.

۱۳۸۴. امام علی: مؤمن کسی است که دین خود را با دنیای خود حفظ کند و فاجر کسی است که دنیای خود را با دینش نگه دارد.

۱۳۸۵. امام علی: مؤمن، به دشمن خود ستم

۱. غرر الحکم: ۲۱۰۳. ۲. غرر الحکم: ۱۹۳۳.
۳. غرر الحکم: ۱۹۵۶. ۴. غرر الحکم: ۱۶۳۹.
۵. غرر الحکم: ۱۷۴۴. ۶. غرر الحکم: ۱۷۴۳.
۷. غرر الحکم: ۱۸۲۵. ۸. غرر الحکم: ۲۱۶۰.

وَلَا يَأْتُمْ فِيمَنْ يُحِبُّ، وَإِنْ بُغِيَ عَلَيْهِ صَبَرَ
حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ الْمُتَنَصِّرُ لَهُ.^۱

۱۳۸۶. عنه: العقل خلیل المؤمن، والعلم وزيره،
والصبر أمير جنوده، والعمل قيمه.^۲

۱۳۸۷. عنه: اعلموا - عباد الله - أن المؤمن
لا يُصبح ولا يُمسي إلا ونفسه ظنون
عنده، فلا يزال زارياً عليها ومستزيداً
لها.^۳

۱۳۸۸. عنه: المؤمنون خير أئمتهم مأمولة،
وشورهم مأمونة.^۴

۱۳۸۹. عنه: المؤمنون لأنفسهم متهمون، ومن
فارط زللهم وجلون، وللدنيا عائقون،
وإلى الآخرة مشتاقون، وإلى الطاعات
مسارعون.^۵

۱۳۹۰. الإمام الحسين: إن المؤمن اتخذ الله
عِصْمَتَهُ وَقَوْلَهُ مِرَاتَهُ، فَمَرَّةً يَنْظُرُ فِي نَعْبِ
المؤمنين، وتارةً يَنْظُرُ فِي وَصْفِ
المتجبرين، فهو منه في لطائف، ومن نفسه
في تعارف، ومن فطنته في يقين، ومن

نمی‌کند و به خاطر دوست خود مرتکب
گناه نمی‌شود؛ اگر به او ستم شود، شکیبایی
می‌ورزد تا خداوند عز و جل انتقام او را
بگیرد.

۱۳۸۶. امام علی: عقل، رفیق مؤمن است و
دانش وزیر او و شکیبایی، فرمانده سپاه او
و عمل، سرپرست او.

۱۳۸۷. امام علی: بندگان خدا! بدانید که مؤمن
شب و روز را سپری نمی‌کند، مگر آن که به
نفس خود بدگمان و بی‌اعتماد است، از این
رو، پیوسته نفس خود را سرزنش می‌کند و
[کارهای خوب را] از او بیشتر می‌خواهد.

۱۳۸۸. امام علی: مؤمنان به خیرشان امید می‌رود
و شرشان به کسی نمی‌رسد.

۱۳۸۹. امام علی: مؤمنان به خود بدگمانند، از
فراوانی لغزشهای خود بیمناکند، از دنیا
منتفرند، مشتاق آخرتند و در انجام
فرمان‌های الهی شتابان.

۱۳۹۰. امام حسین: براستی مؤمن، خدا را
نگهدار خود [از گزندها و گناهان] و گفتار
او (قرآن) را آینه خود گرفته است. گاهی
[در این آینه] به اوصاف مؤمنان می‌نگرد و
گاهی به اوصاف گردنکشان می‌نگرد و در
آن نکته‌ها می‌بیند و خود را شناسایی
می‌کند و به هوشیاری خود یقین می‌کند و

۱. بحار الأنوار: ۶۷/۳۱۳/۲۷.

۲. غرر الحکم: ۲۰۹۲. ۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۷۶.

۴. غرر الحکم: ۱۳۴۹. ۵. غرر الحکم: ۲۱۳۴.

قُدْسِهِ عَلَى تَمَكِينٍ^۱.

۱۳۹۱. الإمام زين العابدين: المؤمنُ يَصُمْتُ

لِئَسْلَمَ، وَيَنْطِقُ لِيَعْلَمَ^۲.

۱۳۹۲. عنه: المؤمنُ خَلَطَ عِلْمَهُ بِالْحِلْمِ،

يَجْلِسُ لِيَعْلَمَ، وَيَنْصِتُ لِيَسْلَمَ، وَيَنْطِقُ

لِيَفْهَمَ، لَا يُحَدِّثُ أَمَانَتَهُ الْأَصْدِقَاءَ^۳.

۱۳۹۳. الإمام الباقر: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ الَّذِي إِذَا

رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاؤُهُ فِي إِيْمٍ وَلَا بَاطِلٍ،

وَإِذَا سَخِطَ لَمْ يُخْرِجْهُ سَخَطُهُ مِنْ قَوْلِ

الْحَقِّ، وَالْمُؤْمِنُ الَّذِي إِذَا قَدَّرَ لَمْ تُخْرِجْهُ

قُدْرَتُهُ إِلَى التَّعَدِّيِّ وَإِلَى مَا لَيْسَ لَهُ بِحَقٍّ^۴.

۱۳۹۴. الإمام الصادق: الْمُؤْمِنُ حَسَنُ الْمَعُونَةِ،

خَفِيفُ الْمَوْثِقَةِ، جَيِّدُ التَّدْبِيرِ لِمَعِيشَتِهِ، لَا

يُلسَعُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ^۵.

۱۳۹۵. عنه: الْمُؤْمِنُ لَهُ قُوَّةٌ فِي دِينٍ، وَحَزْمٌ

فِي لَيْنٍ، وَإِيمَانٌ فِي يَقِينٍ، وَحِرْصٌ فِي

فَقْهِ، وَنَشَاطٌ فِي هُدًى... وَصَلَاةٌ فِي

شُغْلٍ^۶.

به پاکی خود اطمینان می یابد.

۱۳۹۱. امام زین العابدین: مؤمن سکوت می کند

تا سالم ماند و سخن می گوید تا سود برد.

۱۳۹۲. امام زین العابدین: مؤمن دانش و

بردباری را با هم در آمیخته است؛

می نشیند تا دانش بیاموزد، سکوت می کند

تا سالم ماند، [به سوال] لب می گشاید تا

بفهمد و امانت (راز) خود را برای

دوستانش بازگو نمی کند.

۱۳۹۳. امام باقر: مؤمن کسی است که

چون خشنود و سرخوش شود،

خشنودی اش او را به گناه و باطل نکشاند و

هر گاه به خشم آید، خشمش او را از

حق گوئی دور نسازد، مؤمن کسی است که

اگر قدرت یابد، قدرتش او را به تجاوز و

دست انداختن به آنچه حق او نیست

نکشاند.

۱۳۹۴. امام صادق: مؤمن، یاوری خوب و

کم خرج و کم زحمت است؛ زندگی اش را

خوب اداره می کند؛ از یک سوراخ دوبار

گزیده نمی شود.

۱۳۹۵. امام صادق: مؤمن در دین قدرتمند است

و در عین نرمش، قاطع. ایمانش با یقین

همراه است، در فهمیدن [دین] آزمند و در

پیمودن راه راست با نشاط... و با وجود کار

و گرفتاری نمازش را ترک نمی کند.

۱. بحار الأنوار: ۷۸/۱۱۹/۱۵.

۲. الکافی: ۲/۲۳۱/۳. ۳. بحار الأنوار: ۶۷/۲۹۱/۱۴.

۴. بحار الأنوار: ۷۱/۳۵۸/۳.

۵. الکافی: ۲/۲۴۱/۳۸. ۶. الکافی: ۲/۲۳۱/۴.

۱۲۹۶. عنه علیه السلام: الْمُؤْمِنُ حَلِيمٌ لَا يَجْهَلُ، وَإِنْ جَهِلَ عَلَيْهِ يَحْلُمُ، وَلَا يَظْلِمُ، وَإِنْ ظَلِمَ غَفَرَ، وَلَا يَبْخُلُ، وَإِنْ بَخَلَ عَلَيْهِ صَبَرَ.^۱

۱۲۹۷. عنه علیه السلام: الْمُؤْمِنُ مَنْ طَابَ مَكْسِبُهُ، وَحَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ، وَصَحَّتْ سَرِيرَتُهُ، وَأَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ، وَأَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ كَلَامِهِ.^۲

۱۲۹۸. عنه علیه السلام: الْمُؤْمِنُ عَزِيزٌ فِي دِينِهِ.^۳

۱۲۹۹. عنه علیه السلام: الْمُؤْمِنُ لَا يَغْلِبُهُ فَرْجُهُ، وَلَا يَفْضَحُهُ بَطْنُهُ.^۴

۱۲۹۶. امام صادق علیه السلام: مؤمن، بردباری است که به کسی [جسارت نمی‌کند و اگر نسبت به او جسارتی صورت گیرد بردباری می‌ورزد، ستم نمی‌کند و اگر به وی ستم شود می‌بخشد. بخل نمی‌ورزد و اگر بر او بخل ورزند، صبر می‌کند.

۱۲۹۷. امام صادق علیه السلام: مؤمن کسی است که درآمدش حلال و پاک باشد و اخلاقش نیکو و باطنش درست؛ زیادی مالش را انفاق کند و زیادی گفتارش را نگه دارد.

۱۲۹۸. امام صادق علیه السلام: مؤمن در دین خود نیرومند است.

۱۲۹۹. امام صادق علیه السلام: مؤمن، مغلوب فرج و رسوای شکم خود نمی‌شود.

۱۵۰۰. الکافی: از جمله اندرزهای خداوند متعال به موسی علیه السلام است که: مؤمن، کسی است که آخرت برای او آراسته و زیبا باشد، از این رو، نگاهش، بی آن که سست و خسته شود به آخرت دوخته شده است. عشق به آخرت میان او و لذت زندگی جدایی افکنده و او را تا سحرگاهان بیدار نگه داشته است، همچون سواری که به سوی هدف خود می‌راند. شب و روز افسرده و اندوهناک است.

۱۵۰۱. امام رضا علیه السلام: تا سه خصلت در مؤمن نباشد، مؤمن نیست: خصلتی از پروردگارش، خصلتی از پیامبرش صلی الله علیه و آله و خصلتی از ولی خدا. اما خصلت پروردگارش، نهفتن راز است؛ و خصلت

۱۵۰۰. الکافی: مِنْ مَوَاعِظِ اللَّهِ تَعَالَى لِمُوسَى علیه السلام: الْمُؤْمِنُ مَنْ زُيِّنَتْ لَهُ الْآخِرَةُ، فَهُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا مَا يَفْتَرُّ، قَدْ حَالَتْ شَهَوَاتُهَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ لَذَّةِ الْعَيْشِ، فَادْلَجَتْهُ بِالْأَشْحَارِ، كَفِعِلِ الرَّاکِبِ السَّائِقِ إِلَى غَايَتِهِ، يَظَلُّ كَنِييَاً، وَيُمْسِي حَزِينَاً.^۵

۱۵۰۱. الإمام الرضا علیه السلام: لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى تَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ، وَسُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ صلی الله علیه و آله، وَسُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ علیه السلام؛ فَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ فَكِتْمَانُ السِّرِّ، وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ

۱. الکافی: ۲/۲۳۵/۱۷. ۲. الکافی: ۲/۲۳۵/۱۸.

۳. الکافی: ۲/۲۳۵/۴. ۴. بحار الأنوار: ۶۷/۳۱۰/۴۴.

۵. الکافی: ۸/۳۷/۸.

نَبِيِّهِ ﷺ فَمُدَارَةُ النَّاسِ، وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ
وَلِيِّهِ ﷺ فَالصَّبْرُ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ.^۱

(انظر) الإسلام: باب ۱۸۵۲.

التقوى: باب ۴۱۰۰.

پیامبر خدا ﷺ، ملائمت با مردم است؛ و
خصلت ولی خدا، شکیبایی در تنگنا و
سختی است.

۲۹۶

صلابت مؤمن

۱۵۰۲. امام باقر ﷺ: مؤمن از کوه سخت تر است.

از کوه کم می شود اما از دین مؤمن چیزی
کاسته نمی گردد.

۱۵۰۳. امام صادق ﷺ: مؤمن از پاره های آهن

محکم تر است؛ پاره های آهن هر گاه در
آتش نهاده شود تغییر می کند اما اگر مؤمن
بارها کشته و زنده شود دلش تغییری
نمی کند.

۱۵۰۴. امام کاظم ﷺ: مؤمن از کوه سخت تر

است؛ زیرا کوه با ضربات تیشه ترک
بر می دارد، اما دین مؤمن با هیچ چیز ترک
بر نمی دارد.

۲۹۷

کرنش همه چیز، در برابر مؤمن

۱۵۰۵. امام صادق ﷺ: همه اشیا برای مؤمن

کرنش می کنند و همه اشیا به او احترام

۲۹۶

صَلَابَةُ الْمُؤْمِنِ

۱۵۰۲. الإمام الباقر ﷺ: المؤمنُ أَصْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ،

الْجَبَلُ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ، وَالْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ

دِينِهِ شَيْءٌ.^۲

۱۵۰۳. الإمام الصادق ﷺ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَشَدُّ مِنْ زُبْرِ

الْحَدِيدِ، إِنَّ زُبْرَ الْحَدِيدِ إِذَا دَخَلَ النَّارَ

تَغْيَرَ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَوْ قُتِلَ ثُمَّ نُشِرَ ثُمَّ قُتِلَ

لَمْ يَتَغَيَّرْ قَلْبُهُ.^۳

۱۵۰۴. الإمام الكاظم ﷺ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَغْزَمُ مِنَ الْجَبَلِ،

الْجَبَلُ يُسْتَقَلُّ بِالْمَعَاوِلِ، وَالْمُؤْمِنُ لَا

يُسْتَقَلُّ دِينُهُ بِشَيْءٍ.^۴

۲۹۷

خُشُوعُ كُلِّ شَيْءٍ لِلْمُؤْمِنِ

۱۵۰۵. الإمام الصادق ﷺ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَخْشَعُ لَهُ

۱. تحف العقول: ۴۴۲. ۲. الكافي: ۲/ ۲۴۱/ ۳۷.

۳. بحار الأنوار: ۶۷/ ۳۰۳/ ۳۴.

۴. تنبيه الخواطر: ۲/ ۱۲۵.

می‌گذارند. [آنگاه فرمود:] اگر برای خدا اخلاص ورزد، خداوند همه چیز را از او بیمناک می‌سازد، حتی حشرات و خزندگان و درندگان زمین و پرندگان آسمان و ماهیان دریا را.

۱۵۰۶. امام صادق علیه السلام: مؤمن کسی است که هر چیزی از او بیمناک باشد؛ زیرا او در دین خدا قدرتمند و عزیز است، از هیچ چیز نمی‌ترسد و این نشانه هر مؤمنی است.

۱۵۰۷. امام صادق علیه السلام: همه چیز، حتی حشرات و خزندگان و درندگان زمین و پرندگان آسمان، در برابر مؤمن تسلیمند.

كُلُّ شَيْءٍ، وَيَهَابُهُ كُلُّ شَيْءٍ. ثُمَّ قَالَ: إِذَا كَانَ مُخْلِصاً لِلَّهِ أَخَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلُّ شَيْءٍ، حَتَّى هَوَامُّ الْأَرْضِ وَسِبَاعُهَا وَطَيْرُ السَّمَاءِ وَحَيْثَانُ الْبَحْرِ.^۱

۱۵۰۶. عنه علیه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَنْ يَخَافُهُ كُلُّ شَيْءٍ، وَذَلِكَ أَنَّهُ عَزِيزٌ فِي دِينِ اللَّهِ، وَلَا يَخَافُ مِنْ شَيْءٍ، وَهُوَ عَلَامَةٌ كُلِّ مُؤْمِنٍ.^۲

۱۵۰۷. عنه علیه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَخْشَعُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى هَوَامُّ الْأَرْضِ وَسِبَاعُهَا وَطَيْرُ السَّمَاءِ.^۳

(انظر) الخوف: باب ۱۵۱



مرکز تحقیقات علوم اسلامی

۲۹۸

نُذْرَةُ الْمُؤْمِنِ

۲۹۸

مؤمنان کمیاب‌اند

الكتاب:

قرآن:

«برای وی هر چه می‌خواست از معبدها و تندیسها و کاسه‌هایی چون حوض و دیگهای محکم برجای، می‌ساختند، ای خاندان داوود! سپاسگزاری کنید و اندکی از بندگان من سپاسگزارند».

«داوود گفت: مسلماً او با درخواست یک میش تو برای افزودن آن به میشهایش، بر تو ستم نموده و بسیاری از شریکان به همدیگر روا می‌دارند جز کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند و اینان نیز اندک هستند. و داوود دانست که او را آزمودیم، پس از پروردگارش آمرزش خواست و به سجده درافتاد و

يَقْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ».^۴

«قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجْتِكَ إِلَىٰ نَعَاجِهِ وَإِنْ كَثِيرًا مِنَ الْغُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتْنَاهُ

۱. بحار الأنوار: ۶۹/۲۸۵/۲۰.

۲. بحار الأنوار: ۳۰۵/۶۷/۳۶.

۳. بحار الأنوار: ۷۱/۶۷/۳۳.

۴. سبأ: ۱۳.

فَاسْتَغْفِرْ رَبُّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ۝^۱

توبه کرد».

«حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ۝^۲

«چون فرمان ما رسید و تنور جوشید، گفتیم: از هر نر و ماده دو تا و نیز خاندان خود را در کشتی بنشان، مگر آن کس را که حکم خدا از پیش درباره‌اش صادر شد، و نیز آنهایی را که ایمان آورده‌اند و جز اندکی با او ایمان نیاورده بودند».

«وَلَيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ۝^۳

«اگر از آنان بپرسی: چه کسی از آسمان باران فرستاد و زمین مرده را بدان زنده ساخت؟ مسلماً خواهند گفت: خدا، بگو: سپاس خدای راست، ولی بیشتریشان در نمی‌یابند».^۱

والآیات بهذا المعنى كثيرة.

حدیث:

الحديث:

۱۵۰۸. امام علی علیه السلام: ای مردم! در راه راست، به دلیل شمار اندک رهروان آن، احساس تنهایی نکنید؛ زیرا مردم بر سفره‌ای گرد آمده‌اند که سیری آن، کوتاه مدت و گرسنگی‌اش طولانی است.

۱۵۰۸. الإمام علي عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ، لَا تَسْتَوْجِسُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ، فَإِنَّ النَّاسَ اجْتَمَعُوا عَلَى مَائِدَةٍ شَبَعُهَا قَصِيرٌ، وَجُوعُهَا طَوِيلٌ ۝^۲

۱۵۰۹. امام علی علیه السلام: خداوند زمین خود را از وجود کسی که به نیازهای مردم آگاه است و از کسی که در راه نجات و رستگاری دانش فرا می‌گیرد خالی نگذاشته است. و البته شمار اینان بسیار اندک است. خداوند این را در میان اُمتهای پیامبران [گذشته] روشن ساخته و آنها را نمونه‌ای برای آیندگان قرار داده است. مثلاً درباره قوم نوح می‌فرماید: «و جز اندکی با او ایمان نیاوردند».

۱۵۰۹. عنه عليه السلام: وَلَمْ يُخَلِّ أَرْضَهُ مِنْ عَالَمٍ بِمَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْخَلِيقَةُ، وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاةِ، أُولَئِكَ هُمُ الْأَقْلَوْنَ عَدَدًا، وَقَدْ بَيَّنَّ اللَّهُ ذَلِكَ فِي أُمَمِ الْأَنْبِيَاءِ، وَجَعَلَهُمْ مَثَلًا لِمَنْ تَأَخَّرَ، مِثْلُ قَوْلِهِ فِي قَوْمِ نُوحٍ: «وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ۝^۵

۲. هود: ۴۰.

۱. ص: ۲۴.

۴. بحار الأنوار: ۶۷/۱۵۸/۱.

۳. العنكبوت: ۶۳.

۵. الاحتجاج: ۱/۵۸۱/۱۳۷.

۱. در این باره آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارد.

۱۵۱۰. الإمام الصادق عليه السلام: المؤمنة أعزُّ من المؤمن، والمؤمن أعزُّ من الكبريت الأحمر، فمن رأى منكم الكبريت الأحمر؟!^۱

۱۵۱۰. امام صادق عليه السلام: زن مؤمن از مرد مؤمن کمیابتر است و مرد مؤمن از گوگرد سرخ. کدام یک از شما گوگرد سرخ را دیده است؟!^۲

۱۵۱۱. الإمام الكاظم عليه السلام: ليس كلُّ من قال بولايتنا مؤمناً، ولكن جَعِلُوا أنساً للمؤمنين.^۲

۱۵۱۱. امام کاظم عليه السلام: چنین نیست که هر کس دم از ولایت ما بزند مؤمن (شیعه کامل) باشد، بلکه آنان همدم مؤمنان قرار داده شده‌اند [تا مؤمنان و شیعیان احساس قَلت و تنهایی نکنند].

(انظر) بحار الأنوار: ۶۷ / ۱۵۷ باب ۸.

النبوة الخاصة: باب ۳۷۲۷.

۲۹۹

عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ

۱۵۱۲. الإمام علي عليه السلام: علامة الإيمان أن تُؤثِرَ الصَّدَقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ، وَأَنْ لَا يَكُونَ فِي حَدِيثِكَ فَضْلٌ عَنْ عِلْمِكَ، وَأَنْ تَتَّقِيَ اللَّهَ فِي حَدِيثٍ غَيْرِكَ.^۳

۱۵۱۲. امام علی عليه السلام: نشانه ایمان این است که اگر بجایی راست گفتن به زیان تو و دروغ گفتن به سود تو بود راست‌گویی را بر دروغ‌گویی ترجیح دهی، و اینکه بیش از مقداری که می‌دانی سخنی نگویی و اینکه در سخن گفتن درباره دیگران پروای خدا داشته باشی.

۱۵۱۳. الإمام زين العابدين عليه السلام: علامات المؤمن خمس: الورع في الخلوة، والصدقة في القلة، والصبر عند المصيبة، والجلم عند الغضب، والصدق عند الخوف.^۴

۱۵۱۳. امام زین العابدین عليه السلام: نشانه‌های مؤمن پنج تاست: پارسایی در خلوت، صدقه دادن در تنگدستی، شکیبایی در برابر مصیبت، بردباری هنگام خشم، و راست‌گویی با وجود بیم و ترس.

۱۵۱۴. الإمام الصادق عليه السلام: ثلاث من علامات المؤمن: علمه بالله، ومن يحب، ومن

۱. الکافی: ۲ / ۲۴۲ / ۱. ۲. الکافی: ۲ / ۲۴۴ / ۷.

۳. بحار الأنوار: ۶۷ / ۳۱۴ / ۴۹.

۴. بحار الأنوار: ۶۷ / ۲۹۳ / ۱۵.

۱۵۱۴. امام صادق عليه السلام: سه چیز از نشانه‌های

يُبَغِضُ^۱.

مؤمن است: شناخت خدا و شناخت

دوستان و دشمنان خدا.

۱۵۱۵. عنه عليه السلام - وقد سُئِلَ: بِأَيِّ شَيْءٍ يَعْلَمُ

الْمُؤْمِنُ بِأَنَّهُ مُؤْمِنٌ؟ - بِالتَّسْلِيمِ لِلَّهِ،

وَالرَّضَا فِيمَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنْ سُرُورٍ أَوْ

سُخْطٍ^۲.

وقد تقدّم ويأتي في الأبواب الآتية ما

يدلّ على ذلك.

(انظر) بحار الأنوار: ۶۷ / ۲۶۱ باب ۱۴.

الدّين: باب ۱۳۲۳.

عنوان ۲۸۵ «الشّيعه».

۳۰۰

برترین مؤمنان

۱۵۱۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: برترین مؤمنان

خوش‌خوترین آنهاست.



مرکز تحقیقات کتب و اسناد

۳۰۰

أَفْضَلُ الْمُؤْمِنِينَ

۱۵۱۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَفْضَلُ الْمُؤْمِنِينَ أَحْسَنُهُمْ

خُلُقًا^۳.

۱۵۱۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: ایمان آن مؤمنی برتر است

که هرگاه چیزی از [خدا] بخواهد، بدهد و

اگر نداد نیازش را به دیگران عرضه نکند.

۱۵۱۷. عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا الَّذِي إِذَا

سَأَلَ أُعْطِيَ، وَإِذَا لَمْ يُعْطَ اسْتَغْنَى^۴.

۱۵۱۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: برترین مؤمنان کسی است

که در خریدن و در فروختن و در پرداختن

[قرض] و پس گرفتن آن جوانمرد و

۱۵۱۸. عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الْمُؤْمِنِينَ رَجُلٌ سَمَحُ الْبَيْعِ،

سَمَحُ الشَّرَاءِ، سَمَحُ الْقِضَاءِ، سَمَحُ

الِاقْتِضَاءِ^۵.

سخاوتمند باشد.

۱. الکافی: ۲ / ۱۲۶ / ۹. ۲. بحار الأنوار: ۷۲ / ۳۳۶ / ۲۴.

۳. کنز العمال: ۷۰۳. ۴. کنز العمال: ۷۰۴.

۵. کنز العمال: ۷۰۵.

۱. در این باره قبلاً احادیثی نقل کردیم و در بابهای آینده نیز

نقل خواهیم کرد.

۱۵۱۹. عنه علیه السلام: أَفْضَلُ الْمُؤْمِنِينَ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَخْمُومٍ الْقَلْبِ، صَدُوقِ اللِّسَانِ.^۱

۱۵۲۰. الإمامُ عليٌّ علیه السلام: أَفْضَلُ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُهُمْ تَقْدِمْهُ مِنْ نَفْسِهِ وَأَهْلِيهِ وَمَالِهِ.^۲

۱۵۲۱. عنه علیه السلام: أَفْضَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيْمَانًا مَنْ كَانَ لِلَّهِ أَخْذُهُ وَعَطَاهُ وَسَخَطُهُ وَرِضَاهُ.^۳

(انظر) الفضيلة: باب ۳۱۶۸.

المعرفة: باب ۲۵۴۵.

التقوى: باب ۴۱۰۰. الإسلام: باب ۱۸۵۵.

۳۰۱

فضیلت کسی که نادیده به پیامبر ایمان آورد

۱۵۲۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ایمان آوردن کسی که مرا دیده شگفت آور نیست بلکه شگفتی بسیار از مردمانی است که [تنها] برگه‌هایی نوشته شده دیدند و از ابتدا تا انتها به آن، ایمان آوردند.

۱۵۲۳. كنز العمال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی برادران خود را را دیدار می‌کنم؟! عرض کردند: مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: شما همراهان من هستید؛ برادران من کسانی‌اند که نادیده به من ایمان آوردند. من به [دیدار] آنان شوق بسیار دارم.

۱۵۲۴. دلائل النبوة للبيهقي: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

۳۰۱

فَضْلُ مَنْ يُؤْمِنُ بِالرَّسُولِ وَلَمْ يَرَهُ

۱۵۲۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: لَيْسَ إِيْمَانُ مَنْ رَأَى رَأْيِي بِعَجَبٍ وَلَكِنَّ الْعَجَبَ كُلَّ الْعَجَبِ لِقَوْمٍ رَأَوْا أَوْرَاقًا فِيهَا سَوَادٌ فَأَمَنُوا بِهِ أَوَّلَهُ وَآخِرَهُ.^۴

۱۵۲۳. كنز العمال: عنه علیه السلام: مَتَى أَلْقَى إِخْوَانِي؟! قَالُوا: أَلَسْنَا إِخْوَانَكَ؟ قَالَ: بَلْ أَنْتُمْ أَصْحَابِي، وَإِخْوَانِي الَّذِينَ آمَنُوا بِبِي وَلَمْ يَرُونِي، أَنَا إِلَيْهِم بِالْأَشْوَاقِ.^۵

۱۵۲۴. دلائل النبوة للبيهقي: عنه علیه السلام: أَيُّ الْخَلْقِ

۱. كنز العمال: ۷۸۳. ۲. نهج البلاغة: الكتاب ۶۹.

۳. غرر الحكم: ۳۲۷۸. ۴. كنز العمال: ۷۰۴.

۵. كنز العمال: ۳۴۵۸۳.

أَعْجَبُ إِلَيْكُمْ إِيْمَانًا؟ قَالُوا: الْمَلَائِكَةُ،
 قَالَ: وَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ وَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ؟
 قَالُوا: فَالْتَّبَيُّونَ، قَالَ: وَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
 وَالْوَحْيُ يَنْزِلُ عَلَيْهِمْ؟ قَالُوا: فَنَحْنُ، قَالَ:
 وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ وَأَنَا بَيْنَ أَظْهَرِكُمْ؟ إِنَّ
 أَعْجَبَ الْخَلْقِ إِلَيَّ إِيْمَانًا لَقَوْمٌ يَكُونُونَ
 بَعْدَكُمْ يَجِدُونَ صُحُفًا فِيهَا كِتَابٌ يُؤْمِنُونَ
 بِمَا فِيهَا.^۱

فرمود: برای شما ایمان کدامین آفریدگان
 شگفت‌آورتر است؟ عرض کردند:
 فرشتگان. فرمود: آنها که نزد
 پروردگارشان هستند، چرا نباید ایمان
 بیاورند؟ عرض کردند: پس، پیامبران.
 فرمود: آنان چرا نباید ایمان بیاورند، با آن
 که وحی بر ایشان نازل می‌شود؟ عرض
 کردند: پس، ما. فرمود: شما چرا نباید ایمان
 بیاورید، در صورتی که من میان شما
 هستم؟ [بدانید] شگفت‌آورترین ایمان به
 نظر من، ایمان مردمانی است که بعد از شما
 می‌آیند و میان کتاب‌ها [ی آسمانی] کتابی
 را می‌یابند و به نوشته‌های آن ایمان
 می‌آورند.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کتب و پژوهش‌های اسلامی



الأمانة

امانتداری



مرکز تحقیقات کامپیوتر و علوم اسلامی

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ١١٣/٧٥ باب ٥٠ «أداء الأمانة»، ١٠٣/١٧٣ باب ١٢ «الوديعة».

وسائل الشيعة: ٢١٨/١٣ باب ١ «أداء الأمانة».

كنز العمال: ٦٣١/١٦ «كتاب الوديعة».

انظر:

المجلس: باب ٥٢٨، النبوة العامة: باب ٣٧١٩.

عنوان ١٥٧ «الخيانة».

۳۰۲

الأمانة

الكتاب:

«وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»^۱.

«وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأَمَّنْهُ بِقَنْطَارٍ يُؤَدُّ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأَمَّنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدُّ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمْنِينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»^۲.

(انظر البقرة: ۲۸۳، النساء: ۵۸، المؤمنون: ۸، المعارج: ۳۲)

الحديث:

۱۵۲۵. رسول الله ﷺ: لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ، وَكَثْرَةِ الْحَجِّ، وَالْمَعْرُوفِ، وَطَنَظْنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ! وَلَكِنْ أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ^۳.

۱۵۲۶. عنه ﷺ: مَا مِنْ عَبْدٍ يَعْلَمُ مِنْهُ الْحِرْصُ عَلَى أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَّا أَدَّى اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ، فَإِنْ مَاتَ وَلَمْ يُؤَدِّهَا وَقَدْ عَلِمَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ الْحِرْصَ عَلَى أَدَائِهَا قَبِضَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مِنَ

۱. المؤمنون: ۸.

۲. آل عمران: ۷۵.

۳. بحار الأنوار: ۷۵/۱۱۴، ۵.

۳۰۲

امانتداری

قرآن:

«وَأَنان که رعایت کنند امانتها و پیمان خود هستند».

«و از اهل کتاب کسی است که اگر بار شتری نزدش به امانت گذاری آن را به تو برمی گرداند و از آنان کسی [نیز] هست که اگر دیناری به او امانت سپاری آن را به تو باز نمی گرداند، مگر آنکه دائماً بر [سر] وی به پا ایستی. این بدان سبب است که آنان گفتند: در مورد کسانی که کتاب آسمانی ندارند بر زیان ما راهی نیست. و بر خدا دروغ می بندند، با اینکه خودشان هم می دانند».

حدیث:

۱۵۲۵. پیامبر خدا ﷺ: به زیادی نماز کسان و روزه و حج و بخشش و ناله های شبانه آنها نگاه نکنید، بلکه راستگویی و امانتداری شان را بنگرید.

۱۵۲۶. پیامبر خدا ﷺ: هیچ بنده ای نیست که معلوم شود به باز گرداندن امانت حریص است، مگر اینکه خداوند متعال از طرف او ادای امانت کند. پس، اگر بمیرد و امانت را برنگردانده باشد و خداوند متعال بداند که برای بازگرداندن آن حرص می زده است، خداوند بعد از مرگش کسی را بگمارد که

يُؤَدِّيْهَا عَنْهُ بَعْدَ مَوْتِهِ^۱.

آن امانت را از جانب او ادا کند.

۱۵۲۷. الإمام علي عليه السلام: أفضل الإيمان الأمانة.

۱۵۲۷. امام علی علیه السلام: برترین ایمان امانتداری است.

أَفْتَحُ الْأَخْلَاقَ الْخِيَانَةَ^۲.

و زشت ترین اخلاق خیانت کردن است.

۱۵۲۸. الإمام الباقر عليه السلام: ثلاث لم يجعل الله عز وجل

۱۵۲۸. امام باقر علیه السلام: سه چیز است که خداوند

لأحد فيهن رخصة: أداء الأمانة إلى البرِّ

عز وجل به هیچ کس در آنها اجازه ای نداده

والفاجر، والوفاء بالعهد للبرِّ والفاجر، وبرِّ

است: برگرداندن امانت به نیک و بد، وفا

الوالدين برِّين كانا أو فاجرين^۳.

کردن به عهد و پیمان با نیک و بد، و نیکی

۱۵۲۹. الإمام الصادق عليه السلام: الأمانة غني^۴.

کردن به پدر و مادر، خوب باشند یا بد.

۱۵۳۰. عنه عليه السلام: أنظر ما بلغ به علي عليه السلام عند

۱۵۲۹. امام صادق علیه السلام: امانتداری، [مایه] توانگری

رسول الله صلى الله عليه وآله، فإن علياً عليه السلام إنما بلغ

است.

ما بلغ به عند رسول الله صلى الله عليه وآله بصديق الحديث

۱۵۳۰. امام صادق علیه السلام: ببین علی علیه السلام به سبب چه

وأداء الأمانة^۵.

چیز آن منزلت را نزد پیامبر خدا ﷺ پیدا

(انظر الصدق: باب ۲۱۶۳).

کرد، همان را پیروی کن. او، در حقیقت، با

راستگویی و امانتداری، آن مقام و منزلت

را نزد پیامبر خدا ﷺ یافت.

۳۰۳

إطلاق وجوب أدائها

۳۰۳

برگرداندن امانت در هر حال

واجب است

۱۵۳۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَمَّا قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿وَمِنْ أَهْلِ

الكتاب مَنْ إِنْ تَأَمَّنْتَهُ...﴾^۶: كَذَبَ أَعْدَاءُ

الله، ما مِنْ شَيْءٍ كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ إِلَّا وَهُوَ

۱۵۳۱. پیامبر خدا ﷺ - پس از تلاوت آیه «و بعضی

از اهل کتابند که اگر او را امین شمری...» -

فرمود: دشمنان خدا دروغ گفته اند [که

می توان امانت را به غیر همکیشان باز

نگرداند]. هر چه را در جاهلیت رسم بوده

۱. كنز العمال: ۴۶۱۳۴.

۲. غرر الحكم: ۲۹۰۵-۲۹۰۶.

۳. الكافي: ۱۵/۱۶۲/۲.

۴. تنبيه الخواطر: ۱۲/۱.

۵. الكافي: ۵/۱۰۴/۲. ۶. آل عمران: ۷۵.

تَحْتَ قَدَمِي إِلَّا الْأَمَانَةَ، فَإِنَّهَا مُؤَدَّاةٌ إِلَيَّ
الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ^۱.

۱۵۳۲. عنه علیه السلام: لَا تَخُنْ مَنْ خَانَكَ فَتَكُونَ مِثْلَهُ^۲.

۱۵۳۳. الإمام علي علیه السلام: أَقْسِمُ لَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله
يَقُولُ لِي قَبْلَ وَفَاتِهِ بِسَاعَةٍ، مِرَاراً ثَلَاثاً: يَا
أَبَا الْحَسَنِ، أَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ فِيمَا
قَلَّ وَجَلَّ، حَتَّى فِي الْخَيْطِ وَالْمِخِيطِ^۳.

۱۵۳۴. عنه علیه السلام: لَا تَخُنْ مَنْ اسْتَمَنَّكَ وَإِنْ خَانَكَ،
وَلَا تُدْغِ سِرَّهُ وَإِنْ أَدَاعَ سِرَّكَ^۴.

۱۵۳۵. عنه علیه السلام: أَدُّوا الْأَمَانَةَ وَلَوْ إِلَى قَتْلِهِ أَوْ لَدَى
الْأَنْبِيَاءِ علیهم السلام^۵.

۱۵۳۶. الإمام الصادق علیه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ، وَعَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ
الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ اسْتَمَنَّكُمْ، فَلَوْ أَنْ قَاتَلَ أَمِيرُ
الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام اسْتَمَنَّا عَلَى أَمَانَةٍ لَأَدَيْتُهَا
إِلَيْهِ^۶.

۱۵۳۷. عنه علیه السلام: أَدُّوا الْأَمَانَةَ وَلَوْ إِلَى قَاتِلِ الْحُسَيْنِ
بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام^۷.

۱۵۳۸. عنه علیه السلام: إِنْ ضَارِبَ عَلِيٍّ بِالسَّيْفِ وَقَاتِلَهُ
لَوْ اسْتَمَنَّا وَاسْتَنْصَحْنَا وَاسْتَشَارْنَا ثُمَّ

زیر پا می گذارم مگر امانتداری را. امانت را
باید به نیکوکار و بدکار برگرداند.

۱۵۳۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به کسی که به تو خیانت
کرده است خیانت مکن که تو هم چون او
خواهی بود.

۱۵۳۳. امام علی علیه السلام: قسم یاد می کنم که پیامبر خدا
ساعتی پیش از وفات خود، سه بار به من
فرمود: ابا الحسن! امانت را، کم باشد یا
زیاد، به صاحب آن، نیک باشد یا بد،
برگردان، اگر چه [آن امانت] نخ و سوزن
باشد.

۱۵۳۴. امام علی علیه السلام: به کسی که تو را امین قرار
داده است خیانت مکن هر چند او به تو
خیانت کرده باشد، و راز او را فاش مساز
اگر چه او راز تو را فاش ساخته باشد.

۱۵۳۵. امام علی علیه السلام: امانت را [به صاحبانش]
برگردانید، هر چند قاتل فرزندان
پیامبران علیهم السلام باشند.

۱۵۳۶. امام صادق علیه السلام: از خدا بترسید و امانت را
به کسی که شما را امین دانسته است،
بازگردانید؛ زیرا حتی اگر قاتل
امیرالمؤمنین علیه السلام امانتی را به من بسپرد، آن
را به او بر می گردانم.

۱۵۳۷. امام صادق علیه السلام: امانت را به صاحبش
برگردانید، اگر چه قاتل حسین بن علی علیه السلام
باشد.

۱۵۳۸. امام صادق علیه السلام: اگر ضارب و قاتل علی
مرا امین بشمارد (چیزی به من سپارد) و از

۱. مجمع البیان: ۲/۷۷۸. ۲. بحار الأنوار: ۱۰۳/۱۷۵/۳.

۳. بحار الأنوار: ۷۷/۲۷۳/۱. ۴. بحار الأنوار: ۸۷۷/۲۰۸/۱.

۵. بحار الأنوار: ۷۵/۱۱۵/۸. ۶. الأمالی للصدوق: ۳۱۸/۳۷۳.

۷. الأمالی للصدوق: ۳۱۸/۳۷۲.

قَبِلْتُ ذَلِكَ مِنْهُ لِأَدَيْتُ إِلَيْهِ الْأَمَانَةَ^۱.

۱۵۳۹. عنه علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ^۲.

۱۵۴۰. عنه علیه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ، وَأَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَإِنْ كَانَ حَرُورِيًّا أَوْ كَانَ شَامِيًّا^۳.

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۳ / ۲۲۱ باب ۲.

من راهنمایی و مشورت بخواهد و من امانتش را بپذیرم، آن را به او باز خواهم گردانند.

۱۵۳۹. امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل هیچ پیامبری بر نینگیخت، مگر با راستگویی و برگرداندن امانت به نیکوکار و بدکار.

۱۵۴۰. امام صادق علیه السلام: از خدا بترسید و امانتها را به سیاه پوست و سفیدپوست برگردانید، اگر چه [صاحبش] از خوارج یا از یاران معاویه باشد.

۳۰۴

لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ

۱۵۴۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ^۴.

۱۵۴۲. عنه علیه السلام: مَنْ خَانَ أَمَانَةً فِي الدُّنْيَا وَلَمْ يَرْدْهَا إِلَى أَهْلِهَا ثُمَّ أَدْرَكَهُ الْمَوْتُ مَاتَ عَلَى غَيْرِ مِلَّتِي، وَيَلْقَى اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضِبَانُ^۵.

۱۵۴۳. عنه علیه السلام: لَيْسَ مِنَّا مَنْ يُحَقِّرُ الْأَمَانَةَ حَتَّى يَسْتَهْلِكَهَا إِذَا اسْتُودِعَهَا^۶.

۱۵۴۴. الإمام علي علیه السلام: مَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ لَا إِيمَانَ لَهُ^۷.

۱. تنبيه الخواطر: ۱۲ / ۱. ۲. الكافي: ۲ / ۱۰۴ / ۱.

۳. تنبيه الخواطر: ۱۲ / ۱.

۴. بحار الأنوار: ۷۲ / ۱۹۸ / ۲۶، غرر الحكم: ۱۰۷۶۷.

۵. الأمالي للصدوق: ۷۰۷ / ۵۱۶.

۶. بحار الأنوار: ۷۵ / ۱۷۲ / ۱۳.

۷. غرر الحكم: ۷۹۳۲.

۳۰۴

ایمان ندارد کسی که امانتدار نیست

۱۵۴۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ایمان ندارد کسی که امانتدار نیست.

۱۵۴۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که در دنیا به امانتی خیانت کند و آن را به صاحبش برگرداند و مرگش در رسد، بر غیر دین من مرده است و با خدا دیدار می کند در حالی که بر او خشمگین است.

۱۵۴۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از ما نیست آن که امانت را بی اهمیت شمارد و بدین سبب امانتی را که به او سپرده شده است ضایع گرداند.

۱۵۴۴. امام علی علیه السلام: کسی که امانتدار نیست، ایمان ندارد.

۳۰۵

دستاوردهای امانتداری

۱۵۲۵ . پیامبر خدا ﷺ : امانتداری توانگری می آورد، و خیانت در امانت ناداری.

۱۵۲۶ . امام علی علیه السلام : امانتداری، به صداقت و دوستی می انجامد.

۱۵۲۷ . امام علی علیه السلام : هرگاه امانتداری تقویت شود، صداقت و دوستی زیاد گردد.

۱۵۲۸ . امام علی علیه السلام : امانتداری و وفاداری، راست کرداری اند.

۱۵۲۹ . امام علی علیه السلام : امانتداری، روزی می آورد و خیانت در امانت، فقر.

۱۵۵۰ . لقمان علیه السلام : فرزندان! امانت را [به صاحبش] برگردان تا دنیا و آخرتت سالم بماند، و امانتدار باش تا توانگر باشی.

۳۰۶

کسانی که نباید به آنها امانت سپرد

۱۵۵۱ . پیامبر خدا ﷺ : کسی که به فردی غیر امین امانت بسپارد، خداوند ضامن او نیست؛ زیرا خداوند او را از سپردن امانت به غیر امین نهی کرده است.

۱۵۵۲ . پیامبر خدا ﷺ : هر کس بداند کسی شرابخوار است و با این حال به او امانتی بسپرد، خداوند ضامن او نیست و مزد و عوضی به او نخواهد داد.

۳۰۵

آثار الأمانة

۱۵۲۵ . رسول الله ﷺ : الأمانة تَجْلِبُ الغناء، والخيانة تَجْلِبُ الفقر^۱.

۱۵۲۶ . الإمام علي عليه السلام : الأمانة تُؤدِّي إلى الصدق^۲.

۱۵۲۷ . عنه عليه السلام : إذا قَوِيَتِ الأمانة كَثُرَ الصدق^۳.

۱۵۲۸ . عنه عليه السلام : الأمانة والوفاء صدقُ الأفعال^۴.

۱۵۲۹ . عنه عليه السلام : الأمانة تَجَرُّ الرِّزْقَ، والخيانة تَجَرُّ الفقر^۵.

۱۵۵۰ . لقمان عليه السلام : يا بُنَيَّ، اذْأمانة تَسْلَمُ لَكَ دُنْيَاكَ وَآخِرَتُكَ، وَكُنْ أَمِينًا تَكُنْ غَنِيًّا^۶.

۳۰۶

مَنْ نَهَى عَنِ اتِّمَانِهِمْ

۱۵۵۱ . رسول الله ﷺ : مَنْ اتَّثَمَنَ غَيْرَ أَمِينٍ فَلَيْسَ لَهُ عَلَى اللَّهِ ضَمَانٌ، لِأَنَّهُ قَدْ نَهَاَهُ أَنْ يَأْتِمِنَهُ^۷.

۱۵۵۲ . عنه عليه السلام : مَنْ اتَّثَمَنَ شَارِبَ الْخَمْرِ عَلَى أَمَانَةٍ، بَعْدَ عِلْمِهِ فِيهِ، فَلَيْسَ لَهُ عَلَى اللَّهِ ضَمَانٌ وَلَا أَجْرٌ لَهُ وَلَا خَلْفٌ^۸.

۱ . بحار الأنوار: ۷۵/۱۱۴/۶.

۲ . غرر الحکم: ۱۵۸۲. ۳ . غرر الحکم: ۴۰۵۳.

۴ . غرر الحکم: ۲۰۸۳. ۵ . بحار الأنوار: ۷۸/۶۰/۱۳۸.

۶ . معاني الأخبار: ۲۵۳/۱. ۷ . بحار الأنوار: ۱۰۳/۱۷۹/۳.

۸ . الکافي: ۳/۲۰۰/۵.

۱۵۵۳. الإمام علي عليه السلام: لا تأمنن مئولاً^۱.

۱۵۵۳. امام علی علیه السلام: رنجیده و به ستوه آمده را امین مشمار.

۱۵۵۴. الإمام الباقر عليه السلام: لم يخُنك الأمين، ولكن ائتمنت الخائن^۲.

۱۵۵۴. امام باقر علیه السلام: انسان امین به تو خیانت نکرده بلکه تو به خائن امانت سپرده‌ای.

۱۵۵۵. عنه عليه السلام: من عرف من عبد من عبيد الله كذباً إذا حدث وخيانة إذا ائتمن ثم ائتمنه علي أمانة الله كان حقاً علي الله عز وجل أن يتبليها فيها، ثم لا يخلف عليه ولا يأجره^۳.

۱۵۵۵. امام باقر علیه السلام: اگر کسی دروغی از بنده‌ای از بندگان خدا بشنود و خیانتی از او ببیند و با این حال، او را بر امانت خدا، امین قرار دهد، سزاوار است که خداوند عز و جل او را درباره این امانت [که به خائن سپرده] گرفتار سازد و عوض و پاداشی هم [در برابر آن امانت از دست رفته] به وی ندهد.

۱۵۵۶. عنه عليه السلام: من ائتمن غير مؤتمن فلا حجة له علي الله^۴.

۱۵۵۶. امام باقر علیه السلام: کسی که غیر امین را امین و معتمد شمارد، حاجتی بر خدا ندارد.

۱۵۵۷. الإمام الصادق عليه السلام: ما أبالي ائتمنتُ خائناً أو مضياً^۵.

۱۵۵۷. امام صادق علیه السلام: برای من فرقی نمی‌کند که به خائن امانت بسپارم، یا به کسی که از امانت مراقبت و نگهداری نمی‌کند.

۱۵۵۸. عنه عليه السلام: ليس لك أن تتهم من ائتمنته، ولا تأتمن الخائن وقد جرّبته^۶.

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۳ / ۲۳۰ باب ۶ وص ۲۳۳ باب ۹.

۱۵۵۸. امام صادق علیه السلام: نباید به کسی که امانت بدو سپرده‌ای بدگمان باشی، و به خیانتکاری هم که او را آزموده‌ای، امانت سپار.

۳۰۷

لا ضمان على المؤتمن

۳۰۷

تاوانی بر عهده امین نیست

۱۵۵۹. عنه عليه السلام: لا ضمان علي مؤتمن^۷.

۱۵۵۹. پیامبر خدا ﷺ: کسی که امین قرار گیرد، تاوانی بر گردن او نیست.

۱۵۶۰. عنه عليه السلام: ليس على المستودع غير المغل^۸.

۱۵۶۰. پیامبر خدا ﷺ: کسی که ودیعه‌ای به او سپرده می‌شود چنانچه در آن خیانت نکند،

۱. نهج البلاغة: الحکمة ۲۱۱.

۲. تهذيب الأحكام: ۷ / ۲۳۲ / ۱۰۱۳.

۳. تنبيه الخواطر: ۱ / ۳۰۲. ۴. الکافي: ۵ / ۲۹۹ / ۳.

۵. الکافي: ۵ / ۳۰۱ / ۴. ۶. الکافي: ۵ / ۲۹۸ / ۱.

۷. كنز العمال: ۴۶۱۳۳.

ضَمَانٌ، وَلَا عَلَى الْمُسْتَعِيرِ غَيْرِ الْمُغِيلِ
ضَمَانٌ^۱.

۱۵۶۱. الإمام الصادق علیه السلام: صَاحِبُ الْوَدِيعَةِ وَالْبِضَاعَةِ
مُؤْتَمَنَانِ^۲.

۱۵۶۲. عنه علیه السلام: كُلُّ مَا كَانَ مِنْ وَدِيعَةٍ وَلَمْ تَكُنْ
مَضْمُونَةً لَا تَلْزَمُ^۳.

(انظر الكافي: ۵/ ۲۳۸ باب «ضمان العارية والوديعة».)

۳۰۸

الْأَمَانَةُ الْإِلَهِيَّةُ

الكتاب:

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ
فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ
ظَلُومًا جَهُولًا»^۴.

الحديث:

۱۵۶۳. الإمام علي علیه السلام - فيما كان يُوصي به
أصحابه -: ثُمَّ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ، فَقَدْ خَابَ مَنْ
لَيْسَ مِنْ أَهْلِهَا، إِنَّهَا عُرِضَتْ عَلَى
السَّمَاوَاتِ الْمَبْنِيَّةِ وَالْأَرْضِينَ الْمَذْخُوعَةِ
وَالْجِبَالِ ذَاتِ الطُّوْلِ الْمَنْصُوبَةِ فَلَا أَطْوَلَ
وَلَا أَعَرْضَ وَلَا أَعْلَى وَلَا أَعْظَمَ مِنْهَا، وَلَوْ

تاوان به عهده‌اش نیست، و نیز کسی که
عاریه‌ای می‌گیرد در صورتی که در آن
خیانت نکند، تاوانی به عهده‌اش نیست.

۱۵۶۱. امام صادق علیه السلام: کسی که ودیه‌ای را به او
سپرده‌اند و کسی که سرمایه‌ای را برای
تجارت در اختیارش گذاشته‌اند امین
هستند (ضمان و تاوان به عهده آنان
نیست).

۱۵۶۲. امام صادق علیه السلام: هر متاعی که به رسم ودیه
سپرده شود و مضمونه (مانند عاریه طلا و
نقره) نباشد، تاوان ندارد.

۳۰۸

امانت الهی

«ما این امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه
داشتیم، از به دوش کشیدن آن سر باز زدند و از آن
ترسیدند و انسان آن امانت را به دوش گرفت، او
همیشه ستمکار و نادان بوده است».

حدیث:

۱۵۶۳. امام علی علیه السلام - در سفارش به اصحابش -
فرمود: دیگر، گزاردن امانت است و آن که
امانت‌گزار نیست زیانکار است، امانت به
آسمانهای افراشته و زمینهای گسترده و
کوههای بلند بر پا داشته، عرضه شد و
چیزی بلندتر، گسترده‌تر، فرازتر و بزرگتر
از این سه چیز نیست. پس اگر چیزی به

۱. کثر العتال: ۴۶۱۳۶. ۲. الکافی: ۵/ ۲۳۸.

۳. وسائل الشیعة: ۱۳/ ۲۲۸.

۴. الأحزاب: ۷۲.

امْتَنَعَ شَيْءٌ بِطُولٍ أَوْ عَرَضٍ أَوْ قُوَّةٍ أَوْ عِزٍّ
لَا مُتَمَنِّعَ، وَلَكِنْ أَشْفَقَنَّ مِنَ الْعُقُوبَةِ وَعَقَلَنَّ
مَا جَهَلَ مَنْ هُوَ أَوْ ضَعَفَ مِنْهُمْ، وَهُوَ الْإِنْسَانُ
﴿إِنَّه كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾^۱.

۱۵۶۳. عنه علیه السلام - وقد سأله بعض الزنادقة: أجدد الله
يقول: ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ...﴾، فما هذه
الْأَمَانَةُ وَمَنْ هَذَا الْإِنْسَانُ؟ وليس مِنْ صِفَةِ
الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ التَّلْبِيسُ عَلَى عِبَادِهِ -: أَمَّا
الْأَمَانَةُ الَّتِي ذَكَرْتَهَا فِيهِ الْأَمَانَةُ الَّتِي لَا
تَجِبُ وَلَا تَجُوزُ أَنْ تَكُونَ إِلَّا فِي الْأَنْبِيَاءِ
وَأَوْصِيَائِهِمْ^۲.

۱۵۶۵. عنه علیه السلام - فِي صِفَةِ الْمَلَائِكَةِ -: جَعَلَهُمُ اللَّهُ فِيمَا
هُنَالِكَ أَهْلَ الْأَمَانَةِ عَلَى وَحْيِهِ، وَحَمَلَهُمُ
إِلَى الْمُرْسَلِينَ وَدَانَعَ أَمْرَهُ وَنَهْيَهُ^۳.

۱۵۶۶. عنه علیه السلام - فِي صِفَةِ الْأَنْبِيَاءِ -: مُتَحَمِّلِي وَدَائِعِ
رِسَالَتِهِ، قَرَنًا فَرَنًا، حَتَّى تَمَّتْ بِنَبِيِّنَا
مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله حُجَّتُهُ^۴.

۱۵۶۷. عنه علیه السلام - قَالَ اللَّهُ اللَّهُ أَيُّهَا النَّاسُ، فِيمَا اسْتَحْفَظَكُمْ
(أَحْفَظَكُمْ) مِنْ كِتَابِهِ، وَاسْتَوْدَعَكُمْ مِنْ

خاطر بلندی یا گسترده‌گی یا نیرومندی و یا
صلابت، امانت را نمی‌پذیرفت آن سه
بودند. ولی [تنها] از عقوبت ترسیدند و
چیزی را دانستند، که ناتوانتر از آنها
ندانست، و آن انسان است «و انسان همیشه
ستمکار و نادان بوده است».

۱۵۶۲. امام علی علیه السلام - در پاسخ به زندیقی که از
ایشان پرسید: می‌بینم که خدا می‌گوید: «ما
عرضه کردیم امانت را...». این امانت
چیست و این انسان کیست؟ و خداوند
عزیز حکیم را این صفت نشاید که حقیقت
را از بندگان پوشیده دارد - فرمود: امانتی
که گفتم، امانتی است که جز برای پیامبران
و اوصیای آنان شایسته و بایسته نیست.

۱۵۶۵. امام علی علیه السلام - در وصف فرشتگان - فرمود:
خداوند آنان را در آنجا امانتداران و وحی
خویش قرار داد و سپرده‌های امر و نهی
خود را به وسیله آنان برای پیامبران
فرستاد.

۱۵۶۶. امام علی علیه السلام - در وصف پیامبران - فرمود:
پیام‌های خداوند را که به آنان سپرده شده
بود نسل به نسل به دوش کشیدند، تا آنکه با
پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله، حجت او تمام و کامل
شد.

۱۵۶۷. امام علی علیه السلام: ای مردم! از خدا بترسید و
کتاب او را که پاسداری‌اش را از شما
خواسته پاس دارید و حقوقش را که نزد

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۹.

۲. الاحتجاج: ۱/ ۵۹۱/ ۱۳۷.

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۹۱.

۴. نهج البلاغة: الخطبة ۹۱.

حُقوقِهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا،
وَلَمْ يَتْرُكْكُمْ سُدىً^۱.

۱۵۶۸. عَنْهُ ﷺ: اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي أَوَّلَ كَرِيمَةٍ
تَنْتَزِعُهَا مِنْ كَرَامَتِي، وَأَوَّلَ وَدِيعَةٍ تَرْتَجِعُهَا
مَنْ وَدَائِعِ نِعَمِكَ عِنْدِي^۲!

۱۵۶۹. عَنْهُ ﷺ: مَا اسْتَوْدَعَ اللَّهُ امْرَأً عَقْلاً إِلَّا اسْتَنْقَذَهُ
بِهِ يَوْمًا مَا^۳.

۱۵۷۰. عَوَالِي اللَّائِي: فِي الْحَدِيثِ أَنَّ عَلِيًّا ﷺ إِذَا
حَضَرَ وَقْتُ الصَّلَاةِ يَتَمَلَّمُ وَيَتَرَلُّزُلُ
وَيَتَلَوُّنُ، فَقِيلَ لَهُ: مَا لَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟
فِيَقُولُ: جَاءَ وَقْتُ الصَّلَاةِ، وَقْتُ أَمَانَةٍ
عَرَضَهَا اللَّهُ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
فَأَبَيَّنَ أَنْ يَخْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا^۴.

شما به ودیعه سپرده محافظت کنید؛ زیرا
خداوند سبحان شما را بیهوده نیافریده و به
حال خود [بدون وظیفه و تکلیف] رهایتان
نکرده است.

۱۵۶۸. امام علی ﷺ: خدایا! جان مرا نخستین شیء
ارزشمندی قرار ده که از من می‌گیری و
اولین ودیعه‌ای از ودایع نعمت‌هایت قرار
ده که به من باز می‌گردانی.

۱۵۶۹. امام علی ﷺ: خداوند به هیچ انسانی خردی
به ودیعه نسپرد، مگر اینکه روزی او را به
واسطه آن نجات دادا

۱۵۷۰. عَوَالِي اللَّائِي: در حدیث آمده است: هرگاه
وقت نماز می‌رسید علی ﷺ بیتابی می‌کرد و
می‌لرزید و رنگ به رنگ می‌شد. عرض
می‌شد: شما را چه شده است ای
امیر مؤمنان؟ می‌فرمود: وقت نماز رسیده
است، وقت امانتی که خداوند بر آسمانها و
زمین عرضه کرد و آنها از پذیرفتن این
امانت سر باز زدند و از آن ترسیدند.

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۸۶.

۲. نهج البلاغة: الخطبة ۲۱۵.

۳. نهج البلاغة: الحکمة ۴۰۷.

۴. عوَالِي اللَّائِي: ۱/ ۳۲۴/ ۶۲.

الأمَانُ

زنها روادن



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ١٠٠/٤٣ والمهد والامان.

كتر المال: ٣٦٢/٤-٣٨٣ والامان والمعامدة.

انظر:

عنوان ٣٧٣ والمهد، ٣٨٥ والفدر.

الحج: باب ٧١٥.

يَحْمِلُ لِيَاءَ غَدْرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۱.

۳۱۰

الاعتصام بالذم

۱۵۷۵. الإمام علي عليه السلام: اعْتَصِمُوا (استعصموا)

بالذم في أوتادها ۲.

۱۵۷۶. عنه عليه السلام: - فِي عَهْدِهِ لِلأَشْتَرِ -: وَإِنْ عَقَدْتَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ عَدُوِّكَ عُقْدَةً أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً فَحُطَّ عَهْدُكَ بِالْوَفَاءِ وَارَعَ ذِمَّتَكَ بِالْأَمَانَةِ، وَاجْعَلْ نَفْسَكَ جُنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيتَ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعاً مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ وَتَشْتَّتِ آرَائِهِمْ مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعُهُودِ ۳.

۳۱۱

احترام الذم

۱۵۷۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: يُجِيرُ عَلَى أُمَّتِي أَذْنَاهُمْ ۴.

۱۵۷۸. عنه عليه السلام: الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ، تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ، يَسْعَى بِذِمَّتِهِمْ أَذْنَاهُمْ، وَهُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ ۵.

۱۵۷۹. الإمام الصادق عليه السلام: - وَقَدْ سُئِلَ عَنْ مَعْنَى

پرچم خیانت را حمل می‌کند.

۳۱۰

وفای به پیمان

۱۵۷۵. امام علی عليه السلام: میخهای عهد و پیمانها را

محکم کنید.

۱۵۷۶. امام علی عليه السلام: - در فرمانش به مالک اشتر -

نوشت: اگر با دشمن خود پیمانی بستی یا

بر او جامه امان پوشانیدی، به پیمان خویش

وفا کن و پیمانت را با امانت رعایت نما و

خود را سپر امانی که داده‌ای گردان؛ زیرا

مردم، با همه خواسته‌های گوناگون و آرای

پراکنده‌ای که دارند، نسبت به هیچ

فریضه‌ای از فرایض الهی، به شدت بزرگ

شمردن وفای به پیمانها همداستان نیستند.

۳۱۱

احترام به پیمانها و امانها

۱۵۷۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: کمترین فرد امت من

می‌تواند از طرف آنها امان دهد.

۱۵۷۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: مسلمانان برادرند،

خون‌هایشان یکسان است، کمترین آنها

امان می‌دهد و در برابر بیگانگان یکدست

و متحدند.

۱۵۷۹. امام صادق عليه السلام: - در پاسخ به پرسش از

۱. كنز العمال: ۱۰۹۴۳. ۲. نهج البلاغة: الحكمة ۱۵۵.

۳. نهج البلاغة: الكتاب ۵۳. ۴. كنز العمال: ۱۰۹۳۲.

۵. بحار الأنوار: ۱۰۰/۴۶/۶.

قوله ﷺ: يَسْعَى بِذِمَّتِهِمْ أَذْنَاهُمْ -: لو أَنَّ
جَيْشاً مِنَ الْمُسْلِمِينَ حَاصِرُوا قَوْمًا مِنَ
الْمُشْرِكِينَ فَأَشْرَفَ رَجُلٌ فَقَالَ: أَعْطُونِي
الْأَمَانَ حَتَّى أَلْقَى صَاحِبَكُمْ وَأُنَظِرَهُ،
فَأَعْطَاهُ أَذْنَاهُمْ الْأَمَانَ وَجَبَ عَلَيَّ أَفْضَلُهُم
الْوَفَاءُ بِهِ.^۱

معنای این جمله پیامبر که: کمترین آنها
امان می‌دهد - فرمود: اگر سپاهی از
مسلمانان گروهی از مشرکان را محاصره
کنند و در همین وضع مردی از محاصره
شدگان بیاید و بگوید: به من امان دهید تا
بیایم و با فرمانده شما گفتگو کنم و
پایین‌ترین فرد سپاه مسلمانان به آنان امان
دهد، بالاترین فرد آنان باید به این امان
پایبند باشد.



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

الأنس

همدي



مركز بحوث ودراسات في العلوم الإسلامية

انظر:

منوان ٩٢ والمحبة (حب الله) ٤٣٥ والمقربون ٣٧٦ واللقاء.

الذكر: باب ١٣٤٢.

۳۱۲

الأنس

۱۵۸۰. الإمام علي عليه السلام: الجاهل يستوحش مما يأنس به الحكيم.^۱

۱۵۸۱. عنه عليه السلام: لا يؤنسك إلا الحق، ولا يوحشك إلا الباطل.^۲

۱۵۸۲. الإمام الصادق عليه السلام: الأنس في ثلاث: في الزوجة الموافقة، والولد البار، والصديق المصافي.^۳

۱۵۸۳. الإمام الرضا عليه السلام: الأنس يذهب المهابة.^۴

۱۵۸۴. عنه عليه السلام: الاشترسال بالأنس يذهب المهابة.^۵

۳۱۳

الأنس بالله

۱۵۸۵. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ خَرَجَ مِنْ ذُلِّ المعصية إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ آنَسَهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ بِغَيْرِ

۱. غرر الحكم: ۱۷۷۲. ۲. غرر الحكم: ۱۰۳۰۳.

۳. بحار الأنوار: ۲۵ / ۲۳۱ / ۷۸.

۴. الدرّة الباهرة: ۲۷. ۵. أعلام الدين: ۳۰۷.

۳۱۲

أنس

۱۵۸۰. امام علي عليه السلام: نادان، از آنچه دانا بدان انس می گیرد، گریزان است.

۱۵۸۱. امام علي عليه السلام: جز با حق انس مگیر و جز از باطل گریزان مباش.

۱۵۸۲. امام صادق عليه السلام: سه چیز مایه انس هستند: زن سازگار، فرزند صالح و دوست پیکرنگ.

۱۵۸۳. امام رضا عليه السلام: انس، ابّهت را از میان می برد.

۱۵۸۴. امام رضا عليه السلام: انس زیاد، ابّهت را از میان می برد.

۳۱۳

أنس با خدا

۱۵۸۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر که از خواری گناه به سرفرازی طاعت درآید، خداوند عز و جلّ انیس او می شود، بی آنکه همدمی داشته باشد و او را کمک می رساند، بی آنکه مال و

انیس، وأعانهُ بغيرِ مالٍ^۱.

ثروتی داشته باشد.

۱۵۸۶. الإمامُ عَلِيُّ: اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْسُ الْإِنْسِينَ (الْمُؤَانِسِينَ) لِأَوْلِيائِكَ... إِنْ أَوْحَشْتَهُمُ الْغُرْبَةَ أَنْسَهُمْ ذِكْرُكَ، وَإِنْ صُبَّتْ عَلَيْهِمُ الْمَصَائِبُ لَجَّوْا إِلَى الْاِسْتِجَارَةِ بِكَ.^۲

۱۵۸۶. امام علی: خدایا! تو با دوستان خود انیس‌ترینی... اگر غربت و تنهایی آنان را دل‌تنگ سازد، یاد تو همدیشان است و اگر مصیبت‌ها بر آنان فرو ریزد، به همسایه شدن با تو پناه می‌برند.

۱۵۸۷. عنه: ثَمَرَةُ الْاُنْسِ بِاللّٰهِ الْاِسْتِیْحَاشُ مِنَ النَّاسِ^۳.

۱۵۸۷. امام علی: ثمره انس گرفتن با خدا دوری گزیدن از مردم است.^۱

۱۵۸۸. عنه: كَيْفَ يَأْنَسُ بِاللّٰهِ مَنْ لَا يَسْتَوْحِشُ مِنَ الْخَلْقِ؟!^۴

۱۵۸۸. امام علی: چگونه با خدا انس گیرد، آن‌که از مردم دوری نگزیده است؟

۱۵۸۹. عنه: مَنْ اِنْفَرَدَ عَنِ النَّاسِ اُنْسَ بِاللّٰهِ سَبْحَانَهُ.^۵

۱۵۸۹. امام علی: هر که از مردم جدا افتد با خداوند سبحان انس می‌پذیرد.

۱۵۹۰. الإمامُ الصَّادِقُ: مَا مِنْ مُّؤْمِنٍ إِلَّا وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ إِيْمَانِهِ اُنْسًا يَسْكُنُ إِلَيْهِ، حَتَّىٰ لَوْ كَانَ عَلَىٰ قُلَّةٍ جَبَلٍ لَمْ يَسْتَوْحِشْ.^۶

۱۵۹۰. امام صادق: هیچ مؤمنی نیست مگر آن‌که خداوند از ایمان او انیس و دل‌رامی برای او قرار می‌دهد، چندان‌که اگر بر قلّه‌ای باشد احساس تنهایی نکند.

۱۵۹۱. عنه: آهٍ آهٍ عَلَىٰ قُلُوبٍ حُشِيَتْ نُورًا، وَإِنَّمَا كَانَتْ الدُّنْيَا عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الشُّجَاعِ الْأَرْقَمِ وَالْعَدُوِّ الْأَعْجَمِ، اُنْسُوا بِاللّٰهِ وَاسْتَوْحَشُوا

۱۵۹۱. امام صادق: آه آه از آن دل‌هایی که لبریز از نور است. دنیا در نگاه آنان همچون مار و دشمن زیان‌نهم است، همدم خدا هستند و از آنچه خوش‌گذرانان بدان انس

۱. بحار الأنوار: ۷۴/۳۵۹/۷۵.

۲. نهج البلاغة: الخطبة ۲۲۷. ۳. غرر الحکم: ۴۶۲۸.

۴. يُمْكِنُ أَنْ تَكُونَ هَذِهِ الْأَحَادِيثُ نَاطِقَةً إِلَى الْعِلَاقَةِ بِغَيْرِ اللَّائِقِينَ مِنْ أَفْرَادِ الْمُجْتَمِعِ الَّذِينَ إِذَا عَاشَرَهُمُ الْإِنْسَانُ غَفَلَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ.

۵. غرر الحکم: ۷۰۰۳. ۶. غرر الحکم: ۸۶۴۴.

۷. بحار الأنوار: ۱۴/۱۱۱/۷۰.

۱. احادیث ۱۶۱۲ تا ۱۶۱۴ و ۱۶۱۷ و ۱۶۱۸ را می‌توان ناظر به ارتباط با افراد ناشایسته‌ای دانست که معاشرت با آنها، انسان را از یاد خدا غافل می‌کند.

مِمَّا بِهِ اسْتَأْنَسَ الْمُتَرْفُونَ.^۱

می گیرند، گریزانند.

۱۵۹۲. الإمامُ العسکریُّ علیه السلام: مَنْ أُنْسَ بِاللَّهِ اسْتَوْحَشَ

۱۵۹۲. امام عسکری علیه السلام: هر که از مردم دوری گزیند

مِنَ النَّاسِ.^۲

با خدا همدم می شود.

۱۵۹۳. عنه علیه السلام: عَلَامَةُ الْأُنْسِ بِاللَّهِ الْوَحْشَةُ مِنَ

۱۵۹۳. امام عسکری علیه السلام: نشانه انس گرفتن با خدا

النَّاسِ.^۳

دوری گزیدن از مردم است.

(انظر) عنوان ۵۲۴ «النور».



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

۱. تحف العقول: ۳۰۱. ۲. الدرة الباهرة: ۲۳.

۳. أعلام الدين: ۳۱۳.



الإنسان

انسان



مركز بحوث ودراسات

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٢٦٤/٦٠٠ «علة خلق العباد وتكليفهم»، ٣٠٩/٥ باب ١٥ «الإنسان والروح والبدن».

انظر:

عنوان ١٥٠ «الخلق».

الخلافة: باب ١٠٦٤، العلم: باب ٢٧٨٩، الفضيلة: باب ٣١٦٣.

القلب: باب ٣٣٢٧، المعجب: باب ٢٤٩١، النعمة: باب ٣٨٤٤.

۳۱۲

کرامت بنی آدم

الکتاب:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»^۱

الحديث:

۱۵۹۲. كنز العمال عن رسول الله ﷺ: ما شيء أكرم على الله من ابن آدم. قيل: يا رسول الله، ولا الملائكة؟! قال: الملائكة مَجْبُورُونَ، بمنزلة الشمس والقمر.^۲

۱۵۹۵. عنه ﷺ: ليس شيء خيراً من ألف مثله إلا الإنسان.^۳

۱۵۹۶. الإمام الباقر ﷺ - بعد أن ذكر وفاة آدم ﷺ -: حتى إذا بلغ الصلاة عليه قال هبة الله: يا جبرئيل، تقدم فصل على آدم، فقال له جبرئيل ﷺ: يا هبة الله، إن الله أمرنا أن نسجد لأبيك في الجنة، فليس لنا أن نؤم

۱. الإسراء: ۷۰.

۲. كنز العمال: ۳۴۶۲۱.

۳. كنز العمال: ۳۴۶۱۵.

۳۱۳

کرامت انسانها

قرآن:

«ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوارشان کردیم و از چیزهای خوش و پاکیزه روزی شان دادیم و بر بسیاری از آفریدگانمان برتری شان دادیم».

حديث:

۱۵۹۲. كنز العمال: پیامبر خدا ﷺ فرمود: هیچ چیز نزد خدا گرامیتر از فرزند آدم نیست. عرض شد: ای پیامبر خدا! حتی فرشتگان؟! فرمود: فرشتگان، بسان خورشید و ماه، مجبورند.

۱۵۹۵. پیامبر خدا ﷺ: هیچ چیزی نیست که [بتوان] از هزار همتای خود بهتر باشد، مگر انسان.

۱۵۹۶. امام باقر ﷺ - بعد از شرح درگذشت آدم ﷺ - فرمود: تا آن که نوبت نماز خواندن بر [جنازه] آدم رسید، هبة الله گفت: ای جبرئیل! جلو برو و بر آدم نماز بخوان. جبرئیل ﷺ به او گفت: ای هبة الله! خداوند به ما دستور داد که در بهشت بر پدرت سجده آوریم، پس ما را نسزد که بر هیچ

أَحَدًا مِنْ وَلَدِهِ^۱.

۱۵۹۷. الإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا أُسْرِيَ بِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله حَضَرَتِ الصَّلَاةُ، فَأَذَنَ وَأَقَامَ جَبْرِئِيلُ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، تَقَدَّمْ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: تَقَدَّمْ يَا جَبْرِئِيلُ. فَقَالَ لَهُ: إِنَّا لَا نَتَقَدَّمُ الْآدَمِيَّيْنَ مُنْذُ أَمَرْنَا بِالسُّجُودِ لِآدَمَ عليه السلام.^۲

(انظر) بحار الأنوار: ۶۰/۲۶۸ باب ۳۹.

یک از فرزندانش امامت کنیم.

۱۵۹۷. امام صادق عليه السلام: شبی که پیامبر صلى الله عليه وآله به معراج برده شد، وقت نماز رسید. جبرئیل اذان و اقامه گفت و سپس عرض کرد: ای محمد! [برای امامت نماز] پیش برو. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: تو پیش برو، ای جبرئیل! جبرئیل گفت: از آن زمان که به ما دستور داده شد بر آدم عليه السلام سجده کنیم، خود را بر آدمیان مقدم نمی داریم.

۳۱۵

كَرَامَةُ الْمُؤْمِنِ

۱۵۹۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا نَعْلَمُ شَيْئًا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ مِثْلِهِ إِلَّا الرَّجُلَ الْمُؤْمِنَ.^۳

۱۵۹۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هیچ چیز را سراغ نداریم که از هزار همتای خود بهتر باشد، مگر انسان مؤمن.

۱۵۹۹. امام باقر عليه السلام: خداوند عزوجل هیچ آفریده‌ای را نیافرید که از مؤمن نزد خداوند عزوجل گرامی‌تر باشد؛ زیرا فرشتگان، خدمتگزار مؤمنان هستند.

۱۵۹۹. الإمام الباقر عليه السلام: مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَلْقًا أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ؛ لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ خُدَّامُ الْمُؤْمِنِينَ.^۴

۳۱۶

مَا يُوَجِّبُ تَفْضِيلَ الْإِنْسَانِ

۱۶۰۰. الإمام علي عليه السلام: خَلَقَ الْإِنْسَانَ ذَا نَفْسٍ نَاطِقَةٍ، إِنْ زَكَّاهَا بِالْعِلْمِ وَالْعَمَلِ فَقَدْ شَابِهَتْ جَوَاهِرَ أَوَائِلِ عَالَمِهَا، وَإِذَا اغْتَدَلَ مِزَاجُهَا

آنچه انسان را

برتری می‌دهد

۱۶۰۰. امام علی عليه السلام: خداوند انسان را دارای نفس ناطقه آفرید؛ اگر آدمی آن را با علم و عمل تزکیه کند و به‌پروراند، با گوهرهای اولیه علتهایش (یا ذات عقول مقدسه‌اش) همسان می‌گردد و هرگاه ترکیبش معتدل

۱. کمال الدین: ۲/۲۱۴.

۲. بحار الأنوار: ۱۸/۴۰۴/۱۰۸.

۳. کنز العمال: ۷۲۲. ۴. الکافی: ۲/۲۳/۲.

وَفَارَقَتْ الْأَضْدَادَ فَقَدْ شَارَكَ بِهَا السَّبْعَ
الشُّدَادَ.^۱

۱۶۰۱. الإمام الصادق علیه السلام - وقد سأله عبد الله بن
سنان: الملائكة أفضل أم بنو آدم؟ - قال
أمير المؤمنين علي بن أبي طالب علیه السلام: إن
الله عز وجل ركب في الملائكة عقلاً بلا
شهوة، وركب في البهائم شهوة بلا عقل،
وركب في بني آدم كلتيهما، فمن غلب
عقله شهوته فهو خير من الملائكة، ومن
غلبت شهوته عقله فهو شر من البهائم.^۲

۳۱۷

علة خلق الإنسان

الكتاب:

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً
قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ
نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا
تَعْلَمُونَ﴾.^۳

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾.^۴

﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ

۱. غرر الحکم: ۵۸۸۵. ۲. بحار الأنوار: ۵/ ۲۹۹/ ۶۰.

۳. البقرة: ۳۰. ۴. الذاریات: ۵۶.

شود و از اضداد جدا گردد او [از افراط و
تفریط سالم می ماند و] با آن هفت آسمان
قوی و محکم (نفوس فلکیه) شریک
می شود.

۱۶۰۱. امام صادق علیه السلام - در پاسخ به این پرسش
عبدالله بن سنان که: فرشتگان برترند یا
آدمیان؟ - فرمود: امیرالمؤمنین علی بن ابی
طالب علیه السلام فرموده است: خداوند در
فرشتگان فقط عقل نهاده است و نه
خواهش نفسانی، و در ستوران میل و
خواهش نهاده است و عقل نه، و در بنی آدم
هر دو را نهاده است. پس، آن که عقلش بر
خواهشش چیره آید از فرشتگان بهتر
است و هر که خواهشش بر خردش غالب
گردد از ستوران بدتر است.

۳۱۷

حکمت آفرینش انسان

قرآن:

«و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین
خلیفه ای می آفرینم، گفتند: آیا کسی را می آفرینی که
در زمین فساد کند و خونها بریزد حال آن که ما همراه
ستودنت منزهت می داریم و تو را تقدیس می کنیم؟
گفت: من چیزی می دانم که شما نمی دانید.»

«جن و انس را نیافریدم مگر تا مرا بپرستند.»

«اگر پروردگار تو خواسته بود، بی گمان همه مردم را
یک امت می کرد، ولی همواره گوناگون خواهند بود.»

مُخْتَلِفِينَ * إِلَّا مَنْ رَجِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ^۱.

الحديث:

۱۶۰۲. الإمام علي عليه السلام: بتقوى الله أمرتم، وللإحسان والطاعة خلقتكم^۲.

۱۶۰۳. عنه عليه السلام: وهو يدعو الناس إلى الجهاد - إن الله قد أكرمكم بدينه، وخلقكم لعبادته، فأنصبوا أنفسكم في أداء حقه^۳.

۱۶۰۴. عنه عليه السلام: يقول الله تعالى: يا بن آدم، لم أخلقك لأربح عليك، إنما خلقتك لتربح علي، فاتخذني بدلاً من كل شيء، فإني ناصر لك من كل شيء^۴.

۱۶۰۵. عنه عليه السلام: لم يخلق ما خلقه لتشديد سلطان، ولا تخوف من عواقب زمان، ولا استعانة على ندم مثاوير، ولا شريك مكاثير، ولا ضد منافير، ولكن خلقت مذبوبون، وعباد داخرون^۵.

۱۶۰۶. الإمام الصادق عليه السلام: في جواب زنديق سأل: فلأي علة خلق الخلق وهو غير محتاج

۱. هود: ۱۱۸، ۱۱۹. ۲. شرح نهج البلاغة: ۱۰۸/۳.

۳. شرح نهج البلاغة: ۱۸۵/۳.

۴. شرح نهج البلاغة: ۲۰/۳۱۹، ۶۶۵.

۵. نهج البلاغة: التعلبة: ۶۵.

مگر آنهایی که پروردگارت بر آنها رحمت آورده و آنها را برای همین بیافریده است.

حدیث:

۱۶۰۲. امام علی علیه السلام: شما به پروای از خدا فرمان یافته و برای نیکوکاری و فرمانبرداری [از خدا] آفریده شده‌اید.

۱۶۰۳. امام علی علیه السلام: هنگام فراخوان مردم برای جهاد - فرمود: خداوند شما را با دین خود گرامی داشت و شما را برای پرستش خویش بیافرید؛ پس در ادای حق او بکوشید.

۱۶۰۴. امام علی علیه السلام: خداوند متعال می‌فرماید: ای فرزند آدم! تو را نیافریدم تا سودی برم، بلکه تو را آفریدم تا از من سودی ببری. پس، به جای هر چیز مرا برگزین؛ زیرا من، به جای هر چیز یاور تو هستم.

۱۶۰۵. امام علی علیه السلام: آنچه آفرید نه برای افزودن قدرت و توان بود و نه به خاطر بیم از پیشامدهای زمان، و نه برای آن که در برابر همتایی جنگجو و یا شریکی که به مال نازد و یا مخالفی برتری جوی او را یاری دهد؛ بلکه آنان آفریدگانی هستند پروده (روزیخوار)، و بندگان خرد و بیمقدار.

۱۶۰۶. امام صادق علیه السلام: در پاسخ به این پرسش زنديق که چرا خدا خلایق را آفرید با آنکه نیاز ندارد و از آفریدن آنها ناگزیر نیست و

إِلَيْهِمْ وَلَا مُضْطَرَّ إِلَى خَلْقِهِمْ، وَلَا يَلِيقُ بِهِ
التَّعَبُّثُ بِنَا؟ -: خَلَقَهُمْ لِإِظْهَارِ حِكْمَتِهِ،
وإِنْفَازِ عَلَيْهِ، وَإِمْضَاءِ تَدْبِيرِهِ.^۱

۱۶۰۷. بحار الأنوار: عنه علیه السلام: خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ
عَلِيٍّ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ،
إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ذَكَرَهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ
إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ،
فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةٍ
مَا سِوَاهُ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ،
بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ:
مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ
عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ.^۲

۱۶۰۸. عنه علیه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَلَا يَزَالُونَ
مُخْتَلِفِينَ﴾ * إِلَّا مَنْ رَجِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ
خَلَقَهُمْ -: خَلَقَهُمْ لِيَفْعَلُوا مَا يَسْتَوْجِبُونَ
بِهِ رَحْمَتَهُ فَيَرْحَمَهُمْ.^۳

۱۶۰۹. عنه علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَخْلُقْ خَلْقَهُ
عَبَثًا وَلَمْ يَتْرُكْهُمْ سُدىً، بَلْ خَلَقَهُمْ لِإِظْهَارِ
قُدْرَتِهِ، وَلِيُكَلِّفَهُمْ طَاعَتَهُ فَيَسْتَوْجِبُوا بِذَلِكَ

بازیچه کردن ما نیز شایسته او نیست؟ -
فرمود: آفریدگان را بیافرید تا حکمت
خود را پدیدار کند و علم خود را به کار زند
و تدبیر خویش را بگذراند.

۱۶۰۷. بحار الأنوار: امام صادق علیه السلام فرمود: امام
حسین بر اصحابش وارد شد و فرمود: ای
مردم! خداوند عز و جل بندگانش را نیافرید
مگر تا او را بشناسند. چون او را شناختند
بپرستندش و چون او را بپرستند از
پرستش جز او بی نیاز می شوند. مردی
عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! پدر و
مادرم فدایت باد! شناخت خدا چیست؟
فرمود: شناخت این است که مردم هر
روزگار، امام و پیشوای واجب الطاعة خود
را بشناسند.

۱۶۰۸. امام صادق علیه السلام - در تفسیر گفته خدا که
«پیوسته در اختلاف اند مگر آن کس که
خدایت بر او رحمت آورد و برای همین
آنان را آفریده است» - فرمود: آنان را
بیافرید تا کاری کنند که به واسطه آن
سزاوار رحمت خدا شوند و خداوند بر
ایشان رحمت آورد.

۱۶۰۹. امام صادق علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی
آفریدگان خود را بیهوده نیافرید و آنان را
به حال خود رهاشان نکرد، بلکه
آفریدشان تا قدرت خویش را پدیدار کند
و تکلیف طاعت خود را به دوش آنان نهد،

۱. بحار الأنوار: ۱۰/۱۶۷/۲.

۲. بحار الأنوار: ۲۳/۸۳/۲۲.

۳. بحار الأنوار: ۵/۳۱۴/۵.

رِضْوَانَهُ، وَمَا خَلَقَهُمْ لِيَجْلِبَ مِنْهُمْ مَنَفَعَةٌ
وَلَا لِيُدْفَعَ بِهِمْ مَضَرَّةٌ، بَلْ خَلَقَهُمْ لِيَتَنَفَعَهُمْ
وَيُوصِلَهُمْ إِلَى نَعِيمٍ أَبَدٍ.^۱

۱۶۱۰. عنه علیه السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ
وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ -: خَلَقَهُمْ لِلْعِبَادَةِ.^۲

۱۶۱۱. علل الشرائع: قَالَ رَجُلٌ لِّجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ: يَا
أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِنَّا خُلِقْنَا لِلْعَجَبِ؟ قَالَ: وَمَا
ذَاكَ اللَّهُ أَنْتَ؟! قَالَ: خُلِقْنَا لِلْفَنَاءِ؟ فَقَالَ: مَهْ
يَا بَنَ أَخ! خُلِقْنَا لِلْبَقَاءِ.^۳

۱۶۱۲. تفسیر القمی - أَيْضاً -: خَلَقَهُمْ لِلْأَمْرِ
وَالنَّهْيِ وَالتَّكْلِيفِ، وَلَيْسَتْ خَلَقَتُهُمْ جَبْرًا
أَنْ يَعْْبُدُوهُ، وَلَكِنْ خَلَقَتُهُمْ اخْتِيَارًا
لِيُخْتَبَرَهُمْ بِالْأَمْرِ وَالنَّهْيِ.^۴

۳۱۸

كَيْفِيَّةُ خَلْقِ الْإِنْسَانِ

الكتاب:

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ
ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِيَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لِيَتَّكُونُوا
شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَلِيَبْلُغُوا أَجْلًا

۱. بحار الأنوار: ۵/۲۳۱۳/۲. ۲. علل الشرائع: ۱۴/۱۱.
۳. علل الشرائع: ۵/۱۱. ۴. تفسیر القمی: ۲/۳۳۱.

تا با آن سزاوار خوشنودی او شوند. آنان را
نیافرید تا از آنها سود برد و یا زبانی را به
وسیله آنها از خویش دور سازد. بلکه
آفریدشان تا به آنان سود رساند و به نعمت
جاودانشان برساند.

۱۶۱۰. امام صادق علیه السلام - دربارهٔ آیه «جِنَّ وِانْسَ رَا
نِیَا فَرِیدِم مَکَر تَا مَرَا بَیْرَسْتَنَد» - فرمود: آنان
را برای عبادت آفرید.

۱۶۱۱. علل الشرائع: مردی به امام صادق علیه السلام
عرض کرد: ما برای شگفتی و تعجب [از
قدرت الهی] آفریده شده‌ایم؟ حضرت
فرمود: تو را به خدا این چه حرفی است؟
آن مرد گفت: برای نابود شدن آفریده
شده‌ایم؟ فرمود: برادر زاده! دست بردار
ما برای ماندن آفریده شده‌ایم.

۱۶۱۲. تفسیر القمی - نیز از همان حضرت -: آنان
را برای امر و نهی و تکلیف آفرید، و
آفرینش آنان به گونه‌ای نبوده است تا او را
[ناگزیر] پرستش کنند، بلکه مختار آفریده
شده‌اند تا ایشان را با امر و نهی بیازماید.

۳۱۸

چگونگی آفرینش انسان

قرآن:

«اَوَسْتَ اَنْ خَدَّیْیْ کِهْ شَمَا رَا اَزْ خَاکْ، سَپَسْ اَزْ نَظْفَهْ،
سَپَسْ اَزْ لَخْتَهْ خَوْنِیْ بِیَا فَرِیدَهْ اَسْتَ. اَنگَاهْ شَمَا رَا

مُسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَفْقَهُونَ^۱.

(انظر) آل عمران: ۶، النساء: ۱، الأنعام: ۲، الرعد: ۸، مریم: ۶۷، المؤمنون: ۱۲-۱۴، لقمان: ۱۴، هود: ۶۱، النحل: ۴، الحج: ۵، الروم: ۱۹، السجدة: ۷-۹، فاطر: ۱۱، یس: ۷۷، الزمر: ۶، الشوری: ۴۹، ۵۰، النجم: ۳۲، ۴۵، الواقعة: ۵۷-۵۹، التغابن: ۲، ۳، الملك: ۲۳، ۲۴، نوح: ۱۴، ۱۷، الإنسان: ۱، ۲، المرسلات: ۲۰-۲۳، النبأ: ۸، عبس: ۱۸-۲۱، الانفطار: ۷، ۸، الطارق: ۵-۷، بحار الأنوار: ۶۰/۳۱۷ باب ۴۱.

۳۱۹

ناتوانی انسان

قرآن:

«انسان، ناتوان آفریده شده است».

حدیث:

۱۶۱۳. امام علی علیه السلام: بینوا آدمی زاده! مرگش

پوشیده است و بیماریهایش نهفته و
کردارش نگاشته. پشهای او را می آزارد و
جرعه ای گلوگیر او را از پای در می آورد و
عرق وی را بدبو می کند.

۳۲۰

ارزش انسان

۱۶۱۴. امام علی علیه السلام: آدمی زاده شبیه ترین چیز به

ترازوست؛ با نادانی سبک می شود و با علم
و دانش سنگین می گردد.

۳۱۹

ضَعْفُ الْإِنْسَانِ

الکتاب:

«خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا»^۲.

الحديث:

۱۶۱۳. الإمام علي عليه السلام: مَسْكِينٌ ابْنُ آدَمَ أَمَكْتُومٌ
الْأَجَلِ، مَكْنُونُ الْعِلَلِ، مَحْفُوظُ الْعَمَلِ،
تَوَلَّمُهُ الْبَقَّةُ، وَتَقْتَلُهُ الشَّرْقَةُ، وَتُنْتِنُهُ
الْعَرَقَةُ^۳.

۳۲۰

قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ

۱۶۱۴. الإمام علي عليه السلام: ابْنُ آدَمَ أَشْبَهُ شَيْءٍ بِالْمِيعَارِ:
إِمَّا نَاقِصٌ بَجْهَلٍ، أَوْ رَاجِحٌ بِعِلْمٍ^۴.

۱. غافر: ۶۷.

۲. نهج البلاغة: الحکمة ۴۱۹. ۳. تحف العقول: ۲۱۲.

۴. النساء: ۲۸.

۱۶۱۵. عنه: المرء بأصغرّيه: بقلبه ولسانه،
 إِنْ قَاتَلَ قَاتِلَ بَجْنَانٍ، وَإِنْ نَطَقَ نَطَقَ
 بَبَيَانٍ^۱.

۱۶۱۶. عنه: لِلْإِنْسَانِ فَضِيلَتَانِ: عَقْلٌ وَمَنْطِقٌ،
 فَبِالْعَقْلِ يَسْتَفِيدُ وَبِالْمَنْطِقِ يُقِيدُ^۲.

۱۶۱۷. عنه: أَصْلُ الْإِنْسَانِ لُبُّهُ، وَعَقْلُهُ دِينُهُ،
 وَمُرُوتُهُ حَيْثُ يَجْعَلُ نَفْسَهُ^۳.

۱۶۱۸. عنه: المرء يُوزَنُ بِقَوْلِهِ وَيَقْوَمُ بِفَعْلِهِ^۴.

۱۶۱۹. عنه: المرء بِفِطْنَتِهِ لَا بِصُورَتِهِ، المرءُ
 بِهَمَّتِهِ لَا بِقُنْيَتِهِ^۵.

(انظر) الكمال: باب ۳۲۸۰.

۳۲۱

صِفَةُ الْإِنْسَانِ الْكَامِلِ

۱۶۲۰. الإمامُ عَلِيُّ: قَدْ أَحْيَا عَقْلَهُ وَأَمَاتَ
 نَفْسَهُ، حَتَّى دَقَّ جَلِيلُهُ، وَلَطَفَ غَلِيظُهُ،
 وَبَرَقَ لَهُ لَامِعُ كَثِيرِ الْبَرَقِ، فَأَبَانَ لَهُ الطَّرِيقَ،
 وَسَلَكَ بِهِ السَّبِيلَ، وَتَدَافَعَتِ الْأَبْوَابُ إِلَى
 بَابِ السَّلَامَةِ وَدَارِ الْإِقَامَةِ، وَثَبَّتَ رِجْلَاهُ
 بِطَمَآنِينَةٍ بَدَنِهِ فِي قَرَارِ الْأَمْنِ وَالرَّاحَةِ بِمَا
 اسْتَعْمَلَ قَلْبَهُ وَأَرْضَى رَبَّهُ^۶.

۱۶۲۱. عنه: مَا بَرِحَ اللَّهُ - عَزَّتْ آلاؤُهُ - فِي

۱. غرر الحكم: ۲۰۸۹. ۲. غرر الحكم: ۷۳۵۶.

۳. بحار الأنوار: ۲/۸۲/۱. ۴. غرر الحكم: ۱۸۴۸.

۵. غرر الحكم: ۲۱۶۶-۲۱۶۷.

۶. نهج البلاغة: الخطبة ۲۲۰.

۱۶۱۵. امام علی: ارزش انسان به دو عضو کوچک
 اوست: دلش و زبانش. با دل [قوی] به میدان
 جنگ پا می‌نهد و با زبان به عرصه بیان.

۱۶۱۶. امام علی: انسان دو فضیلت دارد: خرد
 و سخن. با خرد، بهره می‌ستاند و با سخن،
 بهره می‌رساند.

۱۶۱۷. امام علی: اصل و تبار انسان، دل اوست
 و خردش دین او و مردانگی‌اش جایگاهی
 است که خود را در آن قرار دهد.

۱۶۱۸. امام علی: انسان با گفتارش اندازه‌گیری
 می‌شود و با کردارش ارزش‌یابی.

۱۶۱۹. امام علی: [ارزش] انسان به هوش
 اوست، نه به شکل و شمایلش؛ [ارزش]
 انسان به همت اوست نه به مال و
 اندوخته‌اش.

۳۲۱

ویژگی انسان کامل

۱۶۲۰. امام علی: همانا خرد خویش را زنده
 گرداند و نفس خود را میراند چندان که
 [اندام] درشت او نزار شد و خشونتش
 (درشتی‌اش) به لطافت گرایید.
 درخشنده‌ای پر نور بر وی تابید و راه را
 برایش روشن ساخت و او را در راه
 [راست] به پیش راند و از دری به دری برد
 تا به در سلامت کشاند، و خانه اقامت و دو
 پای او در قرارگاه ایمنی و آسایش استوار
 گردید به آرامشی که در بدنش پدیدار
 گردید، بدانچه دل خود را در آن به کار
 بُرد، و پروردگار خویش را راضی گرداند.
 ۱۶۲۱. امام علی: همواره خدا را - که

الْبُزْهَةُ بَعْدَ الْبُزْهَةِ وَفِي أَرْصَانِ الْفَتَرَاتِ،
عِبَادُ نَاجَاهُمْ فِي فِكْرِهِمْ وَكَلَمَتِهِمْ فِي ذَاتِ
عُقُولِهِمْ ... وَكَانُوا كَذَلِكَ مَصَابِيحَ تِلْكَ
الظُّلُمَاتِ، وَأَدِلَّةَ تِلْكَ الشُّبُهَاتِ^۱.

(انظر) الأخ: باب ۵۱.

عنوان ۴۶۶ «الكمال».

نعمت‌هایش گران‌بهاست - در برهه‌ای از
روزگار پس از برهه‌ای دیگر و زمانی میان
آمدن دو پیامبر، بندگانی است که از راه
اندیشه با آنان در راز است و از طریق خرد
با ایشان دمساز ... آنان این‌چنین،
چراغ‌هایی در آن تاریکی‌ها بوده‌اند و
راهنمایانی در آن شبهه‌ها.



مرکز تحقیقات و توسعه علوم اسلامی

نظرة



مركز بحوث وتكنولوجيا العلوم الإسلامية

ولمزيد الاطلاع راجع:

وسائل الشريعة: ١٠٨٣/٢ وعدم جواز استعمال أواني الذهب والفضة.

انظر:

عنوان ٢١١ «الزينة».

القلب: باب ٣٣٢٨، الأكل: باب ١١٤.

۳۲۲

نُظَافَةُ الْإِنَاءِ

۱۶۲۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ... خَمَزُ إِنَاءِكَ وَلَوْ بَعْدَ
تَعْرِضِهِ عَلَيْهِ وَادَّكَرَ اسْمَ اللَّهِ، وَأَوْكَ سِقَاءَكَ
وَادَّكَرَ اسْمَ اللَّهِ.^۱

۱۶۲۳. الْإِمَامُ الصَّادِقُ ﷺ: كَانَ النَّبِيُّ يُعْجِبُهُ أَنْ
يَشْرَبَ فِي الْإِنَاءِ الشَّامِيِّ، وَكَانَ يَقُولُ: هُوَ
أَنْظَفُ آبَتَيْكُمْ.^۲

۳۲۲

بهداشت ظروف

۱۶۲۲. پیامبر خدا ﷺ: بر ظرف سرپوش بنه، حتی
با چوبی که بر سرش می نهی و نام خدا را
ببر و مشکت را با بند ببند و نام خدا را ببر.

۱۶۲۳. امام صادق ﷺ: پیامبر خوش می داشت که
در ظرف شامی [آب] بنوشد و می فرمود:
آن تمیزترین ظرف های شماست.

۳۲۳

آئِيَّةُ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ

۱۶۲۴. الْإِمَامُ الصَّادِقُ ﷺ: لَا تَأْكُلْ فِي آئِيَّةِ الذَّهَبِ
وَالْفِضَّةِ.^۳

۱۶۲۵. الْإِمَامُ الْكَاسِمُ ﷺ: آئِيَّةُ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ مَتَاعُ
الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ.^۴

۱۶۲۶. الْكَافِي عَنْ ابْنِ بَزِيعٍ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ
الرَّضَا ﷺ عَنْ آئِيَّةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ،
فَكَرَّهُمَا.^۵

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۰۸۶/۲ باب ۶۷.

ظروف طلا و نقره

۱۶۲۴. امام صادق ﷺ: در ظرف های زرین و
سیمین غذا نخور.

۱۶۲۵. امام کاظم ﷺ: ظروف زرین و سیمین
کالای کسانی است که [به خدا و معاد] یقین
ندارند.

۱۶۲۶. الکافی - به نقل از ابن بزيع -: از امام رضا ﷺ
در باره ظروف طلا و نقره پرسیدم،
حضرت آن دو را ناخوشایند داشت.

۱. سنن أبي داود: ۳/۳۳۹/۳۷۳۱.

۲. الکافی: ۶/۳۸۶. ۳. الکافی: ۶/۲۶۷/۱.

۳. الکافی: ۶/۲۶۸/۷. ۵. الکافی: ۶/۲۶۷/۲.

الافتاء

افتاء



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

انظر:

الدین: باب ۱۳۰۸.

۳۲۳

لِكُلِّ شَيْءٍ آفَةٌ

۱۶۲۷. رسول الله ﷺ: آفَةُ الظُّرْفِ الصَّلَفُ، وَآفَةُ الشَّجَاعَةِ الْبَغْيُ، وَآفَةُ السَّمَاكِهَةِ الْمَنُّ، وَآفَةُ الْجَمَالِ الْخِيَلَاءُ، وَآفَةُ الْعِبَادَةِ الْفَتْرَةُ، وَآفَةُ الْحَدِيثِ الْكَذِبُ، وَآفَةُ الْعِلْمِ النُّسْيَانُ، وَآفَةُ الْحِلْمِ السَّفَهُ، وَآفَةُ الْحَسَبِ الْفَخْرُ، وَآفَةُ الْجُودِ السَّرَفُ.^۱

۱۶۲۸. عنه ﷺ: آفَةُ الدِّينِ الْهُوَى.^۲

۱۶۲۹. الإمام علي عليه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ آفَةٌ، وَآفَةُ الْعِلْمِ النُّسْيَانُ، وَآفَةُ الْعِبَادَةِ الرِّيَاءُ، وَآفَةُ اللَّبِّ الْعُجْبُ، وَآفَةُ النَّجَابَةِ الْكِبَرُ، وَآفَةُ الظُّرْفِ الصَّلَفُ، وَآفَةُ الْجُودِ السَّرَفُ، وَآفَةُ الْحَيَاءِ الضَّعْفُ، وَآفَةُ الْحِلْمِ الذَّلُّ، وَآفَةُ الْجَلْدِ الْفُحْشُ.^۳

۱۶۳۰. عنه ﷺ: الْجُبْنُ آفَةٌ.^۴

۱۶۳۱. عنه ﷺ: الْهُوَى آفَةُ الْأَبَابِ.^۵

۱. كنز العمال: ۴۴۰۹۱.

۲. كنز العمال: ۴۴۱۲۱.

۳. كنز العمال: ۴۴۲۲۶.

۴. غرر الحكم: ۸۹.

۵. غرر الحكم: ۳۱۴.

۳۲۳

هر چیزی آفتی دارد

۱۶۲۷. پیامبر خدا ﷺ: آفتِ زیرکی غرور است، آفتِ شجاعتِ تجاوز، آفتِ بخشندگی منت، آفتِ زیبایی تکبر، آفتِ عبادتِ سستی، آفتِ سخن دروغ، آفتِ علمِ فراموشی، آفتِ بردباری سبکسری، آفتِ بزرگزادگی فخر فروشی و آفتِ سخاوت، زیاده روی.

۱۶۲۸. پیامبر خدا ﷺ: آفتِ دین، هوای نفس است.

۱۶۲۹. امام علی عليه السلام: هر چیزی آفتی دارد؛ آفتِ علم

فراموشی است، آفتِ عبادتِ ریا، آفتِ

خردمندی خودپسندی، آفتِ نجیب زادگی

تکبر، آفتِ زیرکی غرور، آفتِ سخاوت

زیاده روی، آفتِ حیا ناتوانی، آفتِ بردباری

خواری و آفتِ نیرومندی از حد گذراندن

[در گفتار و کردار].

۱۶۳۰. امام علی عليه السلام: ترس، آفت است.

۱۶۳۱. امام علی عليه السلام: هوس، آفت خردهاست.

۱۶۳۲. عنه علیه السلام: آفةُ الإيمانِ الشُّرْكُ.^۱
۱۶۳۳. عنه علیه السلام: آفةُ اليقينِ الشُّكُّ.^۲
۱۶۳۴. عنه علیه السلام: آفةُ النِّعمِ الكُفْرانُ.^۳
۱۶۳۵. عنه علیه السلام: آفةُ الطَّاعةِ العِصْيانُ.^۴
۱۶۳۶. عنه علیه السلام: آفةُ الشَّرَفِ الكِبَرُ.^۵
۱۶۳۷. عنه علیه السلام: آفةُ الذِّكاءِ المَكْرُ.^۶
۱۶۳۸. عنه علیه السلام: آفةُ العبادةِ الرِّياءُ.^۷
۱۶۳۹. عنه علیه السلام: آفةُ السَّخاءِ المَنُ.^۸
۱۶۴۰. عنه علیه السلام: آفةُ الدِّينِ سوءُ الظَّنِّ.^۹
۱۶۴۱. عنه علیه السلام: آفةُ العقلِ الهوى.^{۱۰}
۱۶۴۲. عنه علیه السلام: آفةُ المجدِّ عَوائِقُ القِضاءِ.^{۱۱}
۱۶۴۳. عنه علیه السلام: آفةُ النِّفسِ الوَلَهُ بالدُّنْيا.^{۱۲}
۱۶۴۴. عنه علیه السلام: آفةُ المشاورةِ انْتِقاضُ الآراءِ.^{۱۳}
۱۶۴۵. عنه علیه السلام: آفةُ المُلوكِ سوءُ السَّيرَةِ.^{۱۴}
۱۶۴۶. عنه علیه السلام: آفةُ الوُزراءِ خُبْتُ السَّريرةِ.^{۱۵}
۱۶۳۲. امام علی علیه السلام: آفتِ ایمان، شرک است.
۱۶۳۳. امام علی علیه السلام: آفتِ یقین، شک است.
۱۶۳۴. امام علی علیه السلام: آفتِ نعمتها، ناسپاسی است.
۱۶۳۵. امام علی علیه السلام: آفتِ طاعت، نافرمانی کردن است.
۱۶۳۶. امام علی علیه السلام: آفتِ بزرگ‌زادگی، تکبر است.
۱۶۳۷. امام علی علیه السلام: آفتِ زیرکی، حيله‌گری است.
۱۶۳۸. امام علی علیه السلام: آفتِ عبادت، ریاست.
۱۶۳۹. امام علی علیه السلام: آفتِ سخاوت، منت‌گذاری است.
۱۶۴۰. امام علی علیه السلام: آفتِ دین، بدگمانی است.
۱۶۴۱. امام علی علیه السلام: آفتِ خرد، [پیروی از] خواهشهای نفسانی است.
۱۶۴۲. امام علی علیه السلام: آفتِ بلندپایگی، موانع قضاو قدر است.
۱۶۴۳. امام علی علیه السلام: آفتِ نفس، شیفتگی به دنیا است.
۱۶۴۴. امام علی علیه السلام: آفتِ مشورت، درهم شکستن آراء است.
۱۶۴۵. امام علی علیه السلام: آفتِ شاهان، بدرفتاری است.
۱۶۴۶. امام علی علیه السلام: آفتِ وزیران، بدسگالی است.
۱. غرر الحکم: ۳۹۱۵. ۲. غرر الحکم: ۳۹۱۶.
۳. غرر الحکم: ۳۹۱۷. ۴. غرر الحکم: ۳۹۱۸.
۵. غرر الحکم: ۳۹۱۹. ۶. غرر الحکم: ۳۹۲۰.
۷. غرر الحکم: ۳۹۲۱. ۸. غرر الحکم: ۳۹۲۳.
۹. غرر الحکم: ۳۹۲۴. ۱۰. غرر الحکم: ۳۹۲۵.
۱۱. غرر الحکم: ۳۹۲۲. ۱۲. غرر الحکم: ۳۹۲۶.
۱۳. غرر الحکم: ۳۹۲۷. ۱۴. غرر الحکم: ۳۹۲۸.
۱۵. غرر الحکم: ۳۹۲۹.

۱۶۳۷. عنه علیه السلام: آفت عالمان، حب ریاست است.

۱۶۳۸. امام علی علیه السلام: آفت زمامداران، ضعف سیاست (تدبیر) است.

۱۶۳۹. امام علی علیه السلام: آفت لشکر، سرپیچی از فرماندهان است.

۱۶۵۰. امام علی علیه السلام: آفت تمرین و ریاضت، چیره شدن عادت است.

۱۶۵۱. امام علی علیه السلام: آفت رعیت، نافرمانی کردن است.

۱۶۵۲. امام علی علیه السلام: آفت پارسایی، کمی قناعت است.

۱۶۵۳. امام علی علیه السلام: آفت قاضیان، طمع است.

۱۶۵۴. امام علی علیه السلام: آفت اشخاص عادل، کمی پارسایی است.

۱۶۵۵. امام علی علیه السلام: آفت [شخص] شجاع، وانهادن دوراندیشی و احتیاط است.

۱۶۵۶. امام علی علیه السلام: آفت قدر تمند، ناتوان شمردن دشمن است.

۱۶۵۷. امام علی علیه السلام: آفت بردباری، خواری است.

۱۶۵۸. امام علی علیه السلام: آفت بخشش، تأخیر و تعلل ورزیدن است.

۱۶۵۹. امام علی علیه السلام: آفت صرفه جویی، بخل است.

۱۶۶۰. امام علی علیه السلام: آفت هیبت و شکوه، شوخی است.

۱۶۶۱. امام علی علیه السلام: آفت جستجو، کامیاب نشدن است.

۱۶۳۷. عنه علیه السلام: آفة العلماء حب الرئاسة^۱.

۱۶۳۸. عنه علیه السلام: آفة الزعماء ضعف السياسة^۲.

۱۶۳۹. عنه علیه السلام: آفة الجند مخالفة القادة^۳.

۱۶۵۰. عنه علیه السلام: آفة الرياضة غلبة العادة^۴.

۱۶۵۱. عنه علیه السلام: آفة الرعية مخالفة الطاعة^۵.

۱۶۵۲. عنه علیه السلام: آفة الورع قلة القناعة^۶.

۱۶۵۳. عنه علیه السلام: آفة القضاء الطمع^۷.

۱۶۵۴. عنه علیه السلام: آفة العدول قلة الورع^۸.

۱۶۵۵. عنه علیه السلام: آفة الشجاع إضاعة الحزم^۹.

۱۶۵۶. عنه علیه السلام: آفة القوي استضعاف الخصم^{۱۰}.

۱۶۵۷. عنه علیه السلام: آفة الحليم الدل^{۱۱}.

۱۶۵۸. عنه علیه السلام: آفة العطاء المطل^{۱۲}.

۱۶۵۹. عنه علیه السلام: آفة الاقتصاد البخل^{۱۳}.

۱۶۶۰. عنه علیه السلام: آفة الهيبة المزاح^{۱۴}.

۱۶۶۱. عنه علیه السلام: آفة الطلب عدم النجاح^{۱۵}.

- | | |
|----------------------|----------------------|
| ۱. غرر الحكم: ۳۹۳۰. | ۲. غرر الحكم: ۳۹۳۱. |
| ۳. غرر الحكم: ۳۹۳۲. | ۴. غرر الحكم: ۳۹۳۳. |
| ۵. غرر الحكم: ۳۹۳۴. | ۶. غرر الحكم: ۳۹۳۵. |
| ۷. غرر الحكم: ۳۹۳۶. | ۸. غرر الحكم: ۳۹۳۷. |
| ۹. غرر الحكم: ۳۹۳۸. | ۱۰. غرر الحكم: ۳۹۳۹. |
| ۱۱. غرر الحكم: ۳۹۴۰. | ۱۲. غرر الحكم: ۳۹۴۱. |
| ۱۳. غرر الحكم: ۳۹۴۲. | ۱۴. غرر الحكم: ۳۹۴۳. |
| ۱۵. غرر الحكم: ۳۹۴۴. | |

۱۶۶۲. عنه علیه السلام: آفةُ المُلکِ ضَعْفُ الحِمايَةِ ۱.
 ۱۶۶۳. عنه علیه السلام: آفةُ العُهودِ قِلَّةُ الرِّعايَةِ ۲.
 ۱۶۶۴. عنه علیه السلام: آفةُ الرِّياسَةِ الفَخْرُ ۳.
 ۱۶۶۵. عنه علیه السلام: آفةُ الثَّقَلِ کَذِبُ الرِّوايَةِ ۴.
 ۱۶۶۶. عنه علیه السلام: آفةُ العِلْمِ تَرْکُ العَمَلِ بِهِ ۵.
 ۱۶۶۷. عنه علیه السلام: آفةُ العَمَلِ تَرْکُ الإِخلاصِ ۶.
 ۱۶۶۸. عنه علیه السلام: آفةُ الجُودِ الفَقْرُ ۷.
 ۱۶۶۹. عنه علیه السلام: آفةُ العامَّةِ العالمُ الفاجِرُ ۸.
 ۱۶۷۰. عنه علیه السلام: آفةُ العَدْلِ الظَّالِمُ القادرُ ۹.
 ۱۶۷۱. عنه علیه السلام: آفةُ العُمرانِ جَوْرُ السُّلطانِ ۱۰.
 ۱۶۷۲. عنه علیه السلام: آفةُ القُدْرَةِ مَنعُ الإِحسانِ ۱۱.
 ۱۶۷۳. عنه علیه السلام: آفةُ اللَّبِّ العُجْبُ ۱۲.
 ۱۶۷۴. عنه علیه السلام: آفةُ الحديثِ الکَذِبُ ۱۳.
 ۱۶۷۵. عنه علیه السلام: آفةُ الأَعمالِ عَجْزُ العُمالِ ۱۴.
 ۱۶۷۶. عنه علیه السلام: آفةُ الوفاءِ الغَدْرُ ۱۵.
۱۶۶۲. امام علی علیه السلام: آفت کشورداری، مستی در
 حمایت از کشور است.
 ۱۶۶۳. امام علی علیه السلام: آفت پیمانها، خوب رعایت
 نکردن آنهاست.
 ۱۶۶۴. امام علی علیه السلام: آفت ریاست، فخر فروشی
 است.
 ۱۶۶۵. امام علی علیه السلام: آفت گزارش دادن، دروغ نقل
 کردن است.
 ۱۶۶۶. امام علی علیه السلام: آفت علم، عمل نکردن به آن
 است.
 ۱۶۶۷. امام علی علیه السلام: آفت عمل، نداشتن خلوص
 است.
 ۱۶۶۸. امام علی علیه السلام: آفت بخشندگی، ناداری است.
 ۱۶۶۹. امام علی علیه السلام: آفت مردم، عالم فاسد است.
 ۱۶۷۰. امام علی علیه السلام: آفت عدالت، ستمگرِ قدرتمند
 است.
 ۱۶۷۱. امام علی علیه السلام: آفت آبادانی، ستمگری
 فرمانرواست.
 ۱۶۷۲. امام علی علیه السلام: آفت قدرت، خودداری از
 نیکوکاری است.
 ۱۶۷۳. امام علی علیه السلام: آفت خِرد، خودپسندی است.
 ۱۶۷۴. امام علی علیه السلام: آفت سخن، دروغ گفتن است.
 ۱۶۷۵. امام علی علیه السلام: آفت کارها، ناتوانی کارگزاران
 است.
 ۱۶۷۶. امام علی علیه السلام: آفت وفاداری، پیمان شکنی
 است.

- | | |
|---------------------|---------------------|
| ۱. غرر الحکم: ۳۹۴۵ | ۲. غرر الحکم: ۳۹۴۶ |
| ۳. غرر الحکم: ۳۹۵۰ | ۴. غرر الحکم: ۳۹۴۷ |
| ۵. غرر الحکم: ۳۹۴۸ | ۶. غرر الحکم: ۳۹۴۹ |
| ۷. غرر الحکم: ۳۹۵۱ | ۸. غرر الحکم: ۳۹۵۲ |
| ۹. غرر الحکم: ۳۹۵۳ | ۱۰. غرر الحکم: ۳۹۵۴ |
| ۱۱. غرر الحکم: ۳۹۵۵ | ۱۲. غرر الحکم: ۳۹۵۶ |
| ۱۳. غرر الحکم: ۳۹۵۷ | ۱۴. غرر الحکم: ۳۹۵۸ |
| ۱۵. غرر الحکم: ۳۹۶۰ | |

۱۶۷۷. عنه علیه السلام: آفة الحَزْمِ قَوْتُ الأَمْرِ.^۱
۱۶۷۸. عنه علیه السلام: آفة الأمانةِ الخيانةُ.^۲
۱۶۷۹. عنه علیه السلام: آفةُ الفقهاءِ عدمُ الصَّيانةِ.^۳
۱۶۸۰. عنه علیه السلام: آفةُ الجُودِ التَّبَذِيرُ.^۴
۱۶۸۱. عنه علیه السلام: آفةُ المَعاشِ سُوءُ التَّدبِيرِ.^۵
۱۶۸۲. عنه علیه السلام: آفةُ الكلامِ الإِطالةُ.^۶
۱۶۸۳. عنه علیه السلام: آفةُ الغِنَى البُخْلُ.^۷
۱۶۸۴. عنه علیه السلام: آفةُ الأملِ الأَجَلُ.^۸
۱۶۸۵. عنه علیه السلام: آفةُ الخیرِ قَرینُ السُّوءِ.^۹
۱۶۸۶. عنه علیه السلام: آفةُ الاقْتِدَارِ البَغْيُ والعُتُوُ.^{۱۰}
۱۶۸۷. عنه علیه السلام: رأسُ الآفاتِ الوَلَةُ باللذاتِ.^{۱۱}
۱۶۸۸. عنه علیه السلام: شرُّ آفاتِ العقلِ الکِبَرُ.^{۱۲}
۱۶۷۷. امام علی علیه السلام: آفت دوراندیشی و احتیاط، کار از کار گذاشتن است.
۱۶۷۸. امام علی علیه السلام: آفت امانت، خیانت است.
۱۶۷۹. امام علی علیه السلام: آفت فقیهان، نداشتن صیانت [نفس] است.
۱۶۸۰. امام علی علیه السلام: آفت بخشش، ولخرجی است.
۱۶۸۱. امام علی علیه السلام: آفت معاش، بی تدبیری است.
۱۶۸۲. امام علی علیه السلام: آفت سخن گفتن، پرگویی است.
۱۶۸۳. امام علی علیه السلام: آفت توانگری، بخل است.
۱۶۸۴. امام علی علیه السلام: آفت آرزو، اجل است.
۱۶۸۵. امام علی علیه السلام: آفت خوبی، همنشین بد است.
۱۶۸۶. امام علی علیه السلام: آفت نیرومندی، ستمگری و سرکشی است.
۱۶۸۷. امام علی علیه السلام: سرآمد آفتها، شیفتگی به لذتها (خوشگذرانی) است.
۱۶۸۸. امام علی علیه السلام: بدترین آفت خرد، خود بزرگ بینی است.

۱. غرر الحکم: ۳۹۶۱. ۲. غرر الحکم: ۳۹۶۲.

۳. غرر الحکم: ۳۹۶۳. ۴. غرر الحکم: ۳۹۶۴.

۵. غرر الحکم: ۳۹۶۵. ۶. غرر الحکم: ۳۹۶۶.

۷. غرر الحکم: ۳۹۶۹. ۸. غرر الحکم: ۳۹۷۰.

۹. غرر الحکم: ۳۹۷۱. ۱۰. غرر الحکم: ۳۹۷۲.

۱۱. غرر الحکم: ۵۲۴۴. ۱۲. غرر الحکم: ۵۷۵۲.

حرف النبأ

عنوان	جلد / صفحه
البُخل (بُخل)	۵۰۳
البدعة (بدعت)	۵۱۱
البداء (بداء)	۵۱۹
الأبدال (أبدال)	۵۲۳
التبذير (ولخرجی)	۵۲۷
البِرّ (نیکوکاری)	۵۳۱
البرزخ (برزخ)	۵۳۷
البركة (برکت)	۵۴۳
البرهان (برهان)	۵۴۹
البشر (خوشرویی)	۵۵۳
البصيرة (بینش)	۵۵۷
الباطل (باطل)	۵۶۱
البغض (بغض و نفرت)	۵۶۷
البغي (سرکشی)	۵۷۷
الباغي (سرکش)	۵۸۱
البُكاء (گریستن)	۵/۲
البلد (سرزمین)	۱۱/۲

البلاغة (بلاغت).....	۱۵/۲
التبليغ (تبليغ).....	۲۱/۲
البلوغ (بلوغ).....	۳۱/۲
البُله (بلاغت).....	۳۵/۲
البلاء (آزمایش).....	۳۹/۲
الجهتان (جهتان).....	۷۱/۲
المباهلة (مباهله).....	۷۵/۲
البيعة (بیعت).....	۷۹/۲



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

البَحْلُ

نجل



مركز بحوث ودراسات

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٣٠٨/٧٣ باب ١٣٦ والبخل.

كنز العمال: ٣/٤٥١-٨٠٣ والبخل.

انظر:

عنوان ٢٢٧ والسخاء، ٢٦١ والشح.

۳۲۵

البخل

الكتاب:

قرآن:

«الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا»^۱
 «هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ»^۲

۳۲۵

بُخْل

«آنان که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل فرمان می‌دهند و آنچه را که خداوند از فضل خویش به آنان داده است پوشیده نگه می‌دارند. و ما برای کافران عذابی خوار کننده فراهم آورده‌ایم».

«آگاه باشید که شما را دعوت می‌کنند تا در راه خدا اتفاق کنید. بعضی از شما بخل می‌ورزند و هر کس که بخل ورزد در حق خود بخل ورزیده است؛ زیرا خدا بی‌نیاز است و شما نیازمندید. و اگر روی برتایید به جای شما مردمی دیگر آرد که هرگز همسان شما نباشند».

حدیث:

۱۶۸۹. امام علی علیه السلام: بخل، در بردارنده همه بدیها است و افساری است که [بخیل] به وسیله آن به سوی هر بدی کشانده می‌شود.

۱۶۹۰. امام علی علیه السلام: بخل، ننگ است.

۱۶۹۱. امام علی علیه السلام: بخل، ردای بینوایی است.

۱۶۹۲. امام علی علیه السلام: بخل ورزیدن در آنچه داری،

بدگمانی به معبود است.

الحديث:

۱۶۸۹. الإمام علي عليه السلام: البخل جامعٌ لمساوي العيوب، وهو زمامٌ يقادُ به إلى كلِّ سوءٍ^۳.

۱۶۹۰. عنه عليه السلام: البخل عارٌ^۴.

۱۶۹۱. عنه عليه السلام: البخل جِلْبَابُ الْمَسْكَنَةِ^۵.

۱۶۹۲. عنه عليه السلام: البخل بالموجودِ سوءُ الظَّنِّ بالمعبودِ^۶.

۱. النساء: ۳۷. ۲. محمد: ۳۸.

۳. نهج البلاغة: الحکمة ۳۷۸، بحار الأنوار: ۳۶/۳۰۷/۷۳.

۴. نهج البلاغة: الحکمة ۳. ۵. بحار الأنوار: ۱/۲۳۸/۷۷.

۶. غرر الحکم: ۱۲۵۸.

۱۶۹۳. عنه: مَنْ بَخِلَ بِمَالِهِ ذَلَّ، مَنْ بَخِلَ بِدِينِهِ جَلَّ.^۱

۱۶۹۴. عنه: الْبُخْلُ يُذِلُّ مُصَاحِبَهُ، وَيُعِزُّ مُجَانِبَهُ.^۲

۱۶۹۵. عنه: بِالْبُخْلِ تَكْثُرُ الْمَسَبَّةُ.^۳

۱۶۹۶. الإمام زين العابدين: إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنْ رَبِّي أَنْ أَرَى الْأَخَ مِنْ إِخْوَانِي فَأَسْأَلَ اللَّهَ لَهُ الْجَنَّةَ وَأُبْخَلَ عَلَيْهِ بِالدِّينَارِ وَالذُّرْهَمِ، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ قِيلَ لِي: لَوْ كَانَتِ الْجَنَّةُ لَكَ لَكُنْتَ بِهَا أَبْخَلَ، وَأَبْخَلَ، وَأَبْخَلَ!^۴

۱۶۹۷. الإمام الصادق: إِنْ كَانَ الْخَلْفُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَقًّا فَالْبُخْلُ لِمَاذَا؟^۵

۱۶۹۸. عنه: مَنْ بَرِيَ مِنَ الْبُخْلِ نَالَ الشَّرْفَ.^۶

۱۶۹۹. الإمام الرضا: الْبُخْلُ يُمَزَّقُ الْعِرْضُ.^۷

۱۷۰۰. الإمام الهادي: الْبُخْلُ أَذَمُّ الْأَخْلَاقِ.^۸

۱۷۰۱. فقه الرضا: رَوِيَ: إِيَّاكُمْ وَالْبُخْلَ فَإِنَّهُ عَاهَةٌ لَا يَكُونُ فِي حُرٍّ وَلَا مُؤْمِنٍ، إِنَّهُ

۱۶۹۳. امام علی: هر که در مال خود بخل ورزد خوار می شود و هر که در دین خود بخل ورزد سربلند می گردد.

۱۶۹۴. امام علی: بخل همنشین خود را خوار می دارد و کناره گیر از خود را ارجمند می سازد.

۱۶۹۵. امام علی: بخل ورزیدن، مایه دشنام بسیار می شود.

۱۶۹۶. امام زين العابدين: من از پروردگارم شرم می کنم که برای برادری از برادران خود از خداوند بهشت طلب کنم و آنگاه درهم و دینار را از او دریغ دارم؛ زیرا روز قیامت به من گفته خواهد شد: اگر بهشت برای تو بود، هر آینه نسبت به آن بخیل تر و بخیل تر و بخیل تر بودی!

۱۶۹۷. امام صادق: اگر پاداش و عوض دادن خداوند عز و جل حق است پس دیگر بخل ورزیدن چرا؟

۱۶۹۸. امام صادق: هر که از بخل برهد به شرافت دست می یابد.

۱۶۹۹. امام رضا: بخل، آبرو را بر باد می دهد.

۱۷۰۰. امام هادی: بخل، نکوهیده ترین خوی است.

۱۷۰۱. فقه الرضا: روایت شده: از بخل پرهیزید که بخل آفت است و نه در انسان

۱. غرر الحکم: ۷۹۲۱-۷۹۲۲.

۲. غرر الحکم: ۱۴۰۹. ۳. غرر الحکم: ۴۱۹۵.

۴. مصادقة الإخوان: ۱/۱۶۹.

۵. بحار الأنوار: ۷۸/۱۹۰/۱.

۶. بحار الأنوار: ۷۸/۲۲۹/۵.

۷. بحار الأنوار: ۷۸/۳۵۷/۱۲.

۸. بحار الأنوار: ۷۲/۱۹۹/۲۷.

خِلافُ الْإِيمَانِ ۱.

آزاده و نه در مؤمن یافت نمی شود. بخل با ایمان ناسازگار است.

۳۲۶

الْبَخِيلُ

۱۷۰۲. رسول الله ﷺ: أَبْعَدُكُمْ بِي شَبْهًا الْبَخِيلُ الْبَذِيُّ الْفَاحِشُ ۲.

۱۷۰۳. عنه ﷺ: تُكَلِّمُ النَّارَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَلَاثَةً ...
تَقُولُ لِلْغَنِيِّ: يَا مَنْ وَهَبَهُ اللَّهُ دُنْيَا كَثِيرَةً
وَاسِعَةً فَيُضَا، وَسَلَّاهُ الْفَقِيرُ الْيَسِيرَ قَرْضًا
فَأَبَى إِلَّا بُخْلًا! فَتَزْدَرِيهِ ۳.

۱۷۰۴. عنه ﷺ: الْبَخِيلُ بَعِيدٌ مِنَ اللَّهِ، بَعِيدٌ مِنَ
النَّاسِ، قَرِيبٌ مِنَ النَّارِ ۴.

۱۷۰۵. الإمام علي عليه السلام: الْبَخِيلُ خَازِنُ لَوْزَائِهِ ۵.

۱۷۰۶. عنه ﷺ: الْبَخِيلُ يَبْخُلُ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّيْسِيرِ
مِنْ دُنْيَاهُ، وَيَسْمَحُ لَوْزَائِهِ بِكُلِّهَا ۶.

۱۷۰۷. عنه ﷺ: الْبَخِيلُ يَسْمَحُ مِنْ عَرَضِهِ بِأَكْثَرِ
مِمَّا أَمْسَكَ مِنْ عَرَضِهِ ۷.

۱۷۰۸. عنه ﷺ: النَّظَرُ إِلَى الْبَخِيلِ يُقْسِي الْقَلْبَ ۸.

۱۷۰۹. عنه ﷺ: لَيْسَ لِبَخِيلٍ حَبِيبٌ ۹.

۳۲۶

بخیل

۱۷۰۲. پیامبر خدا ﷺ: بیگانه ترین شما از من،
بخیل بد زبان زشت کردار است.

۱۷۰۳. پیامبر خدا ﷺ: در روز رستاخیز آتش با
سه نفر سخن می گوید ... و به ثروتمند
می گوید: ای کسی که خداوند دنیایی
فراوان و فراخ و سرشار به تو داد و فقیر،
اندکی قرض از تو خواست و تو ندادی و
بخل ورزیدی! پس [آتش] او را فرو
می بلعد.

۱۷۰۴. پیامبر خدا ﷺ: بخیل، از خدا و مردم به دور
و به آتش نزدیک است.

۱۷۰۵. امام علی علیه السلام: بخیل، خزانة دار و ارثان
خویش است.

۱۷۰۶. امام علی علیه السلام: بخیل اندکی از مال خود را
از خویش دریغ می دارد و همه آن را
سخاوتمندانه برای وارثانش وامی گذارد.

۱۷۰۷. امام علی علیه السلام: بخیل بیشتر از آنچه نگه
می دارد، آبروی خود را از بین می برد.

۱۷۰۸. امام علی علیه السلام: نگاه کردن به بخیل سنگدلی
می آورد.

۱۷۰۹. امام علی علیه السلام: بخیل، هیچ دوستی ندارد.



۱. الفقه المنسوب للإمام الرضا: ۳۳۸.

۲. تحف العقول: ۴۴. ۳. النخصال: ۸۴/۱۱۱.

۴. بحار الأنوار: ۳۷/۳۰۸/۷۳.

۵. غرر الحکم: ۴۶۴. ۶. غرر الحکم: ۱۸۸۴.

۷. غرر الحکم: ۲۰۸۴. ۸. تحف العقول: ۲۱۴.

۹. غرر الحکم: ۷۲۷۳.

۱۷۱۰. عنه: **حَاجَّتْكَ إِلَى الْبَخِيلِ أَبْرَدُ مِنَ الزَّمْهِرِيرِ**^۱.

۱۷۱۰. امام علی: نیاز تو، به بخیل، خنکتر از زمهریر است.

۱۷۱۱. عنه: **عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يَسْتَعْجِلُ الْفَقْرَ الَّذِي مِنْهُ هَرَبَ، وَيَفُوتُهُ الْغِنَى الَّذِي إِيَّاهُ طَلَبَ، فَيَعِيشُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ، وَيُحَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ حَسَابَ الْأَغْنِيَاءِ**^۲.

۱۷۱۱. امام علی: در شگفتم از بخیل که فقری را که از آن گریزان است به سوی خود می کشد و ثروتی را که در پی آن است از دست می دهد. او در دنیا مانند تهیدستان به سر می برد و در آخرت همچون توانگران از او حسابرسی می شود.

۱۷۱۲. الإمام الصادق: **عَجِبْتُ لِمَنْ يَبْخُلُ بِالدُّنْيَا وَهِيَ مُقْبِلَةٌ عَلَيْهِ، أَوْ يَبْخُلُ بِهَا وَهِيَ مُدْبِرَةٌ عَنْهُ، فَلَا الْإِنْفَاقَ مَعَ الْإِقْبَالِ يَضُرُّهُ، وَلَا الْإِمْسَاكَ مَعَ الْإِدْبَارِ يَنْفَعُهُ**^۳.

۱۷۱۲. امام صادق: در شگفتم از کسی که دنیا به او روی آورده است و نسبت به آن بخل می ورزد، یا دنیا از او رویگردان شده و نسبت به آن بخل می ورزد؛ زیرا با وجود رویکرد دنیا، انفاق کردن به او زیانی نمی رساند و با پشت کردن دنیا بخل و امساک به او سودی نمی رساند.

۱۷۱۳. عنه: **إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ أَنْ يَتَمَنَّى لِلنَّاسِ الْغِنَى الْبُخْلَاءُ؛ لِأَنَّ النَّاسَ إِذَا اسْتَغْنَوْا كَفُّوا عَنْ أَمْوَالِهِمْ**^۴.

۱۷۱۳. امام صادق: بخیلان بیش از همه باید برای مردم آرزوی توانگری کنند؛ زیرا وقتی مردم بی نیاز شدند، از اموال و داراییهای بخیلان چشم بر می دارند.

۱۷۱۴. عنه: **حَسِبُ الْبَخِيلِ مِنْ بُخْلِهِ سُوءُ الظَّنِّ بِرَبِّهِ، مَنْ أَيقَنَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ**^۵.

۱۷۱۴. امام صادق: در بخل بخیل همین بس که به خدای خود بدگمان است. کسی که به عوض یقین داشته باشد، بذل و بخشش می کند.

۱۷۱۵. عنه: **لَا يَطْمَعَنَّ... الْبَخِيلُ فِي صَلَةِ الرَّحِمِ**^۶.

۱۷۱۵. امام صادق: بخیل هرگز نباید به صلة رحم امید بندد.

۱. بحار الأنوار: ۹۹/۳۱/۷۸. ۲. بحار الأنوار: ۲۸/۱۹۹/۷۲.

۳. بحار الأنوار: ۳/۳۰۰/۷۳.

۴. الأمالي للصدوق: ۶۲۹/۲۷۱.

۵. بحار الأنوار: ۳۵/۳۰۷/۷۳.

۶. بحار الأنوار: ۱۸/۳۰۴/۷۳.

۳۲۷

خصائص البخيل

۱۷۱۶. رسول الله ﷺ: إِنَّمَا الْبَخِيلُ حَقُّ الْبَخِيلِ الَّذِي يَمْنَعُ الزَّكَاةَ الْمَفْرُوضَةَ فِي مَالِهِ، وَيَمْنَعُ الْبَائِنَةَ فِي قَوْمِهِ، وَهُوَ فِيمَا سِوَى ذَلِكَ يُبَذِّرُ.^۱

۱۷۱۷. عنه ﷺ: الْبَخِيلُ حَقًّا مَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ.^۲

۱۷۱۸. عنه ﷺ: الرَّجَالُ أَرْبَعَةٌ: سَخِيٌّ، وَكَرِيمٌ، وَبَخِيلٌ، وَلَثِيمٌ. فَالسَّخِيُّ: الَّذِي يَأْكُلُ وَيُعْطِي، وَالكَرِيمُ: الَّذِي لَا يَأْكُلُ وَيُعْطِي، وَالْبَخِيلُ: الَّذِي يَأْكُلُ وَلَا يُعْطِي، وَاللَّثِيمُ: الَّذِي لَا يَأْكُلُ وَلَا يُعْطِي.^۳

۱۷۱۹. الإمام الصادق ﷺ: إِنَّ الْبَخِيلَ مَنْ كَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ، وَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ.^۴

۱۷۲۰. عنه ﷺ: الْبَخِيلُ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ.^۵

۱۷۲۱. الإمام الكاظم ﷺ: الْبَخِيلُ مَنْ بَخَلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ.^۶

۱. معاني الأخبار: ۴/۲۴۵. ۲. بحار الأنوار: ۲۸/۳۰۶/۷۳.

۳. بحار الأنوار: ۱۸/۳۵۶/۷۱.

۴. بحار الأنوار: ۲۲/۳۰۵/۷۳.

۵. معاني الأخبار: ۸/۲۴۶. ۶. بحار الأنوار: ۳۶/۱۶/۹۶.

۳۲۷

خصلتهای بخیل

۱۷۱۶. پیامبر خدا ﷺ: بخیل واقعی کسی است که از پرداخت زکات واجب مال خود سرپیچد و از بخشش به قوم و خویشان خود دریغ ورزد و در غیر این موارد اسراف و ولخرجی کند.

۱۷۱۷. پیامبر خدا ﷺ: بخیل حقیقی کسی است که نام من نزد او برده شود و بر من درود نفرستد.

۱۷۱۸. پیامبر خدا ﷺ: مردان چهار گروهند: سخی، کریم، بخیل و لثیم. سخی کسی است که می خورد و می خوراند، کریم کسی است که خود نمی خورد ولی می خوراند، بخیل کسی است که می خورد و نه می خوراند و لثیم کسی است که نه خود می خورد و نه به کسی می خوراند.

۱۷۱۹. امام صادق ﷺ: بخیل کسی است که مالی را به ناروا به دست آورد و به ناحق خرج کند.

۱۷۲۰. امام صادق ﷺ: بخیل کسی است که از سلام کردن بخل ورزد.

۱۷۲۱. امام کاظم ﷺ: بخیل کسی است که در پرداخت آنچه خدا بر او واجب فرموده بخل ورزد.

۳۲۸

قِلَّةُ رَاحَةِ الْبَخِيلِ

۱۷۲۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَقَلُّ النَّاسِ رَاحَةً الْبَخِيلُ.^۱۱۷۲۳. الْإِمَامُ الصَّادِقُ ﷺ: لَيْسَتْ لِبَخِيلٍ رَاحَةٌ.^۲

۱۷۲۴. الْإِمَامُ الرُّضَا ﷺ: عَنْ آبَائِهِ ﷺ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ يَقُولُ:

خَلَقْتَ الْخَلَائِقَ فِي قُدْرَةٍ

فَمِنْهُمْ سَخِيٌّ وَمِنْهُمْ بَخِيلٌ

فَأَمَّا السَّخِيُّ فِي رَاحَةٍ

وَأَمَّا الْبَخِيلُ فَشَوْمٌ طَوِيلٌ^۳

(انظر) عنوان ۲۰۰ «الراحة».

مردمان را با قدرت آفریدی

برخی بخشنده‌اند و برخی بخیل

بخشنده در آسودگی است

اما بخیل در رنج و بدبختی طولانی

۳۲۹

بَخِيلُ تَرِينِ مَرْدَمِ

۱۷۲۵. پیامبر خدا ﷺ: بَخِيلُ تَرِينِ مَرْدَمِ كَسِيٌّ اسْتِ

که در پرداخت آنچه خدا بر او واجب گردانیده است، بخل ورزد.

۱۷۲۶. پیامبر خدا ﷺ: بَخِيلُ تَرِينِ مَرْدَمِ كَسِيٌّ اسْتِ

که در سلام کردن بخل ورزد.

۱۷۲۷. امام علی ﷺ: بَخِيلُ تَرِينِ مَرْدَمِ كَسِيٌّ اسْتِ

که مال خویش را از خود دریغ دارد و برای وارثانش بگذارد.

۳۲۹

أَبْخَلَ النَّاسِ

۱۷۲۵. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخَلَ بِمَا

افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ.^۴۱۷۲۶. عَنْهُ ﷺ: إِنْ أَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ.^۵

۱۷۲۷. الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ: أَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخَلَ عَلَى

نَفْسِهِ بِمَالِهِ وَخَلْفَهُ لَوَرَائِهِ.^۶

۱. بحار الأنوار: ۷۳/۳۰۰/۲.

۲. بحار الأنوار: ۷۳/۳۰۳/۱۷.

۳. بحار الأنوار: ۷۳/۳۰۴/۲۰.

۴. بحار الأنوار: ۷۳/۳۰۰/۲.

۵. بحار الأنوار: ۷۶/۴/۱۱. ۶. غرر الحکم: ۳۲۵۳.

۱۷۲۸. امام علی علیه السلام: دریغ کردن از پرداخت حقوقی که خداوند واجب کرده، زشت ترین نوع بخل است.

۱۷۲۹. امام علی علیه السلام: چشم پوشیدن از آنچه در دست مردم است بالاتر از بخشندگی است.

۱۷۳۰. امام صادق علیه السلام: امیرالمؤمنین پنج بار شتر^۱ خرما برای مردی فرستاد ... مردی به امیرالمؤمنین عرض کرد: به خدا قسم فلانی از تو [این مقدار] نخواسته است، یک بار از پنج بار برای او کافی است! امیرالمؤمنین فرمود: خدا امثال تو را در میان مؤمنان زیاد نکند! من می بخشم و تو بخل می ورزی؟! 

۳۳۰

نشانه بخل

۱۷۳۱. امام علی علیه السلام: بهانه تراشی زیاد، نشانه بخل است.

۱۷۳۲. امام علی علیه السلام: بخیل، انواع عذر و بهانه را می آورد.

۱۷۲۸. عنه علیه السلام: البخل بإخراج ما افترضه الله سبحانه من الأموال أقبح البخل^۱.

۱۷۲۹. عنه علیه السلام: إن سخاء النفس عما في أيدي الناس لأفضل من سخاء البدل^۲.

۱۷۳۰. الإمام الصادق علیه السلام: إن أمير المؤمنين علیه السلام بعث إلى رجل بخمسة أوساق من تمر ... فقال رجل لأمير المؤمنين علیه السلام: والله ما سألك فلان، ولقد كان يجزيه من الخمسة أوساق وسق واحد! فقال له أمير المؤمنين علیه السلام: لا كثر الله في المؤمنين ضربك! أعطي أنا وتبخل أنت؟!^۳

۳۳۰

آیه البخل

۱۷۳۱. الإمام علی علیه السلام: كثرة العلل آية البخل^۴.

۱۷۳۲. عنه علیه السلام: البخيل متحجج بالمعاذير والتعاليل^۵.

۱. غرر الحکم: ۲۰۳۸. ۲. غرر الحکم: ۲۵۲۷.

۳. وسائل الشیعة: ۱/۳۱۸/۶.

۴. بحار الأنوار: ۱/۲۰۹/۷۷.

۵. غرر الحکم: ۱۲۷۵.

۱. در متن حدیث اوساق آمده است، که جمع وسق است و هر وسق، شصت صاع، یا یک بار شتر است.



الْبِدْعَةُ

بِ



ولمزيد الاطلاع راجع:

- بحار الأنوار: ٢٦١/٢ باب ٣٢ (البدعة والسنة).
بحار الأنوار: ٢٨٣/٢ باب ٣٤ (البدع والرأي).
بحار الأنوار: ٢١٣/٧٢ باب ١٠٩ (من استولى عليهم الشيطان من أصحاب البدع).
بحار الأنوار: ٢١٦/٧٢ باب ١١٠ (عقاب من أحدث ديناً، أو أضل الناس).
كنز العمال: ١/٢١٨، ٢٢١، ٣٨٧ (في البدع).

انظر:

- الإيمان: باب ٢٩٠، الشرك: باب ١٩٧٣.
الفتنة: باب ٣١٠٥، الكفر: باب ٣٤٣٩.

۳۳۱

البدعة

۱۷۳۳. رسول الله ﷺ: شَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا، أَلَا وَكُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ، أَلَا وَكُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ.^۱

۱۷۳۴. عنه ﷺ: اتَّبِعُوا وَلَا تَبْتَدِعُوا، فَقَدْ كُفَيْتُمْ.^۲

۱۷۳۵. عنه ﷺ: إِيَّاكَ أَنْ تَسُنَّ سُنَّةَ بَدْعٍ؛ فَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَنَّ سُنَّةَ سَيِّئَةٍ لَحِقَهُ وَزُرُّهَا وَوَزُرُّ مَنْ عَمِلَ بِهَا.^۳

۱۷۳۶. عنه ﷺ: - وَقَدْ سُئِلَ عَمَّنْ أَخَذَ حَدَّثًا أَوْ آوَى مُحَدِّثًا: مَا هُوَ؟ -: مَنْ ابْتَدَعَ بَدْعَةً فِي الْإِسْلَامِ، أَوْ مَثَلَ بغيرِ حَدٍّ، أَوْ مَنْ انْتَهَبَ نَهْيَةَ يَرْفَعُ الْمُسْلِمُونَ إِلَيْهَا أَبْصَارَهُمْ، أَوْ يَدْفَعُ عَنْ صَاحِبِ الْحَدِّثِ، أَوْ يَنْصُرُهُ أَوْ يُعِينُهُ.^۴

۱۷۳۷. الإمام علي عليه السلام: مَا أَخْدِثْتَ بَدْعَةً إِلَّا تَرِكَتَ بِهَا سُنَّةً، فَاتَّقُوا الْبِدْعَ وَالزَّمُوا الْمَهْيَعَ، إِنَّ

۳۳۱

بدعت

۱۷۳۳. پیامبر خدا ﷺ: بدترین امور آن است که بدعت باشد. بدانید هر بدعتی گمراهی است. بدانید که هر گمراهی فرجامش آتش است.

۱۷۳۴. پیامبر خدا ﷺ: [از احکام اسلامی] پیروی کنید و بدعت مگذارید؛ زیرا آنچه شما را کفایت می کند گفته شده است.

۱۷۳۵. پیامبر خدا ﷺ: مبادا سنتی را بدعت گذاری؛ زیرا اگر بنده سنت بدی را به وجود آورد گناه آن و گناه کسی که به آن عمل کند به گردن اوست.

۱۷۳۶. پیامبر خدا ﷺ: وقتی از ایشان سؤال شد: آنکه در دین چیزی نو پدید آورد یا چنین کسی را پناه دهد، کیست؟ - فرمود: او کسی است که در اسلام بدعتی بگذارد، یا بدون حد کسی را مثله کند، یا دست به غارتی [چشمگیر] زند که نگاههای مسلمانان به سوی آن کشانده شود یا از بدعتگذار دفاع کند، یا او را یاری رساند، یا کمکش کند.

۱۷۳۷. امام علی علیه السلام: هیچ بدعتی نهاده نشد مگر آن که بدان سبب سنتی ترک شد. از بدعتها

۱. الأمالی للمفيد: ۱۸۸/۱۴.

۲. كنز العمال: ۱۱۱۲.

۳. بحار الأنوار: ۷۷/۱۰۴/۱.

۴. بحار الأنوار: ۲/۲۹۹/۲۷.

عَوَازِمَ الْأُمُورِ أَفْضَلُهَا، وَإِنْ مُخَدَّثَاتِهَا
شِرَازُهَا.^۱

۱۷۳۸. عنه: مَا هَدَمَ الدِّينَ مِثْلُ الْبِدْعِ.^۲

۳۳۲

أَهْلُ الْبِدْعِ

۱۷۳۹. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَهْلُ الْبِدْعِ شَرُّ الْخَلْقِ
وَالْخَلِيقَةِ.^۳

۱۷۴۰. عنه: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا
دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا»^۴:- هُمْ أَصْحَابُ الْبِدْعِ
وَأَصْحَابُ الْأَهْوَاءِ، لَيْسَ لَهُمْ تَوْبَةٌ، أَنَا
مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ.^۵

۱۷۴۱. عنه: أَهْلُ الْبِدْعِ كِلَابُ أَهْلِ النَّارِ. عَزَّ وَجَلَّ

۳۳۳

مَعْنَى الْبِدْعَةِ

۱۷۴۲. الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ: أَمَّا أَهْلُ الْبِدْعَةِ فَالْمُخَالِفُونَ
لَأَمْرِ اللَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَرَسُولِهِ، الْعَامِلُونَ بِرَأْيِهِمْ
وَأَهْوَائِهِمْ وَإِنْ كَثُرُوا.^۶

۱۷۴۳. الْإِمَامُ الصَّادِقُ ﷺ: مَنْ دَعَا النَّاسَ إِلَى

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۴۵.

۲. بحار الأنوار: ۹۸/۹۲/۷۸.

۳. كنز العمال: ۱۰۹۵، ۱۱۲۶.

۴. الأنعام: ۱۵۹.

۵. كنز العمال: ۲۹۸۶.

۶. كنز العمال: ۱۱۲۵، ۴۴۲۱۶.

بهریزید و راه روشن را در پیش گیرید،
بهترین کارها [در دین] آن است که خدا از
تو به جد خواسته است و بدترین آنها آن
است که نو پدید و بی سابقه باشد.

۱۷۳۸. امام علی: چیزی مانند بدعتها دین را
ویران نکرده است.

۳۳۲

بدعتگذاران

۱۷۳۹. پیامبر خدا ﷺ: بدعتگذاران، بدترین مردم
و موجودات هستند.

۱۷۴۰. پیامبر خدا ﷺ: در تفسیر آیه «آنان که دین
خود را فرقه فرقه کردند و گروه گروه
شدند» - فرمود: اینان همان بدعتگذاران و
فرقه گرایانند. توبه آنان پذیرفته نیست. من
از آنان بیزار هستم و آنان از من دور.

۱۷۴۱. پیامبر خدا ﷺ: بدعتگذاران، سگهای اهل
دوزخ هستند.

۳۳۳

معنای بدعت

۱۷۴۲. امام علی: بدعتگذاران کسانی هستند
که با فرمان خدا و کتاب او و پیامبرش
مخالفت می ورزند و بر اساس رأی و
گرایشهای خود عمل می کنند؛ هر چند
شمارشان بسیار باشد.

۱۷۴۳. امام صادق: هر که مردم را به خود فرا

نَفْسِهِ وَفِيهِمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ فَهُوَ مُبْتَدِعٌ
ضال^۱.

(انظر) عنوان ۷۳ «الجماعة».

۳۳۳

روی گرداندن از بدعتگذار

۱۷۳۲. پیامبر خدا ﷺ: هرگاه بدعتگذاری را دیدید، به او رو تَرش کنید.

۱۷۳۵. پیامبر خدا ﷺ: هر کس به روی بدعتگذار لبخند بزند، به نابود کردن دین خود کمک کرده است.

۱۷۳۶. پیامبر خدا ﷺ: هر کس بدعتگذاری را مرعوب سازد خداوند قلب او را از آرامش و ایمان بیاکند.

۱۷۳۷. پیامبر خدا ﷺ: هر کس به نفرت و دشمنی از بدعتگذار روی گرداند، خداوند دل او را از آرامش و ایمان لبریز می سازد.

۱۷۳۸. پیامبر خدا ﷺ: هر که از سر بغض و دشمنی با بدعتگذار، از او روی گرداند، خداوند دل او را از یقین و خوشنودی آکنده می سازد.

۱۷۳۹. پیامبر خدا ﷺ: هر کس نزد بدعتگذاری برود و او را احترام کند، در نابودی اسلام کوشیده است.

۱۷۵۰. پیامبر خدا ﷺ: هرگاه شکاکان و

۳۳۴

الإعراض عن صاحب البدعة

۱۷۳۲. رسول الله ﷺ: إذا رأيتم صاحب بدعة فاكفروا في وجهه^۲.

۱۷۳۵. عنه ﷺ: مَنْ تَبَسَّمَ فِي وَجْهِ مُبْتَدِعٍ فَقَدْ أَعَانَ عَلَى هَدْمِ دِينِهِ^۳.

۱۷۳۶. عنه ﷺ: مَنْ أَرَعَبَ صَاحِبَ بَدْعٍ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ أَمْنًا وَإِيمَانًا^۴.

۱۷۳۷. عنه ﷺ: مَنْ أَعْرَضَ عَنْ صَاحِبِ بَدْعٍ، بُغْضًا لَهُ، مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ أَمْنًا وَإِيمَانًا^۵.

۱۷۳۸. عنه ﷺ: مَنْ أَعْرَضَ عَنْ صَاحِبِ بَدْعٍ، بُغْضًا لَهُ، مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَقِينًا وَرِضًا^۶.

۱۷۳۹. عنه ﷺ: مَنْ أَتَى ذَا بَدْعٍ فَوَقَرَهُ فَقَدْ سَعَى فِي هَدْمِ الْإِسْلَامِ^۷.

۱۷۵۰. عنه ﷺ: إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الرِّيبِ وَالْبِدْعِ مِنْ

۱. تحف العقول: ۳۷۵. ۲. كنز العمال: ۱۶۷۶.

۳. بحار الأنوار: ۴۷/۲۱۷. ۴.

۵. كنز العمال: ۵۵۹۸. ۵. كنز العمال: ۵۵۹۹.

۶. تنبيه الخواطر: ۱۱۶/۲. ۷. بحار الأنوار: ۷۲/۲۶۵.

بَعْدِي فَأَظْهِرُوا الْبَرَاءَةَ مِنْهُمْ، وَأَكْثِرُوا مِنْ سَبِّهِمْ، وَالْقَوْلِ فِيهِمْ وَالْوَقِيعَةِ، وَنَاهِبُوهُمْ كَيْ لَا يَطْمَعُوا فِي الْفَسَادِ فِي الْإِسْلَامِ، وَتَحْذَرَهُمُ النَّاسُ وَلَا يَتَعَلَّمُوا مِنْ بَدْعِهِمْ، يَكْتُبُ اللَّهُ لَكُمْ بِذَلِكَ الْحَسَنَاتِ، وَتَرْفَعُ لَكُمْ بِهَا الدَّرَجَاتُ فِي الْآخِرَةِ.^۱

۳۳۵

الْمُبْتَدِعُ وَالْعِبَادَةُ

۱۷۵۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ عَمِلَ فِي بَدْعَةٍ خَلَاهُ الشَّيْطَانُ وَالْعِبَادَةُ، وَالْقِيُّ عَلَيْهِ الْخُشُوعُ وَالْبُكَاءُ.^۲

۱۷۵۲. عَنْهُ ﷺ: إِذَا تَمَّ فُجُورُ الْعَبْدِ مَلَكَ عَمَلَهُ فَبَكَى مِنْهُمَا مَنْ شَاءَ.^۳

۱۷۵۳. عَنْهُ ﷺ: بُكَاءُ الْمُؤْمِنِ مِنْ قَلْبِهِ، وَبُكَاءُ الْمُنَافِقِ مِنْ هَامَتِهِ.^۴

۱۷۵۴. الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ: أَقْسِمُ بِاللَّهِ لَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: إِنَّ الشَّيْطَانَ إِذَا حَمَلَ قَوْمًا عَلَى الْفَوَاحِشِ مِثْلِ الزُّنَا وَشُرْبِ الْخَمْرِ وَالزُّبَا وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنَ الْخَنَى وَالْمَأْثَمِ حَبَّبَ إِلَيْهِمُ الْعِبَادَةَ الشَّدِيدَةَ وَالْخُشُوعَ وَالرُّكُوعَ وَالْخُضُوعَ وَالسُّجُودَ، ثُمَّ حَمَلَهُمْ

۱. تنبيه الخواطر: ۱۶۲/۲. ۲. بحار الأنوار: ۷۲/۲۱۶/۸.

۳. كنز العمال: ۸۴۷. ۴. كنز العمال: ۸۵۰.

بدعتگذاران پس از من را دیدید، از آنان بیزارى نشان دهید و تا مى توانید به ایشان دشنام دهید و بد بگویید و بر آنان بتازید، تا از تباه کردن اسلام ناامید شوند، و مردم از آنان بر حذر باشند و از بدعتهای آنان چیزی نیاموزند، بدین سان خداوند در عرض آن برای شما ثوابها مى نویسد و به خاطر این کار درجات شما را در آخرت رفعت مى بخشد.

۳۳۵

بدعتگذار و عبادت

۱۷۵۱. پیامبر خدا ﷺ: هر کس به بدعتی عمل کند، شیطان او را با عبادت تنها می گذارد و حالت خشوع و گریه بر او می افکند.

۱۷۵۲. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه گناهکاری بنده به اوج رسد، اختیاردار چشمان خود می گردد و هر گاه بخواهد از آنها اشک می گیرد.

۱۷۵۳. پیامبر خدا ﷺ: گریه مؤمن از دل است و گریه منافق از سرش.

۱۷۵۴. امام علی ﷺ: سوگند به خدا که شنیدم پیامبر خدا ﷺ می فرماید: هرگاه شیطان مردمی را به ارتکاب زشتیهایی همچون زنا، میگساری، ربا خواری و پلیدیها و گناهانی اینچنین، وا دارد، عبادت شدید و خشوع و رکوع و خضوع و سجود را

عَلَى وَلَايَةِ الْأَنْعَمَةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ ۱.

(انظر) الخشوع: باب ۱۰۲۶.

الغرور: باب ۲۹۹۹.

الصدق: باب ۲۱۶۳.

محبوب آنان می گرداند و سپس ایشان را به ولایت و پیروی از پیشوایانی وادار می کند که به دوزخ فرا می خوانند.

۳۳۶

بطلان عمل بدعتگذار

۱۷۵۵. پیامبر خدا ﷺ: خداوند از بدعتگذار نه روزه ای می پذیرد، نه نمازی، نه صدقه ای، نه زکاتی، نه حجی، نه عمره ای، نه جهادی، نه توبه ای و نه فدیة ای.

۱۷۵۶. پیامبر خدا ﷺ: عمل اندک مطابق با سنت، بهتر است از عمل بسیار که با بدعت همراه باشد.

۱۷۵۷. پیامبر خدا ﷺ: هیچ گفتاری جز با کردار پذیرفته نمی شود، و هیچ گفتار و کرداری جز با نیت پذیرفته نمی شود و هیچ گفتار و کردار و نیتی پذیرفته نمی شود جز آنکه مطابق با سنت باشد.

۳۳۷

توبه بدعتگذار

۱۷۵۸. پیامبر خدا ﷺ: خداوند توبه بدعتگذار

۳۳۶

بطلان عمل المبتدع

۱۷۵۵. رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَقْبَلُ لِصَاحِبِ بِدْعَةٍ صَوْمًا وَلَا صَلَاةً وَلَا صَدَقَةً وَلَا حَجًّا وَلَا عُمْرَةً وَلَا جِهَادًا وَلَا صَرْفًا وَلَا عَدْلًا ۲.

۱۷۵۶. عنه ﷺ: عَمَلٌ قَلِيلٌ فِي سُنَّةٍ خَيْرٌ مِنْ عَمَلٍ كَثِيرٍ فِي بِدْعَةٍ ۳.

۱۷۵۷. عنه ﷺ: لَا يَقْبَلُ قَوْلٌ إِلَّا بِعَمَلٍ، وَلَا يَقْبَلُ قَوْلٌ وَلَا عَمَلٌ إِلَّا بِنِيَّةٍ، وَلَا يَقْبَلُ قَوْلٌ وَعَمَلٌ وَنِيَّةٌ إِلَّا بِاصَابَةِ السُّنَّةِ ۴.

(انظر) العبادة: باب ۲۴۶۱.

۳۳۷

توبه صاحب البدعة

۱۷۵۸. رسول الله ﷺ: أَمْسَى اللَّهُ لِصَاحِبِ الْبِدْعَةِ

۱. بحار الأنوار: ۷۷/ ۲۷۲/ ۱.

۲. كنز العمال: ۱۱۱۵. ۳. الأمالي للطوسي: ۸۳۸/ ۳۸۵.

۴. الأمالي للطوسي: ۸۳۹/ ۳۸۶.

بالتوبة^۱.

را نمی پذیرد.

(انظر) بحار الأنوار: ۷۲/۲۱۶ باب ۱۱۰.

الإجارة: باب ۱۲.

۳۳۸

وظیفه علما به هنگام پدید آمدن
بدعتها

۳۳۸

۱۷۵۹. پیامبر خدا ﷺ: هرگاه بدعتها در میان امت پدیدار شوند بر عالم است که علم خود را آشکار سازد. هر کس چنین نکند، لعنت خدا بر او باد.

ما يَجِبُ عَلَى الْعَالِمِ عِنْدَ ظُهُورِ الْبِدْعِ
۱۷۵۹. رسول الله ﷺ: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي
فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ
لَعْنَةُ اللَّهِ.^۲

۱۷۶۰. پیامبر خدا ﷺ: هرگاه بدعتها پدیدار شوند و پسینیان این امت، پیشینیان آن را لعن و نفرین کنند، هر کس دانشی دارد، باید آن را منتشر سازد، که هر کس در آن روز دانش خود را پنهان دارد، همچون کسی است که آنچه را خدا بر محمد نازل کرده، کتمان کرده باشد.

۱۷۶۰. عَنْهُ ﷺ: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ وَلَعَنَ آخِرُ هَذِهِ
الْأُمَّةِ أَوْلَهَا، فَمَنْ كَانَ عِنْدَهُ عِلْمٌ فَلْيُنْشُرْهُ،
فَإِنَّ كَاتِمَ الْعِلْمِ يَوْمَئِذٍ كَكَاتِمٍ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ
عَلَى مُحَمَّدٍ.^۳

۱۷۶۱. وسائل الشيعة - به نقل از یونس بن عبد الرحمن -: از امام باقر ع و امام صادق ع برای ما روایت شده است که فرموده اند: هرگاه بدعتها سر بردارند، عالم باید علم و دانش خود را آشکار سازد و اگر چنین نکند، نور ایمان از او سلب می شود.

۱۷۶۱. وسائل الشيعة عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ
الرَّحْمَنِ: رَوَيْنَا عَنِ الصَّادِقِينَ ع أَنَّهُمْ
قَالُوا: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالِمِ أَنْ
يُظْهِرَ عِلْمَهُ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سُلِبَ نَوْرُ
الْإِيمَانِ.^۴

(انظر) وسائل الشيعة: ۱۱/۵۱۰ باب ۴۰.

التقية: باب ۴۱۱۷.

الإمامة: باب ۱۷۳.

۱. بحار الأنوار: ۷۲/۲۱۶/۸.

۲. الكافي: ۱/۵۴/۲. ۳. كنز العمال: ۹۰۳.

۴. وسائل الشيعة: ۱۱/۵۱۱/۹.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



الْبَدَاءُ

بَدَاءُ



مركز تحقيقات كميوتير علوم ديني

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ۹۲/۴ باب ۳ «البداء والنسخ».

موسوعة العقائد الإسلامية: ج ۶.

افضل:

معركة الله: باب ۲۵۹۹.

۳۳۹

مَدْحُ الْبَدَاءِ

۱۷۶۲. الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليه السلام: ما عُبِدَ
الله عز وجل بشيءٍ مثل البداء^۱.

۱. بحار الأنوار: ۱۹/۱۰۷/۴.

۲. البداء بالفتح والمد في اللغّة: ظهور الشيء بعد الخفاء، وحصول العلم به بعد الجهل. وانتفتت الأمة على امتناع ذلك على الله سبحانه، إلا من لا يعتد به. ومن اُفترى ذلك على الإمامية فقد افترى كذباً عظيماً، والإمامية منه براء.

وفي العرف - على ما يُستفاد من كلام العلماء وأئمة الحديث - يُطلق على معانٍ كلّها صحيحة في حقّه تعالى: منها: إبداء شيءٍ وإحداثه، والحكم بوجوده بتقدير حادث، وتعلّق إرادة حادثة بحسب الشروط والمصالح، ومن هذا القبيل إيجاد الحوادث اليومية. ويُقرّب منه قول ابن الأثير - في حديث الأفرع والأبرص والأعمى -: بداء الله عز وجل أن يبتليهم: أي قضى بذلك. وهو معنى البداء هاهنا؛ لأنّ القضاء سابق. والبداء استصواب شيءٍ عَلِيمٍ بعد أن لم يُعْلَم، وذلك على الله عز وجل غير جائز، انتهى. ولعله أراد بالقضاء الحكم بالوجود، وأراد بكونه سابقاً أنّ العلم به سابق، كما يُرشد إليه ظاهر التعليل المذكور بعده.

ومنها: ترجيح أحد المتقابلين، والحكم بوجوده بعد تعلّق الإرادة بهما تعلّقاً غير حتمي، لترجحان مصلحته وشروطه على مصلحة الآخر وشروطه. ومن هذا القبيل إجابة الدّاعي، وتحقيق مطالبه، وتطوير العمر بصلّة الرحم، وإرادة إبقاء قوم بعد إرادة إهلاكهم.

ومنها: مَحْو ما ثَبَت وجوده في وقتٍ محدود بشروط

»

۳۳۹

ستایش بداء

۱۷۶۲. امام باقر عليه السلام یا امام صادق عليه السلام: خداوند عز وجل به چیزی مانند بداء^۱ پرستش نشده است.

۱. بداء - به فتح و مد - در لغت به معنای معلوم شدن یک چیز پس از پنهان بودن و آگاه شدن به آن، در صورتی که قبلاً معلوم نبوده می باشد. همه مسلمانان - بجز شماری اندک - این گونه بداء را برای خداوند ناشدنی و محال می دانند و کسانی که این عقیده را به شیعه نسبت می دهند بی گمان تهمت و دروغ بزرگی زده اند که دامن شیعه از آن پاک و مبرا است.

اما بداء در عرف - آن گونه که از سخنان علما و پیشوایان حدیث بر می آید - به چند معناست که همه آنها درباره خداوند متعال می تواند درست باشد؛ از جمله:

۱ - پدیدار کردن و پدید آوردن چیزی و حکم به هستی یافتن آن به سبب تقدیری جدید و تعلّق گرفتن اراده ای جدید به چیزی بر حسب شرایط و مصالح. از این قبیل است پدید آوردن اتفاقات روزمره.

سخن ابن اثیر - در حدیث افراد کچل و پس و کور - نزدیک به همین معناست. او می گوید: «برای خداوند عز وجل بداء حاصل شد که آنان را، به این وسیله آزمایش کند: یعنی به این حکم کرد. در این جا بداء، به معنای قضا و حکم است؛ زیرا قضا [از سر علم] صورت گرفته است در حالی که بداء [محال]، به معنای پی بردن به درستی امری است که قبلاً برای خدا معلوم نبوده است. و نسبت دادن این معنا به خداوند، محال و نارواست».

و شاید مقصودش از قضا، حکم به موجود شدن است و منظور از سابق [صفت قضا]، علم پیشین است، همان گونه که تعلیل ذکر شده به آن ره می نماید.

۲ - ترجیح یکی از دو امر متقابل و حکم به هستی یافتن امر راجح، بعد از تعلّق گرفتن اراده غیر حتمی، نسبت به هر دو امر. این ترجیح ناشی از ترجیح مصلحت و شرط های یکی بر مصلحت و شرط های دیگری است. از این قبیل است اجابت دعا و بر آورده شدن خواستهای دعا کننده، طولانی شدن عمر به سبب صلّه رحم و تصمیم به باقی نگه داشتن مردمی بعد از تصمیم داشتن به نابودی آنها.

۳ - از بین بردن چیزی که وجود آن در زمانی معین و با»

۱۷۶۳. الإمام الصادق عليه السلام: ما عظم الله عز وجل
بمثل البداء^۱.

۱۷۶۳. امام صادق عليه السلام: خداوند عز و جل به چیزی
مانند بداء، تعظیم نشده است.

۳۳۰

معنى البداء

۱۷۶۴. الإمام الصادق عليه السلام: إن الله علمين: علم
مکنون مخزون لا يعلمه إلا هو، من ذلك
يكون البداء، وعلم علمه ملائكتُهُ ورسلُهُ
وأنبياءُهُ ونحن نعلمُهُ^۲.

۳۳۰

معنای بداء

۱۷۶۴. امام صادق عليه السلام: خداوند را دو علم است:
علمی نهفته و اندوخته که جز خودش کسی
آن را نمی داند، و بداء از این نوع علم است،
و علمی که به فرشتگان و فرستادگان و
پیامبران خود آموخته است، و ما آن را
می دانیم.

۳۳۱

البداء المحال

۱۷۶۵. الإمام الصادق عليه السلام: من زعم أن الله عز
وجل يبدو له في شيء لم يعلمه أمين
فابترؤوا منه^۳.

۳۳۱

بدای محال

۱۷۶۵. امام صادق عليه السلام: هر کس اعتقاد داشته باشد
که برای خداوند در چیزی بدا حاصل
می شود که دیروز آن را نمی دانسته است،
از او براءت جویند.



« در نظر گرفتن شرایطی مشخص و مصلحتی خاص، حتمی
بوده است، و نیز قطع استمرار وجود آن چیز بعد از سپری شدن
آن زمان و شرایط و مصالح خواه به دلیل محقق شدن زمینه ها و
مصلحت ها، جانشینی برای آن شیء از میان رفته، گذاشته شود یا
نشود. مانند زنده کردن و میراندن و قبض و بسط در امور تکوینی
و نسخ احکام بدون جانشین، یا با جانشین در امور تکلیفی. نسخ
نیز، همچنان که شیخ صدوق عليه السلام در دو کتاب التوحید و
الاعتقادات خود تصریح کرده است، داخل در موضوع بداء
می باشد. و این امور از آن رو بداء نامیده شده اند که مستلزم
آشکار شدن چیزی برای مردم هستند پس از آنکه از دیده آنان
پنهان بود و از این رو برخی، بداء را چنین تعریف کرده اند:
«اثری که پیش از صدور آن هیچ یک از خلق خدا، از پدید آمدن
آن آگاهی نداشتند».

« معلومه و مصلحتی مخصوصه، و قطع استمراره بعد انقضاء
ذلك الوقت والشروط والمصالح، سواء أثبت بدله لتحقق
الشروط والمصالح في إثباته أو لا. ومن هذا القبيل الإحياء
والإماتة والقبض والبسط في الأمر التكويني، ونسخ
الأحكام بلا بدل أو معه في الأمر التكليفي، والنسخ أيضاً
داخل في البداء، كما صرح به الصدوق في كتابي التوحید
والاعتقادات. (بحار الأنوار: ۴/ ۹۲، ۹۳، انظر تمام الكلام).

۱. بحار الأنوار: ۴/ ۱۰۷/ ۲۰.

۲. بحار الأنوار: ۴/ ۱۱۰/ ۲۷.

۳. بحار الأنوار: ۴/ ۱۱۱/ ۳۰.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



الأبدان

ابدال



مركز تحقيقات الكمبيوتر علوم إسلامي

افضل:

عنوان ٢٣٥ «المقربون».

۳۳۲

الأبدال^۱

۱۷۶۶. رسول الله ﷺ: ثلاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَهُوَ مِنَ الأبدالِ: الرِّضا بالقضاء، والصَّبْرُ عن مَحارِمِ الله، والغَضَبُ في ذاتِ الله عزَّ وجلَّ.^۱

۱۷۶۷. عنه ﷺ: إِنَّ أبدالَ أُمَّتِي لَمْ يَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بالأعمالِ، وَلَكِنْ إِنَّمَا دَخَلُوهَا بِرَحْمَةِ اللهِ وَسَخَاوَةِ الْإِنْفُسِ وَسَلَامَةِ الصُّدْرِ وَرَحْمَةِ لِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ.^۲

۱۷۶۸. الإمامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ ؑ - في مُناجاتِهِ -:
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ...
واجعلنا بِخِدْمَتِكَ لِلْعِبَادِ والأبدالِ في أَقْطَارِهَا طُلَّاباً، وَلِلْخَاصَّةِ مِنْ أَصْفِيائِكَ أَصْحَاباً، وَلِلْمُرِيدِينَ الْمُتَعَلِّقِينَ بِبَابِكَ أَحْسَاباً.^۳

۱۷۶۹. الإمامُ الصَّادِقُ ؑ - في الدُّعَاءِ الْمَعْرُوفِ بِأُمِّ دَاوُودَ في النُّصْفِ مِنْ رَجَبٍ -: اللَّهُمَّ صَلِّ

۳۳۲

أبدال^۱

۱۷۶۶. پیامبر خدا ﷺ: سه خصلت است که هر کس داشته باشد از ابدال است: خشنودی به قضای الهی، خویشتن داری از محرمات خدا و خشم گرفتن به خاطر خداوند عزوجل.

۱۷۶۷. پیامبر خدا ﷺ: همانا ابدال امت من، با کردارشان به بهشت نمی روند، بلکه به سبب رحمت خداوند و روح سخاوتمندشان و داشتن سینه ای بی کینه و مهربانی نسبت به همه مسلمانان به بهشت می روند.

۱۷۶۸. امام زین العابدین ؑ - در مناجاتش -
گفت: خدایا! بر محمد و اهل بیتش درود فرست ... و ما را طالب خدمت به بندگان و اولیاء در سراسر گیتی و همراه برگزیدگان ویژه ات و دوست ارادتمندان حلقه زده بر درگاہت قرار ده.

۱۷۶۹. امام صادق ؑ - در دعای معروف به أم داوود در نیمه رجب - گفت: خدایا! بر

۱. ابدال: همان اولیای الهی و عابدان درگاه اویند، و از این جهت ابدال نامیده شده اند که هرگاه یکی از آنان بمیرد، بدل و جانشینی به جای او می نشیند (النهاية: ۱/۱۰۷).

۱. كنز العمال: ۳۳۵۹۹.

۲. كنز العمال: ۳۴۶۰۱.

۳. بحار الأنوار: ۱۹/۱۲۸/۹۴.

عَلَى الْأَبْدَالِ وَالْأَوْتَادِ وَالسُّيَّاحِ وَالْعُبَّادِ
وَالْمُخْلِصِينَ وَالزُّهَّادِ، وَأَهْلَ الْجِدِّ
وَالْاجْتِهَادِ.^۱

۱۷۷۰. الاحتجاج عن خالد بن الهيثم الفارسي:
قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا: إِنَّ النَّاسَ
يَزْعُمُونَ أَنَّ فِي الْأَرْضِ أَبْدَالَ، فَمَنْ هَؤُلَاءِ
الْأَبْدَالُ؟ قَالَ: صَدَقُوا، الْأَبْدَالُ هُمُ:
الْأَوْصِيَاءُ، جَعَلَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي الْأَرْضِ
بَدَلَ الْأَنْبِيَاءِ، إِذَا رَفَعَ الْأَنْبِيَاءَ وَخَتَمَهُمُ
بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.^۲

(انظر الإيمان: باب ۲۶۷، ۲۶۸.)

اولیانت و بزرگان و پویندگان [راه حق] و
بندگان و مخلصان و زاهدان و کوشندگان و
تلاشگران درود فرست.

۱۷۷۰. الاحتجاج - به نقل از خالد بن هيثم فارسی :-
به امام رضا ع عرض کردم: مردم
می گویند: در زمین اولیائی هستند. اینان
چه کسانی هستند؟ امام فرمود: راست
می گویند. اولیاء همان اوصیای خدا در
زمین اند که پس از ختم نبوت به محمد ع
به جای پیامبران هستند.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۱. الإقبال: ۳/ ۲۴۴.

۲. الاحتجاج: ۲/ ۴۴۹.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی



التَّبَذِيرُ

ومخرجه



مركز تحقيقات كميوتير علوم اسلامي

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧١/٣٤٤ باب ٨٦ والتبذير والتقتير.

انظر:

عنوان ٢٣١ الإسراف.

۳۴۳

التَّبَذِيرُ

الكتاب:

﴿وَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْيَتَامَىٰ وَالسَّبِيلَ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا * إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾^۱

الحديث:

قرآن:

«حق خویشان و مسکینان و در راه ماندگان را بپرداز و هیچ و لخرجی مکن. همانا و لخرجان با شیاطین برادرند و شیطان نسبت به پروردگارش ناسپاس بود».

حديث:

۱۷۷۱. الإمام علي عليه السلام: كُنْ سَمْحًا وَلَا تَكُنْ مُبَذِّرًا،
وَكُنْ مُقَدِّرًا وَلَا تَكُنْ مُقْتَرًا.^۲
۱۷۷۲. عنه عليه السلام: التَّبَذِيرُ عُنْوَانُ الْفَاقَةِ.^۳
۱۷۷۳. عنه عليه السلام: التَّبَذِيرُ قَرِينُ مُفْلِسٍ.^۴
۱۷۷۴. عنه عليه السلام: مَنْ افْتَخَرَ بِالتَّبَذِيرِ احْتَقَرَ بِالْإِفْلَاسِ.^۵

۱۷۷۱. امام علی علیه السلام: بخشنده باش اما و لخرج میباش؛ و صرفه جو باش لیکن خسیس میباش.
۱۷۷۲. امام علی علیه السلام: و لخرجی، سرلوحه فقر و ناداری است.
۱۷۷۳. امام علی علیه السلام: و لخرجی، همنشین بینواست.

۱۷۷۴. امام علی علیه السلام: هر که به ریخت و پاش افتخار کند با تهیدستی خُرد و خوار می شود.

۳۴۴

مَعْنَى التَّبَذِيرِ

۱۷۷۵. الإمام الصادق عليه السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَلَا

۳۴۳

معنای و لخرجی

۱۷۷۵. امام صادق علیه السلام - درباره آیه «و و لخرجی

۱. الإسراء: ۲۶، ۲۷.

۲. نهج البلاغة: الحکمة ۳۳.

۳. غرر الحکم: ۸۹۰.

۴. غرر الحکم: ۱۰۴۳.

۵. غرر الحکم: ۹۰۵۷.

تُبَذَّرُ تَبْذِيرًا» -: مَنْ أَنْفَقَ شَيْئًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَهُوَ مُبَذَّرٌ، وَمَنْ أَنْفَقَ فِي سَبِيلِ الْخَيْرِ فَهُوَ مُقْتَصِدٌ.^۱

۱۷۷۶. تفسیر العیاشی عن ابي بصیر: سألت أبا عبد الله عليه السلام في - قوله: «وَلَا تُبَذَّرُ تَبْذِيرًا»، قَالَ: بَذَلَ الرَّجُلُ مَالَهُ وَيَقْعُدُ لَيْسَ لَهُ مَالٌ، قَالَ: فَيَكُونُ تَبْذِيرٌ فِي حَلَالٍ؟ قَالَ: نَعَمْ.^۲

مکن» - فرمود: هر کس چیزی در راهی جز طاعت خدا انفاق کند ولخرج است و هر کس در راه خیر و خوبی خرج کند مقتصد و صرفه جوی است.

۱۷۷۶. تفسیر العیاشی - به نقل از ابو بصیر -: از امام صادق علیه السلام از آیه «وَلَا تُبَذَّرُ تَبْذِيرًا» سؤال کردم. حضرت فرمود: این که انسان اموال خود را آن قدر بذل و بخشش کند که خود تهیدست ماند. گفتم: پس در مال حلال نیز ولخرجی و تبذیر هست؟ فرمود: آری.



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

۱. تفسیر العیاشی: ۲ / ۲۸۸ / ۵۳.

۲. تفسیر العیاشی: ۲ / ۲۸۸ / ۵۴.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الْبِرُّ

نیوکاری



مرکز تحقیقات و پژوهش در علوم اسلامی

افضل:

عنوان ۳۸ و البركة، ۱۱۷ و الإحسان.

۳۴۸ و فعل المعروف، ۵۱۶ و النعمة.

۳۳۵

الْبِرُّ

الکتاب:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۱.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَسْتَأْجُوا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَسْتَأْجُوا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾^۲.

الحديث:

۱۷۷۷. رسول الله ﷺ: لَا يَزِيدُ فِي الْعُمْرِ إِلَّا الْبِرُّ^۳.

۱۷۷۸. عنه ﷺ: إِنَّ أَسْرَعَ الْخَيْرِ ثَوَاباً الْبِرُّ، وَإِنَّ أَسْرَعَ الشَّرِّ عِقَاباً الْبَغْيُ^۴.

۱۷۷۹. الإمام عليّ عليه السلام: الْبِرُّ لَا يَبْلَى، وَالذَّنْبُ لَا يُنْسَى^۵.

۱۷۸۰. عنه ﷺ: الْبِرُّ عَمَلٌ مُّصْلِحٌ^۶.

۱. المائدة: ۲. ۲. المجادلة: ۹.

۳. بحار الأنوار: ۷۷/ ۱۶۶/ ۳.

۴. الخصال: ۸۱/ ۱۱۰. ۵. بحار الأنوار: ۷۸/ ۵۳/ ۸۸.

۶. غرر الحکم: ۵۵۴.

۳۳۵

نیکی

قرآن:

«در نیکی (طاعت) و پرهیزگاری همکاری کنید نه در گناه و تجاوز و از خدای بترسید که او به سختی کیفر می دهد».

«ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر با یکدیگر نجوا می کنید در باب گناه و دشمنی و نافرمانی از پیامبر نجوا نکنید بلکه درباره نیکی (طاعت) و پرهیزگاری نجوا کنید. از آن خدایی که همگان نزد او گرد می آید

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم بترسید»

حدیث:

۱۷۷۷. پیامبر خدا ﷺ: هر عمر نمی افزاید مگر نیکی.

۱۷۷۸. پیامبر خدا ﷺ: پاداش نیکی زودتر از هر کار خوب دیگری می رسد و کیفر ستم و تجاوز زودتر از هر کار بد دیگری گریبان می گیرد.

۱۷۷۹. امام علی علیه السلام: نیکی کهنه نمی شود و گناه فراموش نمی گردد.

۱۷۸۰. امام علی علیه السلام: نیکی، کرداری اصلاحگر است.

۱۷۸۱. الإمام الباقر علیه السلام: البرُّ وَصَدَقَةُ السَّرِّ يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ، وَيَزِيدَانِ فِي الْعُمْرِ، وَيَذْفَعَانِ عَنْ سَبْعِينَ مِائَةَ سُوءٍ.^۱

۱۷۸۱. امام باقر علیه السلام: نیکی و صدقه دادن پنهانی، فقر را از بین می‌برند، عمر را زیاد و هفتاد مرگ بد و ناگوار را دفع می‌کنند.

۱۷۸۲. بحار الأنوار عن الإمام الصادق علیه السلام: مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ الْبِرُّ بِالْإِخْوَانِ وَالسَّعْيُ فِي حَوَائِجِهِمْ، فَفِي ذَلِكَ مَرْغَمَةٌ لِلشَّيْطَانِ وَتَرْخُوحٌ عَنِ النَّيْرَانِ، وَدُخُولُ الْجَنَانِ، أَخْبِرْ بِهَذَا غُرَرَ أَصْحَابِكَ. قَالَ [الراوي]: قُلْتُ: مَنْ غُرَّرَ أَصْحَابِي جُعِلَتْ فِدَاكَ؟ قَالَ: هُمْ الْبَرَّةُ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ.^۲

۱۷۸۲. بحار الأنوار: امام صادق علیه السلام فرمود: از جمله کارهای شایسته، نیکی کردن به برادران و کوشش در برطرف ساختن نیازهای آنان است. این کارها بینی شیطان را به خاک می‌مالد و موجب دور شدن از آتش و وارد شدن به بهشت می‌گردد. این مطلب را به دوستان صمیمی خود برسان. راوی می‌گوید: عرض کردم فدایت شوم، دوستان صمیمی من چه کسانی‌اند؟ فرمود: آنان که در سختی و آسایش به برادران [خود] نیکی می‌کنند.

۱۷۸۳. عنه علیه السلام: يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَيْءٌ مِثْلُ الْكَبَّةِ فَيَذْفَعُ فِي ظَهْرِ الْمُؤْمِنِ فَيُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ، فَيَقَالُ: هَذَا الْبِرُّ.^۳

۱۷۸۳. امام صادق علیه السلام: در روز قیامت چیزی مانند یک کلاف می‌آید و از پشت مؤمن او را به درون بهشت هل می‌دهد و گفته می‌شود: این، همان نیکی است.

۱۷۸۴. عنه علیه السلام: بِرُّوْا آبَاءَكُمْ يَبْرِكُكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ.^۴

۱۷۸۵. الإمام الكاظم علیه السلام: مَنْ حَسَنَ بِرَّهُ بِإِخْوَانِهِ وَأَهْلِهِ مُدَّ فِي عُمَرِهِ.^۵

۱۷۸۴. امام صادق علیه السلام: به پدران خود نیکی کنید تا فرزندانان به شما نیکی کنند.

(انظر) مستدرک الوسائل: ۱۲/ ۴۲۱ باب ۳۲.

۱۷۸۵. امام کاظم علیه السلام: هر کس به برادران و خانواده خود نیکی کند، عمرش دراز می‌شود.

۱. الزهد للحسين بن سعيد: ۸۶/ ۳۳.

۲. بحار الأنوار: ۶۹/ ۳۱۲/ ۷۴.

۳. الكافي: ۳/ ۱۵۸/ ۲. ۴. تحف العقول: ۳۵۹.

۵. تحف العقول: ۳۸۱.

۳۳۶

أَبْوَابُ الْبِرِّ وَكُنُوزُهُ

۱۷۸۶. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ثَلَاثٌ مِنْ أَبْوَابِ الْبِرِّ: سَخَاءُ النَّفْسِ، وَطِيبُ الْكَلَامِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الْأَذَى.^۱

۱۷۸۷. الْإِمَامُ الْبَاقِرُ ع: أَرْبَعٌ مِنْ كُنُوزِ الْبِرِّ: كِثْمَانُ الْحَاجَةِ، وَكِثْمَانُ الصَّدَقَةِ، وَكِثْمَانُ الْوَجَعِ، وَكِثْمَانُ الْمُصِيبَةِ.^۲

(انظر) الجنة: باب ۵۶۲، ۵۷۳، الخیر: باب ۱۱۸۵.

۳۳۶

درها و گنجهای نیکی

۱۷۸۶. پیامبر خدا ﷺ: سه چیز از درهای نیکی است: سخاوتمندی جان، گفتار نیکو، و شکیبایی در برابر آزار و اذیت.

۱۷۸۷. امام باقر ع: چهار چیز از گنجهای نیکی است: نهان داشتن نیاز، نهانی دادن صدقه، نهان داشتن درد، و نهان داشتن مصیبت.

۳۳۷

نشانه نیکوکار



۳۳۷

علامة البار

الكتاب:

«لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ».^۲

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِسُلَّاسٍ وَالْحَجُّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا النُّبُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَأَتَى النُّبُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».^۳

«نیکی (طاعت) آن نیست که روی خود به جانب مشرق و مغرب کنید بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب خدا و پیامبران ایمان آورد».

«از تو دربارهٔ هلالهای ماه می‌پرسند، بگو: برای آن است که مردم وقت کارهای خویش و زمان حج را بشناسند. و نیکوکاری این نیست که از پشت خانه‌ها به آنها داخل شوید بلکه کار پسندیده آن است که پروا کنید و از درها به خانه‌ها درآیید و از خدا بترسید تا رستگار شوید».

۱. تحف العقول: ۸. ۲. تحف العقول: ۲۹۵.

۳. البقرة: ۱۷۷. ۴. البقرة: ۱۸۹.

۱۷۹۲. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اتَّقُوا اللَّهَ، وَكُونُوا إِخْوَةً بَرَرَةً.

مُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ، مُتَوَاصِلِينَ مُتَرَاجِمِينَ.^۱

۳۵۰

تَمَامُ الْبِرِّ

۱۷۹۳. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: تَمَامُ الْبِرِّ أَنْ تَعْمَلَ فِي السِّرِّ

عَمَلَ الْعَلَانِيَةِ.^۲

۱۷۹۲. امام صادق علیه السلام: از خدا بترسید و برادرانی

نیکوکار باشید، در راه خدا یکدیگر را

دوست بدارید و با هم ارتباط برقرار

سازید و به هم مهر و شفقت بورزید.

۳۵۰

کمال نیکی

۱۷۹۳. پیامبر خدا ﷺ: نیکی کامل آن است که

رفتار نهان و آشکارت یکسان باشد.



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

الْبَرْزَخُ

برنخ



مركز تحقيقات كچو پوز علوم دینیه

ولمزید الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ۲۰۲/۶ باب ۸ «أحوال البرزخ والقبر».

بحار الأنوار: ۲۸۲/۶ باب ۹ «جنة الدنيا ونارها».

انظر:

عنوان ۴۲۷ «القبر»، ۴۶۱ «الكفارة».

الذنب: باب ۱۳۹۱.

۳۵۱

الْبَرْزَخُ

الكتاب:

«وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»^۱.

(انظر) آل عمران: ۱۶۹-۱۷۱، المؤمنون: ۹۹، ۱۰۰، غافر: ۱۱.

حدیث:

الحديث:

۱۷۹۲. امام زين العابدين ع - در تفسیر آیه «و

پشت سرشان برزخی است تا روزی که
برانگیخته شوند» - فرمود: آن برزخ همان
گور است و آنان در گور، زندگی تنگ و
سختی دارند. به خدا سوگند که گور، یا
باغی از باغهای بهشت است، و یا گودالی از
گودالهای دوزخ.

۱۷۹۵. امام علی ع: [مردگان] به راهی در

اندرونهای برزخ قدم نهادند و زمین، در آن
جا، بر آنان چیره گشت و گوشتهایشان را
خورد.

۱۷۹۶. امام صادق ع: برزخ، همان گور است و در

آن سزای [انسان] در فاصله میان دنیا و
آخرت است.

۱۷۹۲. الإمام زين العابدين ع - في قوله تعالى:

«وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» - :هو
القَبْرُ، وَإِنَّ لَهُمْ فِيهِ لَمَعِيشَةً ضَنْكاً. وَاللَّهُ، إِنَّ
القَبْرَ لَرَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، أَوْ حُفْرَةٌ
مِنْ حُفْرِ النَّارِ.^۲

۱۷۹۵. الإمام علي ع: سَلَكُوا فِي بُطُونِ الْبَرْزَخِ

سَبِيلًا، سُلِطَتِ الْأَرْضُ عَلَيْهِمْ فِيهِ فَأَكَلَتْ
مِنْ لَحْوِمِهِمْ.^۳

۱۷۹۶. الإمام الصادق ع: الْبَرْزَخُ الْقَبْرُ، وَفِيهِ

الثَّوَابُ وَالْعِقَابُ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^۴

۱. المؤمنون: ۱۰۰.

۲. بحار الأنوار: ۷۸/۱۴۸/۱۰.

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۲۲۱.

۴. تفسیر القمّي: ۱/۱۹.

۱۷۹۷. تفسیر القمی عن الإمام الصادق علیه السلام:

الْبَرْزَخُ الْقَبْرُ وَفِيهِ الثَّوَابُ وَالْعِقَابُ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. وَالدَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ أَيْضاً قَوْلُ الْعَالِمِ علیه السلام: وَاللَّهِ، مَا نَخَافُ عَلَيْكُمْ إِلَّا الْبَرْزَخَ.^۱

۱۷۹۸. الکافی عن عمرو بن یزید: قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام:

وَاللَّهِ، أَتَخَوَّفُ عَلَيْكُمْ فِي الْبَرْزَخِ! قُلْتُ: وَمَا الْبَرْزَخُ؟ قَالَ: الْقَبْرُ، مُنْذُ حِينَ مَوْتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.^۲

۳۵۲

رَدُّ مَا رُوِيَ أَنَّ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ فِي حَوَاصِلِ طُيُورٍ خَضِرٍ

۱۷۹۹. الإمام الصادق علیه السلام - فِيمَا رُوِيَ أَنَّ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ فِي حَوَاصِلِ طُيُورٍ خَضِرٍ حَوْلَ الْعَرْشِ: لَا، الْمُؤْمِنُ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنْ أَنْ يَجْعَلَ رُوحَهُ فِي حَوْصَلَةِ طَيْرٍ، لَكِنْ فِي أَبْدَانٍ كَأَبْدَانِهِمْ.^۳

۱۸۰۰. عنه علیه السلام: فَإِذَا قَبَضَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَيَّرَ تِلْكَ الرُّوحَ فِي قَالِبٍ كَقَالِبِهِ فِي الدُّنْيَا، فَيَأْكُلُونَ وَيَشْرَبُونَ، فَإِذَا قَدِمَ عَلَيْهِمُ الْقَادِمُ عَرَفُوهُ

۱۷۹۷. تفسیر القمی: امام صادق علیه السلام فرمود:

«برزخ، میانه دو چیز است؛ پاداش و کیفری است که در فاصله میان دنیا و آخرت به انسان می رسد». دلیل بر این مطلب سخن دانای اهل بیت علیهم السلام است که فرمود: به خدا سوگند! من برای شما، جز از برزخ نمی ترسم.

۱۷۹۸. الکافی - به نقل از عمرو بن یزید: امام

صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگند از برزخ بر شما می ترسم. عرض کردم: برزخ چیست؟ فرمود: گور، از زمان مرگ تا روز رستاخیز.

۳۵۲

نادرستی گفته هایی که جان مؤمنان را در چینه دان پرندگان سبزرنگ می داند

۱۷۹۹. امام صادق علیه السلام - در نقد این روایت که ارواح مؤمنان در چینه دانهای پرندگان سبزرنگ است که بر گرد عرش می چرخند - فرمود: خیر، مؤمن در پیشگاه خداوند گرامی تر از آن است که روح او را در چینه دان مرغی قرار دهد، بلکه روح آنان در پیکرهایی همچون پیکر خود آنان قرار دارد.

۱۸۰۰. امام صادق علیه السلام: چون خداوند عزوجل جان مؤمن را بستاند، روحش را به کالبدی همچون کالبد وی در دنیا می برد و می خورند و می آشامند و هرگاه کسی بر

۱. تفسیر نور الثقلین: ۳/ ۵۵۳/ ۱۲۰.

۲. الکافی: ۳/ ۲۴۲/ ۳. ۳. بحار الأنوار: ۶/ ۲۶۸/ ۱۱۹.

ایشان وارد شود او را با همان چهره‌ای که
در دنیا داشته، می‌شناسند.

۳۵۳

ارواح مؤمنان در برزخ

قرآن:

«آنان را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده می‌پندار، بلکه
زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند».

حدیث:

۱۸۰۱. امام علی علیه السلام: ای پسر نباته! در همین پشت
(نجف) جانهای تمام مردان و زنان مؤمن
در کالبدهایی نورانی و بر فراز منبرهایی از
نور قرار دارد.

۱۸۰۲. امام علی علیه السلام: ای پسر نباته! اگر پرده‌ها کنار
زده شود، هر آینه ارواح مؤمنان را در این
پشت خواهید دید که حلقه زده‌اند و با هم
دیدار می‌کنند و بسا یکدیگر سخن
می‌گویند. در این پشت، روح هر مؤمنی
هست و در وادی برهوت، جان هر کافری.

۱۸۰۳. امام صادق علیه السلام: ارواح مؤمنان در اتاقهایی
در بهشت ساکنند، از غذای بهشت
می‌خورند و از نوشیدنیهای آن می‌آشامند
به دیدار هم می‌روند و می‌گویند
پروردگارا! قیامت را برپا دار تا آنچه را به
وعده داده‌ای تحقق بخشی.

بِتِلْكَ الصُّورَةِ الَّتِي كَانَتْ فِي الدُّنْيَا ۱.

۳۵۳

أرواح المؤمنين في البرزخ

الكتاب:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ
عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» ۲.

الحديث:

۱۸۰۱. الإمام علي عليه السلام: يا بن نباتة، إن في هذا الظَّهْرِ
- يعني النِّجَفَ - أرواح كلِّ مؤمن ومُؤمنة
في قوالب من نور على منابر من نور ۳.

۱۸۰۲. عنه عليه السلام: يا بن نباتة، لو كُشِفَ لَكُمْ لَرَأَيْتُمْ
أرواح المؤمنين في هذا الظَّهْرِ حَيًّا
يَتَزَاوَرُونَ وَيَتَحَدَّثُونَ، إن في هذا الظَّهْرِ
رُوح كلِّ مؤمن، وبوادي برهوت نَسَمَةُ
كلِّ كافر ۴.

۱۸۰۳. الإمام الصادق عليه السلام: أرواح المؤمنين في
حُجُرَاتٍ فِي الْجَنَّةِ، يَأْكُلُونَ مِنْ طَعَامِهَا،
وَيَشْرَبُونَ مِنْ شَرَابِهَا، وَيَتَزَاوَرُونَ فِيهَا،
وَيَقُولُونَ: رَبَّنَا، أَقِمْ لَنَا السَّاعَةَ لِنُنْجِزَ لَنَا مَا
وَعَدْتَنَا ۵.

۱. بحار الأنوار: ۶/ ۲۶۹/ ۱۲۴.

۲. آل عمران: ۱۶۹. ۳. بحار الأنوار: ۶/ ۲۳۷/ ۵۵.

۴. بحار الأنوار: ۶/ ۲۴۲/ ۶۵.

۵. المحاسن: ۱۵/ ۲۸۵/ ۵۶۲.

۱۸۰۳. بحار الأنوار: - الإمام الصادق عليه السلام لأحد الرواة: - أَمَا إِنَّهُ لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا إِلَّا حَشَرَ اللَّهُ رُوحَهُ إِلَى وَادِي السَّلَامِ. [قَالَ الرَّاوِي:] فَقُلْتُ لَهُ: وَأَيْنَ وَادِي السَّلَامِ؟ قَالَ: ظَهَرُ الْكُوفَةِ، أَمَا إِنِّي كَأَنِّي بِهِمْ حَلَقٌ حَلَقٌ قُعُودٌ يَتَحَدَّثُونَ.^۱

۱۸۰۵. المحاسن عن أبي بصير - عن أبي عبد الله عليه السلام: - ذَكَرَ الْأَرْوَاحُ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ: يَلْتَقُونَ. قُلْتُ: يَلْتَقُونَ؟! فَقَالَ: نَعَمْ، وَيَتَسَاءَلُونَ وَيَتَعَارَفُونَ، حَتَّى إِذَا رَأَيْتَهُ قُلْتُ: فَلَانُ.^۲

۳۵۲

أرواح الكفار في البرزخ

الكتاب:

﴿فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا وَخَافَ بِالْإِزْعُونَ سُوءَ الْعَذَابِ * النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ إِرْعُونَ أَشَدَّ الْعَذَابِ﴾.^۳

الحديث:

۱۸۰۶. كنز العمال: - عِنْدَ وَقُوفِهِ عَلَى قَتْلِي بَدْرٍ -:

۱۸۰۳. بحار الأنوار - به نقل از یکی از راویان: - امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند ارواح مؤمنان را از شرق و غرب جهان در وادی السلام جمع می‌کند. عرض کردم: وادی السلام کجاست؟ فرمود: پشت کوفه. گویی با آنان هستم که دسته دسته نشسته‌اند و با هم صحبت می‌کنند.

۱۸۰۵. المحاسن - به نقل از ابوبصیر: - امام صادق عليه السلام از ارواح مؤمنان سخن به میان آورد و فرمود: آنان با هم دیدار می‌کنند. عرض کردم: دیدار می‌کنند؟! فرمود: آری و از یکدیگر سؤال و جواب می‌کنند و همدیگر را می‌شناسند، به طوری که وقتی او را ببینی می‌گویی: فلانی است.

۳۵۳

ارواح کافران در برزخ

قرآن:

«خدا او را از آسیب مکاری که برایش اندیشیده بودند نکه داشت و عذاب ناگوار، خاندان فرعون را در میان گرفت. هر صبح و شام بر آتش عرضه شوند و روزی که قیامت بر پا شود ندا دهند که خاندان فرعون را به سخت‌ترین عذابها درآورید».

حدیث:

۱۸۰۶. كنز العمال: - پیامبر خدا هنگامی که بر سر

۱. بحار الأنوار: ۶/ ۲۶۸/ ۱۱۸.

۲. المحاسن: ۱/ ۲۸۵/ ۵۶۱.

۳. غافر: ۴۵، ۴۶.

یا ابا جهل یا عتبه یا شیبه یا امیه، هل وجدتم ما وعد ربکم حقاً؟ فإني قد وجدت ما وعدني ربي حقاً. فقال عمر: یا رسول الله، ما تکلم من أجساد لا أرواح فيها؟! فقال: والذي نفسي بيده، ما أنتم بأسمع لما أقول منهم، غیر أنهم لا یستطیعون جواباً.^۱

۱۸۰۷. الإمام الصادق (ع) - فی أرواح الکفار -: فی حُجرات فی النار، یا کُلون من طعامها، ویشربون من شربها، ویتزاورون فیها، ویقولون: ربنا، لا تُقم لنا الساعة لتُنجز لنا ما وعدتنا!^۲

۱۸۰۸. عنه (ع) : إن أرواح الکفار فی نار جهنم یغرضون علیها یقولون: ربنا، لا تُقم لنا الساعة، ولا تُنجز لنا ما وعدتنا، ولا تلحق آخرنا بأولنا!^۳

جنازه کشتگان بدر ایستاد - فرمود: ابو جهل! عتبه! شیبه! امیه! آیا وعده پروردگار خود را راست یافتید؟ من که آنچه را خدایم به من وعده داده بود راست یافتم.

عمر عرض کرد: ای پیامبر خدا! با بیکرهای بی جان سخن می‌گوی؟ فرمود: به خدایی که جانم در دست اوست شما سخنان مرا بهتر از آنان نمی‌شنوید؛ فقط نمی‌توانند جواب بدهند.

۱۸۰۷. امام صادق (ع) - درباره ارواح کافران - فرمود: در اتاقهایی درون آتش جای دارند، از خوراک آن می‌خورند و از نوشیدنیهای آن می‌نوشند، و در آن جا به دیدار هم می‌روند و می‌گویند: ای پروردگار ما! قیامت را برای ما بر پا مدار تا تهدیدت را درباره ما اجرا کنی.

۱۸۰۸. امام صادق (ع) : جانهای کافران در آتش دوزخ است و بر آن عرضه می‌شوند و می‌گویند: پروردگارا! قیامت را برای ما بر پا مدار و تهدیدت را درباره ما اجرا مکن و آخر ما را به اول ما ملحق مکن.

۱. کنز العمال: ۲۹۸۷۴ وانظر أيضاً: ۲۹۸۷۵ منه.

۲. المحاسن: ۱/ ۲۸۵ / ۵۶۲.

۳. بحار الأنوار: ۶ / ۲۷۰ / ۱۲۷.



الْبَرَكَةُ

بَرَكَت



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۳۵۵

معنی البركة

الكتاب:

﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ
مَا دُمْتُ حَيًّا﴾^۱

﴿وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ﴾^۲

(انظر) الأنعام: ۹۲، ۱۵۵، الأنبياء: ۵۰، ص: ۲۹، آل عمران:

۹۶، النور: ۳۵، ۶۱، القصص: ۳۰.

الحديث:

۱۸۰۹. الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: ﴿وَجَعَلَنِي

مُبَارَكًا أَيْنَمَا كُنْتُ﴾: - نقاعاً^۳.

(انظر) الزراعة: باب ۱۵۷۴.

حديث:

۱۸۰۹. امام صادق عليه السلام - در تفسیر آیه «و هر جا که

باشم مرا بابرکت ساخته است» - فرمود:

یعنی بسیار بهره رسان.

۳۵۵

معنای برکت

قرآن:

«و هر جا که باشم مرا بابرکت ساخته و به ادای نماز و

زکات در همه عمرم سفارش کرده است».

«و بگو: ای پروردگار من! مرا در جایگاهی پربرکت

فرود آور که تو نیکترین مهمان نوازانی».

۳۵۶

۳۵۶

ما يوجب البركة

الكتاب:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم
بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا

۱. مريم: ۳۱.

۲. المؤمنون: ۲۹.

۳. الکافی: ۱۱ / ۱۶۵ / ۲.

قرآن:

«اگر مردم قریه ها ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه کرده

بودند، برکتهای آسمان و زمین را به رویشان

می گشودیم ولی [پیامبران را] تکذیب کردند، ما نیز

كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۱.

آنان را به کیفر کردارشان گرفتار کردیم».

الحديث:

حدیث:

۱۸۱۰. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا التَّاجِرَانِ صَدَقَا بَوْرِكَ لَهُمَا،

فَإِذَا كَذَبَا وَخَانَا لَمْ يُبَارَكْ لَهُمَا.^۲

۱۸۱۰. پیامبر خدا ﷺ: اگر دو معامله گر راست

بگویند، برای هر دو خجسته می شود. پس

هرگاه دروغ بگویند و خیانت کنند، برای

هیچ کدام خجسته نخواهد بود.

۱۸۱۱. عَنْهُ ﷺ: إِنَّ فِي الرِّفْقِ الزِّيَادَةَ وَالْبَرَكَهَ، وَمَنْ

يُحَرِّمُ الرِّفْقَ يُحَرِّمُ الْخَيْرَ.^۳

۱۸۱۱. پیامبر خدا ﷺ: در مدارا، فزونی و برکت

است، و هر که از مدارا محروم باشد، از

خیر، محروم گشته است.

۱۸۱۲. عَنْهُ ﷺ: الْقَنَاعَةُ بَرَكَةٌ.^۴

۱۸۱۳. عَنْهُ ﷺ: الْبَرَكَهَ فِي الْمُمَاسَحَةِ.^۵

۱۸۱۲. پیامبر خدا ﷺ: قناعت، برکت است.

۱۸۱۴. عَنْهُ ﷺ: كَيْلُوا طَعَامَكُمْ، فَإِنَّ الْبَرَكَهَ فِي الطَّعَامِ

الْمَكِيلِ.^۶

۱۸۱۳. پیامبر خدا ﷺ: برکت، در آسان گرفتن

است.

۱۸۱۵. عَنْهُ ﷺ: ثَلَاثٌ فِيهِنَّ الْبَرَكَهَ: الْبَيْعُ إِلَى أَجَلٍ،

وَالْمُقَارَضَةُ، وَإِخْلَاطُ الْبُرِّ بِالشَّعِيرِ لِلْبَيْتِ

لَا لِلْبَيْعِ.^۷

۱۸۱۴. پیامبر خدا ﷺ: خوراک (غلات) خود را

کیل کنید که برکت در خوراک کیل و پیمانه

شده است.

۱۸۱۶. عَنْهُ ﷺ: الْبَرَكَهَ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ: تِسْعَةُ أَغْشَارِهَا

فِي التَّجَارَةِ، وَالْعُشْرُ الْبَاقِي فِي الْجُلُودِ.^۸

۱۸۱۵. پیامبر خدا ﷺ: در سه چیز برکت است:

خرید و فروش مدت دار (نسیه فروشی)،

وام دادن به یکدیگر و مخلوط کردن گندم با

جو برای مصرف خانه نه برای فروش.

۱۸۱۷. الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ: لِكُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ -: يَا كُمَيْلُ،

۱۸۱۶. پیامبر خدا ﷺ: برکت ده قسمت است: نه

دهم آن در بازرگانی است و یک دهم دیگر

در پوستها [ی دام].

۱. الأعراف: ۹۶.

۲. الکافی: ۲/۱۷۴/۵. ۳. الکافی: ۷/۱۱۹/۲.

۴. الجعفریات: ۱۶۰.

۵. السنن الکبری: ۱۱۱۸۹/۵۹/۶.

۶. کنز العمال: ۹۴۳۴. ۷. کنز العمال: ۹۴۳۶.

۸. بحار الأنوار: ۱۳/۵/۱۰۳.

۱۸۱۷. امام علی ﷺ: به کمیل بن زیاد - فرمود:

الْبَرَكَهَ فِي مَالٍ مِّنَ آتَى الزَّكَاةَ، وَوَأَسَى
الْمُؤْمِنِينَ، وَوَصَلَ الْأَقْرَبِينَ.^۱

۱۸۱۸. عنه علیه السلام: بِالْعَدْلِ تَتَضَاعَفُ الْبَرَكَاتُ.^۲

۱۸۱۹. الإمام الحسين علیه السلام - في حديث طويل في
الرَّجْعَةِ - : وَلَتَنْزِلَنَّ الْبَرَكَهَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى
الْأَرْضِ، حَتَّى إِنَّ الشَّجَرَةَ لَتَقْصِفُ بِمَا يُرِيدُ
اللهُ فِيهَا مِنَ الثَّمَرِ، وَلَيُؤْكَلَنَّ ثَمَرَةُ الشَّتَاءِ فِي
الصَّيْفِ وَثَمَرَةُ الصَّيْفِ فِي الشَّتَاءِ، وَذَلِكَ
قَوْلُ اللهِ تَعَالَى: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا
وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا
يَكْسِبُونَ﴾.^۳

۱۸۲۰. الإمام الصادق علیه السلام: إِنْ النَّاسَ يَسْتَغْنُونَ إِذَا عُدِلَ
بَيْنَهُمْ، وَتُنَزَّلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا، وَتُخْرِجُ
الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا بِإِذْنِ اللهِ تَعَالَى.^۴

۱۸۲۱. الإمام الرضا علیه السلام: أَوْحَى اللهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيِّ
مِّنَ الْأَنْبِيَاءِ: إِذَا أُطِغَتْ رَضِيَّتُ، وَإِذَا
رَضِيَّتُ بَارَكْتُ، وَلَيْسَ لِبَرَكَتِي نِهَايَةٌ.^۵

(انظر التجارة: باب ۴۴۰، ۴۴۱.)

الرزق: باب ۱۴۹۶. الرفق: باب ۱۵۳۵.

الضيافة: باب ۲۳۵۶.

ای کمیل! برکت، در مال کسی است که
زکات بپردازد، با مؤمنان مواسات داشته
باشد، و به خویشاوندان نیکی رساند.

۱۸۱۸. امام علی علیه السلام: بِأَعْدَالَتِ وَ دَادْغَرِي، بَرَكَتَهَا
دو چندان می شود.

۱۸۱۹. امام حسین علیه السلام - در حدیثی طولانی درباره
رجعت - فرمود: هر آینه برکت از آسمان به
زمین فرو می ریزد، تا آنجا که درختان، از
سنگینی میوه هایی که خداوند برایشان
خواسته، می شکنند. در تابستان، میوه
زمستانی خورده می شود و در زمستان
میوه تابستانی. این سخن خداوند متعال
است که فرمود: «اگر مردم قریه ها ایمان
آورده و پرهیزگاری پیشه کرده بودند،
برکتهای آسمان و زمین را به رویشان
می گشودیم؛ ولی [پیامبران را] تکذیب
کردند، ما نیز آنان را به کیفر کردارشان
گرفتار کردیم».

۱۸۲۰. امام صادق علیه السلام: اگر میان مردم دادگری
شود، همه بی نیاز می شوند، آسمان روزی
خود را فرو می ریزد، و زمین به اذن
پروردگار متعال، برکت خویش را بیرون
می آورد.

۱۸۲۱. امام رضا علیه السلام: خداوند عز و جلّ به یکی از
پیامبران خود وحی فرمود که: هرگاه
اطاعت شوم، خشنود می گردم و چون
خشنود گردم، برکت می دهم و برکت من
پایانی ندارد.

۱. تحف العقول: ۱۷۲. ۲. غرر الحکم: ۲۲۱۱.

۳. الخرائج والجرائح: ۲/۸۴۹، ۶۳.

۴. الکافی: ۳/۵۶۸، ۵. للکافی: ۲/۲۷۵، ۲۶.

۳۵۷

ما يَذْهَبُ الْبَرَكَه

الكتاب:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۱.

الحديث:

۱۸۲۲. رسول الله ﷺ: أَنْ يَغْلُظَ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا وَاحِدَةً مِنْهُنَّ إِلَّا خَرِبَ وَلَمْ يَغْمُرْ بِالْبَرَكَه: الْخِيَانَةُ، وَالسَّرِقَةُ، وَشُرْبُ الْخَمْرِ، وَالزُّنَا.^۲

۱۸۲۳. عنه ﷺ: تُرْفَعُ الْبَرَكَه مِّنَ الْبَيْتِ إِذَا كَانَتْ فِيهِ الْخِيَانَةُ.^۳

۱۸۲۴. عنه ﷺ: مَنْ حَبَسَ عَن أَخِيهِ الْمُسْلِمِ شَيْئًا مِّنْ حَقِّهِ، حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَرَكَه الرِّزْقِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ.^۴

۱۸۲۵. عنه ﷺ: مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ رِيَاءً وَسُمِعَهُ يُرِيدُ بِهِ الدُّنْيَا، نَزَعَ اللَّهُ بَرَكَتَهُ، وَضَيَّقَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ، وَوَكَّلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ، وَمَنْ وَكَّلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ فَقَدْ هَلَكَ.^۵

۱۸۲۶. عنه ﷺ: الْخَلْفُ مَنَفَقَةٌ لِلْسَّلْعَةِ، مَسْحَقَةٌ

قرآن:

«اگر مردم قریه‌ها ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه کرده بودند، برکتهای آسمان و زمین را به رویشان می‌گشودیم ولی [پیامبران را] تکذیب کردند، ما نیز آنان را به کیفر کردارشان گرفتار کردیم».

حدیث:

۱۸۲۲. پیامبر خدا ﷺ: چهار چیز است که اگر یکی از آنها به خانه‌ای درآید آن را ویران می‌کند و با برکت آبادان نمی‌شود: خیانت، دزدی، شرابخواری و زنا.

۱۸۲۳. پیامبر خدا ﷺ: اگر در خانه‌ای خیانت باشد برکت از آن برداشته می‌شود.

۱۸۲۴. پیامبر خدا ﷺ: هر کس که چیزی از حق برادر مسلمانش را نگه دارد [و به او ندهد]، خداوند برکت روزی را بر او حرام می‌کند مگر آن که توبه کند.

۱۸۲۵. پیامبر خدا ﷺ: هر کس از روی ریا و سُمعه (رسیدن به گوش مردم) و به قصد دنیاخواهی علم بیاموزد خداوند برکتش را از آن می‌گیرد، زندگی‌اش را بر او سخت می‌گیرد و او را به حال خودش وامی‌گذارد، و هر کس که خدا او را به حال خودش واگذارد هلاک شده است.

۱۸۲۶. پیامبر خدا ﷺ: قسم خوردن، کالای را می‌کاهد

۱. الأعراف: ۹۶. ۲. بحار الأنوار: ۷۹/۱۹/۴.

۳. الفردوس: ۲/۷۳/۲۴۱۳.

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه: ۴/۱۵/۴۹۶۸.

۵. مکارم الأخلاق: ۲/۳۴۸/۲۶۶۰.

لِلْبَرَكَةِ ۱.

۱۸۲۷. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ غَشَّ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ، نَزَعَ اللَّهُ عَنْهُ

بَرَكَةَ رِزْقِهِ ۲.

۱۸۲۸. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا ظَهَرَتِ الْجِنَايَاتُ ارْتَفَعَتْ

الْبَرَكَاتُ ۳.

۱۸۲۹. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ مَعَ الْإِسْرَافِ قِلَّةَ

الْبَرَكَةِ ۴.

۱۸۳۰. الْإِمَامُ الْجَوَادُ أَوْ الْإِمَامُ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِدَاوُودَ

الصَّرْمِيِّ -: يَا دَاوُودُ، إِنَّ الْحَرَامَ لَا يَنْمِي،

وَإِنْ نَمَى لَا يُبَارَكُ لَهُ فِيهِ، وَمَا أَنْفَقَهُ لَمْ

يُوجَرْ عَلَيْهِ، وَمَا خَلَفَهُ كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ ۵.

۱۸۳۱. الْكَافِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ ۶:

مَنْ فَحَشَ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ، نَزَعَ اللَّهُ مِنْهُ

بَرَكَةَ رِزْقِهِ، وَوَكَّلَهُ إِلَى نَفْسِهِ، وَأَفْسَدَ عَلَيْهِ

مَعِيشَتَهُ ۷.

(انظر الرزق: باب ۱۴۹۷).

و به پایان می‌رساند و برکت را از بین می‌برد.

۱۸۲۷. پیامبر خدا ﷺ: هر کس برادر مسلمانش را

بفریبد، خداوند برکت روزی‌اش را از او

می‌گیرد.

۱۸۲۸. امام علی علیه السلام: هرگاه گناهان، بسیار و آشکارا

گردد برکتها از میان می‌رود.

۱۸۲۹. امام صادق علیه السلام: با اسراف، کمی برکت

است.

۱۸۳۰. امام جواد علیه السلام یا امام هادی علیه السلام: به داوود

صرمی - فرمود: ای داوود! مال حرام رشد

نمی‌کند و اگر هم رشد کند، برای صاحبش

برکتی ندارد و اگر از آن چیزی انفاق کند،

پاداشی نخواهد دید و آنچه پس از خود بر

جای گذارد ره‌توشه او به سوی دوزخ

است.

۱۸۳۱. الکافی - به نقل از احمد بن احمد، از برخی

استادانش -: هر کس به برادر مسلمانش

دشنام دهد خداوند برکت روزی‌اش را از

او می‌گیرد و او را به خودش وا می‌گذارد و

زندگی‌اش را برایش تباه می‌کند.

۱. صحیح البخاری: ۲/۷۳۵/۱۹۸۱.

۲. ثواب الأعمال: ۱/۳۳۷. ۳. غرر الحکم: ۴۰۳۰.

۴. الکافی: ۴/۵۵/۳ عن ابن أبي يعفور ويوسف بن عمار (ع).

۵. الکافی: ۵/۱۲۵/۷.

۶. المعصوم المروي عنه غير معلوم، فإن كان الصادق عليه السلام

فالإرسال بأزيد من واحد، وأحمد كآته البنظري، وما زعم أنه

ابن عيسى بعيد كما لا يخفى على المتدرب، فيمكن

الإرسال بواحد. وقوله: «فحش» ككرم، وربما يقرأ على بناء

التفعيل. ومن جملة أسباب فساد المعيشة نفرة الناس

عنه وعن معاملته (مرآة العقول: ۱۰/۲۷۸).

۷. الکافی: ۲/۳۲۵/۱۳ وراجع بحار الأنوار: ۷۶/۳۶۵.

الْبُرْهَانُ

برهان



مركز تحقيقات كميوتيز علوم و رسولي

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٢٥٤-٢/٩ واحتجاجات الله تعالى على أرباب الملل.

بحار الأنوار: ٢٥٥/٩ أبواب احتجاجات الرسول ﷺ.

بحار الأنوار: ٣٩٢-١/١٠ واحتجاجات الرسول ﷺ والأئمة ﷺ.

انظر:

عنوان ٩٩ والحجة.

۳۵۸

بُرْهَانُ اللَّهِ

الکتاب:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا»^۱.

«فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلِكِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ»^۲.

الحديث:

۱۸۳۲. حلیة الأولیاء عن عیاض بن غنم أَنَّهُ سَمِعَ

رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: إِنَّ مِنْ خِيَارِ أُمَّتِي قَوْمًا

... يَتَقَرَّبُونَ بِالْوَسِيلَةِ، يَلْبَسُونَ الْخِلْقَانَ،

وَيُتَّبِعُونَ الْبُرْهَانَ، وَيَسْتَلُونَ الْفُرْقَانَ

وَيَقْرَبُونَ الْقُرْبَانَ^۳.

۱۸۳۳. الإمام علي عليه السلام - فِي صِفَةِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ -:

جَعَلَهُ اللَّهُ رِيًّا لِعَطَشِ الْعُلَمَاءِ وَزَبِيحًا لِقُلُوبِ

الْفُقَهَاءِ ... وَبُرْهَانًا لِمَنْ تَكَلَّمَ بِهِ، وَشَاهِدًا

لِمَنْ خَاصَمَ بِهِ^۴.

۳۵۸

برهان خداوند

قرآن:

«ای مردم! شما را از سوی پروردگارتان برهانی آمده است و برای شما نوری روشنگر فرو فرستادیم».

«این دو از جانب پروردگارت برهانهای تو برای فرعون و مهتران اوست، که آنان مردمی نافرمانند».

حدیث:

۱۸۳۲. حلیة الأولیاء - به نقل از عیاض بن غنم -:

شنید [م] که پیامبر خدا ﷺ می فرماید:

برگزیدگان امت من کسانی اند که ... به من

توسل و تقرب می جویند، کهنه می پوشند

و تابع برهان و تلاوت کننده قرآن اند و

پیش آورنده نیکی و احسان.

۱۸۳۳. امام علی عليه السلام - در وصف قرآن کریم -

فرمود: خداوند آن را مایه سیراب نمودن

عالمان و بهار دلهای فقیهان قرار داده

است ... و برهان هر که بدان سخن گوید و

شاهد آن که در احتجاجش بدان تکیه کند.

۱. النساء: ۱۷۴.

۲. القصص: ۳۲.

۳. حلیة الأولیاء: ۱۶/۱.

۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۸.

۱۸۳۳. عنه علیه السلام - فِي فَضْلِ الْإِسْلَامِ - : هُوَ عِنْدَ اللَّهِ وَثِيقُ الْأَرْكَانِ، رَفِيعُ الْبُنْيَانِ، مُنِيرُ الْبُرْهَانِ، مُضِيءُ النُّيَرَانِ، عَزِيزُ السُّلْطَانِ.^۱

۱۸۳۵. فَاطِمَةُ علیها السلام - فِي خُطْبَتِهَا فِي مَعْنَى فَدَاكَ - : كِتَابُ اللَّهِ بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، وَآيٌ مُنْكَشَفَةٌ سِرَائِرُهُ، وَبُرْهَانٌ مُتَجَلِّيًا ظَوَاهِرُهُ.^۲

۱۸۳۶. الْإِمَامُ الصَّادِقُ علیه السلام : كُنَّا نَجُومًا يُسْتَضَاءُ بِنَا وَلِلْبَرِيَّةِ نَحْنُ الْيَوْمَ بُرْهَانٌ.^۳

(انظر) العجوة: باب ۷۱۸، ۷۱۹.

۱۸۳۳. امام علی علیه السلام - درباره ارزش اسلام - فرمود: پایه‌های این دین در پیشگاه خدای بزرگ استوار و پابرجاست و بنایش بلند و دلیلش آشکار و روشنایی‌هایش درخشان و برهانش همیشه غالب و پیروز.

۱۸۳۵. فاطمه علیها السلام - در خطبه فدکیه - فرمود: کتاب خدا، بصیرت‌هایش آشکار است و آیه‌هایش شفاف و روشن و برهانی است پیدا و پر جلوه.

۱۸۳۶. امام صادق علیه السلام : ما ستارگانی بودیم قانونی راه و اکنون برای مردمان، برهان.

۳۵۹

الصَّاحِبَةُ بِاتِّبَانِ الْبُرْهَانِ

الكتاب:

﴿أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَلِلَّهِ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾.^۱

﴿وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ﴾.^۲

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۸.

۲. کتاب من لا يحضره الفقيه: ۳/ ۲۷۲/ ۱۰ عن زينب بنت علی علیها السلام.

۳. المناقب لابن شهر آشوب: ۴/ ۲۷۷، بحار الأنوار: ۲۴/ ۲۶ تفسیر عن مناقب الدفعة السابعة: ۶/ ۳۰۴.

۴. النمل: ۶۴. ۵. المؤمنون: ۱۱۷.

۳۵۹

برهان خواهی خداوند

قرآن:

«یا آن که مخلوقات را می‌آفریند، سپس آنها را باز می‌گرداند و آن که از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد، آیا معبودی با خداست؟ بگو: اگر راست می‌گویید برهان خویش بیاورید».

«آن کس که با الله خدای دیگری می‌خواند که بر او هیچ برهانی ندارد جز این نیست که حسابش نزد پروردگارش خواهد بود، به یقین کافران رستگار نمی‌شوند».

«وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^۱.

«وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ»^۲.

(انظر) الحجة: باب ۷۲۲.

«گفتند: جز یهودیان و ترسایان کسی به بهشت نمی‌رود. این آرزوی آنهاست. بگو: اگر راست می‌گویید برهان خویش بیاورید».

«و از هر ملتی شاهدی بیاوریم و گوییم: برهان خویش بیاورید. آنگاه بدانند که حق از آن خداست و آنچه به دورغ نسبت می‌دادند، تباه شود».



مرکز تحقیقات کتب و نشر اسلامی

البَشَرُ

خوشرومی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۳۶۰

البِشْرُ

۱۸۳۷. رسول الله ﷺ: حُسْنُ الْبِشْرِ يَذْهَبُ بِالسَّخِيمَةِ.^۱
۱۸۳۸. عنه ﷺ: اَلْقَ أَخَاكَ بِوَجْهِ مُنْبَسِطٍ.^۲
۱۸۳۹. عنه ﷺ: اِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ، فَالْقُوهُمْ بِطَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَحُسْنِ الْبِشْرِ.^۳
۱۸۴۰. الإمام عليّ عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: اِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْمُعَبَّسَ فِي وَجْهِ اِخْوَانِهِ.^۴
۱۸۴۱. عنه ﷺ: الْبَشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ.^۵
۱۸۴۲. عنه ﷺ: الْبَشَاشَةُ فَخُّ الْمَوَدَّةِ.^۶
۱۸۴۳. عنه ﷺ: سَبَبُ الْمَحَبَّةِ الْبِشْرُ.^۷
۱۸۴۴. عنه ﷺ: الْبِشْرُ شِيْمَةُ الْحُرِّ.^۸
۱۸۴۵. عنه ﷺ: الطَّلَاقَةُ شِيْمَةُ الْحُرِّ.^۹
۱۸۴۶. عنه ﷺ: الْبِشْرُ أَوَّلُ النَّائِلِ.^{۱۰}

۱. الکافی: ۶/۱۰۳/۲. ۲. الکافی: ۳/۱۰۳/۲.

۳. الکافی: ۱/۱۰۳/۲.

۴. مستدرک الوسائل: ۸/۳۲۱/۹۵۵۲.

۵. بحار الأنوار: ۶۹/۴۰۹/۱۲۰.

۶. تحف العقول: ۲۰۲. ۷. غرر الحکم: ۵۵۴۶.

۸. غرر الحکم: ۶۵۶. ۹. غرر الحکم: ۴۶۷.

۱۰. غرر الحکم: ۵۱۹.

۳۶۰

خوشرویی

۱۸۳۷. پیامبر خدا ﷺ: خوشرویی، کسینه را می زداید.
۱۸۳۸. پیامبر خدا ﷺ: با برادرت گشاده رو برخورد کن.
۱۸۳۹. پیامبر خدا ﷺ: شما هرگز نمی توانید همه مردم را از اموال خود بهره مند سازید، پس با آنان با گشاده رویی و خوشرویی تمام برخورد کنید.
۱۸۴۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا ﷺ همیشه می فرمود: خداوند کسی را که با برادران خود ترش رویی کند، دشمن می دارد.
۱۸۴۱. امام علی علیه السلام: خوشرویی، کمند دوستی است.
۱۸۴۲. امام علی علیه السلام: خوشرویی، دام محبت است.
۱۸۴۳. امام علی علیه السلام: خوشرویی، ریسمان محبت است.
۱۸۴۴. امام علی علیه السلام: خوشرویی، خوی آزاده است.
۱۸۴۵. امام علی علیه السلام: گشاده رویی خوی آزاده است.
۱۸۴۶. امام علی علیه السلام: نخستین دهنش است.



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

۱۸۴۷. عنه: البَشَرُ إِسْدَاءُ الصَّنِيعَةِ بِغَيْرِ مَوْنَةٍ.^۱
۱۸۴۸. عنه: البَشَرُ أَحَدُ الْعَطَاءَيْنِ.^۲
۱۸۴۹. عنه: الْبَشَاشَةُ أَحَدُ الْقَرَاءَيْنِ.^۳
۱۸۵۰. عنه: البَشَرُ مَنْظَرٌ مُوْنَقٌ، وَخُلُقٌ مُشْرِقٌ.^۴
۱۸۵۱. عنه: إِلْقَهُمُ بِالْبَشْرِ، تُمِثُ أَضْغَانَهُمْ.^۵
۱۸۵۲. عنه: بِالْبَشْرِ وَيَسْطُرُ الْوَجْهَ يَحْسُنُ مَوْقِعَ الْبَذْلِ.^۶
۱۸۵۳. عنه: إِنَّ بَشَرَ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِهِ، وَقُوَّتُهُ فِي دِينِهِ، وَحُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ.^۷
۱۸۵۴. عنه: بَشْرُكَ يَدُلُّ عَلَى كَرَمِ نَفْسِكَ.^۸
۱۸۵۵. عنه: حُسْنُ اللَّقَاءِ يَزِيدُ فِي تَأْكِيدِ الْإِخَاءِ.^۹
۱۸۵۶. عنه: - فِي صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ -: هَشَّاشٌ بَشَّاشٌ، لَا بَعْبَاسٌ وَلَا بَجَسَّاسٌ.^{۱۰}
۱۸۵۷. عنه: إِذَا لَقِيتُمْ إِخْوَانَكُمْ فَتَصَافَحُوا، وَأُظْهِرُوا لَهُمُ الْبَشَاشَةَ وَالْبَشْرَ، تَتَفَرَّقُوا وَمَا عَلَيْكُمْ مِنَ الْأَوْزَارِ قَدْ ذَهَبَ.^{۱۱}
۱۸۵۸. عنه: إِنَّ أَحْسَنَ مَا يَأْلُفُ بِهِ النَّاسُ قُلُوبَ
۱۸۴۷. امام علی: خوشرویی، احسانی است بی زحمت و بی هزینه.
۱۸۴۸. امام علی: خوشرویی، یکی از دو عطاست.
۱۸۴۹. امام علی: خوشرویی، یکی از [لوازم] مهمان‌نوازی است.
۱۸۵۰. امام علی: خوشرویی، چشم‌اندازی خوشایند و خوئی درخشان است.
۱۸۵۱. امام علی: با خوشرویی با آنان برخورد کن، تا کینه‌هایشان را از میان ببری.
۱۸۵۲. امام علی: با خوشرویی و چهره‌گشاده، بخشش ارزش پیدا می‌کند.
۱۸۵۳. امام علی: شادی مؤمن در چهره اوست، قدرتش در دینش و اندوهش در دلش.
۱۸۵۴. امام علی: خوشرویی تو، نشانگر بزرگواری و کرامت نفس توست.
۱۸۵۵. امام علی: برخورد خوش، پیوند برادری را استوارتر می‌کند.
۱۸۵۶. امام علی: - در توصیف مؤمن - فرمود: خنده‌روی است و گشاده‌رو، نه ترش‌روی و تجسس‌کننده.
۱۸۵۷. امام علی: چون با برادران خود رو به رو شدید و دست دادید و خوشرویی و گشاده‌رویی نشان دادید، هنگام جدا شدن گناهاانتان ریخته است.
۱۸۵۸. امام علی: بهترین وسیله‌ای که مردم با

۱. غرر الحکم: ۱۵۰۳. ۲. غرر الحکم: ۱۶۱۳.

۳. غرر الحکم: ۱۶۹۲. ۴. غرر الحکم: ۲۱۶۸.

۵. غرر الحکم: ۵۱۲۹. ۶. غرر الحکم: ۴۳۱۳.

۷. غرر الحکم: ۳۴۵۴. ۸. غرر الحکم: ۴۴۵۳.

۹. غرر الحکم: ۴۸۲۷. ۱۰. الکافی: ۲/۲۲۹، ۱.

۱۱. بحار الأنوار: ۷۶/۲۰، ۳.

أَوْدَائِهِمْ، وَنَفَوْا بِهِ الضُّغْنَ عَنْ قُلُوبِ
أَعْدَائِهِمْ: حُسْنُ الْبَشْرِ عِنْدَ لِقَائِهِمْ، وَالتَّفَقُّدُ
فِي غَيْبَتِهِمْ، وَالبَّشَاشَةُ بِهِمْ عِنْدَ
حُضُورِهِمْ.^۱

(انظر) عنوان ۳۰۹ «الضحك».

۳۶۱

تساوي التحذير والتبشير

۱۸۵۹. الإمام علي عليه السلام: مَنْ حَذَرَكَ كَمَنْ بَشَرَكَ.^۲

۳۶۱

برابری هشدار و نوید

۱۸۵۹. امام علی علیه السلام: کسی که به تو هشدار

می دهد همانند کسی است که به تو نوید

می دهد.



مرکز تحقیقات علوم و معارف اسلامی

۱. بحار الأنوار: ۱۲۴/۵۷/۷۸.

۲. بحار الأنوار: ۱۹/۱۷۸/۷۴.



البصيرة

ميش



مركز بحوث الكمبيوتر والعلوم

انظر:

الدنيا: باب ١٢٢٧، الغفلة: باب ٣٠٥٤، النور: باب ٣٩٠١.

۳۶۲

البصيرة

الكتاب:

«أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ»^۱.

«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»^۲.

الحديث:

۱۸۶۰. رسول الله ﷺ: لَيْسَ الْأَعْمَى مَنْ يَعْمَى بَصَرُهُ، إِنَّمَا الْأَعْمَى مَنْ تَعْمَى بَصِيرَتُهُ^۳.

۱۸۶۱. الإمام علي عليه السلام: نَظَرُ الْبَصَرِ لَا يُجْدِي إِذَا عَمِيَتْ الْبَصِيرَةُ^۴.

۱۸۶۲. عنه عليه السلام: فَاقِدُ الْبَصَرِ فَاسِدُ النَّظَرِ^۵.

۱۸۶۳. عنه عليه السلام: فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ، وَنَظَرَ فَأَبْصَرَ، وَانْتَفَعَ بِالْعَبَرِ، ثُمَّ سَلَكَ جَدَدًا

۳۶۲

بینش

قرآن:

«آیا در زمین سیر نمی‌کنند تا صاحب دل‌هایی گردند که بدان تعقل کنند و گوش‌هایی که بدان بشنوند؟ زیرا چشم‌ها کور نمی‌شود بلکه دل‌هایی که در سینه‌ها جای دارند کور می‌شود».

«بسیاری از جن و انس را برای جهنم بیافریدیم. ایشان را دل‌هایی است که بدان نمی‌فهمند و چشم‌هایی است که بدان نمی‌بینند و گوش‌هایی است که بدان نمی‌شنوند. اینان همان چارپایانند حتی گمراه‌تر از آنهايند. اینان همان غافلانند».

حدیث:

۱۸۶۰. پیامبر خدا ﷺ: کور آن نیست که چشمش نابینا باشد بلکه کور [واقعی] آن کسی است که دیده بصیرتش کور باشد.

۱۸۶۱. امام علی علیه السلام: اگر دیده بصیرت کور باشد نگرستن چشم سودی نمی‌دهد.

۱۸۶۲. امام علی علیه السلام: آن که فاقد بینش است، رأیش بی‌ارزش است.

۱۸۶۳. امام علی علیه السلام: با بصیرت کسی است که بشنود و بیندیشد، نگاه کند و ببیند، از عبرتها بهره گیرد، آن گاه راه روشنی را

۱. الحج: ۴۶.

۲. الأعراف: ۱۷۹.

۳. كنز العمال: ۱۲۲۰.

۴. غرر الحکم: ۹۹۷۲.

۵. غرر الحکم: ۶۵۴۸.

واضحاً يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي^۱.

۱۸۶۲. عنه علیه السلام: قَدْ بَصُرْتُمْ إِنْ أَبْصَرْتُمْ، وَقَدْ هُدِيتُمْ إِنْ اهْتَدَيْتُمْ^۲.

۱۸۶۵. عنه علیه السلام: لَيْسَتْ الرُّوِيَّةُ كَالْمُعَايَنَةِ مَعَ الْإِبْصَارِ؛ فَقَدْ تَكْذِبُ الْعُيُونُ أَهْلَهَا، وَلَا يَغُشُّ الْعَقْلُ مَنْ اسْتَنْصَحَهُ^۳.

۱۸۶۶. عنه علیه السلام: فَقَدْ الْبَصِرُ أَهْوَنُ مِنْ فَقْدَانِ الْبَصِيرَةِ^۴.

۱۸۶۷. عنه علیه السلام: بِالْهُدَى يَكْثُرُ الْاسْتِبْصَارُ^۵.

۳۶۳

أَبْصَرَ النَّاسِ

۱۸۶۸. الإمام علي علیه السلام: أَبْصَرَ النَّاسِ مَنْ أَبْصَرَ عُيُوبَهُ وَأَقْلَعَ عَنْ ذُنُوبِهِ^۶.

۱۸۶۹. عنه علیه السلام: أَلَا إِنَّ أَبْصَرَ الْأَبْصَارِ مَا نَفَذَ فِي الْخَيْرِ طَرْفُهُ، أَلَا إِنَّ أَسْمَعَ الْأَسْمَاعِ مَا وَعَى التَّذْكَيرَ وَقَبْلَهُ^۷.

بپیماید که در آن از افتادن در پرتگاهها به دور ماند.

۱۸۶۳. امام علی علیه السلام: شما را [راه] نمایانند اگر ببینید، و راهنمایی شده‌اید اگر هدایت پذیر باشید.

۱۸۶۵. امام علی علیه السلام: نگاه کردن چون بینایی یافتن نیست؛ زیرا گاه چشمها به صاحبان خود دروغ می‌گویند، اما عقل به کسی که از او مشورت خواهد خیانت نمی‌کند.

۱۸۶۶. امام علی علیه السلام: از دست دادن بینایی آسانتر است تا از دست دادن بینش.

۱۸۶۷. امام علی علیه السلام: با هدایت، بینادلی افزون می‌شود.

۳۶۳

ببیناترین مردم

۱۸۶۸. امام علی علیه السلام: بیناترین مردم کسی است که عیبهای خود را ببیند و از گناهان خویش دست شوید.

۱۸۶۹. امام علی علیه السلام: هان! بیناترین چشمها، چشمی است که نگاهش به سوی خوبی باشد. هان! شنواترین گوشها، گوشی است که پند را دریابد و آن را بپذیرا شود.

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۳.

۲. نهج البلاغة: الحكمة ۱۵۷.

۳. نهج البلاغة: الحكمة ۲۸۱.

۴. غرر الحكم: ۶۵۳۶. ۵. غرر الحكم: ۴۱۸۶.

۶. غرر الحكم: ۳۰۶۱. ۷. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۵.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الباطل

باطل



مركز بحوث ودراسات

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ٧٢/٢٦٣، ٢٦٥ باب ١١٥ «استماع اللغو والكذب والباطل والقصة»

افضل:

عنوان ١٢١ «الحق».

۳۶۲

باطل

قرآن:

«خدا برای حق و باطل چنین مثل می‌زند، اما کف به کناری افتد و نابود شود و آنچه برای مردم سودمند است در زمین پایدار بماند. خدا این چنین مثل می‌زند».

«بگو: حق آمد و باطل نابود شد. به یقین باطل نابود شدنی است».

«بلکه حق را بر باطل فرو می‌افکنیم. پس آن را در هم کوبد و باطل بناگاه نابود شود. و وای بر شما از آنچه وصف می‌کنید».

«بگو: حق فراز آمد و باطل نماند و یارای بازگشتنش نیست».

«یا می‌گویند که بر خدا دروغی بسته است. اگر خدا بخواهد بر دل تو مهر می‌نهد. و خدا باطل را محو می‌کند و حق را با کلمات خویش ثابت می‌گرداند. او به راز دلها داناست».

حدیث:

۱۸۷۰. امام علی علیه السلام: باطل، ناتوانترین یاور است.

۳۶۲

الباطل

الكتاب:

«كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ»^۱.

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^۲.
«يَبْلُ تَقْذِيفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَذْمُغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ»^۳.

«قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِي الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ»^۴.

«أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَأِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»^۵.

الحديث:

۱۸۷۰. الإمام علي عليه السلام: الباطل أضعف نصير^۶.

۱. الرعد: ۱۷. ۲. الإسراء: ۸۱.

۳. الأنبياء: ۱۸. ۴. سبأ: ۴۹.

۵. الشورى: ۲۴. ۶. غرر الحكم: ۷۱۷.

۱۸۷۱. عنه علیه السلام: الباطلُ غرورٌ خادعٌ.^۱

۱۸۷۲. عنه علیه السلام: إِنَّ الباطِلَ خَيْلٌ شُمْسُ رَكِبَهَا أَهْلُهَا وَأَرْسَلُوا أَرْمَتَهَا، فَسَارَتْ (بِهِمْ) حَتَّى انْتَهَتْ بِهِمْ إِلَى نَارٍ وَقَوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ.^۲

۱۸۷۳. عنه علیه السلام: كَيْفَ يَنْفَصِلُ عَنِ الباطِلِ مَنْ لَمْ يَتَّصِلْ بِالْحَقِّ؟!^۳

۱۸۷۴. عنه علیه السلام: مُسْتَعْمِلُ الباطِلِ مُعَذَّبٌ مَلُومٌ.^۴

۱۸۷۵. عنه علیه السلام: فَلَا تُقْبَنُ الباطِلُ حَتَّى يَخْرُجَ الْحَقُّ مِنْ جَنِّهِ.^۵

۱۸۷۶. عنه علیه السلام: الْحَقُّ طَرِيقُ الْجَنَّةِ، وَالباطِلُ طَرِيقُ النَّارِ، وَعَلَى كُلِّ طَرِيقٍ دَاعٍ.^۶

۱۸۷۷. عنه علیه السلام: وَهُوَ يَذُمُّ أَصْحَابَهُ -: لَا تَعْرِفُونَ الْحَقَّ كَمَعْرِفَتِكُمُ الباطِلَ، وَلَا تُبْطِلُونَ الباطِلَ كَابْطَالِكُمُ الْحَقَّ.^۷

۱۸۷۸. عنه علیه السلام: ظَلَمَ الْحَقُّ مَنْ نَصَرَ الباطِلَ.^۸

۳۶۵

التَّمْيِيزُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالباطِلِ

۱۸۷۹. الإمامُ عَلِيُّ علیه السلام: أَمَّا إِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ الْحَقِّ

۱۸۷۱. امام علی علیه السلام: باطل فریبنده‌ای گمراه کننده است.

۱۸۷۲. امام علی علیه السلام: باطل [همچون] رمه اسبهای چموش است که صاحبانشان بر آنها نشسته و افسارشان را رها کرده‌اند. پس، سواران خود را می‌برند و آنها را در آتشی می‌افکنند که آتشگیره آن مردمانند و سنگها.

۱۸۷۳. امام علی علیه السلام: چگونه از باطل جدا شود، کسی که به حق نپیوسته است؟!۱

۱۸۷۴. امام علی علیه السلام: به کار گیرنده باطل، با عذاب و سرزنش روبه رو می‌شود.

۱۸۷۵. امام علی علیه السلام: من باطل را خواهم شکافت تا حق از پهلوی آن بیرون آید.

۱۸۷۶. امام علی علیه السلام: حق راه بهشت است و باطل راه آتش و بر سر هر راهی دعوتگری است.

۱۸۷۷. امام علی علیه السلام: در نكوهش یاران خود - فرمود: شما آن گونه که باطل را می‌شناسید، با حق آشنا نیستید و چنان که حق را پایمال می‌کنید، در راه نابودی باطل گام بر نمی‌دارید.

۱۸۷۸. امام علی علیه السلام: هر کس باطل را یاری کند به حق ستم کرده است.

۳۶۵

تشخیص حق از باطل

۱۸۷۹. امام علی علیه السلام: هان! میان حق و باطل جز

۱. غرر الحکم: ۵۴۹. ۲. نهج السعادة: ۲۹۴/۳.

۳. غرر الحکم: ۷۰۰۶. ۴. غرر الحکم: ۹۸۶۸.

۵. نهج البلاغة: الخطبة ۳۳. ۶. نهج السعادة: ۲۹۱/۳.

۷. نهج البلاغة: الخطبة ۶۹. ۸. غرر الحکم: ۶۰۴۱.

والباطل إِلَّا أَرْبَعُ أَصَابِعَ ... الباطلُ أَنْ
تَقُولَ: سَمِعْتُ، وَالْحَقُّ أَنْ تَقُولَ: رَأَيْتُ.^۱

۱۸۸۰. بحار الأنوار: عن الإمام علي عليه السلام: أَيُّهَا
النَّاسُ، مَنْ عَرَفَ مِنْ أَخِيهِ وَثِيقَةَ دِينٍ
وَسَدَادَ طَرِيقٍ فَلَا يَسْمَعَنَّ فِيهِ أَقَاوِيلَ
النَّاسِ، أَمَا إِنَّهُ قَدْ يَرْمِي الرَّامِي، وَيُخْطِئُ
السَّهَامَ، وَيُحِيلُ الْكَلَامَ، وَبَاطِلُ ذَلِكَ يَبُورُ،
وَاللَّهُ سَمِيعٌ وَشَهِيدٌ.

أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ إِلَّا
أَرْبَعُ أَصَابِعَ. - فَسُئِلَ عَنْ مَعْنَى قَوْلِهِ هَذَا
فَجَمَعَ أَصَابِعَهُ وَوَضَعَهَا بَيْنَ أُذُنِهِ وَعَيْنِهِ - ثُمَّ
قَالَ: الْبَاطِلُ أَنْ تَقُولَ: سَمِعْتُ، وَالْحَقُّ أَنْ
تَقُولَ: رَأَيْتُ.^۲

۱۸۸۱. الإمام الباقر عليه السلام: سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:
كَمْ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ؟ فَقَالَ: أَرْبَعُ أَصَابِعَ
- وَوَضَعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَدَهُ عَلَى أُذُنِهِ
وَعَيْنِهِ - فَقَالَ: مَا رَأَيْتُهُ عَيْنَاكَ فَهُوَ الْحَقُّ،
وَمَا سَمِعْتُهُ أُذُنَاكَ فَأَكْثَرُهُ بَاطِلٌ.^۳

۱۸۸۲. عنه عليه السلام: سَأَلَ الشَّامِيُّ - الَّذِي بَعَثَهُ مَعَاوِيَةُ

چهار انگشت فاصله نیست ... باطل، آن
است که بگویی: «شنیدم» و حق، آن است
که بگویی: «دیدم».

۱۸۸۰. بحار الأنوار: امام علی علیه السلام فرمود: ای مردم!
هر کس برادر خود را به استواری دین و
درستی راه شناخت، هرگز به گفته های
مردم درباره او گوش نپارد. زنهار که گاه،
تیرانداز تیر می افکند و تیرهایش به خطا
می رود، و بسی سخن که خلاف حقیقت
است، گفتار باطل تباه است و خداوند شنوا
و گواه.

هان! میان حق و باطل جز چهار
انگشت فاصله نیست. - از آن حضرت
درباره معنای این سخن سؤال شد. امام،
انگشتان خود را به هم چسباند و آنها را
میان گوش و چشم خود گذاشت - و آن گاه
فرمود: باطل این است که بگویی: «شنیدم»
و حق آن است که بگویی: «دیدم».

۱۸۸۱. امام باقر علیه السلام: از امیرالمؤمنین سؤال شد:
فاصله میان حق و باطل چه اندازه است؟
فرمود: چهار انگشت. - امیرالمؤمنین
دست خود را میان گوش و چشم خود قرار
داد - و فرمود: آنچه چشمانت ببیند حق
است و آنچه گوشهایت بشنود بیشترش
باطل است.

۱۸۸۲. امام باقر علیه السلام: مرد شامی - همو که معاویه

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۴۱.

۲. بحار الأنوار: ۷۵/۱۹۷/۱۶.

۳. بحار الأنوار: ۷۵/۱۹۶/۹.

لَيْسَ أَلْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَمَّا سَأَلَ عَنْهُ
مَلِكُ الرُّومِ - الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ع: كَمْ بَيْنَ
الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ؟ فَقَالَ ع: أَرْبَعُ أَصَابِعَ، فَمَا
رَأَيْتَهُ بَعَيْنِكَ فَهُوَ الْحَقُّ، وَقَدْ تَسَمَّعُ بِأُذُنِكَ
بَاطِلًا كَثِيرًا.^۱

۳۶۶

التَّيْبَاسُ الْحَقُّ بِالْبَاطِلِ

الكتاب:

«وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ
تَعْلَمُونَ».^۲

الحديث:

۱۸۸۳. الإمام علي ع: فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ
مِزَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخَفْ عَلَى الْمُتَرَادِينَ، وَلَوْ
أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ
عَنْ أَلْسُنِ الْمُعَانِدِينَ، وَلَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا
ضِغْتُ وَمِنْ هَذَا ضِغْتُ.^۳

۱۸۸۴. عنه ع: كَمْ مِنْ ضَلَالَةٍ زُخْرِفَتْ بِآيَةٍ مِنْ
كِتَابِ اللَّهِ كَمَا يُزْخَرَفُ الدُّرَّهَمُ النَّحَاسُ
بِالْفِضَّةِ الْمُؤَوَّهَةِ!^۴

فرستادش تا پرسشهایی را که پادشاه روم
از وی پرسیده بود از امیرالمؤمنین ع
بپرسد - از حسن بن علی ع پرسید: فاصله
حق و باطل چقدر است؟ فرمود: چهار
انگشت، آنچه با چشم خود دیدی آن حق
است، ولی با گوش خود باطل فراوان
می شنوی.

۳۶۶

در آمیختن حق و باطل

قرآن:

«حق را با باطل در نیامیزید و حق را، با آن که می دانید
کتمان نکنید».

حدیث:

۱۸۸۳. امام علی ع: اگر باطل با حق در نیامیزد بر
حقیقت جویان پوشیده نمی ماند و اگر حق
با باطل آمیخته نشود، زیان دشمنان آن
بریده می شود، لیکن مشتی از آن برداشته
می شود و مشتی از این [و بدین ترتیب حق
و باطل در هم آمیخته می شود و شبهه پیش
می آید].

۱۸۸۴. امام علی ع: بسا گمراهی ای که با آیه ای از
کتاب خدا آراسته شود همچنانکه درهم
مسی با روکشی از نقره تقلبی آراسته
می گردد!

۱. بحار الأنوار: ۷۵/۱۹۶/۱۰.

۲. البقرة: ۲۲. ۳. نهج البلاغة: الخطبة ۵۰.

۴. غرر الحکم: ۶۹۶۹.

۳۶۷

عدم استیقانِ الباطلِ حقاً

۱۸۸۵ . الإمامُ الصادقُ عليه السلام : أَيْ اللهُ أَنْ يُعْرِفَ بَاطِلًا حَقًّا، أَيْ اللهُ أَنْ يَجْعَلَ الْحَقَّ فِي قَلْبِ الْمُؤْمِنِ بَاطِلًا لَا شَكَّ فِيهِ ، وَأَيْ اللهُ أَنْ يَجْعَلَ الْبَاطِلَ فِي قَلْبِ الْكَافِرِ الْمُخَالِفِ حَقًّا لَا شَكَّ فِيهِ ، وَلَوْ لَمْ يَجْعَلْ هَذَا هَكَذَا مَا عُرِفَ حَقٌّ مِنْ بَاطِلٍ^۱.

۱۸۸۶ . عنه عليه السلام : لَا يَسْتَيِقِنُ الْقَلْبُ أَنَّ الْحَقَّ بَاطِلٌ أَبَدًا ، وَلَا يَسْتَيِقِنُ أَنَّ الْبَاطِلَ حَقٌّ أَبَدًا^۲.

۳۶۷

یقین نکردن به حق بودن باطل

۱۸۸۵ . امام صادق عليه السلام : خداوند ابا کرده است از این که باطلی را حق بشناساند؛ خداوند ابا کرده است از این که حق را در دل مؤمن، باطلی تردید ناپذیر جلوه دهد؛ خداوند ابا کرده است از این که باطل را در دل کافر حق ستیز به صورت حقی تردید ناپذیر جلوه دهد؛ اگر چنین نمی کرد حق از باطل شناخته نمی شد.

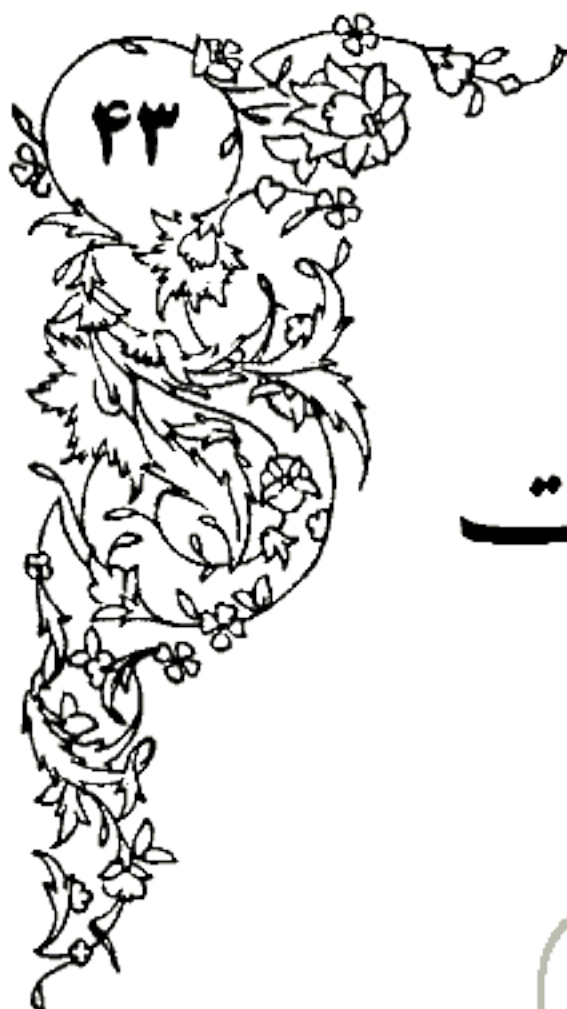
۱۸۸۶ . امام صادق عليه السلام : هرگز دل به باطل بودن حق و به حق بودن باطل یقین نمی کند.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

۱ . بحار الأنوار: ۱۲/۳۰۳/۵.

۲ . تفسیر المیزانی: ۳۹/۵۳/۲.



البَغْضَاءُ

بغض ونفرت



مركز تحقيقات كچويز علوم دینیه

انظر:

عنوان ٩١ والمحبة، ٣٣٩ والعداوة.

۳۶۸

الْمَبْغُوضُونَ إِلَى اللَّهِ

۱۸۸۷. رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الشَّيْخَ الزَّانِي، وَالْغَنِيِّ الظَّلُومَ، وَالْفَقِيرَ الْمُخْتَالَ، وَالسَّائِلَ الْمُلْحِفَ، وَيُحِبُّ أَجَرَ الْمُعْطَى الْمَنَانِ، وَيَمَقُّتُ الْبَذِيخَ الْجَرِيَّ الْكَذَّابَ.^۱

۱۸۸۸. عنه ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُبْغِضُ كُلَّ عَالِمٍ بِالدُّنْيَا جَاهِلٍ بِالْآخِرَةِ.^۲

۱۸۸۹. عنه ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبْغِضُ كُلَّ جَفْظَرِيٍّ جَوَاطِ سَخَابٍ فِي الْأَسْوَاقِ، جِيْفَةٍ بِاللَّيْلِ، حِمَارٍ بِالنَّهَارِ، عَالِمٍ بِالدُّنْيَا، جَاهِلٍ بِالْآخِرَةِ.^۳

۱۸۹۰. عنه ﷺ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ رَجُلًا يُدْخِلُ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ وَلَا يُقَاتِلُ.^۴

۱۸۹۱. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ لَيُبْغِضُ الْوَقِيعَ الْمُتَجَرِّيَ عَلَى الْمَعَاصِي.^۵

۱۸۹۲. عنه ﷺ: إِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ لَيُبْغِضُ الطَّوِيلَ

۳۶۸

افراد منفور نزد خدا

۱۸۸۷. پیامبر خدا ﷺ: خداوند از پیرمرد زناکار، توانگر ستمکار، تهیدست گردنفرافراز و گدای سمج نفرت دارد و بسخشنده منت‌گذار را بی‌اجر می‌گذارد و گردنکش گستاخ دروغگو را دشمن می‌دارد.

۱۸۸۸. پیامبر خدا ﷺ: خداوند تبارک و تعالی از هر کس که به دنیا عالم و به آخرت جاهل باشد نفرت دارد.

۱۸۸۹. پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال نفرت دارد از هر درشتخوی متکبر عربده جوی در کوچه و بازار که در شب مانند مرده می‌افتد و در روز مانند الاغ است و به کار دنیا آگاه است و به آخرت نادان.

۱۸۹۰. پیامبر خدا ﷺ: خداوند از مردی که به خانه‌اش درآیند و او نجنبند نفرت دارد.

۱۸۹۱. امام علی علیه السلام: خداوند سبحان از آدم و قبیح گستاخ در گناهان نفرت دارد.

۱۸۹۲. امام علی علیه السلام: خداوند سبحان کسی را که

۱. تحف العقول: ۴۲. ۲. کنز العمال: ۲۸۹۸۲.

۳. کنز العمال: ۲۳۶۷۹.

۴. بیرون أخبار الرضا: ۲/ ۲۸/ ۲۴.

۵. غرر الحکم: ۳۴۳۷.

الْأَمَلِ، السَّيِّئِ الْعَمَلِ ۱.

۱۸۹۳. عَنْهُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ

يُبْغِضُ الْمُعْبَسَّ فِي وَجْهِ إِخْوَانِهِ ۲.

۱۸۹۴. الْإِمَامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ: إِنَّ اللَّهَ لَا يُبْغِضُ

الْبَخِيلَ السَّائِلَ الْمُلْحِفَ ۳.

۱۸۹۵. الْإِمَامُ الْبَاقِرُ: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْفَاحِشَ

الْمُتَفَحِّشَ ۴.

۱۸۹۶. عَنْهُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُبْغِضُ

الشَّيْخَ الْجَاهِلَ، وَالْغَنَى الظَّلُومَ، وَالْفَقِيرَ

الْمُخْتَالَ ۵.

آرزوی دراز دارد و بد کردار است دشمن

می دارد.

۱۸۹۳. امام علی: پیامبر خدا ﷺ می فرمود:

خداوند از کسی که به برادرانش رو ترش

کند نفرت دارد.

۱۸۹۴. امام زین العابدین: خداوند از آدم

بخیل گداصفت سمج نفرت دارد.

۱۸۹۵. امام باقر: خداوند از آدم بد زبان

دشنامگوی نفرت دارد.

۱۸۹۶. امام باقر: خداوند تبارک و تعالی از

پیرمرد نادان و توانگر ستمکار و تهیدست

متکبر نفرت دارد.



(انظر) عنوان ۴۰ «البشر»

البلاء: باب ۸-۴

۳۶۹

منفورترین کس نزد خدا

۱۸۹۷. بحار الأنوار: - در حدیث قدسی آمده

است: - بدانید که منفورترین آفریدگان نزد

من کسی است که خود را به من مانند کند و

ادعای خدایی نماید؛ پس از او منفورترین

مردمان نزد من کسی است که خود را

همانند محمد کند و بر سر نبوت او با وی

کشمکش کند و مدعی نبوت شود، و پس از

او منفورترین مخلوقات نزد من کسی

۳۶۹

أَبْغَضُ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ

۱۸۹۷. بحار الأنوار - فِی الْحَدِيثِ الْقُدْسِيِّ -:

اعلموا أَنَّ أَبْغَضَ الْخَلْقِ إِلَيَّ مَنْ تَمَثَّلَ بِي

وَادَّعَى رُبُوبِيَّتِي، وَأَبْغَضُهُمْ إِلَيَّ بَعْدَهُ مَنْ

تَمَثَّلَ بِمُحَمَّدٍ وَنَازَعَهُ نُبُوتَهُ وَادَّعَاهَا،

۱. غرر الحکم: ۳۴۵۵.

۲. مستدرک الوسائل: ۸/۳۲۱/۹۵۵۲.

۳. بحار الأنوار: ۷۸/۱۴۰/۲۷.

۴. بحار الأنوار: ۷۸/۱۷۶/۳۳۸.

۵. بحار الأنوار: ۷۵/۳۱۲/۱۷.

است که خود را وصی محمد نشان دهد، ... پس از این مدعیان دروغین که در معرض دشمنی مانند، منفورترین آفریدگان نزد من آنانی هستند که این عده را در ادعایشان کمک می‌دهند و بعد از اینان منفورترین خلائق نزد من کسانی هستند که به کردار این افراد خشنودند.

۱۸۹۸. پیامبر خدا ﷺ: منفورترین مردمان نزد خداوند کسی است که بخواهد در اسلام، سنتی جاهلی بگذارد و دیگر آن که فردی را به ناحق تعقیب کند تا خون او را بریزد.

۱۸۹۹. پیامبر خدا ﷺ: مبعوض‌ترین مردمان نزد خدا سه نفرند: آن که در حرم (مکه) ستم کند، و آن که در اسلام پیگیر سنتی جاهلی باشد و آن که خواهان به ناحق ریخته شدن خون کسی باشد.

۱۹۰۰. پیامبر خدا ﷺ: سه کس نزد خدا از همه مبعوض‌ترند: کسی که روز زیاد می‌خوابد در حالی که شب اصلاً نمازی نخوانده است، و کسی که زیاد می‌خورد و هنگام غذا خوردن نام و حمد خدا نمی‌گوید، و کسی که بی دلیل زیاد می‌خندد.

۱۹۰۱. پیامبر خدا ﷺ: منفورترین افراد نزد خداوند متعال دانشمندی است که به ملاقات کارگزاران [جور] می‌رود.

وَأَبْغَضُهُمْ إِلَيَّ بَعْدَهُ مَنْ تَمَثَّلَ بِوَصِيِّ مُحَمَّدٍ ... وَأَبْغَضُهُمْ إِلَيَّ بَعْدَ هَؤُلَاءِ الْمُدَّعِينَ لِمَا هُمْ بِهِ لِسَخَطِي مُتَعَرِّضُونَ، مَنْ كَانَ لَهُمْ عَلَى ذَلِكَ مِنَ الْمُعَاوَنِينَ، وَأَبْغَضُ الْخَلْقِ إِلَيَّ بَعْدَ هَؤُلَاءِ مَنْ كَانَ مِنَ الرَّاغِبِينَ بِفِعْلِهِمْ.^۱

۱۸۹۸. رسول الله ﷺ: أَبْغَضُ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ مُبْتَنِّجٌ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةَ جَاهِلِيَّةٍ، وَطَالِبُ امْرِيٍّ بِغَيْرِ حَقٍّ لِيُزِيلَ دَمَهُ.^۲

۱۸۹۹. عَنْهُ ﷺ: أَبْغَضُ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ ثَلَاثَةً: مُلْحِدٌ فِي الْحَرَمِ، وَمُبْتَنِّجٌ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ، وَمُطَلِّبُ دَمِ امْرِيٍّ بِغَيْرِ حَقٍّ لِيُزِيلَ دَمَهُ.^۳

۱۹۰۰. عَنْهُ ﷺ: إِنَّ أَبْغَضَ الْخَلْقِ إِلَيَّ ثَلَاثَةٌ: الرَّجُلُ يُكْثِرُ النَّوْمَ بِالنَّهَارِ وَلَمْ يُصَلِّ مِنَ اللَّيْلِ شَيْئاً، وَالرَّجُلُ يُكْثِرُ الْأَكْلَ وَلَا يُسَمِّي اللَّهَ عَلَى طَعَامِهِ وَلَا يَحْمَدُهُ، وَالرَّجُلُ يُكْثِرُ الضُّحْكَ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ.^۴

۱۹۰۱. عَنْهُ ﷺ: إِنَّ أَبْغَضَ الْخَلْقِ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى الْعَالِمُ يَزُورُ الْعَمَالَ.^۵

۱. بحار الأنوار: ۹۲/ ۲۵۳/ ۴۸.

۲. الدر المنثور: ۳/ ۹۸. ۳. كنز العمال: ۴۳۸۳۳.

۴. كنز العمال: ۲۱۴۳۱. ۵. كنز العمال: ۲۸۹۸۵.

۱۹۰۲. عنه علیه السلام : أَبْغَضُ خَلِيقَةَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْكَذَّابُونَ، وَالْمُسْتَكْبِرُونَ، وَالَّذِينَ يُكْثِرُونَ الْبَغْضَاءَ لِإِخْوَانِهِمْ فِي صُدُورِهِمْ فَإِذَا لَقَوْهُمْ تَخَلَّفُوا لَهُمْ، وَالَّذِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ كَانُوا بَطَاءً، وَإِذَا دُعُوا إِلَى الشَّيْطَانِ وَأَمْرِهِ كَانُوا سِرَاعاً^۱.

۱۹۰۳. عنه علیه السلام : أَبْغَضُكُمْ إِلَى اللَّهِ الْمَشَاوُونَ بِالنَّمِيمَةِ، الْمُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْإِخْوَانِ، الْمُتَلَمِّسُونَ لِلْبُرَاءِ الْعَثَرَاتِ^۲.

۱۹۰۴. الإمام علی علیه السلام : أَبْغَضُ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ الشَّيْخُ الزَّانِي^۳.

۱۹۰۵. عنه علیه السلام : أَبْغَضُ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ الْمُعْتَابِ^۴.

۱۹۰۶. عنه علیه السلام : أَبْعَدُ الْخَلَائِقِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى الْبَخِيلُ الْغَنِيُّ^۵.

۱۹۰۷. عنه علیه السلام : أَبْغَضُ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى الْجَاهِلُ^۶.

۱۹۰۸. عنه علیه السلام : إِنَّ أَبْغَضَ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ رَجُلَانِ: رَجُلٌ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ، فَهُوَ جَائِرٌ عَنْ قَصْدِ السَّبِيلِ، مَشْغُوفٌ بِكَلَامٍ بَدْعِيٍّ وَدُعَاءٍ ضَلَالَةٍ، فَهُوَ فِتْنَةٌ لِمَنْ افْتَتَنَ

۱۹۰۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در روز قیامت مبغوض ترین آفریدگان خدا نزد او دروغگویان و گردنفرزان و کسانی هستند که از برادران خود بسیار کینه به دل دارند ولی در هنگام رو به رو شدن با آنان خلافتش را وانمود می کنند و کسانی که هرگاه به [راه] خدا و پیامبرش دعوت شوند، کندی می ورزند و چون به شیطان و فرمان او فرا خوانده شوند می شتابند.

۱۹۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : منفورترین شما نزد خداوند کسانی هستند که سخن چینی می کنند، میان برادران جدایی می افکنند، و در پی یافتن خطا و لغزش برای افراد بی گناه هستند.

۱۹۰۴. امام علی علیه السلام : منفورترین مخلوقات نزد خدا پیرمرد زناکار است.

۱۹۰۵. امام علی علیه السلام : منفورترین آفریدگان نزد خدا غیبت کننده است.

۱۹۰۶. امام علی علیه السلام : دورترین کس از خدا توانگر بخیل است.

۱۹۰۷. امام علی علیه السلام : منفورترین مردمان نزد خداوند متعال شخص نابخرد است.

۱۹۰۸. امام علی علیه السلام : منفورترین مردمان نزد خداوند متعال دو کس است: کسی که خداوند او را به خود وانهاده و او از راه راست به دور افتاده؛ دلدادۀ بدعت است و فراخواننده به سوی گمراهی، پیروان خود را به فتنه و گمراهی درمی افکند... و مردی

۱. کنز العمال: ۴۳۹۷۵. ۲. بحار الأنوار: ۱۷/۳۸۳/۷۱. ۳. غرر الحکم: ۳۱۱۹. ۴. غرر الحکم: ۳۱۲۸. ۵. غرر الحکم: ۳۱۶۲. ۶. غرر الحکم: ۳۳۵۹.

به...، وَرَجُلٌ قَمَشَ جَهْلًا، مُوَضِّعٌ فِي
جُهَالِ الْأَمَّةِ، عَادٍ فِي أَغْبَاشِ الْفِتْنَةِ، عَمٍ
بِمَا فِي عَقْدِ الْهُدْنَةِ، قَدْ سَتَاهُ أَشْبَاهُ
النَّاسِ عَالِمًا^۱

که مشتی نادانی فراهم ساخته، در میان
نادانان امت جولان می دهد، در تاریکیهای
فتنه می تازد، مزایای صلح و آرامش [در
جامعه] را نمی بیند. آدمی نمایان او را دانا
نامیده اند [ولی نیست!].

۱۹۰۹. عَنْهُ عليه السلام: إِنَّ أَبْغَضَ خَلْقِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ رَجُلٌ
قَمَشَ عِلْمًا، غَارًا فِي أَغْبَاشِ الْفِتْنَةِ،
عَمِيًّا بِمَا فِي غَيْبِ الْهُدْنَةِ، سَمَاهُ
أَشْبَاهُهُ مِنَ النَّاسِ عَالِمًا، وَلَمْ يُغْنِ فِي
الْعِلْمِ يَوْمًا سَالِمًا^۲.

۱۹۰۹. امام علی عليه السلام: همانا منفورترین خلق خدا
نزد او مردی است که مشتی دانش فراهم
آورده، در تاریکیهای فتنه گرفتار غفلت
و سرگستگی است، مزایایی را که در صلح
و آرامش نهفته است نمی بیند، مردمان
مانند خودش او را عالم نامند در حالی که
یک روز تمام را صرف علم نکرده است.

۱۹۱۰. عَنْهُ عليه السلام: أَبْغَضُ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ سَبْحَانَهُ الْعَالِمُ
الْمُتَجَبِّرُ^۳.

۱۹۱۰. امام علی عليه السلام: منفورترین بندگان نزد
خداوند سبحان دانشمند مغرور و متکبر
است.

۱۹۱۱. عَنْهُ عليه السلام: إِنَّ مِنْ أَبْغَضِ الرِّجَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى
لَعَبْدًا وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ، جَائِرًا عَنْ قَصْدِ
السَّبِيلِ، سَائِرًا بِغَيْرِ دَلِيلٍ، إِنَّ دُعِيَ إِلَى
حَرْبِ الدُّنْيَا عَمِلَ، وَإِنْ دُعِيَ إِلَى حَرْبِ
الْآخِرَةِ كَسِلَ^۴.

۱۹۱۱. امام علی عليه السلام: همانا یکی از منفورترین
کسان نزد خداوند متعال بنده ای است که
خداوند او را به خود وا گذاشته است و او از
راه راست منحرف گشته و بسی راهنما
حرکت می کند، اگر او را به آباد کردن دنیا
فراخوانند، می کوشد و اگر به آباد کردن
آخرت فرایش خوانند، سستی و کاهلی
نشان می دهد.

۱۹۱۲. عَنْهُ عليه السلام: أُمَقَّتُ الْعِبَادَ إِلَى اللَّهِ سَبْحَانَهُ مَنْ
كَانَ هِمَّتُهُ (هَمَّةً) بَطْنَةً وَفَرْجَةً^۵.

۱۹۱۲. امام علی عليه السلام: دشمن ترین بندگان نزد
خداوند سبحان کسی است که هم و غمش
شکمبارگی و شهوترانی باشد.

۱۹۱۳. عَنْهُ عليه السلام: أُمَقَّتُ الْعِبَادَ إِلَى اللَّهِ الْفَقِيرُ الْمَرْهُوُّ،

۱۹۱۳. امام علی عليه السلام: منفورترین بندگان نزد خدا
تهیدست متکبر، پیرمرد زناکار، و دانشمند
تبهکار است.

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۷. ۲. كنز العمال: ۴۴۲۲۰.

۳. غرر الحکم: ۳۱۶۴. ۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۳.

۵. غرر الحکم: ۳۲۹۴.

وَالشَّيْخُ الزَّانِي، وَالْعَالِمُ الْفَاجِرُ.^۱

۱۹۱۳. الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ مَنْ يَقْتَدِي بِسُنَّةِ إِمَامٍ وَلَا يَقْتَدِي بِأَعْمَالِهِ.^۲

۱۹۱۵. الإمام الباقر عليه السلام: قَالَ مُوسَى عليه السلام: يَا رَبِّ، أَيُّ عِبَادِكَ أَبْغَضُ إِلَيْكَ؟ قَالَ: جِيفَةٌ بِاللَّيْلِ بَطَّالٌ بِالنَّهَارِ.^۳

۱۹۱۶. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ أَبْغَضَ خَلْقِ اللَّهِ عَبْدٌ اتَّقَى النَّاسَ لِسَانَهُ.^۴

۱۹۱۷. عنه عليه السلام: قَالَ مُوسَى عليه السلام: يَا رَبِّ، أَيُّ خَلْقٍ أَبْغَضُ إِلَيْكَ؟ قَالَ: الَّذِي يَتَّهِمُنِي. قَالَ: وَمِنْ خَلْقِكَ مَنْ يَتَّهِمُكَ؟! قَالَ: نَعَمْ، الَّذِي يَسْتَخِيرُنِي فَأَخِيرُ لَهُ، وَالَّذِي أَقْضِي الْقَضَاءَ لَهُ وَهُوَ خَيْرٌ لَهُ فَيَتَّهِمُنِي.^۵

(انظر) المحبة (حب الله): باب ۶۷۰.

۳۷۰

أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى الرَّسُولِ

۱۹۱۸. كنز العمال عن رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَبْغَضَكُمْ إِلَيَّ وَأَبْعَدَكُمْ مِنِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ الثَّرَثَارُونَ،

۱. غرر الحکم: ۳۱۶۰. ۲. الکافی: ۸/۲۳۴/۳۱۲.

۳. بحار الأنوار: ۷۶/۱۸۰/۸.

۴. الکافی: ۲/۳۲۳/۴. ۵. بحار الأنوار: ۷۱/۱۴۲/۳۸.

۱۹۱۲. امام زين العابدين عليه السلام: منفورترین فرد نزد خدا کسی است که در سنت [ها] به امامی اقتدا کند، اما در عمل او را مقتدای خود نگیرد.

۱۹۱۵. امام باقر عليه السلام: موسی عليه السلام عرض کرد: پروردگار من! کدام یک از بندگان نزد تو مبعوض تر است؟ فرمود: آن کس که در شب چون مرده می افتد و در روز بیکار می گردد.

۱۹۱۶. امام صادق عليه السلام: مبعوض ترین خلق خدا بنده ای است که مردم از زبان او بترسند.

۱۹۱۷. امام صادق عليه السلام: موسی عليه السلام عرض کرد: پروردگارا! کدامین آفریده نزد تو مبعوض تر است؟ فرمود: آن که مرا متهم می کند. عرض کرد: آیا از بندگان تو، کسی هم تو را متهم می کند؟ فرمود: آری، همان کسی که از من خیر می خواهد و من به او خیر می دهم و کسی که قضای خود را که به نفع اوست، برایش جاری می سازم ولی او [ندانسته] مرا متهم می سازد.

۳۷۰

منفورترین فرد نزد پیامبر

۱۹۱۸. كنز العمال: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: در روز رستاخیز مستفورترین شما نزد من و دورترینان از من افراد پرگو، لاف زن و متفیهق اند. عرض کردند: ای رسول خدا!

وَالْمُتَشَدِّقُونَ، وَالْمُتَفَنِّهُونَ. قالوا: يا رسول الله، ما الْمُتَفَنِّهُونَ؟ قال: الْمُتَكَبِّرُونَ.^۱

۱۹۱۹. عنه ﷺ: أَبْغَضُكُمْ إِلَيَّ الْمَشَاوُونَ بِالنَّمِيمَةِ، الْمُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْأَحِبَّةِ، الْمُتَلْتِمِسُونَ لِلْبُرَاءِ الْعَنَتِ.^۲

۳۷۱

أَبْغَضُ الْأَخْلَاقِ إِلَى اللَّهِ

۱۹۲۰. رسول الله ﷺ: مَا شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْبُخْلِ وَسُوءِ الْخُلُقِ، وَإِنَّهُ لَيُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الطَّيْنُ الْعَسَلَ.^۳

۳۷۲

الْأَفْعَالُ الْمَبْغُوضَةُ إِلَى اللَّهِ

۱۹۲۱. رسول الله ﷺ: لَيْسَ شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ مِنْ بَطْنٍ مَلَّانَ.^۴

۱۹۲۲. الإمام الصادق ﷺ: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ كَثْرَةَ النَّوْمِ وَكَثْرَةَ الْفَرَاغِ.^۵

۱۹۲۳. عنه ﷺ: ثَلَاثٌ فِيهِنَّ الْمَقْتُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ

متفیهقان کیستند؟ فرمود: متکبران.

۱۹۱۹. پیامبر خدا ﷺ: منفورترین شما نزد من، سخن چینان و تفرقه افکنان میان دوستان و کسانی اند که به عیب جویی افراد پاک و بی گناه می پردازند.

۳۷۱

منفورترین اخلاق نزد خدا

۱۹۲۰. پیامبر خدا ﷺ: هیچ چیز نزد خداوند عزَّ و جَلَّ منفورتر از بخل و بدخویی نیست. همان گونه که خاک عسل را تباه می کند، این دو نیز عمل را تباه می کنند.

۳۷۲

کارهای منفور نزد خدا

۱۹۲۱. پیامبر خدا ﷺ: نزد خداوند چیزی منفورتر از شکم پُر نیست.

۱۹۲۲. امام صادق ﷺ: خداوند از پُر خوابی و بیکاری زیاد نفرت دارد.

۱۹۲۳. امام صادق ﷺ: سه چیز است که خداوند آنها را دشمن می دارد: خوابیدن در روز بدون شب زنده داری، خنده بی دلیل، و غذا

۱. كنز العمال: ۵۱۸۴. ۲. تاریخ بغداد: ۵/ ۲۶۴.

۳. بحار الأنوار: ۱۶/ ۲۳۱/ ۳۵.

۴. عيون أخبار الرضا: ۲/ ۳۶/ ۸۹.

۵. بحار الأنوار: ۷۶/ ۱۸۰/ ۱۰.

وَجَلَّ: نَوْمٌ مِنْ غَيْرِ سَهَرٍ، وَضَحْكٌ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ، وَأَكْلٌ عَلَى الشَّبَعِ.^۱

۱۹۲۲. الإمام الرضا: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْقِيلَ وَالْقَالَ، وَإِضَاعَةَ الْمَالِ، وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ.^۲

(انظر المحبة (حب الله): باب ۶۷۱).

۳۷۳

منفورترین کارها نزد خدا

۱۹۲۵. امام صادق: مردی از خشم خدمت

پیامبر خدا آمد و عرض کرد: کدام کار

نزد خداوند عز و جل مبغوض تر است؟

فرمود: شرک و رزیدن به خدا. عرض کرد:

دیگر چه؟ فرمود: بریدن از خویشاوندان.

عرض کرد: سپس چه؟ فرمود: امر به منکر

و نهی از معروف.

۳۷۴

منفورترین مکانها نزد خدا

۱۹۲۶. امام باقر: پیامبر خدا به جبرئیل

فرمود: کدامین مکانها نزد خداوند متعال

منفورتر است؟ جبرئیل گفت: بازارها و

منفورترین بازاری نزد خدا کسی است که

زودتر از همه به بازار رود و دیرتر از همه

آن را ترک کند.

۳۷۳

أبْغَضُ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ

۱۹۲۵. الإمام الصادق: إِنَّ رَجُلًا مِنْ خَتَمَ جَاءَ

إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: أَيُّ الْأَعْمَالِ أَبْغَضُ

إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ فَقَالَ: الشُّرْكُ بِاللَّهِ. قَالَ:

تُمْ مَاذَا؟ قَالَ: قَطِيعَةُ الرَّجِمِ. قَالَ: تُمْ

مَاذَا؟ قَالَ: الْأَمْرُ بِالْمُنْكَرِ وَالنَّهْيُ عَنِ

الْمَعْرُوفِ.^۳

(انظر المحبة (حب الله): باب ۶۷۲).

العنة: باب ۸۶۳.

۳۷۴

أَبْغَضُ الْبِقَاعِ إِلَى اللَّهِ

۱۹۲۶. الإمام الباقر: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِجَبْرِئِيلَ:

أَيُّ الْبِقَاعِ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؟ قَالَ:

الْأَسْوَاقُ، وَأَبْغَضُ أَهْلِهَا إِلَيْهِ أَوْلَهُمْ دُخُولًا

۱. النخال: ۲۵/۸۹. ۲. بحار الأنوار: ۷۸/۳۳۵/۱۶.

۳. الکافی: ۲/۲۹۰/۴.

۳۷۵

نفرت

۱۹۲۷ . پیامبر خدا ﷺ : بیماری اقوام پیشین به شما

سرایت کرده است: نفرت و حسادت .

۱۹۲۸ . امام صادق علیه السلام : سه چیز نفرت می آورد:

دورویی، ستمگری و خودپسندی.

إِلَيْهَا وَآخِرُهُمْ خُرُوجاً مِنْهَا. ۱

۳۷۵

البغضاء

۱۹۲۷ . رسول الله ﷺ : دَبَّ إِلَيْكُمْ دَاءُ الْأُمَمِ قَبْلَكُمْ:

البغضاء والحسد. ۲

۱۹۲۸ . الإمام الصادق عليه السلام : ثَلَاثَةٌ مَكْسَبَةٌ لِلْبَغْضَاءِ:

النِّفَاقُ، وَالظُّلْمُ، وَالْعُجْبُ. ۳



مرکز تحقیقات کتب و نشر علوم اسلامی

۱ . بحار الأنوار: ۷۶ / ۴ / ۸۴ .

۲ . معاني الأخبار: ۱ / ۳۶۷ .

۳ . تحف العقول: ۳۱۶ .

البَغِي

سکشی



مرکز تحقیقات و پژوهش در علوم اسلامی

ولمزيد الاطلاع راجع:

بحار الأنوار: ۷۵/۲۷۲ باب ۷۰ «البغي والطغيان».

انظر:

عنوان ۳۲۹ «الظلم».

۳۷۶

البغی

الکتاب:

﴿فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْتَغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ بِأُيُهَا
النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ
إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَتَنْبِئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^۱

﴿وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ
تَذَكَّرُونَ﴾^۲

﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ
وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنْزَلْ بِهِ
سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾^۳

﴿ذَلِكَ جَزَاءُ الَّذِينَ يَبْغِيهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ﴾^۴

الحديث:

۱۹۲۹. رسول الله ﷺ: «إِنَّ أَعْجَلَ الشَّرِّ عُقُوبَةَ الْبَغْيِ»^۵

۱۹۳۰. الإمام علي عليه السلام: «إِيَّاكَ وَالْبَغْيَ فَإِنَّهُ يُعَجِّلُ

الصَّرْعَةَ، وَيُجِلُّ بِالْعَامِلِ بِهِ الْعَبْرَةَ»^۶

۳۷۶

سرکشی

قرآن:

«چون خدا آنها را رها کنید، ناگهان در زمین به ناحق سرکشی کنند. ای مردم! سرکشی شما تنها به زیان خودتان است، [شما] بهره زندگی دنیا [را می طلبید]. تمتعی است در این زندگی دنیوی، سپس بازگشت شما به سوی ما خواهد بود و از کارهایی که می کرده اید آگاهتان می سازیم».

«و از فحشاء و کار ناپسند و سرکشی نهی می کند. شما را پند می دهد باشد که پند گیرید».

«بگو: پروردگار من زشتکاریها را، چه آشکار باشند و چه پنهان و نیز گناه و تعدی بناحق را حرام کرده است و نیز حرام است چیزی را شریک خدا سازید که هیچ دلیلی بر وجود آن نازل نشده است یا درباره خدا چیزهایی بگوئید که نمی دانید».

«به سبب تعدی شان اینچنین کیفرشان دادیم. و ما راستگویانیم».

حدیث:

۱۹۲۹. پیامبر خدا ﷺ: «کیفر تعدی (سرکشی) زودتر از کیفر هر کردار زشت دیگری دامنگیر انسان می شود».

۱۹۳۰. امام علی علیه السلام: «از تعدی پرهیز که زود به خاک می افکند و متعدی را درس عبرت دیگران می کند».

۱. یونس: ۲۳.

۲. النحل: ۹۰.

۳. الأعراف: ۳۳.

۴. الأنعام: ۱۴۶.

۵. الکافی: ۱/۳۲۷/۲.

۶. غرر الحکم: ۲۶۵۷.

۱۹۳۱. امام علی علیه السلام : کسی که شمشیر تعدی ستم برکشد خود به وسیله آن کشته می شود.
 ۱۹۳۲. امام علی علیه السلام : تعدی کردن [آدمی را] به خاک می افکند.

۱۹۳۳. امام علی علیه السلام : تعدی، مردان را به خاک می افکند و مرگها را نزدیک می کند.
 ۱۹۳۴. امام علی علیه السلام : پست ترین تعدی، تعدی به هنگام قدرت است.

۱۹۳۵. امام علی علیه السلام : زشت ترین ستم، ستم بر دوستان صمیمی است.
 ۱۹۳۶. امام علی علیه السلام : تعدی و ستم، نعمت را سلب می کند.

۱۹۳۷. امام علی علیه السلام : تعدی، انتقام گیری و کینه جویی به بار می آورد.
 ۱۹۳۸. امام علی علیه السلام : تعدی، موجب ناسبودی می شود.

۱۹۳۹. امام علی علیه السلام : تعدی، تعدی کننده را به سوی آتش می کشاند.

۱۹۴۰. امام صادق علیه السلام : مواظب باش که هرگز سخن تعدی آمیزی از دهانت خارج نشود هر چند به قدرت خود و طایفهات بنازی.

۱۹۳۱. عنه علیه السلام : مَنْ سَلَّ سَيْفَ الْبَغْيِ قُتِلَ بِهِ ۱.

۱۹۳۲. عنه علیه السلام : الْبَغْيُ يَصْرَعُ ۲.

۱۹۳۳. عنه علیه السلام : الْبَغْيُ يَصْرَعُ الرَّجَالَ وَيُذْنِي الْأَجَالَ ۳.

۱۹۳۴. عنه علیه السلام : الْأُمُّ الْبَغْيِ عِنْدَ الْقُدْرَةِ ۴.

۱۹۳۵. عنه علیه السلام : أَفْحَشُ الْبَغْيِ الْبَغْيُ عَلَى الْأَافِ ۵.

۱۹۳۶. عنه علیه السلام : الْبَغْيُ يَسْلُبُ النُّعْمَةَ ۶.

۱۹۳۷. عنه علیه السلام : الْبَغْيُ يَجْلِبُ النَّقْمَ ۷.

۱۹۳۸. عنه علیه السلام : الْبَغْيُ يُوجِبُ الدَّمَارَ ۸.

۱۹۳۹. عنه علیه السلام : إِنَّ الْبَغْيَ يَقُودُ أَصْحَابَهُ إِلَى النَّارِ ۹.

۱۹۴۰. الإمام الصادق علیه السلام : انْظُرْ أَنْ لَا تَكَلِّمَنَّ بِكَلِمَةٍ بَغْيٍ أَبَدًا، وَإِنْ أَعْجَبَتْكَ نَفْسُكَ وَعَشِيرَتُكَ ۱۰.

۱. نهج البلاغة: الحكمة ۳۴۹.

۲. غرر الحكم: ۲۰۰. ۳. غرر الحكم: ۱۴۹۴.

۴. غرر الحكم: ۲۹۷۱. ۵. غرر الحكم: ۳۰۰۷.

۶. غرر الحكم: ۳۸۲. ۷. غرر الحكم: ۷۱۱.

۸. غرر الحكم: ۷۹۵. ۹. الکافی: ۲/۳۲۷/۴.

۱۰. الکافی: ۲/۳۲۷/۳.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

البَّاعِغِي

سَكش



مركز تحقيقات کتب و پژوهش

ولمزيد الاطلاع راجع:

مستدرک الوسائل: ۱۱/۶۹۵۱ و البغاة.

کنز العمال: ۴/۶۱۰ و قتال البغاة.

انظر:

عنوان ۱۲ و الأسير، ۸۲ و الجهاد الأصغر، ۱۰۲ و الحرب، ۱۰۳

والمُحَارِب، ۳۱۹ و الطُّغْيَان، ۳۳۰ و القتل.

التوبة: باب ۴۶۹.

۳۷۷

الباغي

۱۹۳۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: بِشَسِّ الْعَبْدِ عَبْدُ عَتَا وَبَغْيٍ،
وَنَسِي الْجَبَّارِ الْأَعْلَى.^۱

۱۹۳۲. مستدرک الوسائل: إِنَّهُ [أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ] خَطَبَ بِالْكُوفَةِ، فَقَامَ رَجُلٌ مِنَ الْخَوَارِجِ فَقَالَ: لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ! فَسَكَتَ عَلِيٌّ ﷺ، ثُمَّ قَامَ آخَرُ وَآخَرُ، فَلَمَّا أَكْثَرُوا عَلَيْهِ قَالَ: كَلِمَةُ حَقٍّ يُرَادُ بِهَا بَاطِلٌ، لَكُمْ عِنْدَنَا ثَلَاثُ خِصَالٍ: لَا نَمْنَعُكُمْ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ تُصَلُّوا فِيهَا، وَلَا نَمْنَعُكُمْ الْفَيِّءَ مَا كَانَتْ أَيْدِيكُمْ مَعَ أَيْدِينَا، وَلَا تَبْدُوَكُمْ بِحَرْبٍ حَتَّى تَبْدُوْنَا بِهِ.

وَأَشْهَدُ لَقَدْ أَخْبَرَنِي النَّبِيُّ الصَّادِقُ ﷺ عَنِ الرُّوحِ الْأَمِينِ عَنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَنَّهُ لَا يَخْرُجُ عَلَيْنَا مِنْكُمْ فِرْقَةٌ قَلَّتْ أَوْ كَثُرَتْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ حَتْفَهَا عَلَى أَيْدِينَا. وَإِنْ أَفْضَلَ الْجِهَادِ جِهَادُكُمْ، وَأَفْضَلَ الشُّهَادِ مَنْ قَتَلْتُمُوهُ، وَأَفْضَلَ الْمُجَاهِدِينَ مَنْ قَتَلَكُمْ، فاعْمَلُوا مَا أَنْتُمْ عَامِلُونَ، فَيَوْمَ الْقِيَامَةِ «يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ»، وَ«لِكُلِّ نَبِيٍّ

۳۷۷

سرکش

۱۹۳۱. پیامبر خدا ﷺ: چه بد بنده‌ای است، آن بنده که سرکشی و طغیان نماید و خدای جبار والا مرتبه را فراموش کند.

۱۹۳۲. مستدرک الوسائل: امیر المؤمنین ﷺ در کوفه خطبه می‌خواند که یکی از خوارج برخاست و گفت: حکومت را جز خدا نشاید! امیر المؤمنین ﷺ خاموش ماند. آن‌گاه دیگری و دیگری برخاست، تا آن‌که شمار زیادی از آنان برخاستند [و همین سخن را تکرار کردند]. در این هنگام علی ﷺ فرمود: سخن حقیقی است که از آن اراده باطل می‌شود. شما نزد ما از سه امتیاز برخوردارید: از نماز خواندن شما در مساجد خداوند جلوگیری نمی‌کنیم، تازمانی که دست در دست ما دارید شما را از غنیمت محروم نمی‌سازیم، و تا شما با ما جنگ را نیاغازید ما جنگ با شما را آغاز نمی‌کنیم.

گواهی می‌دهم که پیامبر راستگو ﷺ از قول روح الامین از جانب پروردگار جهانیان به من خبر داد که هیچ گروهی از شما، کم یا زیاد، تا روز قیامت در برابر ما قیام نخواهد کرد، مگر آن‌که خداوند مرگ و نابودی آنان را به دست ما قرار داده است.

همانا برترین جهاد، جهاد با شماست و برترین شهید کسی است که به دست شما کشته شود و برترین مجاهد، کسی است که شما را بکشد. پس هر کاری که می‌خواهید بکنید؛ زیرا در روز رستاخیز، «باطل گرایان

مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ»^۱.

۱۹۲۳. المناقب لابن شهر آشوب عمن الإمام الباقر علیه السلام - بعد ذکر الذین حاربهم علی علیه السلام - : «أما إنهم أعظمُ جُرمًا مِن حارب رسول الله صلی الله علیه و آله. قيل له : وكيف ذلك يا بن رسول الله؟ قال : أولئك كانوا [أهل] جاهلیة ، وهؤلاء قرؤوا القرآن وعرفوا أهل الفضل، فأتوا ما أتوا بعد البصيرة»^۲.

۱۹۲۴. الإمام الباقر علیه السلام - تَمَارَى النَّاسِ عِنْدَهُ فَقَالَ بَعْضُهُمْ : حَرْبُ عَلِيٍّ علیه السلام شَرٌّ مِنْ حَرْبِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ، وَقَالَ بَعْضُهُمْ : حَرْبُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله شَرٌّ مِنْ حَرْبِ عَلِيٍّ علیه السلام - : لا ، بَلْ حَرْبُ عَلِيٍّ علیه السلام شَرٌّ مِنْ حَرْبِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ... وَسَأُخْبِرُكَ عَنْ ذَلِكَ ؛ إِنَّ حَرْبَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَمْ يُقَرَّوْا بِالْإِسْلَامِ ، وَإِنَّ حَرْبَ عَلِيٍّ علیه السلام أَقَرَّوْا بِالْإِسْلَامِ ثُمَّ جَحَدُوهُ»^۳.

۱۹۲۵. الإمام الصادق علیه السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ»^۴ - : الْبَاغِي الَّذِي

زیانکارند» و «هر خبری در جای خود تحقق می یابد، بزودی خواهید دانست»^۱.

۱۹۲۳. المناقب لابن شهر آشوب: امام باقر علیه السلام - بعد از یاد کردن از کسانی که علی علیه السلام با آنان جنگید - فرمود: جرم آنها بیشتر از کسانی است که با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جنگیدند. عرض شد: یابن رسول الله! چگونه چنین است؟ فرمود: آنان اهل جاهلیت بودند، اما اینان، قرآن خوان بودند و اهل فضیلت را می شناختند و با وجود این بینش و آگاهی، چنان رفتار کردند.

۱۹۲۴. امام باقر علیه السلام - هنگامی که عده ای در حضور ایشان به بحث و جدل پرداختند و یکی گفت: جنگندگان با علی علیه السلام بدتر از کسانی هستند که با پیامبر صلی الله علیه و آله جنگیدند و دیگری گفت: جنگندگان با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدتر از کسانی هستند که با علی علیه السلام جنگیدند - فرمود: خیر، بلکه جنگندگان با علی علیه السلام بدتر از جنگندگان با پیامبر صلی الله علیه و آله هستند ... اکنون علتش را به شما می گویم؛ جنگندگان با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مسلمان نبودند، اما جنگندگان با علی علیه السلام اقرار به اسلام کردند و سپس انکارش نمودند.

۱۹۲۵. امام صادق علیه السلام - در تفسیر آیه «هر کس ناچار شود بی آن که سرکشی ورزد و تجاوز کند» - فرمود: یاغی و سرکش کسی

۱. دعائم الإسلام: ۳۹۳/۱.

۲. ما بین المعقوفین أنبتاه من مستدرک الوسائل: ۱۱/ ۶۲ / ۱۲۴۲۸ نقلاً عن المصدر.

۳. المناقب لابن شهر آشوب: ۲۱۸/۳.

۴. الکافی: ۲۵۳/۸ / ۲۵۳ / ۵. البقرة: ۱۷۳.

۱. اقتباسی است از آیه ۲۷ سوره جاثیه: «وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِنُدُ يَخْسِرُ الْمَبْطُلُونَ؛ و روزی که رستاخیز برپا شود، آن روز است که باطل گرایان زیان خواهند دید» و ۶۷ سوره انعام: «لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ».

يُخْرِجُ عَلَى الْإِمَامِ^{۲۱}است که بر امام خروج کند.^۱

۳۷۸

جنگیدن با مسلمانان سرکش اهل بغی

قرآن:

«اگر دو گروه از مسلمانان با هم به جنگ برخاستند میانشان آشتی دهید و اگر یک گروه بر دیگری تعدی کرد با آن که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا باز گردد. پس اگر بازگشت، میانشان صلحی عادلانه برقرار کنید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست دارد».

حدیث:

۱۹۳۶. امام علی علیه السلام: قتل دو نوع است: قتلی که کفاره است و قتلی که بر درجات می‌افزاید. پیکار کردن نیز دو گونه است: پیکار با گروه کافران تا اسلام آورند؛ و پیکار با گروه یاغی تا [به فرمان خدا] باز گردند.

۱۹۳۷. امام علی علیه السلام: پیکار دو گونه است: پیکار با مشرکان که رها نمی‌شوند تا مسلمان شوند

۱. در الدر المنثور از قول مجاهد در تفسیر آیه «سرکش و تجاوزگر نباشد» آمده است: یعنی در برابر مسلمانان، عَلم یاغی‌گری و تجاوز بر نیفرزد هر که [از دیار خویش] بیرون رود تا از خویشان خود ببرد، یا راهزنی کند، یا در زمین (جامعه) فساد (ناامنی) به وجود آورد، یا از امت اسلامی و امامان جدا شود، یا سفر معصیت کند و در این شرایط، مجبور به خوردن گوشت مردار شود، [این] برای او حلال نیست.

۳۷۸

قِتَالُ أَهْلِ الْبَغْيِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

الكتاب:

«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأْضَلُّهُمَا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأْضَلُّهُمَا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»^۳.

الحديث:

۱۹۳۶. الإمام علي عليه السلام: الْقَتْلُ قَتْلَانِ: قَتْلُ كَفَّارَةٍ وَقَتْلُ دَرَجَةٍ، وَالْقِتَالُ قِتَالَانِ: قِتَالُ الْفِتْنَةِ الْكَافِرَةِ حَتَّىٰ يُسْلِمُوا وَقِتَالُ الْفِتْنَةِ الْبَاغِيَةِ حَتَّىٰ يَفِيئُوا^۴.

۱۹۳۷. عنه عليه السلام: الْقِتَالُ قِتَالَانِ: قِتَالُ أَهْلِ الشُّرْكِ لَا يُنْفَرُ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يُسْلِمُوا أَوْ يُؤْتُوا الْجِزْيَةَ

۱. معاني الأخبار: ۲۱۳ / ۱.

۲. في الدر المنثور عن مجاهد في قوله: «غیر باغ ولا عاد» قال: غیر باغ علی المسلمین ولا متعد علیهم، مَنْ خَرَجَ يقطع الرِّحْمَ أَوْ يقطع السَّبِيلَ أَوْ يُفْسِدُ فِي الْأَرْضِ أَوْ مُفَارِقًا لِلْجَمَاعَةِ وَالْأَنْسَةَ أَوْ خَرَجَ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ فَاضْطُرَّ إِلَى الْمَيْتَةِ لَمْ تَجَلَّ لَهُ. (الدر المنثور: ۴۰۸ / ۱).

۳. الحجرات: ۹. ۴. قرب الإسناد: ۱۳۲ / ۴۶۲.

عَنْ يَدِهِ وَهُمْ صَاغِرُونَ، وَقِتَالُ أَهْلِ الزَّيْغِ لَا يُنْفَرُ عَنْهُمْ حَتَّى يَفِيضُوا إِلَى أَمْرِ اللَّهِ أَوْ يَقْتُلُوا.^۱

۱۹۴۸. عنه علیه السلام - عِنْدَمَا ذُكِرَتْ الْحَرُورِيَّةُ عِنْدَهُ -:

إِنْ خَرَجُوا عَلَى إِمَامٍ عَادِلٍ أَوْ جَمَاعَةٍ فَقَاتِلُوهُمْ، وَإِنْ خَرَجُوا عَلَى إِمَامٍ جَائِرٍ فَلَا تُقَاتِلُوهُمْ؛ فَإِنَّ لَهُمْ فِي ذَلِكَ مَقَالاً.^۲

۱۹۴۹. عنه علیه السلام : يُقَاتِلُ أَهْلَ الْبَغْيِ وَيُقْتَلُونَ بِكُلِّ

مَا يُقْتَلُ بِهِ الْمُشْرِكُونَ، وَيُسْتَعَانُ عَلَيْهِمْ

بِمَنْ أُمِكنَ أَنْ يُسْتَعَانَ بِهِ عَلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ

الْقِبْلَةِ، وَيُؤَسَّرُونَ كَمَا يُؤَسَّرُ الْمُشْرِكُونَ

إِذَا قُدِرَ عَلَيْهِمْ.^۳

۱۹۵۰. عنه علیه السلام - بَعْدَ ذِكْرِ قِتَالِ مَنْ قَاتَلَهُ مِنْهُمْ -:

مَا وَجَدْتُ إِلَّا قِتَالَهُمْ أَوْ الْكُفْرَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

عَلَى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله.^۴

۱۹۵۱. عنه علیه السلام : قَاتِلُوا أَهْلَ الشَّامِ مَعَ كُلِّ إِمَامٍ

بَعْدِي.^۵

یا با خواری جزیه بپردازند؛ و پیکار با منحرفان که باید رو در رویشان بود تا به فرمان خدا باز آیند و گردن نهند یا کشته شوند.

۱۹۴۸. امام علی علیه السلام - وقتی در حضور ایشان از

خوارج سخن به میان آمد - فرمود: اگر علیه

امام عادل یا مردم شورش کردند، با آنان

بسجنگید و اگر علیه پیشوای ستمگر

شوریدند، با آنان نسجنگید؛ زیرا برای این

کار خود دلیلی دارند.

۱۹۴۹. امام علی علیه السلام : با اهل بغی (گروههای یاغی و

سرکش)، به همان شدت جنگ با مشرکان،

باید جنگید و از تمام امکانات و تواناییهای

اهل قبله (مسلمانان) باید علیه آنان کمک

گرفت و در صورت دسترس بر ایشان، باید

همچون مشرکان اسیرشان کرد.

۱۹۵۰. امام علی علیه السلام - به دنبال سخن گفتن از جنگ

با مخالفان - فرمود: به خدا سوگند راهی

نداشتم جز این که یا با آنان بسجنگم و یا آنچه

را خداوند بر پیامبرش، محمد صلی الله علیه و آله فرو

فرستاده منکر شوم.

۱۹۵۱. امام علی علیه السلام : در رکاب هر امام پس از من

با شامیان بسجنگید.

۱. وسائل الشیعة: ۳/ ۱۸/ ۱۱.

۲. تهذیب الأحکام: ۲۵۲/ ۱۴۵/ ۶.

۳. دعائم الإسلام: ۳۹۳/ ۱.

۴. دعائم الإسلام: ۳۸۸/ ۱.

۵. الغارات: ۵۸۰/ ۲.

۱۹۵۲. الإمام الصادق عليه السلام - في قوله تعالى: ﴿وَإِنْ

طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأْضَلَّيْهُمَا...﴾: -: الْفِتْنَانِ، إِنَّمَا جَاءَ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ، يَوْمَ الْبَصَرَةِ، وَهُمْ أَهْلُ هَذِهِ الْآيَةِ، وَهُمْ الَّذِينَ بَغَوْا عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام، فَكَانَ الْوَاجِبُ عَلَيْهِ قِتَالَهُمْ وَقَتْلَهُمْ حَتَّى يَفِيؤُوا إِلَى أَمْرِ اللَّهِ، وَلَوْ لَمْ يَفِيؤُوا لَكَانَ الْوَاجِبُ عَلَيْهِ فِيمَا أَنْزَلَ اللَّهُ أَنْ لَا يَرْفَعَ السَّيْفَ عَنْهُمْ حَتَّى يَفِيؤُوا وَيَرْجِعُوا عَنْ رَأْيِهِمْ؛ لِأَنَّهُمْ بَايَعُوا طَائِعِينَ غَيْرَ كَارِهِينَ، وَهِيَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى.

فَكَانَ الْوَاجِبُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَنْ يَغْدَلَ فِيهِمْ حَيْثُ كَانَ ظَفَرَ بِهِمْ، كَمَا عَدَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي أَهْلِ مَكَّةَ، إِنَّمَا مَنْ عَالَمَهُمْ وَعَفَا وَكَذَلِكَ صَنَعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِأَهْلِ الْبَصَرَةِ حَيْثُ ظَفَرَ بِهِمْ.^۱

(انظر) الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر: باب ۲۶۵۶.

۳۷۹

قِتَالُ مَنْ خَرَجَ عَلَى الْإِمَامِ

۱۹۵۳. الإمام الصادق عليه السلام - وقد سَأَلَهُ الْعَيْصُ عَنْ خُرُوجِ قَوْمٍ مَجُوسٍ عَلَى نَاسٍ مِنْ

۱۹۵۲. امام صادق عليه السلام - در تفسیر آیه «وَإِنْ

گروه از مؤمنان با هم بجنگند...» - فرمود: تأویل این آیه درباره دو گروه در جنگ بصره (جمل) است. آنان مشمول این آیه هستند و هم آنانند که بر امیرالمؤمنین عليه السلام یاغی شدند و سرکشی کردند و وظیفه آن حضرت جنگیدن با آنها و کشتنشان بود تا آن که به فرمان خدا باز گردند و اگر برنگشتند، براساس کتاب خدا موظف بود شمشیر از آنان بر ندارد، تا آن که به فرمان خدا گردن نهند یا از عقیده خود دست شویند؛ چرا که آنان با میل و اراده خود و نه با اجبار و کراهت، بیعت کرده بودند. اینان، همچنان که خداوند متعال فرموده است، گروه یاغی اند.

بر امیرالمؤمنین عليه السلام واجب بود که هرگاه بر آنان چیره شد، با ایشان به عدالت رفتار کند، همچنان که پیامبر خدا صلى الله عليه وآله با اهل مکه به عدالت رفتار کرد: بر آنان منت نهاد و بخشیدشان. امیرالمؤمنین عليه السلام نیز پس از پیروزی بر بصریان با آنان همین رفتار را کرد.

۳۷۹

جنگیدن با کسی که در خاک اسلام
علیه امام قیام کند

۱۹۵۳. امام صادق عليه السلام - در پاسخ عیص که پرسید
گروهی مجوسی در خاک اسلام بر

المسلمين في أرض الإسلام: هل يحل قتلهم؟ - نعم، وسببهم^۱.

۳۸۰

أهل البغي يبتدؤون بالقتال

۱۹۵۲. الإمام الصادق عليه السلام - لما سُئل عن المشركين: أيبْتَدِئُهُمُ المسلمون بالقتال في الشهر الحرام؟ - إذا كان المشركون يبتدئونهم باشتحاله ثم رأى المسلمون أنهم يظهرون عليهم فيه، وذلك قول الله عز وجل: «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ»^۲... وأهل البغي يبتدؤون بالقتال^۳.

۳۸۱

جواز قتل أسرى البغاة

۱۹۵۵. الإمام الصادق عليه السلام - لما سُئل عن انهزام الطائفة الباغية من المؤمنين بيد العادلة منهم: - ليس لأهل العدل أن يتبعوا مذبراً، ولا يقتلوا أسيراً، ولا يُجهزوا على جريح، وهذا إذا لم يبق من أهل البغي أحد، ولم يكن لهم فئة يرجعون إليها، فإذا كان لهم

جماعتی از مسلمانان می‌شورند، آیا جنگیدن با آنان رواست؟ - فرمود: آری، اسیر گرفتن آنان نیز رواست.

۳۸۰

پیشدستی در جنگ با سرکشان

۱۹۵۲. امام صادق عليه السلام - در پاسخ به این سؤال که آیا مسلمانان می‌توانند در ماه حرام آغازگر جنگ با مشرکان باشند؟ - فرمود: به شرط آن که مشرکان با زیر پا گذاشتن حرمت آن ماه، جنگ را با مسلمانان بیاغازند و مسلمانان بدانند که در آن ماه بر آنان پیروز می‌شوند. خداوند عزوجل می‌فرماید: «این ماه حرام در مقابل آن ماه حرام و شکستن ماههای حرام را قصاص است»... [اما] در جنگ با اهل بغی می‌توان آغازگر جنگ بود.

۳۸۱

جواز کشتن سرکشان اسیر شده

۱۹۵۵. امام صادق عليه السلام - در پاسخ به سؤال از شکست گروه یاغی از مؤمنان به دست گروه عادل و برحق آنان - فرمود: گروه عادل و برحق نباید یاغیان فراری از میدان جنگ را تعقیب کنند و اسیر و مجروحی را

۱. وسائل الشیعة: ۳/۹۹/۱۱.

۲. البقرة: ۱۹۴. ۳. وسائل الشیعة: ۱/۵۲/۱۱.

بکشند؛ اینها در صورتی است که از یاغیان کسی باقی نماند و گروهی نداشته باشند که به آن ملحق شوند. ولی اگر گروهی داشته باشند که بتوانند به آن بپیوندند، در این صورت باید اسیران و مجروحان آنها را کشت و فراریانشان را تعقیب نمود.

۱۹۵۶. امام صادق علیه السلام: در جنگ علی علیه السلام با اهل قبله برکت بود؛ زیرا اگر علی علیه السلام با آنان نمی جنگید، بعد از آن حضرت، هیچ کس نمی دانست با آنان چگونه رفتار کند.

۳۸۲



فِتْنَةٌ يَرْجِعُونَ إِلَيْهَا فَإِنْ أُسِيرَ هُمْ يُقْتَلُ،
وَمُدِيرَهُمْ يُتَّبَعُ، وَجَرِيحُهُمْ يُجْهَزُ.^۱

۱۹۵۶. عنه علیه السلام: كَانَ فِي قِتَالِ عَلِيٍّ علیه السلام أَهْلَ قِبْلَةٍ بَرَكَةٌ،
وَلَوْ لَمْ يُقَاتِلْهُمْ عَلِيٌّ علیه السلام لَمْ يَذَرِ أَحَدٌ بَعْدَهُ
كَيْفَ يَسِيرُ فِيهِمْ.^۲

(انظر) ۱۲ «الأسير»، ۸۲ «الجهاد الأصغر»، ۱۰۲ «الحرب».

۱۰۳ «المحارب»، ۳۱۹ «الطغیان»، ۲۳۰ «القتل».

التوبة: باب ۲۷۰.

مستدرک الوسائل: ۱۱ / ۵۱ - ۶۹ «الطغاة».

کنز العمال: ۴ / ۶۱۰ «قتال الطغاة».

۳۸۲

حکَمُ قَتْلِ مَنْ نَصَبَ الْعَدَاوَةَ لِرَافِقِ بْنِ رَعِيٍّ

حکم کشتن کسی که با امام

مسلمانان آشکارا دشمنی می ورزد

۱۹۵۷. امام صادق علیه السلام: درباره ناصبی - فرمود:
اگر ترس آن نداشتم که یک نفر از شما به
دست یکی از آنان کشته شود - زیرا یک نفر
شما از هزار نفر آنان بهتر است - دستور
می دادم آنها را بکشید و اجازه این کار با
امام است.

۱۹۵۸. امام رضا علیه السلام: در زمان تقیه، کشتن هیچ
ناصبی و کافری جایز نیست، مگر آن که
قاتل یا مفسد باشد. در این صورت، اگر
جان خود و یارانت در خطر نیفتد،

۱۹۵۷. الإمام الصادق علیه السلام - في الناصب - : لَوْ لَا
أَنَا نَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ يُقْتَلَ رَجُلٌ مِنْكُمْ
بِرَجُلٍ مِنْهُمْ - وَرَجُلٌ مِنْكُمْ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ
رَجُلٍ مِنْهُمْ - لَأَمَرْنَاكُمْ بِالْقَتْلِ لَهُمْ ، وَلَكِنْ
ذَلِكَ إِلَى الْإِمَامِ.^۳

۱۹۵۸. الإمام الرضا علیه السلام : لَا يَجِلُّ قَتْلُ أَحَدٍ مِنَ
النُّصَابِ وَالْكَفَّارِ فِي دَارِ التَّقِيَّةِ إِلَّا قَاتِلٍ أَوْ
سَاعٍ فِي فُسَادٍ ، وَذَلِكَ إِذَا لَمْ تَخَفْ عَلَى

۱. الكافي: ۵ / ۳۲ / ۲ . ۲. وسائل الشيعة: ۱۱ / ۶۰ / ۵.

۳. وسائل الشيعة: ۱۱ / ۶۰ / ۲.

نَفْسِكَ وَعَلَى أَصْحَابِكَ^۱.

می توانی او را بکشی.

۱۹۵۹. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَحِلُّ قَتْلُ أَحَدٍ مِنَ الْكَفَّارِ فِي
دَارِ التَّقِيَّةِ إِلَّا قَاتِلٌ أَوْ بَاغٍ وَذَلِكَ إِذَا لَمْ
تَحْذَرْ عَلَى نَفْسِكَ^۲.

۱۹۵۹. امام رضا علیه السلام : در جایی که باید تقیه کرد
کشتن هیچ کافری جایز نیست، مگر آن که
قاتل باشد یا باغی. در این صورت اگر بر
جانانت نمی ترسی می توانی او را بکشی.



مرکز تحقیقات کتب و نشر علوم اسلامی

۱. وسائل الشیعة: ۹/۶۲/۱۱.

۲. وسائل الشیعة: ۱۰/۳۵/۱۱.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست موضوعات عربی

حرف الألف	٢-الأجل	٢٩
١-الإيثار	١٦-الأجل	٥٠
١-الحثُّ عَلَى الإيثار	١٧-الأجل حِصْنٌ حَصِينٌ	٥٠
٢-قِيَمَةُ الإيثار	١٨-لِكُلِّ شَيْءٍ أَجَلٌ	٥٢
٣-بَرَكَاتُ الإيثار	١٩-لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ	٥٣
٤-فَضْلُ الْمُؤَثِّرِينَ	٢٠-الأجلُ الْمُعَلَّقُ وَالْأجلُ الْمُحْتَوَمُ	٥٣
٢-الأجر	٢١-مَا يَدْفَعُ الْأجلُ الْمُعَلَّقُ	٥٣
٥-الْعَمَلُ لِلْأجرِ	٥-الْآخِرَةُ	٥٥
٦-لَا يُضَاعَ أَجرُ الْمُحْسِنِ	٢٢-الْآخِرَةُ	٥٦
٧-خَصَائِصُ أَجرِ الْآخِرَةِ	٢٣-عَظَمَةُ مَا فِي الْآخِرَةِ	٥٨
٨-مَنْ يُؤْتَى أَجرُهُ مَرَّتَيْنِ	٢٤-الْآخِرَةُ دَارُ الْقَرَارِ	٥٩
٣-الإجارة	٢٥-الْآخِرَةُ دَارُ الْحَيَاةِ	٦٠
٩-الإجارة	٢٦-فَضْلُ الْآخِرَةِ	٦١
١٠-كَرَامَةُ إِجَارَةِ النَّفْسِ	٢٧-ذِكْرُ الْآخِرَةِ	٦١
١١-الدَّلَالُ فِي الْإجارةِ	٢٨-الْعَمَلُ لِلْآخِرَةِ	٦٢
١٢-ظَلَمُ الْأجيرِ	٢٩-الاهْتِمَامُ بِالْآخِرَةِ	٦٣
١٣-إِعْلَامُ الْأَجْرَةِ	٣٠-صِفَةُ أَهْلِ الْآخِرَةِ	٦٣
١٤-أَدَبُ إِعْطَاءِ الْأَجْرَةِ	٦-الْأَخ	٦٧
١٥-الإمامُ أَجِيرُ الْأُمَّةِ	٣١-المُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ	٦٨

- ٣٢- الاستكثار من الإخوان ٦٩
- ٣٣- مودة الإخوان ٧٠
- ٣٤- ما يوجب بقاء المودة ٧١
- ٣٥- الأخوة في الله ٧٣
- ٣٦- الإخاء للدنيا ٧٣
- ٣٧- آثار الإخاء الديني ٧٤
- ٣٨- ما يفسد الإخاء ٧٥
- ٣٩- إعلام الأخ بالحب ٧٦
- ٤٠- مودة الأخ دليل على مودته لأخيه ٧٦
- ٤١- طبيعة الإخوان ٧٨
- ٤٢- وصل الإخوان ٧٩
- ٤٣- أقسام الإخوان ٧٩
- ٤٤- الأخ الموثوق به ٨٠
- ٤٥- النهي عن بعض الإخاء ٨١
- ٤٦- المحافظة على الأخوة القديمة ٨٢
- ٤٧- الأخوة الحقيقية ٨٣
- ٤٨- اختبار الأخ ٨٣
- ٤٩- تحمل زلة الأخ ٨٤
- ٥٠- خير الإخوان ٨٦
- ٥١- الأخ الكامل ٨٨
- ٥٢- شر الإخوان ٩٠
- ٥٣- اختبار الإخوان ٩٠
- ٥٤- إرشاد الإخوان ٩١
- ٥٥- إكرام الإخوان وإعظامهم ٩٢
- ٥٦- قضاء حاجة الإخوان ٩٣
- ٥٧- أدب الإخاء ٩٥
- ٧- الأدب ٩٧
- ٥٨- الأدب ٩٨
- ٥٩- تفسير الأدب ٩٩
- ٦٠- أفضل الأدب ١٠١
- ٦١- الأدب حسب ١٠١
- ٦٢- حلة الأدب ١٠٢
- ٦٣- سوء الأدب ١٠٣
- ٦٤- الأدب والعقل ١٠٣
- ٦٥- تأديب النفس ١٠٥
- ٦٦- ما يورث الأدب ١٠٦
- ٦٧- الحث على تأديب الأهل والولد ١٠٧
- ٦٨- كيفية التأديب ١٠٩
- ٦٩- ما ينبغي رعايته في التأديب ١١٠
- ٧٠- تأديب الله للنبي ﷺ ١١٢
- ٧١- التأديب بأداب الله ١١٣
- ٧٢- تأديب الله ١١٤
- ٨- الأذان ١١٧
- ٧٣- الأذان ١١٨
- ٧٤- المؤذن ١١٨
- ٧٥- تفسير الأذان ١١٩
- ٧٦- الحث على الأذان في أذن الوليد ١٢٠
- ٩- الإيذاء ١٢٣
- ٧٧- إيذاء الناس ١٢٣
- ٧٨- خطر إيذاء المؤمنين ١٢٣
- ٧٩- كف الأذى ١٢٥
- ٨٠- الصبر على الأذى في الله سبحانه ١٢٦

- ۸۱- جزاء المؤذي ۱۲۷
- ۱۰- التاريخ ۱۲۹
- ۸۲- أهمیة معرفة التاريخ ۱۳۰
- ۸۳- الحث على علم التاريخ ۱۳۱
- ۸۴- ثبات قوانين التاريخ ۱۳۳
- ۸۵- الاعتبار بالتاريخ ۱۳۳
- ۱۱- الأرض ۱۲۷
- ۸۶- الأرض ۱۲۸
- ۸۷- تأهيل الأرض للمعيشة ۱۲۹
- ۸۸- من أحكام الأرض ۱۵۰
- ۸۹- من أحبا أرضاً فهي له ۱۵۰
- ۹۰- إمانة الأحياء ۱۵۱
- ۱۲- الأسير ۱۵۳
- ۹۱- لا يجوز الاستسلام للأسير ۱۵۳
- ۹۲- الإحسان إلى الأسير ۱۵۳
- ۹۳- قتل الأسير ۱۵۵
- ۱۳- الأسوة ۱۵۷
- ۹۴- الأسوة ۱۵۸
- ۹۵- الأسى الحسنه ۱۵۹
- ۹۶- الأسى السيئة ۱۶۱
- ۱۴- المواساة ۱۶۳
- ۹۷- الحث على المواساة ۱۶۳
- ۹۸- آثار المواساة ۱۶۸
- ۱۵- الأصول ۱۷۱
- ۹۹- كل شيء مطلق ۱۷۲
- ۱۰۰- كل شيء طاهر ۱۷۳
- ۱۰۱- لا ينقض اليقين بالشك ۱۷۳
- ۱۰۲- ما غلب الله عليه ۱۷۳
- ۱۰۳- ما حجب الله ۱۷۲
- ۱۰۴- الأصول المختلفة ۱۷۲
- ۱۶- الأكل ۱۷۷
- ۱۰۵- قلة الأكل ۱۷۸
- ۱۰۶- كثرة الأكل ۱۷۹
- ۱۰۷- الاقتصاد في الأكل وأثره في صحة البدن ۱۸۲
- ۱۰۸- من مساوي البطننة ۱۸۲
- ۱۰۹- إفساد الشبع للورع ۱۸۳
- ۱۱۰- الجوع ۱۸۳
- ۱۱۱- ميراث الجوع ۱۸۵
- ۱۱۲- الميزان في الأكل ۱۸۶
- ۱۱۳- من آداب المائدة ۱۸۶
- ۱۷- الألفه ۱۹۱
- ۱۱۴- الألفه ۱۹۲
- ۱۸- الله ۱۹۵
- ۱۱۵- الله ۱۹۶
- ۱۱۶- معنى «الله» ۱۹۶
- ۱۹- الإمارة ۱۹۹
- ۱۱۷- ضرورة الإمارة ۲۰۰
- ۱۱۸- إمارة الأشرار ۲۰۱
- ۱۱۹- قيمة الإمارة ۲۰۲
- ۲۰- الأمل ۲۰۳
- ۱۲۰- الأمل رحمة ۲۰۳
- ۱۲۱- الأمل لا تنتهي ۲۰۴
- ۱۲۲- التحذير من الآمال الباطلة ۲۰۵
- ۱۲۳- الأمل والأجل ۲۰۷

- ١٢٤ - آثار طول الأمل ٢١٠
- ١٢٥ - قصر الأمل ٢١١
- ١٢٦ - النهي عن التأمل بغير الله ٢١٢
- ٢١ - الأمة ٢١٣
- ١٢٧ - منزلة الأمة الإسلامية ٢١٤
- ١٢٨ - اختيار الأمة ٢١٥
- ١٢٩ - الأمة الوسط ٢١٥
- ١٣٠ - ما يوجب خير الأمة ٢١٧
- ١٣١ - منزلة الأمة الإسلامية في الآخرة ٢١٧
- ١٣٢ - الظاهرون من الأمة الإسلامية ٢١٨
- ١٣٣ - تداعي الأمم على الأمة الإسلامية ٢١٩
- ١٣٤ - ما يخاف النبي على أمته ٢٢٠
- ١٣٥ - أخوف ما يخاف النبي على أمته ٢٢١
- ٢٢ - الإمامة العامة ٢٢٥
- ١٣٦ - الإمامة ٢٢٦
- ١٣٧ - الإمامة تمام الدين ٢٢٧
- ١٣٨ - الإمامة أساس الإسلام ٢٢٨
- ١٣٩ - الإمامة أصل كل خير ٢٢٨
- ١٤٠ - الإمامة نظام الأمة ٢٢٩
- ١٤١ - الإمامة سبيل الرب ٢٣٠
- ١٤٢ - تفسير الإمامة بالنور ٢٣٢
- ١٤٣ - موقع الإمامة ٢٣٢
- ١٤٤ - الاضطراب إلى الحجّة ٢٣٣
- ١٤٥ - الحجّة إمام يعرف ٢٣٥
- ١٤٦ - قد يكون الحجّة خائفاً مغموراً ٢٣٦
- ١٤٧ - لولا الإمام لساخت الأرض ٢٣٧
- ١٤٨ - دعوة كل أمة بإمامها ٢٣٨
- ١٤٩ - معرفة الإمام ٢٣٩
- ١٥٠ - أثر معرفة الإمام وعدم معرفته ٢٤٠
- ١٥١ - من مات ولم يعرف إمام زمانه ٢٤١
- ١٥٢ - من لا يعرف الإمام ولا ينكره ٢٤٢
- ١٥٣ - شرائط الإمامة وخصائص الإمام ٢٤٢
- ١٥٤ - اختيار الإمام ٢٤٨
- ١٥٥ - حديث الثقلين ٢٤٩
- ١٥٦ - وجوب ملازمة أهل البيت ٢٥٠
- ١٥٧ - بعض خصائص أهل البيت ٢٥٣
- ١٥٨ - علّة الاستبدا على أهل البيت ٢٥٤
- ١٥٩ - فلسفة الحكم عند أهل البيت ٢٥٤
- ١٦٠ - لولا مخافة الفرقة ٢٥٥
- ١٦١ - الأنمة الإثنا عشر ٢٥٦
- ١٦٢ - علم الإمام ٢٥٨
- ١٦٣ - ما فرض على أئمة العدل ٢٥٩
- ١٦٤ - الحقوق المتبادلة بين الإمام والأمة ٢٦٠
- ١٦٥ - أئمتكم وقدكم ٢٦١
- ١٦٦ - موانع الإمامة ٢٦٢
- ١٦٧ - من اتهم بغير إمام الحق ٢٦٢
- ١٦٨ - أئمة النار ٢٦٣
- ١٦٩ - مدعي الإمامة ٢٦٤
- ١٧٠ - أحاديث مجعولة لتثبيت إمامة أئمة الجور ٢٦٥
- ١٧١ - لا طاعة لمن لم يطع الله سبحانه ٢٦٨
- ١٧٢ - وجوب الخروج على أئمة الجور ٢٧٠
- ١٧٣ - ما يجوز القعود ٢٧٢

- ۲۳- الإمامة الخاصة (الإمام علي بن أبي طالب) ۲۷۵
 ۱۷۴- إمامة الإمام علي ۲۷۶
 ۱۷۵- علي حجة الله ۲۷۷
 ۱۷۶- علي خليفة رسول الله ۲۷۷
 ۱۷۷- علي وصي رسول الله ۲۷۸
 ۱۷۸- علي إمام البررة ۲۷۹
 ۱۷۹- علي ولي كل مؤمن ۲۸۰
 ۱۸۰- أول من أسلم ۲۸۳
 ۱۸۱- علم الإمام علي ۲۸۴
 ۱۸۲- مظلومية الإمام علي ۲۸۶
 ۱۸۳- علي مع الحق ۲۸۸
 ۱۸۴- علي مع القرآن ۲۸۹
 ۱۸۵- علي باب علم النبي ۲۸۹
 ۱۸۶- علي أعلم الناس بعد رسول الله ۲۹۰
 ۱۸۷- علي صو رسول الله ۲۹۰
 ۱۸۸- علي أخو رسول الله ۲۹۱
 ۱۸۹- علي من رسول الله ۲۹۲
 ۱۹۰- حب الإمام علي ۲۹۳
 ۱۹۱- بغض الإمام علي ۲۹۴
 ۱۹۲- المناقب الماثورة للإمام علي ۲۹۴
 ۲۳- أم الأنفة فاطمة ۳۰۷
 ۱۹۳- أسماء فاطمة ۳۰۸
 ۱۹۴- فاطمة بضعة من النبي ۳۰۸
 ۱۹۵- فاطمة سيدة نساء العالمين ۳۰۹
 ۱۹۶- غضب الله لعصب فاطمة ۳۱۰
 ۱۹۷- في مصيبة فاطمة ۳۱۰
 ۲۳- الحسنان ۳۱۳
 ۱۹۸- تسميتهما ۳۱۴
 ۱۹۹- سيد شباب أهل الجنة ۳۱۶
 ۲۰۰- حب الحسين ۳۱۶
 ۲۰۱- رحلة النبي للحسين ۳۱۶
 ۲۰۲- إمامة الحسين ۳۱۷
 ۲۳- الإمام الحسن بن علي ۳۱۹
 ۲۰۳- النص على إمامته ۳۲۰
 ۲۰۴- حسن مني وأنا منه ۳۲۰
 ۲۰۵- حب الإمام الحسن ۳۲۱
 ۲۰۶- فضائله ۳۲۱
 ۲۰۷- أمره أمري وقوله قولي ۳۲۳
 ۲۳- الإمام الحسين بن علي ۳۲۵
 ۲۰۸- ولادة الحسين ۳۲۶
 ۲۰۹- النص على إمامته ۳۲۷
 ۲۱۰- حسين مني وأنا منه ۳۲۷
 ۲۱۱- فضائله ۳۲۸
 ۲۳- الإمام علي بن الحسين ۳۳۳
 ۲۱۲- النص على إمامته ۳۳۴
 ۲۱۳- فضائل الإمام زين العابدين ۳۳۴
 ۲۳- الإمام محمد بن علي الباقر ۳۳۷
 ۲۱۴- النص على إمامته ۳۳۸
 ۲۱۵- هو يقر العلم بقرأ ۳۳۸
 ۲۱۶- من فضائله ۳۳۹
 ۲۳- الإمام جعفر بن محمد الصادق ۳۴۱
 ۲۱۷- النص على إمامته ۳۴۲

- ٢١٨ - نَبَذَةٌ مِنْ مَوَاعِظِهِ وَمَكَارِمِ أَخْلَاقِهِ ٣٢٣
- ٢٣ - الإمام موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام ٣٢٧
- ٢١٩ - النَّصُّ عَلَى إِمَامَتِهِ ٣٢٨
- ٢٢٠ - الإمام في السَّجَنِ ٣٢٨
- ٢٢١ - مِنْ فَضَائِلِهِ عليه السلام ٣٢٩
- ٢٣ - الإمام علي بن موسى الرضا عليه السلام ٣٥١
- ٢٢٢ - النَّصُّ عَلَى إِمَامَتِهِ ٣٥٢
- ٢٢٣ - إِجْبَارُ الْإِمَامِ عَلَى وَلَايَةِ الْعَهْدِ ٣٥٢
- ٢٢٤ - حَالَةُ الْإِمَامِ فِي سِجْنِ بِسْرَ حَسٍّ ٣٥٣
- ٢٢٥ - عِلْمُ الْإِمَامِ بِاللُّغَاتِ ٣٥٤
- ٢٢٦ - طَعْمَانِيَّةُ الْإِمَامِ ٣٥٤
- ٢٢٧ - خَصَائِصُهُ عليه السلام ٣٥٥
- ٢٣ - الإمام محمد بن علي الجواد عليه السلام ٣٥٧
- ٢٢٨ - النَّصُّ عَلَى إِمَامَتِهِ ٣٥٨
- ٢٢٩ - عِلْمُهُ عليه السلام ٣٥٩
- ٢٣٠ - جَوْدُهُ عليه السلام ٣٥٩
- ٢٣١ - بَعْضُ كَرَامَتِهِ عليه السلام ٣٦٠
- ٢٣ - الإمام علي بن محمد الهادي عليه السلام ٣٦٣
- ٢٣٢ - النَّصُّ عَلَى إِمَامَتِهِ ٣٦٣
- ٢٣٣ - إِخْبَارُهُ بِقَتْلِ الْمُتَوَكِّلِ ٣٦٣
- ٢٣٤ - إِخْبَارُهُ عَمَّا فِي نَفْسِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْإِسْفَهَانِيِّ وَتَشْيِيعِهِ ٣٦٦
- ٢٣ - الإمام الحسن بن علي العسكري عليه السلام ٣٦٩
- ٢٣٥ - النَّصُّ عَلَى إِمَامَتِهِ ٣٧٠
- ٢٣٦ - كَرَامَتُ الْإِمَامِ فِي السَّجَنِ ٣٧٠
- ٢٣٧ - جَوَابُ كِتَابٍ فِي تَنَاقُضِ الْقُرْآنِ ٣٧٢
- ٢٣ - الإمام القائم عليه السلام ٣٧٥
- ٢٣٨ - أَسْمَاءُ الْإِمَامِ ٣٧٦
- ٢٣٩ - النَّصُّ عَلَى إِمَامَتِهِ ٣٧٧
- ٢٤٠ - الْبَشَارَةُ بِالْمَهْدِيِّ عليه السلام ٣٧٧
- ٢٤١ - الْمَهْدِيُّ عليه السلام بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ٣٧٩
- ٢٤٢ - لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَظْهَرَ الْمَهْدِيُّ عليه السلام ٣٨٠
- ٢٤٣ - رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ ﷺ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا ٣٨٠
- ٢٤٤ - مُطَابَقَةُ اسْمِ الْإِمَامِ لِاسْمِ النَّبِيِّ ﷺ ٣٨١
- ٢٤٥ - غَيْبَتَا الْإِمَامِ الْقَائِمِ عليه السلام ٣٨٢
- ٢٤٦ - صُعُوبَةُ التَّمَسُّكِ بِالذِّينِ ٣٨٢
- ٢٤٧ - الدُّعَاءُ عِنْدَ غَيْبَةِ الْقَائِمِ عليه السلام ٣٨٣
- ٢٤٨ - الْقِيَامُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عليه السلام ٣٨٥
- ٢٤٩ - انْتِظَارُ الْفَرَجِ ٣٨٧
- ٢٥٠ - انْتِظَارُ الْفَرَجِ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ ٣٨٨
- ٢٥١ - مَنْزِلَةُ الْمُسْتَظَرِّ لِلْمَهْدِيِّ عليه السلام ٣٨٨
- ٢٥٢ - ظُهُورُ الْقَائِمِ عليه السلام بَعْدَ يَأْسِ النَّاسِ ٣٨٩
- ٢٥٣ - كَذَبُ الْوَقَاتُونَ ٣٨٩
- ٢٥٤ - عِلَّةُ الْغَيْبَةِ ٣٩٠
- ٢٥٥ - انْتِفَاعُ النَّاسِ بِالْإِمَامِ فِي غَيْبَتِهِ ٣٩٣
- ٢٥٦ - عَلَامَاتُ الظُّهُورِ ٣٩٣
- ٢٥٧ - عِنْدَ الظُّهُورِ ٣٩٦
- ٢٥٨ - أَنْصَارُ الْإِمَامِ ٣٩٧
- ٢٥٩ - مَا يَفْعَلُهُ بِالظَّالِمِينَ بَعْدَ الْخُرُوجِ ٣٩٨
- ٢٦٠ - قِيَامُ الْقَائِمِ بِأَمْرِ جَدِيدٍ ٣٩٨
- ٢٦١ - الْعَالَمُ بَعْدَ ظُهُورِ الْمَهْدِيِّ عليه السلام ٣٩٩
- ٢٦٢ - بَعْدَ الْقَائِمِ عليه السلام ٤٠١

- ۲۳-الإيمان ۳۰۳
- ۲۶۳-الإيمان ۳۰۴
- ۲۶۴-الإيمان والإسلام ۳۰۴
- ۲۶۵-أصل الإيمان ۳۰۶
- ۲۶۶-تأصّر الإيمان والعمل ۳۰۶
- ۲۶۷-تأصّر الإيمان ومكارم الأخلاق ۳۰۸
- ۲۶۸-ما يدلّ على حقيقة الإيمان ۳۰۹
- ۲۶۹-المُرجئة ۳۱۳
- ۲۷۰-دور الذنوب في زوال الإيمان ۳۱۳
- ۲۷۱-ما روي في عدم تأثير الذنوب في زوال الإيمان ۳۱۶
- ۲۷۲-اخلاص الإيمان ۳۱۶
- ۲۷۳-كمال الإيمان ۳۱۸
- ۲۷۴-ما يكمل به الإيمان ۳۱۸
- ۲۷۵-الإيمان والسكينة ۳۲۲
- ۲۷۶-ازدياد الإيمان ۳۲۳
- ۲۷۷-درجات الإيمان ۳۲۹
- ۲۷۸-أفضل الإيمان ۳۳۰
- ۲۷۹-شعب الإيمان ۳۳۱
- ۲۸۰-أركان الإيمان ۳۳۱
- ۲۸۱-أوثق عرى الإيمان ۳۳۲
- ۲۸۲-الإيمان المستقر والمستودع ۳۳۳
- ۲۸۳-ما يثبت الإيمان ۳۳۳
- ۲۸۴-تذوّق طعم الإيمان ۳۳۵
- ۲۸۵-عدم تذوّق طعم الإيمان ۳۳۶
- ۲۸۶-عدم تذوّق خلاوة الإيمان ۳۳۷
- ۲۸۷-أدنى الإيمان ۳۳۸
- ۲۸۸-ما يخرج من الإيمان ۳۳۸
- ۲۸۹-أدنى ما يخرج من الإيمان ۳۳۸
- ۲۹۰-ما يجانب الإيمان ۳۴۰
- ۲۹۱-ما يقتضيه الإيمان ۳۴۳
- ۲۹۲-وجه تسمية المؤمنين ۳۴۵
- ۲۹۳-عظمة المؤمنين ۳۴۵
- ۲۹۴-المؤمنون كالجسد الواحد ۳۴۷
- ۲۹۵-من هو المؤمن؟ ۳۴۸
- ۲۹۶-صلافة المؤمنين ۳۵۷
- ۲۹۷-خشوع كلّ شيء للمؤمن ۳۵۷
- ۲۹۸-ندرة المؤمنين ۳۵۸
- ۲۹۹-علامات المؤمنين ۳۶۰
- ۳۰۰-أفضل المؤمنين ۳۶۱
- ۳۰۱-فضل من يؤمن بالرسول ولم يره ۳۶۲
- ۲۵-الأمانة ۳۶۵
- ۳۰۲-الأمانة ۳۶۶
- ۳۰۳-إطلاق وجوب أدائها ۳۶۷
- ۳۰۴-لا إيمان لمن لا أمانة له ۳۶۹
- ۳۰۵-آثار الأمانة ۳۷۰
- ۳۰۶-من نهي عن اتّيمانهم ۳۷۰
- ۳۰۷-لا ضمان على المؤمن ۳۷۱
- ۳۰۸-الأمانة الإلهية ۳۷۲
- ۲۶-الأمان ۳۷۵
- ۳۰۹-الأمان ۳۷۶
- ۳۱۰-الاعتصام بالذّم ۳۷۷
- ۳۱۱-احترام الذّم ۳۷۷

- ٢٧- الأُنْس ٢٧٩
- ٣١٢- الأُنْس ٢٨٠
- ٣١٣- الأُنْس بِاللَّهِ ٢٨٠
- ٢٨- الإنسان ٢٨٣
- ٣١٤- كَرَامَةُ بَنِي آدَمَ ٢٨٣
- ٣١٥- كَرَامَةُ الْمُؤْمِنِينَ ٢٨٥
- ٣١٦- مَا يَوْجِبُ تَفْضِيلَ الْإِنْسَانِ ٢٨٥
- ٣١٧- عِلَّةُ خَلْقِ الْإِنْسَانِ ٢٨٦
- ٣١٨- كَيْفِيَّةُ خَلْقِ الْإِنْسَانِ ٢٨٩
- ٣١٩- ضَعْفُ الْإِنْسَانِ ٢٩٠
- ٣٢٠- قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ ٢٩٠
- ٣٢١- صِفَةُ الْإِنْسَانِ الْكَامِلِ ٢٩١
- ٢٩- الإِنَاء ٢٩٣
- ٣٢٢- نَظَافَةُ الْإِنَاءِ ٢٩٣
- ٣٢٣- آيَةُ الذُّهَبِ وَالْفِضَّةِ ٢٩٣
- ٣٠- الآفَات ٢٩٥
- ٣٢٤- لِكُلِّ شَيْءٍ آفَةٌ ٢٩٦
- حرف الباء**
- ٣١- الْبُخْل ٥٠٣
- ٣٢٥- الْبَخْل ٥٠٣
- ٣٢٦- الْبَخِيلُ ٥٠٦
- ٣٢٧- خَصَائِصُ الْبَخِيلِ ٥٠٨
- ٣٢٨- قِلَّةُ رَاحَةِ الْبَخِيلِ ٥٠٩
- ٣٢٩- أَبْخَلَ النَّاسِ ٥٠٩
- ٣٣٠- آيَةُ الْبَخْلِ ٥١٠
- ٣٢- الْبِدْعَةُ ٥١١
- ٣٣١- الْبِدْعَةُ ٥١٢
- ٣٣٢- أَهْلُ الْبِدْعِ ٥١٣
- ٣٣٣- مَعْنَى الْبِدْعَةِ ٥١٣
- ٣٣٤- الْإِعْرَاضُ عَنْ صَاحِبِ الْبِدْعَةِ ٥١٣
- ٣٣٥- الْمُبْتَدِعُ وَالْعِبَادَةُ ٥١٥
- ٣٣٦- يُظْلَلُ عَمَلُ الْمُبْتَدِعِ ٥١٦
- ٣٣٧- تَوْبَةُ صَاحِبِ الْبِدْعَةِ ٥١٦
- ٣٣٨- مَا يَجِبُ عَلَى الْعَالِمِ عِنْدَ ظُهُورِ الْبِدْعِ ٥١٧
- ٣٣- الْبِدَاء ٥١٩
- ٣٣٩- مَدْحُ الْبِدَاءِ ٥٢٠
- ٣٤٠- مَعْنَى الْبِدَاءِ ٥٢١
- ٣٤١- الْبِدَاءُ الْمَحَالُّ ٥٢١
- ٣٣- الْأَبْدَال ٥٢٣
- ٣٤٢- الْأَبْدَال ٥٢٣
- ٣٥- التَّبْذِيرُ ٥٢٧
- ٣٤٣- التَّبْذِيرُ ٥٢٨
- ٣٤٤- مَعْنَى التَّبْذِيرِ ٥٢٨
- ٣٦- الْبِرُّ ٥٣١
- ٣٤٥- الْبِرُّ ٥٣٢
- ٣٤٦- أَبْوَابُ الْبِرِّ وَكُنُوزُهُ ٥٣٣
- ٣٤٧- عَلَامَةُ الْبَارِّ ٥٣٣
- ٣٤٨- مَرَاتِبُ الْبِرِّ ٥٣٥
- ٣٤٩- الْأَمْرُ بِالتَّيْبَارِ ٥٣٥
- ٣٥٠- تِمَامُ الْبِرِّ ٥٣٦
- ٣٧- الْعَبْرُخ ٥٣٧
- ٣٥١- الْبَرْزَخُ ٥٣٨
- ٣٥٢- رَدُّ مَا رُويَ أَنَّ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ ٥٣٩
- فِي حَوَاصِلِ طَيُورٍ خُضِرَ ٥٣٩

- ۳۵۳- أرواحُ المؤمنين في البرزخ ۵۴۰
 ۳۵۴- أرواحُ الكفار في البرزخ ۵۴۱
 ۳۸- البركة ۵۴۳
 ۳۵۵- معنى البركة ۵۴۳
 ۳۵۶- ما يوجب البركة ۵۴۳
 ۳۵۷- ما يذهب البركة ۵۴۷
 ۳۹- البرهان ۵۴۹
 ۳۵۸- برهان الله ۵۵۰
 ۳۵۹- المحاجة باتيان البرهان ۵۵۱
 ۴۰- البشر ۵۵۳
 ۳۶۰- البشر ۵۵۴
 ۳۶۱- تساوي التحذير والتبشير ۵۵۶
 ۴۱- البصيرة ۵۵۷
 ۳۶۲- البصيرة ۵۵۸
 ۳۶۳- أبصر الناس ۵۵۹
 ۴۲- الباطل ۵۶۱
 ۳۶۴- الباطل ۵۶۲
 ۳۶۵- التمييز بين الحق والباطل ۵۶۳
 ۳۶۶- التباس الحق بالباطل ۵۶۵
 ۳۶۷- عدم استيقان الباطل حقاً ۵۶۶
 ۴۳- البغض ۵۶۷
 ۳۶۸- المَبغُوضون إلى الله ۵۶۸
 ۳۶۹- أبغض الناس إلى الله ۵۶۹
 ۳۷۰- أبغض الناس إلى الرسول ۵۷۳
 ۳۷۱- أبغض الأخلاق إلى الله ۵۷۴
 ۳۷۲- الأفعال المَبغُوضة إلى الله ۵۷۴
 ۳۷۳- أبغض الأعمال إلى الله ۵۷۵
 ۳۷۴- أبغض البقاع إلى الله ۵۷۵
 ۳۷۵- البغضاء ۵۷۶
 ۲۲- البغي ۵۷۷
 ۳۷۶- البغي ۵۷۸
 ۲۵- الباغي ۵۸۱
 ۳۷۷- الباغي ۵۸۲
 ۳۷۸- قتال أهل البغي من المسلمين ۵۸۴
 ۳۷۹- قتال من خرج على الإمام ۵۸۶
 ۳۸۰- أهل البغي يبتدؤون بالقتال ۵۸۷
 ۳۸۱- جواز قتل أسرى البغاة ۵۸۷
 ۳۸۲- حكم قتل من نصب العداوة ۵۸۸

فهرست الفبایی موضوعات فارسی

- | | |
|--|--|
| <p>۱۲۵ ۷۹- نیاززدن</p> <p>۱۲۶ ۸۰- شکیبایی بر آزار دیدن در راه خدا</p> <p>۱۲۷ ۸۱- عاقبت آزاردهنده</p> <p>۳۹۵ ۳۰- آفتها</p> <p>۳۹۶ ۳۲۴- هر چیزی آفتی دارد</p> <p>۵۲۳ ۳۳- آبدال</p> <p>۵۲۴ ۳۴۲- آبدال</p> <p>۴۱ ۳- اجاره</p> <p>۴۲ ۹- اجیری (پیمان کاری)</p> <p>۴۳ ۱۰- کراهت اجیر شدن</p> <p>۴۳ ۱۱- دلّالی در اجاره</p> <p>۴۴ ۱۲- ستم کردن در حقّ اجیر</p> <p>۴۶ ۱۳- تعیین کارمزد</p> <p>۴۶ ۱۴- آداب پرداخت مزد</p> <p>۴۷ ۱۵- رهبر، اجیر امت است</p> <p>۴۹ ۴- اجل</p> <p>۵۰ ۱۶- اجل</p> <p>۵۰ ۱۷- اجل، دژی استوار</p> <p>۵۲ ۱۸- هر پدیده‌ای اجلی دارد</p> <p>۵۳ ۱۹- هر امتی اجلی دارد</p> <p>۵۳ ۲۰- اجل معلق و اجل قطعی</p> | <p>۵۵ ۵- آخرت</p> <p>۵۶ ۲۲- آخرت</p> <p>۵۸ ۲۳- عظمت امور آخرت</p> <p>۵۹ ۲۴- آخرت، سرای بقاست</p> <p>۶۰ ۲۵- آخرت، سرای زندگانی</p> <p>۶۱ ۲۶- برتری آخرت</p> <p>۶۱ ۲۷- یاد آخرت</p> <p>۶۲ ۲۸- کار برای آخرت</p> <p>۶۳ ۲۹- اهتمام ورزیدن به آخرت</p> <p>۶۴ ۳۰- خصوصیات اهل آخرت</p> <p>۲۰۳ ۲۰- آرزو</p> <p>۲۰۴ ۱۲۰- آرزو رحمت است</p> <p>۲۰۴ ۱۲۱- آرزوها را پایانی نیست</p> <p>۲۰۵ ۱۲۲- پرهیز دادن از آرزوهای پوچ و باطل</p> <p>۲۰۷ ۱۲۳- آرزو و اجل</p> <p>۲۱۰ ۱۲۴- نتایج آرزوی دراز</p> <p>۲۱۱ ۱۲۵- کوتاهی آرزو</p> <p>۲۱۲ ۱۲۶- نهی از امید بستن به غیر خدا</p> <p>۱۲۳ ۹- آزریدن</p> <p>۱۲۴ ۷۷- آزریدن مردم</p> <p>۱۲۴ ۷۸- خطر آزریدن مؤمن</p> |
|--|--|

- ۲۱- آنچه اجل معلق را دور می‌کند ۵۲
- ۷- ادب ۹۷
- ۵۸- ادب ۹۸
- ۵۹- تفسیر ادب ۹۹
- ۶۰- برترین ادب ۱۰۱
- ۶۱- ادب، شرافت است ۱۰۱
- ۶۲- جامهٔ ادب ۱۰۲
- ۶۳- سوء ادب ۱۰۳
- ۶۴- ادب و خرد ۱۰۴
- ۶۵- تأدیب [و تربیت] نفس ۱۰۵
- ۶۶- آنچه ادب می‌آورد ۱۰۶
- ۶۷- تشویق به ادب آموزی خانواده و فرزند ۱۰۷
- ۶۸- چگونگی تأدیب ۱۰۹
- ۶۹- آنچه در تربیت باید رعایت شود ۱۱۰
- ۷۰- تربیت پیامبر به وسیلهٔ خداوند ۱۱۲
- ۷۱- مؤدب شدن به آداب خدایی ۱۱۳
- ۷۲- تأدیب خداوند ۱۱۴
- ۸- اذان ۱۱۷
- ۷۳- اذان ۱۱۸
- ۷۴- اذان گو ۱۱۸
- ۷۵- تفسیر اذان ۱۱۹
- ۷۶- تشویق به اذان گفتن در گوش نوزاد ۱۲۰
- ۱۲- اسیر ۱۵۳
- ۹۱- تن به اسارت دادن روا نیست ۱۵۴
- ۹۲- خوشرفتاری با اسیر ۱۵۴
- ۹۳- کشتن اسیر ۱۵۵
- ۱۵- اصول ۱۷۱
- ۹۹- همه چیز مطلق و آزاد است ۱۷۲
- ۱۰۰- همه چیز پاک است ۱۷۳
- ۱۰۱- یقین با شک کردن از میان نمی‌رود ۱۷۳
- ۱۰۲- مواردی که در دست خدا [و خارج از اختیار بشر] است ۱۷۳
- ۱۰۳- آنچه را خدا پوشیده داشته است ۱۷۴
- ۱۰۴- اصول گوناگون ۱۷۴
- ۱۷- الفت ۱۹۱
- ۱۱۴- الفت ۱۹۲
- ۱۸- الله ۱۹۵
- ۱۱۵- الله ۱۹۶
- ۱۱۶- معنای «الله» ۱۹۶
- ۲۳- امامت خاصه (امام علی علیه السلام) ۲۷۵
- ۱۷۴- امامت امام علی علیه السلام ۲۷۶
- ۱۷۵- علی علیه السلام حجت خداست ۲۷۷
- ۱۷۶- علی علیه السلام جانشین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است ۲۷۷
- ۱۷۷- علی علیه السلام وصی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است ۲۷۸
- ۱۷۸- علی علیه السلام پیشوای نیکوکاران ۲۷۹
- ۱۷۹- علی علیه السلام ولی هر مؤمنی است ۲۸۰
- ۱۸۰- اولین اسلام آورنده ۲۸۳
- ۱۸۱- دانش امام علی علیه السلام ۲۸۴
- ۱۸۲- مظلومیت امام علی علیه السلام ۲۸۶
- ۱۸۳- علی علیه السلام با حق است ۲۸۸
- ۱۸۴- علی علیه السلام با قرآن است ۲۸۹
- ۱۸۵- علی علیه السلام دروازهٔ دانش پیامبر است ۲۸۹
- ۱۸۶- علی علیه السلام داناترین مردم پس از پیامبر صلی الله علیه و آله است ۲۹۰
- ۱۸۷- علی علیه السلام همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله است ۲۹۰
- ۱۸۸- علی علیه السلام برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله است ۲۹۱
- ۱۸۹- علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله است ۲۹۲

- ۱۹۰ - دوست داشتن امام علی علیه السلام ۲۹۳
- ۱۹۱ - دشمن داشتن امام علی علیه السلام ۲۹۴
- ۱۹۲ - مناقب گوناگون امام علی علیه السلام ۲۹۴
- ۲۲ - امامت عامه ۲۲۵
- ۱۳۶ - امامت ۲۲۶
- ۱۳۷ - امامت، کمال بخش دین است ۲۲۷
- ۱۳۸ - امامت، شالوده اسلام است ۲۲۸
- ۱۳۹ - امامت، ریشه همه خوبیهاست ۲۲۸
- ۱۴۰ - امامت، رشته امت است ۲۲۹
- ۱۴۱ - امامت، راه پروردگار است ۲۳۰
- ۱۴۲ - تفسیر امامت به نور ۲۳۲
- ۱۴۳ - جایگاه امامت ۲۳۲
- ۱۴۴ - نیاز به حجّت (رهبر الهی) ۲۳۳
- ۱۴۵ - حجّت، امامی است شناخته شده ۲۳۵
- ۱۴۶ - گاه حجّت در بیم و گمنامی به سر می برد ۲۳۶
- ۱۴۷ - اگر امام نباشد، زمین در هم فرو می رود ۲۳۷
- ۱۴۸ - فرا خواندن هر امتی به امام آن ۲۳۸
- ۱۴۹ - شناخت امام ۲۳۹
- ۱۵۰ - پیامد شناختن و نشناختن امام ۲۴۰
- ۱۵۱ - کسی که بمیرد و امام دورانش را شناسد ۲۴۱
- ۱۵۲ - کسی که امام را نمی شناسد و او را انکار هم نمی کند ۲۴۲
- ۱۵۳ - شرایط امامت و ویژگیهای امام ۲۴۲
- ۱۵۴ - انتخاب امام ۲۴۸
- ۱۵۵ - حدیث ثقلین ۲۴۹
- ۱۵۶ - وجوب پیروی از اهل بیت علیهم السلام ۲۵۰
- ۱۵۷ - بخشی از ویژگی های اهل بیت علیهم السلام ۲۵۳
- ۱۵۸ - علت غصب حق اهل بیت علیهم السلام ۲۵۴
- ۱۵۹ - فلسفه حکومت از نگاه اهل بیت علیهم السلام ۲۵۴
- ۱۶۰ - اگر ترس از تفرقه و جدایی نبود ۲۵۵
- ۱۶۱ - امامان دوازده گانه ۲۵۶
- ۱۶۲ - علم امام ۲۵۸
- ۱۶۳ - وظایف پیشوایان عدل و حق ۲۵۹
- ۱۶۴ - حقوق متقابل امام و امت ۲۶۰
- ۱۶۵ - امامان شما فرستادگان شما هستند ۲۶۱
- ۱۶۶ - موانع امامت ۲۶۲
- ۱۶۷ - پیروی از پیشوای غیر حق ۲۶۲
- ۱۶۸ - پیشوایان دوزخ ۲۶۳
- ۱۶۹ - مدّعی امامت ۲۶۳
- ۱۷۰ - احادیث ساختگی برای تثبیت پیشوایان ستم ۲۶۵
- ۱۷۱ - ممنوعیت فرمانبری از کسی که فرمانبر خداوند سبحان نیست ۲۶۸
- ۱۷۲ - وجوب قیام علیه پیشوایان ستم ۲۷۰
- ۱۷۳ - آنچه «قیام نکردن» را روا می دارد ۲۷۲
- ۲۳ - امام جعفر صادق علیه السلام ۳۳۱
- ۲۱۷ - تصریح به امامت آن بزرگوار ۳۳۲
- ۲۱۸ - پارهای از مواعظ و مکارم اخلاق آن حضرت ۳۳۳
- ۲۳ - امام جواد علیه السلام ۳۵۷
- ۲۲۸ - تصریح به امامت آن بزرگوار ۳۵۸
- ۲۲۹ - علم امام جواد علیه السلام ۳۵۹
- ۲۳۰ - بخشش امام جواد علیه السلام ۳۵۹
- ۲۳۱ - برخی از کرامت های امام جواد علیه السلام ۳۶۰
- ۲۳ - امام حسن عسکری علیه السلام ۳۶۹
- ۲۳۵ - تصریح به امامت آن بزرگوار ۳۷۰
- ۲۳۶ - کرامت های امام در زندان ۳۷۰
- ۲۳۷ - پاسخ کتابی درباره تناقض قرآن ۳۷۲

- ۲۳- امام حسن مجتبیٰ ع - ۳۱۹
- ۲۰۳- تصریح به امامت آن بزرگوار ع - ۳۲۰
- ۲۰۴- حسن از من است و من از اویم ع - ۳۲۰
- ۲۰۵- دوست داشتن امام حسن ع - ۳۲۱
- ۲۰۶- فضائل امام حسن ع - ۳۲۱
- ۲۰۷- دستور او دستور من و گفته او گفته من است ع - ۳۲۳
- ۲۳- امام حسین ع - ۳۲۵
- ۲۰۸- ولادت امام حسین ع - ۳۲۶
- ۲۰۹- تصریح به امامت آن بزرگوار ع - ۳۲۷
- ۲۱۰- حسین از من است و من از اویم ع - ۳۲۷
- ۲۱۱- فضایل امام حسین ع - ۳۲۸
- ۲۳- امام رضا ع - ۳۵۱
- ۲۲۲- تصریح به امامت آن بزرگوار ع - ۳۵۲
- ۲۲۳- مجبور کردن امام به پذیرش ولایتعهدی ع - ۳۵۲
- ۲۲۴- امام در زندان سرخس ع - ۳۵۳
- ۲۲۵- آشنایی امام به زبانهای مختلف ع - ۳۵۳
- ۲۲۶- آرامش امام ع - ۳۵۳
- ۲۲۷- ویژگی های امام رضا ع - ۳۵۵
- ۲۳- امام سجاد ع - ۳۳۳
- ۲۱۲- تصریح به امامت آن بزرگوار ع - ۳۳۳
- ۲۱۳- فضایل امام زین العابدین ع - ۳۳۳
- ۲۳- امام محمد باقر ع - ۳۳۷
- ۲۱۴- تصریح به امامت آن بزرگوار ع - ۳۳۸
- ۲۱۵- او دانش را تا ژرفایش می شکافد ع - ۳۳۸
- ۲۱۶- برخی از فضایل امام باقر ع - ۳۳۹
- ۲۳- امام موسی کاظم ع - ۳۳۷
- ۲۱۹- تصریح به امامت آن حضرت ع - ۳۳۸
- ۲۲۰- امام در زندان ع - ۳۳۸
- ۲۲۱- برخی از فضایل امام کاظم ع - ۳۳۹
- ۲۳- امام مهدی ع - ۳۷۵
- ۲۲۸- نامهای امام ع - ۳۷۶
- ۲۳۹- تصریح به امامت آن حضرت ع - ۳۷۷
- ۲۴۰- بشارت به امام مهدی ع - ۳۷۷
- ۲۴۱- مهدی ع، بقیة الله در زمین است ع - ۳۷۹
- ۲۴۲- قیامت برپا نمی شود تا مهدی ع ظهور کند ع - ۳۸۰
- ۲۴۳- مردی از خاندان پیامبر ع، زمین را از داد می آکند ع - ۳۸۰
- ۲۴۴- همنامی آن امام و پیامبر ع - ۳۸۱
- ۲۴۵- دو غیبت امام قائم ع - ۳۸۲
- ۲۴۶- دشوار بودن دینداری در زمان غیبت امام ع - ۳۸۲
- ۲۴۷- دعا در زمان غیبت امام ع - ۳۸۳
- ۲۴۸- قیام کردن قبل از قیام قائم ع - ۳۸۵
- ۲۴۹- انتظار فرج ع - ۳۸۷
- ۲۵۰- انتظار فرج، برترین عبادت است ع - ۳۸۸
- ۲۵۱- مقام منتظران مهدی ع - ۳۸۸
- ۲۵۲- ظهور قائم ع پس از نومیدی مردم ع - ۳۸۹
- ۲۵۳- تعیین کنندگان وقت ظهور دروغ می گویند ع - ۳۸۹
- ۲۵۴- سبب غیبت ع - ۳۹۰
- ۲۵۵- بهره گیری مردم از امام در زمان غیبت ع - ۳۹۳
- ۲۵۶- نشانه های ظهور ع - ۳۹۳
- ۲۵۷- در هنگام ظهور ع - ۳۹۶
- ۲۵۸- یاران امام ع - ۳۹۷
- ۲۵۹- رفتار امام با ستمگران، پس از قیام ع - ۳۹۸
- ۲۶۰- نوآوری قائم ع - ۳۹۸
- ۲۶۱- جهان، پس از ظهور امام مهدی ع - ۳۹۹
- ۲۶۲- پس از قائم ع - ۴۰۱

- ۲۳- امام هادی علیه السلام ۳۶۳
- ۲۳۲- تصریح به امامت آن بزرگوار ۳۶۴
- ۲۳۳- پیشگویی از کشته شدن متوکل ۳۶۴
- ۲۳۴- خبر دادن امام از ضمیر عبد الرحمان ۳۶۶
- ۲۵- امامتداری ۳۶۵
- ۳۰۲- امامتداری ۳۶۶
- ۳۰۳- برگرداندن امانت در هر حال واجب است ۳۶۷
- ۳۰۴- ایمان ندارد کسی که امانتدار نیست ۳۶۹
- ۳۰۵- دستاوردهای امامتداری ۳۷۰
- ۳۰۶- کسانی که نباید به آنها امانت سپرد ۳۷۰
- ۳۰۷- تاوانی بر عهده امین نیست ۳۷۱
- ۳۰۸- امانت الهی ۳۷۲
- ۲۱- اَمّت ۲۱۳
- ۱۲۷- جایگاه اَمّت اسلامی ۲۱۳
- ۱۲۸- بهترین های اَمّت ۲۱۵
- ۱۲۹- اَمّت میانه ۲۱۵
- ۱۳۰- موجبات خیر و خوبی اَمّت ۲۱۷
- ۱۳۱- مقام اَمّت اسلامی در آخرت ۲۱۷
- ۱۳۲- چیرگان و قیام کنندگان اَمّت اسلامی ۲۱۸
- ۱۳۳- هجوم ملتها بر ضدّ اَمّت اسلام ۲۱۹
- ۱۳۴- آنچه پیامبر از آنها بر اَمّتش بیمناک بود ۲۲۰
- ۱۳۵- بیمناک ترین چیزهایی که پیامبر از آنها ۲۲۱
- بر اَمّتش می ترسید ۲۲۱
- ۲۸- افسان ۲۸۳
- ۳۱۴- کرامت انسانها ۲۸۴
- ۳۱۵- کرامت مؤمن ۲۸۵
- ۳۱۶- آنچه انسان را برتری می دهد ۲۸۵
- ۳۱۷- حکمت آفرینش انسان ۲۸۶
- ۳۱۸- چگونگی آفرینش انسان ۲۸۹
- ۳۱۹- ناتوانی انسان ۲۹۰
- ۳۲۰- ارزش انسان ۲۹۰
- ۳۲۱- ویژگی انسان کامل ۲۹۱
- ۱- ایثار ۱۷
- ۱- تشویق به ایثار ۱۸
- ۲- ارزش ایثار ۲۲
- ۳- برکات ایثار ۲۶
- ۴- ارزش ایثارگران ۳۱
- ۲۳- ایمان ۲۰۳
- ۲۶۳- ایمان ۲۰۴
- ۲۶۴- ایمان و اسلام ۲۰۴
- ۲۶۵- ریشه ایمان ۲۰۶
- ۲۶۶- پیوند ایمان و عمل ۲۰۶
- ۲۶۷- پیوند ایمان و مکارم اخلاقی ۲۰۸
- ۲۶۸- نشانه های ایمان حقیقی ۲۰۹
- ۲۶۹- مُرَجّثه ۲۱۳
- ۲۷۰- نقش گناهان در از بین بردن ایمان ۲۱۳
- ۲۷۱- روایاتی که می گویند گناهان اثری در ۲۱۶
- زوال ایمان ندارند ۲۱۶
- ۲۷۲- ایمان خالصانه ۲۱۶
- ۲۷۳- کمال ایمان ۲۱۸
- ۲۷۴- آنچه مایه کمال ایمان است ۲۱۸
- ۲۷۵- ایمان و آرامش ۲۲۲
- ۲۷۶- افزایش یافتن ایمان ۲۲۳
- ۲۷۷- درجات ایمان ۲۲۹
- ۲۷۸- برترین ایمان ۲۳۰

- ۲۷۹ - شاخه‌های ایمان ۳۳۱
- ۲۸۰ - ارکان ایمان ۳۳۱
- ۲۸۱ - محکمترین دستگیره‌های ایمان ۳۳۲
- ۲۸۲ - ایمان استوار و ایمان ناپایدار ۳۳۳
- ۲۸۳ - عوامل استوار شدن ایمان ۳۳۴
- ۲۸۴ - چشیدن طعم ایمان ۳۳۵
- ۲۸۵ - نچشیدن طعم ایمان ۳۳۶
- ۲۸۶ - نچشیدن حلاوت ایمان ۳۳۷
- ۲۸۷ - کمترین درجه ایمان ۳۳۸
- ۲۸۸ - آنچه انسان را از ایمان خارج می‌کند ۳۳۸
- ۲۸۹ - کمترین چیزی که انسان را از ایمان خارج می‌کند ۳۳۸
- ۲۹۰ - آنچه از ایمان به دور است ۳۳۸
- ۲۹۱ - مقتضیات ایمان ۳۳۳
- ۲۹۲ - علت نامگذاری مؤمن به این نام ۳۳۵
- ۲۹۳ - بزرگی مؤمن ۳۳۵
- ۲۹۴ - مؤمنان همچون یک پیکرند ۳۳۷
- ۲۹۵ - مؤمن کیست؟ ۳۳۸
- ۲۹۶ - صلابت مؤمن ۳۵۷
- ۲۹۷ - کرنش همه چیز، در برابر مؤمن ۳۵۷
- ۲۹۸ - مؤمنان کمیاب‌اند ۳۵۸
- ۲۹۹ - نشانه‌های مؤمن ۳۶۰
- ۳۰۰ - برترین مؤمنان ۳۶۱
- ۳۰۱ - فضیلت کسی که نادیده به پیامبر ۳۶۲
- ایمان آورد ۳۶۲
- ۳۲ - باطل ۵۶۱
- ۳۶۴ - باطل ۵۶۲
- ۳۶۵ - تشخیص حق از باطل ۵۶۳
- ۳۶۶ - در آمیختن حق و باطل ۵۶۵
- ۳۶۷ - یقین نکردن به حق بودن باطل ۵۶۶
- ۳۱ - بُخل ۵۰۳
- ۳۲۵ - بُخل ۵۰۳
- ۳۲۶ - بخیل ۵۰۶
- ۳۲۷ - خصلت‌های بخیل ۵۰۸
- ۳۲۸ - آسایش نداشتن بخیل ۵۰۹
- ۳۲۹ - بخیل‌ترین مردم ۵۰۹
- ۳۳۰ - نشانه بخل ۵۱۰
- ۳۳ - بداء ۵۱۹
- ۳۳۹ - ستایش بداء ۵۲۰
- ۳۴۰ - معنای بداء ۵۲۱
- ۳۴۱ - بدای محال ۵۲۱
- ۳۲ - بدعت ۵۱۱
- ۳۳۱ - بدعت ۵۱۲
- ۳۳۲ - بدعتگذاران ۵۱۳
- ۳۳۳ - معنای بدعت ۵۱۳
- ۳۳۴ - روی گرداندن از بدعتگذار ۵۱۴
- ۳۳۵ - بدعتگذار و عبادت ۵۱۵
- ۳۳۶ - بطلان عمل بدعتگذار ۵۱۶
- ۳۳۷ - توبه بدعتگذار ۵۱۶
- ۳۳۸ - وظیفه علما به هنگام پدید آمدن بدعتها ۵۱۷
- ۶ - برادر ۶۷
- ۳۱ - مؤمن برادر مؤمن است ۶۸
- ۳۲ - افزودن بر شمار برادران ۶۹
- ۳۳ - دوست داشتن برادران ۷۰
- ۳۴ - آنچه دوستی را پایدار می‌کند ۷۱
- ۳۵ - برادری برای خدا ۷۳

- ۳۶- برادری (دوستی) برای دنیا..... ۷۳
- ۳۷- نتایج برادری و دوستی دینی..... ۷۲
- ۳۸- عوامل برهم زننده برادری..... ۷۵
- ۳۹- اظهار محبت نسبت به برادر..... ۷۶
- ۴۰- دوست داشتن برادر [دینی] نشانه آن است که او نیز برادرش را دوست دارد..... ۷۶
- ۴۱- بریدن از برادران..... ۷۸
- ۴۲- پیوند با برادران..... ۷۹
- ۴۳- اقسام برادران..... ۷۹
- ۴۴- برادر قابل اعتماد..... ۸۰
- ۴۵- نهی از برخی دوستها..... ۸۱
- ۴۶- نگه داشتن برادری های دیرین..... ۸۲
- ۴۷- برادری حقیقی..... ۸۳
- ۴۸- انتخاب برادر..... ۸۴
- ۴۹- تحمل لغزش برادر..... ۸۴
- ۵۰- بهترین برادران..... ۸۶
- ۵۱- برادر کامل..... ۸۸
- ۵۲- بدترین برادران..... ۹۰
- ۵۳- آزمودن برادران..... ۹۰
- ۵۴- راهنمایی برادران..... ۹۱
- ۵۵- احترام و بزرگداشت برادران..... ۹۲
- ۵۶- برآوردن نیاز برادران..... ۹۳
- ۵۷- آداب برادری..... ۹۵
- ۳۷- برزخ..... ۵۳۷
- ۳۵۱- برزخ..... ۵۳۸
- ۳۵۲- نادرستی گفته هایی که جان مؤمنان را در چینه دان پرندگانی سبزرنگ می داند..... ۵۳۹
- ۳۵۳- ارواح مؤمنان در برزخ..... ۵۴۰
- ۳۵۴- ارواح کافران در برزخ..... ۵۴۱
- ۳۸- برکت..... ۵۴۳
- ۳۵۵- معنای برکت..... ۵۴۴
- ۳۵۶- عوامل برکت زدا..... ۵۴۴
- ۳۵۷- عوامل برکت زدا..... ۵۴۷
- ۳۹- برهان..... ۵۴۹
- ۳۵۸- برهان خداوند..... ۵۵۰
- ۳۵۹- برهان خواهی خداوند..... ۵۵۱
- ۳۳- بغض و نفرت..... ۵۶۷
- ۳۶۸- افراد منفور نزد خدا..... ۵۶۸
- ۳۶۹- منفورترین کس نزد خدا..... ۵۶۹
- ۳۷۰- منفورترین فرد نزد پیامبر..... ۵۷۳
- ۳۷۱- منفورترین اخلاق نزد خدا..... ۵۷۴
- ۳۷۲- کارهای منفور نزد خدا..... ۵۷۴
- ۳۷۳- منفورترین کارها نزد خدا..... ۵۷۵
- ۳۷۴- منفورترین مکان ها نزد خدا..... ۵۷۵
- ۳۷۵- نفرت..... ۵۷۶
- ۳۱- بیفیش..... ۵۵۷
- ۳۶۲- بینش..... ۵۵۸
- ۳۶۳- بیناترین مردم..... ۵۵۹
- ۲- پاداش..... ۳۵
- ۵- کار برای پاداش..... ۳۶
- ۶- پاداش نیکوکار ضایع نمی شود..... ۳۶
- ۷- ویژگیهای مزد آخرت..... ۳۷
- ۸- کسی که دوبار مزد داده می شود..... ۳۹
- ۱۰- تاریخ..... ۱۲۹
- ۸۲- اهمیت شناخت تاریخ..... ۱۳۰
- ۸۳- تشویق به شناخت تاریخ..... ۱۳۱

- ۸۴- پایداری قوانین تاریخ ۱۳۳
- ۸۵- عبرت آموزی از تاریخ ۱۳۳
- ۲۳- حسنین علیه السلام ۳۱۳
- ۱۹۸- نامگذاری آن دو بزرگوار ۳۱۲
- ۱۹۹- دو سرور جوانان بهشت ۳۱۶
- ۲۰۰- دوست داشتن حسنین علیه السلام ۳۱۶
- ۲۰۱- هدیه پیامبر به حسنین علیه السلام ۳۱۶
- ۲۰۲- امامت حسنین علیه السلام ۳۱۷
- ۱۶- خوردن ۱۷۷
- ۱۰۵- کم خوری ۱۷۸
- ۱۰۶- پر خوری ۱۷۹
- ۱۰۷- به اندازه خوردن و تأثیر آن در تندرستی ۱۸۲
- ۱۰۸- زیان های پرخوری ۱۸۲
- ۱۰۹- سیری شکم، تباه کننده پارسایی ۱۸۳
- ۱۱۰- گرمگی ۱۸۴
- ۱۱۱- رهاورد گرمگی ۱۸۵
- ۱۱۲- اندازه خوردن ۱۸۶
- ۱۱۳- از آداب سفره ۱۸۶
- ۲۰- خوشرویی ۵۵۳
- ۳۶۰- خوشرویی ۵۵۴
- ۳۶۱- برابری هشدار و نوید ۵۵۶
- ۱۱- زمین ۱۴۷
- ۸۶- زمین ۱۴۸
- ۸۷- آماده سازی زمین برای زندگی ۱۴۹
- ۸۸- یکی از احکام زمین ۱۵۰
- ۸۹- هر کس زمینی را احیا کند از آن اوست ۱۵۰
- ۹۰- نابود کردن زمین های آباد ۱۵۱
- ۲۶- زنهار دادن ۲۷۵
- ۳۰۹- امان دادن ۲۷۶
- ۳۱۰- وفای به پیمان ۲۷۷
- ۳۱۱- احترام به پیمانها و امانها ۲۷۷
- ۲۵- سرکش ۵۸۱
- ۳۷۷- سرکش ۵۸۲
- ۳۷۸- جنگیدن با مسلمانان سرکش اهل بغی ۵۸۳
- ۳۷۹- جنگیدن با کسی که در خاک اسلام علیه ۳۷۹
- امام قیام کند ۵۸۶
- ۳۸۰- پیشدستی در جنگ با سرکشان ۵۸۷
- ۳۸۱- جواز کشتن سرکشان اسیر شده ۵۸۷
- ۳۸۲- حکم کشتن کسی که با امام مسلمانان ۳۸۲
- آشکارا دشمنی می ورزد ۵۸۸
- ۳۳- سرکشی ۵۷۷
- ۳۷۶- سرکشی ۵۷۸
- ۱۳- سرمشق ۱۵۷
- ۹۴- سرمشق ۱۵۸
- ۹۵- سرمشق های نیکو ۱۵۹
- ۹۶- سرمشق های بد ۱۶۱
- ۲۹- ظرف ۴۹۳
- ۳۲۲- بهداشت ظروف ۴۹۳
- ۳۲۳- ظروف طلا و نقره ۴۹۳
- ۱۹- فرمانروایی ۱۹۹
- ۱۱۷- ضرورت فرمانروایی و حکومت ۲۰۰
- ۱۱۸- فرمانروایی بدکاران ۲۰۱

- ۱۱۹- ارزش حکومت ۲۰۲
- ۲۳- مادر امامان، فاطمه علیها السلام ۳۰۷
- ۱۹۳- نام‌های حضرت فاطمه علیها السلام ۳۰۸
- ۱۹۴- فاطمه علیها السلام، پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله ۳۰۸
- ۱۹۵- فاطمه علیها السلام، سرور زنان عالم است ۳۰۹
- ۱۹۶- خشم خدا با خشم فاطمه علیها السلام ۳۱۰
- ۱۹۷- در مصیبت حضرت فاطمه علیها السلام ۳۱۰
- ۱۲- مواسات ۱۶۳
- ۹۷- تشویق به مواسات ۱۶۴
- ۹۸- آثار مواسات ۱۶۸
- ۳۶- نیکوکاری ۵۳۱
- ۳۴۵- نیکی ۵۳۲
- ۳۴۶- درها و گنجهای نیکی ۵۳۳
- ۳۴۷- نشانه نیکوکار ۵۳۳
- ۳۴۸- مراتب نیکی ۵۳۵
- ۳۴۹- فرمان به نیکی با یکدیگر ۵۳۵
- ۳۵۰- کمال نیکی ۵۳۶
- ۳۵- ولخرجی ۵۲۷
- ۳۴۳- ولخرجی ۵۲۸
- ۳۴۴- معنای ولخرجی ۵۲۸
- ۲۷- همدمی ۲۷۹
- ۳۱۲- انس ۲۸۰
- ۳۱۳- انس با خدا ۲۸۰



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی